



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

شناخت نامہ

حضرت خدیجہ
سلام اللہ علیہا



جلد سوم

ناصر رفیعی محمدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده:

ناصر رفیعی

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	شناخت نامه حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام جلد ۳
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۴	فهرست اجمالی جلد سوم
۳۰	۴۱- فروغ آسمان حجاز: نقش حضرت خدیجه عَلَیْهَا السَّلَام در انتشار اسلام
۳۰	اشاره
۳۰	چکیده
۳۱	اولین زن مسلمان
۳۳	تبلیغات دینی حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام)
۳۶	جریان انذار عشیره
۳۷	نقش حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام) در شعب ابی طالب
۳۸	حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام) در بستر بیماری
۳۹	وصیت نامه حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام)
۴۰	رحلت جانسوز امّ المؤمنین
۴۱	تکریم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام)
۴۱	افتخار و اکرام ائمه: نسبت به حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام)
۴۳	کتابنامه
۴۶	۴۲- نقش طاهره قریش خدیجه (سلام علیه) در زندگی و پیروزی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله و سلم)
۴۶	اشاره
۴۶	چکیده
۴۶	ولادت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام)
۴۷	خاندان خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام)
۴۸	خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَام) پیش از ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

۵۰	محبوبه بی نظیر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ)
۵۲	والایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۵۳	معیارهای ارزشی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتخاب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ)
۵۴	گذشت مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حمایت اجتماعی وی از حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ)
۵۶	فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۵۸	مرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۵۹	کتابنامه
۶۱	۴۳- نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه(سلام علیه)
۶۱	اشاره
۶۱	چکیده
۶۴	۱. فضائل اخلاقی و علمی
۶۶	۲. پرورش فرزندان صالح
۶۸	۳. توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان
۶۹	۴. رعایت آیین شوهرداری
۶۹	اشاره
۷۰	الف ابراز محبت
۷۰	ب طرح غیرمستقیم خواسته ها
۷۴	۵. برترین معیارهای انتخاب همسر
۷۵	کتابنامه
۷۸	۴۴- حضرت خدیجه(سلام علیه)، الگوی عفت و پاک دامنی
۷۸	اشاره
۷۸	چکیده
۷۹	عفاف در قرآن
۸۰	رابطه عفاف و حجاب
۸۱	ارتباط عفاف و غیرت
۸۲	حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفاف

- ۸۲ اشاره
- ۸۳ الف مظهر عفاف در خانواده
- ۸۴ ب عفاف معیار انتخاب
- ۸۴ ج تربیت فرزندان عقیف
- ۸۵ د پاسدار حریم حیا
- ۸۶ ه در اوج حیا و عفاف
- ۸۷ ز عفت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از منظر اهل نظر
- ۸۸ در فراق بانوی پاک
- ۸۸ کتابنامه
- ۹۰ ۴۵- پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و خدیجه (سلام علیه)؛ ادب و عاطفه
- ۹۰ اشاره
- ۹۰ چکیده
- ۹۲ زمینة ازدواج با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)
- ۹۲ علایم نبوت در سفر تجارت
- ۹۳ عشق سرشار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ)
- ۹۴ محبت و علاقه دو جانبه
- ۹۵ ادب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در برابر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)
- ۹۸ قدردانی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
- ۱۰۰ کتابنامه
- ۱۰۱ ۴۶- حضرت خدیجه (سلام علیه)
- ۱۰۱ اشاره
- ۱۰۱ چکیده
- ۱۰۲ ۱. نسب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
- ۱۰۲ ۲. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در قرآن
- ۱۰۳ ۳. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ)
- ۱۰۴ ۴. سخنان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در عظمت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

۵. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از زبان حضرت آدم ۷ - ۱۰۵
۶. ایمان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) - ۱۰۵
۷. ویژگی های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) - ۱۰۶
- اشاره - ۱۰۶
- الف ایمان - ۱۰۶
- ب تدبیر عالمانه - ۱۰۷
- ج یگانه یاور اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) - ۱۰۷
- د قابله شدن چهار زن بهشتی برای او - ۱۰۸
- ه از بانوان برتر بهشتی - ۱۰۸
- و دعاها و باور راسخ به خدا - ۱۰۸
- ز کفن مخصوص - ۱۰۸
- ح مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت - ۱۰۹
- ط رجعت پس از ظهور حضرت مهدی - ۱۰۹
۸. علت نمونه بودن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) - ۱۱۰
- کتابنامه - ۱۱۰
- ۴۷- هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره (سلام علیه) - ۱۱۳
- اشاره - ۱۱۳
- چکیده - ۱۱۳
- مقدمه - ۱۱۴
- هفت نکته قرآنی در سیره حضرت خدیجه طاهره - ۱۱۵
- عفاف و پاک دامنی - ۱۱۵
- ازدواج معنوی - ۱۱۶
- اسلام و ایمان - ۱۱۶
- اقامه نماز - ۱۱۷
- هجرت - ۱۱۷
- شکیبایی و ثبات قدم - ۱۱۸

- ۱۱۹ - انفاق و بخشش
- ۱۲۰ - کتابنامه
- ۱۲۳ - ۴۸- فضایل، فرزندان، وصیت، رحلت جانسوز و مقامات حضرت خدیجه (سلام علیه).....
- ۱۲۳ - اشاره
- ۱۲۳ - چکیده
- ۱۲۴ - مقام بسیار ارجمند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۲۹ - خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در دنیا و آخرت
- ۱۳۰ - نگاهی به مقام آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۳۰ - حضرت آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟.....
- ۱۳۱ - حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟.....
- ۱۳۲ - حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟.....
- ۱۳۶ - ارتباط عمیق خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با خداوند و اعتقاد نیرومند او.....
- ۱۳۷ - خانه مبارک خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۳۸ - یاد همیشگی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۴۱ - تمجید پیاپی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در طول یک ماه.....
- ۱۴۳ - چشم اشکبار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) با دیدن گردنبنند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۴۴ - فدک به جای مهریه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۴۶ - خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آئینه معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ).....
- ۱۴۷ - ۱. سلام خدا بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۴۷ - ۲. پیوند مقدس اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از معراج.....
- ۱۴۸ - ۳. سرچشمه شگفت انگیز ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۵۱ - پاسخ به یک سؤال.....
- ۱۵۲ - کناره گیری چهل روز اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۵۴ - خاطره شب ملاقات با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ)، از زبان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۵۵ - ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و احترام بانوان بزرگ از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).....
- ۱۵۷ - تسلی خاطر فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رحم مادر، به مادرش در ماجرای شق القمر.....

۱۶۰ کتابنامه
۱۶۳ ۴۹- فرزندان حضرت خدیجه(سلام علیه) -
۱۶۳ اشاره -
۱۶۳ چکیده
۱۶۷ ام کلثوم و رقیه -
۱۶۸ فاطمه زهرا ۳- -
۱۶۹ کتابنامه
۱۷۲ ۵۰- ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه(سلام علیه) -
۱۷۲ اشاره -
۱۷۲ چکیده
۱۷۲ مقدمه -
۱۷۳ ۱. به یاد خدا بودن
۱۷۵ ۲. شجاعت و کفایت
۱۷۹ ۳. حیا و عفت
۱۸۱ ۴. بخشندگی و سخاوت
۱۸۳ ۵. شریک و مشاور همه
۱۸۴ ۶. صبر بر مشکلات
۱۸۵ ۷. مهر و حق شناسی
۱۸۷ ۸. ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه
۱۹۰ ۹. قدرت مدیریت
۱۹۱ ۱۰. ابتکار و استقلال جویی
۱۹۲ ۱۱. هدف داری و فداکاری
۱۹۳ ۱۲. حق جویی و حق پذیری
۱۹۴ ۱۳. درایت و خردمندی
۱۹۵ نتیجه
۱۹۵ کتابنامه

۱۹۹ ۵۱- و کجاست مثل خدیجه؟
۱۹۹ اشاره
۱۹۹ چکیده
۱۹۹ مقدمه
۲۰۰ اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلی
۲۰۲ رویش ستاره
۲۰۶ فصل وصل
۲۰۷ قبل از طلوع وحی
۲۰۸ فرزندان خورشید
۲۰۹ رسالت غیر علنی
۲۱۱ ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۲۱۲ اظهار اسلام
۲۱۳ دعوت آشکار
۲۱۳ اشاره
۲۱۳ ۱. حمایت اجتماعی
۲۱۴ ۲. حمایت های عملی و مالی
۲۱۴ به سوی معبود
۲۱۶ به یاد تو
۲۱۷ کتابنامه
۲۲۲ ۵۲- مقام حضرت خدیجه (سلام علیه) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم)
۲۲۲ اشاره
۲۲۲ چکیده
۲۲۵ ضرورت بیان فضائل زنان شایسته
۲۲۶ ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۲۲۶ اشاره
۲۲۸ الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی

- ۲۲۸ اشاره
- ۲۲۸ ۱. سلام خاص الهی
- ۲۲۹ ۲. فرستادگان ویژه الهی
- ۲۳۰ ۳. کفن بهشتی
- ۲۳۰ ۴. در قصری از بهشت
- ۲۳۱ ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)
- ۲۳۱ اشاره
- ۲۳۲ ۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام)
- ۲۳۳ ۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام)
- ۲۳۵ کتابنامه
- ۲۳۶ ۵۳- نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم)
- ۲۳۶ اشاره
- ۲۳۶ چکیده
- ۲۳۸ ۱. نگرش ارزشی
- ۲۴۰ ۲. احترام به شخصیت پیامبر ۹
- ۲۴۰ ۳. تلاش برای جلب رضایت
- ۲۴۲ ۴. تصدیق و تأیید اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)
- ۲۴۳ ۵. انفاق اموال
- ۲۴۴ ۶. تحمل پذیری و صبر
- ۲۴۵ ۷. انیس و غم زدای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)
- ۲۴۶ ۸. مجاهدت و دفاع از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)
- ۲۴۸ کتابنامه
- ۲۵۰ ۵۴- سیما و منش زیبای خدیجه (سلام علیه)
- ۲۵۰ اشاره
- ۲۵۰ چکیده
- ۲۵۰ انسان ها از نظر منش و روش

- از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ----- ۲۵۲
۱. موهبت نواندیشی و نوگرایی ----- ۲۵۳
- اشاره ----- ۲۵۳
- ویژگی نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ----- ۲۵۴
- خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در اندیشهٔ جامعه و جهانی نو ----- ۲۵۵
- خاستگاه نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ----- ۲۵۶
- مایه های روشنفکری و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ----- ۲۵۷
۲. قدرت مدیریت و ساماندهی ----- ۲۵۸
۳. ابتکار و استقلال جویی ----- ۲۵۹
۴. ویژگی هدف داری و فداکاری ----- ۲۶۰
۵. ویژگی حق جویی و حق پذیری ----- ۲۶۱
۶. درایت و خردمندی ----- ۲۶۲
۷. پاک منشی و نجابت ----- ۲۶۳
۸. بانوی دانش و بینش ----- ۲۶۴
- اشاره ----- ۲۶۴
- الف در دانش تعبیر خواب ----- ۲۶۴
- ب در شناخت ادیان و مذاهب ----- ۲۶۵
- ج بانوی روایت و درایت ----- ۲۶۶
- د بانوی ادب و هنر ----- ۲۶۷
۹. گزینش تحسین برانگیز و تاریخ ساز ----- ۲۶۹
۱۰. پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت ----- ۲۷۱
- اشاره ----- ۲۷۱
- الف پیشتازی در اسلام ----- ۲۷۱
- ب پیشگامی در ایمان ----- ۲۷۲
- ج پیشگامی در نماز ----- ۲۷۳
- د در بیعت برای حمایت از پیامبر آزادی ----- ۲۷۵

- ۲۷۶ امتیازات اسلام و ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
- ۲۷۷ راز نواندیشی و پیشتازی او
- ۲۷۸ ۱۱. همگامی با امیر ۷ در راه آزادی
- ۲۷۸ اشاره
- ۲۷۸ الف مرتبی و مدافع لایق روزگار کودکی امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)
- ۲۷۹ ب مهر وصف ناپذیر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)
- ۲۸۰ انگیزه های این مهر خالصانه
- ۲۸۱ ج همفکر امیر آزادی در دفاع از اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) و آیین او
- ۲۸۲ د نخستین بیعت کننده با امیر مؤمنان ۷
- ۲۸۲ ۱۲. پرتوی از نیایش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
- ۲۸۳ ۱۳. پرتوی از عبادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
- ۲۸۵ ۱۴. یار همراه اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) در راه رشد و نجات جامعه
- ۲۸۶ ۱۵. نمونه حق شناسی و رعایت حقوق زیردستان
- ۲۸۷ ۱۶. نمونه شجاعت و شهامت
- ۲۸۹ ۱۷. ویژگی بخشنده‌گی و بزرگ منشی
- ۲۹۱ گواهی اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) به بلندنظری و بخشنده‌گی او
- ۲۹۱ پدیده اسلام و پیشرفت شگفت آور آن
- ۲۹۳ راز این دگرگونی و پیشرفت
- ۲۹۵ نقش ممتاز بانوی آزادی در حمایت از اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ)
- ۲۹۷ کتابنامه
- ۳۰۱ ۵۵- خدیجه(سلام علیه) اسوه فضیلت
- ۳۰۱ اشاره
- ۳۰۱ چکیده
- ۳۰۲ الف آگاهی و اطلاعات
- ۳۰۵ ب شجاعت
- ۳۰۷ ج مدیریت

- د ولایت مداری ۳۰۹
- اشاره ۳۰۹
- یک. مرتبی و مدافع علی (عَلَيْهِ السَّلَام) ۳۰۹
- دو. مهر وصف ناپذیر ۳۱۰
- سه. نخستین بیعت کننده با علی (عَلَيْهِ السَّلَام) ۳۱۱
- محبّت بی نظیر ۳۱۲
- کتابنامه ۳۱۲
- ۵۶- برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری (سلام علیه) ۳۱۷
- اشاره ۳۱۷
- چکیده ۳۱۷
- فصل رویش ۳۱۸
- فرازهایی از فضیلت های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) ۳۲۰
- حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) از دید بزرگان ۳۲۳
- کارآفرینی و اشتغال زایی ۳۲۷
- نویدهای نورانی ۳۳۱
- ایثار، مقاومت و بردباری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) ۳۳۴
- رحلت و بعد از آن ۳۳۹
- کتابنامه ۳۴۰
- ۵۷- مقام حضرت خدیجه (سلام علیه) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) ۳۴۴
- اشاره ۳۴۴
- چکیده ۳۴۴
- ضرورت بیان فضا ئل زنان شایسته ۳۴۷
- ریشهٔ مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) ۳۴۸
- الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در پیشگاه الهی ۳۵۰
- اشاره ۳۵۰
۱. سلام خاص الهی ۳۵۰

- ۲ . فرستادگان ویژه الهی ۳۵۱
- ۳ . کفن بهشتی ۳۵۲
- ۴ . در قصری از بهشت ۳۵۲
- ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۳۵۳
- اشاره ۳۵۳
- ۱ . یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) ۳۵۴
- ۲ . اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) ۳۵۵
- کتابنامه ۳۵۷
- ۵۸- فضیلت خدیجه (سلام علیه) در گفتار بزرگان ۳۵۸
- اشاره ۳۵۸
- چکیده ۳۵۸
- یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در خواستگاری حضرت زهرا ۳- ۳۶۲
- خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در احادیث معراج نبی ۳۶۳
- گفتار انبیای الهی ، ائمه و اصحاب صدر اسلام ۳۶۳
- خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در ادعیه ، زیارت نامه ها ، و واژگان مقدس ۳۶۵
- خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در کلام اندیشمندان و بزرگان معاصر ۳۶۶
- کتابنامه ۳۶۷
- ۵۹- حضرت خدیجه (سلام علیه) از دیدگاه شیعه و سنی ۳۷۱
- اشاره ۳۷۱
- چکیده ۳۷۱
- ۱ . حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَام) ۳۷۲
- ۲ . ام المؤمنین حضرت ام سلمه ۳۷۲
- ۳ . حضرت اسماء ۳ ۳۷۲
- ۴ . حضرت صفیه ۳۷۳
- ۵ . حضرت محمد بن عبد الله بن حسن ۳۷۳
- ۶ . علی بن عیسی اربلی ۳۷۳

- ۷ . علامه ملا محمّد باقر مجلسی ----- ۳۷۵
- ۸ . ابن شهر آشوب ----- ۳۷۶
- ۹ . سیّد شرف الدّین ----- ۳۷۷
- ۱۰ . علامه مامقانی ----- ۳۷۷
- ۱۱ . آیت اللّٰه خویی ----- ۳۷۸
- ۱۲ . عبد اللّٰه بن زبیر ----- ۳۷۸
- ۱۳ . قاضی نعمان مغربی ----- ۳۷۹
- ۱۴ . سُبکی ----- ۳۷۹
- ۱۵ . محمّد بن احمد فُرطبی ----- ۳۸۰
- ۱۶ . ابن حجر عسقلانی ----- ۳۸۰
- ۱۷ . ابن مغزلی شافعی ----- ۳۸۱
- ۱۸ . ابوبکر احمد بیهقی ----- ۳۸۱
- ۱۹ . فضل بن روزبهان ----- ۳۸۱
- ۲۰ . شمس الدّین ذهبی ----- ۳۸۲
- ۲۱ . ابن کثیر دمشقی ----- ۳۸۲
- ۲۲ . تقی الدین احمد مقریزی ----- ۳۸۳
- ۲۳ . ابن عبدالبرّ ----- ۳۸۳
- ۲۴ . قندوزی حنفی ----- ۳۸۳
- ۲۵ . سبط بن جُوزی ----- ۳۸۳
- ۲۶ . ابن اثیر ----- ۳۸۵
- ۲۷ . ابن هشام ----- ۳۸۵
- ۲۸ . حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی ----- ۳۸۵
- ۲۹ . زینب بنت علی فواز عاملی ----- ۳۸۶
- ۳۰ . دکتّر موسی شاهین لاشین ----- ۳۸۶
- ۳۱ . شیخ عبد اللّٰه علایلی ----- ۳۸۷
- ۳۲ . عبدالعزیز شناوی ----- ۳۸۷

- ۳۳ . عمر ابونصر ۳۸۸
- ۳۴ . قدرتیه حسین ۳۸۸
- ۳۵ . بانو سنتیه قراعه ۳۸۸
- ۳۶ . دکتر علی ابراهیم حسن ۳۸۸
- ۳۷ . عمررضا کخاله ۳۸۹
- ۳۸ . سید احمد سایح ۳۸۹
- ۳۹ . بانو عایشه بنت الشاطی ۳۹۰
- ۴۰ . محمدعلی قطب ۳۹۱
- ۴۱ . احمد خلیل جمعه ۳۹۳
- ۴۲ . سلیمان کتانی ۳۹۵
- کتابنامه ۳۹۵
- ۶۰- خدیجه (سلام علیه) بانوی کارآفرین ۳۹۹
- اشاره ۳۹۹
- چکیده ۳۹۹
- شیوه های شایسته در تجارت و اشتغال زایی ۳۹۹
- خانه خدیجه (علیها السلام) ۴۰۴
- کتابنامه ۴۱۰
- ۶۱- مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه (سلام علیه) با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) ۴۱۳
- اشاره ۴۱۳
- چکیده ۴۱۳
- مناسبات اقتصادی خدیجه (علیها السلام) با پیامبر ۹ ۴۱۴
- اشاره ۴۱۴
- الف اجاره ۴۱۵
- ب مضاربه ۴۱۷
- ج اجاره و مضاربه ۴۱۸
- نقد و بررسی ۴۱۹

۴۲۰ میزان دستمزد
۴۲۱ محل تجارت
۴۲۱ اشاره
۴۲۱ ۱. شام:
۴۲۲ ۲. بُصری:
۴۲۲ ۳. خُبَاشَه:
۴۲۳ ۴. جُرُش:
۴۲۳ رخدادهای و وقایع پیش آمده در سفرهای بازرگانی
۴۳۰ نقد و بررسی
۴۳۵ نتیجه
۴۳۶ کتابنامه
۴۳۸ ۶۲- نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (سلام علیه) در گسترش اسلام
۴۳۸ اشاره
۴۳۸ چکیده
۴۳۸ مقدمه
۴۳۹ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نماد اصالت بخشی اسلام به زن
۴۴۱ نقش حمایتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان همسری بی بدیل
۴۴۵ حمایت و نقش روحی و اجتماعی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۴۴۷ حمایت اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)
۴۴۹ نتیجه گیری
۴۵۰ کتابنامه
۴۵۴ فهرست تفصیلی جلد سوم
۵۱۶ درباره مرکز

شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السَّلام جلد ۳

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السَّلام / ناصر رفیعی محمدی

مشخصات نشر: جامعه المصطفی العالمیه

مشخصات ظاهری: ۳ ج

موضوع: زندگینامه - حضرت خدیجه

موضوع: تاریخ - حضرت خدیجه

موضوع: جاهلیت - اسلام - حضرت خدیجه

موضوع: خدیجه (علیها السَّلام) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت.

موضوع: زنان مقدس مسلمان

Muslim women saints : موضوع

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

موضوع: * ۲۰th centry -- Texts -- (Snnites) Hadith

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

شناسه افزوده: Almstafa International niversityAlmstafa International Translation and

Pblication center

رده بندی کنگره: BP۲۶/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۲۲

ص: ۱

اشاره

شناخت نامه

حضرت خديجه (سلام الله عليها)

جلد سوم

ص: ۳

۴۱. فروغ آسمان حجاز: نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتشار اسلام ۷

اعظم ابوالحسنی

۴۲. نقش طاهره قریش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زندگی و پیروزی حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) ۲۳

اکبر حمیدزاده

۴۳. نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۳۷

عبدالکریم پاک نیا

۴۴. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفت و پاک دامنی... ۵۱

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

۴۵. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)؛ ادب و عاطفه.. ۶۳

علی اکبر صمدی

۴۶. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۳

سید غضنفر موسوی

۴۷. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۸۵

سید حسین حُرّ

۴۸. فضایل، فرزندان، وصیت، رحلت جانسوز و مقامات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۹۵

محمد محمدی اشتیاردی

۴۹. فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۳۳

سمیه صبوری

۵۰. ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۴۱

مهدی وزنه

۵۱. و کجاست مثل خدیجه؟. ۱۶۷

محمد عابدی

۵۲. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۱۸۹

علی امامی

۵۳. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۲۰۱

محمد میانجی

۵۴. سیما و منش زیبای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۵

علی کرمی فریدنی

۵۵. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اسوه فضیلت ... ۲۶۵

سید جواد حسینی

۵۶. برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۷۹

غلامرضا گلی زواره

۵۷. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۳۰۵

علی امامی

۵۸. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گفتار بزرگان ... ۳۱۷

۵۹. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دید گاه شیعه و سنی ... ۳۲۹

حسین تهرانی

۶۰. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی کارآفرین ... ۳۵۵

۶۱. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) ۳۶۹

منصوره اعتمادی

۶۲. نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گسترش اسلام ۳۹۳

سید صاحب برزین، حسین هژیریان

فهرست تفصیلی... ۴۰۹

ص: ۵

۴۱. فروغ آسمان حجاز: نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتشار اسلام ۷

اعظم ابوالحسنی

۴۲. نقش طاهره قریش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زندگی و پیروزی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ۲۳

اکبر حمیدزاده

۴۳. نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۳۷

عبدالکریم پاک نیا

۴۴. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفت و پاک دامنی... ۵۱

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

۴۵. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)؛ ادب و عاطفه.. ۶۳

علی اکبر صمدی

۴۶. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۳

سید غضنفر موسوی

۴۷. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۸۵

سید حسین حُرّ

۴۸. فضایل، فرزندان، وصیت، رحلت جانسوز و مقامات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۹۵

محمد محمدی اشتهاردی

۴۹. فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۳۳

سمیه صبوری

۵۰. ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۴۱

مهدی وزنه

۵۱. و کجاست مثل خدیجه؟. ۱۶۷

محمد عابدی

۵۲. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۱۸۹

علی امامی

۵۳. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۲۰۱

محمد میانجی

۵۴. سیما و منش زیبای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۵

علی کرمی فریدنی

۵۵. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اسوه فضیلت... ۲۶۵

سید جواد حسینی

۵۶. برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۷۹

غلامرضا گلی زواره

۵۷. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۳۰۵

علی امامی

۵۸. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گفتار بزرگان... ۳۱۷

۵۹. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدگاه شیعه و سنی... ۳۲۹

حسین تهرانی

۶۰. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی کارآفرین... ۳۵۵

غلامرضا گلی زواره

۶۱. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ۳۶۹

۶۲. نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گسترش اسلام ۳۹۳

سید صاحب برزین، حسین هژیریان

فهرست تفصیلی... ۴۰۹

ص: ۶

فروغ آسمان حجاز: نقش حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) در انتشار اسلام (۱)

اعظم ابوالحسنی

چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: یکی از مقامات شامخ حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ)، مبلغه بودن ایشان در امر دین و ترویج آن در میان مردم است. ایشان فقط به سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اکتفا نکرد؛ بلکه در نشر، رشد و شکوفایی دین نیز هم سو با نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کوشید و از جان و مال و راحتی و آسایش خود دریغ نداشت. تلاش های تبلیغی ایشان را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. تبلیغات زبانی، ۲. تبلیغات عملی. حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) همواره پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و کمالاتش را به مردم معرفی می کرد. برای مثال وقتی بعد از ازدواج با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، عموهای حضرت به خانه ایشان آمدند و در روز سوم بنا بر عادت همیشگی آن ها، سادات و بزرگان جمع شدند، عباس برخاست و صحبت کرد. سپس حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) فرمود: «بدانید که شأن محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و سلم) عظیم و بزرگ است و فضل او فراگیر و بخشش او زیاد.»

کلیدواژه: خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، تبلیغ زبانی، تبلیغ عملی، ثروت.

بخشی از زندگی حضرت خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) در کنار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده و از این جهت دارای اهمیت ویژه و قابل بررسی است، که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از زمان ظهور اسلام، در امر مهم بعثت یاری رساند؛ کار عظیمی که فشار روحی، روانی و جسمی فراوانی را بر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد می ساخت

ص: ۷

و منبعی از محبت و عاطفه، با همدمی عاقل و فهمیده را می طلبد، تا این مسائل را درک کند، در کنارش بایستد، او را یاری رساند و او کسی جز حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نبود. گر چه ابوطالب، عبدالمطلب و از همه مهم تر امام علی بن ابی طالب ۷ نیز بودند، ولی هیچ کس مانند همسر، نمی تواند در مواقع سخت و بحرانی، تکیه گاه روحی و روانی قابل اعتمادی برای مرد باشد. زمانی که مکه، در فساد ناشی از فکر و اندیشه شرک آلود غرق بود و خرافه ها و زشتی ها میان مردم به امری ساده، رایج و مرسوم مبدل شده بود، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیشتر وقتش را به عبادت در غار حرا می پرداخت و از شرک و بت پرستی آنها کناره گیری می کرد.

در این شرایط حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همراه و همدل واقعی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و خود را برای تقرب به خالق از طریق فراهم کردن وسایل برای پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) آماده می کرد، تا حضرت از مسائل جانبی برای توجه روحی فارغ شود. این کارها در اعتقادات دینی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ریشه داشت که از طریق کتب دینی و علما به نبوت حضرت دست یافته بود. (۱)

وقتی پیامبر ۹ در غار به سر می برد، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) غذا و نوشیدنی را برای حضرت فراهم، و سختی رساندن طعام با وجود ارتفاع کوه را تحمل می کرد و اوقاتی را هم در حرا با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همنشین می شد. به خاطر این زحمات بود که مستحق سلامی از جانب خدا شد. صحیحین (مسلم و بخاری) از «ابوهریره» نقل کرده اند: «جبرئیل نزد پیامبر ۹ آمد و عرض کرد: یا رسول! این خدیجه است که برای تو طعام و شراب (نوشیدنی) می آورد؛ پس زمانی که آمد، سلام ما را به او برسان و او را به خانه ای در بهشت از لؤلؤ که در آن سرزنش و سختی وجود ندارد، بشارت بده.» (۲)

اولین زن مسلمان

در سبقت ایمانی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر سایر زنان عالم، اتفاق نظر وجود دارد و کسی یا

ص: ۸

۱- قزوینی، سید محمد کاظم، حیاة السیده خدیجه من المهد الی اللحد، ص ۲۴۸.

۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ح ۱۰۳۴؛ ابن بطریق، یحیی بن حسن اسدی حلّی، العمده، ص ۳۹۵.

کتابی منکر این امر نشده است؛ به طوری که «ابن عبدالبر» در «استیعاب» نوشته است: «اتفاق وجود دارد که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اولین زنی است که به خدا و رسولش ایمان آورده و او را تصدیق کرده است.»^(۱)

«سهیلی» صاحب «الروض الانف» نوشته است: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صاحب خانه اسلام بود و آن گاه که او ایمان آورد، خانه اسلام بر روی زمین جز خانه او نبود.»^(۲)

سبقت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از میان زنان به اسلام، بیانگر ارج و مقام این زن در رسالت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) است و نیز این که در این رسالت، بین زن و مرد فرقی نیست.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز که در خانه رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و با تربیت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زندگی می کرد و مورد عنایات خاص قرار گرفته بود، در سن نوجوانی نبوت را تصدیق کرد. بنای اولیه اسلام در این خانه گذاشته شد و در هیچ خانه ای غیر از خانه حضرت محمد (صلی الله و آله وسلم)، اسلام وارد نشده بود.^(۳)

امیرالمؤمنین ۷ در باره این حادثه تاریخی عظیم می فرماید: «وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِيجَةَ أَنَا تَالِثُهُمَا؛^(۴) در آن زمان در خانه ای اسلام جمع نشده بود، غیر از بیت رسول الله و خدیجه، و من سومین آنها بودم.»

روایات متعددی در کتب تاریخی وجود دارد که سعی دارند اولین شخص مسلمان شده را به طور مطلق، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) معرفی کنند و بگویند که ایمان حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بعد از او بوده است. این روایات^(۵) در کتاب های مختلف اهل سنت به وفور به چشم می خورد؛ در حالی که با توجه به روایات فراوانی که از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و صحابه و تابعین وجود دارد، علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نخستین ایمان آورنده و اولین از امت است که اسلام آورد؛ برای مثال اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرموده است:

ص: ۹

- ۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۵۷.
- ۲- سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۲، ص ۴۲۶.
- ۳- موسوی، سید هاشم، ام المومنین خدیجه بنت خویلد، ص ۴۳.
- ۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
- ۵- خطیب بغدادی، احمد بن علی ثابت، تاریخ مدینه اسلام، ج ۴۲، ص ۲۷؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۵.

«نخستین کسی از شما که در روز رستاخیز با من در کنار حوض ملاقات می کند، پیش قدم ترین شما در اسلام، علی بن ابی طالب ۷ است.» (۱)

در روایتی از امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز آمده است که فرمود: «خدایا! من نخستین کسی هستم که به سوی تو بازگشتم و پیام تو را شنیدم و به دعوت پیامبر ۹ پاسخ گفتم، پیش از من جز اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) کسی نماز نگزارد.» (۲)

«سید بن طاووس» در کتاب «سعد السعود» آورده است: «رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) روز دوشنبه مبعوث شد و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روز سه شنبه اسلام آورد، سپس خدیجه بنت خویلد (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، سپس جعفر و زید.» (۳)

با توجه به این روایات و روایات مشابه، به خوبی می توان فهمید که امیرالمؤمنین ۷ اولین کسی است که اسلام آورده است؛ بنا بر این در این رسالت عظیم، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پا به پای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) تا زمانی که باید اسلامشان را مخفی کنند، کاری بر خلاف آن انجام نداد و جزء اولین مسلمانان قرار گرفت و با سبقت در پذیرش نبوت همسرش، مصداق آیه (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ، فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ) (۴) شد.

تبلیغات دینی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

از دیگر مقامات شامخ حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مبلغه بودن ایشان در امر دین و ترویج آن در میان مردم است. ایشان فقط به سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) اکتفا نکرد؛ بلکه در نشر، رشد و شکوفایی دین نیز هم سو با نبی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) کوشید و از جان و مال و راحتی و آسایش خود دریغ نداشت. تلاش های تبلیغی ایشان را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. تبلیغات زبانی.

۲. تبلیغات عملی.

ص: ۱۰

۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ص ۲۸.

۲- نهج البلاغه، تحقیق و شرح: صبحی صالح، خطبه ۱۳۱.

۳- سید بن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، ص ۸۶.

۴- واقعه: ۱۰ - ۱۲.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همواره پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و کمالاتش را به مردم معرفی می کرد؛ برای مثال وقتی بعد از ازدواج با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، عموهای حضرت به خانه ایشان آمدند و در روز سوم بنا بر عادت همیشگی آن ها، سادات و بزرگان جمع شدند، عباس برخاست و صحبت کرد. سپس حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرمود: «بدانید که شأن محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) عظیم و بزرگ است و فضل او فراگیر و بخشش او زیاد.» آن گاه آن قدر پول و عطر به آنها داد که آنها را مات و مبهوت کرد. (۱)

هم چنین وقتی زنی کور نزد حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) حضور داشت، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) برای او دعا کرد: «برای تو دو چشم سالم باشد»؛ پس آن زن بینا شد. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با دیدن این جریان گفت: «این دعا مبارک است.» اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نیز فرمود: «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً.» (۲)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با عبارات کوتاه، مقام بلند رسالت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را به دیگران گوش زد می کرد و هر کجا که لازم می دید، با بیان گرم و شیوای خود، به تبلیغ از نبوت می پرداخت و جایگاه والا و بلند مرتبه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را برای مردم بیان می نمود.

دعوت بانوی بزرگ اسلام از مردم به پذیرش اسلام در ابتدا مخفیانه بود؛ زیرا خدا نمی خواست حساسیت بی مورد قریشی یان را برانگیزد تا اذیت ها و زحمات اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بیشتر نگردد. برای مثال «عفیف بن قیس کنندی» می گوید: «من در زمان جاهلیت بازرگان عطر بودم. در یکی از سفرهای تجارتي، وارد مکه شدم. در یکی از روزها در مسجد الحرام در کنار او [عباس] نشسته بودم. در این هنگام جوانی وارد مسجد شد که صورتش همچون قرص ماه نورانی بود. نگاهی به آسمان کرد و سپس رو به کعبه ایستاد و شروع به خواندن نماز کرد. چیزی نگذشت که زنی آمد و شروع به نماز خواندن کرد، سپس نوجوانی آمد و با او نماز خواند. گفتم: یا عباس! این چه دینی است؟ پس عباس گفت: این محمد بن عبد الله می باشد که مدعی است آیین او از طرف خدا نازل شده و این که گنج های کسری و قیصر را به زودی فتح خواهد کرد و این زن ، همسرش خدیجه بنت

ص: ۱۱

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۲.

۲- . همان، ج ۱۸، ص ۱۷.

خویند است که به او ایمان آورده و این پسر عمویش علی بن ابی طالب» (۱).

این نماز جماعت سه نفره در انظار مردم و در مسجد الحرام سبب ایجاد سؤال برای حجاج، قریشی یان و بازرگانان و دیگران بوده، که این چه دینی است و اینان چه می کنند؟ تا به این وسیله با جوابش، با دین اسلام آشنا شوند.

حضور حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کنار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، سبب می شد زنان مکه نیز نسبت به این دین حساسیت پیدا کنند، تا این دین را که زنان نیز در آن سهم و دارای احترام اند و می توانند در کنار مردان به اعمال مذهبی خود پردازند، بشناسند؛ آن هم در زمانی که زنان از کمترین امتیازات و امکانات حقوقی برخوردار بودند.

حضور حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کنار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، نوید همسانی با مردان را می داد و این عمل، نقش بسیار مؤثری در گرایش بعدی جامعه بانوان و آشنا شدنشان با اسلام داشت؛ به طوری که اولین شهید راه اسلام، «سمیه» مادر عمار و همسر یاسر بود.

مهم ترین فراز زندگانی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، حمایت های بی دریغ و همه جانبه او از رسول گرامی ۹ در امر رسالت است، که متأسفانه این مسئله در کتاب ها و مقالات به صورت کم رنگ دیده می شود؛ زیرا نقش حضرت در حمایت از نبی مکرم ۹ و تبلیغ رسالتش ظهور یافت؛ به طوری که رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در روایتی ایشان را «صدیقه امت اسلامی» نامید (۲). بیانگر تأییدها و تصدیق های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان زنی برجسته و شخصیت سرشناس قریشی، در پیشبرد اهداف پیامبر ۹ است.

اهمیت این تأییدها زمانی روشن می شود که بدانیم او زمانی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را تأیید کرد و به رسالتش ایمان آورد که بسیاری از بزرگان قریش که بعدها از اصحاب پیامبر ۹ شدند، حضرت را تکذیب می کردند و به او تهمت مجنون، ساحر، شاعر و جادوگر می زدند. (۳) از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در توصیف خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می فرماید: «او زمانی به من ایمان آورد، که مردم

ص: ۱۲

۱- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۸.

۲- . ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۶۲: «هذه صدیقه امتی».

۳- . تقی زاده، محمود و همکاران، تصویر خانواده اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در دایره المعارف اسلام، ص ۴۹.

به من کفر ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد، که مردم مرا تکذیب نمودند و زمانی با اموالش مرا یاری داد، که مردم مرا از اموال خود محروم ساختند.»(۱)

جریان انذار عشره

وقتی آیه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۲) نازل، و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به دعوت خویشاوندان خود امر شد، رسول خدا (صلى الله و آله وسلم) به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در حالی که در مکه بودند فرمود طعمی برای او آماده کند، سپس به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت: پسران عبدالمطلب را دعوت کن. پس چهل نفر را دعوت کرد. پس از حضور آنان به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت: طعام را بیاور. علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت: برای آنها آبگوشت آوردم. (۳)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) امکانات استقبال از میهمان ها را فراهم و برای آنها غذا تهیه کرد و از آن جایی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در خانه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زندگی می کرد، تحقق آیه فوق و این میهمانی و دعوت خویشاوندان در خانه او، صورت گرفت و ایشان خود به شخصه، متکفل کارهای خانه در این تبلیغ خانوادگی بود.

بعد از دعوت خویشاوندان، مشرکان دشمنی، تکذیب و استهزای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را شروع کردند؛ از این جهت بر دل حضرت اندوه عمیقی سایه افکند. در این زمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به او آرامش می داد و دردهایش را کم می کرد. هنگامی که پیامبر (صلى الله عليه و اله و سلم) از اذیت های قریش ناراحت می شد، خدا آن غم را با دیدار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برطرف می کرد و زمانی که حضرت به خانه برمی گشت، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) او را با تأییدات خود دلگرم، و با تصدیقش، امر مردم را بر همسرش هموار می کرد. (۴) در حقیقت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، نقش وزیر و معاون صادق پیامبر ۹ را ایفا می کرد که زخم حرف ها و اذیت مردم را ترمیم می نمود.

«سهیلی» گفته است: «کسی که تمام رفاه، مال و جان خود را به همسرش هبه

ص: ۱۳

- ۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۴؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبداللّه، الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۴.
- ۲- شعراء: ۲۱۴.
- ۳- ابن سعد واقدی، ابو عبداللّه محمّد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۷.
- ۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۴.

کرده و در مقابلش حتی به اندازه خردلی از پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) توقع و نیازی نداشته، در صورتی که بعضی زنان دیگر پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) که برای ایشان کار خاصی انجام نداده بودند، تقاضای مال بیشتری از غنایم جنگی را از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می کردند و خداوند با نزول آیه ای آنها را به زندگی با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یا ترک این زندگی مخیر می کند.» (۱)

نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در شعب ابی طالب

پس از نازل شدن آیه (فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ)، (۲) دعوت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شکل دیگری به خود گرفت و این بار تمام مردم مخاطب قرار گرفتند. با تغییر فعالیت های حضرت و زیر سؤال رفتن بت ها و بت پرستی مشرکان، آنها نیز جبهه گیری جدید و شدیدتری نشان دادند و در مقابل ایشان صف آرایی کرده، به مخالفت و فشار برای جلوگیری از رسیدن پیام الهی به گوش ها و قلب ها پرداختند. (۳)

اما وقتی پس از ابلاغ رسمی دین توسط اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، کفار مکه دیدند نمی توانند به راحتی جلوی کارها و فعالیت های حضرت و مسلمانان را بگیرند، شورایی تشکیل دادند و تصمیم گرفتند که مسلمانان را در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار دهند و بدین وسیله آنان را نابود کنند. در این زمان به پیشنهاد حضرت ابوطالب (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان به منطقه «شعب ابوطالب» رفتند. بنی هاشم در این تحریم، برای تهیه غذا و آذوقه محتاج مال و ثروتی بودند و بهترین منبع و ثروت برای نجات آنان، مال پربرکت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که در کمک به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در آن شرایط بسیار سخت و جانکاه، نقش بسزا و مؤثری داشت؛ چنان که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «هیچ مالی مثل مال حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به من سود نرساند.» (۴)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اموال خود را در خدمت اسلام و مسلمین قرار داد و آنها را پشتیبانی کرد. او که ایمان تا عمق جاننش نفوذ کرده بود، غنا، جاه، آسایش و آرامش خود را رها کرد

ص: ۱۴

۱- سهیلی، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، ج ۱، ص ۴۱۵.

۲- حجر: ۹۵.

۳- ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۵۷ - ۲۶۴.

۴- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۴۶۸؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الابرار، ج ۱، ص ۱۴۸.

و به فقر، حرمان، انکار و بی عاطفگی و تحریم اقتصادی راضی، و همراه بنی هاشم وارد شعب شد. (۱)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بستر بیماری

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سال دهم بعثت و بعد از پایان محاصره در شعب ابوطالب، بر اثر رنج ها و سختی های حاصل از آن، در بستر بیماری افتاد. پیامبر ۹ با دیدن احوال او بسیار ناراحت و متأثر شد و از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بسیار دلجویی کرد.

روزی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وارد شد، در حالی که ایشان در حالت سکران مرگ بود، پس فرمود: «ای خدیجه! به این احوال و مریضی تو را نبینم. زمانی که بر هم نشینانت وارد شدی، سلام مرا به آنها برسان.» خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پرسید: «یا رسول الله! آنها چه کسی هستند؟» فرمود: «مریم، دختر عمران و کلثوم، خواهر موسی و آسیه، زن فرعون.» (۲)

در تفسیر «مجمع البیان» (۳) ذیل آیه (وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ) (۴) این روایت از قول «معاذ بن جبل» این گونه نقل شده است: «اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وارد شد، در حالی که در حالت احتضار بود. پیامبر ۹ فرمود: چقدر برای من سخت است دیدن تو در این حالت و خداوند در این سختی، مرا خیر کثیر (صبر و طاقت زیاد) بدهد.»

خوارزمی نیز گفته است: «رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) بر خدیجه بنت خویلد (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسرش وارد شد، در حالی که او در حال مرگ بود، پس از سختی مرگ ناله کرد. رسول خدا (صلی الله و اله و سلم) گریه کرد و برای او دعا فرمود، سپس گفت: به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین ام المؤمنین و بهترین زنان عالمینی.» (۵)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کسی بود که در تنهایی و غربت و شکنجه های جسمی و روحی در کنار

ص: ۱۵

۱- . قزوینی، سید محمد کاظم، حیا خدیجه من المهد الی اللحد، ص ۲۷۴.

۲- . شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳- . طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۶۵.

۴- . احزاب: ۳۵.

۵- . خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، ص ۲۸.

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، و باعث تسلاى دلش بود و در کارهايش وزير صادق و هميار و در خانه بهترين همسر و مايه آرامش او و فرزندانش بود.

«عبدالرحمن بن حاطب» مى گويد: «خوله بن حكيم بر پيامبر ۹ وارد شد و عرض كرد: يا رسول الله! مى بينم تو را كه براى فقدان خديجه حزن و اندوه فراوان دارى؟ حضرت فرمود: درست است؛ زيرا او مادر بچه هايم و بانوى خانه ام بود.» (۱)

وصيت نامه حضرت خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

هنگامى كه بيمارى امّ المؤمنين حضرت خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شدت يافت، از اكرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست كه وصيت هايش را بشنود، آن گاه گفت: «اى پيامبر خدا و صاىايم را بشنو! اى رسول خدا مرا به خاطر كوتاهيم در اداى حقوق عفو كن!»

اكرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «هرگز چنين چيزى نيست؛ من از تو هيچ كوتاهى نديده ام. تو آخرين توان و تلاشت را در اداى حقوق رسالت انجام دادى و بيشترين سختى ها را در زندگى با من متحمل شدى و تمام اموات را در راه خدا دادى.»

حضرت خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «وصيت مى كنم شما را و به دخترش فاطمه اشاره كرد به او، پس از من يتيم و غريب مى شود، پس كسى از زنان قريش او را اذيت نكنند، و به صورتش لطمه وارد نسازند و او را سيلى نزنند و بر سر او فرياد نكشند و با او به سختى و درشتى رفتار نكنند.»

آن گاه ديگر نتوانست از شدت حيا با اكرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صحبت كند و پس از قدرى سكوت، گفت: «اما وصيت سوم، پس به دخترم فاطمه مى گويم كه به شما منتقل كند؛ زيرا از شما خجالت مى كشم اى رسول خدا!»

سپس به زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «اى حبيبه من و اى نور چشمانم! به پدريت بگو: مادرم مى گويد: من از وحشت قبر در هراسم و از شما مى خواهم آن ردائى كه هنگام نزول وحى مى پوشيد، كفن من قرار دهد.»

ص: ۱۶

حضرت زهرا(عَلَيْهَا السَّلَامُ) وصیت مادر را به پدر رساند و پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) برخاست و ردایی را که هنگام نزول وحی بر شانه مبارک می افکند، به صدیقه طاهره(عَلَيْهَا السَّلَامُ) داد تا برای حضرت خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) ببرد. حضرت خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز بسیار خوشحال شد.(۱)

آن بانویی که ثروتی بی مانند داشت؛ آن گونه که در عرب کسی به آن اندازه ثروتمند نبود، از دریافت ردای پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به گونه ای ابراز خوشحالی کرد که از آن به «سرور عظیم» تعبیر شده است.

رحلت جانسوز امّ المؤمنین

سرانجام چراغ عمر حضرت خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) با آن همه فداکاری و از خود گذشتگی، در ماه رمضان سال دهم بعثت همان سالی که وفات حضرت ابوطالب(عَلَيْهِ السَّلَامُ) بود به خاموشی گرایید.

هنگامی که روح بلند و ملکوتی امّ المؤمنین حضرت خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) به بهشت برین صعود کرد، پیامبر اکرم ۹ بدن ایشان را غسل داد، حنوط کرد و هنگامی که خواست در همان ردای مخصوص کفن کند، جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «ای رسول خدا! خداوند متعال بر تو سلام و درود می فرستد و تو را با بهترین و گرامی ترین احترام ها مخصوص می گرداند و می گوید: ای حبیب ما! خدیجه ای که تمامی دارایی اش را در راه ما بذل کرد، کفن او را ما عنایت می کنیم.»

سپس جبرئیل کفنی تقدیم، و عرض کرد: «ای رسول خدا! این کفن از بهشت است و خداوند آن را به خدیجه هدیه نموده است.»

اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ابتدا خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) را با ردای مبارکش کفن کرد و سپس کفنی را که جبرئیل آورده بود روی آن قرار داد؛ از این رو حضرت خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) با دو کفن، دفن شد. سپس پیکر مطهر حضرت خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از خانه تشییع کردند و او را در منطقه «حجون» به خاک سپردند. پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) خود وارد قبر شد و ایشان را دفن کرد.(۲)

سال دهم بعثت را «عام الحزن» نامیدند؛ زیرا پیامبر ۹ در این سال دو یار و

ص: ۱۷

۱- . حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵.

پشتیبان خود، ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از دست داد.

شیخ طوسی به نقل از امام جعفر صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آورده است: «زمانی که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وفات کرد، حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ناراحتی می کرد و به دور پدرش می گشت و می گفت: ای پدر! مادرم کجا است؟ پس جبرئیل نازل شد و عرض کرد: پروردگارت امر کرده که به فاطمه سلام برسانی و به او بگویی که مادرت در خانه ای از لؤلؤ است، در غرفه ای از طلا و یاقوت قرمز کنار آسیه و مریم بنت عمران. پس فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرمود: إِنَّ اللَّهَ سَلَامٌ وَمِنْهُ سَلَامٌ وَإِلَيْهِ سَلَامٌ.» (۱)

تکریم اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در طول ۲۵ سال زندگی سرشار از محبت و احترام با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همیشه مورد توجه و اکرام حضرت قرار می گرفت. این مسئله حتی بعد از رحلت او نیز ادامه داشت و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) علاقه خود را به او حتی بعد از مرگش، ابراز می داشت.

«زهرا» نقل می کند: «رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) فرمود: سپاس خدا را که با خمیر غذایم داد (اطعامم کرد) و بر من لباس حریر پوشاند و خدیجه را همسرم قرار داد و من عاشق او بودم.» (۲)

افتخار و اکرام ائمه: نسبت به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ام الائمه بودند؛ از این رو فرزندان معصومشان در طول تاریخ به ایشان افتخار کرده، از این که خودشان را به ایشان منسوب می دانستند، افتخار می کردند و نام ایشان را با کمال احترام و اکرام یاد می نمودند.

این بزرگواران در مواقع مختلف برای معرفی خود یا در مقام احتجاج با دشمنان و منکران، انتساب خود را به حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اعلام می کردند. برای مثال احتجاج امام حسن مجتبی ۷ در مقابل معاویه، که وقتی در مقابل حسنین ۷ امیرالمؤمنین ۷ را لعن کرد، امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برخاست و فرمود: «ای ذاکر علی! من حسنم و پدرم علی است، در

ص: ۱۸

۱- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۱۷۵.

۲- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

حالی که تو معاویه و پدرت صخر است، من مادرم فاطمه و تو مادرت هند است، جد من رسول الله و جد تو حرب است، و جدۀ من خدیجه و جدۀ تو فتیله است، خدا لعنت کند پست ترین نسب از ما را»^(۱)

هم چنین هنگامی که در صحنه کربلا شدت عطش بر وجود مقدس امام حسین ۷ غالب شد و بر شمشیرش تکیه زد، با صدای بلند فرمود: «به خدا قسم! آیا نمی دانید که رسول الله جد من است؟» گفتند: بله. فرمود: «به خدا قسم! آیا نمی دانید که پدرم علی بن ابی طالب است؟» گفتند: بله. فرمود: «به خدا قسم! آیا نمی دانید مادرم بنت رسول الله است؟» گفتند: بله. فرمود: «به خدا قسم! آیا نمی دانید جدۀ من خدیجه بنت خویلد اولین زنی است که مسلمان شد؟» گفتند: بله.^(۲)

امام سجاد ۷ نیز همین سیره و سنت را در مجلس شام و در مقابل یزید و شامیان پیروی کرد و برای شناساندن خود و اهل بیت ۷ به شامیان در خواب نگه داشته شده، خطبه ای خواند و فرمود: «ای مردم! هر کس مرا می شناسد که می شناسد، و هر کس مرا نمی شناسد، من خودم را معرفی می کنم؛ ... من پسر فاطمه زهرایم، من پسر خدیجه کبرای ام، من پسر کسی هستم که به ظلم کشته شد و سرش از قفا جدا شد.»^(۳)

در زیارت نامه ها نیز وقتی ائمه: می خواستند مادر یا آبای طاهرین شان را زیارت کنند، از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز یاد، و درود و سلامی را نیز به خدمت ایشان تقدیم می کردند. در زیارت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از بعید نیز یکی از سلام ها تقدیم به همسران پیامبر، خصوصاً حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است که با شش صفت برجسته مورد خطاب قرار گرفته است: «السلام علی ازواجک طاهرات الخیرات امهات المؤمنین خصوصاً الصدیقه الطاهره الزکیه الراضیه المرضیه خدیجه الکبری ام المؤمنین.»^(۴)

و چه سلامی زیباتر از این برای زنی که با تمام هستی خود به دفاع از کیان

ص: ۱۹

۱- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶.

۲- قتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، ص ۱۸۶.

۳- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵.

۴- محدث قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت رسول از بعید.

اسلام و رسول معظمش پرداخت و هر چه داشت، در راه ترویج آن هدیه کرد، تا رضای خدا و رسولش را برای خویش تا همیشه داشته باشد.

کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
 ۲. ابن بطریق، یحیی بن حسن اسدی حلّی، العمده (عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار)، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
 ۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
 ۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
 ۵. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
 ۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
 ۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
 ۸. ابن عساکر، علی بن حسن (م ۵۷۱ ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
 ۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م ۷۷۴ ق)، البدایه والنهایه، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
 ۱۰. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
- ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین (م ۳۵۶ ق)، مقاتل الطالبیین، تحقیق: کاظم مظفر،

١. قم: مؤسسه دارالكتاب، ١٣٨٥ ق.
٢. بحراني، سيد هاشم بن سليمان (م ١١٠٧ ق)، حليه الأبرار في أحوال محمّد وآله الأطهار، تحقيق: غلام رضا مولانا البروجردى، قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه، ١٤١٣ ق.
٣. بخارى، محمّد بن اسماعيل (م ٢٥٦ ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.
٤. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.
٥. حائرى، محمّد مهدي (م ١٣٦٩ ش)، شجره طوبى، النجف الاشرف: المكتبه الحيدريه، ١٣٨٥ ق.
٦. خطيب بغدادى، احمد بن على ثابت، تاريخ مدينه اسلام، تحقيق: مصطفى عبدالقادر، بيروت: دارالكتاب العالميه.
٧. خوارزمى، موفق بن احمد، مقتل الحسين (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، تحقيق: محمّد سماوى، نجف: مطبعه الزهراء، ١٣٦٧ ق.
٨. دشتى، محمّد، نهج البلاغه، تحقيق: سيد كاظم محمّدى، قم: انتشارات امام على (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ١٣٦٩ ش.
٩. سهيلى، عبدالرحمان بن عبد الله، الروض الانف فى شرح السيره النبويه لابن هشام، چاپ عبدالرحمان وكيل، قاهره: ١٣٨٧ / ١٣٩٠ / ١٩٦٧ / ١٩٧٠، چاپ افست ١٤١٠ / ١٩٩٠.
١٠. سيد بن طاووس، رضى الدين على بن موسى (م ٦٦٤ ق)، سعد السعود، قم: كتابخانه شريف الرضى، ١٣٦٣ ش.
١١. شيخ صدوق، ابوجعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على أكبر الغفارى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ١٤٠٤ ق.
١٢. شيخ طوسى، محمّد بن حسن، الامالى، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: دارالثقافه، ١٤١٤ ق.

١. طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى ، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ١٤١٧.

٢. ، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق: عده اى از محققين بيروت: مؤسسه الاعلمى، ١٤١٥ ق.

٣. قزوینى، سید محمد كاظم، فاطمه الزهراء ٣ من المهدي إلى اللحد، بيروت: مؤسسه النور المطبوعات، ١٤١١ ق.

٤. مجلسى، محمد باقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ١٤٠٣ ق.

٥. محدث قمى، شيخ عباس (م ١٣٥٩ ق)، مفاتيح الجنان، قم: بنياد معارف اسلامى، ١٣٧٥ ش.

٦. موسوى، سید هاشم، ام المومنين خديجه بنت خويلد، مترجم: محمد ابراهيمى، نشر ايلاف، ١٣٨٩ ش.

ص: ٢٢

نقش طاهره قریش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زندگی و پیروزی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (۱)

اکبر حمیدزاده

چکیده

شرح حال حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و روابط سیاسی و اجتماعی وی با استناد به منابع مهم تاریخی است. از دیدگاه نویسندگان: بانوی بزرگ قریش، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، همسر با وفای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و دامن او خواستگاه کوثر اسلام، و مادر مهربان فرزندان رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است. او در خانه با صفای محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نه تنها به عنوان همسری با وفا و مادری مهربان، بلکه محبوبه شوی بزرگوار خویش است. اگر چه در زندگی زناشویی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) همسران دیگری نیز پا نهاده اند، ولیکن هیچ یک حتی عایشه که جوان ترین آنان و به عنوان حمیرا جایگاه خاصی نزد محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) داشت، نتوانسته اند جای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را پر کنند و یا چون او از هر نظر محبوب حضرتش واقع شوند. از مجموعه کتب سیر و تواریخ که در رابطه با خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قلم فرسایی کرده اند، چنین بر می آید که او برخلاف فرهنگ موجود جامعه ای که در آن نشو و نما کرده بود، از والایی و برجستگی خاصی برخوردار بوده است. در فضای تیره، و خفقان زده جاهلیت او را درخششی فوق العاده و فروغی حیات بخش مشاهده می شود.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، تاریخ اسلام، فرزندان رسول الله، حمیرا.

ولادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

حدوداً شصت و هشت سال پیش از هجرت نبوی، (۲) در خانه خویلد فرزند اسد، که خود از

ص: ۲۳

۱- یاد، سال بیستم، شماره ۷۵ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۸۷، ۱۰۰.

۲- پذیرش این تاریخ نیازمند تأمل و در کتابی که به همین عنوان نوشته شده است مورد بررسی قرار گرفته است.

نام آوران جزیره العرب و از سیادت و بزرگی خاصی برخوردار بود، فرزند دختری به دنیا آمد که نام او را «خدیجه» گذاشتند. هرگز قابل پیش بینی نبود که سرنوشت این کودک چگونه با سرنوشت امتی گره خورده، شأن و شخصیت او عالم گیر خواهد شد و خدای متعال فرستاده خویش را در سخت ترین شرایط ممکن به وسیله او و به دست او یاری و مساعدت خواهد کرد.

خدیجه کوچک در خاندانی بزرگ دیده به جهان گشود و طبق سنت جاریه قبیله خویش به اخلاق حمیده خود را آراست و با دوراندیشی و درایت و پاک دامنی و عفت رشد کرد و به مرحله ای از تعالی رسید که با وجود انحطاط و بی مایگی جامعه جاهلی، از نظر اخلاقی و کمالات انسانی «طاهره قریش» عنوان گرفت. (۱)

بستر تربیتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) متأثر از آیین حنیف بود، و لذا فرهنگ جاهلی با همه گستردگی و حکومتی که بر جزیره العرب داشت نتوانست بلد طیب و شرایط سالم خانوادگی او را متأثر سازد و همانند دیگر مردم عصر جاهلیت در فضای شرک و کفر حاکم ملکوک نماید.

خاندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

خُوَیْلِد بن اسد بن عبدالعزّی فرزند قُصَیِّ بن کلاب از تیره های معروف و از برجستگان قبیله سرشناس قریش است. او در عصر جاهلیت، به لحاظ امتیازات، و موقعیت والایی که داشت، مهتر و رئیس طایفه خود و از احترام ویژه ای برخوردار بود. بنا به نقل ابن هشام در جنگ فجار دوم، (۲) در روزی که به نام شَمَطَه معروف است و روزی است که قریش در مقام جنگ با کنانه صف آرایی کرده بود، ریاست طایفه اسد را از آن خود داشت.

زمانی که تُبَع (پادشاه یمن) می خواست حجرالاسود را از مکه خارج کرده و به یمن ببرد این خویلد بود که با او به جنگ برخاست و حجرالاسود را حفظ کرد و این ایستادگی و حضور مؤثر، گویای موقعیت برجسته او در میان قبایل عرب است.

ص: ۲۴

- ۱- . حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه؛ الحسون، محمّد، اعلام النساء، ج ۱ ص ۳۲۶.
- ۲- . علت این که این جنگ به حزبُ الفُجّار معروف است، وقوع آن در ماه های حرام و به خاطر محرّماتی است که در آن جنگ واقع شده است. (ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱)

عموی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) «ورقه بن نوفل» از کاهنان به نام عرب، و به کتاب های ادیان پیشین آشنا بوده است و از نظر مقبولیت دینی در سطحی بود که همگان وی را به دیدهٔ تکریم می نگریستند و باورهای دینی و اعتقادات ایمانی خویش را با او در میان می گذاشتند.^(۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیش از ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

پیش از ظهور اسلام، و ازدواج خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، محور مدنیّت بر شخصیت مردان استوار بود. و زن در گردونهٔ اجتماع موقعیت قابل توجهی نداشت و تاریخ جاهلیت، از کمتر زنی با عنوان عظمت شخصیت و یا برخورداری از مسئولیت و متصف بودن به صفاتی از کمالات اسم برده است و اگر هم در این رابطه اشخاصی مورد توجه مورخین قرار گرفته اند، به اعتبار جلوهٔ آن ها در راستای فرهنگ موجود جامعهٔ جاهلی بوده است که هر کدام باری از وزر و بال جاهلیت را بر دوش کشیده اند، مانند «سُمَيَّة» مادر «زیاد بن ابیه» و جدّه «عبیدالله بن زیاد» که به دلیل برافراشتن پرچم ویژه زنان بدنام بر بالای خانهٔ خود، نامش در تاریخ مانده است. چهره ای به پاکی و شکوه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و عظمت این بانوی با فضیلت در تاریخ پیش از اسلام شبه جزیره عربی، کم نظیر، بلکه بی نظیر است.

زنی که در فضای آلوده به شعر و شراب و شهوت و شکم بارگی و شمشیر «طاهره» خوانده می شد و او را سیدهٔ زنان قریش می نامیدند و جزو زنان برجسته ای به حساب می آمد که بر خلاف حاکمیت زر و زور و در مواردی تزویر، اسوهٔ طهارت و حریت بود و در محیط زندگی خانوادگی و شخصی اش، استقلال و اراده ای مسلط داشت؛ بدون آن که از فرهنگ موجود جامعه خویش رنگ بگیرد.

پیش از آن که به عقد ازدواج محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در آید، همسری أَبُوهُالْه هِنْدَبْنَنْبَاشِ بْنِ زُرَّارَه (۲) را پذیرفته بود، پس از وی «عتیق بن عائذ»^(۳) از قبیلهٔ بنی مَخْرُوم را به عنوان، شوهر دوم او نقل کرده اند؛ هر چند که در بعضی از مصادر، نام عتیق پیش از ابوهاله ذکر شده است،

ص: ۲۵

۱- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ص ۱۰۶.

۲- همان.

۳- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸.

مورخان از ابوهاله دو پسر و از عتیق یک دختر را به عنوان فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثبت کرده اند.

پس از این دو ازدواج، که هر کدام به دلیلی ناموفق بوده است و بیش از هر چیز برتری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر همسران و عدم همخوانی فکری و شخصیتی با ایشان را می توان نام برد که به تنهایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) منجر شده است. تفصیل مطلب در کتابی به همین نام مورد پژوهش قرار گرفته است. با گذر از دو زندگی شکست خورده، دیگر تن به ازدواج با کسی نداد، و با وجود این که زیبا و توان گر بود و خواهان فراوانی داشت، همسری هیچ یک از خواستگاران را نپذیرفت و با مال و ثروتی که داشت به بازرگانی پرداخت و عزتمندانه زندگی کرد.

تا این که بنا به پیشنهاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و موافقت ابوطالب، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به جمع عاملان و کارگزاران تجاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیوست و اولین کاروان تجاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به شام هدایت کرد و در مراجعت از این سفر که سراسر سود و موفقیت برای کاروان تجاری آن بانوی بزرگ بود، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به زناشویی با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رضا داد و او را به همسری پذیرفت.

چنان که مشهور بین تاریخ نگاران است و در بعضی از احادیث نیز به آن اشاره رفته است، هنگام ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حدوداً چهل سال داشت؛ هر چند اخبار دیگری سن آن حضرت را کمتر از این ذکر کرده اند.

لذا با توجه به فرزندانی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بعد از این ازدواج به دنیا می آورد، چهل ساله بودن وی نمی تواند چندان موافقتی با واقع داشته باشد. به نظر می رسد ذکر عدد چهل بدان جهت است که عدد کاملی بوده و از بانویی برخوردار از کمالات لایقه حکایت می کند؛ آن چنان که کلمه جا افتاده نوعی رشد یافتگی را به همراه دارد.

چرا که ابن سعد با اسناد خودش از ابن عباس نقل می کند که سن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هنگام ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ۲۸ سال بوده است (۱) و وجود خواستگاران زیاد و استنکاف از پذیرش آنان خود مطلبی است که وضعیت سنی مناسبی را برای یک زن آشکار می کند. هر چند که به دلیل فطرت

ص: ۲۶

۱- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمہ، ج ۱، ص ۵۱۳.

پاک و روح شفافی که داشت و گوهر وجود خودیش را از همه آلیشات جاهلیت حفظ کرده بود، احدی را در محدوده زناشویی خویش پذیرش نداد، ولیکن وضعیت سنی مناسب یکی از جاذبه های طبیعی زن است که از کثرت خواستگاران حکایت می کند.

محبوبه بی نظیر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

بانوی بزرگ قریش، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، همسر با وفای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دامن او خواستگاه کوثر اسلام، و مادرِ مهربانِ فرزندانِ رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. او در خانه با صفای محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نه تنها به عنوان همسری با وفا و مادری مهربان، بلکه محبوبه شوی بزرگوار خویش است. اگر چه در زندگی زناشویی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسران دیگری نیز پا نهاده اند ولیکن هیچ یک حتی عایشه که جوان ترین آنان و به عنوان حمیرا جایگاه خاصی نزد محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) داشت، نتوانسته اند جای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را پر کنند و یا چون او از هر نظر محبوبِ حضرتش واقع شوند.

این معنا برای عایشه چندان ساده و پیش پا افتاده نبود. خود را سوگلی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می داند. از صغر سن و جمال و کمال نسبی در مقایسه با اقرانِ خود برخوردار و پیوسته در فکر تصاحب همه زوایای قلب شوی بزرگوار خویش است و از هر دری که می تواند وارد می شود تا این ارزش و پذیرش را به دست آورد. یقیناً اگر او در زندگی مرد دیگری غیر از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود، شاید می توانست موقعیت دل خواه خویش را کسب نماید، ولی نه در این جا که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سگان دار کشتی دل اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است، حتی بعد از مرگ وی هر وقت که ذکری از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به میان می آمد، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با تمام وجود به او اظهار عشق و علاقه می نمود و لحظه ای از یادآوری ارزش های وجودی اش غافل نمی شد و حق شناسانه خدمات و زحمات او را یاد می کرد و در ستایش او و ذکر فضایل اخلاقی و کمالات نفسانی اش، خستگی به خود راه نمی داد و آمرزش و مغفرت و سعادت اُخروی محبوبه اش را پیوسته خواهان بود.

چنین وضعیتی برای عایشه تقریباً قابل تحمل نبود و با وجود آتش حسد و کینه ای که هر آن ممکن بود زبانه کشد، در مقام اعتراض برآمد و گفت: یا رسول الله! من هم حق دارم غیرتی شوم و عکسل العمل داشته باشم؟ مگر من چه چیزی از او کم دارم؟ و تازه

خداوند جای او را با بانوی جوان تر و زیباتری چون من پر کرده است؟

عایشه می گوید: با این اعتراض گویا زمینه رنجش پیامبر را فراهم آورده، و حضرت را آزرده خاطر ساختم، چرا که آثار غضب شدید و خشم ناخوشایندی را در چهره مبارکش مشاهده کردم و از گفته خویشتن نادم و پشیمان شدم، و در مقام سرزنش و بازخواست نفس خویشتن برآمدم و بین خود و خدایم عهد کردم که اگر شوی مهربانم از خشم خویشتن برگردد و باز هم نگاه محبت او را ببینم و کلام عشق آفرینش را بشنوم، دیگر در رابطه با خدیجه حرف نامربوطی بر زبان نیاورم.

وضعیت خجلت بار من، پیامبر را متوجه خود ساخت و فرمود: عایشه! چنین قضاوتی در باره خدیجه منصفانه نیست! روزگارانمی که من پیام آور ایمان برای همگان بودم و بی خردان به جای گل، خار و خاشاک بر سر و رویم می باریدند و از هر کوی و برزنی صدای مخالفی بلند و اتهام کذب و سحر و شاعری به من می زدند، این خدیجه بود که آغوش محبت خود را به رویم گشود و در فضای رعب انگیز حاکمیت شرک و کفر و نفاق دریچه دل و جاننش را به سوی دعوت توحیدی من باز کرد.

آن وقتی که مردم شرک زده به انگیزه نادانی در مقابل من موضع گرفتند، بلکه در مقام طرد و نفی من برآمدند و در ارتفاعات طائف سنگ بارانم کردند و حتی نزدیک ترین کسانم به تکذیب و توهین من پرداختند و در محاصره همه جانبه، عرصه را بر من و اندک ایمان آورندگان، تنگ و زندگی را غیر قابل تحمل کردند، این خدیجه بود که پناهم داد، و بر زخم های من مرهم گذاشت، دل پر دردم را با محبت و حمایت خویشتن تسکین داد.

هنگامی که انتظار تأیید داشتم، ولی تکذیب شدم و مورد بی حرمتی قرار گرفتم، فریب خورده ای از طرف ابی لهب که از بستگان من هم بود بنا داشت شکمبه شتر یا گوسفندی را بر سرم خالی کند و وسیله خنده و استهزایی برای فرزندان جاهلیت به وجود آورد، این خدیجه بود که مرا تصدیق کرد، و از همه امکانات خودش برای تأیید و تثبیت دعوت من استفاده نمود!

آن هنگام که دیگران دست به تحریم من و مسلمانان زدند و همه ابواب حیات و حرکت و به گمان خودشان به روی ما بستند و من در گرسنگی سنگ به شکم خود می بستم، سفره حمایت و عنایت او بروی من باز و جمع کثیری از مسلمانان نیازمند و گرسنگان و قحطی زدگان مکه از خوان احسان خدیجه تغذیه می کردند تا از گذرگاه مرگ آور گرسنگی به سلامت گذر کردند، و به نعمت رسیدند. (۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) محبوبه رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و رفیق دوران تنهایی و غربت آن حضرت بود و تا وجود پر برکتش موجود بود به عنوان پشتوانه محکم و امیدبخش نبی گرامی ۹ به حساب می آمد و از مسلمانان و کسانی که افتخار پیشگامی در ورود به جرگه اسلامیان را داشته اند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جزو کسانی است که بیشترین زحمت را کشیده و سخت ترین روزها را در معیت شوی مهربان خویش گذرانده است و از این رو نه فقط در دوران حیات، بلکه پس از مرگ او نیز یاد و خاطرات فراموش ناشدنی اش که با تاریخ اسلام آمیخته است برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نشاط و شادابی به همراه می آورد و در مراحل توان فرسای ابلاغ رسالت، پیام پایداری و استقامت به حضرت می داد.

والای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

از مجموعه کتب سیر و تواریخ که در رابطه با خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قلم فرسایی کرده اند، چنین بر می آید که او برخلاف فرهنگ موجود جامعه ای که در آن نشو و نما کرده بود، از والایی و برجستگی خاصی برخوردار بوده است. در فضای تیره، و خفقان زده جاهلیت او را درخششی فوق العاده و فروغی حیات بخش مشاهده می شود.

گویا علی رغم تسلط اندیشه های جاهلی و نفوذ آن در همه چیز و همه کس خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان ودیعه ای که باید دامن پاکش تجلی گاه کوثر اسلام باشد و چشمه سار هدایت از آغوش پر مهر او بلندای تاریخ را سیراب کند.

از دستبرد افکار و ایده های شرک آلوده، مصون، و دست نخورده باقی مانده و فروغ

ص: ۲۹

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱؛ اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، خیرات حسان، ج ۱، ص ۱۱۱.

فطرتِ خداجوییش در ظلماتِ متراکم موجود در جامعه همچنان روشنی بخش راهِ خدایی زیستن او بود دل و جانش از فرو رفتن در مرداب جاهلیتِ مصون و زلال و شفافیت سرشت خداداده اش همچنان جویای حق و فضیلت بود و در همین راستا بود که چهرهٔ محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را آئینه تمام‌نمای حق دید و همهٔ کمالات و تجلیات زیبای معرفت را، در شخصیت بی‌مانند او یافت و خداپورانه به او دل بست.

معیارهای ارزشی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتخاب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

او می‌دانست محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تهی دست است و اصلاً به انگیزهٔ اعاشه و گذران زندگی در تشکیلات تجاری قبول خدمت کرده است. بنا بر این جاذبهٔ مادی و نفع‌مآلی و یا افزون‌طلبی در این انتخاب وجود نداشت تا انگیزهٔ گرایش او به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و انتخاب او به عنوان شوی خویش باشد.

به لحاظ مادی و مال و منال دنیوی، از موقعیت آن چنانی برخوردار نبود. هر چند که نشانهٔ افتخار صدق و امانت بر چهره اش نقش بسته و به نام «محمد امین» شناخته شده بود، ولی دیگر کسان از رجال قریش بودند که علاوه بر ثروت و سرمایه ظاهراً از نوعی و جاهت و موقعیت برتر اجتماعی برخوردار بودند و به عنوان «رجال» جامعهٔ خویش مطرح می‌شدند، چون عقبهٔ فرزند مُعِيط، صِلْتِ پسر ابی یهاب، بوجهل و بوسفیان که نوعاً از نام‌آوران قریش بودند و از برجستگی و شهرت اجتماعی و موقعیت سیادت قومی برخوردار بودند، ولیکن همگی شان از ناکامان و در وادی خواستگاری از دختر خویلد و شکسته‌بالان کوی محبت آن بانوی بزرگ محسوب می‌شدند، چون نتوانسته بودند رضایت و پذیرش آن بانوی بزرگ را کسب نمایند.

وجود انگیزه‌های سیاسی نیز در ازدواج خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) توجیه تاریخی و اجتماعی درستی ندارد؛ به ویژه این که مسئله، نبوت و پیامبری آن حضرت پس از ازدواج و در شرایط معمول اجتماعی رخ داده است و جاذبه پیش از ازدواج به حساب نمی‌آید.

به طور کلی آن چه که بعضی از شرق‌شناسان نوشته‌اند و یا بعضی از مورخین در

نوشتارهای خودشان به آن اشاره کرده اند قابل تأمل و در مقاله گسترده تری نیازمند ارزیابی و تحقیق است. مهم این است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به لحاظ قرابت با ورقه بن نوفل و بهره وری بهینه از کتاب های آسمانی و اشراق و روشن بینی خاصی که داشت با معرفت و شناخت به شأن و شخصیت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شیفته او شد و گم شده دیرین خود را در وجود او پیدا کرد و با زیر پا گذاشتن تمام ملاحظات قومی و اجتماعی شخصاً به خواستگاری از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) همت گماشت و مردم حجاز را با این انتخاب خویش دچار شکفتی و اعجاب کرد و در پاسخ همه ملامت گران و کسانی که این انتخاب را مبارک نمی دانستند یا زبان به طعن و سخره می گشودند، بر حسن انتخاب خود تأکید ورزید و بدان افتخار می نمود.

گذشت مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حمایت اجتماعی وی از حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

پس از وصلت مبارک امین جزیره العرب و طاهره قریش، حرف روز مردم ازدواج این بانوی بزرگ که به ثروتمندی نیز زبان زد خاص و عام است، با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) جوان فقیر و بی بضاعت بود، شکسته بالان وادی عشق به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که در گوشه و کنار کمین کرده بودند، پیمانهای وجودشان را از کینه و حسد مالامال و از هر فرصتی برای تحقیر و توهین محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) استفاده می کردند. بزرگ ترین مستمسک و دست آویزی که داشتند یتیمی و تهی دستی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود و این خود می توانست به مجوزی برای سیل اتهامات و گفت و شنوهای ناروا و به دور از فضیلت در باره آن حضرت باشد.

این خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است که لحظه به لحظه در جریان اخبار روزمره و حرف و حدیث های کوچک و خیابان قرار می گیرد و از بی حرمتی مردم نسبت به در یتیم آزرده خاطر می شود. برای این که کار را یک سره کند و طعنه زنان بی منطق را خلع سلاح نماید، تا دیگر کسی جرأت بدگویی از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را به خاطر فقر و تنگ دستی اش نداشته باشد، عمویش ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی های خود را به او سپرد، تا در اختیار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قرار دهد و دستور داد ورقه تمام آن چه را که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به او سپرده بود، به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هدیه نماید و یادآور شد این همه دارایی و اموال از این پس مُلک محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است و به او تعلق دارد و هر

طور که بخواهد می تواند در آن تصرف نماید و در ضمن فرمود: ورقه! عموجان، از قول من به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بگو: همه ثروت و سرمایه ام و تمام عمال و کارگرانی که امر تجارت مرا سامان می دادند، و تمام آن چیزهایی که به نام من ثبت شده است و در دست من قرار دارند و یا زیر نظر من اداره می شوند، همه و همه را به او بخشیدم. از این پس من و هر آن چه که از آن من بود به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تعلق دارد.

ورقه هم که از طعن بدخواهان نسبت به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) خبر داشت و تنها نقطه ضعفی را که مورد سوء استفاده و موجب اذیت و ایذاء محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می شد همین فقر و بی مایگی از نظر ثروت و دارایی می دانست، فرصت را مغتنم شمرد و با دستورالعملی جامع از طرف خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در میان جمعیت حاضر در کنار کعبه و بین «زمزم» و «مقام» وارد شد و همه را متوجه امر مهمی کرد که باید به گوش همگان برساند.

وقتی مردم متوجه موضوع شدند، با اشتیاق آماده شنیدن پیام ورقه شدند. مردی که از نظر معنوی اعتماد مورد توجه همگان بود، در کنار زمزم ایستاد و با صدای بلندی فریاد زد:

«ای جمعیت عرب! من از طرف خدیجه سخن می گویم. من پیام رسان او هستم. خدیجه بانوی بزرگ و با اقتدار قریش شما را به گواهی می طلبد! همه شما شاهد باشید که او، یعنی خدیجه، خودش ثروت و سرمایه اش و همه خدم و حشم و جمیع ما یملک خود و چهارپایان و صدق و مهریه و هدایایی را که از گوشه و کنار به او رسیده است، همه را به محمد بخشیده و در ملک خالص او قرار داده است و جمیع بخشش ها و هدایای خدیجه نیز از طرف محمد مورد قبول واقع شده است و تمام این ها هدایایی هستند که به آن حضرت تقدیم شده است، تا تجلیل شایسته ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود و در عین حال عشق و علاقه خدیجه را به محمد باز گو کند، همه شما که حرف های مرا شنیدید بر این گفته ها گواه باشید.»

این تصمیم خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از جهاتی بزرگ تر از تصمیم نخستین او برای ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود همه بدخواهان را منکوب کرد و زبان های طعن و استهزا را برید و جامعه را به نفع

محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و پیامی که از طرف خداوند خواهد داشت آماده ساخت و اهمیت این گذشت و کرامت از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به حدی قابل توجه است که بعضی از شرق شناسان در تحلیل علل پیروزی و موفقیت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را دخیل و تأثیرگذار دانسته اند و صد البته که این اموال در روزهای سخت، به ویژه در محاصره همه جانبه شعب ابی طالب، مایه قوت و پایداری مسلمانان گردید.

فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

ازدواج طاهره قریش با امین جزیره العرب، آغاز تحولی بود در تاریخ بشر که باید اعصار و قرون را درنوردد و کانون زندگی صفابخش و ماندگاری را در بلندای قله تاریخ نمایش دهد، زن و مردی از تبار پاکان با نیاکانی از رهروان و پیروان ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، شجره ای که در عمق تاریخ ریشه دواند و شاخسارهای پربار آن همه بشریت را در بر گرفته است.

هر روز که می گذرد بر فروغ جاویدان این خاندان افزوده می شود و کوثر خیرات و برکاتش بسان رود پرخروشی از کنار کویر حیات گذر کرده و تشنگان وادی ایمان و معرفت را سیراب می کند. خاندانی که کوچک و بزرگشان درس بزرگی به فرزندان بشر داده و به عنوان اسوه های جاویدان ایثار و ایمان و انسانیت بستر تاریخ را روشن کرده و حیات فکری و فرهنگی جویندگان حقیقت و پیوندگان طریق توحید را منور ساخته اند. دودمانی که هر یک ذخیره مبارک خداوندی برای دیگری بوده است. در وجود محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و گوهر وجود خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در حصن حصین حفظ الهی از هر گزند و دستبردی مصون ماندند تا با پیوند مبارک خویش حجله محبت و معرفت را به نام خدای ابراهیم آراستند.

پیوند محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به ثمر نشست و بهاران ازدواجشان شکوفان شد. «زینب» به دنیا آمد و آن گاه «رقیه» و «ام کلثوم» و «فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)» و سپس «قاسم» و «عبد الله»، قضای الهی چنین بود که قاسم در دو سالگی پیش از بعثت نبوی از دنیا برود و عبد الله پیش از هجرت نبوی زندگانی را بدرود گوید.

این هم از شگفتی ها است که اولاً شمار دختران اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، از همسرش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، بیش از

پسران بوده و شگفت تر این که پسران یکی پس از دیگری بمیرند و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در غم مرگ خویش غمین سازند تا ابتلا و امتحان دیگری رخ دهد و محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سرافرازتر از گذشته بر ایمان و اعتقاد و ابلاغ رسالت خویش پای بفشرد؛ آن هم در شرایطی که طبق فرهنگ جاهلی آن دوران، روشنی خانه و خاندان به وجود فرزند پسر بود؛ چرا که تنها پسر صلاحیت داشت جای پدر را بگیرد و گرنه داغ «ابتر» بودن بر پیشانی او نقش می بست؛ چرا که در آن جامعه دختر و زن موجودی بسیار تحقیر شده بود.

از این رو کور دلان قریش بهانه یافتند و به حضرتش عنوان «ابتر» دادند؛ چون فرزند پسر نداشت که وارث او گردد و دختر نیز در فرهنگ جاهلی صلاحیت وراثت و جانشینی نداشت.

غافل از این که مشیت الهی جریان زندگی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به گونه دیگری رقم می زد و بر خلاف میل بد اندیشان دل مرده، تقدیر چنین بود که دختری از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به وجود آید و در صحنه کمالات و ارزش های وجودی آن چنان بدرخشد که به عنوان رمز ماندگاری نبوت و جاودانی هدایت، مهر خاتمیت را بر دوش کشد و پیام قهر معبود را با آیه کریمه (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) به گوش تاریک دلان برساند و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را امید و نوید جاودانگی مکتب دهد و از این طریق نقطه عطفی در تاریخ بشریت باشد که دختر و زن در وراثت و شأنیت اجتماعی همانند مردان حضور داشته و به عنوان یک انسان که در بعد انسانیش کمبودی نسبت به مردان ندارد مطرح گردد و موجودیت انسانی زن تثبیت، و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تضمینی بر پایایی و پویایی مکتب گردد.

مصطفی را وعده داد الطاف حق

گر بیماری تو نمیرد این سبق

رونقت را روز روز افزون کنم

نام تو بر ذرّ و بر نقره زنم

منبر و محراب سازم بهر تو

در محبت قهر من شد قهر تو

اراده خداوندی، فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را رمز جاودانگی اسلام قرار داد و چشمه سار هدایت را، از دامن عصمت او فوران ساخت و خود و فرزندانش یکی پس از دیگری در آسمان ولایت و رهبری امت درخشیدند و فرا راه بشریت را به سر منزل مقصود روشن ساختند که در مقال

دیگری باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

کسی که یار غم خوار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیش از بعثت بود و پس از آن هم با تمام وجود حامی، افکار و اندیشه های توحیدی او محسوب می شود و به دلیل موقعیت مقبول و ممتازی که داشت، پناهگاهی برای محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به حساب می آمد و اذیت و آزار و بی ادبی مشرکین را با وجود او به آسانی تحمل می کرد، آن وقتی که دشنامش می دادند و مورد ریشخند قرار می گرفت و با سنگ پرانی و دهن کجی آزرده خاطر می شد و با تکیه به نویدهای وحیانی جبرئیل و همدلی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که دیگر باره برای انجام مسئولیت به پا خواسته، فریاد توحیدی خویش را از سر می گرفت و آن هنگام که آماج تهمت ها و افتراها بود و در هر کوی و برزنی نادانان ناتوان با حربه های جاهلیت به استقبالش می رفتند و با خاکستر داغ و خارهای بی دانی زیر رگبار جسارت های خویش می گرفتند، این دستِ مهربان و پر محبت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که مرهم امید و حیات بر جراحات جسم و جانش می گذاشت و برای ادامه راهِ رهایی امت آماده اش می ساخت.

ولی افسوس که تقدیر، طرح دیگری در انداخته بود و روزگار آزمون دیگری را برای محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پیش بینی کرده بود.

تقدیر الهی چنین بود که این بانوی بزرگ و فداکار در اندوه بارترین سال حیات اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که به عام الحزن سال اندوه و غم معروف است بار سفر آخرت بر بندد و همسر بزرگوار خویش را در غم تنهایی و هجران خویش گرفتار سازد. هر چند که او معلم بشریت بود و آیات قرآن بر زبانش جاری و به همگان درس شکیب و صبر می داد، زندگی را جلوه لطف خدا و سرانجامش را برگشت به سوی حضرت او می دانست و فلسفه زندگانی بشری را با (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (۱) تفسیر می کرد.

سال رحلت آن بانوی بزرگ همان سالی است که حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز در همان سال

ص: ۳۵

وفات کرد و آن دو بزرگوار دو تکیه گاه توانمند و دو اهرم قدرتمند اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پیشبرد اهداف توحیدی به حساب می آمدند، مشیت خداوندی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را رهسپار دیار باقی کرد تا فصل دیگری از کتاب نبوت به روی رسول خدا گشوده گردد. ولی زندگانی آن حضرت رنگ عزا به خود گرفت و تمام سال سیاهی غم بر سر کشید و به عنوان سال غمبارش حیات نبوی معروف شد.

هر چند که نقش ماندگار و تأثیر جاودانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گسترش اندیشه های توحیدی و حمایت های بی دریغ مالی، اقتصادی، روحی و روانی و سیاسی اجتماعی او از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به ابدیت پیوسته و نام او چونان نام ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بر لوح وجود پیوسته خواهد ماند. و تا دنیا دنیا است و دین باوران شعار توحید سر می دهند در برابر عظمت آنان که بنیان یکتاپرستی را پایه گذاری کردند فروتنانه عرض ادب خواهند کرد.

کتابنامه

۱. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، [بی تا].
 ۲. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
 ۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
 ۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، خیرات حسان، تهران: [بی نا]، [بی تا].
 ۵. بلاذری، احمد بن یحیی (م ۲۷۹ ق)، أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
 ۶. الحسون، محمد، اعلام النساء المومنات [بی جا]: انتشارات اسوه، ۱۴۱۱ ق.
 ۷. حلبی، علی بن برهان (م ۱۰۴۴ ق)، السیره الحلبیه، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (م ۷۴۸ ق)، سیر الاعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه

١. الرسالة، ١٤١٣ق.

٢. مجلسي، محمدباقر (م ١١١٠ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ سوم، ١٤٠٣ق.

ص: ٣٧

نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۱)

عبدالکریم پاک نیا

چکیده

شرح فضائل اخلاقی و آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی است. از دیدگاه نویسنده: مطالعه تاریخ زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نشان می دهد که او هم در دوران جاهلیت و هم بعد از بعثت، دارای فضائل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است. او در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر، تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است. سخاوت، کرامت، ایثار و فداکاری، عفت و پاک دامنی، دوراندیشی و درایت و توجه به مستمندان، عطوفت و مهربانی و صبر و استقامت، از جمله فضیلت های پسندیده ای است که صفحات تاریخ این زن نمونه را نشان می دهد. به همین جهت آن بانوی یگانه در میان زنان رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) شرایط هم کفو بودن را احراز نمود و یک همتای واقعی برای حضرت محمد (صلی الله و اله و سلم) بود.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، تاریخ اسلام، سخاوت، کرامت، ایثار، عفت و پاک دامنی، درایت، مهربانی، استقامت.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر گرامی رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، ۶۸ سال پیش از هجرت نبوی ۹ در شهر مکه به دنیا آمد. پدر وی خویلد بن اسد و مادرش فاطمه دختر زائده بن اصم می باشد. او در چهل سالگی با حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ) که ۲۵ سال از عمر شریفش را سپری کرده بود ازدواج نمود. بنا بر قول مشهور ثمره ازدواج خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شش فرزند به نام های قاسم، عبد

ص: ۳۸

الله، رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود. قبل از اسلام وی به خاطر دارا بودن صفات پسندیده و فضائل اخلاقی و پاک دامنی، «طاهره» لقب گرفت. ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در میان اهل مکه بی نظیر بود و اهالی مکه با اموال وی به صورت مضاربه ای تجارت می کردند. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از ازدواج با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همه آن ثروت را در اختیار حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) نهاد و بدین ترتیب از جنبه اقتصادی دین اسلام را تقویت نموده، و در گسترش آن نهایت تلاش خود را به جای آورد.

مقام او در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به حدی بود که در مدت ۲۵ سال زندگی مشترک با این بانوی با عظمت، آن حضرت به خاطر تکریم وی با هیچ زنی ازدواج نکرد و بهترین دوران جوانی خویش را به وی بخشید. بعد از رحلت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) همیشه به یاد محبت ها و تلاش های او بود. بنا بر برخی اقوال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با دو نفر دیگر بنام های «ابو هاله بن زراره تمیمی» و «عتیق بن عائذ مخزومی» نیز ازدواج کرده بود. این یاور با وفای رسالت بعد از ۲۵ سال زندگی در کنار حضرت خاتم الانبیا، در دهمین سال بعثت در ۶۵ سالگی و در دهم ماه رمضان چشم از جهان فرو بست و قلب رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و مسلمانان را داغدار نمود.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیکر پاک او را در حجون با دست های خویش به قبر گذاشت و از شدت حزن و اندوه سال وفات او را که با فاصله اندکی از رحلت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) رخ داده بود، عام الحزن (سال اندوه) نامید. امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به پاس خدمات آن دو بزرگوار به جهان اسلام اشعاری جانسوز سروده و در بخشی از آن حزن و ماتم قلبی خویش را بیان داشته است:

أَعْيَنِي جُودًا بَارَكَ

اللَّهُ فِيكُمَا

عَلَى هَالِكِينَ لَا تُرَى

لَهُمَا مَثَلًا

وَسَيِّدَةِ النَّسْوَانِ

أَوَّلُ مَنْ صَلَّى

عَلَى سَيِّدِ الْبَطْحَاءِ

وَأَبْنِ رَأْسِهَا

مُهَذَّبَةٌ قَدْ طَيَّبَ

اللَّهُ خِيَمَهَا

مَبَارَكَةٌ وَاللَّهُ سَاقَ لَهَا

الْفَضْلَا

فَبِتُّ أُقَاسِي مِنْهُمَا الْهَمَّ وَالتَّكْلَا

مُصَابُهُمَا أَذْجِي إِلَيَّ الْجَوَّ

وَالْهَوَاءَ (١)

ص: ٣٩

١- . مجلسی، محمدِ دباقر، بحار الأنوار، ج ٣٥، ص ١٤٣؛ بیهقی نیشابوری، محمد بن حسن، دیوان امام علی، ص ٣٥٩؛ نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ٤، ص ٧٣.

والهواء (۱)

ای چشمان من! احسنت بر شما، [اشک بریزید] در فراق آن دو بزرگواری که نظیر ندارند. بر سرور سرزمین بطحاء و فرزند رئیس آن و بر بانوی بانوان که نخستین نمازگزار بود. [آن بانوی] پاک دامنی که خداوند خصلت های او را پاکیزه کرده است. [بانوی] مبارکی که خداوند برتری را به سوی او رانده است. مصیبت این دو عزیز فضا را بر من تیره و تار ساخته و [از این پس] شب ها را در اندوه و حزن این دو سر می کنم.

در این نوشتار بر آن شدیم که نقش این بانوی خجسته را در گسترش آموزه های مکتب تربیتی اسلام مورد توجه قرار داده و مواردی قابل توجه از آن را به خوانندگان گرامی تقدیم داریم. به امید این که بتوانیم از این شخصیت برجسته و بانوی نمونه در جهان اسلام درس ها آموخته و با شناخت فضائل و مناقب آن بزرگوار، از او به عنوان اسوه و الگوی تربیتی پیروی کنیم.

۱. فضائل اخلاقی و علمی

مطالعه تاریخ زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نشان می دهد که او هم در دوران جاهلیت و هم بعد از بعثت خاتم الانبیا (صلی الله و اله وسلم)، دارای فضائل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است. او در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر، تأثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است. سخاوت، کرامت، ایثار و فداکاری، عفت و پاک دامنی، دورانیشی و درایت و توجه به مستمندان، عطوفت و مهربانی و صبر و استقامت؛ از جمله فضیلت های پسندیده ای است که صفحات تاریخ این زن نمونه را نشان می دهد.

به همین جهت آن بانوی یگانه در میان زنان رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) شرایط هم کفو بودن را احراز نمود و یک همتای واقعی برای حضرت محمد (صلی الله و اله وسلم) بود. عدم ازدواج مجدد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در زمان حیات خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نشانگر جاذبه های معنوی و فضائل اخلاقی بی شمار در وجود آن حضرت است، که بدون تردید برخوردار از آن صفات نقش مهم و اساسی

ص: ۴۰

۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۴۳؛ بیهقی نیشابوری، محمد بن حسن، دیوان امام علی، ص ۳۵۹؛ نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۴، ص ۷۳.

در زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) داشته است . به همین جهت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) این بانوی تربیت یافته را از برترین زنان بهشتی شمرده و می فرماید:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آثِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ اِمْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ»؛ (۱) بهترین زنان اهل بهشت عبارت اند از: خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، زن فرعون.» وفاداری این بانوی آسمانی در راه رسیدن به اهداف والای همسر خویش، مورد توجه سیره نویسان و محققان قرار گرفته است. او از اولین لحظات بعثت، به رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) ایمان آورد و تا آخرین لحظات بر ایمان خود پای فشرد و لحظه ای شک و تردید به دل راه نداد.

گذشته از فضائل اخلاقی، او از کمالات علمی نیز برخوردار بود. تاریخ گواهی می دهد که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در مورد دانش عصر خود اطلاعات فراوانی داشت و از کتاب های آسمانی آگاه و از نظر عقل و درایت و زیرکی بر تمام زنان، حتی بسیاری از مردان معاصر برتری داشت . بنا بر این او دارای تمام کمالات و امتیازهایی بود که یک زن می تواند داشته باشد.

با توجه به نکات یاد شده، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان اولین بانوی مسلمان در ترویج فرهنگ اسلامی و الگوهای یک زن مسلمان و باکمال، نقش والای خود را ایفا کرده است و بانوان بسیاری از تربیت عملی وی درس ها آموخته اند. اهمیت فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در وجود این بانوی با فضیلت آن گاه به اوج خود می رسد که نگاهی به وضع زن در ایام جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بیندازیم.

زن در آن روز نه تنها از حقوق خود محروم بود و با رقت آورترین وضع زندگی می کرد ، بلکه به عنوان مایه ننگ و عار و موجودی شوم زنده به گور می شد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در چنین عصری اثبات نمود که یک زن نه تنها حق حیات دارد و باید حقوق مسلم خود را استیفا

ص: ۴۱

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۶۷؛ مناقب امیرالمؤمنین ۷، ج ۲، ص ۱۸۶.

نماید، بلکه می تواند با اعمال شایسته و تلاش و کوشش، به مرحله ای برسد که خداوند متعال به او سلام برساند؛ همچنان که امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل می کند: «شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر معراج به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل! آیا خواسته ای از من داری؟ گفت: خواهش من این است که از طرف خداوند و من، به خدیجه سلام برسانی.» (۱)

۲. پرورش فرزندان صالح

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل محیطی و وراثتی در پرورش و رشد شخصیت کودک نقش بسزایی دارد. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) علاوه بر این که به نص قرآن مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش فرزندان نیک و صالحی برای رسول الله (صلی علیه و اله وسلم) تربیت نمود. وی شش فرزند برای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به دنیا آورد و در دامن پر مهر خویش پرورش داد، که در میان آنها حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از رتبه خاصی برخوردار است. دختری که رهبری اسلام بعد از پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از نسل او پدید آمد و ادامه یافت.

این دختر با مادرش آن چنان ارتباط تنگاتنگ داشت که هنگام رحلت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که در حدود پنج سال داشت، شدیداً بی تابی می کرد و به دور پدر بزرگوارش می چرخید و می گفت: «یا اَبه اَیْنِ اُمِّی؛ پدر جان! مادرم کجا است؟» حضرت جبرئیل نازل شد و فرمود: «یا رسول الله! خداوند می فرماید: سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه های بهشتی با آسیه و مریم زندگی می کند.» (۲)

این دختر پاکیزه، هنگام رحلت مادر وقتی احساس کرد که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شدیداً در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت است و نگران تنهایی و بی یآوری حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و سلم)

ص: ۴۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۸۵.

۲- . شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۱۷۵.

می باشد، به مادرش دلداری داده و گفت: «یا اُمّاه! لَا تَخْزَنِي وَلَا تَزْهَبِي فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي» (۱) مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش، زیرا خداوند یار و یاور پدرم می باشد.»

امامان معصوم ۷ نیز همیشه به وجود چنین مادری افتخار می کردند؛ هم چنان که حضرت مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَام) هنگامی که با معاویه مناظره می کرد، در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی و سعادت و خوشبختی خود، به نقش مادر در تربیت افراد اشاره کرده و فرمود: معاویه! چون مادر تو «هند» و مادر بزرگت «نثله» می باشد [و در دامن چنین زن پست و فرومایه ای پرورش یافته ای] این گونه اعمال زشت از تو سر می زند و سعادت ما خانواده در اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا همچون خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَام) می باشد. (۲)

امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) در روز عاشورا برای معرفی خویش و آگاه کردن دل های بیدار، به مادرش فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَام) و مادر بزرگ شایسته و فداکارش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) اشاره نموده و فرمود:

«أَنْشِدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمَّي فاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟! قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ... أَنْشِدُكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟! قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ (۳) شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادر من «فاطمه زهرا» دختر محمد [مصطفی (صلی الله علیه و اله وسلم)] است؟! گفتند: آری... [فرمود:] شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادر بزرگ من خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی است که اسلام را پذیرفت؟! گفتند: آری.»

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) علاوه بر این که در دامن پر مهر و عطوفت خویش فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را پرورش داد، فرزندان شایسته ای را نیز قبل از ازدواج با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) تربیت کرده بود، که از جمله آنها هند بن ابی هاله می باشد. او (هند) در مدت سه شبانه روزی که پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در هنگام هجرت در غار ثور مخفی شده بود، به همراه علی (عَلَيْهِ السَّلَام) دور از چشم مشرکان

ص: ۴۳

۱- دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَام)، ص ۱۶۴.

۲- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۴۶۳.

مکه محرمانه به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آذوقه می برد و برمی گشت. وی مردی بزرگوار، شریف، فصیح و محدث بود و از شوهر دیگر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، به نام ابی هاله بن زراره تمیمی متولد شده بود. (۱)

هند پسر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همان کسی است که امام حسن ۷ به عنوان دایی خود از وی نام می برد. وی اوصاف و شمایل رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) را برای امام مجتبی ۷ توصیف می کرد و بسیار مورد علاقه رسول الله (صلی علیه و اله وسلم) بود. او بت های مشرکان را می شکست (۲) و در جنگ جمل در رکاب حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به شهادت رسید (۳). (۴)

۳. توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان

مهرورزی و محبت به کودکان و رفع نیازهای معنوی و عاطفی فرزندان، یکی دیگر از اصول تربیتی اسلام می باشد. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان یک مادر دلسوز و مربی آگاه در این مورد حساسیت ویژه ای داشت. ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می باشد:

در ایام بیماری خدیجه که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد و به او دلداری داده و گفت: تو از بهترین زنان عالم محسوب می شوی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی و بارها تو را به بهشت بشارت داده است. با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه فرمود: اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف نیاز به مادر دارد تا نگرانی ها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه کوچک است، می ترسم کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود و برایش مادری کند.

ص: ۴۴

-
- ۱- همان .
 - ۲- ابن ماکولا، علی بن هبه الله جرباذقانی، اکمال الکمال، ج ۱، ص ۱۱۹.
 - ۳- طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ص ۱۱.
 - ۴- برخی از متفکران اسلامی معتقدند که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قبل از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) ازدواج نکرده بود و فرزندان هم چون هند، خواهرزادگان وی بودند، که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آنان را در دامان خود پرورش داد.

اسماء بنت عمیس گفت: ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه مادری کنم و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم.

بعد از وفات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هنگامی که شب زفاف حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرا رسید، پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: همه زن ها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آن جا باقی نماند. همه رفتند، اما پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) متوجه شد که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقی مانده است. فرمود: آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت: چرا یا رسول الله، من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما را نداشتم، ولی عهد من با خدیجه مرا بر آن داشت که در این جا بمانم؛ چون با خدیجه پیمان بسته ام که در چنین شبی برای فاطمه مادری کنم. (۱)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) با شنیدن این سخن به گریه در آمد و فرمود: تو را به خدا سوگند برای این کار ایستاده ای؟ اسماء عرض کرد: آری. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دست به دعا برداشته و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد. (۲)

هم چنین حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در مورد آینده دختر خردسال خویش خطاب به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دغدغه هایی را به این ترتیب بیان نمود: یا رسول الله! این دختر من با اشاره به حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بعد از من غریب و تنها خواهد شد. مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتاری تند و خشن داشته باشد. (۳)

۴. رعایت آیین شوهرداری

اشاره

یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان می باشد. اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری های خانواده ها توجه شود، بخش قابل توجهی

ص: ۴۵

۱- . امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲- . حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۳۳۴ .

۳- . همان.

از این مشکلات به رفتارهای بانوان و زنان و دختران جوان بر می گردد و این همه، به خاطر ناآگاهی و عدم توجه به حقوق شوهران، رعایت نکردن آداب معاشرت و عدم آگاهی از اصول شوهرداری در اسلام است. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در ترویج آیین شوهرداری اسلامی و رعایت حقوق همسر، نهایت تلاش را به عمل می آورد.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با شیوه های مختلفی فضای خانواده را آرام نگاه داشته و امنیت روحی و روانی را برای شوهر و فرزندان برقرار، و زمینه را برای رشد فضائل اخلاقی فراهم می آورد. در این جا به برخی از روش های تکریم شوهر و همسر داری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اشاره می کنیم.

الف ابراز محبت

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در فرصت های مناسب به همسر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می کرد. او در قالب اشعاری زیبا در باره پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می دارد:

وَدَامَتْ لِي الدُّنْيَا

وَمَلِكُ الْآكَاسِرِهِ

فَلَوْ أَنِّي أَمْشَيْتُ

فِي كُلِّ نِعْمَةٍ

إِذَا لَمْ يَكُنْ عَيْنِي

لِعَيْنِكَ نَاطِرَةً (۱)

فَمَا سُؤْيَتْ عِنْدِي

جَنَاحَ بَعُوضِهِ

اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آنها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد، زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد .

ب طرح غیرمستقیم خواسته ها

بدون شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد. این درخواست های معقول زن، اگر در محیطی محبت آمیز و همراه با حفظ حریم های اخلاقی باشد، امری پسندیده تر و جذاب خواهد بود. اگر این خواسته ها به صورت غیرمستقیم انجام گیرد، در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت تأثیری فوق العاده خواهد داشت. حضرت

۱- نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۴.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) انجام داده و صدمات فراوانی متحمل شده بود، از این رو به صورت طبیعی می توانست انتظارات و توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، اما او هیچ گاه خواسته های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی کرد، بلکه سعی می کرد آنها را به عنوان یک پیشنهاد و یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح نماید.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آستانه وفات خویش هنگامی که وصیت های خود را بیان می کرد، آنها را در قالب یک گفت و گوی صمیمانه و محبت آمیز مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) عرض کرد: یا رسول الله! چند وصیت دارم، البته من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن.

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) عرض کرد: یا رسول الله! می خواهم خواسته ای را توسط دخترم فاطمه به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیماً بازگو نمایم.

پیامبر از منزل خدیجه بیرون رفت. آن گاه خدیجه دخترش فاطمه را صدا کرد و به او گفت: عزیزم! به پدر بزرگوارت بگو که مادرم می گوید: من از قبر هراسناکم، دوست دارم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی، کفن کرده و در قبر بگذاری. فاطمه به نزد پدر آمده و پیام مادرش را رساند. پیامبر آن لباس را برای خدیجه فرستاد. هنگامی که فاطمه آن را آورد، نشاط زاید الوصفی وجود خدیجه را فرا گرفت. آن گاه حضرت خدیجه با دلی آرام چشم از جهان فرو بست.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) مشغول تجهیز و غسل و حنوط وی شد، هنگامی که خواست خدیجه را کفن کند، حضرت جبرئیل امین نازل شد و گفت: یا رسول الله! خداوند سلام می رساند و می فرماید: کفن خدیجه به عهده ما است و آن یک کفن بهشتی خواهد بود. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اول با پیراهن خود و از روی آن با کفن بهشتی خدیجه را کفن کرد.

ج دلجویی و دلداری همسر

خانواده کانون آرامش و راحتی بخش هر انسانی است. مردی که در بیرون خانه با هزاران مشکل و گرفتاری روبه رو است و گاهی در راه رسیدن به هدف و کسب روزی حلال سخنان ناروا شنیده و لطمات روحی و جسمی زیادی را متحمل می شود، انتظار دارد که کسی از وی دلجویی کرده و حرف دلش را شنیده و با کلمات شفابخش و برخوردارهای آسایش آفرین مرهم گذار دردهای انباشته در دل او باشد.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین همسری برای پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. مشرکان با سخنان توهین آمیز و اعمال وقیحانه ای پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را ناراحت می کردند و از این ناحیه مشکلات فراوانی پیش روی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) بود، اما همه این گرفتاری ها به وسیله خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جبران می شد. او شخص اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مشکلات آن حضرت را آگاهانه درک می کرد و بدین جهت در پیشرفت اهداف آن حضرت تلاش می نمود و سخنانش را تصدیق می کرد و او را از تمام غم ها و غصه ها می رهانید.

علامه سید شرف الدین در این مورد می نویسد: «او مدت ۲۵ سال با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زندگی کرد، بدون آن که زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگی زناشویی شریک درد و رنج اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، زیرا با مال خود به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می نمود و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبت می کردند، تسلی می داد. او به همراه علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم)، در غار حرا بود.» (۱)

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مورد همسر گرامی خویش می فرماید: «خدیجه زنی بود که چون همه از من روی می گردانیدند او به من روی می کرد و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد. در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود

ص: ۴۸

۱- علی دخیل، علی محمد، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ص ۳۱.

کمک می کرد و غم از دلم می زدود»^(۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن چنان در روح و جان همسر بزرگوارش تأثیر گذاشته بود، که مدت ها بعد از رحلت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، هر گاه حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) گوسفندی را ذبح می کرد، می فرمود سهمی هم به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بفرستید؛ زیرا من دوست خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را هم دوست می دارم.

۵. برترین معیارهای انتخاب همسر

هر جوانی در زندگی خویش نیاز به ازدواج دارد و ازدواج در اسلام، یک امر مقدس و عبادت محسوب می شود. دختر و پسری که می خواهند به سوی امر مقدس ازدواج قدم بردارند، اولین گام را از خود دوستی به سوی غیردوستی بر می دارند، آنان با امضای پیمان مقدس زناشویی از دایره خودخواهی بیرون رفته و با وارد شدن به مرحله جدیدی از زندگی، بخشی از کمبودهای خود را جبران می کنند؛ که از جمله آنها می توان به بقای نسل، رسیدن به آرامش و سکون، تکمیل و تکامل، تأمین نیاز جنسی، سلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روحی و روانی اشاره کرد. اما در این میان مهم ترین دغدغه های هر دختر و پسر جوان که در آستانه ازدواج قرار می گیرد، برترین معیارها و ملاک های ازدواج در انتخاب همسر آینده اش می باشد.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان الگوی دختران و زنان مسلمان در مورد انتخاب حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) به عنوان همسر آینده خویش ملاک ها و اصولی را مطرح می کند، که از گفت و گوی وی با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) معلوم می شود .

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هنگام پیشنهاد ازدواج با رسول خدا ۹۱ به وی گفت: به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانت داری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم.^(۲)

ارزش این انتخاب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن گاه نمایان می شود که بدانیم او در آن هنگام، موقعیتی

ص: ۴۹

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۲- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۲.

عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

کتابنامه

۱. ابن ماکولا، علی بن هبه الله جرباذقانی (م ۴۷۵ ق)، الإكمال (إكمال الکمال)، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۲. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ۷، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۳. امین عاملی، سید محسن (م ۱۳۷۱ ق)، اعیان الشیعه، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
۴. بیهقی نیشابوری، محمد بن حسن، دیوان امام علی، ترجمه: ابوالقاسم امامی، تهران: اسوه، ۱۳۸۱.
۵. حائری، محمد مهدی (م ۱۳۶۹ ش)، شجره طوبی، النجف الاشرف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۶. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (علیها السلام)، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۷۷ ش.
۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تحقیق: مؤسسه البعثه، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۸. طبرسی، احمد بن علی (م ۶۲۰ ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: ابراهیم البهادری و محمد هادی به، تهران: دار الأسوه، ۱۴۱۳ ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ ق)، مکارم الأخلاق، تحقیق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. علی دخیل، علی محمد، زنان بزرگ اسلام (خدیجه)، ترجمه: فیروز حریرچی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۱. نمازی شاهرودی ، شیخ علی (م ۱۳۶۴ ش)، مستدرک سفینه البحار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.

ص: ۵۱

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفت و پاک دامنی (۱)

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نه تنها خود الگوی عفاف بود، بلکه فرزندانش نیز چنین بودند. آن بزرگوار علاوه بر این که به نص قرآن، مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش فرزندان نیک و صالحی برای رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) تربیت نمود. وی شش فرزند برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به دنیا آورد و در دامن پر مهر خویش پرورش داد. فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که به سن رشد رسیدند از هر لحاظ در میان اقربان خود ممتاز بودند؛ به ویژه دختران آن گرامی که در اوج عفاف، تقوا و کمالات معنوی بودند. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به تمام معنای کلمه، پاسدار حیا و عفت بود.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، عفاف، پاک دامنی، فرزندان، تقوا.

واژه «عفاف» (۲) در لغت به معنای پاک دامنی، پارسایی و خودداری از کارهای زشت و مدیریت غریزه شهوات نفسانیه مادی است، (۳) عفت، ویژه جنس زن نیست؛ این ارزشی،

ص: ۵۳

۱- مبلغان، شماره ۱۷۹ (تیر و مرداد ۱۳۹۳)، ص ۱۳ - ۱۹.

۲- در ادبیات عرب «عفاف» با فتحه و «عفت» با کسره خوانده می شود. (طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۰۲)

۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، واژه «ع».

فراگیر است. (۱) به پروا پیشه ای عقیف می گویند که از همه حرام ها و زشتی ها دوری می کند.

عفت معانی و کاربردهای مختلفی دارد؛ عفت در اندیشه، عفت در نیت، عفت در نگاه، عفت در کلام، عفت در رفتار، عفت در پوشش، عفت در آرایش، عفت در بیان و قلم، عفت در خوراک و عفت در اقتصاد، برخی از ابعاد مختلف عفت است.

عفاف در قرآن

واژه عفت در قرآن کریم، بیشتر در مورد عفت جنسی و اقتصادی استعمال شده است. در سوره مبارکه نور در مورد عفت جنسی می فرماید: (وَلْيَسِّرْ تَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ (۲) و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاک دامنی پیشه کنند، تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند).

در آیه ای دیگر از همین سوره، از واژه «عفت» بهره گرفته و عفاف جنسی را به عنوان یک ارزش برتر معرفی می کند و می فرماید:

(وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسِيْرْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ (۳)

و زنان از کارافتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط این که در برابر مردم خود آرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و دانا است).

قرآن کریم در مورد «عفت اقتصادی» نیز می فرماید: (يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعْفُفِ؛ (۴) از شدت خویشتن داری، فرد بی اطلاع، آنان را توانگر می پندارد).

هم چنین در سوره نساء به عفت ورزی در اموال یتیمان سفارش کرده و می فرماید:

ص: ۵۴

۱- امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعِفَّةَ؛ خدایا من از درگاه تو عفت و بی نیازی می خواهم.» (کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، ص ۲۸۳)

۲- نور: ۳۳.

۳- نور: ۶۰.

۴- بقره: ۲۷۳.

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبُرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْغَفِرْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا؛ (۱)

و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد کافی یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آن که بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته و مطابق زحمتی که می کشد، از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها بازمی گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است).

در آیات شریفه قرآن کریم، پوشیدگی کامل اندام، با وقار بودن، پرهیز از سخنان تحریک آمیز و اجتناب از آرایش های شبیه به دوران جاهلیت، برای خانم های مسلمان توصیه شده است.

افزون بر این، وجود دستوره های دینی متعدد در این زمینه، جای هیچ تردیدی را باقی نگذاشته است؛ تا آن جا که بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است و انکار اصل آن از نظر فقهی، موجب خروج از دین است. اجتناب از جلوه نمایی و رعایت پوشش اسلامی دو مورد از مصادیق بارز حجاب بر بانوان مسلمان است، که قرآن برای گسترش فرهنگ عفاف پیش بینی کرده است.

از منظر آیات وحی، جریان فرهنگ عفت در تمام ابعاد زندگی، یکی از پایه های اخلاق برای کنترل رذائل و سوق به سوی تکامل و درجات عالی و کمالات متعالی است.

رابطه عفاف و حجاب

در فرهنگ اسلامی عفت، حجاب معنوی و حجاب، پوشش ظاهری است. بنا بر این ممکن است کسی حجاب داشته باشد، ولی از عفاف بی بهره باشد. مثلاً حجاب را از روی

ص: ۵۵

اجبار، مصلحت، تقلید، تفریح و یا تفنّن رعایت کند و در نتیجه ممکن است شخص باحجاب عقیف نباشد.

از مقایسه دو واژه «حجاب» و «عفاف» معلوم می شود که هر دوی آنها در اصل معنای «منع و جدایی» مشترک‌اند؛ با این تفاوت که منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی در عفت، مربوط به باطن و برخاسته از درون است. با توجه به تأثیر متقابل ظاهر و باطن بر یکدیگر، بین حجاب و عفت ارتباط وجود دارد؛ هر چه حجاب بهتر باشد، تأثیر بیشتری در تقویت و پرورش عفت دارد و هر چه عفت درونی و باطنی عمیق تر باشد، حجاب و پوشش ظاهری هم واقعی تر و تأثیرگذارتر خواهد بود. از مجموع تعالیم دینی و اخلاقی چنین فهمیده می شود که مبنای حجاب (پوشش) ظاهری، همان عفت و حیای درونی است.

بنا بر این حوزه عفاف گسترده تر از حجاب است و شامل عفت نفس از شهوات شکم، عفت گفتار و عفت قلم می شود. (۱)

ارتباط عفاف و غیرت

غیرت از شریف ترین اوصاف نفسانی و به معنای حسّ دفاع از ناموس و ارزش های مقدس است. عفت، قدرت خودداری از انجام گناه و غیرت، مقدمه عفاف است. پیامبران به عنوان الگوهای عالی بشریت، سرآمد غیرتمندان بودند.

پیامبر خدا (صلی الله و آله وسلم) می فرماید: «كَانَ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَبِي غَيْرًا وَ أَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۲) پدرم ابراهیم غیور بود و من از او غیورترم، و خداوند دماغ مؤمن بی غیرت را به خاک ذلت می مالد.»

عفاف خصلتی است که تنها مختص زنان نیست، بلکه مردان را نیز در بر می گیرد؛ اما غیرت مختص مردان است. (۳) کسی که وارد حریم غیر شود، یا اجازه دهد غیر، وارد

ص: ۵۶

۱- پاک نیا تبریزی، عبدالکریم، عفاف سرچشمه زیبایی، ص ۲۴.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۸.

۳- امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ وَ إِنَّمَا جَعَلَ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ؛ خداوند تبارک و تعالی غیرت را برای زنان قرار نداد، بلکه آن را برای مردان قرار داد.» (شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴)

حریم او شود، اهل غیرت و عفاف نیست.

در قرآن و روایات از این خصلت، بسیار تمجید شده و سیره پیشوایان معصوم نیز سرشار از این خصلت نیکو است.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفاف

اشاره

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر گرامی رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ۶۸ سال پیش از هجرت نبوی در شهر مکه به دنیا آمد. پدر وی خویلد بن اسد و مادرش فاطمه دختر زائده بن اصم می باشد. او در چهل سالگی با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که ۲۵ سال از عمر شریفش را سپری کرده بود، ازدواج نمود. بنا بر قول مشهور، ثمره ازدواج خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با آن حضرت ۹ شش فرزند به نام های: قاسم، عبد الله، رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود.

ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در میان اهل مکه بی نظیر بود و اهالی مکه با اموال وی به صورت مضاربه ای تجارت می کردند. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از ازدواج با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همه را در اختیار حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) نهاد و از جنبه اقتصادی دین اسلام را تقویت نموده و در گسترش آن نهایت تلاش خود را به جای آورد.

مقام او در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به حدی بود که در مدت ۲۵ سال زندگی مشترک با این بانوی با عظمت، آن حضرت به خاطر تکریم وی با هیچ زنی ازدواج نکرد و بهترین دوران جوانی خویش را به وی بخشید و حتی بعد از رحلت وی، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) همیشه به یاد محبت ها و تلاش های او بود. (۱)

مشهورترین لقب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در عصر جاهلیت «طاهره» بود؛ زیرا او پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بود. (۲)

ص: ۵۷

۱- پاک نیا تبریزی، عبدالکریم، الخصائص النبویه، ص ۳۴۳.

۲- کانت خدیجه تدعی فی الجاهلیه الطاهره. (ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر الاعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱)

در ادامه به برخی ویژگی های زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می پردازیم، که نشان از «عَفَّت و پاک دامنی» آن حضرت دارد.

الف مظهر عفاف در خانواده

اسلام برای حفظ حریم عفاف راهکارهای مختلفی را بیان کرده است که از جمله آنها ارتباط ویژه خانم ها با همسرانشان می باشد؛ زیرا آنان همان طور که از خودنمایی در مقابل نامحرم منع شده اند، به دلربایی با همسران در خلوت توصیه شده اند، به همین جهت ابراز محبت زن به شوهر در مکتب اسلام از ارزش ویژه ای برخوردار است.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روایتی به زنان مسلمان توصیه می کند که نه تنها به شوهران خود اظهار محبت کنند، بلکه اظهار علاقه آنان، همراه با دلربایی باشد؛ آن گرامی می فرماید:

«وَلَمَّا غَنِيَ بِالزَّوْجِهِ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَبَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خَصَائِلٍ ... وَ إِظْهَارُ الْعِشْقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ وَ الْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ؛ (۱) زن برای موفقیت در زندگی مشترک با همسر خویش [و حفظ عفت خانواده و جامعه]، از مراعات سه چیز ناگزیر است ... اظهار عشق و محبت به همراه طنازی و دلربایی و جلوه گری برای شوهر.»

آن بزرگوار در رهنمود دیگری عقیف ترین بانوان را این گونه معرفی می کند:

«خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ وَ إِذَا لَبِسَتْ لَبِسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ؛ (۲)

بهترین و عقیف ترین زنان شما آن زنی است که چون با همسرش خلوت کند، زره حیا را از خود دور سازد و چون از خلوت شوهرش بیرون آید، زره حیا را بر تن کند [و حجاب و عفت خود را که نشانه حیا او است کاملاً رعایت کند].»

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در فرصت هایی مناسب به همسر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می کرد. او در قالب اشعاری زیبا در باره پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، مکنونات قلبی خویش را چنین

ص: ۵۸

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷ .

۲- . کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴ .

ابراز می دارد:

فلو اننی امسیت فی کل نعمه

ودامت لی الدنیا و ملک الاکاسره

فما سویت عندی جناح بعوضه

اذا لم یکن عینی لعینک

ناظره(۱)

«اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آنها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد، زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد.»

ب عفاف معیار انتخاب

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان الگوی دختران و زنان مسلمان در مورد انتخاب حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) به عنوان همسر آینده خویش، ملاک ها و اصولی را مطرح می کند که از گفت و گوی وی با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) معلوم می شود.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هنگامی که پیشنهاد ازدواج به آن حضرت می داد و علت شیفتگی خود را به آن وجود گرامی اعلام می نمود، با تأکید بر فضائل اخلاقی آن بزرگوار، افکار پاک و اندیشه های عقیفانه اش را چنین بیان کرد:

«إِنِّي قَدْ رَغَبْتُ فِيكَ لِقَرَاتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ سَطْرَتِكَ فِيهِمْ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ؛(۲)»
به خاطر خویشاوندیت، بزرگواری و امانت داری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گویت، مایلم با تو ازدواج کنم.»

ارزش این انتخاب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن گاه نمایان می شود که بدانیم او در آن هنگام، موقعیتی عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

ج تربیت فرزندان عقیف

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نه تنها خود الگوی عفاف بود، بلکه فرزندانش نیز چنین بودند. آن

ص: ۵۹

۱- نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۴.

۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۰۹.

بزرگوار علاوه بر این که به نص قرآن، مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش فرزندان نیک و صالحی برای رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) تربیت نمود. وی شش فرزند برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به نام های قاسم و عبد الله (که به طیب و طاهر شهرت یافتند) و رقیه، زینب، ام کلثوم و حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به دنیا آورد و در دامن پرمهر خویش پرورش داد. (۱)

فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که به سن رشد رسیدند از هر لحاظ در میان اقران خود ممتاز بودند؛ به ویژه دختران آن گرامی که در اوج عفاف، تقوی و کمالات معنوی بودند. (۲)

د پاسدار حریم حیا

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به تمام معنای کلمه، پاسدار حیا و عفت بود. آن بانوی بانوان، در آستانه وفات خویش هنگامی که وصیت های خود را بیان می کرد، آنها را در قالب یک گفت و گوی صمیمانه و محبت آمیز مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرض کرد: «یا رسول الله! چند وصیت دارم، البته من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کنید!»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی.» حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) عرض کرد: «یا رسول الله! می خواهم خواسته ای را توسط دخترم فاطمه به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیماً بازگو نمایم.»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از منزل حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیرون رفت. آن گاه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دخترش فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را صدا کرد و به او گفت: «عزیزم! به پدر بزرگوارت بگو که مادرم می گوید: من از قبر هراسناکم، دوست دارم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی، کفن کرده و در قبر

ص: ۶۰

۱- حمیری، ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۷۰

بگذاری.» فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به نزد پدر آمده و پیام مادرش را رساند. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن لباس را برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرستاد. هنگامی که فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن را آورد، نشاط زاید الوصفی وجود خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را فرا گرفت. آن گاه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با دلی آرام چشم از جهان فرو بست.

این حکایت نشان از حیای آن حضرت دارد که حتی کوچک ترین خواسته خود را به محضر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) به طور غیر مستقیم ارائه می کند .

ه در اوج حیا و عفاف

عفت و حیا برای هر انسانی شایسته و لازمه رسیدن به کمال است، اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده تر است ، این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز بسیار بارز و نمونه بود.

آن بانوی مکرمه در تمام مراحل زندگی به ویژه در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کرد ، حتی در جلسه خواستگاری، از پشت پرده صحبت می کردند. علامه مجلسی = در کتاب گران سنگ بحار الأنوار بارها به موضوع عفاف و حجاب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قبل و بعد از دواج با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اشاره می کند و می نویسد : «هر کس از نامحرمان در آن شب ملاقات می کرد، خدیجه پشت پرده بود : قد أقبل و دخل علی خدیجه و هی تحت حجابها؛ وقتی پدرش به همراه عده ای نزد او آمد او در حجاب کامل بود ... وقف أبوطالب خلف الحجاب فسلمت علیه خدیجه؛ ابوطالب در پس پرده ایستاد و خدیجه به او سلام کرد.»(۱)

از نمونه های دیگر عفت و حیا، مخصوصاً در شب هایی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به امر الهی چهل شب را دور از همسر خود بودند، این است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در غیاب همسر کمال عفاف و حجاب را مواظبت می کرد. او می گوید: «فَكَانَ إِذَا جَنَّتَنِي اللَّيْلُ غَطَّيْتُ رَأْسِي وَ أَسَجَفْتُ سِتْرِي وَ غَلَقْتُ بَابِي؛(۲) سر خود را در هنگام شب پوشانده و پرده در را انداخته و در خانه را می بستم.»

ص: ۶۱

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶ ، ص ۶۸.

۲- حلّی، علی بن یوسف، العدد القویه، ص ۲۲۱.

این همه نشانه های عفت و حیا در زمان جاهلیت و از بانویی که در اوج رفاه و آسایش قرار دارد، می تواند درس های مهمی را به مسلمانان داشته باشد.

اصولاً نظام خانواده در اسلام بر پایه حیا و عفت و ایمان و تقوا استوار شده، اگر زن دارای حجاب و حیا باشد، شوهرش هم دارای چشم پاک و آرامش خاطر او خواهد بود، اما اگر زنی از بی بندوباری جهان غرب تقلید کند، نه تنها کانون گرم خانواده را به هم می زند، بلکه در جهنم ابدی و دائمی خواهد سوخت.

ز عفت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از منظر اهل نظر

ابومحمد بن هشام حمیری، محدث، مورخ، ادیب، نسب شناس و صاحب مشهورترین کتاب موضوع سیره نبوی می نویسد: «خدیجه صاحب نسب والا، دارای برترین شرافت، صاحب بیشترین ثروت و حریص ترین بانوان قریش به حفظ امانت و التزام به معیارهای اخلاقی، عفت و کرامت انسانی بود، به این جهت خداوند متعال بلندترین قله شرف را به او عنایت کرد.»^(۱)

شمس الدین محمد بن عثمان ذهبی، از شخصیت نگاران برجسته اهل سنت در مورد تقوی و عفاف حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می نویسد:

«مناقب و فضایل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بسیار است؛ او از جمله زنان کامل، عاقل، والا، پای بند به دیانت و عقیف و کریم و از اهل بهشت بود. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بارها او را به کمالات اخلاقی، به ویژه پاکی و عفاف می ستود و بر سایر امهات مؤمنین ترجیح می داد و او را بسیار تجلیل می کرد. به حدی که عایشه می گفت: بر هیچ یک از زنان پیامبر به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان سبب بود که پیامب ۹ بسیار او را یاد کرد.»^(۲)

ص: ۶۲

۱- و کانت خدیجه بنت خویلد امرأه تاجره ذات شرف و مال... کانت خدیجه امرأه حازمه شریفه لیبیه، مع ما أراد الله بها من کرامته. (ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۸)

۲- و مناقبها جمه. و هی ممن کمل من النساء. کانت عاقله جلیله دینه مصونه کریمه، من أهل الجنه، و کان النبی ۹ یتنی علیها، و یفضّلها علی سائر أمهات المؤمنین، و یبالغ فی تعظیمها. (ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر الاعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱)

اساساً جناب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قبل از اسلام هم به خاطر عفت و پاک دامنی اش به «طاهره» معروف بود.

این یار پاک دامن حضرت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بعد از ۲۵ سال زندگی در کنار آن حضرت در دهمین سال بعثت در سن ۶۵ سالگی و در دهم ماه رمضان چشم از جهان فرو بست و قلب رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و مسلمانان را داغدار نمود.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیکر پاک او را در حجون با دست های خویش به قبر گذاشت و از شدت حزن و اندوه سال وفات او را که با فاصله اندکی از رحلت ابوطالب ۷ رخ داده بود، عام الحزن (سال اندوه) نامید.

کتابنامه

۱. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۲. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (م ۶۹۲ ق)، کشف العمه فی معرفه الأئمه، تبریز: نشر بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۳. پاک نیا تبریزی، عبد الکریم، الخصائص النبویه، قم: نشر نسیم کوثر، ۱۳۸۵ ش.
۴. عفاف سرچشمه زیبایی، قم: نشر نور الزهراء، ۳، ۱۳۹۰ ش.
۵. حلّی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلّی)، العدد القویّه لدفع المخاوف الیومیّه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمّد معین (تا آذرماه ۱۳۴۵ ش) و سیّد جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷ ش.
۷. ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد (م ۷۴۸ ق)، سیر الاعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.

١. شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قمى (م ٣٨١ ق)، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: علي اكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
٢. طريحي، فخر الدين (م ١٠٨٥ ق)، مجمع البحرين، تحقيق: السيد أحمد الحسينى، تهران: مكتبه نشر الثقافه الإسلاميه، ١٤٠٨ ق.
٣. كفعمى، ابراهيم بن على، مصباح كفعمى، دارالمرتضى، قم، چاپ دوم، ١٤٠٥ ق.
٤. كلينى، ابو جعفر محمد بن يعقوب (م ٣٢٩ ق)، الكافى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥.
٥. مجلسى، محمد باقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.
٦. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ هفتم، ١٤٠٤ ق.
٧. نمازى شاهرودى، شيخ على (م ١٤٠٥ ق)، مستدرک سفينه البحار، تحقيق: بخل المؤلف، مؤسسه نشر اسلامى، ١٤١٨ ق.

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)؛ ادب و عاطفه (۱)

علی اکبر صمدی

چکیده

شرح ازدواج و زندگانی پربار حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) با استناد به منابع مهم تاریخ اسلام است. از دیدگاه نویسنده: زندگی مشترک اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، درس آموز تمام مردان و زنانی است که جویای سعادت در زندگی خود هستند. عدم دل بستگی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به سیم و زر دنیا و توجه به امور معنوی، عشق و علاقه به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، عطوفت و مهربانی متقابل رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ایثار و وفاداری نسبت به یکدیگر، همه و همه درس های آموزنده ای است برای جویندگان سعادت. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نباید تنها یک بانوی سرمایه دار دانست که شتران حامل مال التجاره را به مناطق مختلف می فرستاد، و سودهای کلان به دست می آورد، بلکه وی به عنوان یک شخصیت معنوی، عفیف، پاک دامن و ایثارگر، دارای شناخت و فکر بلند و تیزبین مطرح بود. این بانوی بزرگ، حتی در دوران جاهلیت، که پاک دامن‌های جایگاهی نداشت، به دلیل عفت و دامن پاکش، طاهره نامیده می شد.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، الگوی زندگی، طاهره، عفت، عطوفت.

زندگی مشترک اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) درس آموز تمام مردان و زنانی است که جویای سعادت در زندگی خود هستند. عدم دل بستگی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به سیم و زر دنیا و توجه به امور معنوی، عشق و علاقه به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، عطوفت و مهربانی متقابل رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ایثار و وفاداری نسبت به

ص: ۶۵

یکدیگر، همه و همه درس های آموزنده ای است برای جویندگان سعادت.

شخصیت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نباید تنها یک بانوی سرمایه دار دانست که شتران حامل مال التجاره را به مناطق مختلف می فرستاد و سودهای کلان به دست می آورد، بلکه وی به عنوان یک شخصیت معنوی، عفیف، پاک دامن و ایثارگر، دارای شناخت و فکر بلند و تیزبین مطرح بود.

این بانوی بزرگ، حتی در دوران جاهلیت، که پاک دامن‌های جایگاهی نداشت، به دلیل عفت و دامن پاکش، طاهره نامیده می شد: «و كانت تُدعى فى الجاهلیة بالطاهرة لشدّة عفافها و صیانتها»^(۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن چنان بر بلندای معنویت صعود کرده است که پیامبر خدا (صلی الله و آله وسلم) به کمال وی شهادت داده و فرموده است: «کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا اربع: آسیه بنت مزاحم امراه فرعون، و مریم بنت عمران، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمّد»^(۲) مردان بسیاری قلّه کمال را فتح نموده اند، ولی از زنان، چهار نفر به این قلّه دست پیدا کرده اند: آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمّد.

این بانوی با معرفت، آن چنان حقیقت شناس و تیزبین است که در میان همه مردان و زنان عصر بعثت، اولین فردی است که نبوت رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) را تصدیق می کند و مدال پرافتخار ایمان را به دست می آورد.^(۳)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از بهترین زنان بهشت و برگزیده خداوند تبارک و تعالی است.^(۴)

ص: ۶۶

-
- ۱- . ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.
 - ۲- . علامه طباطبایی، سید محمّدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۴۶.
 - ۳- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۷؛ ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۹.
 - ۴- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲.

مقام این بانوی بزرگ به اندازه ای رفیع است که پیامبر خدا (صلی الله و آله وسلم) خطاب به وی فرمودند: «یا خدیجه انّ الله لیباهی بک کرام ملائکته کلّ یوم مرارا؛ (۱) خدیجه! خداوند روزی چندین بار به عظمت تو در نزد ملائکه مقربش مباحث می کند.»

و در مورد دیگر نیز فرموده است: «قال جبرئیل: هذه خدیجه فاقراء من ربّها و منّی و بشرها بیت فی الجنّه؛ (۲) جبرئیل می فرماید که سلام خداوند و مرا به خدیجه ابلاغ کن و مژده خانه ای در بهشت را به او بده.»

زمینه ازدواج با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)

خدیجه (علیها السلام) از پیش مانند سایر مردم، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عزیز قریش را به عنوان فردی امین و درست کار می شناخت. بر همین اساس از حضرتش دعوت کرد تا مسئولیت یکی از کاروان های تجارتی وی را بپذیرد، و شاید هم می خواست شخص مورد علاقه خود را به دقت بیازماید. به هر حال، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مسئولیت کاروان را پذیرفت. خدیجه (علیها السلام) هم غلام مورد اعتماد خود میسره را همراه حضرتش نمود تا هم کمک کارش باشد و هم هنگام بازگشت گزارش سفر را از وی دریافت کند.

علایم نبوت در سفر تجارت

در بازگشت کاروان تجاری، آن چیزی که بیشتر از خیر و برکت و سود تجارت این سفر، به سرپرستی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، نظر خدیجه (علیها السلام) را به خود جلب نمود، گزارش دل انگیز میسره بود:

«در بین راه به صومعه راهبی رسیدیم. امین کاروان زیر سایه درختی که نزدیک صومعه بود قرار گرفت. راهب صومعه آمد و پرسید: این شخص چه کسی است که زیر این درخت آرمیده است؟ گفتم: مردی از قریش، از اهل حرم. گفت: تا کنون جز پیامبران خدا کسی زیر این درخت قرار نگرفته است.»

خدیجه (علیها السلام) بسیار متعجب شد و تشنه شنیدن سخنان میسره، که وی اضافه کرد و گفت:

ص: ۶۷

۱- بحرانی اصفهانی، نورالدین عبدالله بن نور، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۴۱.

۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۱۲.

«در بین راه هوا به شدت گرم بود. ناگهان دو فرشته را دیدم که آمده اند و بر سر امیر کاروان سایه افکنده اند و او زیر سایه فرشتگان حرکت می کرد.» (۱)

این گزارش، آن چنان قلب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از عشق به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) آکنده نمود که بلافاصله خود را به عموی دانشمند خویش، ورقه بن نوفل رسانید، و جریان را با وی در میان گذاشت. ورقه بن نوفل گفت: اگر این گزارش میسر در دست باشد، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) همان پیامبری است که بعثتش به این امت وعده داده شده است، و من اوصاف وی را در کتاب ها خوانده ام. (۲)

عشق سرشار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

آن گزارش میسر، و این نوید ورقه بن نوفل، چنان طوفانی از محبت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در دل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ایجاد کرد که بی صبرانه حضرتش را طلبید و خطاب به وی چنین گفت: «یا بن عم! انی قد رغبت فیک لقرابتک و سطوتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛ (۳) ای پسرعمو! به دلیل خویشی، شرافت خانوادگی، امانت داری، حسن خلق و راست گویی که در شما سراغ دارم، به شما اشتیاق پیدا کردم.» آن گاه برای ازدواج با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اعلام آمادگی کرد.

این عمل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نشان دهنده این است که وی گرچه از نظر مال و ثروت ممتاز بود، اما دل به امور معنوی داشت. او طالب شخص با کمال بود، نه فرد پولدار.

بر اساس همین دیدگاه بلند بود که خواستگاران پولدار چون عقبه بن ابی معیط و صلت بن ابی یهاب، که هر کدام چهارصد غلام و کنیز داشتند را نپذیرفت. (۴) اما در برابر شخص باکمالی چون رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)، هم خود پیشنهاد ازدواج داد، و هم مهریه را از مال خود تعیین کرد. امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید: در جلسه خواستگاری، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وقتی ملاحظه کرد عمویش ورقه بن نوفل در برابر سخنان ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از عهده پاسخ بر نمی آید، بی درنگ گفت:

ص: ۶۸

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، سیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲- همان، ص ۲۰۳.

۳- همان، ص ۲۰۱.

۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

«یا عمّاه اَنْک و ان کنت اولی بنفسی منّی فی الشهود، فلست اولی بی من نفسی، قد زوجتک یا محمّد نفسی و المظهر علیّ فی مالی؛(۱) عموجان! ممکن است در مسائل دیگر اختیار مرا داشته باشید؛ ولی این جا اختیار با خود من است. سپس گفت: ای محمّد! من خودم را به همسری شما در آوردم، و مهر را هم خودم از مال خود قرار می دهم.»

این کار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) عشق غیر قابل توصیف وی را نسبت به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) می رساند؛ آن هم عشقی مقدس و معنوی که ورای همه امور مادی است. عشق به کمال است. عشق به صداقت است. عشق به امانت است. عشق به همه خوبی ها است و در یک کلام عشق به خدا است.

این بانو می داند که همه سعادت و خوشبختی در ارتباط با فرستاده خدا است. و لذا در بیانی چنین می گوید: «سَيَعِدَّتْ مَنْ تُكُونُ لِمَحْمَدٍ قَرِينَةً، فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ صَاحِبَهُ؛(۲) خوشبختی نصیب زنی است که همسر محمّد گردد، زیرا محمّد برای وی مایه افتخار است.»

محبت و علاقه دو جانبه

عشق و علاقه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) یک طرفه نبود، بلکه محبت دو جانبه بود. این واقعیت را ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در خطبه عقد چنین بیان کرد: «و له فی الخدیجه رغبه و لها فیه رغبه؛(۳) خدیجه و محمّد هر دو علاقه مند به یکدیگر هستند.»

چه خوش بی مهربانی هر دو سر

بی

که یک سر مهربانی در دسر بی

همان گونه که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نسبت به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) شناخت پیدا نموده و به حضرتش علاقه مند شده بود، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) نیز کمالات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را دریافته و او را شایسته برای همسری خود می دانست و لذا با این که وی قبلاً دو شوهر دیگر کرده و از نظر سنی بنا به

ص: ۶۹

۱- کلینی، ابوجعفر محمّد بن یعقوب، فروع کافی، کتاب النکاح، باب خطب النکاح، ح ۹.

۲- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳.

۳- کلینی، ابوجعفر محمّد بن یعقوب، فروع کافی، کتاب النکاح، باب خطب النکاح، ح ۹.

قولی پانزده سال از رسول خدا بزرگ تر بود،(۱) او را از هر زن دیگر برای همسری خود مناسب تر دید و با وی ازدواج نمود و او را همواره مورد احترام و تجلیل قرار می داد.

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) هیچ زنی را همتای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قرار نمی داد: «یثنی علیها و یفضّلها علی سائر امّہات المؤمنین و یبالغ فی تعظیمها؛(۲) او را ستایش می کرد و بر سایر همسران خود برتری می داد و در بزرگ داشت و تکریم او تلاش زیاد می نمود.»

ادب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در برابر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)

بررسی زندگی مشترک رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نشان می دهد که این دو شخصیت بزرگ که الگوی همه انسان های باکمال می باشند، برای یکدیگر ارزش خاصی قائل بودند. وی نه تنها مال و ثروت خود را به رخ شوهر که دستش از مال دنیا تهی بود نمی کشید، بلکه با افتخار ثروت کلان خود را در اختیار همسر خویش قرار داد. وقتی پیشنهاد ازدواج را به حضرتش داد، حضرت در مقابل این پیشنهاد فرمود:

«یا عم ابنه أنت امرأه ذات مال و أنا فقیر لا أملك إلا ما تجودین به علیّ و لیس مثلك من یرغب فی مثلی و أنا أطلب امرأه یكون حالها کحالی و مالها کمالی؛ شما بانویی هستید دارای ثروت و من فردی فقیرم که چیزی در اختیار ندارم. کسی دارای موقعیت تو رغبت به کسی مثل من پیدا نمی کند. من جویای همسری ام که حالش مانند حال خودم و از نظر مالی همتای خود من باشد.»

بانوی باکمال قریش که شرافت و کمال با ذاتش عجین بود، در پاسخ گفت:

«والله یا محمّد ان كان مالک قليلاً فمالی کثیر، و من یسمح لک بنفسه کیف لا یسمح لک بماله، و أنا و مالی و جوارى و جمیع ما املك بین یدیک و فی حکمک لا امنعک منه شیئاً؛ به خدا سوگند ای محمّد! اگر تو مالی نداری، من ثروت زیادی دارم و کسی که خود را در

ص: ۷۰

۱- . ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲- . ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰؛ بخاری، محمّد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۰۷.

اختیار تو قرار داده است، چگونه مالش در خدمت شما نباشد. من و سرمایه ام و کنیزانم و آنچه که در اختیار دارم از آن شما است و تحت امر شما است و هیچ منعی از طرف من نیست.»

آن گاه اشک در چشمانش حلقه زد و گفت:

والله ما هب نسيم الشمال

الا تذكرت ليالي الوصالي

ولا أضامن نحوكم بارق

الا توهمت لطيف الخيال

جور الليالي خصني بالجفا

منكم و من يأمن جور الليالي

رقوا و جودوا و اعطفوا و ارحموا

لا بد لي منكم على كل حال (1)

«به خدا سوگند هر وزش نسیم، مرا به یاد شب های وصال می اندازد. و چون از سوی (خانه) شما فروغی درخشیدن می گیرد، می پندارم که آن نور شبیح و سایه شما است. درد و جور شبانه ای از (فراق) شما کشیده ام و چه کسی (دلداده ای) است که از جور و رنج شبانه در امان باشد. ترحم و دلسوزی کنید و عطوفت به کار گیرید که در هر حال مرا گریزی از (دل بستگی) به شما نیست.»

ممکن است کسی گمان کند، این ادب و احترام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن هم نسبت به شوهری چون رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) یک امر عادی و طبیعی است؛ در حالی که با اندک توجهی می شود دریافت که ادب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نسبت به شوهر عزیزش، فراتر از ادب یک زن در برابر شوهر است. وی از آن جهت که شخصیت رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) را شناخته و رفعت مکان وی را درک کرده است، این گونه محترمانه برخورد می کند.

این ادب و احترام، حتی قبل از ازدواج نیز از این بانو نسبت به عزیز قریش دیده می شود. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هنگامی که از امین قریش برای سرپرستی کاروان تجارتی استفاده می کند، به دو غلام خود، میسره و ناصح می گوید:

«اعلما قد ارسلت اليكما امينا على اموالي و انه امير قریش و سيدها، فلا يدُ علي يده، فان باع لا يمنع، و ان ترك لا يؤمر، فليكن كلامكما بلطف و أدب و لا يعلوا كلامكما على

١- . مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٥٥.

کلامه؛ (۱) من امینی بر اموال خود گماشتم، همو که امیر بزرگ قریش است. دستی بالای دست او نیست. اگر تصمیم بر فروش متاعی بگیرد، نباید کسی مانع شود. اگر تصمیم گرفت چیزی نفروشد، کسی حق ندارد دستوری به او بدهد. شما موظفید با لطف و ادب با وی سخن بگویید، و بالای حرف او حرفی نزنید.»

قدردانی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) از خدیجه (علیها السلام)

اگر خدیجه (علیها السلام) نسبت به همسر گرامی خود این گونه رعایت ادب و احترام می کند، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) نیز از خدیجه (علیها السلام) به نحو شایسته ای قدردانی می نماید و برای خدیجه (علیها السلام) احترام خاصی قائل می شود که در این جا به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در زندگی، خود با رأی و نظر خدیجه (علیها السلام) مخالفت نمی نمود؛ مثلاً وقتی ابوالعاص، پسر خواهر خدیجه (علیها السلام)، زینب، دختر رسول خدا را خواستگاری نمود: «فسألت خدیجه رسول الله ان یزوجه و کان رسول الله لا یخالفها؛ (۲) خدیجه از رسول خدا خواست که زینب را به وی تزویج کند، و رسول خدا پیشنهاد وی را پذیرفت، چون رویه حضرت بر این بود که مخالفت خدیجه نمی نمود.»

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) آن چنان به خدیجه (علیها السلام) محبت داشت و قدردان بود که قبل از خدیجه (علیها السلام) همسری اختیار ننموده و تا خدیجه (علیها السلام) زنده بود نیز همسری اختیار نکرد. (۳)

این قدردانی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) نسبت به خدیجه (علیها السلام) تنها به زمان حیات او خلاصه نمی شد، بلکه پس از مرگ وی نیز همواره او را یاد می کرد و از وی تجلیل به عمل می آورد. با آن که همسران دیگری داشت هر وقت به یاد خدیجه (علیها السلام) می افتاد از وی به خوبی یاد می کرد و گریه می نمود.

روزی عایشه گفت: «ای رسول خدا! چقدر از خدیجه یاد می کنید؟ خدیجه پیرزنی بود

ص: ۷۲

۱- همان، ص ۲۹.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۰.

از دست شما رفت. خدا بهتر از خدیجه را به شما عنایت کرده است!»

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) برآشفته گشت و فرمود: «صدقتنی اذ کذبتم و آمنت بی اذ کفرتم و ولدت لی اذ عقمتم؛(۱) او زمانی نبوت مرا تصدیق کرد که شما مرا تکذیب می نمودید. به من ایمان آورد، شما کافر بودید. وی مادر فرزندان من است؛ در حالی که شما چنین نیستید.»

عایشه می گوید: من بعد از این با ذکر خیر خدیجه خود را نزد پیامبر عزیز می کردم!

عشق و عاطفه رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) به همسر باکمالش به حدی رسیده بود که دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز از آن بهره مند بودند.

عایشه می گوید: پیرزنی وارد بر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) شد و از سوی حضرت مورد احترام خاصی واقع شد. پیرزن که از محضر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) خارج شد، پرسیدم: این زن چه کسی بود که این گونه مورد الطاف شما واقع شد؟

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) فرمود: «این زن از دوستان خدیجه است. وقتی خدیجه زنده بود، زیاد نزد ما می آمد.»(۲)

این ها همه به خاطر شخصیت والای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و فداکاری های آن بانوی بزرگ بود. خدیجه ای که داخل خانه اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پناه آن حضرت به حساب می آمد و تمام ناراحتی ها و شکنجه های جسمی و روحی وارده از سوی قریش را با عواطف غیر قابل وصف خود، جبران می نمود.

خدیجه ای که مادر فرزندانش، یعنی قاسم، طاهر، طیب، زینب، رقیه و ام کلثوم بود و از همه مهم تر مادر ام الائمه زهرای مرضیه عَلَیْهَا السَّلَامُ بود که اگر هیچ افتخاری برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نبود، جز این که وی مادر فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است، برای وی کافی بود.

و این چنین بود که از دست دادن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بسیار ناگوار و دشوار بود؛ به گونه ای مرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در روح و روان رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) اثر گذاشت که سال

ص: ۷۳

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۲، ۱۱۷.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸.

درگذشت وی را، که قرین وفات حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بود، «عام الحزن» نامید و پس از وفاتش نیز هر گاه به یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می افتاد یا کسی از وی نام می برد، چشمان مبارکش پر از اشک شده و از خوبی های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن می گفت.

کتابنامه

۱. ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۲. بحرانی اصفهانی، نور الدین عبد الله بن نور الله (م ۱۱۷۳ ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، تحقیق: مدرسه امام مهدی ۷، قم: مدرسه امام مهدی ۷، ۱۴۰۸ ق.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۴. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب ارنووط و حسین اسد، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۵. علامه طباطبایی، سید محمدحسین (م ۱۴۰۲ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)، فروع الکافی، تحقیق: علی اکبر الغفاری محمد الآخوندی، بیروت و طهران: دار صعب و دار الکتب الإسلامیه، الطبعة الثالثه والخامسه.
۷. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۱)

سید غضنفر موسوی

چکیده

شرح فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به منابع تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسنده: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، نمونه یک همسر ارجمند است که حیات بزرگ مرد تاریخ حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را تکمیل می کند. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و اوصیای الهی در راه تحقق اهدافی که به آن مأمور بودند، حوادث سخت و ناگواری را می بایست تحمل می کردند و در این مسیر به یاری همراه و فداکار نیاز داشتند. در کتب بحار الأنوار آمده است: طبق روایات فراوانی هنگام ظهور حضرت مهدی [، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و جمعی از اولیای خدا و ائمه از جمله حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به دنیا باز می گردند و از دشمنان معصومین انتقام می گیرند. علت نمونه بودن ایشان را می توان احسان، محبت، صفا، ایثار و اخلاص وی دانست. سراسر زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و خانواده او، الگو و سرمشق برای رهپویان راه حق و حقیقت است.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، تاریخ اسلام، الگوی کمال، ظهور حضرت مهدی [.

یکی از زنان شایسته و نمونه ایثار و استقامت، یار فداکار رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) زنان متعددی داشته که برخی از آنها افراد شایسته ای بودند، ولی مبنای این نوشتار معرفی شایسته ترین و برترین زنان نمونه در قرآن است. یکی از این زنان نمونه تاریخ حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است که در شمار چهار زن بهشتی است. به این نکته

ص: ۷۵

۱- زنان نمونه در قرآن، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، باب اول، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰، ۱۹۰.

۱. نسب حضرت خدیجه (علیها السلام)

حضرت خدیجه (علیها السلام) دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزیز بن قصی بن کلاب است و قصی جد چهارم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) است. بنا بر این حضرت خدیجه (علیها السلام) با چند واسطه دختر عموی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است. اما از نظر مادر، ایشان دختر فاطمه بنت زانده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی بن غالب است و لوی بن غالب جد هشتم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. به این ترتیب، محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب (۱) بنا بر این حضرت خدیجه (علیها السلام) از ناحیه مادر در جد هشتم با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) متحد می شود و در نتیجه سلسله نسب ایشان به حضرت اسماعیل و ابراهیم (علیهم السلام) جد بیست و هشتم و بیست و نهم حضرت می رسد. (۲)

بنا بر این حضرت خدیجه (علیها السلام) در خانواده ای اصیل و شرافتمند از اصیل ترین خاندان جزیره العرب به دنیا آمده است.

۲. حضرت خدیجه (علیها السلام) در قرآن

(وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى * وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى؛ (۳) ای پیامبر!) تو را گمشده یافت و هدایت کرد. و تو را فقیر یافت، پس بی نیاز نمود).

مفسران این آیات را مربوط به ایثارگری حضرت خدیجه (علیها السلام) دانسته و تفسیر کرده اند. در تفسیر نمونه آمده است: «خدای تعالی توجه خدیجه (علیها السلام) آن زن مخلص باوفا را به سوی تو جلب کرد تا ثروت سرشارش را در اختیار تو و اهداف بزرگت قرار دهد.» (۴)

آری خدیجه (علیها السلام) نمونه یک همسر ارجمند است که حیات بزرگ مرد تاریخ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و اله وسلم) را تکمیل می کند. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اوصیای الهی در راه تحقق اهدافی که به آن

ص: ۷۶

۱- . مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ص ۲۲.

۲- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳- . ضحی: ۸.

۴- . مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۰۵.

مأمور بودند، حوادث سخت و ناگواری را می‌بایست تحمل می‌کردند و در این مسیر به یاری همراه و فداکار نیاز داشتند. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بهترین بانویی بود که با انجام این وظایف تأثیری مهم در روند زندگی پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشت. با این که بسیاری از ثروت مندان عرب به خواستگاری او آمدند، وی به آنها جواب رد داد. او با شناختی که از یگانه مرد عالم حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) داشت، او را به همسری برگزید و تمام ثروت و اموالش را در اختیار ایشان نهاد و از همسر بزرگوارش جانانه دفاع کرد.

(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى)؛ (۱) و خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم. ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقواست).

در باره شأن نزول این آیه اکثر مفسران می‌گویند: مقصود از «اهل» خاندان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است؛ ولی چون این سوره در مکه نازل شده، در آن زمان مصداق آن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بودند و ممکن است با گذشت زمان دامنه خاندان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گسترده شده باشد و برخی دیگر از نزدیکان او را نیز شامل شود. (۲) در تفسیر المیزان می‌گوید: جمله و «أمر اهلك» بر حسب انطباقش با هنگام نزول، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر آن جناب و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است؛ چون این آیه در مکه نازل شده و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسری غیر از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نداشت. (۳)

۳. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

از آن جا که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صفا و ارادت و اخلاص خود به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به نهایت رساند و به تمام معنا مجاهدت کرد، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) نیز او را بسیار دوست می‌داشت و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مرتبه بسیار والایی نزد ایشان داشت. تا وی زنده بود، زنی دیگر اختیار نکرد. پس از وفات او نیز همیشه از او یاد می‌کرد و گاه که زنان دیگر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جسارت می‌کردند، ایشان در غضب می‌شد. خداوند از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دو پسر و چهار دختر به آن حضرت عنایت کرد: قاسم

ص: ۷۷

۱- طه: ۱۳۲.

۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۴۲.

۳- علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۳۹.

و عبد الله و زينب، ام كلثوم، رقيه و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). پسرها هر دو در کودکی از دنیا رفتند و دختران تا پس از بعثت ایشان زنده بودند و اسلام آوردند. (۱)

۴. سخنان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در عظمت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

در حدیثی مشهور میان شیعه و اهل سنت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرمود: «از مردان گروه بسیاری به کمال رسیدند، ولی از زنان فقط چهار زن: آسیه دختر مزاحم زن فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمّد.» (۲) هم چنین فرمود: «بهترین زنان بهشت چهار زن هستند: مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه.» و در روایتی دیگر می فرماید: خدای از زنان عالم چهار زن را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه: «انّ الله اختار من النساء مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه.» (۳)

تفسیر عیاشی می گوید: امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) روایت می کند: در شب معراج چون بازگشتم، از جبرئیل پرسیدم: حاجتی داری؟ گفت: «حاجت من آن است که به خدیجه از سوی خدای تعالی و از جانب من سلام برسانی.» (۴) روزی عایشه به حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «آیا تو را بشارت ندهم به این که از رسول خدا شنیدم سرور زنان بهشت چهار بانو هستند: مریم، فاطمه، خدیجه و آسیه.» (۵) پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در چهل شبانه روز کناره گیری از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به واسطه عمار یاسر به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین پیام داد: «انّ الله لیباهی بک کرام ملائکه کل

ص: ۷۸

۱- . مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۰۵. در باره دختران خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جز فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سه قول است: ۱. ام کلثوم، زینب و رقيه، دختران رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) هستند که با حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چهار دختر می شوند؛ ۲. ام کلثوم، زینب، رقيه و دختران خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از شوهران قبلش هستند؛ ۳. ام کلثوم، زینب و رقيه دختران «هاله» خواهر خدیجه اند و عرب به دختر خواهر زن نیز دختر می گویند. ر.ک: محمّدی اشتهاردی، محمّد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۴۵.

۲- . کجوری مازندرانی، محمّدباقر، الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۴۴۷.

۳- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲ و ج ۱۶ ص ۲.

۴- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۶.

۵- . همان.

یوم مرارا؛^(۱) همانا خدای متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می کند.»

۵. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از زبان حضرت آدم ۷

حضرت آدم ۷ اولین انسان روی زمین در باره حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می فرماید: «من در روز قیامت سید و سرور بشر هستم؛ ولی مردی از فرزندان من از پیامبران، به نام «محمد» است، که بر من از دو جهت برتری دارد:

۱. از جهت همسرش خدیجه که یار و یاور او است؛ ولی همسرم حوا چنین نیست.

۲. او به طور کامل بر طاغوت نفس اماره مسلط است (و حتی ترک اولی نکرده است) ولی من این گونه نیستم. (ترک اولی صورت گرفت.)»^(۲)

۶. ایمان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نخستین زنی است که به پیغمبر ۹ ایمان آورده است و هیچ یک از دانشمندان اهل سنت با این مطلب مخالفت نکرده اند.^(۳) علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در نهج البلاغه می فرماید:

«لم يجتمع بيت واحد يومئذ في الاسلام غير رسول الله و خديجه و انا ثالثهما ارى نور الوحي و الرساله و اشم ريح النبوه و لقد سمعت رنه الشيطان حين نزل الوحي عليه فقلت: يا رسول الله! ما هذه الرنه؟ فقال: هذا الشيطان قد ايس ان يعبد؛^(۴) در تمام حجاز خانه ای نبود که در آن از اسلام اثری باشد، مگر خانه رسول خدا و خدیجه و من سومی ایشان بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و رایحه نبوت را استشمام می کردم. و هر آینه هنگام نزول وحی ناله ای به گوشم رسید. از پیامبر پرسیدم: یا رسول الله! این ناله چیست؟ فرمود: شیطان است که مأیوس شد دیگر کسی او را پرستش کند.»

عایشه می گوید: «من پیوسته از این که روزگار خدیجه را درک نکرده بودم، تأسف

ص: ۷۹

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲۱۱.

۲- . همان.

۳- . ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستيعاب، ج ۲، ص ۴۵۷.

۴- . نهج البلاغه، شرح محمد عبده، ج ۲، ص ۱۵۷، خ ۱۷۸.

می خورم و از علاقه و محبت پیامبر به او همیشه تعجب می کردم؛ زیرا رسول خدا او را بسیار یاد می کرد و اگر گوسفندی ذبح می کرد، سراغ دوستان او می رفت و سهمی برایشان می فرستاد.

روزی رسول گرامی در حالی که خانه را ترک می گفت، از خدیجه یاد کرد و قدری از او تعریف نمود. سرانجام نتوانستم خود را کنترل کنم و با کمال جرئت گفتم: وی پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را نصیب شما کرده است. گفته من اثر بدی در رسول خدا گذارد و آثار خشم و غضب در پیشانی او ظاهر شد. فرمود: ابدأ چنین نیست... بهتر از او نصیب من نشده است. او هنگامی به من ایمان آورد که سراسر مردم در کفر و شرک به سر می بردند. او اموال و ثروت خود را در سخت ترین مواقع در اختیارم گذاشت. خدا از او فرزندان نصیب کرد که به دیگر همسرانم نداد. [\(۱\)](#)

علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید: «رسول خدا نزد زنان خود بود که نام خدیجه برده شد. ایشان گریست. عایشه گفت: این چه گریه ای است که برای پیرزنی از بنی اسد می کنی؟ پیامبر با ناراحتی فرمود: او هنگامی مرا تصدیق کرد که شما تکذیب کردید. او زمانی به من ایمان آورد، که شما به من کافر بودید و برایم فرزندی آورد که شما عقیم ماندید. عایشه می گوید: از آن پس هر گاه می خواستم نزد رسول خدا تقرب جویم، با نام خدیجه تقرب می جستم.» [\(۲\)](#)

۷. ویژگی های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

اشاره

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم چون بانوان نمونه دیگر دارای خصایص و ویژگی های فراوانی است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف ایمان

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اولین زنی است که به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شرایط اصولی و ارکان

ص: ۸۰

۱- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲- همان.

اسلام را طبق تعليم جبرئيل به خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و علي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آموخت و آنها بر آن شهادت دادند. اكرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرمود: آيا شروطي را كه خداوند براي اسلام خواهي تو نهاده دريافتي؟ خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «نعم و آمنت و صدقت و رضيت و سلمت؛ (۱) آري، ايمان آوردم، تصديق كردم، راضي شدم و تسليم گشتم.»

ب تدبير عالمانه

از ديگر ويژگي هاي او ايشارگري و همكاري و تدبير عالمانه براي اكرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در تجارت و امور اقتصادي و جمع آوري اموال است. خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همه ثروت خود را در راه تحقق آرمان هاي اسلام انفاق كرد و اين ثروت در پيشبرد اسلام بسيار مفيد بود تا جايي كه اكرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرمود: «ما نفعني مال قطّ مثل ما نفعني مال خديجه؛ (۲)» هيچ ثروتي هرگز مرا آن گونه سود بخشيد كه ثروت خديجه سود بخشيد.» نيز فرمود: «ما قام الاسلام الا بسيف علي و ثروه خديجه؛ (۳) اسلام جز با شمشير علي و ثروت خديجه برپا نشد.»

ج يگانه ياور اكرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)

قرآن كريم از وفا و كمك خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن به ميان آورده است: «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَيْ؛ (۴) و تو را فقير يافت و بي نياز كرد.»

يعني خداوند پيامبرش را به سبب ثروت خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بي نياز كرد. خداوند در كتاب آسماني تورات كه بر موسي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نازل شد حضرت خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به نهر آبي تشبيه کرده كه آب حيات است و در دو طرف كناره آن آب درخت وجود دارد و آن درخت داراي دوازده نوع ميوه است و برگ هاي آن درخت موجب شفای امت ها است. (۵)

ص: ۸۱

۱- . محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خديجه اسطوره ايتار و مقاومت، ص ۱۱۵؛ كجوري مازندراني، محمدباقر، الخصائص

الفاطميه، ج ۱، ص ۴۴۷.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۳- . اربلي، ابوالحسن علي بن عيسى، كشف الغمه في معرفة الاثمه، ج ۲، ص ۱۲۴.

۴- . ضحی: ۸.

۵- . عمادزاده، حسين، زندگي حضرت زهرا، ص ۲۶.

د قابله شدن چهار زن بهشتی برای او

در ولادت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چهار زن مکرم بهشتی به فرمان خدا بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وارد شدند و قابله‌گی و پرستاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به عهده داشتند: مریم، کلثوم خواهر موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، آسیه و ساره. یکی از آنها به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفتند: «محزون مباش! ما از طرف خدا به سوی تو آمدیم. ما خواهران تو هستیم. من ساره همسر ابراهیم خلیلیم و این آسیه دختر مزاحم است که در بهشت هم نشین تو است. این مریم دختر عمران است و آن یکی کلثوم خواهر موسی است. آمده ایم تا تو را یاری کنیم.» (۱)

ه از بانوان برتر بهشتی

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یکی از بهترین بانوان بهشتی است. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «افضل نساء اهل الجنة مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه بنت مزاحم امرأه فرعون.» (۲)

و دعاها و باور راسخ به خدا

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اعتقادی قوی و محکم به خداوند داشت و همواره با دعا و نیایش با خدا ارتباط برقرار می‌کرد. یکی از مناجات‌ها و دعاها وی این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا قيوم برحمتك استغيث فاغثني ولا تكنني الى نفسي طرفه عين ابدأ واصلح لي شأني كله؛ (۳)»
به نام خداوند بخشنده و مهربان. ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم، پس به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه یک چشم بر هم زدن به خودم وانگذار و همه حال و زندگی مرا سامان بخش.»

از دیگر دعاها آن بانوی مکرمه این است: «بسم الله الرحمن الرحيم يا حافظ يا حفيظ يا رقيب؛ (۴)» به نام خدای بخشنده و مهربان. ای نگهبان، ای نگهدارنده و ای مراقب و پاسدار!

دعاهاى ديگر حضرت خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در كتب ادعيه آمده است.

ز کفن مخصوص

ص: ۸۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۶۷.

۲- . همان.

۳- . کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۵۴۲.

۴- . همان.

هنگامی که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رحلت کرد، فرشتگان رحمت از جانب خداوند برای او کفنی مخصوص نزد رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) آوردند. این افزون بر این که مایه برکت برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، موجب تسلی خاطر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) شد. بدین طریق از جانب خداوند از مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تجلیل شد و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیکر پاک او را با آن کفن پوشاند. (۱)

ح مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت

حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از پدر بزرگوارش پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرسید: «فاین والدتی خدیجه؟؛ مادرم خدیجه در کجا است؟» اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «فی قصر له اربعة ابواب الی الجنة؛ (۲) او در قصری است که دارای چهار در است و آن درها به بهشت گشوده می شوند.»

توضیح این که در هستی عوالم گوناگونی وجود دارد که سه عالم معروف آن دنیا، برزخ و عالم قیامت و آخرت است.

عالم برزخ حد فاصل آغاز مرگ تا برپا شدن قیامت است: (وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ (۳) و پشت سر آنها پس از مرگ برزخی است تا روز قیامت).

در عالم برزخ مؤمنان خالص مشمول الطاف و نعمت های خداوند هستند و کافران و مجرمان در عذاب؛ چنان که در این رابطه آیات و روایات بسیاری وجود دارد.

ط رجعت پس از ظهور حضرت مهدی

در کتب بحار الأنوار آمده است: «طبق روایات فراوانی هنگام ظهور حضرت مهدی، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و جمعی از اولیای خدا و ائمه از جمله حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به دنیا باز می گردند و از دشمنان معصومین ۷ انتقام می گیرند.» (۴)

درسی که باید افراد جامعه، به خصوص بانوان از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بگیرند، محبت، صفا، وفا، شجاعت، ایمان، ایثار و اخلاص ایشان است. او در سخت ترین شرایط زمانی از کمک

ص: ۸۳

۱- کجوری مازندرانی، محمدباقر، الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۴۵۱.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۵۰۹.

۳- مؤمنون: ۱۰۰.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳.

و یاری به همسر بزرگوارش خاتم الانبیا ۹ دریغ نکرد و همیشه به ایشان دلگرمی می داد و با همه دشواری های زمان جاهلیت کنار می آمد.

۸. علت نمونه بودن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

علت نمونه بودن ایشان را می توان احسان، محبت، صفا، ایثار و اخلاص وی دانست. به طور کلی می توان گفت سراسر زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و خانواده او، الگو و سرمشق برای رهپویان راه حق و حقیقت است.

کتابنامه

۱. ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاح، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.

۲. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.

۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.

۴. شریف رضی، نهج البلاغه، تحقیق: محمد عبده، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۲ ق.

۵. شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

۶. علامه طباطبایی، سید محمدحسین (م ۱۴۰۲ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.

۷. عمادزاده، حسین، زندگی حضرت زهرا ۹، تهران: انتشارات اسلام.

۸. کجوری مازندرانی، محمدباقر، الخصائص الفاطمیه، مترجم: سید علی جمال اشرف، تهران: شریف الرضی، ۱۳۷۹ ش.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه،

۱. ۱۳۶۵ش.

۲. مامقانی، عبدالله بن محمدحسن (م ۱۳۵۱ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، [بی تا].

۳. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ق)، بحار الأنوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.

۵. ملا صالح، محمدصالح مازندرانی (م ۱۰۸۱ق)، شرح أصول الکافی، تصحیح: علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

ص: ۸۵

هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره (۱)

سید حسین حُرّ

چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به آیات قرآن کریم است. از دیدگاه نویسندگان: خداوند در کنار هر مرد بزرگ از یک زن بزرگ نیز یاد می کند. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، بانویی خردمند و دور اندیش و والا-گهر بود که از لحاظ نسب و شرف و موقعیت اجتماعی و خانوادگی جایگاه بسیار ممتازی در میان زنان جزیره العرب و قریش داشت. مادر حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، فاطمه بنت زاید، از اشراف زنان قریش و در عصر جاهلیت معروف به «طاهره» بوده است. هفت نکته قرآنی در سیره حضرت خدیجه طاهره ۳ عبارت اند از: عفاف و پاک دامنی؛ ازدواج معنوی؛ اسلام و ایمان؛ اقامه نماز؛ هجرت؛ شکیبایی و ثبات قدم؛ انفاق و بخشش. مهم ترین و بارزترین نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بخشش و انفاق او تجلی می یابد. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثروت عظیمی از پدر به ارث برده و آن را از راه تجارت فزونی بخشیده بود او تمامی این ثروت را خالصانه برای گسترش و توسعه اسلام در اختیار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار داد. ثروت او قبل و بعد از جریان محاصره اقتصادی و اجتماعی بسیار کارگشا بود. او با مال و جان و زبان خود به حمایت همه جانبه از پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و مسلمانان برخاسته بود.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، عفاف، ازدواج معنوی، اسلام و ایمان، اقامه نماز، هجرت، شکیبایی، انفاق.

ص: ۸۷

خداوند در کنار هر مرد بزرگ، از یک زن بزرگ نیز یاد می کند. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قَصِی، بانویی خردمند و دور اندیش و والا-گهر بود(۱) که از لحاظ نسب و شرف و موقعیت اجتماعی و خانوادگی جایگاه بسیار ممتازی در میان زنان جزیره العرب و قریش داشت.(۲) مادر حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، فاطمه بنت زاید، از اشراف زنان قریش و در عصر جاهلیت معروف به «طاهره» بوده است.(۳)

نَسَب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در قصی بن کلاب (جدّ چهارم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)) به هم می رسد.(۴) خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از زنان متمکن و ثروتمند مکه بود و یک شبکه تجاری بین حجاز، شام و حبشه را مدیریت می کرد(۵) و در کار تجارت از اهل فن یاری می گرفت. وقتی صفات حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وسلم) همچون راست گویی، صداقت، امانت داری، پاک دامن و خدمت رسانی به نیازمندان را دید، ایشان را به عنوان مدیریت کاروان تجاری خود برگزید و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) تجارتی سودمند را در شام برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رقم زدند، به طوری که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مال التَّجَارَةُ خویش را با سود زیادی بفروخت. اما خدیجه به واسطه گزارش های غلامش (مُسیره) از سفر شام در باره اخلاق، رفتار و صفات حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وسلم) و اطلاعاتی که از دانشمندان یهود و پسر عموی خود (ورقه بن نوفل) دریافت کرد و رؤیاهای صادقه ای که خود دیده بود، به حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وسلم) پیشنهاد ازدواج داد و حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) به اتفاق چند نفر از عموهای خود؛ از جمله حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به خواستگاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رفتند و خطبه عقد توسط جناب ابوطالب خوانده شد.(۶)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اولین زنی بود که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در سن ۲۵ سالگی با ایشان ازدواج کرد و تا

ص: ۸۸

۱- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲- همان، ص ۱۲۹.

۳- عمادزاده، حسین، زنان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم)، ص ۳۰۴.

۴- رسولی محلاتی، سید هاشم، تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۵۲.

۵- معروف حسنی، سید هاشم، سیره المصطفی، ص ۶۵.

۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶ ص ۲۰.

او زنده بود اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همسر دیگری انتخاب نمودند و این ازدواج فرخنده نیز ۲۵ سال تداوم داشت و با ارتحال حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پایان یافت. (۱) در برخی روایات به باکره بودن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) علاوه بر معروف بودن او به طاهره، هنگام ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) اشاره شده است. (۲) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرزندان بزرگوار متولد شدند که آخرین آنها حضرت فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ام الائمه می باشند که در دوران بعثت رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) متولد شدند. هم زمان با بعثت رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اولین زنی که به ایشان ایمان آورد و مسلمان شد، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود.

هفت نکته قرآنی در سیره حضرت خدیجه طاهره

این نکات قرآنی عبارت اند از: عفاف و پاک دامنی؛ ازدواج معنوی؛ اسلام و ایمان؛ اقامه نماز؛ هجرت؛ شکیبایی و ثبات قدم؛ انفاق و بخشش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که به ترتیب به طرح هر کدام خواهیم پرداخت.

عفاف و پاک دامنی

قرآن کریم در آیه: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً) (۳) لازمه رسیدن به حیات طیبه را اعمال صالح، عفاف و پاک دامنی می داند، که این ویژگی ها در سیره حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به طور بارز به چشم می خورد. چنان که عفت و پاک دامنی او در عصر جاهلیت سبب شد الگو و نمونه زمان شود و به لقب «طاهره» مشهور گردد و فضایل نیک و پسندیده ایشان زبانزد خاص و عام بود. با این که از ثروت و مکنت فراوانی برخوردار بود و خواستگاران فراوانی داشت ولی با قلب و دلی مملو از عشق به خدا؛ در عفت و پاک دامنی طاهره زندگی می کرد و بر این اساس در برخی روایات به باکره بودن او هنگام ازدواج با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تأکید شده است و همین عفت و پاک دامنی حضرت خدیجه طاهره ۳ حیاتی طیبه را برای او رقم زد.

ص: ۸۹

۱- ابو سعید خردگوشی، نجم الدین محمود راوندی، شرف النبی، ۹، ص ۲۰۱.

۲- رسولی محلاتی، سید هاشم، تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۵۴.

۳- نحل: ۹۷.

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) (۱) ازدواج یک وسیله معنوی است که حضرت خدیجه با آن به رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) به عنوان ریسمان الهی پیوند خورد. ازدواج حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) با یک سلسله عوامل و محرک های معنوی صورت پذیرفت و هیچ مسئله مادی، وجه تعامل ازدواج آنها را فراهم نساخت. او با شناخت و آگاهی از اخلاق و رفتار و منش رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) ایشان را به همسری برگزید و آن گاه که در هنگامه خطبه عقد، جناب ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خطبه ای در فضایل بنی هاشم قرائت نمود، ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ضمن خطابه ای این چنین گفت: «کسی منکر فضائل شما نیست، ما از صمیم دل می خواهیم دست به ریسمان شرافت شما بزنیم.» (۲) ثمره این ازدواج معنوی تولد گوهر یگانه خلقت، کوثر قرآن، حضرت فاطمه زهرا ۳ بود، که جهان از عطر او و فرزندانش عطر آگین است.

اسلام و ایمان

بر اساس فرمایش قرآن کریم که می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ) (۳) اعمال صالح و ایمان قلبی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سبب گردید اولین زنی باشد که به خدا و رسول خدا ۹ ایمان آورد و مسلمان شود و ایمان واقعی خود را در مقام عمل نشان دهد.

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در آغاز سوره مدثر مأمور به دعوت مردم به اسلام شد و این مأموریت را از محیط خانه خویش آغاز کرد و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اولین فردی بود که به او ایمان آورد. (۴) امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید: «در آن روزها به هیچ خانه ای اسلام راه نیافت، جز خانه رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم در آن بود و من سومین آنان بودم.» (۵)

ص: ۹۰

۱- . مائده: ۳۵.

۲- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۶۴.

۳- . یونس: ۹.

۴- . مدثر: ۱ - ۲.

۵- . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

ایمان آوردن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به رسالت حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حکایت از معرفت و پاکی و صداقت وی داشت. او به اطمینان قلبی رسید، که وقتی رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) بعثت خود و نزول وحی الهی را مطرح کرد، بلافاصله رسالت او را پذیرفت و این افتخار را برای خود در طول تاریخ اسلام به عنوان اولین زن مسلمان ثبت کرد و سعادت خود را تضمین نمود. رشد ایمانی او به آن حد رسید که رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) در فضیلت او فرموده: «بهترین زنان بهشت چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد؛ فاطمه دختر محمد؛ مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، زن فرعون.»

(۱)

اقامه نماز

چنان که قرآن می فرماید: (وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ... وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ ءَاتَى الزَّكَاةَ...)(۲) اقامه نماز با شکوه ترین جلوه تعبّد ایمانی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که پس از ایمان به رسالت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) انجام شد. او همراه با علی بن ابی طالب ۷ و زید بن حارثه به رسول خدا ۹ اقتدا کرد و در کنار خانه خدا (کعبه) نماز گذاردند و اقامه نماز را اولین وظیفه خود می دانست، (الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ)(۳)

در بعضی از روایات آمده است: نخستین نمازی که رسول خدا ۹ اقامه کردند، نماز وسطی، یعنی نماز ظهر در روز جمعه بوده است. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) چگونه اقامه نماز و گرفتن وضو را به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) یاد دادند. پس آن دو وضو گرفتند و با رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) نماز خواندند. اقامه نماز خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از یک سو نشانه اطمینان قلبی او به رسالت پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از جانب خدا و از سوی دیگر به معنای تعبّد و بندگی در مقابل خداوند بود.(۴)

هجرت

از دیگر نکات قرآنی در خصوص حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ

ص: ۹۱

۱- . شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۱۹۵.

۲- . بقره: ۱۷۷.

۳- . حج: ۴۱.

۴- . ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۸.

اللَّهِ (۱) مهاجرت او با پیامبر اکرم است.

کفار و مشرکان قریش عهدنامه ای علیه اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان بستند و آنها را در محاصره اجتماعی و اقتصادی قرار دادند، ولیکن اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همراه با بنی هاشم و بنی مطلب و بنی عبد مناف در شب اول مُحَرَّم سال هفتم بعثت به شَعب ابی طالب مهاجرت کردند و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کنار او به عنوان یار و یاور صدیق، فداکاری ها کرد و با حمایت گسترده از ر برای گسترش اسلام و فزونی یافتن تعداد مسلمانان و عزیمت عدّه ای از آنها به حبشه به دستور اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و نیز ایجاد پایگاهی مهم برای ترویج اسلام و ناامیدی و شکست سران کفر و شرک، تمام اموال و دارایی های خود را هزینه کرد.

همراهی او با پیامبر و مسلمانان در شعب و کمک هایی که نزدیکان پدری او برای مسلمانان به شعب می فرستادند، مایه قوت قلب مسلمانان بود. این همراهی و همکاری و فداکاری صادقانه، از مصداقی عینی و مثال زدنی از زنان مهاجر و مجاهد ساخته بود که همواره اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یاد و نام او را بسیار بزرگ می داشت و نشانه محبت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خداوند پیروی خالصانه او از پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. (۲)

شکبیایی و ثبات قدم

از دیگر نکات بارز زندگی آن حضرت شکبیایی و استقامت او در راستای اهداف رسالت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) بود. چنان که قرآن کریم می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (۳)

اسلام آوردن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و وفاداری ایشان نسبت به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در حالی که مشرکان زیر بار هدایت الهی ایشان نمی رفتند، موجب دلگرمی و قوت قلب اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و این عطوفت از فضائل نیک و ایمان وی نشأت گرفته بود. این همراهی ثبات قدم پیامبر ۹ در هدایت و ارشاد و دعوت مردم به یکتاپرستی و گرایش آنان به توحید را فراهم

ص: ۹۲

۱- . توبه: ۲۰.

۲- . آل عمران: ۳۱.

۳- . آل عمران: ۲۰۰.

می کرد. او همواره با تأیید پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در ثبات قدم و شکیبایی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در برابر تمامی سختی ها مؤثر بود؛ چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) در باره این سیره و روحیه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین فرموده اند:

«آن گاه که همه مرا تکذیب کردند، خدیجه مرا تأیید کرد و به درستی پیغمبری من اقرار نمود و او هنگامی به من ایمان آورد و در نماز به من اقتدا کرد، که همگان در لجن زار کفر و حقیقت پوشی دست و پا می زدند و موقعی به بهترین یادگار من (فخر دو جهان، فاطمه، آن بانوی محشر) باردار شد که همه زنان از بی اعتباری نازا مانده بودند.»^(۱)

همراهی و همکاری صادقانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) خالی از مشکلات، سختی ها و زخم زبان ها و رنج های اجتماعی و اقتصادی نبود، ولیکن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همه را با شکیبایی و ثبات قدمی بی نظیر پشت سر گذاشت و هیچ گاه در ایمانش به خدا و رسالت رسول او خدشه ای وارد نشد، بلکه روز به روز توجه اش به رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) بیشتر می شد و این گونه بود که خدای تعالی به وسیله جبرئیل بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سلام فرستاد و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین پاسخ داد: «اللَّهُ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جِبْرِئِيلِ السَّلَامُ.»^(۲)

انفاق و بخشش

و بالاخره مهم ترین و بارزترین نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بخشش و انفاق او تجلی می یابد.

قرآن کریم می فرماید: (مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ).^(۳)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثروت عظیمی از پدر به ارث برده و آن را از راه تجارت فزونی بخشیده بود. او تمامی این ثروت را خالصانه برای گسترش و توسعه اسلام در اختیار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) قرار داد. ثروت او قبل و بعد از جریان محاصره اقتصادی و اجتماعی بسیار

ص: ۹۳

۱- . جعفریان، رسول، سیره رسول خدا (صلی الله و آله و سلم)، ص ۳۵۸.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، صفحه ۱۱.

۳- . بقره: ۲۶۵.

کارگشا بود. (۱) او با مال و جان و زبان خود به حمایت همه جانبه از پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و مسلمانان برخاسته بود. در جریان سه سال محاصره وحشت بار در شعب ابی طالب، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از روی صفا و سخاوت تمام دارایی خود را نثار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان کرد و آنها را از گرسنگی نجات داد، تا این که خداوند گشایشی در کار آنها پیش آورد. (۲)

جهاد مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و انفاق و بخشش او در ده سال اوّل بعثت نقش حیاتی و چشم گیری در رشد و گسترش اسلام و فزونی یافتن تعداد مسلمانان و هجرت مسلمانان و ابطال نقشه های سران کفر و شرک داشت و این نقش آفرینی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که او را در نزد رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) بسیار عزیز می داشت و تا آن جا که آن حضرت او را به عنوان یکی از چهار زن نمونه و بزرگ، که جایگاهشان در بهشت برین است، معرفی کردند .

و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با این صفات شایسته الگویی ماندگار برای همیشه تاریخ شد.

کتابنامه

۱. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ق.
۲. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.
۳. ابو سعید خرگوشی، نجم الدین محمود راوندی، شرف النبی، تهران: بابک، ۱۳۶۱.
۴. بحر العلوم، سید محمدعلی، زنان صدر اسلام، ترجمه: محمدعلی امینی، چاپ اول، انتشارات حکمت، ۱۳۵۸.
۵. بحر العلوم، سید محمدعلی، زنان صدر اسلام، ترجمه: محمدعلی امینی، چاپ اول، انتشارات حکمت، ۱۳۵۸.
۶. جعفریان، رسول، سیره رسول خدا (صلی الله و آله و سلم)، قم: انتشارات دلیل ما.

ص: ۹۴

۱- . معروف حسنی، سید هاشم، سیره المصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، صفحه ۶۵.

۲- . بحر العلوم، سید محمد، زنان صدر اسلام، ص ۱۱۶.

۱. دشتی، محمد، نهج البلاغه، تحقیق: سید کاظم محمدی، قم: انتشارات امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ۱۳۶۹ ش.
۲. رسولی محلاتی، سید هاشم، تاریخ اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، چاپ هشتم، ۱۳۷۲ ش.
۴. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۵. عماد زاده، حسین، زنان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم)، تهران: نشر مجد.
۶. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۷. معروف حسنی، سید هاشم (م ۱۴۰۴ ق)، سیره المصطفی صلی الله علیه و آله، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۹۷۸ م.

فضایل، فرزندان، وصیت، رحلت جانسوز و مقامات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۱)

محمد محمدی اشتهاردی

چکیده

شرح زندگانی و مقامات معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسندگان: در روایات اسلامی که از طریق شیعه و اهل تسنن نقل شده از زبان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و امامان معصوم (علیهم السلام) در شأن و مقام ارجمند ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن فراوان با تعبیرات گوناگون به میان آمده است. به گفته صاحب مستدرک سفینه البحار فضایل حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که در ابواب مختلف روایات آمده، بیش از آن است که شمارش شود. پیام این روایات این است که به رازهای عظمت مقام این بانوی ارجمند پی ببریم و شایستگی های او را بشناسیم و از او در مسیر تکامل به عنوان برترین الگو، پیروی کنیم. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ارتباط عمیق و در سطح بالایی با درگاه خداوند داشت، از این رو دارای قوت قلب محکم و استوار بود. او دارای حِرْز (کلمات پر محتوای پناهندگی به خدا) بود و در پرتو آن حِرْز همواره رابطه خود را با خدا برقرار می ساخت. عالم بزرگ سید بن طاووس در کتاب مهج الدعوات دو حِرْز مربوط به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نقل کرده است.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، دعا، حِرْز، سید بن طاووس.

سخن را با اشعار عالم بزرگ، شیخ حرّ عاملی (وفات یافته سال ۱۱۰۴ ق) صاحب کتاب وسائل الشیعه آغاز می کنیم:

زَوْحَتُهُ خَدِيجَةٌ وَفَضْلُهَا

أَبَانَ عِنْدَ قَوْلِهَا وَفَعِلْهَا

ص: ۹۷

بِنْتُ خُوَيْلِدِ الْفَتَى الْمَكْرَمِ

الْمَاجِدِ الْمُؤَيَّدِ الْمُعْظَمِ

لَهَا مِنَ الْجَنَّةِ بَيْتٌ مِنْ قَصَبٍ

لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا لَهَا نَصَبٌ

وَهَذِهِ صُورُهُ لَفِظِ الْخَبْرِ

عَنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الْمُطَهَّرِ (۱)

«همسر پیامبر، خدیجه که فضل و برتری او از گفتار و رفتارش آشکار است، دختر خویلد آن جوانمرد بزرگوار، و ارجمند تأیید شده و بلند مقام. برای خدیجه [طبق سخن پیامبر] در بهشت خانه ای از یک قطعه گوهر بلورین (زبرجد) آماده شده است که در آن ناآرامی و رنج نیست. این موضوع عین سخن پیامبر برگزیده پاک خدا است، که خدیجه در بهشت دارای چنین خانه ای می باشد.»

مقام بسیار ارجمند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

در روایات اسلامی که از طریق شیعه و اهل تسنن نقل شده، از زبان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و امامان معصوم (علیهم السلام) در شأن و مقام ارجمند ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن فراوان با تعبیرات گوناگون به میان آمده است. (۲) به گفته صاحب مستدرک سفینه البحار «فضایل حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)» که در ابواب مختلف روایات آمده، بیش از آن است که شمارش باشد.» (۳)

پیام این روایات این است که به رازهای عظمت مقام این بانوی ارجمند پی ببریم و شایستگی های او را بشناسیم و از او در مسیر تکامل به عنوان برترین الگو، پیروی کنیم. در این جا نظر شما را به نمونه هایی از آن گفتار جلب می کنیم:

۱. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «خَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةٌ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ؛ (۴)

ص: ۹۸

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲- . در کتاب التاج الجامع لاصول الصحاح، ج ۳، ص ۳۷۷، فضل الشیده خدیجه بنت خویلد، هفت حدیث در برتری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آمده است.

۳- . نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۶.

۴- . بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۴؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه

بهترین زنان دنیا خدیجه و مریم دختر عمران است.» یا: بهترین زنان امت گذشته مریم و بهترین زنان این امت خدیجه است.

۲. نیز فرمود: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؛ (۱) بهترین زنان جهانیان عبارت اند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد.»

۳. ابن عباس می گوید: روزی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) چهار خط کشید، آن گاه پرسید: آیا می دانید این خط ها چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش دانایتر است. فرمود:

«خَيْرُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ اِمْرَاةُ فِرْعَوْنَ؛ (۲) بهترین زنان بهشت، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون است.»

۴. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) به عایشه که در حال برتری جویی به فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، فرمود: «أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ اضْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ (۳) آیا نمی دانی که خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم، آل عمران، علی، حسن، حسین، حمزه، جعفر، فاطمه و خدیجه را بر جهانیان برگزید.»

۵. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای رسول خدا! این خدیجه است. هر گاه نزد تو آمد، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من، سلام برسان، «وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبٌ وَلَا نَصَبٌ؛ (۴) و او را به خانه ای از یک قطعه (از زبرجد) در

ص: ۹۹

۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۲۰.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲، وج ۱۶، ص ۲. در بعضی از عبارات «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ...» آمده است. (همان مدرک و ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۲۰)

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۶۳.

۴- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸. به گفته بعضی، منظور از این جمله این است که او در بهشت دارای قصری است که همه آن قصر از یک گوهر توخالی است که از یک قطعه است؛ نه این که از قطعه های مختلف ساخته شده باشد. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸) مطابق بعضی از روایات، ابوهریره از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) پرسید: منظور از خانه ای از قَصَبٍ چیست؟ اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) فرمود: «منظور از آن، گوهر تو خالی است.» (عمادزاده، حسین، فاطمه الزهراء، ص ۲۷)

بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست مژده بده.»

در بعضی از روایات «مِنْ قَصَبِ الزُّمُرْدِ» (۱) آمده که همان زبرجد باشد و مطابق بعضی از روایات، آن حضرت فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أَبْشُرَ خَدِيجَةَ بَيْتٍ...» (۲) از طرف خداوند مأمور شده ام که خدیجه را مژده بدهم به خانه ای بلورین که در آن رنج و ناآرامی نیست.»

۶. نیز فرمود: «أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَادَاتِ عَالَمِهِنَّ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَأَفْضَلُهُنَّ عَالِمًا فَاطِمَةُ» (۳) چهار زن سرور زنان جهان خود می باشند که عبارت اند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و بهترین آنها از جهت جهان فاطمه است.»

۷. نیز فرمود: «حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ» (۴) در میان بانوان دو جهان، در فضیلت و کمال کافی است: مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه.»

۸. نیز فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا؛ مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ» (۵) همانا خداوند از زنان، چهار زن را برگزید که عبارت اند از: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.»

۹. پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در تفسیر آیه «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (۶) همان چشمه بهستی که مقربان از آن می نوشند، فرمود:

«الْمُقَرَّبُونَ السَّابِقُونَ؛ رَسُولُ اللَّهِ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْآئِمَّةُ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» (۷) از مردان بسیاری به حد کمال رسیدند، و از زنان به درجه آخر کمال نرسیدند؛ مگر چهار زن

ص: ۱۰۰

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۲- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۱.

۳- . محب الدین طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، ص ۴۴.

۴- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۱.

۵- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲.

۶- . مطلقین: ۲۷.

۷- . طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۲۰.

که عبارتند از: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه.»

۱۱. روزی عایشه به حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: آیا تو را بشارت ندهم به این که از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) شنیدم فرمود: «سرور زنان بهشت چهار بانو هستند که عبارت اند از: مریم، فاطمه، خدیجه، و آسیه؟» (۱)

۱۲. روزی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «تو همسری مانند فاطمه داری، که من چنان همسری ندارم. تو مادر زنی مثل خدیجه داری، که من چنین مادر زنی ندارم.» (۲)

۱۳. امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «ساداتِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ؛ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ؛» (۳) سرور بانوان دو جهان چهار بانو است که عبارت اند از: خدیجه، فاطمه، آسیه و مریم.»

۱۴. روایت شده: روزی جبرئیل به حضور اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد، و جویای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شد. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را نیافت. جبرئیل گفت: «وقتی که او آمد، به او خبر بده که پروردگارش به او سلام می رساند.» (۴)

۱۵. پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در چهل شبانه روز اعتزال از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) توسط عمار یاسر به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین پیام داد: «إِنَّ اللَّهَ لَيَبْهِي بِكَ كِرَامًا مَلَائِكَتِهِ كُلُّ يَوْمٍ مَرَارًا؛» (۵) همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می کند.»

۱۶. روزی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برگزیدگان خداوند را معرفی کرد، تا این که فرمود: «وَخَيْرُتُهُ مِنَ النِّسَاءِ فَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَفَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛» (۶) برگزیدگان خدا از زنان عبارت اند از: مریم، آسیه، فاطمه و خدیجه.»

ص: ۱۰۱

۱- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۱.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۶۸.

۳- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۶۶.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۲.

۵- همان، ص ۷۸، چنان که مشروح آن بعداً خاطر نشان خواهد شد.

۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۸.

باید توجه داشت که زنان نمونه در جهان بسیارند؛ ولی این چهار زن آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر همگان کامل تر بوده و برتری دارند.

در بررسی زندگی درخشان این چهار بانو به یکی از رازهای اصلی و مهم برتر بودن آنها پی می بریم و آن حمایت از رهبری است. آنها در مورد استواری رهبری حقّ موسی در رابطه با آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، عیسی در رابطه با مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) در رابطه با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رابطه با رهبری علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نهایت سعی، فداکاری و ایثار را نمودند؛ تا آن جا که هر چهار نفر برای استواری مقام عظمای رهبری راستین، به شهادت رسیدند؛ با این فرق که آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آشکارا شهید شدند، ولی شهادت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تدریجی و پس از تحمّل محنت های بسیار، انجام شد. بنا بر این حمایت از رهبری راستین، راز و رمز اوج برتری است و از اصول ارزشی ممتاز است.

۱۷. در فرازی از یکی از زیارت نامه های رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) که [ظاهراً از امامان ۷ نقل شده] چنین آمده است:

«السَّلَامُ عَلَىٰ أَزْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ، أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، خُصُوصاً الصَّديقَةَ الطَّاهِرَةَ، الزَّكِيَّةَ الرَّاضِيَةَ الْمَرْضِيَّةَ، خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۱) سلام بر همسران پاک و نیک تو، مادران مؤمنان، به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه، خشنود و پسندیده، خدیجه بانوی بزرگ، مادر مؤمنان.»

تعبیر به مادران مؤمنان از همسران اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از این رو است که ازدواج با آنها بعد از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حرام است. باید به حریم حرمت آنها و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) احترام نهاد و با آنها ازدواج نکرد.

و در فرازی از زیارت نامه های دیگر از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین تعبیر شده: «السَّلَامُ عَلَىٰ خَدِيجَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ (۲) سلام بر خدیجه سرور زنان جهانیان.»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در دنیا و آخرت

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «اشْتَاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَىٰ أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ

ص: ۱۰۲

۱- همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۲- همان، ج ۱۰۲، ص ۲۷۲.

مُزَاحِمٌ زَوْجُهُ فِرْعَوْنٌ وَهِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ فِي الْجَنَّةِ، وَخَدِيدَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةُ النَّبِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْأَخْرَجَهُ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؛ (۱)

بهشت مشتاق چهار زن است: مریم دختر عمران؛ آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون، که همسر پیامبر در بهشت است؛ خدیجه دختر خویلد، همسر رسول خدا در دنیا و آخرت؛ فاطمه دختر محمد.

نگاهی به مقام آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

نظر به این که در مورد روایات ذکر شده، در موارد متعدّد، نام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کنار نام حضرت آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ذکر شده، در این جا نظر شما به طور فشرده به ذکر مقام آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جلب می کنیم:

حضرت آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟

حضرت آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر فرعون از بانوان بسیار ارجمند و محترم بنی اسرائیل بود و به طور مخفی خدای حقیقی را می پرستید. موجب نجات موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از کشته شدن به دست فرعونیان گردید و خدمت های بسیار به موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نمود و یگانه نگهبان او، با تاختیک های گوناگون بود. سرانجام به دست شوهرش به شهادت رسید؛ به این ترتیب که:

فرعون نزد او آمد و ماجرای شهادت آرایشگر و فرزندان او را به او خبر داد.

آسیه: وای بر تو ای فرعون! چه چیز باعث شده که این گونه بر خداوند متعال جرأت یابی و گستاخی کنی؟

فرعون: گویا تو نیز مانند آن آرایشگر دیوانه شده ای؟!!

آسیه: دیوانه نشده ام، بلکه ایمان دارم به خداوند متعال؛ پروردگار خودم و پروردگار تو و پروردگار جهانیان.

فرعون مادر آسیه را طلبید و به او گفت: دختری دیوانه شده، سوگند یاد کرده ام، یا با آتش او را بسوزانم، یا به خدای موسی کافر گردد.

مادر آسیه در خلوت با آسیه صحبت کرد، که خود را به کشتن نده، با شوهرت توافق

ص: ۱۰۳

کن ... ولی آسیه، سخن بیهوده مادر را گوش نکرد و گفت: هرگز به خداوند متعال کافر نخواهم شد.

فرعون فرمان داد دست‌ها و پاهای آسیه را به چهار میخی که در زمین نصب کرده بودند، بستند. (۱) و او را در برابر تابش سوزان خورشید نهادند و سنگ بسیار بزرگی را روی سینه‌اش گذاشتند. او نیمه‌نیمه نفس می‌کشید و در زیر شکنجه بسیار سختی قرار داشت.

موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از کنار او عبور کرد. او با حرکت انگشتانش از موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) استمداد نمود. موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برای او دعا کرد و به برکت دعای موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) او دیگر احساس درد نکرد و به خدا متوجه شد و عرض کرد: «خدایا! خانه‌ای در بهشت برای من فراهم ساز.»

خداوند همان دم روح او را به بهشت برد. او از غذاها و نوشیدنی‌های بهشت می‌خورد و می‌نوشید. خداوند به او وحی کرد: سرت را بلند کن. او سرش را بلند کرد و خانه خود را در بهشت که از مروارید ساخته شده بود، مشاهده کرد و از خوشحالی خندید. فرعون به حاضران گفت: دیوانگی این زن را ببینید در زیر فشار چنین شکنجه سختی می‌خندد!

به این ترتیب این بانوی مقاوم و مهربانی که حق بسیار بر موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) داشت و او را در موارد گوناگون از گزند دشمن نجات داده بود، به شهادت رسید. (۲)

در قرآن (۳) از او و از حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان بانوان ممتاز و نمونه یاد شده است؛ چنان که در پیش‌گفتار ذکر شد.

حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟

حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دختر عمران از بانوان فرزانه و از شخصیت‌های برجسته بنی اسرائیل بود. پدر مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به نام عمران از نسل حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بود و از علمای برجسته و پارسا و عابد بنی اسرائیل به شمار می‌آمد.

ص: ۱۰۴

۱- از این رو در قرآن، فرعون به عنوان «ذوالاوتاد؛ صاحب میخ‌ها» یاد شده است. (فجر: ۸۹)

۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۱۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۴.

۳- تحریم: ۱۲۱۱.

نام مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در قرآن ۳۴ بار آمده، و یک سوره قرآن (سوره نوزدهم) به نام مریم است، که از آغاز آن تا آیه ۳۶ به ماجرای ولادت حضرت عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ و سخن گفتن او در گهواره، و بخشی از زندگی و چگونگی دعوتش می پردازد. قبل از آن که عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ متولد شود، فرشتگان از جانب خداوند مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به تولد او مژده دادند، و شخصیت عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ را معرفی کردند، چنان که در آیه ۴۵ سوره آل عمران، می خوانیم:

(إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يَبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان (از جانب خدا) به مریم گفتند: خداوند تو را به کلمه ای (وجود با عظمتی) از طرف خودش مژده می دهد که نامش مسیح، عیسی بن مریم است، در حالی که در دو جهان انسان برجسته و از مقربان درگاه خدا خواهد بود).

عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ تحت سرپرستی مادرش مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بزرگ شد. در سن دوازده سالگی به مجلس عابدان و پارسایان و اندیشمندان راه یافت و با آنها به مباحثه و مناظره پرداخت. آثار عظمت و معرفت فوق العاده، در همان نوجوانی در چهره اش دیده می شد.

عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ در سی سالگی مبعوث به رسالت شد، گرچه طبق آیه ۳۰ سوره مریم، هنگام کودکی در گهواره، دارای مقام نبوت بود، ولی رسمیت رسالتش از سی سالگی به بعد بود. (۱)

حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟

در مورد عظمت مقام حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن بسیار است و تا حدودی روشن است و نیاز به کتاب مستقل دارد. در این جا تنها به ذکر این حدیث کفایت می کنیم:

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) فرمود: «بوی خوش پیامبران، بوی «به» است، بوی بانوان بهشت، بوی درخت مُورد (آس شیه درخت انار که برگ و گل خوشبو دارد) می باشد، بوی فرشتگان بوی گل سرخ است، و بوی دخترم زهرا بوی به و آس و گل سرخ است.» (۲) به قول شاعر:

ید بیضا دم عیسی، رخ زیبا داری

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

ص: ۱۰۵

۱- شرح بیشتر در: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۵۰ ۳۲۶.

۲- همان، ج ۶۶، ص ۱۷۷.

ید بیضا دم عیسی، رخ زیبا داری

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

* مباحث امام عَلَیْهِ السَّلَامُ و بزرگان به وجود شریف خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و امامان معصوم (عليهم السلام) در موارد معدّد به وجود بانوی ارجمند جهان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مباحث و افتخار نموده اند، در این راستا به روایات زیر توجه کنید:

الف روزی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در مسجد در حضور مردم در شأن حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مطالبی فرمود، و از جمله چنین گفت: «أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِبَهِيرِ النَّاسِ حَيْدًا وَجَدَّةً؟ أَيُّ مَرَدِّم! أَيُّ شَمَا رَا خَبِر نَدَهْم بَه بَهْتَرِيْن اِنْسَان هَا اَز جَهْت جَدِّ وَ جَدَّة؟»

حاضران عرض کردند: «آری، خبر بده!» فرمود: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، جَدُّهُمَا رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدَّتُهُمَا خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛ (۱) آن‌ها حسن و حسین هستند که جدّشان رسول خدا محمّد است و جدّه آن‌ها خدیجه دختر خُوَيْلِد می باشد.»

ب امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جدّه من خدیجه دختر خُوَيْلِد است؟...» (۲) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه هستم؟» (۳)

ج امام سَجَاد عَلَیْهِ السَّلَامُ در مجلس شاهانه یزید در دمشق، در آن خطبه معروفش در فرازی چنین خود را معرفی کرد: «أَنَا بِنُّ خَدِيْجَةَ الْكُبْرَى؛ (۴) من پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم.» جالب توجه این که: لقب «كُبْرَى» (بزرگ و ارجمند) را اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) داد. (۵)

د: در دعای ندبه که از ناحیه مقدّسه امام زمان [صادر شده، در فرازی با توجه به

ص: ۱۰۶

۱- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۰۲. نظیر این حدیث با اندکی تفاوت، در ج ۳۷، ص ۶۱ و ۹۰ آمده است.

۲- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

۳- همان، ج ۴۵، ص ۶.

۴- همان، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۷۴.

۵- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۲۱، ص ۳۰۰.

حضرت ولّی عصر [چنین می خوانیم: «أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَأَيْنَ عَلِيٍّ الْمُزْتَضَى، وَأَيْنَ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ؟ كَجَا اسْتِ پَسْر پيامبر برگزیده و پسر علی پسندیده و پسر خدیجه بلندمقام؟» واژه «عَرَاء» به معنای شامخ و ارجمند است که در این جا به عنوان صفت برای حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ذکر شده است.

ه حضرت زینب ۳ در کربلا- در روز یازدهم محرم سال ۶۱ ق هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمد و مطالبی جانسوز گفت؛ از جمله در آن جا پس از ذکر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یاد کرد و فرمود: «بَابِي خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ پدرم به فدای خدیجه بانوی بزرگ باد.»^(۱)

و در اکثر زیارت نامه هایی که از طرف امامان معصوم (علیهم السلام) و اولیای خدا برای امامان و امامزادگان (علیهم السلام) تنظیم شده، از خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یاد شده و پس از سلام به پیامبران اولوالعزم به او سلام داده شده است؛ تا همواره یاد او در خاطره ها تجدید گردد و زائران با ایمان به پیشگاه او سلام عرض کنند و او را در خانه خداوند واسطه قرار دهند.

ز زید بن امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ که انقلاب و شورش عظیمی بر ضدّ حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک (دهمین خلیفه اموی) نمود و سرانجام به شهادت رسید، در سخنی در برابر دشمن، چنین احتجاج می کند: «وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَوَدَّةِ، أَبُونَا رَسُولُ اللَّهِ وَجَدُّنَا خَدِيجَةُ...»^(۲) و ما سزاوارتر به مودت و دوستی هستیم، چرا که پدر ما رسول خدا و جدّه ما خدیجه است، و مادر ما فاطمه و پدر ما علی امیر مؤمنان است.»

ح عبد الله بن زبیر (با این که با خاندان رسالت دشمنی کرد) در گفت و گویی با ابن عباس، به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان عمّه اش افتخار نموده و می گوید: «الَسَّتْ تَعْلَمُ أَنَّ عَمَّتِي خَدِيجَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^(۳) آیا نمی دانی که عمّه ام خدیجه سرور بانوان جهان ها است؟»

ص: ۱۰۷

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۹.

۲- . همان، ج ۲۷، ص ۲۰۷.

۳- . ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۵.

ط در آن هنگام که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در بستر رحلت قرار گرفت، حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بسیار پریشان و گریان بود. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به وجود پر برکت حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که دارای ویژگی های برجسته است دلداری داد و در فرازی از مادرش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز یاد کرد و فرمود: دل خوش دار که:

«إِنَّ عَلِيًّا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، هُوَ وَخَدِيجَةُ أُمِّكَ؛^(۱) همانا علی نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد. او و خدیجه مادر تو، اولین افرادی هستند که به اسلام پیوستند.»

ی در عصر خلافت امام حسن مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پس از آن که معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند و از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند و در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جسارت کرد و ناسزا گفت؛ با این که امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مجلس حاضر بودند. حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود:

«ای آن که علی را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی است، و تویی معاویه و پدرت صخر می باشد. مادر من فاطمه است و مادر تو هند است. جدّ من رسول خدا است و جدّ تو حرب است، وَجَدَّتِي خَدِيجَةُ وَجَدَّتُكَ فَتِيلَةُ...؛ جدّه من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جدّه تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبتش پست و سابقه اش بد، و دارای کفر و نفاق است.» گروه های مختلفی که در مسجد بودند گفتند: آمین.^(۲)

نظیر حادثه فوق در مدینه در مسجد النبی رخ داد. امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پای منبر معاویه برخاست و مطالب فوق را فرمود؛ از جمله به وجود جدّه اش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) افتخار کرده و

ص: ۱۰۸

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۵۰۲.

۲- . شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۱۷۳.

فرمود: «وَجَدَّتِي خَدِيجَهُ وَجَدَّتُكَ نَثِيلَهُ» (۱) جَدَّةٌ من خَدِيجِهِ وَ جَدَّةٌ تو نَثِيلَهُ است.» یعنی تو از نسل نثیله (ناپاک) به وجود آمده ای، ولی من از نسل خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هستم، و فرق است بین ناپاک زاده و پاک زاده.

ارتباط عمیق خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با خداوند و اعتقاد نیرومند او

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ارتباط عمیق و در سطح بالایی با درگاه خداوند داشت. از این رو دارای قوت قلب محکم و استوار بود. او دارای حِرْز (کلمات پر محتوای پناهندگی به خدا) بود و در پرتو آن حِرْز همواره رابطه خود را با خدا برقرار می ساخت. عالم بزرگ سید بن طاووس در کتاب مهج الدعوات دو حِرْز مربوط به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نقل کرده که نظر شما را به آن جلب می کنیم:

۱. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَاعْثِنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ آيِدًا، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ» (۲) به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم، به من پناه بده، و مرا هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، همه حال و زندگی مرا سامان بخش.»

۲. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِيْظُ يَا رَقِيْبُ» (۳) به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدا، ای نگهبان، ای نگهدارنده و ای مراقب و پاسدار.»

مصاحبت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و دیدن معجزات و نشانه های صدق آن حضرت، ایمان و ارتباط خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را با خدا محکم تر نموده بود. قطعاً بانویی که حاضر می شود همه ثروت و جان و مال خود را در راه اسلام بدهد، و از همه هستیش در این راستا بگذرد بیانگر آن است که او از اعتقاد بسیار عمیق و محکم برخوردار است.

ص: ۱۰۹

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۹۰؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۴۷.

در مورد نام جدّه معاویه چند گونه ذکر شده؛ مانند: نثیله، نقیله و قتیله.

۲- . سید بن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات، ص ۶.

۳- . همان.

روایت شده: زنی نابینا در حضور خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، و مدت ها خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از او نگهداری می کرد. روزی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حضور خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از نیروی ولایت خود استفاده کرد و خطاب به آن بانوی نابینا گفت: «قطعاً دو چشمان تو باید سلامتی خود را باز یابند.»

همان دم او از هر دو چشم بینا شد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با دیدن این منظره گفت: «هذا دُعَاءٌ مُبَارَكٌ؛ این بینایی، نتیجه دعای پربرکت پیامبر است.» اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این آیه را خواند که خداوند به پیامبرش می فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ (۱) و ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم). (۲)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با دیدن این گونه کرامت ها، بر ایمان و اعتقادش می افزود، و در راه اسلام عمیق تر و استوارتر می گشت.

خانه مبارک خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

باید توجه داشت که یکی از مقدس ترین مکان ها در مکه خانه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است؛ زیرا این خانه کانون کارهای نیک و حوادث بزرگ و سرنوشت ساز بود، مانند: محبت ها و ایثارهای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آن خانه به مستمندان و بینویان، ازدواج اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن خانه، پناهندگی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از گزند دشمنان در آن خانه، آغاز معراج اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در کنار آن خانه، ولادت فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از جمله زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آن خانه، عبادت های اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آن خانه و صدها آثار نیکی که از آن خانه به نفع اسلام بروز کرد.

عَلَمَةُ مَجْلِسِي از کتاب «المنتقى فى مولد المصطفى» نقل می کند که: «مکان این خانه امروز در مکه، مشخص و معروف است. گویند معاویه در عصر خلافت خود آن را خرید و تبدیل به مسجد نمود و ساختمانی به عنوان مسجد در آن جا بنا کرد.» (۳)

یکی از اهل اطلاع می گفت: خانه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اکنون در بازار ابوسفیان قرار

ص: ۱۱۰

۱- . انبياء: ۱۰۷.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۷.

۳- . همان، ج ۲۲، ص ۱۶۷.

گرفته، وقتی که وارد بازار شدیم و در جانب راست، کوچه ای قرار گرفته، این خانه در آن جا است و معمولاً در آن بسته است.

به هر حال زائران خانه خدا و حاجیان، در سفر حج و عمره خود، سزاوار است که، زیارت این خانه را فراموش نکنند. پس از پرسش، محل آن را پیدا کنند و در آن جا به نماز و دعا پردازند و آن مکان بسیار مقدّس و پرخاطره را با اخلاص زیارت نمایند، و در آن جا به یاد فداکاری های بی دریغ حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیفتند، که این حالت، برای صفای دل و تکامل معنوی، بسیار اثربخش و مفید است و با دروذهای خالصانه خود بر روان پاک خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از آن همه فداکاری های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تجلیل نمایند.

یاد همیشگی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

چنان که خواهیم گفت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سال دهم بعثت از دنیا رفت. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بعد از او دوازده سال و اندی زندگی نمود. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این مدّت همواره از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یاد می کرد، و خاطرات شیرین و ایثارگرانه او را گرامی می داشت. گاهی وقتی به یاد او می افتاد. آن چنان پراحساس می شد که سرشک اشک از دیدگانش جاری می گشت. اشک شوق یا اشک فراق می ریخت؛ چرا که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) محبت ها و لطف های سرشار دیده بود. شواهد تاریخی که بیانگر این یاد اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) باشد بسیار است. ما در این جا نظر شما را به ذکر چند نمونه زیر جلب می کنیم:

۱. روزی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در نزد چند نفر از همسران خود بود. ناگاه سخن از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به میان آمد. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن چنان آشفته و پراحساس شد که قطره های اشک از چشمانش سرازیر گشت. عایشه به آن حضرت گفت: «چرا گریه می کنی؟ آیا برای یک پیرزن گندمگون از فرزندان اسد، باید گریه کرد؟» اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در پاسخ به او فرمود:

«صَيِّدَتْنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ، وَآمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ، وَوَلَدْتْ لِي إِذْ عَقَمْتُمْ؛ (۱) او هنگامی که شما مرا تکذیب می کردید، تصدیق کرد، و هنگامی که کافر بودید، او به من ایمان آورد، و برای

ص: ۱۱۱

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص ۷۲.

من فرزندانمی آورد، در حالی که شما نازا هستید.»

۲. روز دیگری هاله خواهر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای زیارت حضرت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مدینه آمد. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با دیدار او به یاد از دست رفته اش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) افتاد. از شدت اندوه بر خود لرزید. وقتی که هاله رفت، عایشه عرض کرد: «چقدر از پیرزن قریش که سالخورده گی، صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می کنی؟! در صورتی که اکنون روزگار او را نابود کرده، و خدا همسری بهتر از او به شما عطا فرموده است؟»

رنگ رخسار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از این سخن ناروا برافروخته شد و با رنجیدگی خاطر به او فرمود: «نه نه! سوگند به خدا که هیچ گاه بهتر از خدیجه نصیبم نشد. او هنگامی به من ایمان آورد، که مردم مرا تکذیب می کردند و هنگامی با ثروت و تمام وجودش به یاری من شتافت، که دیگران مرا محروم ساختند.» (۱)

۳. عایشه گفته است: «ما زِلْتُ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ بِذِكْرِهَا؛ (۲) همواره با یاد خدیجه به پیشگاه رسول خدا تقرب می جستیم و نزدیک می شدم.» یعنی نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بهترین وسیله ای بود که انسان را به آن حضرت نزدیک سازد و مشمول لطف سرشار او قرار دهد.

۴. روزی پیرزنی نزد رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد. آن حضرت او را مورد لطف سرشار قرار داد. وقتی آن پیرزن رفت، عایشه علت آن همه مهربانی به پیرزن را از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرسید، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جواب فرمود:

«أَنَّهَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَنِ خَدِيجَةَ، وَإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ؛ (۳) این پیرزن در عصر زندگی خدیجه به خانه ما می آمد (و از کمک ها و الطاف سرشار خدیجه برخوردار بود). همانا نیک نگهداری عهد و سابقه، از ایمان است.»

ص: ۱۱۲

۱- . شوشتری، محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

۲- . همان.

۳- . شوشتری، محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص ۷۲؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

و مطابق روایت دیگر عایشه گفت: هر گاه پیامبر گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود: از گوشتش برای دوستان خدیجه بفرستید. یک روز در این باره با آن حضرت سخن گفتم، فرمود: «إِنِّي لَأُحِبُّ حَبِيبَهَا؛ (۱) من دوست خدیجه را دوست دارم.»

گریه اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) در جلسه عروسی حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

۵. در اوایل سال دوم هجرت در آستانه ازدواج پریمنت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، روزی عقیل نزد برادرش حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آمد و عرض کرد: «برادرم! در مورد هیچ چیزی آن قدر شادمان نمی شوم که از ازدواج شما با فاطمه دختر پیامبر شاد می گردم، پس چرا برای انجام آن اقدام نمی کنی؟ تا چشمم به میمنت این ازدواج، روشن گردد.»

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «دوست دارم این کار به زودی انجام شود، ولی شرم می کنم خودم مستقیم موضوع را به رسول خدا عرض کنم.» عقیل عرض کرد: «تو را سوگند می دهم که برخیز با هم به محضر رسول خدا برویم تا در این باره صحبت کنیم.»

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) با برادرش عقیل به قصد ملاقات با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) حرکت کردند. در مسیر راه با ام ایمن کنیز آزاد شده اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) [که از بانوان بسیار ارجمند بود، و قبلاً کنیز حضرت آمنه مادر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) بود، و پس از وفات آمنه، به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) به ارث رسید و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) او را آزاد کرد (۲)] ملاقات نمودند و ماجرا را به او گفتند: ام ایمن به آنها گفت: «این کار را به ما زنان واگذارید، تا ما برویم با رسول خدا صحبت کنیم؛ زیرا سخن زنان در این مورد، اثربخش تر است.»

آن گاه ام ایمن نزد ام سلمه یکی از همسران اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) آمد و ماجرا را به او گفت و سایر همسران اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) را آگاه کرد. همه آنها در یک خانه در محضر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) اجتماع نمودند و به اتفاق چنین عرض کردند:

«فَدَيْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ اجْتَمَعْنَا لِأَمْرٍ لَوْ أَنَّ خَدِيجَةَ

ص: ۱۱۳

۱- . محللاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۱۶، و به قولی او کنیز خواهر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود. او را به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) بخشید.

فِي الْأَحْيَاءِ لَقَرَّتْ بِذَلِكَ عَيْنَاهَا؛ پدران و مادرانمان به فدایت ای رسول خدا! برای صحبت پیرامون موضوعی (ازدواج حضرت زهرا در این جا اجتماع نموده ایم که اگر خدیجه در میان ما بود چشمش برای آن روشن می گردید.»

اُمِّ سَلَمَةَ می گوید: تا این سخن را گفتیم و نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به میان آوردیم، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) گریه کرد، سپس فرمود:

«خَدِيجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبْتَنِي النَّاسُ، وَوَأَزَّرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا، إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ فِي أَنْ أُبَشَّرَ خَدِيجَةَ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٌ؛ خدیجه! کجاست همانند خدیجه؟ در آن هنگام که مردم مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق کرد، و او برای دین خدا با من همکاری و همیاری نمود، و با ثروت خود مرا برای پیشبرد دین کمک کرد. خداوند متعال به من فرمان داده است که خدیجه را به داشتن خانه ای از یک گوهر در بهشت که رنج و ناآرامی در آن نیست مژده بدهم.»

اُمِّ سَلَمَةَ می گوید: «عرض کردیم پدران و مادرانمان به فدایت ای رسول خدا! آنچه در مورد خدیجه می فرمایی درست است؛ ولی او در آغوش رحمت و برکات الهی قرار گرفته است. خداوند ما را (نیز) در درجات بهشت و رضوانش در کنار او قرار دهد. اینک برای موضوع ازدواج حضرت علی و فاطمه زهرا در این جا اجتماع کرده ایم، تا دستور بفرمایی به آن اقدام گردد.»

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) اُمِّ ایمن را طلبد و به او و سپس به دیگران دستورهایی داد و مراسم ازدواج و جشن آن را برقرار نموده و حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به خانه حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بردند. (۱)

تمجید پیایی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در طول یک ماه

۶. عایشه یکی از همسران اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) می گوید: هر گاه پیامبر به یاد خدیجه می افتاد همواره او را می ستود و برای او طلب رحمت می کرد و در این جهت خسته نمی شد. روزی او را می ستود. رقابت و حسادت هووگری موجب شد که به آن حضرت گفتم: «به جای او که

ص: ۱۱۴

سال خورده بود خداوند زن جوانی به تو داده است!»

اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با شنیدن این سخن (که اهانت ضمنی به مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شده بود) سخت خشمگین شد. من از گفته ام پشیمان شدم و با خدا عهد کردم که اگر خشم پیامبر را فرو نشانم، دیگر بار هرگز چنان سخنی را تکرار نکنم.

در این هنگام اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به من فرمود: «چگونه این سخن را گفتی؟ سوگند به خدا، خدیجه هنگامی به من ایمان آورد که همه مردم کافر بودند. مرا هنگامی پناه داد که همه مرا ترک و طرد کرده بودند. مرا هنگامی تصدیق نمود که همه تکذیب می کردند و از او دارای فرزندان شدم؛ در حالی که شما زنان دیگر، مرا از داشتن فرزند محروم گردانیدید.»(۱)

جالب این که در ذیل این روایت آمده، عایشه گفت: «فَعَدَا وَرَاحَ عَلَيَّ بِهَا شَهْرًا؛ پیامبر شبانه روز، یک ماه تمام این سخن را به من می گفت.»

عایشه گوید: روزی در نزد پیامبر، خدیجه را تحقیر کرده و او را «خُدیجه» (زن کوچک) خواندم. پیامبر بسیار خشمگین شد و به من هشدار سخت داد تا دیگر تکرار نکنم.(۲)

۷. اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا آخر عمر با دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رابطه دوستی داشت و به آنها محبت می کرد، تا جایی که هر گاه گوسفندی ذبح می کرد، برای آنها می فرستاد.

او خاطره پر مهر حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را تجدید می نمود و دل او را شاد می کرد.(۳) در این مورد، انس بن مالک می گوید: «وقتی که برای پیامبر هدیه می آوردند، می فرمود: این هدیه را به خانه فلان بانو ببرید؛ زیرا او دوست خدیجه بود و به خدیجه علاقه داشت.»(۴)

و از امّ رومان نقل شده: «خدیجه همسایه ای داشت. سفارش او را به پیامبر کرده بود. از آن

ص: ۱۱۵

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۹.

۲- . عمادزاده، حسین، زندگی فاطمه الزهرا، ص ۳۳.

۳- . ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

۴- . نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۷.

پس هر گاه برای پیامبر غذا می آوردند، دستور می داد بخشی از آن غذا را برای آن همسایه می بردند.» (۱)

چشم اشکبار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) با دیدن گردنبنده خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

۸. ابوالعاص بن ربیع فرزند هاله خواهر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) او را مانند فرزندان خود دوست می داشت. از این رو از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) تقاضا کرد او را به دامادی خود بپذیرد و زینب (یکی از دختران خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)) را همسر او گرداند. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) تقاضای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را پذیرفت و زینب دختر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) همسر ابوالعاص گردید.

هنگامی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) به مدینه هجرت کرد، دو نفر از دخترانش به نام زینب و رقیه که در مکه شوهر داشتند در مکه ماندند. هنگامی که جنگ بدر (در سال دوّم هجرت) بین سپاه اسلام و سپاه مشرکان رخ داد، ابوالعاص جزء لشکر دشمن بود. او در این جنگ یکی از هفتاد نفری بود که به اسارت سپاه اسلام درآمد.

پس از مدّتی وقتی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) تصمیم گرفت اسیران کفار را با گرفتن فداء (یا فدیة که مبلغی تعیین شده بود) آزاد کند، ابوالعاص برای زینب پیام فرستاد که اموالی را به عنوان فدیة به مدینه بفرستد تا با دادن آن آزاد گردد.

زینب اموالی را فراهم کرد و گردنبنده خود را که مادرش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در شب عروسی بر گردنش آویخته بود، بر سر آن اموال نهاد و برای ابوالعاص فرستاد. ابوالعاص آن اموال و گردنبنده را به حضور اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) آورد تا به عنوان فداء تقدیم کرده خود را آزاد سازد.

همین که چشم اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) به آن گردنبنده افتاد، به یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، قلبش فرو ریخت و قطرات اشک چون دانه های مروارید از چشمانش سرازیر شد و فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ خَدِيجَةَ، هَذِهِ فَلَانْدُ هِيَ جَهَّزْتَهَا بِهَا؛ خداوند خدیجه را رحمت کند. این گردنبندهی است که خدیجه آن را برای زینب فراهم کرده (و جزء جهیزیه او قرار داده) است.»

ص: ۱۱۶

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ابوالعاص را به این شرط که زینب را آزاد بگذارد و از هجرت او به مدینه ممانعت ننماید آزاد کرد. ابوالعاص آزاد شد و به این شرط عمل کرد و به عهد خود وفا نمود. (۱)

در فراز دیگر تاریخ می خوانیم: پس از آن که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گریست، فرمود: «مثل این که بر زینب بسیار سخت گذشته که یادگار مادرش را از گردن گشوده و برای ما فرستاده است.» (۲)

مسلمانان وقتی که این حال را از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مشاهده نمودند عرض کردند: «ای رسول خدا! ما از حق خود گذشتیم، اختیار آن گردنبندها را شما، اگر می خواهید آن را برای خود نگهدارید و اگر نمی خواهید، آن را برای زینب بفرستید.» و به نقل دیگر، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از مسلمانان اجازه خواست، مسلمانان پاسخ فوق را دادند.

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ابوالعاص را آزاد کرد و اموال او و گردنبندها را برای زینب فرستاد و به ابوالعاص فرمود: «بدان که زینب به تو (به خاطر کافر بودن) حلال نیست؛ زیرا او مسلمان است و تو کافر می باشی. هر گاه به مکه رفتی، زینب را نزد من بفرست.»

ابوالعاص شرایط اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را پذیرفت. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زید بن حارثه را برای آوردن زینب به مکه فرستاد. ابوالعاص زینب را همراه زید به مدینه روانه کرد. سرانجام ابوالعاص قبل از فتح مکه مسلمان شد و به مدینه آمد و با عقد جدید، با زینب ازدواج نموده و به زندگی ادامه دادند. ابوالعاص در سال دوازدهم هجرت از دنیا رفت. (۳)

فدک به جای مهریه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

۹. در سال هفتم هجرت، پس از آن که سپاه اسلام به فرماندهی پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خبیر را فتح

ص: ۱۱۷

۱- ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۲۶، مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۴۱ و ۳۴۹.

۲- گویی زینب می دانست اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ارادت و علاقه خاصی به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارد، از این رو آن گردنبندها را منسوب به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را واسطه آزادی همسرش قرار داد.

۳- ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۱۲۱ و ۱۲۶.

کرد و یهودیان را در هم شکست، مطابق نوشته بلاذری در فتوح البلدان، ساکنان فدک (۱) ریس خود، یوشع بن نون را به عنوان قرارداد صلح نزد رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) فرستادند و آن قرارداد این بود که فدک را به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بدهند تا در تحت پرچم اسلام، در امنیت باشند... .

به این ترتیب فدک، بدون هجوم، از راه صلح در اختیار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار گرفته و از اموال خالصه پیامبر (نه از بیت المال و اموال عمومی) گردید (۲) و با نزول آیه هفت سوره حشر، فدک به عنوان «فَىء» مال خدا و رسول و بستگان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه است.

فدک هم چنان در اختیار بود تا این که آیه ۲۶ سوره اسراء نازل شد: «وَأَتِ ذَٰلِقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَشِيكِينَ وَابْنِ السَّبِيلِ؛ حَقَّ خَوْشَاوِنِدَانٍ وَ مَسْتَمِنِدٍ وَ دَرْمَانْدَةُ رَاه رَا بَرْدَاذ.»

مفسران و محدثان بسیار از شیعه و سنی نقل کرده اند: هنگامی که این آیه نازل شد، رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَام) را خواست و فدک را به او بخشید. (۳)

آنچه که ذکر آن در این کتاب مورد توجه است این که امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: پس از آن که فدک در اختیار پیامبر قرار گرفت، وقتی که به مدینه بازگشت نزد فاطمه آمد و فرمود: «دخترم! خداوند فدک را از کافران برگردانید و در اختیار من نهاد و از اموال مخصوص من قرار داد. هر گونه که خواستی از آن استفاده کن.» سپس فرمود:

«وَأَنَّهُ قَدْ كَانَ لِأُمَّكَ خَدِيجَةُ عَلَىٰ أَبِيكَ مَهْرٌ، وَأَنَّ أَبَاكَ قَدْ جَعَلَهَا لَكَ بِذَلِكَ،

ص: ۱۱۸

۱- فدک سرزمین زراعی حاصل خیزی بود که در نزدیکی خیبر در ۱۴۰ کیلومتری مدینه قرار داشت و افرادی در آن ساکن بودند. از این رو به آن روستای فدک می گفتند. مطابق پاره ای از روایات، درآمد سالیانه محصولات کشاورزی فدک معادل ۴۸ هزار دینار بود، که مدتی یهودیان آن را از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به نصف درآمد آن مقاطعه کردند، تا همه کارهای کشاورزی آن را انجام دهند و هنگام برداشت محصول، نصف آن را به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بپردازند. (یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، واژه فدک؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۳۴۶)

۲- قزوینی حائری، سید محمدحسن، فدک، ص ۳۳.

۳- جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال، الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور، ج ۴، ص ۱۷۷، به نقل از محدثان متعدّد.

وَأَتَحَلَّكَ إِيَّاهَا، تَكُونُ لَكَ وَلَوْلَدِكَ بَعْدَكَ؛ (۱) همانا مادرت خدیجه بر عهده پدرت دارای مهریه است. اینک پدرت همین فدک را به همین علت در اختیار تو قرار داد و آن را به تو بخشید، تا برای تو، و برای فرزندان تو بعد از تو باشد.»

این ماجرا نیز بیانگر تجدید خاطره و رعایت حسن عهد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نسبت به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آئینه معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

یکی از پدیده های بسیار مهم زندگی درخشان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) موضوع معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از مکه به بیت المقدس، و از آن جا به آسمان ها است که بنا بر قول معروف در سال سوم یا دهم بعثت رخ داد. (۲) آنچه که ذکر آن در این جا مناسب است این که:

طبق پاره ای از نقل ها، معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آغاز شد و بازگشت آن نیز در خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) روی داد.

روایت شده: امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «جبرئیل مرکب بُراق را شبانه کنار در خانه خدیجه آورد و در آن خانه به محضر رسول خدا رسید. آن حضرت را از خانه بیرون آورد و بر مرکب بُراق سوار نموده و از مکه به سوی بیت المقدس (که قسمت اول معراج است) سیر داد...» (۳)

مطابق پاره ای از شواهد و قراین، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هنگام مراجعت از معراج نیز در خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

ص: ۱۱۹

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۷۸. ممکن است در این جا چنین توضیح داده شود: گرچه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مهریه خود را (چنان که گفتیم) از مال خود پرداخت؛ زیرا اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن هنگام فقیر بود. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست با بخشیدن فدک به فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و فرزندان او پس از او، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را شاد کرده و بخشی از ایثارهای او، به ویژه انفاق های مالی او را جبران نموده باشد. با توجه به این که فدک از بیت المال نبود، بلکه از اموال خالصه آن حضرت بود.

۲- . بعضی از محققان گویند: «اظهر و ارجح این است که معراج در سال دوم یا سوم بعثت، رخ داد.» (عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی ام ربائیه، ص ۶۴)

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۷۸، طبیعی است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این هنگام یگانه کسی بوده که رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) را برای سفر به آسمان ها، بدرقه نموده است.

فرود آمد. برای این که به مقام درخشان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، در رابطه با مسئله معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیشتر پی ببریم نظر شما را به دو روایت زیر جلب می‌کنم:

۱. سلام خدا بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

ابو سعید خدری می‌گوید: رسول خدا (صلى الله و آله وسلم) فرمود: وقتی که در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمان‌ها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: آیا حاجتی داری؟ جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی.»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ابلاغ کرد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ؛ (۱) همانا ذات پاک خدا سلام است، و از او است سلام، و سلام به سوی او باز گردد و بر جبرئیل سلام باد.» این مطلب بیانگر اوج مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا است.

۲. پیوند مقدس اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از معراج

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ضمن بیان ماجراهای معراج فرمود: هنگامی که جبرئیل مرا به بهشت جاوید برد، ناگاه درختی از نور در آن جا مشاهده کردم. در کنار پایه آن درخت، دو فرشته را دیدم که زیورهایی را می‌آراستند، و جمع می‌کردند. به جبرئیل گفتم: این درخت از آن کیست؟ گفت: «از آن برادرت علی است و این دو فرشته تا روز قیامت آن زیورها را برای علی جمع کرده و می‌پیچند.»

از آن جا گذشتم، ناگاه به درختی رسیدم. از آن درخت خوشه خرماى لطیف دیدم که نرم تر از روغن و خوشبوتر از مُشک و شیرین تر از عسل بود. یک عدد خرما از آن چیدم و خوردم. همان خرما، به صورت آبی در صُلب من در آمد. پس از آن که از معراج باز گشتم با همسرم خدیجه همبستر شدم. نور فاطمه از آن خرما، در رحم خدیجه قرار گرفت.

ص: ۱۲۰

۱- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷، و ج ۱۸، ص ۳۸۵.

«فَفاطِمَةُ حَوْرَاءُ اِنْسِيَّةٌ، فَاِذَا اشْتَقَّتْ اِلَى الْجَنَّةِ شَمَمَتْ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ عَلِيَّهَا السَّلَامُ»؛ (۱) پس فاطمه بانوی بهشتی است که به صورت انسان روی زمین درآمده. هر گاه مشتاق بهشت می‌گردد بوی خوش وجود فاطمه را می‌بویم.»

نظیر این روایت، روایات دیگری نیز هست که در عنوان بعد خاطر نشان می‌شود.

۳. سرچشمه شگفت انگیز ولادت حضرت زهرا (علیها السلام) از خدیجه (علیها السلام)

یکی از ماجراهای آموزنده و شگفت انگیز در زندگی درخشان حضرت خدیجه (علیها السلام) ولادت حضرت زهرا (علیها السلام) از او است. از این رو که خدیجه (علیها السلام) لیاقت آن را یافت تا فرزندی مانند حضرت زهرا (علیها السلام) که بهترین زن دنیا و آخرت است و مقام هیچ بانویی از آغاز آفرینش تا پایان آن به مقام او نمی‌رسد، از او تولد یافت. بانویی که خداوند خطاب به پیامبرش فرمود:

«لَوْلَا كَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلاكَ، وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَلَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»؛ (۲) اگر تو نبودی موجودات را نمی‌آفریدم، و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم، و اگر فاطمه نبود شما دو نفر (پیامبر و علی) را نمی‌آفریدم.»

در مورد چگونگی انعقاد نور فاطمه (علیها السلام) در رحم خدیجه (علیها السلام) و ماجرای ولادت حضرت زهرا (علیها السلام)، امور و روایات متعددی نقل شده که هر کدام بیانگر بخشی از مقام ارجمند حضرت خدیجه (علیها السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام) است. برای روشن شدن مطلب، نظر شما را به ذکر چند روایت جلب می‌کنیم:

۱. در تفسیر فرات از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده، هنگامی که این آیه بر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) نازل شد: (طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ)؛ (۳) آنان که دارای ایمان و کارهای شایسته هستند، دارای پاکیزه ترین زندگی و بهترین سرانجام هستند).

یکی از اصحاب یعنی مقداد به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) عرض کرد: «ای رسول خدا! منظور از

ص: ۱۲۱

۱- . شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ص ۷۲؛ عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۱۹.

۲- . نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۳۵ و ج ۸، ص ۲۳۹.

۳- . رعد: ۲۹.

«طوبی» چیست؟» رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) فرمود: «طوبی درختی است در بهشت که اگر سواره ای با اسب راهوار، صد سال در سایه آن سیر کند به آخر آن نمی رسد...»

سلمان می گوید: اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) نسبت به حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) علاقه بسیار نشان می داد. یکی از زن های اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) عرض کرد: «ای رسول خدا! چرا فاطمه را آن قدر دوست داری که هیچ یک از افراد خاندان را آن گونه دوست نداری؟»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) در پاسخ فرمود: «هنگامی که من در شب معراج به آسمان ها سیر داده شدم، جبرئیل مرا کنار درخت طوبی برد. میوه ای از میوه های آن درخت را چید و به من داد. آن را خوردم. سپس دستش را بر میان دو شانه ام کشید. آن گاه فرمود: «ای محمد! خداوند متعال ولادت فاطمه از خدیجه را به تو مژده می دهد.»

وقتی که از معراج به زمین بازگشتم و با خدیجه همبستر شدم، نور فاطمه در رحم خدیجه قرار گرفت، از این رو هر گاه مشتاق بهشت می شوم، فاطمه را نزدیک خود می آورم و بوی بهشت را از او می شنوم، او «خَوْرَاءِ اَنْسِيَه» زن بهشتی به صورت انسان دنیا است.» (۱)

۲. در روایت دیگر آمده؛ امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: رسول خدا فاطمه را بسیار می بوسید و می بویید. عایشه (یکی از همسران پیامبر) از علاقه شدید پیامبر نسبت به حضرت زهرا ابراز ناراحتی می کرد و آن را برای خود ناگوار می دانست. پیامبر راز علاقه خود به فاطمه را برای عایشه چنین ترسیم فرمود: «ای عایشه! هنگامی که در شب معراج مرا به آسمان ها بردند، در آن جا وارد بهشت شدم. جبرئیل مرا کنار درخت طوبی برد و از میوه های آن درخت به من داد. از آنها خوردم. خداوند عصاره همان میوه ها را در پشتم به آبی تبدیل کرد. پس از بازگشت به زمین با همسرم خدیجه همبستر شدم؛ همان هنگام خدیجه به وجود فاطمه باردار شد، از این رو هرگز فاطمه را نبوسیده ام مگر این که بوی خوش درخت طوبی بهشت را از وجود او

ص: ۱۲۲

۱- . فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۷۳ ۷۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۵۱.

۳. امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند که یکی از اصحاب از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) پرسید: شما چرا آن همه به حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) علاقه نشان می دهید؟ و شیوه شما با او به گونه ای است که با دختران دیگر چنین نیست؟

آن حضرت در پاسخ فرمود: جبرئیل نزد من آمد، و سیبی از سیب های بهشت را به من داد. آن را خوردم. آن در صُلب من قرار گرفت. در آن وقت با خدیجه همبستر شدم. نور فاطمه در رحم خدیجه انعقاد یافت و من اکنون بوی بهشت را از وجود فاطمه می شنوم.

روایات دیگری نیز بیانگر این مطلب است. (۲)

۴. عمّار یاسر در ضمن گفتاری می گوید روزی حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت: «ای ابوالحسن! خداوند متعال نور مرا آفرید. نور من خدا را تسبیح می کرد. سپس خداوند آن نور را در یکی از درختان بهشت به ودیعه نهاد. آن درخت، درخشان شد. هنگامی که پدرم رسول خدا (در شب معراج) وارد بهشت گردید، خداوند به او الهام کرد که از میوه آن درخت بچین و آن را بخور. پیامبر فرمان خدا را انجام داد. خداوند نور مرا در صلب پدرم قرار داد. سپس خداوند آن را در رحم مادرم خدیجه به ودیعه نهاد و خدیجه مرا به دنیا آورد و من از همان نور هستم به آنچه از حوادث که قبلاً بوده و بعداً رخ خواهد داد، آگاهی دارم. ای ابوالحسن! مؤمن با نور خداوند متعال می نگرد.» (۳)

۵. فضل بن شاذان از سلمان نقل می کند که گفت: به حضور فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رفتم حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پیش روی آن حضرت بازی می کردند. با دیدار آنها بسیار خشنود شدم. اندکی بعد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) نزد فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آمد. عرض کردم: «ای رسول خدا! از فضیلت این خاندان مطلبی

ص: ۱۲۳

۱- . قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمّی، ص ۳۴۱. نظیر این حدیث در عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۱۶ آمده است و در کتب اهل تسنن نیز نقل شده است (علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۳)

۲- . در این باره ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۲.

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸، به نقل از: ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات.

بفرما تا بر دوستی ما نسبت به آنها بیفزاید.»

فرمود: ای سلمان! در شب معراج که خداوند مرا به سوی آسمان سیر داد، ناگاه جبرئیل را در آسمان ها و در بهشت یافتم. هنگامی که مشغول دیدار از قصرها و باغ های بهشت بودم، ناگهان بوی بسیار خوشی را استشمام کردم که شگفت زده شدم. به جبرئیل گفتم: «ای حبیب من! این بوی خوشی که بر همه بوهای معطر بهشت چیره شده چیست؟» جبرئیل گفت: «ای محمد! این بوی خوش از سیبی است که سیصد هزار سال است خداوند آن را با دست قدرتش آفریده. نمی دانم که هدف خداوند از آفرینش این سیب چیست؟»

در این هنگام فرشتگانی را دیدم که همان سیب را نزد من آوردند و گفتند: «ای محمد! پروردگار ما «سلام» است و به تو سلام می رساند و این سیب را به تو هدیه می دهد.»

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) می فرماید: من آن سیب را گرفتم و در زیر پر جبرئیل گذاشتم. وقتی که جبرئیل به زمین فرود آمد، من آن سیب را برداشتم و خوردم. آب آن در پشت من جمع شد. با حضرت خدیجه همبستر شدم. او از همان آب سیب، به وجود فاطمه باردار شد. خداوند به من وحی کرد که حوریه بهشتی به صورت انسان به تو عنایت می شود ... این حوریه همان فاطمه بود. (۱)

پاسخ به یک سؤال

در این جا این سؤال مطرح می شود که مطابق قول معروف که غالب محدثین شیعه نقل کرده اند، حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سال پنجم بعثت چشم به جهان گشود، و با توجه به این که معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بنا بر قول معروف پس از سال پنجم بعثت رخ داد، چگونه با روایات مذکور (که بیانگر انعقاد نور فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رحم خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده) سازگار است؟! پاسخ این سؤال را با توجه به نکات زیر به دست می آوریم:

۱. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دارای معراج های متعدد بوده است.

ص: ۱۲۴

۲. در سال و ماه معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به اختلاف نقل شده. مطابق پاره ای از روایات معراج آن حضرت قبل از سال پنجم بعثت بوده؛ از جمله بعضی از روایات حاکی است که معراج آن حضرت در سال دوم یا سوم بعثت بوده است (۱) و به گفته بعضی از محققان، این قول برترین و ظاهرترین قول است. (۲)

از سوی دیگر در مورد سال تولد حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز اختلاف شدید وجود دارد. بنا بر این با توجه به همه جوانب، روایات مذکور با سال تولد حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قابل جمع است و پاسخ به سؤال فوق داده می شود.

کناره گیری چهل روز اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

معروف این است که فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سال پنجم بعثت چشم به جهان گشود. در سال چهارم بعثت روزی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سرزمین أَبْطَحْ (بین مکه و منی) نشسته بود. امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عباس، حمزه، عمار یاسر، منذر بن ضحاح، ابوبکر و عمر در محضرش بودند. ناگهان جبرئیل به صورت اصلی خود که بسیار بزرگ بود و بال هایش مشرق و مغرب را فرا گرفته بود، به حضور اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد و صدا زد: «ای محمد! خداوند بزرگ بر تو سلام رساند و امر فرمود که چهل روز از خدیجه کناره گیری کنی!»

این مأموریت برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخت و گران آمد؛ چرا که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را دوست داشت و بسیار به او علاقه مند بود. (ولی دستور خدا بر همه چیز مقدم است و باید آن را انجام داد.) از آن پس اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چهل روز دور از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، روزها را روزه می گرفت و شب ها را به عبادت به سر برد؛ تا آن که روزهای آخر فرا رسید. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عمار یاسر را نزد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرستاد و این پیام را به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) داد:

«ای خدیجه! مبادا گمان کنی که کناره گیری من از تو به خاطر بی محبتی و بی اعتنایی

ص: ۱۲۵

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۷۹ ۳۸۱؛ علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۹ ۳۰.

۲- . عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی ام ربائبه، ص ۶۴.

است؛ بلکه پروردگام چنین دستور فرمود، تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت، گمان دیگر نکن. خداوند متعال هر روز چندین بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش، مباحثات می کند. بنا بر این وقتی شب تاریک شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن. آگاه باش که من در خانه فاطمه بنت اسد هستم.»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) روزی چند بار از دوری رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) غمگین می شد. وقتی که چهل روز به پایان رسید، جبرئیل نزد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد و عرض کرد: «خداوند بر تو سلام می رساند و می فرماید: برای دریافت هدیه اش آماده باش.»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جبرئیل پرسید: تحفه و هدیه خداوند چیست؟ جبرئیل، اظهار بی اطلاعی کرد. در این هنگام میکائیل (فرشته مقرب دیگر خدا) از آسمان فرود آمد. طبقی را که با پارچه شیندس یا اِشْتَبْرَق بهشتی پوشیده بود، نزد رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) نهاد. جبرئیل نزدیک آمد و به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) عرض کرد: «خداوند می فرماید: که باید امشب از این غذا افطار کنی.»

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید: (پیامبر در خانه ما بود). هر شب هنگام افطار به من امر می فرمود که در خانه را باز بگذارم تا هر کس مایل است وارد خانه شود (و از غذای پیامبر بهره مند گردد)؛ ولی آن شب مرا در کنار در خانه نشانید و فرمود: «ای پسر ابوطالب! این طعامی است که برای غیر من حرام است.»

من در کنار در خانه نشستم و رسول خدا تنها وارد خانه شد و چون سر پوش را از روی طَبَق برداشت، یک خوشه خرما و یک خوشه انگور در آن دید. از آنها میل فرمود تا سیر شد و آب هم آشامید. سپس دست خود را برای شستن دراز کرد. جبرئیل آب بر دست مبارکش ریخت و میکائیل شست و شو داد و اسرافیل با دستمالی دست آن حضرت را خشک کرد. سپس باقی مانده غذا با ظرف آن به سوی آسمان بالا رفت. آن گاه پیامبر برای ادای نماز (نافله) برخاست.

جبرئیل نزد آن حضرت آمد و گفت: اکنون نماز بر تو حرام است تا به خانه نزد خدیجه بروی و با او همبستر شود؛ زیرا خداوند با خود عهد کرده که در این شب از صُیْلَب تو، فرزندی پاک بیافریند. در این هنگام پیامبر پس از چهل روز کناره گیری، برخاست و به

خاطره شب ملاقات با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، از زبان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می گوید: من در این مدت به تنهایی مأنوس شده بودم. وقتی شب می شد سرم را می پوشاندم و پرده را می آویختم و در خانه را می بستم و نماز خود را می خواندم. چراغ را خاموش نموده و به بستر برای استراحت می رفتم، ولی در آن شب بین خواب و بیداری بودم که ناگهان پیامبر آمد و حلقه در را زد. گفتم: کوبنده در خانه کیست، که جز محمد آن را نمی کوبد؟ رسول خدا با بیان شیرین و کلام دلنشین فرمود: «ای خدیجه! در را باز کن من محمد هستم.»

با خشنودی و شادی برخاستم و در را گشودم، و آن حضرت وارد خانه شد. بنای آن حضرت بر این بود که هر گاه وارد خانه می شد، ظرف آب می طلبید و وضو می گرفت و به طور اختصار دو رکعت نماز می خواند و سپس به بستر خواب می رفت؛ ولی آن شب، آب نطلبید و آماده نماز نشد و بازوی مرا گرفت و به بستر خود برد. وقتی که از مضاجعت برخاست، سوگند به خدا آن حضرت از من دور نشده بود که نور فاطمه را در رحم خود یافتم و سنگینی حمل را احساس نمودم. (۱)

مرحوم محدث قمی گوید: کناره گیری چهل روز اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای آن بود که آمادگی معنوی برای دریافت تحفه و هدیه خداوند را که همان وجود مقدس فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود پیدا کند؛ چنان که در زیارت نامه حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به این مطلب اشاره شده. آن جا که می خوانیم:

«وَصَيْلٌ عَلَى الثُّبُولِ الطَّاهِرِهِ... فاطمه بنت رسولك وَنَصِيحَةٌ لِحَمِيدِ قَرْتِيمِ قَلْبِهِ وَفَلْعَذِهِ لِيَدِهِ وَالتُّحْبَهُ مِنْكَ لَهُ وَالتُّحْفَهُ خَصِيصَتٌ بِهَا وَصِيَّتُهُ...؛ خدایا درود بفرست بر بتول پاک ... فاطمه دختر رسول خودت و پاره تن و آرام بخش قلب او، و جگر گوشه او، و برگزیده ای از تو برای تو، و تحفه ای که آن را به وصی خود اختصاص دادی.»

و این گونه کناره گیری اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیانگر مقام بس ارجمند سرور بانوان جهان

ص: ۱۲۷

حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است که بیان را توان تبیین چنین مقامی نیست.

و شاید آوردن طَبِيقِ خرما و انگور بهشتی برای رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و اختصاص به خصوص این دو میوه، به خاطر برکت بسیار و منافع فراوان این دو میوه باشد؛ چرا که در میان درخت ها هیچ درختی مانند درخت خرما و انگور دارای برکت بسیار نیست. علاوه بر این که این دو درخت از زیادی گِلِ آدم ۷ آفریده شده اند و بعید نیست که در این اختصاص، اشاره به کثرت این نسل پاک، طاهر، مبارک و بسیاری فرزندان و برکات آن باشد؛ چنان که در این باره در محل خود اشاره خواهیم کرد.

و اما این که جبرئیل به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: در این وقت، نماز بر تو حرام است (که در حدیث فوق آمده بود)، ظاهر این است که منظور نماز نافله و مستحبی بود، نه نماز واجب؛ زیرا اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نماز واجب خود را قبل از افطار به جا می آورد. خداوند به حقیقت موضوع آگاه تر است. (۱)

ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و احترام بانوان بزرگ از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

شیخ صدوق در کتاب امالی به سند خود از مفضل بن عمر نقل می کند که گفت از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پرسیدم؛ ولادت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چگونه انجام شد؟ در پاسخ فرمود:

هنگامی که حضرت خدیجه با رسول خدا ازدواج نمود، زن های مکه (از روی عناد با اسلام) از خدیجه دوری می کردند. به خانه او نمی رفتند و سلام بر او نمی کردند. نمی گذاشتند زنی خدیجه را ملاقات نماید. وحشت و هراس بر خدیجه رو آورد و سخت غمگین و بی تاب بود از این که مبادا بر رسول خدا آسیبی برسانند. هنگامی که خدیجه به فاطمه باردار شد، فاطمه در رحم مادر با او سخن می گفت و او را دلداری می داد و خدیجه این موضوع را بر پیامبر پنهان می داشت. روزی رسول خدا وارد خانه شد. شنید که خدیجه با فاطمه سخن می گوید. به خدیجه فرمود: با چه کسی گفت و گو می کنی؟

خدیجه عرض کرد: «فرزندی که در رحم دارم با من سخن می گوید و مونس من

ص: ۱۲۸

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان، ص ۱۸.

پیامبر فرمود: این جبرئیل است. به من خبر می دهد که آن فرزند دختر است و او است نسل پاک پر میمنت و خداوند به زودی نسل مرا از او قرار خواهد داد و امامان از نسل او به وجود می آیند، که خداوند پس از انقضای وحی، آنها را خلفا و جانشینان (رسول خدا) قرار می دهد.

حضرت خدیجه به همین ترتیب ایام بارداری را می گذراند تا آن که ولادت فاطمه نزدیک شد. برای زنان قریش و بنی هاشم پیام فرستاد که بیایید و مرا در وضع حمل یاری کنید؛ همان گونه که بانوان، زنان را در چنین وقتی کمک می کنند.

ولی زنان قریش و دیگران برای او پیام دادند که تو حرف ما را نشنیدی و سخن ما را رد کردی و با محمد یتیم ابوطالب، که فقیر بود، ازدواج نمودی. از این رو نزد تو نمی آییم و به هیچ وجه تو را یاری نخواهیم کرد. (به راستی چه خفقان عجیبی بود، و پیامبر در آغاز بعثت چقدر دشمن داشت، و اسلام تا چه اندازه، غریب بود که حتی در چنین حالتی، از همسر پیامبر کناره گیری می کردند و با او هم صحبت نمی شدند!)

خدیجه از این پیام، ناراحت و غمگین شد. (ولی خداوند او را تنها نگذاشت) ناگهان خدیجه دید چهار زن گندمگون و بلند قامت که شبیه زنان بنی هاشم بودند، وارد شدند. خدیجه از دیدن آنها هراسناک شد. یکی از آنها گفت: ای خدیجه! محزون مباش، ما از طرف خدا به سوی تو آمده ایم. ما خواهران تو هستیم. من ساره (همسر ابراهیم خلیل) هستم و این آسیه دختر مزاحم است که در بهشت همنشین تو است. آن دیگری مریم دختر عمران است و آن یکی کلثم خواهر موسی می باشد. خداوند ما را نزد تو فرستاده تا در هنگام وضع حمل، تو را یاری کنیم.

در این وقتی یکی از آنها در جانب راست خدیجه نشست. دیگری در سمت چپ نشست. سومی روبه رو، و چهارمی پشت سر قرار گرفتند و در این هنگام فاطمه پاک و پاکیزه به دنیا آمد، و وقتی به زمین قرار گرفت، نور تابناکی از او برخاست که بر همه خانه های مکه تابید. ناگاه ده تن از حوریان بهشتی که در دست هر یک از آنها طشتی از بهشت و آفتابه ای پر از آب کوثر بود، وارد شدند. آن بانویی که در پیش روی خدیجه بود،

فاطمه را گرفت و با آب کوثر شست و شو داد و درو جامه سفید که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوش بوتر بود بیرون آورد. بدن فاطمه را با یکی از آنها پوشانید و دیگری را مقنعه و روسری او قرار داد. سپس فاطمه را به سخن گفتن دعوت کرد. فاطمه زبان گشود و به یکتایی خدا و رسالت محمد گواهی داد و چنین گفت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، وَوَلَدَتِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ؛ گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و پدرم رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیا می باشد و فرزندانم دو آقای سبط ها هستند.»

سپس به هر یک از آن چهار زن سلام کرد و آنها را به نام خواند و آنها با روی شاد و خندان، فاطمه را مورد توجه قرار دادند و حوریان و اهل آسمان، مزده ولادت فاطمه را به یکدیگر می دادند و در آسمان نوری آشکار شد که فرشتگان، قبل از آن چنین نوری را ندیده بودند.

آن گاه بانوان به خدیجه گفتند: فرزند خود را که پاک، پاکیزه، پرمیمنت و مبارک است و دارای نسل پر برکت می باشد بگیر. خدیجه با شادی و خوشحالی، فاطمه را به آغوش گرفت و پستان در دهان او گذاشت. شیر جاری شد. فاطمه از آن پس در هر روز مطابق رشد یک ماه و در هر ماه مطابق رشد یک سال سایر کودکان، بزرگ شد. (۱)

تسلی خاطر فاطمه (علیها السلام) در رحم مادر، به مادرش در ماجرای شق القمر

از شگفتی ها این که: آن گاه که فاطمه (علیها السلام) در رحم مادرش خدیجه (علیها السلام) بود بنا بر معروف سال چهارم بعثت و ماه های آغاز سال پنجم بعثت بود؛ یعنی در شرایطی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مأمور به آشکار نمودن دعوت به اسلام شده بود و حوادث تلخی از ناحیه مشرکان برای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پدیدار می شد، شرایط بسیار سخت و ناگوار بود. طبیعی است که خدیجه (علیها السلام) همسر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز شریک غم های اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و در رنج شدید به سر می برد.

در این ایام فاطمه زهرا (علیها السلام) در رحم مادر، با مادر سخن می گفت و او را دلداری می داد که

ص: ۱۳۰

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۱ ۸۰ و ج ۶، ص ۲۴۷ و ج ۴۳، ص ۲.

نمونه ای از آن قبلاً ذکر شد؛ از جمله از مواردی که فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رحم مادر، به مادرش دلداری می داد، در ماجرای شق القمر بود.

توضیح آن که: طبق روایات مشهور، مشرکان نزد رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) آمدند و گفتند: «اگر راست می گویی تو پیامبر خدا هستی، ماه را برای ما دو پاره کن.»

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرمود: اگر این کار را کنم ایمان می آورید؟ عرض کردند: آری. آن شب، شب چهاردهم ماه بود. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از درگاه خدا تقاضا کرد تا آنچه مشرکان خواسته اند انجام شود. دعای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به استجاب رسید. ناگهان ماه به دو پاره شد و رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) مشرکان را یک یک صدا می زد و می فرمود ببینید و گواهی دهید. (۱)

با این که مشرکان دو پاره شدن ماه را دیدند، در عین حال بسیاری از آنها به کفر خود افزودند و گفتند: این سحر است؛ چنان که سه آیه آغاز سوره قمر به این مطلب دلالت دارد.

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از گفتار مشرکان لجوج آزرده خاطر شد و شبانه به خانه خود بازگشت. در این هنگام با استقبال گرم خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) روبه رو شد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در حالی که شادمان بود عرض کرد: «ای رسول خدا! من برفراز خانه، معجزه شما را مشاهده کردم و از آن شگفت انگیزتر این که این کودک که در رحم من است به من (که در اضطراب بودم تسلی خاطر داد) و گفت: «يا أمّية! لا تخشى على أبي، ومعه ربُّ المشارق والمغرب؛ مادرم! در مورد پدرم، خوف و نگرانی نداشته باش، چرا که پروردگار مشرق ها و مغرب ها با او است.»

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لبخند زده و فرمود: «خداوند به هیچ پیامبری معجزه ای نداد؛ مگر این که آن را به من عطا فرمود.» آن گاه ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اشعاری در شأن معجزه شق القمر خواند. (۲)

نذر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و اعلام دستور خدا

هنگامی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) باردار شد، مانند «حنّه» مادر حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین نذر کرد: خدایا! من از مادر مریم بهترم و محمّد شوهر من از عمران شوهر مادر مریم برتر

ص: ۱۳۱

۱- . طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۸۶.

۲- . اقتباس از: محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۶۵.

می باشد. این کودکی را که در رحم دارم برای تو مُحَرَّر کردم. (یعنی: خالص و آزاد نمودم که پس از رشد و بلوغ تا آخر عمر در خدمت مسجد و دین باشد و از زاهدان و عبادت کنندگان مسجد شود.)

جبرئیل از طرف خدا نزد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد و عرض کرد: به خدیجه بفرماید خداوند می فرماید:

«لَا إِغْتِاقَ قَبْلَ الْمُلْكِ، خَلَى بَيْنِي وَبَيْنَ صَفِيَّتِي، فَإِنِّي أَمْلُكُهَا وَهِيَ أُمُّ الْأَثَمِ وَعَتِيقِي مِنَ النَّارِ؛ (۱) آزاد کردن قبل از ملکیت روا نیست. این فرزند برگزیده ام را به من واگذار. او (فاطمه) مملوکه من و مادر امامان است و من او را از آتش آزاد کرده ام.»

توضیح این که: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خواست طبق معمول اولیای خدا در زمان های گذشته، هم چون مادر مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نذر و عهد کند که فرزندش را وقف خدمت گزاری به مسجدالحرام نماید و چنین کاری قبلاً معقول و معمول بوده است و تصور می کرد که چنین کاری در شریعت اسلام نیز از مستحبات بزرگ است. سخن جبرئیل بیانگر آن است که فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) غیر از دختران دیگر است. او مملوکه خداوند بزرگ است؛ نه مملوکه شما تا بتوانید در مورد او چنان نذری کنید. وانگهی هدف اصلی از نذر نمودن فرزند برای خدمت گزاری خانه خدا، بندگی کامل و آزادی از آتش دوزخ است. فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به این هدف رسیده و او بر اثر بندگی از آتش دوزخ آزاد است و او مادر امامان معصوم (علیهم السلام) است ...

به این ترتیب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از چنین نذر و عهدی منصرف شد؛ چرا که اهداف این نذر، قبلاً در مورد حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا تحقق یافته بود.

این تعبیر که «فاطمه مادر امامان ۷ است»، شاید اشاره به این جهت داشته باشد که اگر مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارای فرزندی مانند عیسی عَلَیْهِ السَّلَامُ رهبر معصوم و پیامبر اولوالعزم شد، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارای یازده امام معصوم (علیهم السلام) که همه از فرزندان او هستند خواهد گردید.

ص: ۱۳۲

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۵۵ ۲۵۶، به نقل از: کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین.

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمّد ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمّد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۳. ، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد، علی محمّد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمّد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
۷. استرآبادی، شرف الدین علی حسینی (م ۹۴۰ ق)، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره (کنز جامع الفوائد)، تحقیق: مدرسه الإمام المهدی، قم: مدرسه الإمام المهدی، ۱۴۰۷ ق.
۸. بخاری، محمّد بن اسماعیل (م ۲۵۶ ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۹. جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن کمال بن محمد خضیری (م ۹۱۱ ق)، الدرّ المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. حسین بن عبد الوهّاب (ق ۵ ق)، عیون المعجزات، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر: محمّد معین (تا آذرماه ۱۳۴۵ش) و سیّد جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷ش.
۱۲. سید بن طاووس، رضی الدین علی بن موسی (م ۶۶۴ ق)، مهج الدعوات و منهج العبادات، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۴ ق.

۱. شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۲. شوشتری، محمدتقی تستری (م ۱۴۱۵ ق)، قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشيعة و محدثيهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاجوردی، تهران: جهان.
۴. ، علل الشرائع، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ ق)، الإرشاد، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م.
۶. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، [بی نا]، بیروت، ۱۹۸۸ م / ۱۴۰۸ ق.
۷. عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی ام ربائبه، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (م ۱۱۱۲ ق)، نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۹. علامه طباطبایی، سید محمدحسین (م ۱۴۰۲ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۳ ق.
۱۰. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (زنده در ۳۰۷ ق)، تفسیر فرات کوفی، به کوشش: محمّد کاظم محمودی، تهران: وزاره الثقافه والإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. قزوینی حائری، سید محمدحسن، فدک، قاهره: مطبوعات النجاح، ۱۳۹۶ ق.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم (م ۳۰۷ ق)، تفسیر القمی، به کوشش: السید الطیب الموسوی الجزائری، مطبعه النجف الأشرف.
۱۳. کاشانی، ملا فتح الله (م ۹۸۸ ق)، منهج الصادقین فی الزم المخالفین، تهران: محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.

١. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، تحقيق: محمدباقر بهبودى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.
٢. محب الدين طبرى، أحمد بن عبدالله (م ٦٩٣ ق)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، تحقيق: أكرم البوشى، جدّه: مكتبه الصحابه، ١٤١٥ ق.
٣. محدث قمى، شيخ عباس (م ١٣٥٩ ق)، بيت الاحزان، ترجمه: محمد محمدى اشتهااردى، قم: انتشارات ناصر، ١٣٦٩ ش.
٤. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ هفتم، ١٤٠٤ ق.
٥. منصور على ناصف، التاج الجامع للأصول فى أحاديث الرسول، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.
٦. نمازى شاهرودى، شيخ على (م ١٤٠٥ ق)، مستدرک سفينه البحار، تحقيق: بخل المؤلف، مؤسسۀ نشر اسلامى، ١٤١٨ ق.
٧. ياقوت حموى، شهاب الدين ابى عبدالله (م ٦٢٦ ق)، معجم البلدان، [بى جا]: انتشارات دارالصادر، ١٩٩٥ م.

فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۱)

سمیه صبوری

چکیده

شرح زندگانی و معرفی فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و رسول خدا (صَلَّى اللهُ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) با استناد به منابع مهم تاریخ اسلام است. از دیدگاه نویسنده: در مورد فرزندان پسر حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) اختلاف بسیار است، اما تقریباً همگی متفق القول اند که ایشان چهار فرزند دختر داشته است. هر چند نباید غافل شویم که برخی در انتساب دختران به جز فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تردید کرده اند و ام کلثوم، زینب و رقیه را فرزند خواندگان آنها نامیده اند. در «سیرت رسول الله» از رفیع الدین اسحاق همدانی می خوانیم که: سید او را به خانه برد و هفت فرزند از وی ظاهر شد. سه پسر و چهار دختر. پسران قاسم و طاهر و طیب بودند. دختران، زینب و رقیه و ام کلثوم و فاطمه. و پسرانش هر سه در ایام جاهلیت وفات یافتند و دخترانش همه اسلام را دریافتند و با سید به مدینه هجرت کردند. و سید فرزندان را همه از خدیجه بیاورد، الا ابراهیم که از ماریه قبطیه بیاورد و تا خدیجه زنده بود، سید هیچ زن دیگری نخواست. با نگاهی به متون نظر خود را این گونه اعلام می کنیم که تعداد دختران همان چهار نفر می باشند و در مورد پسران هم از میان همه اقوال به نظریه ای که تعداد آنها دو نفر ذکر شده است بسنده می کنیم؛ زیرا شرط عقل این است که قدر متیقن این تعداد را در نظر بگیریم.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، تاریخ اسلام، قاسم، طاهر، طیب، زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ).

ص: ۱۳۶

در سیرت رسول الله از رفیع الدین اسحاق همدانی می خوانیم: «پس سید او [خدیده] را به خانه برد و هفت فرزند از وی ظاهر شد. سه پسر و چهار دختر. پسران قاسم و طاهر و طیب بودند. دختران، زینب و رقیه و ام کلثوم و فاطمه. و پسرانش هر سه در ایام جاهلیت وفات یافتند و دخترانش همه اسلام را دریافتند و با سید به مدینه هجرت کردند. و سید فرزندان را همه از خدیجه بیاورد؛ الا ابراهیم که از ماریه قبطیه بیاورد و تا خدیجه زنده بود، سید هیچ زن دیگری نخواست.» (۱)

برخی دیگر گفته اند حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دو پسر به نام های قاسم و عبد الله داشته که عبد الله را با لقب طیب و طاهر می خوانند و دختران خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نیز رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دانسته اند.

ابن هشام نیز همان نظر رفیع الدین اسحاق را تکرار می کند. (۲) در جای دیگری نیز در حدیثی شیعی به نقل از رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) وی فرزندان خود را طاهر (عبد الله)، قاسم، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، رقیه، ام کلثوم، و زینب نامیده است. (۳)

قول تقریباً بعیدی نیز از ابن عباس نقل شده، که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را صاحب ده فرزند از حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) می داند (۴) و برخی محدثان اهل تسنن فرزندان آن دو را بالغ بر دوازده نفر برشمرده اند. (۵)

ملاحظه می شود که در مورد فرزندان پسر حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) اختلاف بسیار است؛ اما تقریباً همگی متفق القول اند که ایشان چهار فرزند دختر داشته است. هر چند نباید غافل شویم که برخی در انتساب دختران به جز فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تردید کرده اند و ام کلثوم، زینب و رقیه را فرزند خواندگان آنها نامیده اند.

ص: ۱۳۷

۱- همدانی، رفیع الدین اسحاق، سیره رسول الله، ص ۹۰.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۲.

۳- محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۳۸ - ۲۳۹، به نقل از: شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۳۷ - ۳۸.

۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۶۳.

۵- محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۴۴.

البته این نظریه اخیر با نگاه به قرآن، آن جا که در سوره احزاب پیرامون حجاب می فرماید: (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزُوجِكَ وَ بَنَاتِكَ...؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت بگو...) کمی ضعیف به نظر می رسد. لذا با نگاهی به متون نظر خود را این گونه اعلام می کنیم که تعداد دختران همان چهار نفر می باشند و در مورد پسران هم از میان همه اقوال به نظریه ای که تعداد آنها دو نفر ذکر شده است، بسنده می کنیم؛ زیرا شرط عقل این است که قدر متیقن این تعداد را در نظر بگیریم.

نکته بعدی آن که مورخان می گویند پسران نبی؛ یعنی قاسم که کنیه رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) نیز از نام او بود و عبد الله ملقب به طاهر یا طیب در خردسالی و یکی پیش از بعثت و دیگری اندکی بعد از آن در گذشتند.

عمادزاده در کتاب «زنان پیغمبر» می نویسد: «قاسم در سن چهار سالگی در گذشت و عبد الله یک ماه پس از وی» (۱) و باز هم این جا در مورد سن وفات آنها اختلاف فراوان است. برخی می گویند هر دو در هفت سالگی وفات یافتند و برخی گفته اند قاسم دو ساله بود که در گذشته است.

اما روایت غم انگیزی از حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَام) نقل شده است که: «آن بانوی بزرگوار چند روز پس از وفات قاسم در خانه نشسته بود و می گریست؛ چون اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) وارد شد علت این کار را پرسید و او گفته است: از سینه هایم شیر جاری شد و من به یاد فرزند کوچکم افتادم که اکنون گرسنه و تنها در زیر خاک آرمیده است.»

نظیر این حدیث را در مورد عبد الله طاهر نقل کرده اند که در هر دو مورد نبی ۹، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) را بشارت می دهد که فرزندان کوچک تو بسان فرشتگان در کنار در بهشت به انتظار ورودت به سر می برند تا با داستان کوچک خود تو را به باغ های ارم رهنمون شوند.

این موضوع نشان می دهد هر دوی پسران نبی مکرم ۹ و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) در سن کودکی و شیرخوارگی از دنیا رفته اند. دلیل دیگر اثبات این قضیه نیز انتساب عنوان ابتر به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) از

ص: ۱۳۸

سوی کفار بود که چون پسرانش زود از دنیا می رفتند ، این چنین او را مورد استهزا قرار می دادند.

به هر حال در گذشت این دو پسر که می توانستند محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را در پیشبرد دین خدا یاری بسیار کنند، برای این زوج نمونه بسیار گران آمده بود. از تاریخ یعقوبی نقل شده است هنگامی که قاسم در چهار سالگی از دنیا رفت ، نگاه پیامبر ۹ در کنار جنازه او به یکی از کوه های مکه افتاد و خطاب به آن فرمود: «ای کوه ! آنچه به من در مورد مرگ قاسم وارد شد، اگر بر تو می آمد متلاشی می شدی.» (۱)

اما دختران نبی مکرم ۹ به سن بلوغ و ازدواج رسیدند. شاید باقی ماندن دختران از میان فرزندان نبی حکمتی در مورد این مسئله دارد که عرب دختران را خفیف می شمردند و آنها را در سن خردسالی زنده در گور می نمودند. این ننگ را قرآن مجید این گونه نکوهش می کند که : (وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؛ (۲) آن گاه که در باره دختران زنده به گور پرسش شود که به کدام گناه کشته شدند؟) لذا در چنین محیطی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) دختران خود را بسیار گرامی می داشت و خصوصاً به غنچه خوش بوی کوچک خود فاطمه زهرا ۳۱ ام ایها عنایت خاصی داشت و آن بانوی مکرمه را که در سختی ها و شدائد همراهش بود، سرور زنان دو گیتی می نامید.

فرزندان دختر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عبارت اند از:

زینب : ایشان بزرگ ترین دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زینب را به عقد خواهرزاده خود ابوالعاص بن ربیع در آورد که از آنها پسری به نام علی و دختری به نام امامه حاصل شد. علی در سنین پائین وفات یافت و اما امامه که از همسر اول خود مغیره بن نوفل جدا شده بود پس از وفات زهرا ۱ مرضیه عَلَیْهَا السَّلَامُ به وصیت خودش به عقد امیرالمؤمنین ۷ در آمد .

زینب هنگام حجرت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) به مدینه به همراه شوهرش ابوالعاص در

ص: ۱۳۹

۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

۲- تکویر: ۸.

مکه باقی ماند. به هنگام جنگ بدر (در سال دوم هجرت) ابوالعاص از لشکریان دشمن بود که به همراه هفتاد نفر دیگر از مشرکین به اسارت نیروهای اسلام درآمد.

هنگامی که قرار شد اسرا با پرداختن فدیة آزاد شوند، زینب برای آزادی شوهرش گردنبندی که خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در شب عروسی به گردنش آویخته بود، به مدینه فرستاد. ابوالعاص آن را به عنوان فدیة به محضر سرور عالمیان آورد و چون نگاه نبی ۹ به آن گردنبد افتاد بی اختیار گریست و به یاد همسر فداکارش خدیجه افتاد و فرمود: «رحم الله خدیجه، هذه قلاندهی جهزتها بها؛ خداوند خدیجه را رحمت کند. این گردنبندی است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن را برای زینب فراهم کرده است.»

پیامبر ۹ ابوالعاص را به شرط آن که زینب را آزاد بگذارد تا به مدینه بیاید، رها کرد و وی نیز به عهد خود وفا نمود و زید بن حارثه به مکه رفت و او را با خود به مدینه آورد. سرانجام ابوالعاص قبل از فتح مکه مسلمان شد و به مدینه آمد تا با زینب ازدواج دوباره نماید. زینب در سال هشتم هجرت در مدینه از دنیا رفت.

ام کلثوم و رقیه

دومین و سومین دختر، ام کلثوم و رقیه بودند که زندگی سختی را پشت سر نهادند. ام کلثوم و رقیه در ابتدا به درخواست ابی لهب و همسرش ام جمیل، هیزم کش آتش جهنم، به عقد عتبه و عتبه فرزندان آنها در آمدند. این ازدواج با پادرمیانی ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) صورت گرفته بود، لذا خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) علی رغم آن که از خوی بد ام جمیل و فرزندش آگاهی داشت، به احترام عموی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخن نگفت. تا جایی که پس از آشکار شدن دعوت به اسلام از سوی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، عتبه و عتبه که ام کلثوم و رقیه را در عقد خود داشتند آنها را به خانه پدر باز گرداندند تا مایه آبروریزی برای خانواده محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شوند که البته ناکام ماندند.

دو دختر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خانه پدر بازگشتند و پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز با روی خوش از آنها استقبال کردند. پس از اندکی عثمان بن عفان به خواستگاری رقیه آمد و با او تزویج نمود. اما خلق خشن عثمان سبب شد آن بانو بر اثر شدت ضربات کتک جان به جان آفرین تسلیم کند. در مورد علت قتل وی از سوی عثمان گفته اند: عثمان عموی خود

مغیره بن ابی العاص که در جنگ احد دندان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را شکست و لب وی را شکافت و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را مهدور الدم نامیده بود در خانه پنهان داشت. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چون از این امر اطلاع یافت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) را مأمور کرد تا آن جا رود و او را به قتل رساند.

عثمان چون این را دریافت او را فراری داد و به همراه توشه و غذا از مدینه خارج کرد. در راه مرکبش هلاک شد و پیاده راه می پیمود تا جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) گفت که دشمن خدا در فلان نقطه است. برو و او را بکش که مولا علی (عَلَيْهِ السَّلَام) مأمور این کار شد. پس خبر هلاکت مغیره به عثمان رسید وی به خانه نزد رقیه آمد و او را متهم کرد که جای عمویش را به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اطلاع داده است. پس آن گاه آن چنان با چوب جهاز شتر او را پی در پی می زد تا نیمه جان افتاد و پیکرش را که به خانه نبی ۹ آوردند پس از سه روز از روح تهی شد. پیامبر ۹ عثمان را که به خاطر این عمل منفور او گردیده بود از شرکت در تشیع جنازه رقیه منع فرمود. پس از رقیه، ام کلثوم نیز به عقد عثمان بن عفان در آمد و باز هم به سبب خشونت وی جان سپرد.

فاطمه زهرا ۳۱

اگر چه سخن گفتن در مورد این بانوی مکرم در اندازه و گنجایش این مقاله نیست و در مورد او هم چون مادر بزرگوارش می توان صفحات زیادی مطلب نوشت اما به لحاظ حفظ روند اصلی نوشتار، ذکری مختصر به میان خواهد آمد.

(إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ...). فاطمه کوچک ترین فرزند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) و محمد (صلی الله و اله و سلم) بود. در مورد وی احادیث، روایات و آیات فراوانی نقل شده. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرماید: «فاطمه حوراء انسیه؛ فاذا اشتقت الی الجنة شممت رائحه فاطمه؛ (۱) پس فاطمه بانوی بهشتی است که به صورت انسان روی زمین در آمد. هر گاه مشتاق بهشت می گردم بوی خوش وجود فاطمه را می بویم.»

باز هم حدیثی نقل شده که از نبی ۹ پرسیدند چرا میزان علاقه اش به فاطمه ۳ بیش از سایر فرزندانش است، حضرت فرمود: «هنگامی که من در شب معراج به آسمان ها سیر داده شدم، جبرئیل مرا در کنار درخت طوبی برد. میوه ای از میوه های آن درخت را چید

ص: ۱۴۱

۱- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۱۹.

و به من داد. آن را خوردم. سپس دستش را بر میان دو شانه ام کشید. آن گاه فرمود: «ای محمد! خداوند متعال ولادت فاطمه از خدیجه را به تو مژده می دهد.»^(۱)

از این حدیث و قریب آن از لحاظ مفهوم در کلام محدثان و راویان بسیار نقل شده است. لذا آن وجود مبارکه انسانی ممتاز و در میان زنان عصر خود سرآمد بود. نیز روایت شده قبل از حمل یافتن فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بطن خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) چهل روز از وی کناره گرفت و به تنهایی به عبادت و راز و نیاز مشغول گشت. فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نه سالگی به ازدواج پسر عمویش علی بن ابی طالب ۷ در آمد. پس از نه سال حیات پربرکت و به دنیا آوردن فرزندان که هر کدام بخشی از تاریخ بشریت به شمار می آیند، درگذشت.

کتابنامه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (م ۷۱۱ ق)، مختصر تاریخ دمشق، تحقیق: راتب حمّوش، دمشق: دار الفکر.
۲. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.
۳. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۴. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (م ۱۱۱۲ ق)، نور الثقلین، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلّاتی، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۶. مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۷. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، انتشارات نبوی، ۱۳۷۷ ش.

ص: ۱۴۲

١. همدانی، رفیع الدین اسحاق، سیره رسول اللّٰه ، ویراستهٔ صادق مدرسی، ١٣٧٥ ش.

ص: ١٤٣

ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۱)

مهدی وزنه

چکیده

شرح فضائل اخلاقی و معنوی و توصیف ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است. از دیدگاه نویسنده: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از جمله کسانی است که دارای شخصیت مثبت و برترند و می توانند بر افراد دیگر تأثیر بگذارند و زندگی شان سرمشق دیگران و شایسته مطالعه و تحقیق باشد. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارای امتیازات و ویژگی های شخصیتی بالایی بودند که موجب معنویت و مقدس بودن این زندگی بود؛ از جمله فداکاری های شجاعانه و کفایت قهرمانانه اش که مانند یاری مخلص و توانا با ایشاری کامل از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حمایت می کرد و مایه آرامش و شادی قلب اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. او همراه و همپای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در گذر زمان پیش می رفت. دردها و رنج ها را با شهامت به جان خرید و شجاعانه ایستادگی کرد و از روز آشنایی با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام و از آغاز مخالفت زورمداران با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پیام او تا اوج فشار و ددمنشی دشمن و تا محاصره همه جانبه و تبعید، همیشه و همه جا از مال و جان و اعتبارش مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و لحظه ای از برق شمشیرها نترسید.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، شخصیت مثبت، الگوهای رفتاری، سخاوت، عفت.

مقدمه

ما انسان ها دارای دو جنبه هستیم: شخصی و شخصیتی. در جنبه شخصی غالب شبیه

ص: ۱۴۵

یک دیگریم. برای رفع تشنگی و گرسنگی آب و غذا می خوریم، لباس می پوشیم... لیکن در جنبه شخصیتی با یکدیگر متفاوتیم. برخی دارای شخصیت های مثبت، فعال و معنوی هستیم. بلعکس برخی دارای شخصیتی منفی، پوچ، بی هویت... .

کسانی که دارای شخصیت های مثبت و برترند، می توانند بر افراد دیگر تأثیر بگذارند و همیشه زندگی شان سرمشق دیگران و شایسته مطالعه و تحقیق است. از جمله این افراد برتر و مناسب برای الگو شدن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هستند. در این مقاله به دنبال بیان برخی از ویژگی های شخصیتی این بانو در مسیر زندگی مشترکش با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) هستیم.

۱. به یاد خدا بودن

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است. به همین جهت دعا و نیایش در زندگی دوستان خدا جایگاه پرفرازی دارد. آنان به دعا خو می گیرند و با مناجات پرشور و شعور تا عرش خدا راه می یابند. با آن به اوج آرامش می رسند و گمشده دل ناآرام خود را در آن می یابند و آن را دانشگاه آزادگی ها و بی نیازی ها و استقلال ها و برازندگی ها و خودسازی ها می بینند.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دائماً به یاد خدا بود و ذکر خدا را می گفت و سرآمد زنان نیایشگر بود و حتی ایشان دو حرز مخصوص خود داشت و مرتباً آن ذکرها را زمزمه می کرد از جمله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَغْنِنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَأَصْرِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ» (۱). به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم. به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، همه حال و زندگی من را سامان ببخش.»

و دومین حرز ایشان: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِيفُ يَا رَقِيبُ» (۲) به

ص: ۱۴۶

۱- سید بن طاووس، علی بن موسی، منهج الدعوات، ص ۵؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، ص ۳۰۲؛ سید بن طاووس، علی بن موسی، الإقبال، ص ۱۳۷.

۲- سید بن طاووس، علی بن موسی، منهج الدعوات، ص ۵؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، ص ۳۰۲؛ سید بن طاووس، علی بن موسی، الإقبال، ص ۱۳۷.

نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدا! ای نگهبان، ای نگه دارنده مراقب و پاسدار.»

این بانو می دانست که زندگی که با یاد خدا باشد شیرین، زیبا و دلنشین و همراه با آرامش است. این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست. این خدا است که به یاد بنده اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می گیرد. این ارتباط دو طرفه در زندگی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در روایتی خیلی زیبا بیان شده:

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) فرمود: وقتی که در شب معراج جبرئیل من را به سوی آسمان ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ آیا حاجتی داری؟»

جبرئیل گفت: «حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ؛ حاجت من این است که سلام خدا و سلام من را به خدیجه برسانی.»

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رساند. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ؛ (۱) همانا ذات پاک خدا سلام است و از او است سلام و سلام به سوی او باز می گردد و بر جبرئیل سلام باد.»

همراهی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دیدن معجزات و نشانه هایی از حضرت، این ارتباط و به یاد و در ذکر خدا بودن را قطعاً محکم تر می کرد؛ چرا که بانویی که حاضر می شود همه ثروت و جان و مال خود را در راه خدا بدهد و از همه هستی اش بگذرد، نشان دهنده ارتباط بسیار عمیق و محکم او با خدا است. در روایت آمده اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حضور خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از نیروی ولایت خود استفاده و می خواستند دو چشمان زن نایبایی را شفا دهند، به همین جهت به آن زن نایبنا گفتند: «قطعاً دو چشمان تو باید سلامتی خود را به دست آورند.»

در این لحظه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چون هم خود زنی با خدا بود و می دانست اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هم در نزد

ص: ۱۴۷

۱- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۱۷۵؛ راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۲۹؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۹۳؛ قمی مشهدی، میرزا محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۳۴۹؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابة فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۲؛ صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و ارشاد فی سیره خیر العباد، ج ۱۱، ص ۱۵۷.

خدا دارای مقامی بالا است، با قاطعیت گفت: «هَذَا دُعَاءٌ مُبَارَكٌ»؛ (۱) این بینایی، نتیجه دعای پربرکت پیامبر است.»

۲. شجاعت و کفایت

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارای امتیازات و ویژگی های شخصیتی بالایی بودند که موجب معنویت و مقدس بودن این زندگی بود؛ از جمله فداکاری های شجاعانه و کفایت قهرمانانه هایش که مانند یاری مخلص و توانا با ایثاری کامل، از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حمایت می کرد و مایه آرامش و شادی قلب اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود. او همراه و همپای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در گذر زمان پیش می رفت. دردها و رنج ها را شهمت مندانه به جان خرید و شجاعانه ایستادگی کرد و از روز آشنایی با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام، و از آغاز مخالفت زور مداران با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پیام او تا اوج فشار و ددمنشی دشمن و تا محاصره همه جانبه و تبعید، همیشه و همه جا از مال و جان و اعتبارش مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و لحظه ای از برق شمشیرها نترسید و با همه وجود نشان داد در راه عدالت است.

خالصانه و شهمت مندانه در برابر بیداد می ایستد و از سرزنش هیچ سرزنش کننده فریب کار و ستم پیشه ای نمی هراسد. از جمله نمونه های شجاعت این بانو در زندگی، در قالب داستان، عبارت اند از:

سال های آغاز بعثت بود، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می گوید: پیامبر از غار حرا به خانه برگشت، ولی بسیار ناراحت بودند، پرسیدم: «مَا الَّذِي آزَى بِكَ مِنَ الْكَأَبِ وَ الْحُزْنِ مَا لَمْ أَرَهُ نِيكَ مُنْذُ صَبَّحْتِي؟» ای پیامبر! نشانه های اندوه را در چهره ات می بینم که هرگز از ابتدای زندگی مشترک تا حال تو را این طور محزون ندیده بودم علت چیست؟»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «يَحْزُنُنِي غَيْبُهُ عَلَيَّ؛ ناپدید شدن علی من را نگران کرده است.» علی از من جدا شد و معلوم نیست در کجا است؟ [ماجرا از این قرار بود که عده ای از مسلمانان بر

ص: ۱۴۸

۱- ابن مغزلی، علی بن محمّد، مناقب الامام علی ابن ابی طالب، ج ۱، ص ۸۳؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص

اثر دوری از گزند یورش مشرکین پراکنده شده بودند. در این میان بین حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نیز جدایی افتاده بود.]

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) عرض کرد: «بر شترم سوار می شوم و به جست و جوی علی می پردازم تا به او برسم؛ مگر این که مرگ بین من و او فاصله بیندازد.»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با شجاعت تمام سوار بر شتر خود شد و در کنار کوه های مکه به جست و جوی ادامه می داد. ناگهان در تاریکی، قیافه شخصی را دید. به او سلام کرد تا از صدای جواب سلام بفهمد که آیا او علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است یا شخص دیگری است.

او علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بود گفت: «و علیک السَّلَامُ ...؛ و بر تو باد سلام، آیا تو خدیجه هستی؟» خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: آری، و بعد شترش را خواباند و به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت: «پدر و مادرم به فدایت، سوار شتر شو.» علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «تو از من سزاوارتر هستی که بر شتر سوار شوی، پیش پیامبر برو و به او خبر بده تا من بیایم.»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خانه رسید. دید اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در کناری ایستاده و دست به سینه اش می کشد و سه بار این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَ بَرِّدْ كِبِدِي بِخَلِيلِ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ (۱) خدایا! اندوهم را برطرف کن و دلم را به دیدار خلیل و دوستم علی خنک کن.»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) گفت: «خداوند دعایت را مستجاب کرد، بر تو مژده باد.» اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با شنیدن این مژده بلند شد و دست هایش را به سمت آسمان بلند کرد و یازده بار گفت: «شُكْرًا لِلْمُجِيبِ، شُكْرًا لِلْمُجِيبِ...؛ (۲) از درگاه خداوند اجابت کننده دعا، شکر و سپاس گزاری می کنم.»

از نمونه های دیگر شجاعت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ): در سال ششم یا پنجم بعثت بود که این آیات بر قلب اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نازل شد: (فَاضِئِدْعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ؛ (۳) پس تو به صدای بلند آنچه مأموری به خلق برسان و

ص: ۱۴۹

۱- . فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۵۴۷؛ سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۳۴۸.

۲- . طبری، عمادالدین ابوجعفر محمد، بشارت المصطفی، ص ۲۱۷.

۳- . حجر، ۹۶، ۹۶.

از مشرکان روی بگردان. همانا ما تو را از شرّ تمسخر و استهزا کنندگان مشرک محفوظ می داریم. آنان که با خدای یکتا خدایی دیگر گرفتند به زودی خواهند دانست).

به خاطر همین رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در مراسم حج بر بالای کوه صفا رفت، با ندایی بلند سه بار فرمود: «یا ایّها النَّاسُ اِنِّی رَسُوْلُ اللّٰهِ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ؛ ای مردم! من رسول خداوند پروردگار جهانیان هستم.»

مردم به سوی آن حضرت آمدند و متوجه او شدند. سپس رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بر بالای کوه مزّوه رفتند و دستش را بر گوش شان گذاشتند و سه بار با صدای بلند فرمود: «یا ایّها النَّاسُ اِنِّی رَسُوْلُ اللّٰهِ؛ (۱) ای مردم! من رسول خدا هستم.»

در این هنگام بت پرستان با چهره خشم آلودی به او نگاه می کردند. ابوجهل آن چنان سنگی به سوی آن حضرت انداخت که بین دو چشمانش شکست. سایر مشرکین هم به دنبال ابوجهل به آن حضرت سنگ پرتاب می کردند.

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) با عجله به طرف کوه رفتند و بر بالای آن به سنگی تکیه دادند. مشرکین باز هم به دنبال رسول خدا بودند و به هر طرف می دویدند. در این هنگام مردی پیش حضرت علی (عَلِیْهِ السَّلَامُ) [در آن هنگام حدود سیزده سال داشت] آمد و گفت: «محمّد کشته شد.»

حضرت علی (عَلِیْهِ السَّلَامُ) سراسیمه به خانه خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) رفت و در را کوبید. خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) پشت در آمد و فرمود: کیست؟ علی (عَلِیْهِ السَّلَامُ) گفت: من هستم. خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) پرسید: محمد (صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) کجا است؟ علی (عَلِیْهِ السَّلَامُ) گفت: خبر ندارم، ولی شنیدم که مشرکین او را سنگ باران کرده اند. حالا نمی دانم که او زنده است یا کشته شده است؟ مقداری آب و غذای «حیس» (که یک نوع حلوا بود از خرما و روغن و آرد درست می شد) به من بده و با من بیا تا به دنبال او برویم که مسلماً الآن تشنه و گرسنه است.

خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) غذا و آب را برداشت و از خانه بیرون آمد و همراه علی (عَلِیْهِ السَّلَامُ) به طرف کوه حرکت کردند تا به کوه رسیدند. حضرت علی (عَلِیْهِ السَّلَامُ) به خدیجه (عَلِیْهَا السَّلَامُ) فرمود: «تو به طرف دره کوه برو و من به بالای کوه می روم.»

ص: ۱۵۰

۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاة الطاهرة، ص ۱۵۹، برگرفته از بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۴۱.

علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فریاد زد: «ای رسول خدا! جانم به فدایت کجا هستی؟ و در کدام گوشه افتاده ای؟» حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم با آهی می گفت: «مَنْ أَحْسَسَ لِي النَّبِيَّ الْمُصْطَفَى؟ مَنْ أَحْسَسَ لِي الرَّبِيعَ الْمُتْرَضِي؟ مَنْ أَحْسَسَ لِي الْمَطْرُودَ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحْسَسَ لِي أَبَالْقَاسِمِ؟» چه کسی از پیامبر برگزیده برای من خبر می آورد؟ چه کسی از بهار پسندیده به من اطلاع می دهد؟ چه کسی از آن شخصی که در راه خدا رانده شده من را آگاه می کند؟ چه کسی از ابوالقاسم من را با خبر می نماید؟»

در این لحظه جبرئیل بر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرود آمد. وقتی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را دید اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: «می بینی که قوم من با من چه کردند؟ من را تکذیب کردند و از جامعه راندند، به من حمله کردند.»

جبرئیل عرض کرد: «ای محمّد! دستت را به من بده» و بعد دست آن حضرت را گرفت و او را به بالای کوه نشانید و فرش مخملی بهشتی از زیر پرش بیرون آورد و آن را بر زمین کوه انداخت و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را روی آن نشانید و بعد فرشتگان مقرب هر کدام پس از دیگری به خدمت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می آمدند و از او اجازه خواستند، تا مشرکین را نابود و هلاک کنند؛ ولی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «من به عنوان عذاب رسانی مبعوث نشده ام، بلکه به عنوان رحمت برای جهانیان برانگیخته شده ام»: «دَعُونِي وَ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ من و قومم را به خود واگذارید، آن ها ناآگاه هستند.»

در این هنگام جبرئیل به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نگاه کرد که در کوه به دنبال گم شده خود است. به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) عرض کرد: «من رَبِّهَا وَ مَنَى السَّلَامِ، وَبَشَّرَهَا بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لِأَضْحَبٍ فِيهِ وَ لَا نَضْبٍ؛ آیا به خدیجه نگاه نمی کنی که فرشتگان آسمان از گریه او گریه می کنند. او را صدا بزن و سلام من را به او برسان. به او بگو خداوند به تو سلام می رساند و او را مژده بهشت بده که در آن خانه ای از یک قطعه بلورین ساخته شده و آراسته به طلا است و در آن هیچ گونه رنج و نگرانی نیست.»

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را دید و او را صدا زد؛ در حالی که از صورت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خون روی زمین می ریخت و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن خون ها را پاک می کرد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وقتی که به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) نزدیک

شد و چهره خون آلود او را دید با آهی جان کاه گفت: «پدر و مادرم به فدایت، بگذار قطرات خون چهره ات بر زمین بریزد.»
اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «می ترسم، پروردگار زمین بر اهل زمین غضب کند.»

وقتی که شب شد، اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از فرصت استفاده کردند و همراه علی(عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خانه رفتند. خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) در خانه خود، آن حضرت را در حجره ای که دیوارهایش با سنگ ساخته شده بود، قرارداد و سقف آن را با تخته سنگ هایی پوشاند و در روبه روی آن حضرت ایستاد و او را در جامه اش پنهان کرد.

مشرکین آمدند و به سوی جایگاه اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سنگ می انداختند و از هر طرف سنگ می آمد. دیوارها و سقف سنگی محل اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مانند سپر، مانع از آمدن سنگ ها می شد و آن سنگ هایی که از طرف روبه رو می آمدند، خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) با شجاعت و شهامت بسیار خود را سپر آن سنگ ها قرار می داد تا به بدن نازنین همسرش اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برخورد نکند. در این هنگام خدیجه(عَلَيْهَا السَّلَامُ) فریاد می زد: «ای گروه قریش! آیا زن آزاد را در خانه خود سنگ باران می کنید؟»

وقتی که مشرکین این فریاد را شنیدند، منصرف شدند و از آن جا رفتند. فردای آن روز اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خانه خارج شد و کنار کعبه رفت و در آن جا نماز خواند و به راز و نیاز با خدا پرداخت.(۱)

۳. حیا و عفت

عفت، یکی از صفات نفسانی است که شهوت نیروی سرکش را مهار می کند. عفت و حیا، تمام حرکات و سکنات و گفتار و قلم انسان را کنترل می کند تا آنچه را که دلش می خواهد نکند و هر چه را نفسش اراده کرد به قلم و زبان نیاورد و انجام ندهد. این حالت پسندیده روحی و روانی و این منش مرفقی از ویژگی های انسان خردمند و خردورز است. از عوامل

ص: ۱۵۲

۱- . مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۴۳؛ صادقی تهرانی، محمّد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۸۶؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۲؛ مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۲۵؛ صالحی شامی، محمّد بن یوسف، سبل الهدی و ارشاد فی سیره خیر العباد، ج ۷، ص ۱۴۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ج ۱، ص ۵۰۸.

مهم و مؤثر روانی و مردمی در جلوگیری از قانون‌گریزی و مرزشکنی و خودکامگی و خودسری است و از راه کارها و ابزارهای لازم برای ساختن جامعه و تمدن و محیط و شرایط و فضای اجتماعی و سیاسی و قضایی و اقتصادی مطلوب برای تأمین حقوق و حرمت و آزادی و امنیت انسان‌ها و باعث وجاهت و زیبایی و کرامت و آبروی فرد و جامعه و خانواده و نظام در برابر خدا، خویشتن، افکار عمومی و تاریخ است.

در کل حیا برای هر انسانی نیکو است، اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده‌تر است. این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز بسیار بارز و نمونه بود. آن بانو در زندگی‌شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می‌کردند؛ حتی در جلسه‌خواستگاریشان، به نقل تاریخ از پشت پرده صحبت می‌کردند، مگر جایی که با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صحبت های آخر را کردند. (۱)

از نمونه‌های دیگر عفت و حیا، مخصوصاً در شب‌هایی که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نبودند، این بود که شبی که به امر الهی چهل شب را دور از همسر خود بودند. نوشته شده که این بانو سرخود را در هنگام شب می‌پوشاندند و پرده در را می‌انداختند و در خانه را می‌بستند. (۲) این‌ها همه نشانه‌های عفت و حیا است، آن هم در زمان‌های جاهلیت و تیره و تاریک که چنین رفتارهایی را نمی‌توان در شخصی سراغ گرفت.

از بارزترین نمونه‌های حیا و وقار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را می‌توانیم در لحظات آخر زندگی‌شان پیدا کنیم. او در آن لحظه خود را از خدا طلبکار می‌دانست و نه از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). به همین خاطر از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست که دعایش را بدرقه راه او کند. از درگاه الهی برایش آمرزش بطلبد و قبل از به خاک سپردنش لحظاتی خود اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در قبر او وارد و با نماز و دعایش آن جا را پر از برکت کند.

ص: ۱۵۳

-
- ۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۱۰۰؛ محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۶۹؛ محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۴.
 - ۲- حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، ص ۲۱۹؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۱۲۷.

پس از آن یک تقاضای مادی از همسرش داشت، ولی احساس شرم و حیا به او اجازه مطرح کردن آن را نمی داد. به خاطر همین اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و دخترش فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را تنها گذاشت و بیرون آمد. او به دخترش گفت: «ياحبيبي و ياقرّة عيني! قولي لايبك ان اتي تقول انا خائفة من القبر اريد منك ردائك الذي تلبسه حين نزول الوحي تكفني فيه؛ (۱)» هان ای محبوب مادر، نور چشمم، به پدر گران قدرت بگو، مادرم می گوید من از خانه قبر، شب اول قبر و تنهایی در قبر نگرانم و می ترسم. از شما تقاضا دارم یکی از جامه های خود را که به هنگام فرود فرشته وحی و دریافت پیام خدا و راز و نیازهای شبانه می پوشیدید، به من هدیه کنید تا پس از مرگ، بدنم را با آن کفن کنم.»

فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تقاضای مادر را به پدر گفت و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواسته یارش را انجام داد و بلافاصله ردایش را به فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دادند و او هم آن ردا را با خوشحالی پیش مادر برد.

برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این لحظات بسیار سخت بود؛ زیرا اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خیلی علاقه داشت. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) حتی در آخرین لحظات عمرش، حیا و عفتش، را که یکی از عواملی بود که گرمی و آرامش کانون خانواده و تداوم زندگی و عشق و علاقه به همسرش را بیشتر می کرد، حفظ کرد.

اصولاً نظام خانواده در اسلام بر پایه حیا و عفت و ایمان و تقوا استوار شده است. اگر زن دارای حجاب و حیا باشد، شوهرش هم دارای چشم پاک و آرامش خاطر او خواهد بود؛ اما اگر زنی از بی بندوباری جهان غرب تقلید کند، نه تنها کانون گرم خانواده را به هم می زند بلکه در جهنم ابدی و دائمی خواهد سوخت.

۴. بخشندگی و سخاوت

نمونه بارز بخشندگی و سخاوت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از همان زمانی که این پیوند مقدس شکل گرفت بیشتر به چشم می خورد؛ مخصوصاً آن جایی که به ورقه گفت: «هرچه در دست من است

ص: ۱۵۴

۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة، ص ۳۷۵؛ محلّاتی، ذبیح الله، ریحان الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۳.

از مال و عبد هبه کردم به محمد، هر طور که می خواهد تصرف کند.» پس ورقه فریاد زد: «ای جماعت عرب، خدیجه خودش و مالش و بنده هایش و تمام آنچه که در ملک او است را به پیامبر هبه کرد.»

زهری می گوید: «خدیجه به پیامبر انفاق کرد؛ چهل هزار، چهل هزار.»^(۱)

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در مورد بخشش و بزرگی او فرمایشاتی دارند از جمله: «مَا رَأَيْتُ مِنْ صَاحِبِهِ لِأَجِيرٍ خَيْرًا مِنْ خَدِيجَةَ، مَا لَنَا نَزَجُّعٌ أَنَا وَصَاحِبِي إِلَّا وَخَدِنَا عِنْدَنَا تُخَفُّهُ مِنْ طَعَامٍ تَخْبَاهُ لَنَا؛^(۲) من کارفرمایی پرمهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزارانش ندیدم. هر گاه من و دوستم پس از کار، پیش او می رفتیم، می دیدیم غذایی گوارا برای ما آماده کرده و آن را به ما هدیه می داد و بزرگ منشانه و انسانی رفتار می کرد.»

در جریان محاصره چند ساله اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همراه یاران هاشمی و دیگران در دره ابوطالب (شعب ابوطالب) یکی از عوامل پایداری اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مردم با ایمان، بخشندگی و بزرگ منشی و سخاوت جناب ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَام) و جهاد مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) بود که گفته اند: «وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَخَدِيجَةُ جَمِيعَ مَا لَهُمَا؛^(۳) ابوطالب و خدیجه برای نجات مردم، همه ثروت و امکاناتشان را در این راه خرج کردند.»

بر این اساس است که بسیار در تاریخ آمده: «كَفَاهَا شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ أَنْ الْإِسْلَامَ لَمْ يَقُمْ إِلَّا بِمَالِهَا وَ سَيِّفَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا رَوَى مُتَوَاتِرًا؛^(۴) همین افتخار و شرافت که برترین افتخار و شرافت است برای خدیجه بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد، مگر با ثروت خدیجه و شمشیر علی؛ چنان که این مطلب به طور متواتر (یعنی بسیار که موجب علم است) نقل شده است.»

ص: ۱۵۵

-
- ۱- الحسون، محمد، اعلام النساء، ص ۳۲۱.
 - ۲- ابن سید الناس، ابوالفتح محمد یعمری، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۴؛ یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۱؛ بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۹۰.
 - ۳- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائج، ج ۱، ص ۸۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۶.
 - ۴- مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.

مشارکت و همکاری در خانواده خود یک نوع محبت کردن است که زندگی را شیرین و شیرین تر می کند. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شریک و مشاور واقعی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودند؛ مخصوصاً در دغدغه های اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، وزیری توانا و کارآمد بودند. همواره همدم، مونس، یار مخلص و شریک و غم خوار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودند. هر حادثه ای که موجب ناراحتی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می شد، خداوند به وسیله خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گشایش در کار او ایجاد می کرد و او موجب تسکین و رفع اندوه، و آرامش اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می شد و این برنامه تا پایان عمرشان ادامه داشت و کم نمی شد.

در همه صحنه های پرخطر و سرنوشت ساز، هم چون اعلام بعثت و دعوت در آن فضای پر از تعصب و تاریک اندیشی، در اقامه نماز و فرهنگ آن، در دعوت بستگان و نزدیکان، (۱) در بیعت با خدا و دین و آیین و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آن بانو در تمام مشکلاتی که در طول زندگی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رخ داد مخصوصاً در سال های پس از انگیزش اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به رسالت و پس از دعوت آسمانی او و فرود آیات که با نفی پرظالمانه بیدادگران همراه بود، نه تنها یار و یاور اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، بلکه مانند مادری پرمهر و خردمند برای تمام مسلمان ها مایه امید و پشت گرمی و قوت قلب و پناه و پشتیبان بود و با شکیبایی قهرمانانه، تحمل و مدارای عالی، سرمشقی برتر برای همه طالبان آن زمان و همه زمان ها بود.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همیشه همتای زندگی خود، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به پایداری و مقاومت مشورت می داد و با مهر و درایت، دردها و رنج های اجتماعی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را آرام می کرد و به یاری خدا به او راه حل و انگیزه می داد. نقش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در همراهی و همفکری و مشورت با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مردم آزادی خواه از اوایل روزهای بعثت تا آخرین لحظات زندگی اش طوری بود که با رحلت آن بانو، نه تنها اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و مسلمانان، بلکه دوست و دشمن فهمیدند که اسلام پشتیبانی پراعتبار و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، یار و مشاور و وزیری بهتر و توانمند و مردم مسلمان پناهگاهی استوار

ص: ۱۵۶

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۶۷؛ ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۷؛ حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقوائد التفضیل، ج ۱، ص ۴۸۵.

چون خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از دست داده اند. (۱)

در این باره آورده اند که: «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَشْكُرُ إِلَيْهَا؛ (۲) خدیجه وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود و آن حضرت به حمایت او بر انبوه مشکلات موفق می شود و آرامش پیدا می کرد.»

۶. صبر بر مشکلات

این بانوی جمال و کمال در دوران دشواری و سختی و در گریودار مشکلات طاقت فرسا، که در زندگی اش با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رخ می داد، شکیباترین و پرتحمل ترین مددکار بود و در برابر همه رویدادهای سخت و پی در پی سنگ صبور و حتی آرامش بخش دل اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اطرافیان بود.

مشکلات و سختی ها از سخن های گزنده و موضع گیری های زننده و جسارت و اهانت و دروغ انگاری به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خانواده اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا بی اعتنائی هایی که از طرف زنان جاهل مغرض قریش به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) داشتند، که چرا با آن همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تهی دست و فقیر ازدواج کرده است. همه و همه را در قلب خود می فشرد و صبر می کرد. ولی مشکلات به این جا ختم نمی شد و این زنان حتی تا بعد از ازدواج با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قهر بودند و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم چنان به این سختی ها صبر کرد و البته این صبر بی نتیجه نبود؛ چون وقتی زمان وضع حمل زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رسید خداوند با فرستادن چهار بانوی بهشتی او را مورد رحمت و لطفش قرار داد. (۳)

این بانو هم چنین سال هایی طولانی شکنجه های جسمی و روحی دژخیمان مخالف را که بر همتای گرامی اش به خاطر دعوت به توحید و تقوا و رعایت مقررات خدا و حقوق بشر بود، تحمل کرد و همراهی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به هیچ بهایی از دست نداد و با پذیرش تبعید و

ص: ۱۵۷

۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۰ ۷۱؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۱۰۲.

محاصره و تحمل گرسنگی و روزهای دشوار و بیداری شب‌های پر ترس و وحشت بر توفیقات خود می‌افزود. (۱)

خدیده (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صبر بر مصیبت‌های جان‌سوز دیگری در طول زندگی اش کرد؛ از جمله از دست دادن دو پسرش قاسم و عبد الله بود. خدیده (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر این مصیبت‌ها گریه می‌کرد، ولی همیشه هیچ صبوری بدون نتیجه نمی‌ماند. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وقتی بی‌تابی خدیده (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را دید به او فرمود:

«يَا خَدِيجَةُ أَمَا تَرْضَيْنَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ تَجِيءَ إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ وَهُوَ قَائِمٌ فَيَأْخُذُ بِيَدِكَ وَيُدْخِلُكَ الْجَنَّةَ وَ يُنْزِلُكَ أَفْضَلَهَا وَ ذَلِكَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ إِنَّ اللَّهَ أَحْكَمُ وَ أَكْرَمُ أَنْ يَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ ثُمَّ يُعَذِّبُهُ بَعْدَهَا أَبَدًا؟» (۲) ای خدیده! آیا خشنود نمی‌شوی هر گاه روز قیامت شود جلو در بهشت برسی، آن کودک در آن جا ایستاده باشد و دستت را بگیرد و تو را به عالی‌ترین خانه بهشت جای دهد؟ این برنامه برای هر انسان با ایمانی وجود دارد. خداوند متعال بزرگوارتر است که میوه دل مؤمنی را بگیرد و او صبر و تحمل کند و در راه خدا به حساب آورد و خدا را حمد و شکر کند، با این وصف خدا او را عذاب کند؟»

۷. مهر و حق شناسی

زندگی خدیده (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در شرایط جدید، هر روز زیباتر و با لطافت‌تر می‌شد؛ چرا که فضای زندگی اش لبریز از عشق و خرد و خداپرستی و انسان دوستی و شایستگی و درایت بود.

او به همتای زندگی اش مهر و عشقی آسمانی داشت و او را در اندیشه و کارها با تمام وجود یاری می‌کرد و در ابعاد مختلف زندگی، از نظر فرهنگی و اخلاقی و منش فردی و اجتماعی با او صحبت می‌کرد و در همه کارها با او دوستانه و قهرمانانه بود.

راستی اگر زندگی خانوادگی بر اساس هماهنگی در اندیشه و هدف و همگرایی در آرمان و ادب تشکیل شود، در تمام مراحل آن مهر و عشق، رعایت حقوق متقابل و

ص: ۱۵۸

- ۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۹.
- ۲- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴۳.

ارزش های مهم شخصیتی مخصوصاً حق شناسی و کم توقعی حاکم باشد، چقدر دوست داشتنی و سعادت مندانه خواهد بود.

این ویژگی در خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بسیار بارز بود؛ چرا که او تا اندکی از اندیشه و منش بالا و موقعیت شکوه بار همسر خود در بارگاه خدا و آینده درخشان او آگاه بود. به خاطر همین مانند یک زن نواندیش و با ادب، بلکه بهتر و بیشتر از آن، به همسرش احترام می گذاشت و در برابر او سراپا گوش و هوش و عشق و حق شناسی بود و تلاش می کرد آن طور که باید و شاید قدرشناس باشد.

در این زندگی حق شناسی و مهر و علاقه دو طرفه و متقابل بود. هم خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را خردمندترین، تواناترین، گرامی ترین، عزیزترین، امانت دارترین، پاک ترین، پروا پیشه ترین، با معنویت ترین و آراسته ترین انسان ها می دید و در مقابل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نیز به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) عشق می ورزید و احترام می گذاشت؛ احترامی که شایسته و بایسته و وصف ناپذیر بود.

این تکریم و حق شناسی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم، نه تنها به خاطر ویژگی های بارز شخصیتی او یعنی معنویت و هوشمندی و نواندیشی و پاک منشی و... در زندگی بود، بلکه به این خاطر بود که او را سالار دختران و زنان می دید. مادر نسل ماندگارش بود و فرهنگی از فضیلت ها و مجموعه ای از عظمت ها و ارزش های بالایی بود؛ ارزش هایی که اگر تنها یکی از آن ها در زنی وجود داشته باشد، شایستگی قدرشناسی دارد.

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به خاطر عشق و علاقه متقابل هر جا می دید عده ای تلاش می کنند تا موقعیت والا و جایگاه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را در قلب اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پایین بیاورند یا از بین ببرند، پس از پند و اندرزها و ظرافت های تربیتی و اخلاقی، با صراحت و ظرافت، می فرمود: «کار عشق آن بانو، خدایی و آسمانی است، نه زمینی و زود گذر.»

عایشه می گوید: «به هیچ کدام از زنان پیامبر مانند خدیجه اش، احساس حسادت نکردم؛ چون او در قلب پیامبر به طور خاص بود؛ به طوری که پیامبر نه تنها خدیجه، بلکه هر کس و هر چه که نشان از خدیجه را داشت، می دید، به چشم دیگری نگاه می کرد.»

او هر وقت هدیه ای داشت، ابتدا سهم دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را می فرستاد. یک بار عایشه به

این کار او اعتراض کرد که: «چقدر از شکوه و عظمت خدیجه می گویی؟» آن حضرت فرمود: «إِنِّي رُزِقْتُ حَبَّهَا؛ (۱) خدا عشق او را رزق و روزیم ساخته است.» و برای عایشه روشن کرد که نه تنها خود خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و منش او را، بلکه دوستان او را نیز دوست دارد: «إِنِّي لَأَحِبُّ حَبَّيْهَا.» (۲)

۸. ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه

جامعه ها و تمدن ها در راه رشد و کمال به تدریج به ارزش های اخلاقی و انسانی بها داده اند و به پاکی و آزادگی و آراستگی به فضیلت ها اهمیت داده اند؛ به خاطر همین برخی مکان ها و زمان ها مورد تجلیل و احترام قرار می گیرند و برای آن ها حریم و حرمتی در نظر گرفته می شود.

در نگرش اسلامی هم، همه مسجدها مخصوصاً «مسجدالحرام» مورد توجه قرار گرفته و برای حفظ حرمت آن، مقررات ویژه ای قرار داده اند که مثلاً از ورود آلودگان به وبای شرک و میکروب کفر و حق ستیزی جلوگیری شود. خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم یکی از آن مکان های مقدس است که به خواست خدا و تلاش ها و تدبیرهای خود خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، این سرا، سرای سعادت و سعادت زا و پربرکت و با معنویت و تاریخ ساز باقی ماند.

به گواهی محدثان و تاریخ نگاران، این خانه مبارک پیش از اسلام و فرود وحی و بعثت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خانه پاکی و پروا بود؛ چرا که بانویی در آن زندگی می کرد که همه و همه، آشنا و بیگانه و کوچک و بزرگ او را «طاهره»، پاک روشن و پاک منش می شناختند. او در این خانه، به انفاق و رسیدگی به محرومان و درماندگان جامعه و انجام کارهای شایسته ای که از آموزه های پیامبران پیشین و کتاب های آسمانی یاد گرفته، می پرداخت.

هم چنین این خانه پیش از اسلام این سعادت و لیاقت را داشت که کانون مهر و محبت به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) گردید. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با نهایت صفا و اخلاص آن حضرت را به زندگی مشترک و پیوند مبارک دعوت کرد و او نیز پس از خانه ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آن خانه را برای زندگی خانوادگی

ص: ۱۶۰

۱- گنجی شافعی، محمد بن یوسف، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص ۳۵۹.

۲- محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

انتخاب کرد و این خانه را پربرکت تر نمود.

به این ترتیب آن خانه، به عنوان پناهگاه برترین افراد، یعنی اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، از شورش دژخیمان و تاریک اندیشان تبدیل شد و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با تمام سعی خود به آن مرد زندگی اش پناه داد و همه اعتبار و جاهت و نفوذ اخلاقی خود را برای تأمین سلامت و امنیت فدا کرد و با گذشت زمان آن خانه با معنویت ترمی شد.

هم چنین مکانی شد برای عروج اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به سفر یا سفرهای معراج بود، و آن حضرت از آن جا به «مسجدالاقصی» برای عروج به آسمان ها و عالم بالا رفت و محل برگشت آن حضرت هم دوباره همان خانه بود. به این ترتیب اسلام در آن خانه ظهور کرد و پناهگاه مسلمانان هم شد.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این خانه بود که یگانه دختر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به دنیا آورد، و محل رشد و شکوفایی شخصیت پر معنویت آن دختر و محل انس و الفت او با مادرش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شد. این مکان محل دوران خردسالی و کودکی و نوجوانی و جوانی علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و محل رشد و تربیت او هم بود.

از همه این ها برتر و بالاتر، آن خانه محل فرود فرشته وحی و رفت و آمد فرشتگان بود که به حضور اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می آمدند و می رفتند. در سال های اولیه بعثت که شرک گریان و محافظه کاران و مخالفان تحول و دگرگونی جامعه که بر آزادی و امنیت او هجوم می آوردند، تنها آن خانه بود که کانون امن و امان و محل پرستش خلوت و آرام آن حضرت و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و برخی از پیشگامان دیگر بود.

به دنبال این مشکلات بود که شبی پرخطر اتفاق افتاد و امیرالمؤمنین ۷ جان خود را به خطر انداختند و برای تضمین سلامت و امنیت اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بر رختخواب اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که از همین خانه بود خوابید و به آن افتخار بزرگ رسید و اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) توانستند از حلقه محاصره دشمن به سوی غار «حرا» و از آن جا به سمت مدینه رفتند و دختر گران مایه اش فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این بحران در آن خانه ماند و خدا می داند که در آن شب سخت چه وحشت و دلهره ای بر او

حاکم شد و تنها این خانه بود که سرای ایمان، مبدأ هجرت و شاهد دغدغه‌ها و دلهره‌های فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است.

این نکات مهم و سرنوشت ساز در مورد این خانه، هر کدام نشان دهنده آن است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و خانه او دارای چه شایستگی و برازندگی بوده است و چه درایتی و مدیریتی داشته که توانسته این خانه را این طور با معنویت حفظ کند و این رویدادهای بزرگ و تاریخ ساز در آن اتفاق بیفتد؛ چرا که مسلماً تردیدی نیست که این رویدادهای مقدس و آسمانی، در مکان پاک و پاکیزه و با معنویت اتفاق می افتد، نه در جایی که مقدس نباشد.

پس وظیفه مردم و عالمان فرهیخته و زمامداران کشورهای مسلمان نشین است تا با کسب موافقت و همکاری دولت حجاز، این اقامتگاه پر معنویت را به طور دقیق پیدا کنند(۱) و آن را آباد کنند و بسازند، تا زائران خانه خدا در سفر حج و عمره، در آن جا به پرستش خدا و نیایش پردازند و ضمن استفاده از برکات آن خانه، با ویژگی های شخصیتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آشنا شوند و فکر کنند که چطور می شود خود و دنیای خود را بشناسند و با الگوگیری زندگی و ازدواج آن بانو، با بهترین سبک زندگی تشکیل دهند و موفق باشند.

از امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آورده اند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ نَزَلَ جَبْرَائِيلُ بِالْبُرَاقِ ... عَلَى بَابِ خَدِيجَةَ ... ؛ به هنگام فرار رسیدن لحظه سفر وصف ناپذیر معراج، فرشته وحی آن مرکب ویژه را به در خانه خدیجه آورد ... و پیامبر پس از نشستن به آن به سوی قدس شریف رفت و در آن جا پیامبران خدا به پیشواز آن حضرت آمدند و با اذان فرشته وحی، همگی بر پیامبر اقتدا کردند و نماز خواندند ...».

در مورد آن خانه پر معنویت آمده: «وَمَسْتَحَبُّ فِي مَكَّةَ التَّشْرِيفِ فِي مَنْزِلِ خَدِيجَةَ»(۲)

و از کارهای پسندیده در مراسم حج و تشریف به مکه، دیدار از خانه پرخاطره خدیجه و زیارت

ص: ۱۶۲

۱- . محمدباقر مجلسی در زمان خود از بعضی از بزرگان آورد که: «مکان این خانه در مکه معلوم و مشهور است.» (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷)

۲- . امین انصاری، مرتضی ابن محمّد، مناسک حج، ص ۱۲۲؛ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰، ص ۶۹.

۹. قدرت مدیریت

اسناد تاریخی نشان می دهد که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، زن شریف و ثروتمند و صاحب امکاناتی بود که به تجارت گسترده ای مشغول بود. کارگزاران و کارمندان و عوامل اجرایی را از میان انسان های سالم و امانت دار و درست کار و آزمون شده استخدام می کرد و خودشان هم در مرکز و خانه و محل کارش می نشست و این کاروان تجارتي را با مدیریت قوی خود هدایت می کرد و به کارهای اقتصادی خود می رسید.

با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا- و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه ریزی می کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجارتي اش می بود. از یمن به حجاز می رفت و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری، و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن زمان آشنا باشیم و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی اش را به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آن گاه اداره امر مهم اقتصادی به وسیله یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توانمند و ظریف او، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او در کارها و روح مدیریت و سازنده او آشنا تر می کند که واقعاً او در آن روزگارها، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین زنان بود.

از همه مهم تر او بر طبق رسم رایج بازار آن زمان، یعنی احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، رباخواری و بهره کشی های ظالمانه رایج و از هر نوع حرام خواری مری و نامرئی و سوءاستفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری می کرد و کار پرشرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی کرد و به کارگران و کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه های مشروع

و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند.

او به دلیل همین ویژگی های برجسته اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می کرد. در نتیجه راه های موفقیت او بازتر می شد و مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می گرفت.

۱۰. ابتکار و استقلال جویی

استقلال جویی و استقلال طلبی و استقلال اندیشی این بانو از لایه لایه رفتار و کردار شایسته اش پیدا می شود، و این از برجستگی ها و امتیازات بلند او به شمار می رود؛ چرا که اگر انسان از نظر فکر و اندیشه، متکبر و مستقل نباشد، نمی تواند در میدان عمل و تجارت و مدیریت و حساس ترین لحظات تصمیم گیری، به طور مستقل فکر کند و عمل کند.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر اساس این ویژگی بود که ده ها خواستگار دارنده زر و زیور و کاروان تجارتي و صاحب امکانات را قبول نکرد و به همه آن ها «نه» گفت و طوری عمل کرد که همه فکر کردند او تصمیم به ازدواج ندارد، اما وقتی که او با انسانی امین و پاک دل و متفکر و شایسته کردار و روحی بزرگ یعنی محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آشنا شد، همه آداب و رسوم جاهلی و خرافی را مسخره کرد و خود پیشنهاد ازدواج به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) داد.

وقتی غوغایی از هیاهو و جنجال به راه افتاد که دختر ثروتمند و مقتدری چون شما با جوان تهی دستی چون محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نباید ازدواج کند، با قدرتی استوار و ابتکار، ایستاد و همه ثروت و امکانات خود را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بخشید و نشان داد که حُسن انتخاب، حُسن عاقبت، سعادت، شخصیت، عظمت، شکوه و... چیزی است که برای به دست آوردن آن نه تنها پول، کاروان تجارتي، زر و زیور، شهرت و قدرت، مهم نیست، بلکه باید از هستی گذشت.

یکی از اسناد تاریخی آورده است: «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً حَازِمَةً نَبِيلَةً شَرِيفَةً... قَالَتْ: يَا بْنَ عَمٍّ! إِنِّي رَغِبْتُ فَيْكَ لِقِرَائَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ مِنْ قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ صِدْقِ

حَدِيثُكَ وَ حُسْنُ خُلُقِكَ ...؛ (۱) خدیجه به راستی بانویی خردمند و خردورز و بسیار پر شرافت بود. او در روزگار خود از نظر ریشه و تبار از بهترین های قریش بود و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندان آن ها بود. بسیاری از چهره های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می کوشیدند و خواستگار بی قرار او بودند، اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال خود با هوشمندی و آینده نگری به خواستگاری پیامبر رفت و گفت: من به خاطر خویشاوندی و همفکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته ات دل در گرو مهر تو دارم و به آن هستم که اگر بپذیری با تو پیمان زندگی مشترک امضا کنم.»

۱۱. هدف داری و فداکاری

این ویژگی را می توان در تمام ویژگی های بارز خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دید. زندگی پرفراز و نشیب او نشانه آن است که به دنبال هدف پاک و صاف و بلند و درخشانی بود. هدفی بالاتر از زر و زیور دنیا و کاروان های تجارتنی و ... هدفی بالاتر از زندگی روزمره و خور و خواب، و هدفی ارجمندتر از آسایش و آرامش و شخصی و خانوادگی.

این بانو مانند موج بی قراری بود که در راه هدف، آرامش نداشت، ولی وقتی به ساحل وجود محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) رسید و در آن جا به عدالت خواهی و حق و ایمان و اخلاص، پاکی و امانت، نجابت و شرافت، بشردوستی و کرامت، وجدان و فطرت و دیگر ارزش های انسانی و خداپسندانه را دید خود را در نزدیکی هدف دید.

از این جا می توانیم به راز احترام بسیار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برسیم؛ به این که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) چقدر او را دوست داشتند و به او احترام می گذاشتند، در فراز و نشیب زندگی، توفان های اجتماعی و فرهنگی، او را از مشاوران خود می دانستند و از دیدگاه های او استفاده می کردند (۲) و همیشه نیکی های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر زبان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود و برای هر کس که از آن بانو خاطره ای داشت، احترام قائل بودند.

ص: ۱۶۵

۱- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۲۷۱.

۲- الحسنون، محمد، اعلام النساء، ص ۱۹.

بسیار در تاریخ آمده است که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمودند: «خَدِيجَةُ وَآيِنٌ مِثْلُ خَدِيجَةٍ؟» (۱) از خدیجه سخن گفتید! کجا مانند او پیدا می شود؟»

۱۲. حق جویی و حق پذیری

در این دنیا خیلی از افراد هستند که مستی های گوناگون، آفت جانشان می شود و نعمت های زندگی بلای وجودشان و رزق و روزی های خدا، زهر تلخ و موجب مرگشان می شود. یکی در اوج زیبایی و تناسب اندام است، و همان مستی زیبایی و ماهرویی، آفت جانش می شود. دیگری غرق در ثروت و امکانات است و از در و دیوار و آسمان و زمین برایش می ریزد، ولی همان ثروت و دارایی او را به تباهی و نابودی می کشاند. سومی در اوج اقتدار است و روزگار بر وفق مُرادش است، و این چرخش یکنواخت روزگار و احساس بی نیازی، او را از چرخش ناگهانی آن غافل ساخته و به طغیان می کشاندش. چهارمی مست جوانی است، و این نیروی جوشان و خروشان، قاتل جان و ایمان و خروش می شود.

یکی دریای موج آگاهی ها و دانش ها است و در مستی آن غرق است و دیگری در اوج شهرت است و همان آلت قتاله شخصیت او می شود. یکی بر کرسی قدرت و فرمانروایی جا خوش کرده و همان ریاست و راحتی، او را به خودکامگی و طغیان می رساند و دنیا و آخرتش را می سوزاند و او را از راحتی به ناراحتی می رساند. همین طور می توان شمرد و تمام هم نمی شود

اما این بانوی بلندمرتبه، با این که غرق در زر و زیور، جمال و کمال، شور و شعور، عقل و درک، شهرت و آواز، و استقلال و... بود، از آفت ها و مستی های آنها خود را حفظ کرد؛ چرا که دارای روح حق پذیری و حق جویی بود، به خاطر همین هم نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبر از زنان و پیشگام ترین در اسلام و نماز و هجرت و جهاد و فداکاری بود.

سپس پاداش این حق پذیری هم این بود که خدای پرمهر و بنده نواز، به فرشته وحی

ص: ۱۶۶

فرمان داد که در وقت فرود بر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، درود و سلام او را هم به وسیله بنده برگزیده اش به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برساند، تا ثابت شود که خدا به پاداش آن ایمان خالص و ژرف و آن اعمال شایسته و پایدار، مقرر زیبایی در بهشت برای او آماده کرده است: «وَبَشِّرْهَا بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَاضِحٍ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ ...» (۱).

۱۳. درایت و خردمندی

نعمت خرد و خردمندی و خردورزی درست، یعنی نگاه متفکرانه بر پدیده های آفرینش و شناخت روابط آنها، یعنی دقت در سازمان وجودی خودمان، یعنی هدف داری و هدف شناسی و آراستگی به ارزش ها و پیراستگی از ضد ارزش ها و در کل یعنی اوج گرفتن به بندگی و ساختن شایسته و بایسته دنیا و آخرت بر اساس حق و عدل و برابری و ایثار و فداکاری.

«الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» (۲) عقل آن است که به وسیله آن خدای رحمان پرستش شود و به وسیله آن بهشت نصیب انسان شود. با دقت در معنای عقل، پس در نتیجه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خردمندترین بانوان روزگار است؛ چرا که او در پرتو خروش، نخستین بانویی بود که ایمان و اسلام آورد، هم راز و هم سنگر و مددکار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شد و همه هستی خود را خردمندانه برای ساختن دنیا و آخرتش ریخت و فدا کرد.

او در این راه، جهاد و فداکاری می کرد، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دلداری می داد، به او امید می داد، او را دلگرم می کرد و پناهِش می داد. یکی از نوشته های تاریخی می گوید: «وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا، وَأَكْمَلُهُنَّ عَقْلًا، وَأَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَأَكْثَرُهُنَّ عِفَّةً وَدُنْيَاً وَحَيَاءً وَمُرُوءَةً وَمَالًا...» (۳) خدیجه در زیبایی ظاهری و باطنی، زیباترین زنان روزگار بود و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان. او در پاک روشی و پاک منشی، دین باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی، آراسته ترین ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنها به شمار می رفت.»

ص: ۱۶۷

- ۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.
- ۲- . سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۲۷۲.
- ۳- . علامه طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۷۶، به نقل از الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

با توجه به ویژگی های مطرح شده مشخص است که، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارای خوداندیشی و نواندیشی هستند. این بانوی مکرمه اگر چه از تبار انسان های اصیل و با شرافت عرب آن زمان بودند، لیکن خودشان دارای امتیازات تحسین برانگیزی بودند و همواره برای رشد و پرورش چنین صفات انسانی و خدایسندانه تلاش می کردند.

کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ، الکامل فی التاریخ، تحقیق: عبدالله القاضی، بیروت: دار النشر، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی بغدادی (م ۵۹۷ ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار النشر دار صادر، [بی تا].
۶. ابن سیدالناس، ابوالفتح محمد یعمری (م ۷۳۴ ق)، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، بیروت: انتشارات دار القلم، ۱۴۱۴ ق.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۸. ابن مغزلی (شافعی)، علی بن محمد واسطی، المناقب، یمن، صنعا: دار الاثار، ۱۴۲۴ ق.
- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، بیروت: انتشارات

١. دارالجيل، ١٤١١ق.

٢. اربلى، ابوالحسن على بن عيسى (م ٦٩٢ ق)، كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه، تبريز: مكتبه بنى هاشم، ١٣٨ش.

٣. امين انصارى، مرتضى ابن محمّد، مناسك حج، قم: انتشارات مجمع فكر اسلامى، ١٤٢٥ق.

٤. بحراني، سيد هاشم بن سليمان (م ١١٠٧ ق)، البرهان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات مؤسسه بنياد بعثت، ١٤١٦ق.

٥. بيهقى، ابوبكر احمد بن حسين (م ٤٥٨ ق)، دلائل النبوه، مدينه منوره: مكتبه السلفيه، ١٣٨٩ق.

٦. تهراني، محمّد، الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامى، ١٣٦٥ش.

٧. حسكاني، عبيدالله بن احمد، شواهد التنزيل لقوائد التفضيل، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ق.

٨. الحسون، محمّد، اعلام النساء المؤمنات، [بى جا]: انتشارات اسوه، ١٤١١ق.

٩. حلّى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر (برادر علامه حلّى)، العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه، قم: انتشارات سيد الشهداء، ١٤٠٨ق.

١٠. راوندى، قطب الدين سعيد بن عبدالله (م ٥٧٣ ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدي، ١٤٠٩ق.

١١. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواصّ الأئمّه فى خصائص الأئمّه، قم: شريف رضى، ١٤١٨ق.

١٢. سيد بن طاووس، رضى الدين على بن موسى (م ٦٦٤ ق)، الإقبال لصالح الاعمال، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٧ش.

١٣. ، منهج الدعوات، قم: دارالذخائر، ١٤١١ق.

١٤. سيلوى، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، [بى جا]: چاپخانه علميه، ١٤٢١ق.

شيخ حر عاملى، محمّد بن حسن (ت ١١٠٤ ق)، وسايل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت،

۱. ۱۳۰۸ق.

۲. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، الامالی، قم: انتشارات دارالثقافیه، ۱۴۱۴ق.

۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف (م ۹۴۲ ق)، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.

۴. طبری، عمادالدین ابوجعفر محمد (ق ۶ ق)، بشارت المصطفی، نجف اشرف: انتشارات کتابخانه حیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

۵. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ ق)، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)، به کوشش: گروهی از علماء، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۳ق.

۶. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (زنده در ۳۰۷ ق)، تفسیر فرات کوفی، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.

۷. قمی مشهدی، میرزا محمد (م ۱۱۲۵ ق)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۸. کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، قم: انتشارات رضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.

۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۱۰. گنجی شافعی، محمد بن یوسف (م ۶۵۸ ق)، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب ۷، تهران: داراحیاء تراث اهل البيت، ۱۴۰۴ق.

۱۱. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن (م ۱۳۵۱ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، [بی تا].

۱۲. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.

۱۳. محدث نوری، میرزا حسین نوری طبرسی (م ۱۳۲۰ ق)، مستدرک وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۰۸ق.

۱۴. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۱۵. مقریزی، احمد بن علی (م ۸۴۵ ق)، امتاع الاسماع، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

ص: ۱۷۰

١. نجفى، محمدحسن (م ١٢٦٦ ق)، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، [بى جا]: دار الاحياء للتراث العربى، [بى تا].

٢. ياقوت حموى، شهاب الدين ابى عبدالله (م ٦٢٦ ق)، معجم البلدان، [بى جا]: انتشارات دارالصادر، ١٩٩٥ م.

ص: ١٧١

و کجاست مثل خدیجه؟ (۱)

محمد عابدی

چکیده

شرح فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان یک الگوی مناسب برای جامعه اسلامی است. از دیدگاه نویسندگان: تبیین الگوهای رفتاری مناسب برای فعالیت های اجتماعی و فرهنگی، اساسی ترین نیاز زنان در جامعه به شمار می رود. زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را می توان نمونه ای کامل از تحول مثبت و سیر به سمت کمال دانست. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیش از چهل سال از زندگی اش را در دوران جاهلیت سپری کرد، آن گاه با غلبه بر تمام تضادهای موجود اجتماعی دل به اسلام سپرد و به اولین اجتماع کوچک اسلامی گام نهاد. زندگانی او چون پلی است که ابتدای آن در دوران جاهلیت و انتهایش در دوران اسلامی است. بررسی نقاط حساس زندگانی وی می تواند ما را در دست یابی به الگوی مثبت یاری دهد و برای همه گروه های جامعه، به ویژه زنان که دوران جاهلیت ها، تعصب ها و هجوم فرهنگ های بیگانه را تجربه کرده اند، سودمند باشد. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نه تنها از اعتبار و موقعیت اجتماعی خود برای دفاع از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) سود می برد، بلکه با ورود به صحنه های دشوار به دفاع از حریم نبوت پرداخت.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله)، تاریخ اسلام، الگوهای رفتاری، کمال، فداکاری.

مقدمه

تبیین الگوهای رفتاری مناسب برای فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و... اساسی ترین نیاز زنان در جامعه ما به شمار می رود. در این میان گروهی راه افراط پیموده، زنان را از هر گونه فعالیتی

ص: ۱۷۲

محروم می سازند و عده ای دیگر حضور بی محابا در اجتماع را تنها نسخه شفا بخش می دانند.

مسلماً در اظهار و اعمال نظر پیرامون مسایل مربوط به جامعه زنان باید خاستگاه اسلامی آن را در نظر گرفت؛ زیرا سخن راندن بدون شناخت عمیق از سیره معصومان، جامعه زنان را از بستر اصلی خارج و در گرداب سطحی نگری ها گرفتار می سازد.

نگاه تاریخی و تحلیل واقعیت های موجود در زندگی شخصیت های مؤثر و مطرح جامعه زنان، در طول تاریخ اسلام، می تواند ما را به خاستگاه اصلی نظرات دینی پیرامون زنان و تشخیص محدوده و نحوه فعالیت های اجتماعی آنان نزدیک سازد.

زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را می توان نمونه ای کامل از تحول مثبت و سیر به سمت کمال دانست؛ زیرا خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیش از چهل سال از زندگی اش را در دوران جاهلیت سپری کرد. آن گاه با غلبه بر تمام تضادهای موجود اجتماعی دل به اسلام سپرد و به اولین اجتماع کوچک اسلامی گام نهاد(۱). زندگانی او چون پلی است که ابتدای آن در دوران جاهلیت و انتهایش در دوران اسلامی است. از این رو بررسی نقاط حساس زندگانی وی می تواند ما را در دست یابی به الگوی مثبت یاری دهد و برای همه گروه های جامعه، به ویژه زنان، که دوران جاهلیت ها، تعصب ها و هجوم فرهنگ های بیگانه را تجربه کرده اند سودمند باشد.

اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلی

کعبه، نماد توحید، با قامتی کشیده و استوار پابرجای بود؛ اما مردم پیرامونش بر اثر زندگی خشن بیابانی، عدم ارتباط با تمدن های دیگر و حکم فرمایی جهل و امیال نفسانی، به سوی انحطاط گام برمی داشتند. انحراف از آیین توحیدی خلیل الله در تمام شئون حیاتی و اجتماعی آنان دیده می شد و از افراد بی رحم و جاهل انباشته بود. نظام اجتماعی عربستان نظامی بیابانی بود و زورمندترین جریان اجتماعی و قبیله ای در رأس هرم قدرت جای

ص: ۱۷۳

۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۴۸۰؛ ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۷؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.

داشت. زنان که از لحاظ اجتماعی ضعیف‌ترین گروه جامعه بودند، به طور کامل مقهور اراده و تمایلات مردان به شمار می‌آمدند و در جنبه‌های اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و آداب و سنن اجتماعی تحت سلطه بودند.

گاه مردانی که نیاز مالی داشتند و یا در اندیشه توسعه ثروت بودند گروهی از زنان را خریداری کرده، پس از آموزش آوازخوانی و نوازندگی خانه‌هایی در اختیارشان می‌گذاشتند و پرچمی که نشانه آزادی ورود همگان بود، بر بام خانه هایشان نصب می‌کردند. وظیفه این زنان کسب درآمد برای طبقه مسلط جامعه بود. کردار زشت چنان وقاحت خود را از دست داده بود که ثروتمندان بی‌هیچ دغدغه‌ای به استثمار عفت و عزت زنان می‌پرداختند و از این راه ثروت‌های کلان گرد می‌آوردند. (۱)

زمانی نیز تنها به خاطر ازدیاد نسل به موجودیت زن احترام می‌گذاشتند و برای رسیدن به این هدف از هر راه ممکن سود می‌جستند. برخی به طور اشتراکی زنی را به همسری می‌گرفتند (۲) و عده‌ای به طور قبیله‌ای زنی را به عقد درمی‌آوردند.

وقتی تار جهل به بود فقر گره می‌خورد، مردم را به سنت‌های هولناک می‌کشاند. دخترکشی تنها یکی از ده‌ها سنت خوفناکی است که در جزیره العرب رواج داشت. بر اساس منابع موجود، «صعصعه بن ناجیه مجاشعی» جد فرزددق به تنهایی دوپست و هشتاد دختر را از پدرانشان خرید و با پرداخت سه شتر برای هر کدام، آنها را از مرگ حتمی نجات داد. این خبر می‌تواند گستره وسیع نفوذ این سنت زشت را نشان دهد. فرزددق خاطره احسان جد خویش را چنین زنده کرده است:

«وجدی الذی منع الوائدین واحیا الوئید فلم توتد؛ (۳) جدم همان شخصی است که دخترکشان

ص: ۱۷۴

۱- نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، ص ۶۰۵ و ۶۰۸ و ۶۱۲.

۲- همان.

۳- صعصعه به دیدار رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) موفق شد و پیامبر به وی فرمود: «هذا لك باب من البر و لك اجره اذ من الله عليك بالاسلام؛ این کار تو خود دری از نیکی برایت بوده و از جانب خدا نیز ماجور خواهی بود، چون به شرف اسلام توفیق یافتی.» گروهی معتقدند اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) چنین فرمود: «لا- ینفک ذالک لانک لم تبغ به وجه الله وان تعمل فی اسلامک عملاً صالحاً تشب به» که ظاهراً با توجه به آیه «لَا تُضَيِّعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» روایت اول مقبول تر است. (ر.ک: قصی الحسین، قصص العرب، ج ۲، ص ۳۱؛ نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، ص ۶۰)

را از زنده به گور کردن، بازداشت و زنده به گورشدگان را نجات داد و نگذاشت دفن شوند.»

رویش ستاره

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۶۸ سال پیش از هجرت در مکه چشم به جهان گشود. (۱) پدرش خویلد (۲) از فرزندان اسد بن عبدالعزی به شمار می آمد و مادرش فاطمه دختر زائده بن اصم (۳) بود. جد هر دو «فهر» نام داشت و از قبیله قریش بودند.

به روایتی پدرش قبل از جنگ های فجار کشته شد و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را در دنیای پر آشوب آن روزگار تنها نهاد. (۴)

از سرنوشت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و نحوه زندگانی وی تا قبل از سنین میان سالی، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما آنچه مسلم می نماید این است که او در دوران طفولیت تجربیاتی گران سنگ اندوخته بود. شاید پانزده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت که شاهد هجوم سپاه ابرهه به خانه خدا بود.

اولین متون تاریخی در مورد او به زمانی اشاره دارند که با ترتیب دادن کاروان های تجاری به کسب درآمد پرداخت. او با مدیریت (۵) و درایتی قوی (۶) به دور از رسم تجار زمانه

ص: ۱۷۵

۱- . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۴۳، وفات وی را در ۶۵ سالگی و ازدواجش را در چهل سالگی می داند و چون وفاتش سه سال قبل از هجرت بوده، بنا بر این تولدش شصت و هشت سال قبل از هجرت است.

۲- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۹؛ دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخميس؛ ج ۱، ص ۲۶۳.

۳- . ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

۴- . ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۶۰۲؛ ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۲: «هذا المجتمع علیه عند اصحابنا لیس بینهم اختلاف.»

۵- . ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۷.

۶- . دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۲۶۳: «هی ممن کمل من النساء کانت عاقله جلیله دینه مصونه کریمه من اهل الجنة»؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۹.

که رباخواری را از اصول اولیه کسب ثروت قرار داده بودند، به تجارت مضاربه ای (۱) روی آورد.

برخی از محققان بر این باورند که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، پیش از پرداختن به تجارت، ابتدا با «عقیق بن خالد مخزومی» و بعد از مرگ وی با «ابن هاله بن منذر اسدی» ازدواج کرد. هند ثمره ازدواج با ابن هاله بود. و بدین سبب خدیجه را «ام هند» می خواندند. (۲)

اگر وقوع این ازدواج ها را بپذیریم، (۳) به عقیده بعضی این احتمال وجود دارد که بخشی از دارایی اولیه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از طریق میراث شوهران به وی رسیده باشد؛ ولی در عین حال نمی توان قدرت و مدیریت وی را منکر شد؛ چنان که تاریخ نگاران بارها از او با عناوینی چون «امراه حازمه لبیبه»؛ (۴) بانوی دورانندیش و خردمند» و «امراه عاقله»؛ (۵) بانوی عاقل» یاد کرده اند.

گرچه ستیز خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با تجارت ربوی، که گاه تا از دست دادن زن و فرزند بدهکار می کشید، خود مقوله ای مهم است، اما تابناک ترین صفحات زندگی او زمانی شکل می گیرد که با وجود زیبایی ظاهر (۶) و برخورداری از تمام صفات عالی زنانه، هرگز در جامعه فاسد آن روزگار خود را نباخت و به چنان درجه ای از کمال و پاکی دست یافت که به وی

ص: ۱۷۶

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۰؛ ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۳ و ج ۴، ص ۲۸؛ دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳- گروهی عمده با این موضوع مخالف اند. جهت اطلاع از آرای گوناگون به اعیان الشیعه، ماده خدج رجوع کنید.

۴- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۰؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰ و ۲۸۱. هم چنین در جلد ششم بحار الأنوار در باب زنان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از احمد بلاذری، ابوالقاسم کوفی، مرتضی و ابوجعفر روایتی آورده است که: در حالی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دوشیزه بود، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با او ازدواج کرد. ر.ک: علی دخیل، علی محمد، خدیجه، ص ۱۱.

۵- کانت خدیجه امراه عاقله شریفه مع ما ارادالله بها من الکرامه والخیر وهی یومئذ افضلهم نسبا واعظمهم شرفا واكثرهم مالا. (دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۳)

۶- خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زیباترین زنان قریش بود. (عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح فی سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص

لقب «طاهره» دادند. (۱) نویسندگان در توصیف او عباراتی چون «تدعی فی الجاهلیه الطاهره؛ (۲) در جاهلیت به طاهره نامیده می شد» را به کار برده اند.

او از یاری فقرا روی بر نمی گرداند و خانه اش پناهگاه نیازمندان بود. «کرم و سخاوت»، (۳) «دوران‌دیشی و درایت» (۴) و «عفت و پاک دامنی» (۵) از وی بانویی پارسا و مورد احترام همگان ساخت. لقب «سیده نساء قریش» (۶) که در آن زمان به وی داده شد، از نفوذ اجتماعی و عمق احساس احترام مردم به وی پرده برمی دارد.

کمالات روحی و عقلی و حسن ظاهر وی سبب شد تا گروه کثیری از مردان، اندیشه همسری او را در سر پیورانند. (۷) «عقبه بن ابی معیط»، «صلت بن شهاب»، «ابوجهل» و «ابوسفیان» از جمله مردان ثروتمند و صاحب نفوذ قریش بودند که دست تمنا به سوی او دراز کردند؛ (۸) اما خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) درخواست آنها را با ابراز بی علاقه‌گی به ازدواج رد کرد. او در بخشی از گفت و گوهایش با «ورقه بن نوفل اسد بن عبد‌العزی»، پسرعمویش، نیافتن شخص مورد نظر را دلیل عدم تمایل به ازدواج دانسته است. (۹)

ص: ۱۷۷

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، ص ۲۱؛ نویری، احمد بن عبدالوہاب، نهاییه الارب فی فنون الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱ و ج ۵ ص ۴۳۵؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۸۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۷۳.

۲- کانت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تدعی فی الجاهلیه الطاهره. (ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱؛ نویری، احمد بن عبدالوہاب، نهاییه الارب فی فنون الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱)

۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۹.

۴- دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، ص ۲۱؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۶۰۰.

۶- ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹.

۷- کل قومها حریص علی ذالک منها لو یقدر علیہ. (ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۴)

۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

۹- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که بر آیین حنیف ابراهیم خلیل الله باقی بود، اوقاتی از روز را با علمای مذهبی می گذراند و از سخنان و معارف شان بهره می برد. در این نشست ها گاه صحبت از ظهور پیامبری از قریش به میان می آمد که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را سخت در تفکر فرو می برد.

روزی همراه گروهی از زنان با یکی از علمای یهود گفت و گو می کرد که رهگذری جوان و بلند قامت توجه شان را جلب کرد. عالم یهودی از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خواست او را به مجلس فراخواند. او رهگذر را به منزل آورد عالم یهودی از جوان خواست کتف خود را بنمایاند. رهگذر پیراهن خود را کنار زد. او به دقت نگریست. درخشش نور نبوت را که در کتاب هایشان بشارت داده شده بود، در کتفش دید و گفت: این مهر پیامبری است.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بعد از سؤال از دلیل عالم یهودی و دریافت جواب گفت: اگر عموهایش این جا بودند اجازه نمی دادند تو چنین کنی؛ زیرا به شدت از وی مراقبت می کنند.

عالم یهودی گفت: او با زنی از قریش که بزرگ قبیله اش شمرده می شود، ازدواج خواهد کرد. (۱) علاوه بر این یک بار نیز در خواب دید که خورشید بالای مکه چرخید و در خانه اش فرود آمد. او این خواب را با پسرعمویش «ورقه»، که مسیحی بود و با کتب آسمانی آشنایی داشت، در میان نهاد. ورقه گفت: با مرد بزرگی که شهرت جهانی می یابد ازدواج خواهی کرد. (۲)

مجموعه شواهد فوق خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را وامی داشت که از راهی عاقلانه گمشده اش را سوی خود بکشاند. پس شخصی را نزد امین قریش فرستاد و پیام داد که با مقداری از اموال او به تجارت پردازد (۳) و چون امین پذیرفت او را با بهترین کالاها و غلامش میسر راهی شام کرد (۴).

گروه کثیری از تاریخ نگاران بر این عقیده اند که ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خواست تا مالی

ص: ۱۷۸

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۸.

۲- . همان، ص ۱۰۴.

۳- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۸.

۴- . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰ و ۲۷۷؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴.

برای تجارت در اختیار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بگذارد(۱). گروهی دیگر با این نظر به مقابله پرداخته، می گویند: عزت و شرف ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اجازه نمی داد که آنها اجیر شخص دیگر شوند. پس باید گفت که وی به طور مضاربه به تجارت پرداخت و اجیر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نشد(۲).

میسره در بازگشت کرامات امین قریش، خصوصاً ملاقات راهب با وی(۳) را برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بازگو کرد.

فصل وصل

جوانه های مهر اینک در خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به بار نشست. او جوانی پاک دامن و امین پیش روی خود داشت که عرق نجابت از صورتش ریزان و پاکی دلش از صداقت سیمایش آشکار بود. بانوی قریش به طور مستقیم تقاضای ازدواج کرد. او به امین قریش چنین گفت:

«یا بن عم انی رغبت فیک لقرابتک وسطتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛(۴) ای پسرعمو! من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در میان مردم، امانت، خوش خلقی و راستگویی ات به تو تمایل پیدا کردم.»

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پیشنهاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را پذیرفت و عمویش ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را از آنچه رخ داده بود آگاه ساخت. ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) همراه جمعی از بنی هاشم به نزد عموی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) «عمرو بن اسد» شتافته، تقاضای ازدواج کردند. ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هنگام خواندن عقد گفت: «او به خدیجه و خدیجه به وی علاقه دارد. این جا جمع شده ایم که با رضایت خودش خطبه بخوانیم.»(۵)

به این ترتیب خورشید مکه، درحالی که تنها ۲۵ سال از عمرش را پشت سر

ص: ۱۷۹

- ۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۰؛ دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.
- ۲- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح فی سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۱۱۲.
- ۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹ و ۲۳۷.
- ۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰-۲۸۱؛ ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، ص ۱۳۳.
- ۵- دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.

می گذاشت،(۱) بر بام بخت سرور زنان قریش تاییدن گرفت. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) «همسر آفتاب» شد و فصل نوینی در زندگی هر دو پدید آمد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پیوندی ابدی برقرار ساخت. همدل، همسر و همراز وی شد و پا به جای محبوب خویش دوران ۲۴ ساله زندگی مشترک را طی کرد. خدمات او به اسلام و اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در سه بخش می توان بررسی کرد.

قبل از طلوع وحی

بعد از مراسم خواستگاری، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پسرعمویش ورقه را خواست و گفت: نزد محمد برو و بگو غلامان و کنیزان و هر آنچه مالک آنم به تو بخشیدم. هر گونه که بخواهی می توانی در آنها تصرف کنی.(۲) پس ورقه میان زمزم و مقام ایستاد و با صدای بلند ندا در داد: «ای گروه عرب! خدیجه شما را شاهد قرار می دهد بر این که او نفس و مال و غلامان و هر آنچه دارد را به محمد بخشیده است.»

البته سرور زنان قریش در عمل نیز گفتارش را به اثبات رساند. به نوشته مورخان او وقتی از علاقه اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به اخلاق پاک زید (یکی از غلامانش) آگاه شد، غلام را به وی بخشید او همان شخصی است که جزء سابقین در اسلام شد(۳).
توان اقتصادیش را تا لحظه وفات در خدمت همسرش قرار داد و در سایه عشق فرصت عبادت و خلوت بیشتر در غار حرا را برایش فراهم می ساخت(۴).

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که به عظمت معنوی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) آگاهی داشت، همواره در جهت رضای او

ص: ۱۸۰

- ۱- دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۶۶ ۶۷. هم چنین بنا بر قول مشهور خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این زمان چهل سال داشت. برای مطالعه ر.ک: دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹ و ۱۹؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۲۹۵.
- ۲- حلبی، علی بن برهان، سیره حلبیه، ج ۱، ص ۱۲۳. ر.ک: علی دخیل، علی محمد، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ص ۱۹.
- ۳- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصباه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۵۴۵ و ج ۴، ص ۲۷۵؛ ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۲، ص ۲۲۴.
- ۴- فانها كانت نعم القرین . (ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۹) در باره کمک های اقتصادی، زهری گفته است: خدیجه به رسول خدا چهل هزار انفاق کرد. (سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۳۱۴)

قدم برمی داشت و در انتظار بعثت لحظه شماری می کرد.

البته زندگی سرور زنان قریش در کنار این امتیازات با تلخی هایی نیز همراه بود. زنان آن روزگار چون مردان با مفاهیمی مانند خوش رفتاری، راست گویی و امانت داری بیگانه بودند و فلسفه ازدواج خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با یتیم تھی دست قریش را درک نمی کردند. از این رو لب به طعنه می گشودند. خواسته یا ناخواسته سرور بانوان قریش را در اندوه فرو می بردند. آنها روابط خود را با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قطع کردند و او را تنها گذاشتند (۱).

بزرگ بانوان قریش برای رویارویی با این پدیده زشت جاهلی، زنان را گردآورد و گفت: «از زنان عرب شنیده ام که شوهران شما بر من خرده می گیرند که چرا با محمد وصلت کرده ام. اینک از شما می پرسم آیا مانند محمد در جمال، خوش رفتاری، خصلت های پسندیده و فضل و شرف در اصل و نسب در مکه و غیر آن سراغ دارید؟» (۲) گرچه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با طرح این سؤال به آنان فهماند که همسنگی برای محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) یافت نمی شود، اما نتوانست زنگار جهل دل هاشان را پاک کند و در رفتارشان دگرگونی محسوسی پدید آورد.

فرزندان خورشید

ثمره ازدواج رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دو پسر به نام های قاسم و عبد الله (۳) و چهار دختر (۴) به نام های رقیه، (۵) زینب، (۶) کلثوم (۷) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۸) بود.

ص: ۱۸۱

- ۱- ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۰.
- ۲- شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ج ۱، ص ۴۷۵.
- ۳- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۱؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹.
- ۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۷ و ۱۹۱؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۰ و ۸۱؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.
- ۵- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۱۱۳؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۳۶.
- ۶- برخی زینب را اولین دختر می دانند. (ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۰-۳۶)
- ۷- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۲۴۵.
- ۸- در باره تولد و سخن گفتن و سجده او، ر.ک: محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، ج ۱، ص ۲۴۸؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳؛ محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، ص ۴۵.

قاسم و عبد الله که طیب و طاهر نامیده می شدند، به ترتیب در چهار سالگی و حدود یک ماهگی وفات یافتند (۱) و دختران رشد کرده، ایمان آوردند و به مهاجران پیوستند.

البته گروهی معتقدند که جز فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دیگر دختران ربیبه (دختران همراه) همسر، رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و تنها ثمره ماندگار ازدواج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است که کمی قبل از بعثت متولد شد (۲).

رسالت غیر علنی

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیوسته در انتظار درخشش انوار نبوت از سیمای مهربان همسرش بود. از این رو وقتی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از غار حرا به خانه آمد و ماجرای نزول فرشته وحی را برایش باز گفت، بی درنگ آن را تأیید کرد و به درستی گفتار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد (۴). او گفت: «ای پسرعمو! شاد و ثابت قدم باش. سوگند به کسی که جان خدیجه در دست او است، من امیدوارم تو اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این امت باشی.» (۵)

گروهی از دانشمندان دلداری دادن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و دعوت وی به ثبات قدم را با شخصیت عظیم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ناسازگار می دانند. اما حقیقت مطلب این است که در محدوده روابط سالم خانوادگی این کار نه تنها موجب کسر شأن رسول گرامی ۹ نخواهد شد، بلکه نشان از وجود روابطی منطقی و آرمانی دارد؛ روابطی که آیین اسلام نیز به آن تأکید نموده است: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ (۶) او کسی است که برای شما از خودتان زوج هایی آفرید تا آرامش یابید).

ص: ۱۸۲

- ۱- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۰۹.
- ۲- بنات النبی ام ربائبه، نوشته سید جعفر مرتضی عاملی اختصاصاً در این موضوع است.
- ۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۹.
- ۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۹ و ۲۳۹؛ نویری، احمد بن عبدالوہاب، نہایہ الارب فی فنون الارب، ج ۱۶، ص ۱۷۰: «بشر یابن عمی واثبت فوالدی نفس خدیجه بیده انی لارجوا ان تکون نبی هذه الامه.»
- ۵- همان.
- ۶- روم: ۲۱.

هر محقق منصفی می تواند نمونه های متنوعی از ایجاد آرامش و دلداری را در سرتاسر زندگی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) ببیند. ابن هشام می نویسد: «خدیجه به پیامبر ایمان آورد. گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد و اولین شخصی است که به خدا و رسولش و درستی آیات الهی ایمان آورد. خداوند به این طریق به پیامبرش آرامش داد؛ به نحوی که هیچ خبر ناراحت کننده ای از قبیل رد و تکذیب را نمی شنید، مگر این که خداوند به واسطه خدیجه گشایشی برایش ایجاد می کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه برمی گرداند، او را ثابت قدم می کرد. دشواری ها را بر او آسان می کرد و تصدیقش کرده، کار مردم را برایش آسان می ساخت. رحمت خدا بر او باد.» (۱)

آنچه بر عظمت این خدمت می افزاید این است که هیچ گاه خود از راحتی ظاهری مطلوبی برخوردار نشد؛ نه آن زمان که با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) ازدواج کرد و طعن و ملامت شنید و نه در مراحل دیگر. تاریخ به خوبی اسم برخی از آزار دهندگان و برهم زنندگان آرامش خانه رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) را ثبت کرده است. ابولهب، حکم بن عاص بن امیه، عقبه بن ابی معیط، عدی بن حمرا ثقفی و ابن الاصداء هذلی همسایگانی بودند که آزارش می دادند و آسایش را از خانه وی سلب می کردند. یکی از اینان، هنگامی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در حال نماز بود، رحم گوسفندی را بر سر آن بزرگوار انداخت. (۲) یک بار نیز شخصی خاک بر سر آن حضرت ریخت. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) با همان حال به خانه رفت. وضع پریشان پدر همه را در نگرانی و اندوه فروبرد. یکی از دختران رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) به پاخاست، خاک از سر پدر زدود و گریست. پدر گفت: دختر کم گریه نکن خداوند نگاهبان پدرت است (۳).

جهال عرب برای انتقام از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) تصمیم گرفتند بستگان وی را از خانه هایشان بیرون

ص: ۱۸۳

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۰ با کمی تفاوت.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۶.

۳- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴۴ و ۴۶۷ و ۴۶۸ سخن از فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و اختلافات عمده ای که در این باب وجود دارد از حوصله این مقاله خارج است.

کنند. از این رو دختر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را طلاق دادند و ضربه ای دیگر به سرور زنان قریش وارد ساختند (۱). با این حال بانوی پارسای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با درایت و صبر محیط خانه را آرام می ساخت و حتی برای رفع ناراحتی های اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تلاش می کرد.

ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

حذیفه: «خدیجه سابقه نساء العالمین الی الایمان باللّه وبمحمّد؛ (۲) خدیجه در ایمان به خدا و محمّد سابق ترین زنان است.»

ابن عباس: «کانت خدیجه بنت خویلد اول من آمن باللّه ورسوله وصدق محمّداً فیما جاء به عن ربه؛ (۳) خدیجه اولین کسی بود که به خدا و رسول ایمان آورد، و محمّد را در آنچه از سوی خدایش آورده بود، تصدیق کرد.»

ابن هشام: «آمنت به خدیجه بنت خویلد وصدق بما جاء من اللّه ووازرته علی امره و کانت اول من آمن باللّه ورسوله وصدق بما جاء منه؛ (۴) خدیجه دختر خویلد به او [محمّد] ایمان آورد و آنچه را از طرف خدا آورده، تصدیق کرد. او را در کارش یاری داد و اولین کسی بود که به خدا و رسول و درستی آنچه آورده بود ایمان آورد.»

مسلم: «کانت خدیجه وزیره صدق علی الاسلام کان یسکن الیها؛ (۵) خدیجه وزیر پیامبر بود. اسلام را تصدیق کرد و پیامبر به واسطه او آرامش می یافت.»

طبری: «فلما اکرم رسول اللّه بنبوته آمنت به خدیجه؛ (۶) وقتی پیامبر به نبوت تشریف یافت، خدیجه به او ایمان آورد.»

ص: ۱۸۴

- ۱- طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۶۷.
- ۲- ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۲؛ حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۴.
- ۳- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۰.
- ۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۱.
- ۵- نووی، أبو زکریا یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی، ح ۲۴۳۵؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، سنن الترمذی، ح ۳۸۷۵.
- ۶- طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۶۷.

نکته قابل تأمل در اغلب اظهار نظرهای صورت گرفته وجود نوعی تعمد در القای این مطلب است که اسلام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قبل از هر شخص دیگر، چه مرد و چه زن، تحقق یافته است و عباراتی نظیر «اول من آمن به و صدقه قبل کل احد؛ (۱) اولین کسی که ایمان آورد و قبل از هر شخصی تصدیقش کرد.» و «اول من آمن بالله على الاطلاق؛ (۲) اولین کسی که به خدا ایمان آورد»، به طور مطلق در منابع متعددی به چشم می خورد.

اما سخن قریب به صواب این است که هر چند مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بسیار والا است، اما مولود کعبه در اسلام بر او مقدم است. در میان روایان حوادث روزگار رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها حذیفه یمانی به حق مطلب اشاره کرده است. (۳)

اظهار اسلام

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در همان دوران دعوت پنهانی (سه سال اول) اسلام خود را اعلام کرد. ابویحیی بن عقیف از پدرش و او از جدش عقیف، که تاجر مشهوری بود، روایت کرده که وقتی پای به مسجدالحرام نهاد با منظره ای شگفت روبه رو شد. او سه نفر را در حال نماز خواندن دید. از ابن عباس در باره کردار آنها پرسید. گفت: نفر نخست مدعی نبوت است. مرد پشت سرش علی و آن زن هم همسر محمد، خدیجه است. غیر از این ها کسی را بر این آیین سراغ ندارم. (۴)

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خود خاطره آن روزها را چنین بیان می کند: «لم يجمع واحد يومئذ في الاسلام غير رسول الله وخديجه وانا ثالثهما اري نورالوحي والرساله اشم ريح النبوه؛ (۵) کسی آن روز در اسلام جمع نشد غیر از رسول خدا، خدیجه و من سومین آنها بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را به مشام احساس می کردم.»

ص: ۱۸۵

- ۱- همان.
- ۲- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الارب فی فنون الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱.
- ۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۲.
- ۴- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۳، ص ۴۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۴۸۰؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، خصائص امیرالمؤمنین، ص ۷، ص ۴۵.
- ۵- نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

وجود شخصیت هایی چون ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، به این دلیل که دارای موقعیت برتر اجتماعی بودند، از بار فشارهای روانی و ظاهری مشرکان علیه آیین نوپای محمدی ۹ تا حدود زیادی می کاست (۱). ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به خاطر این که بتواند هم چنان به یاری رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) ادامه دهد، ایمان خویش را پنهان داشت و موقعیت اجتماعی و قبیله ای خود را حفظ کرد (۲). اما خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با شهادت تمام همراه علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در اعلام موجودیت جامعه کوچک اسلامی شرکت جست و از موقعیت اجتماعی خویش چشم پوشی کرد.

دعوت آشکار

اشاره

سه سال پس از آغاز بعثت، پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دعوتش را علنی ساخت. ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) با جان و دل از وی پشتیبانی کردند. خدمات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این دوران از دو جنبه قابل ارزیابی است:

۱. حمایت اجتماعی

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به دلیل وجهه مناسب اجتماعی توانست بارها اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از شر جهال برهاند. برای مثال اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ایام حج، بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند ندا داد که ای مردم! من فرستاده پروردگارم. آن گاه به کوه مروه رفت و سه بار سخن پیشین را تکرار کرد. عرب های متعصب هر یک سنگی برداشته در پی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روانه شدند.

ابوجهل سنگی پرتاب کرد که به پیشانی رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اصابت کرد. خون از پیشانی اش جاری شد. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به کوه ابوقبیس رفت. مشرکان نیز در پی او روانه شدند. حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خود را به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رساند و موضوع را به وی بازگفت. اشک بر گونه های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جاری شد. ظرفی از غذا برداشت و برای یافتن اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) راهی کوه ها و دشت ها شد. جبریل بر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد و فرمود: «از گریه خدیجه ملایک به گریه آمدند. او را بخواه، سلام برسان، بگو خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای بهشتی که از نور زینت شده،

ص: ۱۸۶

۱- شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری هندی، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- همان.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را یافته، به خانه آوردند. مردم به خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) حمله ور شده، خانه را سنگ باران کردند. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیرون آمد و گفت: آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شما است، شرم ندارید؟

مردم با شنیدن سخنانش پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) سلام خدا را به وی رساند. او در پاسخ گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبریل السلام وعلیک یارسول الله السلام و برکاته؛(۱) خدا خود سلام است و سلام از او است و سلام بر جبریل و بر تو ای رسول خدا! رحمت و برکات خداوند بر تو باد.»

۲. حمایت های عملی و مالی

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نه تنها از اعتبار و موقعیت اجتماعی خود برای دفاع از رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) سود می برد، بلکه با ورود به صحنه های دشوار به دفاع از حریم نبوت پرداخت. او خود در شعب ابی طالب حضور یافت (۲) و همراه اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) سه سال در آن جا به سربرد. این سه سال را می توان سال های اوج فداکاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نامید. او در طول سه سال تحریم اقتصادی تأمین نیازهای مالی مسلمانان را برعهده داشت. (۳) علاوه بر اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ثروت بستگان او مانند حکیم بن حزام نیز در جهت یاری دین محمدی ۹ صرف می شد (۴).

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بارها فداکاری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را مطرح ساخت و بر این حقیقت که او در راه اسلام از اموالش گذشت تأکید کرد.

به سوی معبود

ص: ۱۸۷

- ۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۱؛ ج ۲، ص ۷۱۹. جریان فوق را به طور کامل در: ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸ ببینید.
- ۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۰۳؛ ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۱۶۰.
- ۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۰۳.
- ۴- همان، ج ۱، ص ۳۵۳ ۳۵۴.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۲۴ سال با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زندگی کرد(۱) و سرانجام در بستر بیماری افتاد. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که بر بالین او حاضر بود، ضمن گفت و گوی با وی فرمود: «خدا تو را با مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم برابری داده است.»(۲)

وقتی روان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به سوی جهان جاودانگی پرکشید، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخت گریست. چون در حجون قبری برایش کردند،(۳) اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خود به راه افتاد؛ هم چنان که اشک از چشمانش می بارید داخل قبر شد و خوابید. افزون تر از قبل گریست و او را دعا کرد(۴). آن گاه برخاست و با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت.(۵) چون در آن زمان نماز میت واجب نشده بود، نماز بر وی خوانده نشد.(۶)

فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، یادگار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گرد پدر می گشت، خود را به دامان او می آویخت. بهانه مادر می گرفت و دل دردمند پدر را آتش می زد. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جز سکوت چیزی نداشت. جبرئیل نازل شد و گفت: «ای پیامبر! به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته که درونش آشکار است و در آن جا هیچ سختی و تلخی نیست.»(۷)

به این ترتیب فرشته الهی پایان رنج ها و محنت های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را اعلام کرد. محققان زمان وفاتش را سه سال قبل از هجرت می دانند(۸). در سال ۷۲۷ قمری قبه ای بر قبر وی

ص: ۱۸۸

۱- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۰؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

۲- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۰.

۳- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۱۱.

۴- به طور مفصل به کتاب نساءالنبی، بنت الشاطی نگاه کنید.

۵- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۹۳.

۶- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۹۳؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.

۷- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الارب فی فنون الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱.

۸- در ماه رمضان سال ده از بعثت وفات یافت. (طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۴۳؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۸۵)

به یاد تو

قلب پرمهر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هیچ گاه نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از صفحه خویشتن پاک نکرد و چراغ مهر وی را تا آخر عمر فروزان نگاه داشت. او دوستداران خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را دوست می داشت. عایشه می گوید: «روزی خواهر خدیجه خواست خدمت پیامبر بیاید. تا رسول خدا نام خدیجه را شنید، چشمانش برق زد. گفتم: چقدر زیاد به فکرش هستی. پیرزنی بود که مرد و خدا بهتر از آن را به تو رسانده است.»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شدت برآشفته و فرمود: «والله بهتر از خدیجه روزی من نشده است. وقتی مردم مرا تکذیب کردند، به من ایمان آورد و زمانی که مردم از انفاق ثروت خویشتن خودداری می کردند، مال خود را انفاق کرد.» (۲)

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنان شخصیت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را بزرگ می شمرد که گفتارش دیگران را به شگفتی وامی داشت. عایشه می گوید: به هیچ کس به اندازه خدیجه حسرت نبردم؛ به خاطر یادکرد پیامبر از او. (۳) رسول خدا از خدیجه چنان یاد می کرد که گویا جز او زنی در عالم نبود (۴). هیچ گاه پیامبر از خانه نمی رفت مگر خدیجه را می ستود. (۵)

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سالگرد وفاتش اشک ریخت و او را دعا کرد. (۶) او به زنانش می فرمود: «فکر نکنید مقامتان بالاتر از او است. زمانی که کافر بودید، ایمان آورد و مادر فرزندانم است.» (۷)

ص: ۱۸۹

- ۱- تاریخ اماکن زیارتی مکه معظمه و مدینه منوره، چاپ سازمان حج و اوقاف، بخش مربوط به قبور حجون.
- ۲- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابة فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۲۱۷ و ۲۱۸. در کتاب ذریه طاهره دولابی، به طور کامل ماجرای برخورد عایشه با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در «الاصابه فی تمییز الصحابه»، ج ۴، ص ۲۷۵ ببینید.
- ۳- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۳.
- ۴- حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۴۰۱.
- ۵- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۴ و ۱۸۲۳؛ محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰؛ نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الارب فی فنون الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱.
- ۶- ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹.
- ۷- ابن شهر آشوب، محمّد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۹؛ ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹.

آن بزرگوار روزی چهار خط بر زمین کشید و پرسید: می دانید چیست؟ حاضران اظهار بی اطلاعی کردند. حضرت فرمود: «بافضیلت ترین زنان بهشت چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمّد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.» (۱)

روزی به اصحاب فرمود: «از مردان بسیاری به کمال رسیدند و از میان زنان به کمال نرسیدند؛ مگر مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم زن فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمّد.» (۲)

سال ها بعد وقتی خواستند خبر خواستگاری علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به اطلاعش رسانند، گروهی از زنان به نزدش آمده، گفتند: «با پدر و مادرهایمان فدایت شویم ای رسول خدا! برای کاری جمع شده ایم که اگر خدیجه زنده بود چشمش روشن می شد.» تا نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برده شد، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گریست. ام سلمه پرسید برای چه می گریید؟ فرمود:

«خدیجه! و این مثل خدیجه؟ صدقتی حین یکذبنی الناس وایدتنی علی دین الله واعانتی علیه بمالها ان الله امرنی ان ابشر خدیجه بیت فی الجنة من قصر الزمرد لاصعب فيه ولانصب؛ (۳) خدیجه! و کجا است مثل خدیجه؟ زمانی که مردم تکذیب کردند، تصدیقم کرد. بر دین خدا یاریم نمود و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصری زمردین بهشتی که سختی و محنت در آن نیست بشارت دهم.»

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، به کوشش: محمّد ابوالفضل، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.

ص: ۱۹۰

- ۱- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۲؛ ج ۲، ص ۷۲۰.
- ۲- قال ۹: کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد. (ابن صباغ مالکی، علی بن محمّد، الفصول المهمّه فی معرفه احوال الائمه، ص ۱۲۹)
- ۳- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۱.

١. ابن اثير جزرى، على بن محمد (م ٦٣٠ ق)، اسد الغابه فى معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعيليان.
 ٢. ، الكامل فى التاريخ، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٨ ق.
 ٣. ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد (م ١٥١ ق)، كتاب السير و المغازى، چاپ سهيل زكار، [بى جا]: دارالفكر، ١٣٩٨ / ١٩٧٨، چاپ افست قم ١٣٦٨ ش.
 ٤. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م ٨٥٢ ق)، الاصابه فى تمييز الصحابه، تحقيق: عادل احمد، على محمّد، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٥ ق.
 ٥. ابن سعد واقدى، ابو عبدالله محمد (م ٢٣٠ ق)، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، [بى تا].
 ٦. ابن شهر آشوب، محمد بن على مازندراني (م ٥٨٨ ق)، مناقب آل ابى طالب، تحقيق: گروهى از اساتيد نجف اشرف، نجف: المكتبه الحيدريه، ١٣٧٦ ق.
 ٧. ابن صباغ، على بن محمد مالكي مكي (م ٨٥٥ ق)، الفصول المهمه فى معرفه اوال الأئمه ٧، بيروت: مؤسسه الأعلمى، ١٤٠٨ ق.
 ٨. ابن عبدالبرّ، يوسف بن عبدالله قرطبي (م ٤٦٣ ق)، الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت: دار الجيل، ١٤١٢ ق.
 ٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمر دمشقى، البدايه و النهايه، بيروت: مكتبه المعارف، ١٤٠٨ ق / ١٩٨٨ م.
 ١٠. ابن هشام حميرى، ابو محمد عبدالملك (م ٢١٣٨ ق)، السير النبويه، به كوشش: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م.
 ١١. ابوالقاسم كوفى، على بن احمد (م ٣٥٢ ق)، الاستغاثه فى بدع الثلاثه، تهران: مؤسسه الأعلمى، ١٣٧٣ ش.
- اربلى، ابوالحسن على بن عيسى (م ٦٩٢ ق)، كشف الغمه فى معرفه الأئمه، بيروت: دار

١. الأضواء، ١٤٠٥ق / ١٩٨٥م.

٢. ترمذى، محمد بن عيسى (م ٢٧٩ ق)، سنن الترمذى، تحقيق: عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ ق.

٣. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.

٤. حلبى، على بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.

٥. ديار بكرى، حسين بن محمد (معاصر)، تاريخ الخميس فى أحوال أنفس نفيس، بيروت: مؤسسۀ شعبان.

٦. ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنؤوط و حسين اسد، بيروت: مؤسسۀ الرساله، ١٤١٣ ق.

٧. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواصّ الأئمّه فى خصائص الأئمّه، تقديم: السيد محمدصادق بحر العلوم، طهران: مكتبه نينوى الحديثه.

٨. شريف الرضى، محمد بن حسين موسى (م ٤٠٦ ق)، خصائص الأئمّه ٧ (خصائص أمير المؤمنين ٧)، تحقيق: محمدهادى الأمينى، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميه التابع للحضرة الرضويه المقدّسه، ١٤٠٦ ق.

٩. شهيد ثالث، قاضى نور الله شوشترى هندی (م ١٠١٩ ق)، مجالس المؤمنین، طهران: كتاب فروشى إسلاميه، ١٣٦٥ ش.

١٠. صدوق، محمد بن على (م ٣٨١ ق)، الامالى، قم: مؤسسۀ البعثه، ١٤١٧ ق.

١١. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، تاريخ طبرى (تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ١٤٠٣ ق.

١٢. عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبى الأعظم، بيروت: دار الهادى و دار السيره، الطبعة الرابعه، ١٤١٥ق / ١٩٩٥م.

١٣. ، بنات النبى ام ربائبه، قم: مكتبه الاعلام الاسلامى، ١٤١٣ ق.

مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ

١. سوم، ١٤٠٣ق.

٢. محدث قمى، شيخ عباس (م ١٣١٩ ق)، سفينه البحار و مدينه الحکم و الآثار، تهران: دار الأسوه، ١٤١٤ ق.

٣. منتهى الآمال، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ١٣٧٣ ش.

٤. نورى، يحيى، اسلام و عقائد و آراء بشرى يا جاهليت و اسلام، تهران: انتشارات نويد نور، ١٣٨٥ ش.

٥. نووى، أبو زكريا يحيى بن شرف (م ٦٧٦ ق)، صحيح مسلم بشرح النووى، چاپ ابو عبدالرحمان عادل بن سعد، قاهره، [٢٠٠٣].

٦. نوبرى، احمد بن عبد الوهاب (م ٧٣٣ ق)، نهايه الأرب فى فنون الأدب، قاهره: وزاره الثقافه، ١٤٠٤ ق.

ص: ١٩٣

مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (۱)

علی امامی

چکیده

شرح حال و فضائل معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به منابع مهم حدیثی و تاریخی است. از دیدگاه نویسنده: خداوند متعال بارها موقعیت و مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از طرق گوناگون آشکار نموده و از منزلت رفیع او در درگاه الهی پرده برداشته است که به

نمونه‌هایی اشاره می‌شود: ۱. سلام خاص الهی: بارها سلام سفارشی و مؤکد ربوبی توسط جبرئیل به محضر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رسیده است. ۲. فرستادگان ویژه الهی: هنگامی که وضع حمل آن بانو نزدیک گشت، به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که مرا در این امر یاری نمایید، ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی و محمد یتیم را به همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی‌کنیم. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از این جواب سخت غمگین گشت. در این هنگام چهار زن همانند زنان بنی هاشم وارد شدند در حالی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدن آنان هراسان بود، یکی از آن چهار زن به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

گفت: غمگین مباش، پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم... ۳. در قصری از بهشت: قبل از رحلت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، خداوند متعال بارها توسط پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جایگاه ویژه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت خبر داد.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، فضایل معنوی، سلام الهی، وضع حمل، جبرئیل، قصر بهشتی.

ص: ۱۹۵

امشب دل تنگ مرا اشکم

روایت می کند

امشب خدیجه با تو ای اسماء وصیت می کند

اسماء بهار عمر من امشب

به پایان می رسد

زهرا سرش بر سینه ام من بر

لبم جان می رسد

اسماء ببر از من پیام بر

خاتم پیغمبران

بر گو کنار تربتم امشب بیا

قرآن بخوان

در سال دهم بعثت دو حادثه دردناک و جانسوز بر پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد گشت، چنان که در تاریخ آمده است: «وَرَدَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَمْرَانِ شَدِيدَانِ عَظِيمَانِ وَجَزَعٌ شَدِيدٌ؛ دو امر بزرگ و سخت بر پیامبر وارد شد به گونه ای که فریاد و ناله شدید حضرت بلند شد.» آن دو امر یکی رحلت جانسوز ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بود که در ۲۶ رجب سال دهم بعثت و یا هفتم رمضان، همان سال واقع شد، و دیگری وفات یار فداکار آن حضرت، خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، که در دهم رمضان همان سال اتفاق افتاد.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را با دستان خویش در محلی به نام «حجون» (قبرستان ابوطالب فعلی) دفن نمود. او به قدری از این دو حادثه غمناک بود که از خانه کمتر بیرون می آمد و در واقع خانه نشین شده بود و به همین جهت آن سال را، «عَامُ الْحُزْنِ» و سال غصه و غم نامگذاری نمود. (۱) علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در رثای آن دو بزرگوار چنین فرمود: «ای چشمان من! آفرین بر شما! بر آن دو رفته ای که دیگر مانندشان را نمی بینند؛ بر بزرگ بطحاء و بر بانوی بانوان؛ آن نخستین کسی [از زنان] که نماز گذارد، بر آن زن پیراسته و خجسته ای که خداوند او را پاک داشت و برتری اش داد، اشک بریزید. مرگ این دو، روز را بر من تاریک ساخته و از این پس، شب ها را در اندوه و سوگ آن دو سر می کنم. آن دو در

۱- ر. ک: محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، ج ۱، ص ۳۶.

برابر ستمکاران به دین ، آیین محمّد را یاری کردند و پاس پیمان خویش داشتند.»(۱)

آن چه در پیش رو دارید، نگاهی است گذرا، به مقامات خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، بانوی فداکار و صبور اسلام، در پیشگاه الهی و نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم). (۲)

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته

قرآن بر خلاف تصور برخی افراد که فقط مردان را الگوی افراد و جامعه می دانند، آن جا که می خواهد الگوها و اسوه ها را معرفی کند ، در کنار اسوه بودن حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، الگوها و نمونه هایی از زنان وارسته و هم چنین زنان گمراه را نیز به جامعه و مؤمنان معرفی می نماید، از جمله می فرماید :

(وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ لَهَا مِنَ الْفَاتِحَاتِ (۳)

خداوند برای کسانی که کافر شدند ، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، که آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند ؛ ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] در برابر خداوند سودی به حالشان نداشت و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند. و خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پرورد گارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش! و هم چنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود).

آیات فوق نشان می دهد که زنان بزرگ نه تنها الگو و اسوه برای زنان می باشند،

ص: ۱۹۷

۱- . بیهقی نیشابوری، محمد بن حسن، دیوان امام علی، ص ۳۶۰.

۲- . قابل ذکر است که در شماره ۵۹ مجله مبلغان بخش اول مقاله، تحت عنوان «فضائل خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)» بیان ، و اکنون در بخش دوم، مقامات آن حضرت بیان می شود.

۳- . تحریم: ۱۱ - ۱۲.

بلکه مثال و نمونه برای کل جامعه می باشند. در همین راستا بیان فضائل و مقامات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می تواند برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و الگوی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از کامل ترین زنان و بهترین الگوهای است که فضائل و مقامات او به حد کمال رسیده است.

این معنی را رسول اعظم ۹ با بیانات مختلفی مطرح نموده است. در یک جا فرمود: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ، آسِيَّةُ، وَخَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ» (۱) برترین زنان عالم، مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه هستند. در جای دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَآسِيَّةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ» (۲) به راستی خداوند از زنان عالم چهار زن بر گزید: مریم، آسیه، خدیجه، و فاطمه.

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

اشاره

قطعاً فضائل و مقامات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بدون اسباب و علّت نمی تواند باشد. عقل و عنایات و الطاف الهی، ریشه فضائل و مقامات او است.

در کلمات برخی مؤرخان به این جملات برمی خوریم: «كَانَتْ خَدِيجَةُ إِمْرَأَةً عَاقِلَةً شَرِيفَةً مَعَ مَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَا مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْخَيْرِ وَهِيَ يَوْمَئِذٍ أَفْضَلُهُمْ نَسَبًا وَأَعْظَمُهُمْ شَرَفًا وَأَكْثَرُهُمْ مَالًا» (۳) خدیجه با آنچه خداوند از بزرگی و خیر که نسبت به او اراده کرده بود، بانوی خردمند شریفی بود. او در آن دوران از برترین افراد در نسب و بزرگی ترین شخصیت در شرف و ثروتمندی بود.

ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی نقش تعیین کننده ای در فضائل و مقامات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارد.

جالب این است که راهب نصرانی این مسئله را قبل از رسالت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ازدواج او با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خوبی پیش بینی کرد، که اگر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیغمبر ۹ را رها نکند، به مقامات و

ص: ۱۹۸

۱- شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، باب الخصال اربعه، ج ۱، ص ۹۶.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲، ح ۴.

۳- دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.

فضائل عظیمی دست خواهد یافت؛ آن جا که به میسره غلام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت:

«يا ميسره اقرأ مولاتك مني السلام واعلمها انها قد ظفرت بسيد الانام، وانه سيكون لها شأن من الشأن وتفضل على سائر الخاص والعام واخذرها ان تفوتها القرب من هذا السيد فان الله تعالى سيجعل نسلها من نسله ويبقى ذكرها الى آخر الزمان؛(۱)»

ای میسره! به خانم و مولای خود سلام مرا برسان و به او اعلام کن که به آقای مردم [حضرت محمد] دست یافته است. و به زودی برای او (خدیجه) شأن و جایگاهی خواهد بود و بر تمامی خاص و عام برتری می یابد و بترسان او را از این که نزدیک شدن به این آقا (محمد) را از دست بدهد؛ زیرا خداوند بلند مرتبه به زودی نسل او را از نسل محمد قرار خواهد داد و نام [نیکش] تا آخر الزمان خواهد ماند.»

این پیش بینی نشان می دهد که در کتب آسمانی گذشته و یا در بیانات انبیا، کاملاً مقام و منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیان شده بود، از این رو راهب نصرانی به خوبی و با دقت تمام آن را بیان و پیش بینی کرد. و جالب تر این که زنان قریش از جمله صفیه دختر عبدالمطلب در شب ازدواج خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و جشن عروسی او نیز به این امر اشاره کرد که:

«يا خديجه! لقد خصيت هذه الليلة بشيء ما خص به غيرك، ولا ناله سواك من قبائل العرب والعجم، فهنيئاً لك بما اوتيت ووصل اليك من العز والشرف؛(۲) ای خدیجه! در این شب به چیزی اختصاص یافتی که هیچ کس غیر از تو بدان دست نیافته است، و جز تو از قبائل عرب و عجم به آن نرسیده است، پس گوارایت باد به آنچه به تو داده شد و از عزت و بزرگی به تو رسید.»

البته خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم به خوبی برای استقبال از این مقام و منزلت سرمایه گذاری نمود. در آغاز، تمام اموال و هستی خویش را تقدیم محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نمود. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عمویش ورقه گفت: «این اموال را بگیر و نزد محمد ببر و به او بگو همه این اموال هدیه است برای او و ملک او می باشد، هر گونه خواست در آن تصرف نماید، و به او بگو که تمام اموال و

ص: ۱۹۹

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴۴.

۲- . همان، ص ۷۱، ذیل صفحه .

برده های من، و تمامی کنیزها و آنچه در تحت تصرف من است، به محمد (صلی الله و اله وسلم) هبه کردم، به خاطر احترام و تجلیل از او. پس ورقه بین زمزم و مقام (ابراهیم) ایستاد و با صدای بلند اعلام کرد: ای گروه عرب! خدیجه شما را شاهد گرفته است بر این که خود و مالش، و بردگان و کنیزان و خادمان، و چهار پایان و مهریه و هدایای او همه برای محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ وَسَلَّمَ) است، و این هدیه به خاطر تجلیل و تعظیم از او و به جهت علاقه به او است، شما نیز بر این امر شاهد باشید.» و بعد از بعثت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با ایمان خویش، مقامات و فضائل خود را بیمه نمود.

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی

اشاره

خداوند متعال بارها موقعیت و مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از طرق گوناگون آشکار نموده، و از منزلت رفیع او در درگاه الهی پرده برداشته است که به نمونه هایی اشاره می شود

۱. سلام خاص الهی

بارها سلام سفارشی و مؤکد ربوبی توسط جبرئیل به محضر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رسیده است. ابو هریره نقل کرده است که: «أَتَى جِبْرِئِيلُ النَّبِيَّ ٩، فَقَالَ: هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ مُغَطَّى فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ ٣١ مِنْ رَبِّهَا، وَمِنِّي السَّلَامُ؛ (١) جبرئیل نزد پیامبر آمد و گفت: خدیجه همراه با ظرفی سر پوشیده که در آن خورشید یا غذا یا نوشیدنی است نزد تو می آید، پس هر گاه آمد، سلام پروردگارش و سلام من را به محضر او برسان.»

در روایت دیگری می خوانیم:

«إِنْ جِبْرِئِيلَ أَتَى النَّبِيَّ ٩ فَقَالَ إِفْرَاءَ خَدِيجَةَ مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ وَسَلَّمَ): يَا خَدِيجَةُ هَذَا جِبْرِئِيلُ يُقْرِئُكَ مِنْ رَبِّكَ السَّلَامَ، قَالَتْ خَدِيجَةُ: اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ؛ (٢)

به حقیقت جبرئیل نزد پیامبر آمد پس گفت: به خدیجه از طرف پروردگارش سلام برسان،

ص: ٢٠٠

١- همان، ص ٨، به نقل از مسند احمد بن حنبل.

٢- همان، ص ١١، روایت ابن هشام. و ر. ک: ص ٨.

پس حضرت فرمود: ای خدیجه این جبرئیل است که از طرف پروردگارت سلام می رساند. خدیجه گفت: خدا سلام است و سلام [و سلامتی] از او است و بر جبرئیل سلام باد.»

اما سلام سفارشی جبرئیل علاوه بر آنچه که در ضمن روایات قبلی اشاره شد در روایت دیگری با سند صحیح از طریق بزرگان روات شیعه، به این صورت نقل شده است:

«عَنْ زُرَّارَةَ وَحَمْرَانَ بْنِ أَعْيُنٍ وَمَحْمَدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ٧، قَالَ: حَدَّثْتُ أَبَا سَعِيدٍ الْخَدْرِيَّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَانِي لَيْلَةً أُسْرِي بِي فَحِينَ رَجَعْتُ قُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ قَالَ: حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ وَحَدَّثْنَا عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقِيَهَا نَبِيُّ اللَّهِ فَقَالَ الَّذِي قَالَ جِبْرَائِيلُ فَقَالَتْ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى جِبْرَائِيلَ السَّلَامُ؛ (١)

امام باقر (علیه السلام) به زراره و حمران و محمّد بن مسلم چنین روایت کرد که ابو سعید خدری نقل کرد که رسول خدا فرمود: آن شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت جبرئیل نزد من آمد. به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل! آیا حاجتی داری؟ پاسخ داد: حاجت من این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی. و نقل کرد که: چون رسول خدا پیغام جبرئیل را به خدیجه رسانید، خدیجه پاسخ داد: همانا خدا سلام است و سلام [و سلامتی] از او است و سلام به سوی او است و بر جبرئیل سلام باد.»

۲. فرستادگان ویژه الهی

هر کس در مسیر الهی حرکت کند، خداوند هرگز او را رها نکرده و تنها نخواهد گذاشت. نمونه بارز آن سرگذشت خدیجه کبری (علیها السلام) است: «هنگامی که وضع حمل آن بانو نزدیک گشت، به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که مرا در این امر یاری نمایید، ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در ازدواج از سخنان ما سرپیچی نمودی، و محمّد یتیم را به همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی کنیم. خدیجه از این جواب سخت غمگین گشت. در این هنگام چهار زن همانند زنان بنی هاشم وارد شدند؛ در

ص: ۲۰۱

حالی که خدیجه از دیدن آنان هراسان بود. یکی از آن چهار زن به خدیجه گفت: غمگین مباش، پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم. من ساره هستم، این آسیه، دختر مزاحم رفیق بهشتی تو است و این هم مریم، دختر عمران است و این یکی کلثوم، خواهر موسی بن عمران است. خدا ما را برای کمک به تو فرستاده است تا یاور و پرستار تو باشیم» (۱) راستی که باید گفت: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ؟» (۲) آیا خداوند برای [حمایت و دفاع از] بنده اش کافی نیست؟»

۳. کفن بهشتی

خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در لحظات احتضار «اسماء بنت عمیس» را به نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به او سفارشات کرد. آن گاه فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نزد اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واسطه قرار داد که از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) خواهش کند تا یکی از لباس های خود را کفن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قرار دهد. وقتی فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد پدر رفت و درخواست مادر را مطرح کرد، اشک از چشمان حضرت جاری گشت، چیزی نگذشت که جبرئیل نازل شد در حالی که کفنی از بهشت همراه خویش داشت که خداوند آن را برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرستاده بود. (۳)

آری انسانی که تمام ثروت خویش را دو دستی در راه خدا تقدیم نموده است، در پیشگاه الهی این عظمت را پیدا می کند که خداوند کفن بهشتی برای او بفرستد، و این گونه از ایثار و انفاق او تقدیر به عمل آورد.

۴. در قصری از بهشت

قبل از رحلت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، خداوند متعال بارها توسط پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جایگاه ویژه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت خبر داد، از جمله عکرمه از ابن عباس نقل می کند که رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرْيَمُ ابْنَتِ

ص: ۲۰۲

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۰ و ج ۴۳، ص ۲ - ۴؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۴۷۵.

۲- زمر، ۳۶.

۳- به نقل از واعظ محترم جناب آقای یثربی.

عمران و آسیه بنت مزاحم؛ (۱) بهترین زنان بهشت اینان اند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.»

و از عبد الله جعفر نقل شده است که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِمَجِيئِ مِنْ قَصَبٍ لَا يَصِيحُ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ؛ (۲) دستور داده شده ام که خدیجه را به خانه طلابی که در آن زحمت و خصومت وجود ندارد، بشارت دهم.» همین مضمون نیز از عبد الله بن ابی اوفی از رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) نقل شده است. (۳)

آن گاه که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حال احتضار قرار گرفت، فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در باره جایگاه آن حضرت در قیامت پرسش هایی کرد، از جمله پرسید: «أَيْنَ وَالِدَتِي خَدِيجَةُ؟ [در آن روز] مادرم خدیجه کجا است؟» حضرت فرمود: «فِي قَصْرِ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ إِلَى الْجَنَّةِ؛ (۴) [خدیجه] در قصری است که چهار درب به سوی بهشت دارد.»

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

اشاره

هر گاه انسانی در پیشگاه الهی از چنان مقامی برخوردار باشد، نگفته پیدا است که در نزد پیامبر خدا (صلی الله و آله وسلم) نیز دارای منزلتی است رفیع؛ چنان که تاریخ نیز گواهی می دهد که محبوب ترین همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزد او، خدیجه کبری ۳ بود. (۵)

حضرت ۲۴ سال با حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زندگی کرد و تا زنده بود به احترام او همسر دیگری اختیار نکرد.

«جان دیون پورت انگلیسی» می گوید: «با وجود این که خدیجه در چنان سن و سال [بالایی] بود و به حسب قاعده بایستی زیبایی دوران جوانی خود را از دست داده باشد، با

ص: ۲۰۳

- ۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۷؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱.
- ۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷، ح ۱۲.
- ۳- . همان، ص ۷.
- ۴- . همان، ج ۲۲، ص ۵۱۰.
- ۵- . همان.

این حال محمد تا آخرین دقیقه حیات خدیجه، نسبت به او وفادار ماند و تا زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد. (۱)

بعد از رحلت آن بانوی گرامی نیز پیامبر ۹ او را فراموش نکرد و دائماً به یاد او بود، که به نمونه هایی اشاره می شود.

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

«عَنْ عَائِشَةَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيَحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا وَالْإِسْتِغْفَارَ لَهَا. فَذَكَرَهَا ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمَلْتَنِي الْغَيْرَةَ فَقُلْتُ عَوَّضَكَ اللَّهُ مِنْ كَبِيرِهِ السَّنِّ قَالَتْ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا؛

عایشه گوید: رسول خدا ۹ از خانه بیرون نمی رفت، مگر این که خدیجه را به نیکی یاد می کرد و برای او استغفار می نمود. روزی از او یاد کرد، من حسد بردم و گفتم: خداوند جایگزین آن پیرزن به تو عطا کرده است! پیامبر شدیداً خشمگین شد.»

و ادامه می دهد که رسول خدا فرمود: «خَدِيجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ، صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَبَنِي النَّاسُ وَوَأَزَرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَانْتَنِي بِمَالِهَا؛ (۲) خدیجه! و کجا است مثل خدیجه؟ او مرا تصدیق کرد، آن گاه که مردم مرا تکذیب نمودند و با مال خود مرا بر دین خدا کمک و یاری کرد.»

این قضیه بارها تکرار شده است؛ از جمله روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در جمع همسران خویش حضور داشت و از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یاد نمود و در فراق او گریست. عایشه گفت: بر پیرزن سرخ روی از تیره بنی اسد می گریی؟ رسول خدا فرمود:

«صَدَقْتَنِي إِذَا كَذَّبْتُمْ وَآمَنْتُمْ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ وَوَلَدْتُمْ لِي إِذْ عَقَمْتُمْ. قَالَتْ عَائِشَةُ: فَمَا زِلْتُ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَسَلَّمَ) بِذِكْرِهَا؛ (۳) خدیجه روزی که شما مرا تکذیب کردید،

ص: ۲۰۴

۱- دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۲۵.

۲- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۸۰؛ شوشتری، محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۱.

تصدیق نمود و روزی که کفر ورزیدید، او به من ایمان آورد و فرزند برای من آورد و شما نازا بودید. عایشه اضافه می کند: همیشه این گونه بود که من با بیان خوبی های خدیجه به پیامبر خدا تقرب می جستم.»

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

از آن جا که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شدیداً به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) محبت و ارادت داشت، نسبت به دوستان و آشنایان او نیز اظهار محبت و دوستی می کرد. به همین جهت هنگام ذبح قربانی می فرمود: از گوشت آن برای دوستان خدیجه نیز ببرید؛ چرا که «إِنِّي لَأُحِبُّ حَبِيبَهَا» (۱) من دوستان خدیجه را نیز دوست می دارم.»

و نیز روایت شده روزی پیرزنی بر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد شد، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را مورد لطف و مهربانی قرار داد، پس از رفتن او عایشه علت آن همه لطف را جویا شد، حضرت فرمود: این بانو در زمان خدیجه بر من وارد می شد. (۲)

آری آن هایی که در راه خدا قدم برداشتند و تلاش خود را در مسیر او قرار دادند، هرگز از یادها و خاطره ها نمی روند.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده

شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام

ما

به همین جهت به اعتراف عایشه، هرگز پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و گفتن مدح او خسته نشد. «قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ لَمْ يَسْأَمْ مِنْ ثَنَاءِ عَلَيْهَا وَاسْتِغْفَارِ لَهَا» (۳) عایشه گفت: رسول خدا همیشه این گونه بود که هر گاه خدیجه را یاد می کرد، از گفتن ثنای او و استغفار برای او خسته نمی شد.»

بحث را با این زبان حال پیامبر اکرم (صلى الله عليه و اله وسلم) در سوگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به پایان می بریم:

یار شکسته

بال من، به حال من نظر نما

دلدار خسته

حال من، به جمع ما گذر نما

- ١- . محلّاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعة.
- ٢- . محدث قمى، شيخ عباس، سفينه البحار، ج ١، ص ٣٧٩ - ٣٨١.
- ٣- . مجلسى، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ١٦، ص ١٢.

سوز سینه ام، که سوزد از برای تو

سوزد دُخت

حزینه ام، به یاد آن وفای تو

کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه ۷، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۴. دیار بکری، حسین بن محمد (معاصر)، تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس، بیروت: مؤسسه شعبان.
۵. شوشتری، محمدتقی تستری (م ۱۴۱۵ ق)، قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشیعه ومحدثیهم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۶. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۷. ، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۸. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۹. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. ، منتهی الآمال، تهران: کتابخانه و مطبعه علمی، ۱۳۵۵ ق.
۱۱. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.

نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان

نسبت به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (۱)

محمد میانجی

چکیده

شرح زندگانی و ویژگی های رفتاری و اخلاقی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به منابع مهم تاریخی و حدیثی است. از دیدگاه نویسنده: اولین ویژگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نسبت به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، درک ارزش های واقعی او در برابر فریبندگی های ظاهری و دنیوی بود. او معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیابد، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند. او در این راه هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی اش. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای درک این کمال واقعی، قالب های جاهلی را شکست و بهایی سنگین از جمله قطع رابطه زنان، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به جان خرید. این نوع نگرش و رفتار در جامعه ای که عموم توده ها بر اساس ظواهر و زرق و برق های دنیوی روابط خود را پایه ریزی می کنند، نمی توانست بدون پی آمدهای تلخ و ناگوار باشد، لذا به فاصله ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، ازدواج، الگوی رفتاری، اخلاق نیک، صداقت.

دهم رمضان (سال دهم بعثت) نقطه پایان بر ۲۵ سال همراهی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، بانوی

ص: ۲۰۷

آسمانی با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بود؛ بانویی مبارکه، (۱) طاهره، راضیه، مرضیه، زکیه، صدیقه، کبری، (۲) شامخه، (۳) فاضله، کامله (۴) و عقیقه (۵) که ۵۵ سال قبل از بعثت چشم به جهان گشوده و از سال پانزده قبل از بعثت (دهم ربیع الاول) در کنار برگزیده الهی قرار گرفته بود و سرانجام بعد از قریب ۲۵ سال همراهی و هم گامی، در ۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست و رسول الهی را در فراقی جانسوز تنها گذاشت.

این واقعه دردناک که به فاصله اندکی از وفات ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روی داد، چنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) را متأثر کرد که آن سال را «عام الحزن» نامید. به نقل علامه مجلسی بعد از این واقعه خانه نشین شده و کمتر از خانه بیرون می رفت. (۶)

مروری بر نحوه خاک سپاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و یادکرد دائمی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از وی، میزان این حزن و اندوه را به خوبی نشان می دهد. وقتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وفات یافت، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شدت گریه کرد و زمانی که قبر آن بانوی بزرگوار حاضر شد، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همان گونه که اشک از چشمانش ریزان بود، وارد قبر شد و خوابید و افزون تر از قبل گریست. (۷) او را دعا کرد و برخاست و با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت. (۸) اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سالگرد وفاتش نیز گریه کرد (۹) و به زنانش فرمود: «گمان نکنید مقامتان از او بالاتر است. زمانی که کافر بودید، ایمان آورد و مادر فرزندانم است.» (۱۰)

حتی سال ها بعد که می خواستند خبر خواستگاری علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بدهند و

ص: ۲۰۸

- ۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۵۲.
- ۲- . همان، ج ۱۰۲، ص ۲۷۲.
- ۳- . همان، ج ۱۶، ص ۶۹.
- ۴- . همان، ج ۷۵، ص ۵۶.
- ۵- . همان، ج ۱۶، ص ۶۹.
- ۶- . همان، ج ۱۹، ص ۲۱.
- ۷- . ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۱۱.
- ۸- . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۹۳.
- ۹- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۰.
- ۱۰- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹.

یادی از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شد، چشمانش پر از اشک شد و زمانی که ام سلمه از علت گریه اش پرسید، فرمود:

«خدیجه و این مثل خدیجه صدقتنی حین یکذبنی الناس و ایدتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها ان الله امرنی ان ابشر خدیجه بیبت فی الجنه من قصر الزمرد لا صعب فیه و لا نصب؛(۱) خدیجه! و کجا است مثل خدیجه؟ زمانی که مردم تکذیبم کردند، مرا تصدیق کرد. بر دین خدا یاری ام کرد و با مالش به کمکم شتافت. خدا به من فرمان داد تا او را به قصری زمردین در بهشت که سختی و محنتی در آن نیست، بشارت دهم.»

این همه تجلیل و بزرگ داشت از مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ما را بر آن می دارد که اندکی پیرامون شخصیت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن بگوییم و شاخصه هایی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به چنین مرتبه ای رسانده است برشماریم.

در این مقاله پیرامون ویژگی های رفتاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نسبت به پیامبر ۹ سخن خواهیم گفت.

۱. نگرش ارزشی

اولین ویژگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نسبت به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، درک ارزش های واقعی او در برابر فریبندگی های ظاهری و دنیوی بود. او معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیابد، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند. او در این راه هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی اش. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای درک این کمال واقعی، قالب های جاهلی را شکست و بهایی سنگین از جمله قطع رابطه زنان، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به جان خرید. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، این گونه با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مطرح کرد:

«یا بن عم انی رغبت فیک لقربتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛(۲) ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم،

ص: ۲۰۹

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱.

امانت داری، خوش خلقی و راستگویی ات به تو تمایل پیدا کردم.»

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه ای که عموم توده ها بر اساس ظواهر و زرق و برق های دنیوی روابط خود را پایه ریزی می کنند، نمی توانست بدون پی آمدهای تلخ و ناگوار باشد؛ لذا به فاصله ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که جوانی فقیر است ازدواج کرد. چه ننگ بزرگی!»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در مقابل این جهالت ها ساکت ننشست و آن ها را به صرف نهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت: «ای زنان! شنیده ام شوهران شما (و خودتان) در مورد ازدواج من با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) خرده گرفته اید و عیب جویی می کنید. من از خود شما می پرسم آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد (صلى الله و اله وسلم) وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضائل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید و نسبت های ناروا به دیگران دهید.»

زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند. (۱)

این شیوه استدلال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هر چند عمق ارزش گرایی در انتخاب ها را نشان می داد، برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نمی نمود؛ لذا زنان لجوج قریش به حالت قهر با او رفتار می کردند. آن ها دیگر به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سلام نمی کردند و نزد او نمی رفتند؛ حتی تا سال پنجم بعثت، که حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) متولد شد، نیز این شیوه رفتاری هم چنان پا برجا بود. لذا حتی هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشته و پیام فرستادند که: «تو با ما مخالفت و با یتیم ابوطالب ازدواج کردی. ما هرگز نزد تو نمی آییم و در هیچ کاری کمک نمی کنیم.»

ص: ۲۱۰

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۱ و ج ۱۰۳، ص ۳۷۴.

این حجم از کینه ورزی ها دل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را آزرده، تا آن جا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم، صفورا دختر شعیب پیامبر) را به یاری او فرستاد و به این سان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نیز به دنیا آورد. (۱)

۲. احترام به شخصیت پیامبر ۹

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره حرمت او را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی داد. جلوه ای عالی از این رفتار را می توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می خواست به خانه عمویش ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار می دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک؛ (۲) به خانه خودتان وارد شوید. خانه من خانه شما است و من کنیز شما هستم.» و البته این همه احترام و پاس داشت به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود و بس. (۳)

۳. تلاش برای جلب رضایت

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تمام توان خود را به کار می برد تا امور منزل را مطابق میل پیامبر ۹ اداره کند؛ از جمله چون به میزان علاقه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عبادت آگاه بود، چنان رفتار می کرد که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را مانعی برای عبادتش نداند.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قبل از بعثت، در هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می گذراند (۴) و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت. لذا امام هادی ۷

ص: ۲۱۱

۱- همان، ص ۸۰.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴.

۳- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷۰؛ مقرر، سید عبدالرزاق، وفات الزهرا، ص ۷.

۴- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

می فرمود: «پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) پس از سفر تجاری شام، در آمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می رفت و به تماشای شکفتی های خلقت مشغول می شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می کرد.» (۱)

خدیدجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با درک چنین روحیاتی از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی کرد و همیشه با همدلی و همراهی او را بدرقه می کرد. غذایش را به وسیله حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به بالای کوه می فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می نویسد: «در آن ماه رمضان که پیامبر در کوه حرا به سر می برد و وحی و بعثت آغاز می شد، حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خدیدجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و یکی از غلامان در حضورش بودند.» (۲)

برای نمونه تنها یکی از این عبادت های اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) چهل روز به درازا کشید، که خدیدجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت های طولانی به طور طبیعی می توانست موجب ناراحتی، دلشوره ها و نگرانی های مختلفی برای خدیدجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شود، اما او نه تنها اعتراض نمی کرد بلکه با رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) همراهی نیز می نمود؛ لذا اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) که خود متوجه نگرانی های خدیدجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، عمار یاسر را نزد خدیدجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرستاد و پیام داد که: «ای خدیدجه! گمان نکن کناره گیری من به خاطر بی اعتنایی به تو است، بلکه پروردگرم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می کند. پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن.» (۳)

همراهی و همدلی خدیدجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت هایش به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) گفت: «من در حق شما کوتاهی کردم، مرا عفو کن»، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی.» (۴)

ص: ۲۱۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

۲- . همان، ج ۱۵، ص ۳۶۳.

۳- . همان، ج ۱۶، ص ۷۹ و ۸۰.

۴- . حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۴. تصدیق و تأیید اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

روایات بسیاری از پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده است که گویای اهمیت رویکرد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آن فضای جاهلی و غربت رسول اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. وقتی که حتی بسیاری از بستگان رسول اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانش استوار ماند.

اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز با درک چنین فضیلتی از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که همواره تأکید می کرد «این مثل خدیجه؟» از جمله زمانی که هاله، خواهر خدیجه برای زیارت رسول اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مدینه آمد، پیامبر ۹ با دیدن او به یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) افتاد و از شدت تأثر به خود لرزید. بعد از رفتن او، عایشه پرسید: «چقدر از پیر زن قریش که سال خوردگی صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می کنی با این که امروز روزگار او را نابود کرده و خداوند همسری بهتر به شما بخشیده است؟» پیامبر ۹ فرمود: «هرگز، به خدا سوگند! بهتر از خدیجه هیچ گاه نصیبم نشد. او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند و ...» (۱)

عبدالله بن مسعود نمونه ای از مشاهدات خود پیرامون ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را آن زمان که هیچ کسی به پیامبر ۹ ایمان نیاورده بود، این گونه بیان می کند: «نخستین چیزی که از اسلام دانستم این بود که با عموهایم و تعدادی از اعضای قبیله، وارد مکه شدیم. چون می خواستیم مقداری عطر بخیریم ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. او بالای چاه زمزم، در کنار کعبه نشسته بود. زمانی که پیش او نشستیم بودیم، دیدیم مردی که دو لباس سفید پوشیده بود و گیسوان و ریش پر و دندان های سفید و ... داشت و چهره اش مثل ماه می درخشید، از باب صفا وارد مسجدالحرام شد. در طرف راست او یک نوجوان و پشت سرش بانویی پوشیده را دیدم.

آنها کنار حجرالاسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجرالاسود دست کشید، سپس آن نوجوان و بعد آن بانو. آن گاه هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت بار طواف

ص: ۲۱۳

کردند، کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز جماعت خواندند. آن مرد هنگام تکبیر دست هایش را تا کنار گوشش بلند می کرد تا به قنوت نماز رسیدند. قنوت را طولانی کردند تا آن که نماز تمام شد. من که چنین چیزی ندیده بودم، از ابن عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی به مکه آمده است؟ من چنین دینی را در مکه ندیده بودم؟ گفت: این مرد برادرزاده من، محمد بن عبد الله است و آن نوجوان برادرزاده دیگرم علی بن ابی طالب و آن خانم هم همسر محمد؛ خدیجه دختر خویلد است. به خدا قسم غیر از این سه نفر کسی در روی زمین به این دین اعتقاد ندارد.»^(۱)

۵. انفاق اموال

پیرامون مظاهر ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نوشته اند: «هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و نقل می کردند. بارگاهی از حریر سبز با ابریشم بر بام خانه اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می کردند و به فقرا کمک می شد. چهار صد غلام و کنیز امور اقتصادی و شخصی او را اداره می کردند.»^(۲) با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج نزد عمویش ورقه بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت: «این ها را نزد محمد ببر و بگو این اموال هدیه به شما است و هر گونه بخواهی در آنها تصرف کن و هر چه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت، به او بخشیدم.»

ورقه بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: «ای عرب! بدانید که خدیجه شما را شاهد می گیرد که خود و همه ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام ها، مهریه و هدایایش را به محمد بخشیده است و همه آنها هدیه ای است که محمد آن را پذیرفته است و این کار خدیجه به خاطر علاقه و محبت او به محمد است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.»^(۳)

ص: ۲۱۴

۱- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۲- همان.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

دامنه این یاری مالی به سال های اولیه ازدواج ختم نیافت، بلکه هنگام محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب و حتی بعد از آن نیز اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نقش اساسی در نجات اسلام و مسلمانان از نابودی ایفا کرد؛ تا آن جا که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی، هرگز مثل ثروت خدیجه به من سود نرساند.»^(۱)

طبق بعضی روایات در ماجرای محاصره، از اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چیزی نماند و به نقل از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ): «چیزی جز دو پوست باقی نماند که هنگام استراحت یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز قرار می دهیم.» در این مدت ابوالعاص بن ربیع، داماد حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، شترها را با گندم و خرما با شگردهای مختلف به آنها می رساند و در طول سه سال محاصره، مصارف آنان از اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تأمین می شد.^(۲)

۶. تحمل پذیری و صبر

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صبر و تحمل را در زندگی با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و ... بردباری و تحمل پذیری ویژه ای از خود نشان می داد. از جمله این وقایع می توان به واقعه شعب اشاره کرد که نقش مهمی نیز در تحلیل قوای جسمانی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) داشت؛ به اندازه ای که به فاصله اندکی از پایان محاصره، آن بانوی بزرگوار وفات یافت. در این محاصره یاران پیامبر (چهل نفر) جز چهار ماه حرام سال را در گرمای داغ تابستان و بیابان خشک و ... تحمل می کردند و در این زمان بانوی محمد که ۶۳ تا ۶۵ ساله بود، علاوه بر صرف اموال، خود نیز در شمار محاصره شدگان بود.

میزان فشاری را که بر محاصره شدگان وارد می شد، می توان از گزارش سعد وقاص فهمید. او می گفت: «شبی از دره بیرون آمدم. از شدت گرسنگی تمام توانم را از دست داده بودم. چشمم به پوست خشکیده شتری افتاد. آن را برداشتم و بعد از شستن و پختن و کوبیدن، با آب خمیر مخلوط کردم و سه روزی با آن به سر بردم.»^(۳)

ص: ۲۱۵

۱- همان، ص ۷۷۷۵.

۲- همان، ج ۱۹، ص ۶۳.

۳- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱.

بنت الشاطی از نویسندگان عرب در مورد میزان تحمل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این دوران می نویسد: «خدیجه در سنی نبود که تحمل آن همه رنج برایش آسان باشد و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت خو گرفته باشد. اما در عین حال و با وجود کهولت سن، سختی هایی را که در اثر محاصره در شعب وارد می شد تا سر حد مرگ تحمل کرد.»^(۱)

در این دوره حتی برخی بستگان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز با بی رحمی تمام بر این فشارها می افزودند، که از جمله آن ها می توان از ابوجهل نام برد که مانع می شد تا حکیم بن حزام برای عمه اش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که در شعب بود، حتی از اموال خود خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آذوقه برساند.^(۲)

۷. انیس و غم زدای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

با این همه سختی و فشار، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خم به ابرو نمی آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت بسان بانویی شفیق، بر گرد وجود اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می گشت و با سیمای خندان خود غم ها را از رخ اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می زدود و در این بین بسان یاور، وزیر و کمک رسانی توانمند او را یاری می کرد.

ابن هشام می نویسد: «خدیجه به پیامبر ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد و ... خداوند به وسیله او به پیامبرش آرامش داد؛ به نحوی که هیچ خبر ناراحت کننده ای از قبیل رد و تکذیب را نمی شنید مگر این که خداوند به وسیله خدیجه گشایش برایش ایجاد می کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه برمی گرداند، دشواری ها را بر او آسان می کرد و تصدیقش کرده، اعمال مردم را (که موجب آزار شده بود) بی اهمیت جلوه می داد. رحمت خدا بر او باد.»^(۳)

حجم سنگین فشارهای قریش و مشرکان با این سخن اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روشن می شود که: «ما اوذی نبی بمثل ما اوذیت؛ هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.» و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در تمام این

ص: ۲۱۶

- ۱- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، خدیجه کبری نمونه زن مجاهد مسلمان، ص ۲۱.
- ۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۳۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۸.
- ۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۰، با اختلاف اندک.

آزارها، یار و غم زدای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود.

علامه مجلسی می نویسد: «در سال های آغازین بعثت بود که حضرت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با سیمایی غمگین و محزون از غار حرا به خانه برگشت. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می گوید، به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفتم: نشانه اندوه در چهره ات می بینم، چه شده است؟ فرمود: علی از من جدا شده و معلوم نیست کجا است؟ [عده ای از مسلمانان به خاطر پرهیز از گزند مشرکان پراکنده شده بودند و میان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز فاصله افتاده بود.] در مورد آسیب رسانی مشرکان به وی نگرانم!

به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) عرض کردم: بر شترم سوار می شوم، یا او را می یابم و یا مرگ بین من و او فاصله می اندازد.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سوار شتر شد و به جست و جو پرداخت تا آن که قیافه کسی را دیده بر او سلام کرد و از صدای جوابش فهمید علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است ... آن گاه به سوی خانه برگشت و با دادن خبر سلامتی علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را خوشحال کرد؛ به اندازه ای که پیامبر ۹ یازده بار شکرًا للمجیب گفت. ^(۱)

۸. مجاهدت و دفاع از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)

از مصادیق مجاهدت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می توان به موضوع پذیرش اسلام در سال های جهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در شرایط خوفناک و وحشتناک آن عصر اشاره کرد. میزان خطرات پذیرش اسلام در آن دوره به حدی بود که امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمود: «پیامبر خدا پنج سال در مکه به طور پنهانی می زیست. علی و خدیجه با او بودند و اسلام خود را پنهان و به شدت تقیه می کردند.» ^(۲)

علاوه بر این خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در مقام دفاع از پیامبر ۹ نیز برمی آمد. از جمله اصبع بن نباته می گوید: «عصر روز جمعه در مسجد در حضور علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بودیم که مردی بلند قامت به نام سواد بن قارب خدمت امام آمد. او بعد از رد و بدل شدن مطالبی گفت: از یمن سوار

ص: ۲۱۷

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱.

۲- . شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۹۷؛ نمونه هایی از مجاهدت این بانو را در ماهنامه مبلغان، شماره ۱۱، صفحه ۸ به بعد مطالعه کنید.

شتر شدم و به سوی مکه آمدم. با نخستین کسی که روبه رو شدم ابوسفیان بود. بر او سلام کردم و پیرامون خاندان قریش پرسیدم، گفت: مشکلی نیست فقط یتیم ابوطالب دین ما را فاسد کرده است.

گفتم نام او چیست؟ گفت: محمد و احمد. پرسیدم کجا است؟ گفت با خدیجه دختر خویلد ازدواج کرده و در خانه او است. مهار شتر را کشیدم و به خانه خدیجه رفتم و در زدم. خدیجه پشت در آمد و پرسید: کیستی؟ خود را معرفی کردم و گفتم: می خواهم با محمد ملاقات کنم.

او این گونه پاسخ داد: اذهب الی عملک ماتذرون محمدا یاویه ظل بیت قد طردتموه و هربتموه و حصنتموه اذهب الی عملک؛ به دنبال کار خود برو، محمد را رها نمی کنی تا در پناه خانه اش بیاساید. شما او را از خود دور کردید و فراری دادید و در مقابلش سنگربندی کردید، برو به دنبال کارت.

پیامبر فرمود: ای خدیجه! در را بگشا. وقتی وارد شدم سیمای نورانی پیامبر را دیدم و به رسالت او ایمان آوردم و بعد از وداع به یمن برگشتم. ^(۱)

یک بار هم که جهال عرب با سنگ پرانی حضرت را زخمی کردند و در پی او تا خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آمدند و خانه را سنگ باران کردند، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیرون آمد و گفت: «آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شما است، شرم ندارید؟» و مردم با شنیدن این سخن شرمنده و متفرق شدند و آن گاه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به مداوای همسرش شتافت. در همین واقعه بود که پیامبر ۹ از سوی خداوند به او سلام رساند و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در برابر سلام الهی گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام و برکاته.» ^(۲)

ص: ۲۱۸

-
- ۱- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ص ۱۸۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۹۸.
 - ۲- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۱۱ و ج ۲، ص ۷۱۹؛ ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۳. ، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۴. ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، بیروت: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
۷. حائری مازندرانی، محمد مهدی (م ۱۳۶۹ ش)، شجره طوبی، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۸. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب ارنووط و حسین اسد، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۹. شوشتری، محمد تقی تستری (م ۱۴۱۵ ق)، قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشیعه و محدّثیهم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ ق)، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ ق)، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)، به کوشش: گروهی از علماء، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۳ ق.

۱. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

۲. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.

۳. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.

۴. مقرر، سید عبدالرزاق، وفات الزهرا (علیها السلام)، مکتبه الحیدریه.

ص: ۲۲۰

سیما و منش زیبای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۱)

علی کرمی فریدنی

چکیده

شرح سیره اخلاقی و فکری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسنده: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آن روزگار تیره و تار از زنان صاحب بینش و منش بود و با دانشمندان سرشناس و عالمان مذهب موسی و مسیح در گفتمان بود. بانوی آزادی، در این مورد به این امتیازات مفتخر است: ۱. پیشتازترین زن در گرایش به اسلام؛ ۲. پیشتازترین زن در ایمان به خدا؛ ۳. پیشتازترین زن در نماز و پرستش خدا؛ ۴. پیشتازترین زن در بیعت آگاهانه با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای دفاع از حق. این امتیازات شکوه بار نشان اندیشه والا و صداقت او است. امتیاز دیگر آن بانوی نمونه این است که سبک اسلام و ایمان او نیز ممتاز است و از پیشگامان و برجستگان و بزرگانی چون سلمان، ابوذر، مقداد و عمار نیز ممتازتر است.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بانوی آزادی، روشنفکری، نواندیشی، دینداری.

انسان ها از نظر منش و روش

انسان ها در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی از نظر داشتن بینش و منش و یا نداشتن آن یکسان نیستند، بلکه چند دسته اند: الف بسیاری در زندگی، بینش و منشی ندارند، به گونه ای که اگر از آنان پرسیده شود که شما در راه تأمین یک زندگی در خور شأن انسان و در رویارویی با مشکلات و

ص: ۲۲۱

۱- نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، علی کرمی فریدنی، قم: نسیم انتظار، چاپ پنجم: ۱۳۹۰، ص ۵۹ - ۱۲۲.

ساماندهی فرصت‌ها و امکانات برای رسیدن به هدف، چه سبک و شیوه‌ای دارید، پاسخی ندارند، چرا که نه در زندگی فردی بینش و منش مشخص دارند و نه در زندگی اجتماعی؛ و این فقدان منش بدان دلیل است که هدف شایسته و آرمان مترقی و درست ندارند، تا روشی اصولی برای رسیدن به آن در پیش گیرند. اینان واپسگرایان و دنباله‌روها هستند، بسان کف‌ها و خار و خس‌های روی آب و علف‌هرزه‌هایی بی‌ثمر و بی‌ریشه که با موج و جَوّ و تندباد به هر سو می‌روند و سرانجام از چاله به چاله یا زباله‌دان تیره‌بختی و اسارت سر در می‌آورند.

بسیاری از حکومت‌ها، جامعه‌ها، و مدعیان رهبری و دانش و علم نیز همین گونه‌اند: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاةٍ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ» (۱)

بسیاری در زندگی بینش و منش و راه و روش دارند، اما نه خردمندانه و بر اساس عدالت، بلکه سبک آنان عوام‌بازی و زورمداری و باج‌دهی برای باج‌خواهی بزرگ‌تر است؛ اینان راز موفقیت و کلید گره‌گشا را فریب می‌نگرند؛ فریب با واژه‌های زیبا، با قالب‌ها و مفاهیم مقدّس، توجیه، تحریف، قلب واقعیت‌ها، تکرار دروغ، بافته‌های یک‌طرفه، سانسور و کتمان حقیقت، سرهم‌بندی خرافات، ترویج دنباله‌روی بزه‌منشانه، بت‌سازی از زورمداران، رواج کیش شخصیت در چهره‌های گوناگون، فریب به نام خدا و در ستار دین و حتی با برپا ساختن مذهب سالاری دروغین و هراس‌انگیز.

سبک و سیره‌ی اینان، زورمداری و خشونت و ارباب‌است و راه خویش را به سوی موفقیت پوچ، با به راه انداختن سیلاب خون، حذف حق‌طلبان و برپا ساختن سیاه‌چال‌های مرگ و تکیه بر گُند و زنجیر و داغ و درفش می‌گشایند. معاویه‌ها، یزیدها، عمروعاص‌ها، سلطه‌جویان اموی و عباسی، و اسلام‌پنهان‌دروغین که در طول تاریخ بدون تحقّق روح اسلام و هدف‌والای آن که عدالت و آزادی و برابری و تأمین حقوق و امتیّت انسان‌ها است تنها با نام آن و برخی ظواهر بازی می‌کنند، و خود را برتر از قانون می‌پندارند در

ص: ۲۲۲

این ردیف اند: (إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَهُ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ). (۱)

ج در برابر این دو گروه، که یا بینش و منشی ندارند و یا بینشی واپسگرایانه دارند، چهره هایی هستند که هم در زندگی فردی و اجتماعی بینشی روشن دارند، و هم منشی مترقی و عادلانه، و به همین دلیل هم جاودانه و پرجاذبه و در خور نمونه شدن هستند، و بانوی خردمند حجاز و یار و مشاور روشن اندیش اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از برجسته ترین این چهره ها است.

از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) این است که افزون بر موقعیت فرهنگی و قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای جاری و آینده نگری و آگاهی از معارف پیامبران و کتاب های آسمانی، خود در ابعاد گوناگون، در چهره ای پرشکوه به صورت نمونه ای مطرح برای عمل و منش پدیدار می گردد؛ به گونه ای که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) او را در کنار نمونه هایی از چهره های پرشکوه تاریخ، چون مریم، سرمشق و الگوی زنان و مردان کمال جو عنوان می سازد و همین واقعیت نشانگر این نکته ظریف است که آن حضرت منشی اصولی و جاودانه در ابعاد گوناگون دارد؛ و گر نه، چگونه می تواند الگو و سمبل ترقی خواهان گردد؟ (۲)

افزون بر این، از دیدگاه او میان ایمان و عمل، پیوندی است گسست ناپذیر؛ چرا که ایمان در نگرش او تنها باور عمیق قلبی و یا آگاهی ژرف و اعلام آن بدون عملکرد مشخص نیست تا انسان بتواند بدون سبک، زندگی کند بلکه میان آن باور عاشقانه قلبی و شیوه زندگی، پیوندی اجتناب ناپذیر وجود دارد که انسان را موظف می سازد تا در کردار و گفتار، خود را با مقررات مترقی هماهنگ سازد و دارای سبک متناسب با آن باور آزادمنشانه باشد و در شرایط متفاوت، تابع احساسات نگردد و قدرت و ضعف، بر خورداری و محرومیت در بینش و منش او اثر تخریبی نگذارد و تغییر جایگاه، او را تغییر منفی ندهد و

ص: ۲۲۳

۱- . قصص: ۴.

۲- . در این مورد به فروغ آسمان حجاز: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به همین قلم بنگرید.

از موضع عدالت خواهانه و مردمی، به خودکامگی و بیداد و موضع ضدّ مردمی نکشانند و به فریب و حق کشی آلوده نسازد.

و از این جا راز هماره مترقی و عادلانه بودن منش یار و مشاور ارجمند اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز دریافت می گردد؛ چرا که امتیاز بزرگ او و همانند هایش این است که دارای سبکی ویژه بودند و بر اساس آن، هماره توحیدگرا و پروا پیشه، رعایت گر حقوق و آزادی انسان ها و پرچمدار این ارزش ها بودند، و هرگز این اصول در زندگی آنان تابع احساسات نشد و با فراز و فرودها دستخوش آفت نگردید.

آری، بانوی نواندیش جهان عرب، افزون بر تبار پرافتخار، خود در زندگی، دارای امتیازات تحسین برانگیزی بود که این امتیازات او را از دیگر زنان روزگارش ممتاز ساخته و در خور همسری برترین پیام آور خدا و در خور مادری شایسته ترین الگوی زنان و شایسته مادر بزرگی امامان نور می سازد. اینک این شما و این هم پرتوی نورافشان از بینش و منش مترقی وزیر لایق و یار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زندگی.

۱. موهبت نواندیشی و نوگرایی

اشاره

از ویژگی انسان های هوشمند و کمال جو، روح نواندیشی و نوگرایی و رو به رشد و پیشرفت داشتن است. آنان به آداب و رسوم رایج، فرهنگ و مقررات غالب، بافته ها و یافته های موروثی و بینش و منش رسمی صاحبان قدرت و نفوذ و آیین و باور مردم روزگار خود بسنده نمی کنند و همواره در جست و جوی راهی نو، سبکی جدید، شیوه ای برتر، برنامه ای جالب تر، آیین و منشی مترقی تر و دنیایی مساعدتر و خردمندانه تر برای زندگی و تأمین حقوق انسان ها هستند، و همین ویژگی یکی از رازهای پذیرش دعوت های آسمانی و نهضت های آزادی خواهانه پیامبران و ترقی خواهان تاریخ از سوی این چهره ها است. قرآن این ویژگی و رهاورد درست آن را ارج می نهد و در میان جویندگان آزادی و عدالت، به پیشتازترین ها بها و پاداشی پرشکوه تر را نوید می دهد.

از قرآن به صراحت دریافت می گردد که نواندیشان فداکاری که پیش از پدیدار شدن نشانه های پیروزی از افق، با انگیزه کمال جویی به عدالت گراییدند و با اخلاص و فداکاری

آن را یاری کردند، با آنان که پس از پیدایش علایم موفقیّت، توانستند دل را قانع کنند و ایمان آورند، از نظر کمال یکسان نیستند؛ چرا که از نظر هوشمندی و تلاش و خطرپذیری و پرداخت هزینه نیز با هم بسیار متفاوت اند. قرآن در این مورد می‌فرماید:

(وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ (۱)) و پیشگامان نخستین در اسلام و ایمان، از مهاجران و انصار و کسانی که به شایستگی از آنان پیروی کردند و در توفان تاریک اندیشی‌ها، حق را برگزیدند، خدا از آنان خوشنود گردید و آنان هم از او خوشنود شدند؛ و برایشان بوستان‌هایی پرطراوت و زیبا در بهشت آماده ساخته که از زیر درختان آن جویبارها روان است. در آن جاودانه ماندگار خواهند بود. این است آن کامیابی بزرگ و پرشکوه).

ویژگی نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

اگر شرایط آن روز جهان عرب را بنگریم، پی می‌بریم که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از روح ابتکار و نواندیشی ویژه‌ای بهره‌ور بود و از زمان و فرهنگ و آیین و مدیریت روزگارش بسیار پیش‌تر و مخالف سرسخت جنبه‌های ظالمانه باورها و آداب و رسوم آنها بود، و در اندیشه راهی نو و دنیایی جدید و فرهنگ و منشی خردمندانه و بهداشتی می‌زیست.

او، به آیین مورد نظر تاریک اندیشان بها نمی‌داد و از رهاورد شوم آن برکنار بود. او افزون بر تفاوت در بینش و منش، با آداب رایج روزگارش نیز ناسازگار بود. او نه بسان زن عادی آن روز، به انزوای تحمیلی تن سپرده بود و نه شب‌نشینی و بردگی جنسی زن اشرافی حجاز را به رسمیت می‌شناخت. کار دگراندیشی و پویایی اندیشه او بود که او را به مدیریت و تجارت و جسارتی مستقل سوق داده بود، که نه تنها خود را نیازمند مرد خودکامه روزگار نمی‌دید که ازدواج با زورداران و زرداران تاریک فکر نیز برای او تحمل‌ناپذیر شده و جویای جوانی متفاوت با مردنمایان دنیای خویش بود.

او دارای ثروت و اعتباری بسیار بود، اما به جای کسب و کار ظالمانه رایج که

ص: ۲۲۵

رباخوارگی و مکیدن خون محرومان و خوش گذرانی رایج سرمایه داران روزگارش بود، و امروز هم بیشتر چنین است سرمایه خویش را در راه سازندگی و تجارت و سود عادلانه و گره گشایی و مردم نوازی به کار می انداخت. از این راه، هم بر مال حلال خود می افزود و هم بر اقتصاد جامعه خون سالم تزریق می کرد. هم گروهی را در شبکه تجاری خود به کار می گرفت و اداره می کرد و هم نیازهای متنوع مردم به وسایل زندگی را برطرف می ساخت، و مطلوب تر از همه به ندای آزادگی و ناسازگاری خود با روزگارش پاسخ می داد.

اگر شرایط رباخوارگی آن روز عرب و آیات قرآن در این زمینه را بنگریم، که چگونه و در چند مرحله به جنگ این آفت بزرگ اجتماعی رفته است، آن گاه بیشتر به عظمت این بانوی خوش فکر پی می بریم.

خدیده (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در اندیشه جامعه و جهانی نو

در روزگار پیش از بعثت که مردم حجاز و جهان از سویی از سرآغاز بعثت ها و ظهور پیامبران دور شده و دین آنان را به تدریج به بافته های کج اندیشانه، و تفسیرهای سلطه جویانه آمیخته،^(۱) و از دگر سو از دانش و خرد و پیشرفت بیگانه بودند جرقه هایی از مایه های روشنفکری و نواندیشی در میان افراد و گروه هایی از پیروان موسی و مسیح و برخی از جهان دیده ها و آشنای با تاریخ ملل و دیگر زبان ها و فرهنگ ها و راز پیشرفت و پسرفت جامعه ها بودند، به چشم می خورد. درست به همین دلیل در میان اینان، اندیشه انتظار برای طلوع خورشید بهروزی و نجات مردم از کنار کهن ترین معبد توحید سوسو می کرد و اندیشه ایستادگی در برابر امواج سهمگین خرافات و پرستش های ذلت بار و هضم نشدن در جامعه های تاریک اندیش به آرامی جریان داشت و این مایه های نواندیشی در برابر توفان بی فرهنگی و بیداد و جست و جو برای راه نو، آرمان نو، زندگی نو، جهان نو از نویدهای موسی و مسیح منشأ می گرفت.

با این بیان، آشنایی با آموزه های اصیل پیامبران و نویدهای آنان از آینده جامعه و ظهور اسلام، انگیزه نواندیشی و نوگرایی و ایستادگی در برابر خشونت و تاریک فکری بود،

ص: ۲۲۶

و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در جامعه و روزگار خویش یکی از این نواندیشان، بلکه از نمونه های برجسته آنان بود که در روایات این ویژگی او آمده است.

خاستگاه نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

مایه های نواندیشی و روشنفکری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، پیش از آشنایی با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) و پیوند با او، از این کانون ها سرچشمه می گرفت:

۱. از خرد و هوش و درایت سرشار؛

۲. از خانه و خانواده روشن اندیش و حق طلب؛

۳. از آموزه های آیین حق گرای ابراهیم، که خاندان محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خود را فرزند او و خدمت گزار کعبه می دانستند.

۴. از آموزه های مذهب موسی و مسیح از راه گفت و شنود با دانیان آن ها، نظیر «ورقه»، «نسطور»، (۱) «بُحیرا» و... (۲) و نیز گروه هایی که به خاطر نویدهای موسی و مسیح و وصف آخرین پیامبر و خاستگاه او، از شام و فلسطین به حجاز هجرت نموده و در انتظار ظهور نور و طلوع خورشید ایمان و آزادی بودند.

۵. از راه برخی الهام ها و دریافت های شگفتی که بر اثر خردورزی و اندیشه بسیار و پاک منشی و پروا، در عالم رؤیا برایش پیش می آمد. (۳)

۶. از راه روابط اقتصادی و آشنایی با قطب های قدرت و مراکز خبرساز؛

۷. از راه دیدار با چهره های مطرح روزگار و آشنایی با اندیشه آنان.

این عوامل برانگیزاننده، دخت خردمند حجاز را با جامعه و روزگارش متفاوت ساخت، و

ص: ۲۲۷

۱- از پارسایان اهل کتاب و از منتظران ظهور پیامبر موعود بود. (ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹)

۲- ابن شهر آشوب، محمّد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۱؛ مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۰ - ۲۱ و ج ۱۷، ص ۳۳۱.

۳- امین، سیّد محسن، المجالس السنیّه، ج ۵، ص ۶.

او را نواندیش و نوگرا نمود؛ به گونه ای که هم از حقایق جاری روزگارش آگاه بود و هم به خداجویی و بشردوستی، به مفهوم حقیقی آن آراسته بود و همواره در اندیشهٔ جامعه و جهانی نو می زیست، و همین ها باعث تکاپوی او گردید، تا سرانجام با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آشنا شد و همراهی، همسری، مشاورت و وزارت او را در راه ایجاد تحوّل مطلوب برگزید و ۲۵ سال پا به پای آن پیشوای آزادی و نجات به تلاش ادامه داد.

مایه های روشنفکری و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

تاریخ و روایات رسیده از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و دیگر پیشوایان اسلام نشان می دهد که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از معدود زنان و دختران نواندیش و خردمند و پاک روش و آزادهٔ روزگار خود بود. اندیشه ای متفاوت از بینش و روش رایج مردم زمانه و روند جامعه و روزگارش داشت و در حقیقت سالار نواندیشان و خردمندان و آموزگار خوبان و در اندیشهٔ جامعه و جهانی نو و مساعد برای رشد و رستگاری بود.

با نگرش به فراز و فرودهای الهام بخش زندگی او، مایه های نواندیشی و آزادی خواهی او در این محورها به روشنی جلوه گر است:

۱. کنجکاوی، خردورزی، آگاهی از میراث فرهنگی گذشته و داشته ها و روند روزگار خویش، تردید منطقی در یافته ها و نقد آن ها، پذیرش نفی، تنها بر اساس دلیل و برهان، ابداع و ابتکار، اعتماد به خود و استقلال در اندیشه و عمل و بیگانگی از واپسگرایی و دنباله روی و خرافات رایج روزگار خویش و درافتادن با آن ها.

۲. آشتی ناپذیری با فریب و خشونت و نامردمی در همهٔ جلوه ها و میدان های زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی و اقتصاد و مذهب و هنر.

۳. مبارزهٔ ریشه دار و همه جانبهٔ خانوادگی با زورمداری و حق کشی؛ چرا که نیای او از نخستین تشکیل دهندگان انجمن دفاع از حقوق بشر در حجاز و جهان عرب در آن روزگار تیره و تار بود.

۴. عدالت جویی، برابری طلبی، آزادی خواهی و آزادمنشی.

۵. بشردوستی و تلاش در راه رشد و پیشرفت مردم و تأمین حقوق آن‌ها.

۶. حق‌گرایی، نقدپذیری، تلاش همواره در راه بهسازی و پالایش جان و روان و دنیای وجود از زنگارهای جامعه و روزگار عقب مانده.

۷. دانش و بینش و تلاش در راه شناخت و پژوهش حق‌جویانه در ادیان و مذاهب.

۸. عاطفه جوشان و خرد خروشان.

۹. هنر و قریحه و ذوق سرشار.

۱۰. خداجویی و توحیدگرایی.

به خاطر این بینش و منش کمال‌طلبانه بود که دخت خردمند حجاز از جامعه و جهان خود بیگانه، و از شرایط حاکم آزرده و از آداب و رسوم منحط بیزار و از فرهنگ غالب گسسته بود و در اندیشه جامعه و جهانی نو و شرایطی عادلانه تلاش می‌کرد.

۲. قدرت مدیریت و ساماندهی

برابر اسناد روایی و تاریخی بانوی خردمند حجاز، دختری ثروتمند و صاحب امکانات بود و به تجارت اشتغال داشت. کارگزاران خود را، از میان انسان‌های سالم و امانت‌دار استخدام می‌کرد و خود از دفتر کارش این شبکه تجاری را با سرانگشت تدبیر و قدرت گره‌گشای مدیریت به حرکت می‌آورد و به کار اقتصادی خود سامان می‌بخشید.

با دقت در انتخاب فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کرد که شگفتی‌ها را برمی‌انگیخت و کاروان بزرگ تجارته‌اش همواره در راه بود؛ از یمن به حجاز می‌رفت و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی، و سود فراوانی با خود به همراه می‌آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان آشنا باشیم، و محرومیت کامل زن از حقوق انسانی‌اش را به یاد داشته باشیم، و زنده به گور شدن دختران را به خاطر آوریم، آن‌گاه اداره چنین شریان مهم اقتصادی به وسیله یک دختر هوشمند و پاک‌منش و به مدیریت توانمند و ظریف او، ما را به شخصیت برجسته و ابتکار و روح مدیریت او رهنمون می‌شود و

درمی یابیم که او در آن روزگار، خردمندترین و کارآمدترین زن بود.

یکی از نویسندگان عرب می نویسد: «خدیده، این بانوی آگاه و شیفته معنویت که حق گرای، فضیلت طلبی، نواندیشی و عشق به کمال و رشد و پیشرفت از ویژگی هایش بود، از همان روزگار جوانی و پیش از آشنایی با پیامبر نیز یکی از دختران نامدار و بافضیلت حجاز به شمار می رفت، و در جهان عرب نخستین زن توانمندی است که در تجارت و مدیریت درخشید و در این راه، شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه ای که نام بلندش در تاریخ عرب و در آثار و نوشته های تاریخ نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملی آمده است.»^(۱)

و نویسنده دیگری می نویسد: «خدیده ملکه قریش و سالار بانوان عرب، زنی بود بسیار خردمند و پروا پیشه، مدیر و مدبر، مردم شناس و آینده نگر و دارای ثروتی کلان و نفوذی بسیار بود.»^(۲)

۳. ابتکار و استقلال جویی

استقلال جویی بانوی بزرگ حجاز از لابه لای رفتارش نمایان است، و این از امتیازات بلند او است؛ چرا که اگر انسان از نظر اندیشه، مبتکر و مستقل نباشد، نمی تواند در میدان عمل و تجارت و مدیریت به طور مستقل رفتار کند. در پرتو این استقلال اندیشه بود که ده ها خواستگار دارنده زر و زور را نپذیرفت و به گونه ای سخن گفت و رفتار کرد که همه پنداشتند او تصمیم به ازدواج ندارد؛ اما هنگامی که با انسانی پاک منش، بسان محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، آشنا شد، برخلاف آداب و رسوم روزگار، خود پیشنهاد پیوند داد و آن گاه که هياهو به راه افتاد که دخت ثروتمند و مقتدری چون شما با جوان تهی دستی چون او نباید پیوند زندگی بدهد، با قدرتی شگرف ایستاد و همه ثروت و امکانات خود را در پای محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ریخت و

ص: ۲۳۰

۱- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲- صدر، سید رضا، راه محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، ص ۱۵۴.

نشان داد که حسن انتخاب، سعادت، شخصیت و شکوه چیزی است که برای به دست آوردن آن نه تنها از پول، کاروان تجارتي، زر و زیور، شهرت و قدرت، که باید در راه آن از هستی گذشت. (۱)

یکی از اسناد تاریخی در این مورد می گوید:

«وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً حَازِمَةً نَبِيلَةً شَرِيفَةً، وَ هِيَ يَوْمئِذٍ اَوْسَطُ قُرَيْشٍ نَسَبًا، وَ اعْظَمُهُمْ شَرَفًا، وَ اكْثَرُهُمْ مَالًا، وَ كُلُّ قَوْمٍهَا قَدْ كَانَ حَرِيصًا عَلَي تَزْوِيجِهَا، فَابْتُ وَ عَرَضَتْ نَفْسَهَا عَلَي النَّبِيِّ وَ قَالَتْ: يَا بَنَ عَمِّ! اِنِّي رَغِبْتُ فَيْكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ مِنْ قَوْمِكَ وَ اَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ؛ خَدِيجَةُ بِي رَاسْتِي بَانَوِي خَرْدَمَنْد وَ بَسِيَارِ پَرشَرَاْفْت بُوْد. دَر رُوْزگَارِ خُوْد اَز نَظَرِ تَبَارِ اَز بَهْتَرِيْنَ هَا بُوْد وَ اَز نَظَرِ شَرَاْفْت وَ شَكُوْه، پَرشَكُوْه تَرِيْنَ اَنَّا ن وَ اَز نَظَرِ ثَرُوْت وَ اَمَكَانَاْت، ثَرُوْتَمَنْد تَرِيْنَ اَنَّا ن بِي شَمَار مِي اَمْد. بَسِيَارِي اَز چَهْرَه هَايِ سَرشَنَّا س رُوْزگَارِ بَرَايِ پِيُوْنْد بَا اُو، سَخْت كُوْشِيْدَنْد، اَمَّا اُو پَاَسَخِ مَنَفِي دَاْد وَ دَر هَمَّا ن حَال، خُوْد بَا هُوْشَمَنْدِي وَ اَيْنْدِه نَگَرِي عَجِيْبِي بِي خُوَاَسْتگَارِي پِيَاْمَبَر رَفْت وَ بَا دَرَايْت وَ نَجَابْت اَنگِيْزِه هَايِ اَنسَانِي خُوِيْش رَا بَرَايِ اِيْن پِيْشگَامِي عَجِيْب بِيَا ن مَمُوْد وَ كَفْت: مَن بِي خَاَطَرِ خُوِيْشَاوَنْدِي وَ هَمفَكْرِي وَ بِي دَلِيْلِ شَرَاْفْت، اَمَاْنْت، رَاسْتِي وَ مَنش شَايِسْتِه اَت دَلِ دَر گَرُو مَهْر تُو دَارَم، وَ بَر اَن هَسْتَم كِه اِگَر بِيْذِيْرِي بَا تُو پِيْمَا ن زَنْدگِي مَشْتَرَكِ اَمْضَا كَنَم.»

و آن گاه که پیوند زندگی مشترک برقرار شد، گفت: «اینک خانه خانه تو است، و هستی ام از آن تو و من هم نه مشاور، وزیر، همفکر و همسر، که خدمت گزار تو و آرمان های رهایی بخش و بلندت خواهم بود.»

۴. ویژگی هدف داری و فداکاری

او امتیاز هدف داری و فداکاری را نیز در جان و زندگی اش به همراه داشت. زندگی پرفراز و فرود او نشانگر آن است که در پی هدف پاک و درخشانی بود. هدفی فراتر از زر و زور و کاروان تجارتي، هدفی برتر از خور و خواب و ارجمندتر از آسایش شخصی و خانوادگی.

ص: ۲۳۱

۱- . اخضر جنابذی، عبدالعزیز بن ابی نصر، معالم العتره، ص ۱۳۰.

موج بی قراری را می ماند که در راه هدف، آرامش نداشت و آن گاه که به ساحل وجود محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رسید و نوگرایی و عدالت خواهی، پاکی و امانت، بشردوستی و ارزش های خداپسندانه را نگریست، خود را در آستانه هدف یافت.

و از این جا می توان به راز احترام بسیار پیامبر حق شناس به «خدیجه» پی برد. به این راز که چقدر پیامبر معنویت، او را دوست می داشت و به او احترام می گذاشت. در فراز و فرود زندگی و کوران های اجتماعی او را از مشاوران خردمند خویش می شناخت و به دیدگاه او بها می داد. (۱) تا همیشه زندگی «خدیجه» و نیکی ها و شایستگی هایش بر زبان او بود و حتی هر آنچه و هر آن که از آن یار دیرین خاطره داشت، برای او احترام انگیز بود، و برای بستن دهان برخی حسودان تأکید می کرد که: به خدای سوگند که خدا برتر از خدیجه به من نداده است... (۲).

و می فرمود: اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر، با دو عامل اساسی، گسترش و پایداری یافت: شهامت و فداکاری علی، و ثروت سرشار و انفاق و جهاد مالی خدیجه: «مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيْجَةَ». (۳)

۵. ویژگی حق جویی و حق پذیری

بسیارند کسانی که سستی های گوناگون، آفت جانشان می شود و نعمت های زندگی بلای وجودشان و رزق و روزی های خدا، زهر تلخ و مرگبار کامشان.

یکی در اوج زیبایی است، و همان مستی زیبایی آفت جانش می شود، دیگری غرق در ثروت و امکانات است و از در و دیوار و آسمان و زمین برایش می جوشد، و همان ثروت و مستی آن او را به تباهی سوق می دهد. سومی در اوج اقتدار است و روزگار بر کام او، و همان چرخش مساعد روزگار و احساس بی نیازی، او را از ورق خوردن دفتر ایام غافل ساخته است، و

ص: ۲۳۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰.

۲- . سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۳۰۳.

۳- . قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه الزهراء ۳ من المهد الى اللحد، ص ۲۶۶.

چهارمی مست جوانی است و همان نیروی جوشان جوانی، قاتل ایمان و خردش می گردد.

یکی دریای دانش است و در مستی آن غرق می گردد و دیگری در اوج شهرت، و همان آلت قتاله شخصیت او می شود. یکی بر کرسی فرمانروایی است و همان احساس قدرت به خودکامگی اش می کشد و دنیا و آخرتش را می سوزاند، و دیگری بارانی از چاپلوسی بر او می بارد و همان آفت جاننش می شود؛ همین گونه بگیر و برو... .

اما بانوی آزادی با آن که غرق در زر و زیور، جمال و کمال، شور و شعور، شهرت و آوازه نیک و نعمت استقلال بود از آفت ها و مستی های آنها نیز خود را مصون و محفوظ داشته و دارای روح حق جو و حق پذیر بود. به همین جهت هم نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبر از زنان و پیشتاز در اسلام و نماز و مبارزه و هجرت بود، و پاداش این حق پذیری نیز آن بود که خدای پر مهر به فرشته وحی فرمان داد که به هنگام فرود بر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، درود او را به مام فضیلت ها برساند و خاطر نشان سازد که خدا به پاداش آن ایمان ناب و عمل شایسته، قصر زیبایی در بهشت برای او آماده ساخته است. (۱)

۶. درایت و خردمندی

موهبت خرد و خردورزی، یعنی نگرش متفکرانه بر پدیده های آفرینش و شناخت پیوندهای آنان؛ یعنی تعمیق در سازمان وجود خود و شناخت خود؛ یعنی شناخت طبیعت و استخدام آن؛ یعنی هدف داری و هدف شناسی و آراستگی به ارزش ها و پیراستگی از ضد ارزش ها؛ یعنی اوج گرفتن به بندگی خدا و ساختن شایسته دنیا و آخرت؛ «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَاکْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»

اگر خرد به این معنا است، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خردمندترین بانوی روزگار بود، و این ویژگی در سراسر زندگی اش نمایان است. او در پرتو خرد بلندش به جایی رسید که نخستین بانوی توحیدگرا شد، و همسنگر و مشاور اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و وزیر او؛ و هستی اش را برای ساختن تاریخ، به

ص: ۲۳۳

۱- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۳۰۳.

او در راه هدف شایسته اش، فداکاری می کرد، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را دلداری می داد، به او امید می بخشید، و در برابر بی مهری و خشونت، پناهِش می داد و غرق مهرش می ساخت و مدیر داخلی کانون گرم و باصفایی بود که محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از آن سنگر، به تسخیر کشور دل ها کمر همت بسته بود، و بدین جهت. مشاور آگاه و وزیر خردمند و شجاع اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود.

در یکی از اسناد تاریخی آمده است که: خدیجه در زیبایی ظاهر و باطن، زیباترین زن روزگارش بود و از نظر خرد و اندیشه خردمندترین و اندیشمندترین آنان. او در پاک روشی، دین باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی آراسته ترین ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان؛ «وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالاً، وَ أَكْمَلِهِنَّ عَقْلاً، وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَ أَكْثَرِهِنَّ عِفَّةً وَ دِينًا وَ حَيَاءً وَ مُرُوءَةً وَ مَالاً...» (۱)

۷. پاک منشی و نجابت

در جهان عرب، زنان بلندآوازه ای ظهور کرده اند که بانوی خردمند حجاز سرآمد آنان است؛ برای نمونه:

«بلقیس»، ملکه «یمن»، که از ویژگی درایت و آینده نگری بهره ای وافر داشت و حکومتی شبه دموکراسی را اداره می کرد، که قرآن گزارش مثبتی از شخصیت و مدیریت او را به تابلو برده است. (۲)

اما بانوی خردمند حجاز سرآمد بود؛ چرا که هم ظاهر را می دید و هم باطن را، هم روح و مغز و هدف را و هم پوسته و ظاهر را. این بانوی بزرگ، ملکه کمال و جمال، ثروت و اقتدار و شکوه و آزادگی در جهان عرب بود. در درجه نخست از قبیله بزرگ «هاشم»، در مرحله بعد خود سرشناس و دارای اقتدار بود، به علاوه خودش دارای امکانات گسترده و تشکیلات منظم تجاری و اقتصادی بود و زنان بسیاری در خدمت او. او یک دختر عادی

ص: ۲۳۴

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۴.

۲- . نمل: ۳۲ - ۳۵.

نبود. برجسته بود و سرشناس و صاحب کمال و امکانات گسترده، اما پاک منش، خردمند و شایسته کردار، آینده نگر و ژرف اندیش، حق جو و برخوردار از گوهر گرانبهای آزادمنشی؛ به همین جهت به او «طاهره» می گفتند. (۱)

او در چنان اوج معنوی بود که «ابوطالب» توحیدگرا و آزادمنش «بنی هاشم» او را در روزگار جاهلیت این گونه وصف می کند:

«إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةً مِّمُّونَةٌ فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذَرُ الشَّنَارَ؛ (۲) راستی که خدیجه بانویی است در اوج کمال، پر برکت و آراسته به خوبی و از هر گونه نقطه نازیبای دنیای خویش به دور است.»

۸. بانوی دانش و بینش

اشاره

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آن روزگار تیره و تار از زنان صاحب بینش و منش بود و از دانشمندان سرشناس، و با عالمان مذهب موسی و مسیح در گفتمان بود.

او در این رشته ها نامدار و صاحب اندیشه و نظر بود:

الف در دانش تعبیر خواب

به گزارش تاریخ و روایات، بانوی آزادی در این رشته حساس علمی و معنوی صاحب نظر بود؛ به گونه ای که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در آستانه برانگیختگی اش تعبیر خواب های شگفت انگیز و تفسیر رؤیاهای رحمانی اش را با او در میان می نهاد، و او نیز افزون بر تحلیل و تفسیر آن ها، گاه با عمومی دانشمندان «ورقه» که کشیشی پارسا بود به گفت و گو می نشست؛ برای نمونه:

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در آغازین مراحل دریافت وحی، در آینه رؤیا حقایق را دریافت می داشت و می دید که از آینده پیام دارد، و آنها را با بانوی دانش و کمال در میان می نهاد، و او ضمن تفسیر آن ها، به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نوید می داد که: مژده ات باد که خدا جز نیکی برایت نمی خواهد و

ص: ۲۳۵

۱- . حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۵۶ و ۷۵.

پیش نمی آورد؛ «أَبَشْرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُصْنَعُ بِكَ إِلَّا خَيْرًا...» (۱)

تعبیرهای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پاسخ اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و تفسیر خواب های آن حضرت، که گاه پس از شنیدن دقیق خواب اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می گفت: «أَبَشْرُ» و گاه می گفت: «هَذَا خَيْرٌ فَأَبَشْرُ» و بدین سان به او نوید اوج رشد و معنویت را می داد، نشانگر آگاهی او از تأویل خواب ها است، و گرنه نمی تواند این گونه به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پاسخ دهد.

ب در شناخت ادیان و مذاهب

بانوی نواندیش حجاز در شناخت مذاهب، صاحب دانش بود. عمویش، «ورقه» از کشیش های صاحب نظر در تورات و انجیل و آموزه های آنها بود، و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دانش خود را از او فرا گرفته و از شاگردان سرشناس وی بود.

دلیل این سخن آن است که پس از فرود فرشته وحی برای نخستین بار بر محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، وقتی آن حضرت دلشوره و یژه خود را با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در میان نهاد، آن بانوی ژرف نگر پرسید: آیا می توانی آن پیام رسانی را که پیام خدا را می آورد، این بار که آمد، نیک بنگری و او را وصف کنی؟ «أَتَسِيطِعُ أَنْ تُخْبِرَنِي بِصَاحِبِكَ هَذَا الَّذِي يَأْتِيكَ إِذَا جَاءَكَ...؟» (۲) فرمود: آری. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: پس این بار که برایت پیام آورد، او را برای من وصف نما.

پس از مدتی با آمدن فرشته وحی، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «خدیجه! این فرشته وحی است که پیام آورده است.» و او برابر آموزه های موسی و مسیح، برای شناخت فرشته وحی به یک آزمون علمی دست زد، آن گاه به تفسیر خواب و خبرهای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرداخت.

این نکات نشانگر آن است که آن بانوی بزرگ این گونه بود:

۱. از مفاهیم و معارف مذهب موسی و مسیح و آیین حق گرای ابراهیم و اسماعیل آگاه بود.

۲. با یکتایی و صفات آفریدگار هستی، فرشته وحی، پدیده وحی و پیام خدا، مقام والای پیامبری، و نیز شیطان و وسوسه های آن و دیگر مفاهیم دینی آشنا بود.

ص: ۲۳۶

۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۳۲۴.

۲- همان، ص ۳۲۶.

۳. افزون بر این، او همراه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و نزدیک ترین چهره به او بود؛ آیا با آن عشق و شور متقابلی که میان آن دو بود و با شوری که برای شناخت تحولات آینده داشت، ممکن است آموزه های اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را فرا نگیرد و یا اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آیین خود را به او نیاموزد؟

چگونه او که نخستین گرونده به اسلام، نواندیش ترین بانو و پیشنازترین ها در توحید و اخلاص بود، و پیش از همه در جریان فرود وحی بر یار مهربان قرار می گرفت و خانه اش فرودگاه فرشتگان بود، صاحب دانش و بینش نباشد؟

انبوهی از حدیث نگاران می نویسند:

«أَنْزَلَ اللهُ عَلَى رَسُولِهِ الْقُرْآنَ وَ الْهُدَى وَ عِنْدَهُ خَدِيجَةُ؛ (۱) خدا قرآن را در حالی به پیامبرش فر فرستاد که خدیجه در کنار آن حضرت و یار مهربان و مشاور و وزیر توانمند و دلسوز او بود.»

ج بانوی روایت و درایت

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از بانوان کمال جو و دانشوری است که پس از ظهور اسلام، ذوق و فرصت خود را در خدمت آموزش قرآن و فرهنگ و سیره اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار داد، و از روایت گران و آورندگان حدیث گردید.

مرحوم «استرآبادی» از راوی شناسان به نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از بانوان نامداری می شمارد که از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) روایت آورده، و به افتخار شاگردی او مفتخر گشته است. (۲)

همین گونه راوی شناس آگاه مرحوم «محمد حائری» (۳) و مرحوم «اردبیلی» (۴) و نیز «ابن حزم اندلسی» او را نخستین آورنده روایت از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شمرده اند. (۵)

«بیهقی» از حدیث نگاران اهل سنت بر آن است که روایات رسیده از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در

ص: ۲۳۷

-
- ۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۳۳۶.
 - ۲- استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال، ص ۴۰۰، به نقل از: سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۳۲۹.
 - ۳- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، ج ۷، ص ۴۶۲.
 - ۴- غروی اردبیلی، محمد بن علی، جامع الزواہ، ج ۲، ص ۴۵۸.
 - ۵- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۳۲۹.

کتاب های اهل سنت موجود است، و این روایت را می آورد که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت: ای پیامبر خدا! در حال طواف بر گرد خانه خدا چه دعایی را زمزمه کنم؟ «يا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَقُولُ وَ اَنَا أَطُوفُ بِالْبَيْتِ؟»

پیامبر فرمود: بگو: بار خدایا، گناهانم را بیامرزد و لغزش های خواسته و ناخواسته و زیاده روی در کارهایم را ببخشای... «قُولِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ خَطَايَا وَ عَمْدِي وَ إِسْرَافِي فِي أَمْرِي...» (۱)

و نیز «عبد الله بن حسن» آورده است که: از مادرم فاطمه، دختر امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) شنیدم که این روایت را از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) روایت می کرد؛ «سَمِعْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ بِنْتَ الْحُسَيْنِ ۷ تُحَدِّثُ بِهَذَا الْحَدِيثِ عَنْ خَدِيجَةَ...» (۲)

و با این وصف دست تاریک اندیش به این خیانت نیز دست یازید و در جهت دشمنی با فرهنگ و منش خاندان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به ویژه علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) روایات بانوی خردمند حجاز را حذف نمود و گاه به نام «عایشه» جا زد تا او را در جایگاه علمی برتری بنشانند. (۳)

د بانوی ادب و هنر

هنر سرایندگی و سرودن شعر زیبا و دل انگیز، کاری است بزرگ و ذوق و موهبتی است سرشار؛ و از آن شکوهارتر آن است که سروده، پر محتوا و دارای هدف و پیام انسان ساز و برانگیزاننده به سوی آزادی و رعایت حقوق دیگران سروده شود. چنین سروده ای از دنیایی سرشار از ذوق و لطافت و چشمه جوشانی از ظرافت و دلی آکنده از شور و شعور و پروا و صفا می جوشد. و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همان گونه که در میدان های دانش و ایمان و آزادگی سرآمد بود، در هنر سرایندگی نیز تماشایی است.

از ویژگی های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، چهره ادبی و ذوق هنری او است؛ به گونه ای که خانه او، مرکز

ص: ۲۳۸

۱- همان، ص ۳۳۰.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۳۳۱.

مرحوم «امینی» او را در شمار سرایندگان نامدار شمرده، و بر آن است که آن بانوی خردمند دارای قریحه ای لطیف و ذوقی ظریف بود و سروده هایش در وصف اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، گواه توانایی هنری و بلندی فکر و بالندگی ذوق او است. (۱)

افزون بر آنچه در وصف دانش و هنر او آمد:

۱. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بارها در وصف بانوی خردمند حجاز و نفی پندارهای برخی کوتاه فکران و کوتاه بینان در مورد او با سوگندی سخت فرمود:

«وَاللَّهِ مَا أُخْلِيفَ لِي خَيْرٌ مِنْهَا، قَدْ آمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُ النَّاسَ، وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسَ، وَوَسَّيْتَنِي بِمَالِهَا إِذَا حَرَمَنِي النَّاسَ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ أَوْلَادَهَا إِذَا حَرَمَنِي أَوْلَادَ النِّسَاءِ؛ (۲)» به خدای سوگند که هرگز همسری بهتر از خدیجه به من ارزانی نشد. روزگاری که مردم به من کفر ورزیدند، او ایمان آورد، و هنگامی که مردم مرا دروغ گو می شمردند، رسالتم را گواهی کرد، و آن گاه که مردم مرا در محاصره قرار می دادند، ثروت هنگفت خود را در راه هدف های من ریخت، و خدا فرزندان مرا از نسل او قرار داد، نه دیگر زنان.»

۲. انبوه روایاتی که بر برتری مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دلالت دارد، نشانگر برتری او در دانش و منش و ایمان است، که یک نمونه از آن روایات این است که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود:

«وَخَيْرَتُهُ مِنَ النِّسَاءِ فَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، اِمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ؛ (۳)» و از میان زنان کمال جو و پیشتاز، برگزیدگان بارگاه او عبارت اند از: مریم، دختر پاک منش عمران؛ آسیه، دختر ستم ستیز مزاحم و همسر استبدادگر عصر موسی، خدیجه، دختر نواندیش حجاز، و دیگر فاطمه، دخت سرفراز محمد.»

ص: ۲۳۹

۱- . کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ص ۳۵۷؛ علامه امینی، عبدالحسین، الغدير في الكتاب والسنه، ج ۲، ص ۱۷.

۲- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السيره النبویه، ج ۱، ص ۸۰.

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۸.

این بیان، نشانگر برتری او در دانش و بینش نیز هست؛ چرا که علم برترین فضیلت است.

۹. گزینش تحسین برانگیز و تاریخ ساز

پس از ویژگی کمال جویی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که او را از شرایط تیره و تاریک روزگارش بیگانه ساخته بود و در اندیشه جامعه و جهانی نو و طرحی زیبا برای زندگی راه نموده بود ویژگی انتخاب شایسته و هوشمندانه او و پشیمانی او در گزینش اسلام و گرایش به پیام عدالت آفرین آسمان، سخت تحسین برانگیز است؛ چرا که انسان ها در برابر برنامه ها و رویدادهای تازه، از نظر واکنش همانند نیستند، بلکه این گونه اند:

الف محافظه کاران و طرفداران شرایط موجود و مخالفان هر گونه دگرگونی و پیدایش شرایط جدید؛ گرچه فضای تازه، عادلانه، بشردوستانه و رشدبخش باشد.

قرآن این جریان سنگواره ای را سخت نکوهش می کند:

(وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ؛ (۱) و این سان پیش از انگیزش تو در هیچ شهری هشداردهنده ای نفرستادیم، جز آن که شادخواران آن گفتند: ما پدران خود را بر همین آیینی که هستیم یافته ایم و ما از پی گام هایشان می رویم).

پیامبرشان می گفت: گرچه راهی مترقی تر و هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافته اید برایتان آورده باشم؟ آنان می گفتند: بی گمان ما به آنچه شما به خاطر آن فرستاده شده اید کافریم. (۲)

ب نواندیشان و کمال جویان و چهره های آزادمنش که همواره از نخستین استقبال کنندگان طرح ها و برنامه ها و راه و رسم اصلاح گرانه اند و سرچشمه نواندیشی و خاستگاه تحوّل.

ج مردم عادی که در آن میان، هدف این دو گروه و دو اردوگاه نوگرا و محافظه کار قرار می گیرند، و بخشی به راه نو می گرایند و برخی نیز چماق سرکوب اردوگاه استبداد

ص: ۲۴۰

۱- زخرف: ۲۳.

۲- زخرف: ۲۴. هم چنین نگاه کنید به: زخرف: ۲۵؛ مائده: ۱۰۴؛ اعراف: ۲۷ - ۲۸؛ یونس: ۷۵ - ۷۸.

می شوند و موفقیت هر یک از دو اردوگاه، در گرو جذب گروه سوم است.

و بدان دلیل که هر دو اردوگاه، به ظاهر همانند می نمایند، انتخاب بر گروه سوم دشوارتر می شود؛ چرا که موسی از خداپرستی، آزادی، عدالت، پاکی، درستی، خدمت به خلق، امتیث ملی، وطن دوستی و نجات جامعه سخن می گوید، و فرعون محافظه کار و استبدادگر نیز از همین ها دم می زند و خود را مدافع سینه چاک کشور، ملت، امتیث، نجات و رستگاری مردم و دین رسمی معرفی می کند.

این جا است که برای گزینش راست از دروغ، حقیقت از ریاکاری، آزادی از خودکامگی، صداقت از دورویی، خادم از خائن، توحیدگرا از شرک گرا و حق طلب از سوداگر و شیفته دنیا دشوار می گردد. این جا است که هوش سرشار، اندیشه ژرف، و توفیق راه یابی می خواهد تا انسان بسان آزادی خواه آل فرعون، همسر کمال جوی او، افسونگران و روشنفکران دربار استبداد، شهامت مندانه و درست انتخاب کند.

و جالب است که با نگرش به نهضت توحیدگرایانه و آزادی خواهانه پیامبر، پیش از هر کس با جوانی نواندیش و با بانویی نوگرا، بسان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) روبه رو می گردیم که در آغازین روزهای طلوع اسلام، پس از اندیشه ای ژرف، به انتخابی شگفت دست می زنند، و این گزینش مترقی، از بانوی صاحب قدرت و اعتبار بسیار تفکرانگیزتر است؛ چرا که او طبق روال عادی باید در میان اردوگاه نخست قرار می گرفت، اما نه تنها چنین نبود که زیبا انتخاب کرد و با صداقت و شهامت و تدبیر، به زودی به حلقه رهبری جریان تحوّل خواه و عدالت طلب اوج گرفت. به جایگاه پرفرازی که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا واپسین لحظه ها از آن انتخاب خردمندانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به عظمت یاد می کرد و می فرمود:

«قَدْ آمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرَ النَّاسُ، وَ صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ، وَ وَسَّيْتَنِي بِمَالِهَا إِذَا حَرَمَنِي النَّاسُ، وَ رَزَقْتَنِي اللَّهُ أَوْلَادَهَا إِذَا حَرَمَنِي أَوْلَادَ النَّسَاءِ.» (۱)

و نیز هر گاه نام الهام بخش او را می آوردند، می فرمود:

ص: ۲۴۱

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۸۰.

«خَدِيجَةُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةٍ؟ صَدَّقْتَنِي حَيْثُ كَذَبَنِي النَّاسُ، وَ وَاذَرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ، وَ أَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا؛(۱) از خدیجه سخن گفتید؟ کجا همانند او پیدا می شود؟...»

و نیز این انتخاب شگفت، یکی از رازهای هموزنی و همانندی او با مریم و آسیه و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سخنان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) است، چرا که آنان نیز در زندگی خویش آزمون هایی دشوار از سر گذرانده و انتخاب شگفت داشتند و سرفراز سر بر آوردند.

۱۰. پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت

اشاره

بانوی کمال جوی حجاز، پیشتازترین زن در گرایش به اسلام است، و این پیشتازی در اسلام و ایمان و نماز و برپایی فرهنگ و منش آن، و سبقت در بیعت با پیامبر آزادی از امتیازات درخشان او است؛ به ویژه که در آن شرایط تیره، فروغی در شبستان زندگی انسان، آن هم زنان و دختران که بدترین قربانی تاریک اندیشی و اوهام پردازی مغزهای سنگواره ای بودند سوسو نمی کرد. به شماری از این روایات در این راستا می نگریم:

الف پیشتازی در اسلام

۱. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در مورد شکوه و عظمت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در روز رستاخیز فرمود:

«ثُمَّ تَسْبِقُكَ أُمُّكَ خَدِيجَةُ أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ مَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَهُ التَّكْبِيرِ؛(۲) آن گاه مادرت خدیجه، آن بانوی خردمندی که نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبرش بود به همراه هفتاد هزار فرشته که در دست آنان، پرچم های شکوه و عظمت خدا است به پیشوازی می شتابند.»

۲. امیر آزادی در مورد پیشتازی خود و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به اسلام فرمود:

«وَ لَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِزَاءِ فَارَاهُ، وَ لَا يَرَاهُ غَيْرِي، وَ لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا؛(۳) پیامبر چند ماه از سال را در غار حرا

ص: ۲۴۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.

۲- . همان، ج ۸، ص ۵۳ - ۵۵.

۳- . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

می گذراند. در آن جا تنها من او را می دیدم و کسی جز من او را نمی دید. در آن روزها در هیچ خانه ای جز خانه پیامبر که خدیجه هم در آن جا بود اسلام و ایمان راه نیافته بود، و من در آن شرایط دشوار سومین آن دو بزرگ منش بودم که در راه ساختن جامعه و جهانی نو در تکاپو بودیم.»

۳. پیشوای آزادی در روز عاشورا هنگامی که در برابر تحریف ها و حق پوشی های استبداد به روشنگری پرداخت، چنین فرمود:

شما را به خدا آیا می دانید که مادر بزرگ من خدیجه، نخستین بانوی گرونده به اسلام و تصدیق کننده پیامبر و پیشتاز در یاری او است؟ «أُنشِدُكُمْ اللَّهَ؛ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟» گفتند: آری، به خدا.

و بدین سان پیشتازی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مورد گواهی دوست و دشمن بود.

۴. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) در چهلمین بهار زندگی بود، که روزی فرشته وحی در غار «حِرا» فرود آمد، و مژده پیام رسانی را به او داد، و آیات خدا را بر قلب مصفایش خواند. پس از این رویداد بزرگ، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) به سوی خانه حرکت کرد و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سیمای او، فروغ و معنویت وصف ناپذیری را دید و از راز آن پرسید، که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) فرمود:

«هَذَا نُورُ النَّبُوَّةِ، قَوْلِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؛ (۱) این روشنی و درخشندگی، فروغ رسالت است، اینک بگو خدایی جز خدای یکتا نیست، و محمد پیامبر خدا است.» و او احساس ویژه ای در دل یافت و گفت: من از دیرباز در انتظار چنین روزی بودم.

ب پیشگامی در ایمان

از ویژگی های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن است که در ایمان راستین پیشتازترین زنان نوگرا است. به برخی از روایات در این مورد می نگریم:

۱. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از گرایش به اسلام، در برابر دعوت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) به شرایط و پیمان ها و مقررات خدا که شرط ایمان است گفت: من به آنچه خدا فرو فرستاده است، ایمان

ص: ۲۴۳

آورده و دین او را تصدیق نموده، و به گرایش به این راه و رسم جدید خشنود و در برابر خدا فرمانبردارم؛ «آمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ» (۱)

۲. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در شکوه ایمان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و پیشتازیشان، به فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرمود: فاطمه جان، نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبرش از این امت، علی است و مادرت خدیجه؛ «إِنَّ عَلِيًّا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ خَدِيجَةُ أُمَّكِ» (۲)

۳. و در اشاره به نوگرایی و پیشتازی او در ایمان به خدا فرمود: او روزی که شما مرا در دعوت آزادی بخشم دروغ پرداز می انگاشتید، راست گویی و درست اندیشی ام را گواهی کرد، و آن گاه که شما در حق ناپذیری پای می فشردید، او به من و راه آسمانی ام ایمان آورد؛ «صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَ آمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ» (۳)

آری، این امتیاز او مشهور است و میان دانشمندان مخالفی ندارد. (۴)

ج پیشگامی در نماز

نماز و نیایش اگر در زندگی انسان جایگاه درستی داشته باشد، هم نشانگر رابطه دوستانه انسان با خدا است و هم دلیل درست اندیشی و قانونمداری و بشردوستی او، و هم اثر سازنده خود را در بینش و منش و رفتار او می نهد و او را اصلاح می کند؛ (وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ) (۵)

از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) آورده اند که فرمود:

«مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَوَتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ لَمْ يَزِدْ مِنْ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا»؛ (۶) کسی که

ص: ۲۴۴

-
- ۱- همان.
 - ۲- همان، ص ۵۰۲.
 - ۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۲.
 - ۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویّه، ج ۱، ص ۲۴۲.
 - ۵- عنکبوت: ۴۵.
 - ۶- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۲۰، ص ۹۹.

نمازش او را از زشتی و گناه باز ندارد، جز دوری از خدا بهره ای نبرده است.

پیام روایت این است که: نماز، هنگامی انسان را از گناه و زشتی دور می سازد که به آن دل دهد و پیام انسان ساز آن را بشنود و کاری انجام دهد که به خدا نزدیک گردد؛ اما هنگامی که نماز گزار از زشتی و پایمال ساختن امتیت و آزادی مردم دوری نجوید، نماز او دارای شرایط و اثر مورد نظر قرآن نیست، و تنها زمانی نماز او اثربخش می گردد که از نافرمانی خدا توبه کند و خویشتن را از اسارت هواها و بلای زورمداری نجات بخشد.

یار و مشاور پرمعنویت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نه تنها نمازش چنین بود که در انجام آن پیشتاز هم بود؛ برای نمونه:

۱. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، پیش از اعلام اسلام، بارها فرشته وحی را دید، و مژده رسالت را دریافت و نماز را آموخت و مدت ها به صورت نهانی نماز می خواند. روزی به هنگام نماز، علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وارد شد، و او را دید، و از آن عبادت ویژه پرسید، که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود:

این نماز است که خدا مرا به آن فرمان داده است. در این هنگام آن جوان کمال جو را به طور رسمی به اسلام فرا خواند، و او اسلام آورد و با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نماز گزارد، و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز اسلام آورد، و پس از آن روز، هنگامی که پیامبر به نماز می ایستاد، علی و خدیجه با او می ایستادند؛ «هَذِهِ الصَّلَاةُ الَّتِي أَمَرَ اللهُ بِهَا، فَدَعَا إِلَى الْإِسْلَامِ فَاسْلَمَ وَصَلَّى مَعَهُ وَاسْلَمْتُ خَدِيجَةَ» (۱)

۲. پس از اسلام امیر مؤمنان ۷ و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، سه سال کسی اسلام نیاورد و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همراه این دو انسان بزرگ منش دور از چشم تاریک اندیشان نماز می خواند. روزی ابوطالب به همراه پسرش جعفر از جایی می گذشت که دید اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حال نماز است و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در سمت راست و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پشت سر او نماز می خوانند. او پس از جست و جو و دریافت پاسخ لازم، به پسرش جعفر فرمود: در کنار عموزاده ات محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قرار بگیر و با او نماز بخوان؛ «صَلِّ جَنَاحَ ابْنِ عَمِّكَ».

آری، از امتیازات و برتری های آن بانوی خرد و معنویت، این بود که نخستین بانوی

ص: ۲۴۵

۱- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۰۲.

نماز گزار با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به همراه امیر مؤمنان ۷ بود؛ تا آن جایی که «محدث نوری» می نویسد: نخستین مردی که در تاریخ اسلام، پس از پیام آوران آن، به نماز و نیایش ایستاد علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است و نخستین زن نماز گزار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است، که در اسلام و ایمان نیز پیشتاز بود؛ «فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ صَلَّى مِنَ الرِّجَالِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةُ» (۱)

و قرطبی می نویسد: خدیجه نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و آن برنامه آسمانی را که محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از سوی پروردگارش برای مردم آورده بود، با همه وجود گواهی نمود و او را در راه رساندن پیام خدا و ایجاد دگرگونی مطلوب، یاری کرد و در این راه فداکاری و شکیب قهرمانانه ای نشان داد: «خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ صَدَّقَ مُحَمَّدًا فِيمَا جَاءَ بِهِ عَنْ رَبِّهِ وَ آزَرَهُ عَلَى أَمْرِهِ» (۲)

د در بیعت برای حمایت از پیامبر آزادی

بانوی آزادی، نه تنها پیشتازترین زن در گرایش به اسلام و ایمان و نماز است، که نخستین بانویی است که دست بیعت به پیام آور آزادی داد، و دلیرانه پیمان بست که از حق حیات، آزادی، برابری، حق دفاع و دیگر حقوق طبیعی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در برابر فشار استبداد دفاع نماید، و به این پیمان نیز سخت وفادار ماند و فداکاری ها کرد:

۱. امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در پاسخ فرزندش امام کاظم ۷ در این مورد فرمود: «هنگامی که علی و خدیجه اسلام آوردند، پیامبر روزی آن دو را فرا خواند و فرمود: شما برای تقرب به خدا اسلام آورده و در برابر برنامه آسمانی که از سوی او آمده است سر فرود آورده اید، اینک اگر در موضع خویش استوارید، باید با خدا و پیامبرش بیعت کنید. آن گاه آن دو با خدا و پیامبر و دین او، برای فداکاری تا پای جان بیعت نمودند» (۳)

۲. در روایت دیگری است که: «پس از اسلام و ایمان علی و خدیجه، روزی پیامبر آن دو را به حضور خواند و فرمود: این فرشته وحی است که نزد من آمده و می گوید: اسلام و

ص: ۲۴۶

۱- . محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۵۵.

۲- . سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاء الطاهره، ص ۲۰۴.

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

باور آن، دارای شرایط و پیمان هایی است. آن گاه پس از بیان آن ها، از آن دو پرسید: آیا به همه آنچه بر شمردم، گواهی می دهید؟

نخست امیر و آن گاه خدیجه دگر باره لب به اعلام باور عمیق خود گشودند. در این هنگام پیامبر به فرمان خدا دست مبارک را گشود و دست علی را در میان دست خود نهاد و فرمود: علی جان! با من در مورد شرایط و مقدرات اسلام بیعت نما و پیمان ببند که از من و آرمان من، همان گونه دفاع نمایی که از جان خود دفاع می کنی. آن گاه رو به خدیجه نمود و از او خواست تا دست روی دست پیامبر نهاد و بیعت نماید، و او نیز با پیامبر بر این اساس بیعت نمود. (۱)

بدین سان بانوی آزادی دوشادوش امیر مؤمنان^۷ و همفکر و هم اندیش با او اسلام آورد، به پرفرازترین مراحل ایمان و پروا اوج گرفت و در پیمایش راه کمال، پس از علی (عَلَيْهِ السَّلَام) دست بیعت به پیامبر آزادی داد.

امتیازات اسلام و ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام)

با این بیان بانوی آزادی، در این مورد به این امتیازات مفتخر است:

۱. پیشتازترین زن در گرایش به اسلام؛

۲. پیشتازترین زن در ایمان به خدا؛

۳. پیشتازترین زن در نماز و پرستش خدا؛

۴. پیشتازترین زن در بیعت آگاهانه با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای دفاع از حق.

و این امتیازات شکوهار نشان اندیشه والا و صداقت او است.

افزون بر این امتیازات، امتیاز دیگر آن بانوی نمونه این است که سبک اسلام و ایمان او نیز ممتاز است و از پیشگامان و برجستگان و بزرگانی چون سلمان، ابوذر، مقداد و عمار نیز ممتازتر است؛ چرا که آنان هیچ یک، آمادگی لازم برای تحویل پذیری و گرایش به راه و رسم تازه و برنامه جدید را نداشتند و در انتظار آن نبودند به همین دلیل هم پس از

ص: ۲۴۷

۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۳۳۸.

رویارویی با آن، فرصت لازم بود تا بیندیشند و پس از مطالعه و مقایسه، راه جدید را برگزینند؛ اما خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) این امتیاز را نیز داشت که از مدّت ها پیش در این اندیشه بود و در مورد آینده و آخرین پیامبر و شرایط جدید، بسیار اندیشیده بود، و به همین دلیل هم هنگامی که در برابر دعوت جدید قرار گرفت، توانست سریع تر تصمیم بگیرد، و به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد و اعلام دارد که: «من از مدّت ها پیش در این مورد اندیشیده و در انتظار چنین رویداد خجسته ای بودم.»

راز نواندیشی و پیشتازی او

این نواندیشی و پیشتازی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در اسلام و ایمان و بیعت و نماز به چند دلیل بود:

۱. او از دیرباز، با ادیان آسمانی آشنا و در مورد آن ها، مطالعه کرده بود، و در پرتو این شناخت بود که از نویدرسانی موسی و مسیح در وصف آخرین پیامبر آگاهی یافته بود.

۲. او شاگرد آگاه و پرشور عمویش «ورقه»، از عالمان بزرگ مذهب مسیح بود، و او مفاهیم مذاهب پیشین را به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آموخته، و در راه زندگی، مشاور دلسوز او بود.

۳. راز دیگر پیشتازی او، شناخت او از محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و شهرت آن حضرت به راستی و درستی و پروا و آزادگی بود، و آن بانوی بزرگ، هنگامی که آن نویدها را در مورد آخرین پیامبر خدا می نگریست، و نشانه ها و منطقه ظهورش را در کتاب های آسمانی می دید، و از دگر سو محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را برترین انسان ها می یافت، بیشتر به هدف نزدیک می شد.

۴. امتیاز دیگر اسلام و ایمان و بیعت او با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) این بود، که بسیار خالصانه و سرشار از اطمینان قلب بود. دلیل این بیان، گواهی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به ایمان استوار او، و دلیل دیگر آن که او ثروت هنگفت، آبرو و اعتبار و آسایش و امتیّت خویش را پای دین خدا نهاد، و این همه فداکاری جز در پرتو اخلاص و باور استوار و یقین والا نشاید.

۵. امتیاز دیگرش این بود که اسلام و اسلام گرایی او نه احساسی بود و نه دنباله روانه. نه بر اساس مد و پیروی از جریان محافظه کار و غالب و رایج جامعه بود و نه موسمی و فصلی و زودگذر؛ بلکه بر اساس شناخت و خردورزی و کمال طلبی بود. دلیل آن هم،

افزون بر هدیه ثروت و امکانات گسترده اش در راه باور خویش، زندگی و امتیت خود را نیز در این راه نهاد؛ به گونه ای که روایات نشان می دهد، او سال ها در اندیشه جهانی نو و در جست و جوی آخرین پیام و پیامبر بود.

۱۱. همگامی با امیر ۷ در راه آزادی

اشاره

از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مهرش به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، توفیق شرکت در تربیت او، سعادت همراهی و همفکری با وی در دفاع از حق و حمایت از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و سرانجام بیعت با علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به عنوان امیر مؤمنان به اشاره اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است.

این ویژگی ها به این بانوی کمال، جلوه دیگری بخشیده و آسمان زندگی او را در راه گسترش آزادی و ارزش های انسانی این گونه ستاره باران کرده است:

الف مربی و مدافع لایق روزگار کودکی امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

از شگفتی های روزگار در زندگی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این بود که در آغازین مراحل زندگی، از سایه آرامش بخش پدر و مادر محروم گردید، و دست حکیمانه تقدیر، او را به خانه «ابوطالب» و همسر مترقی اش «فاطمه» رهنمون گردید، و این زن و مرد عدالت خواه، نگاه داری و مراقبت از آن کودک نمونه را به عهده گرفته، و در این راه پر فراز و فرود از هیچ گونه فداکاری دریغ نکردند.

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در خانه آن دو، به بهاران زندگی رسیده و با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیمان زندگی بسته بود، که از ابوطالب و همسرش، کودکی تاریخ ساز دیده به جهان گشود. ولادت او با پنجمین بهار زندگی مشترک اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همزمان گردید، و گویی خدا این بار چنین خواسته بود که این کودک آینده ساز در برترین خانه فرهنگ و دانش و در کنار والا-ترین مرد و زن روزگار، راه رشد و شکوفایی را آغاز کند. از این زاویه است که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از مشورت با ابوطالب و همسرش، آن کودک ارجمند را به خانه خود برد و اداره زندگی و تغذیه جسم و فکر و عاطفه او را به همراه همسر کمال طلب و خداجویش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عهده گرفت.

در این مورد حدیث نگاران آورده اند که: پس از رحلت جانسوز پدر و مادر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در کودکی،

ابوطالب و همسرش مراقبت و تربیت او را به عهده گرفتند، آن گاه پس از گذشت چیزی فراتر از دو دهه، دست حکیمانه تقدیر تربیت و آموزش فرزند آن پدر و مادر شایسته کردار را به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و همسر کمال جوی او خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سپرد و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در دامن آنان شکوفا گردید؛ «ثُمَّ أَنَّهُ كَانَ أَبُو تَالِبٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ رَبَّيَا النَّبِيِّ وَ رَبِّي النَّبِيُّ وَ خَدِيجَةُ لِعَلِيٍّ» (۱)

و نیز آورده اند که:

«وَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَ هُوَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ كَسَبَتْهُ يَوْمَ أَخَذَهُ أَبُو تَالِبٍ؛ فَزَبَّتْهُ خَدِيجَةُ وَ الْمُضَيَّفِيُّ إِلَى أَنْ جَاءَ الْإِسْلَامُ، وَ تَزَوَّجَتْهُمَا أَحْسَنُ مِنْ تَزْوِجِهِ أَبُو تَالِبٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ، فَكَانَ مَعَ النَّبِيِّ إِلَى أَنْ مَضَى وَ بَقِيَ عَلِيٌّ بَعْدَهُ»؛ (۲) پیامبر، علی را در آغازین سال های کودکی و ششمین بهار زندگی با تدبیری حکیمانه از خانه عمویش به خانه خود و خدیجه برد، و این رویداد مهم، درست بسان همان رویدادی بود که در کودکی خود آن حضرت پدید آمد، و ابوطالب و همسرش سرپرستی محمّد را به عهده گرفتند، و بدین سان علی در کانون مهر و صفا و در مهد دانش و بینش و قلب تپنده توحید و عدالت که خانه محمّد و خدیجه بود پیمایش راه زندگی را پی گرفت، و مورد عنایت آنان بود تا خورشید اسلام درخشدن گرفت.

بدین سان شرایط تربیتی و نگاهداری اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بهتر از شرایطی بود که ابوطالب و همسرش برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فراهم آوردند؛ «اخْتَرْتُ مَنْ اخْتَارَ اللَّهُ لِي عَلَيْكُمْ عَلِيًّا» (۳)

ب مهر و صف ناپذیر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

پس از رفتن علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به سرای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، چیزی نگذشت که کار از تعهد انسانی گذشت، و مهر او بسان فرزند دلبندی گستره قلب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را فرا گرفت، و آن بانوی کمال، به

ص: ۲۵۰

۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاة الطاهرة، ص ۳۳۵.

۲- مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۱۹؛ ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳- ابن شهر آشوب، محمّد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۷؛ مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۲۹۵.

صورت مادری شیفته برای آن برترین فرزند عصرها جلوه کرد. دیگر آن کودک ارجمند شب و روز در خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود؛ در کنار مام پرمهر و باصفایش می زیست، بازی می کرد، و همگام با رشد ظاهری و جسمی از نظر معنوی و اخلاقی، فکری و عاطفی و منش و روش مترقی زندگی در پرتو روشنگری ها و الگودهی های درخشان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پله های کمال و شکوفایی را پشت سر می نهاد.

یکی از دانشمندان اهل سنت، ضمن بحث در این مورد، می نویسد: بدین سان علی از کودکی در خانه خدیجه رشد کرد و پس از او با دخت فرزانه اش فاطمه پیوند زندگی بست. بر این باور آشکار می گردد که ریشه و اساس خاندان پیامبر از سوی مادر، به خدیجه بازمی گردد نه دیگری؛ «وَعَلَى نَشَأَ فِي بَيْتِ خَدِيجَةَ وَ هُوَ صَیْغِرٌ، ثُمَّ تَزَوَّجَ بِنْتَهَا بَعْدَهَا فَظَهَرَ رُجُوعُ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّبَوِيِّ إِلَى خَدِيجَةَ دُونَ غَيْرِهَا» (۱)

انگیزه های این مهر خالصانه

انگیزه های این مهر خالصانه، متنوع بود:

۱. زیبایی و جاذبه و صف ناپذیر آن کودک آینده ساز.

۲. زیبایی معنوی و انسانی او که بارقه هایی از آن، به تدریج جلوه گر می شد و گستره قلب خداجوی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را تسخیر می نمود.

۳. احساس دل بستگی و مهر و صف ناپذیر محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) به آن کودک شکوه بار.

۴. و دیگر نقش نجات بخش و بی نظیرش در زندگی انسان ها و پیشرفت دین خدا و آرمان های والایی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در اندیشه آنها بود.

آن بانوی هوشمند، مهر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را نظاره می کرد و می شنید که می فرمود: هر کس علی را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد، خدا را؛ «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ؛ وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ مَنْ

ص: ۲۵۱

۱- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح البخاری، ج ۷، ص ۱۱۰.

از این زاویه بود که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دوستی علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را در امتداد دوستی محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و دوستی خدا می‌نگریست و جزیی گسست ناپذیر از ایمان و شایسته کرداری و عدالت خواهی؛ همان گونه که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌نگریست. با این وصف چیز شگفتی نیست که آن بانوی معنویت، بهترین غذا و زیباترین لباس را برای علی فراهم می‌ساخت و به هنگام حرکت او، افزون بر اهتمام به آراستگی لباس و مرکب او، شماری از کارگزاران را برای خدمت و مراقبت از او می‌گماشت و وجود او را بخشی از وجود عشق زندگی اش، محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) احساس می‌کرد و به گونه‌ای در آسایش و رشد او تلاش می‌کرد که ناظران را شگفت زده می‌ساخت! تا جایی که خدمت کاران و نزدیکان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پاسخ پرسش افراد ناشناس از علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، می‌گفتند: این نوجوان شکوه بار، برادر محمّد، محبوب ترین های روزگار در نظر او، آرامش بخش دل او و نور دیدگان خدیجه است: «هُوَ أَخُو مُحَمَّدٍ وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيْهِ وَ قُرَّةُ عَيْنِ خَدِيجَةَ وَ مَنْ يُنْزِلُ السَّكِينَةَ عَلَيْهِ.» (۲)

ج همفکر امیر آزادی در دفاع از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و آیین او

در مرحله سوم از زندگی علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، بانوی خردمند حجاز را هم‌رزم او در دفاع از دین و در حمایت دلیرانه از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌یابیم.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «پیامبر پنج سال دعوت آسمانی اش را نهان می‌داشت، و تنها علی و خدیجه به او ایمان آورده و یار و همراه و مدافع او بودند.»

آن دو انسان نوگرا و آزادی خواه، از فشار تاریک اندیشان و سیاه کاران، اندیشه و باور و راه و رسم مترقی خود را نهان می‌داشتند؛ اما همراهی و حمایت خود را از آن بزرگوار دریغ نداشته و هر دو، جان بر کف در خدمت آرمان های آن حضرت بودند.

نمونه ای از دفاع و فداکاری آن دو از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در سال ششم از بعثت و فرود آیات تازه (۳)

ص: ۲۵۲

۱- . متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۲۲.

۲- . مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۱۴۴.

۳- . حجر: ۹۴ - ۹۶.

درخشید که خواندنی است. (۱)

د نخستین بیعت کننده با امیر مؤمنان ۷

بانوی کمال جوی حجاز از همان آغازین سال های دعوت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با شناخت امیر آزادی و آراستگی او به بینش و منش مورد نظر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، دل را در گرو مهر او نهاد و با رهنمود خدا و پیشنهاد پیامبرش با امیر مؤمنان به عنوان جانشین اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و آموزگار دین و نمونه اسلام زنده و بالنده بیعت نمود و پس از او، بسیاری از بزرگان چنین کردند.

و این از دیگر امتیازات آن بانوی بزرگ در زندگی پرافتخار او است.

اسناد تاریخی و حدیثی در این مورد از جمله آورده اند:

«ثُمَّ قَالَ: يَا خَدِيجَةُ! هَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي. قَالَتْ: صَدَقْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَايَعْتُهُ عَلِيٌّ مَا قُلْتُ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكَ بِذَلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً؛ (۲) پس از گذشت مراحل از دعوت پیامبر و پیشتازی علی و خدیجه، روزی پیامبر با اشاره به امیر آزادی فرمود: ای خدیجه! این سبیل ایمان و آزادی، سرمشق و سررشته دار تو و توحید گرایان پس از من خواهد بود؛ در این مورد چه می اندیشی؟ او با سنجیده گویی و اخلاص پاسخ داد: این حقیقت را گواهی نموده و اینک بر این اساس با او بیعت می کنم، و خدا و پیام آورش را بر استواری این انتخاب و این بیعت، به گواهی می گیرم و می دانم که گواهی خدا بسنده است.»

۱۲. پرتوی از نیایش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است. به همین جهت دعا و نیایش در زندگی دوستان خدا جایگاه پرفرازی دارد. آنان به دعا خو می گیرند. به نیایش عاشقانه روی می آورند، و با راز و نیاز، بال می گیرند و با مناجات پر شور و شعور تا عرش خدا راه

ص: ۲۵۳

۱- کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز: خدیجه، ص ۴۲۴.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۳۱؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، اثباه الهداه، ج ۱، ص ۶۴۱؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۱؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۳۳۷ - ۳۴۰.

می یابند. با آن به اوج آرامش می رسند و گمشده دل ناآرام خویش را در آن می یابند، و آن را دانشگاه آزادگی ها و بی نیازی ها و استقلال ها و برزندگی ها و خودسازی ها می نگرند.

... و یار و مشاور خداجوی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، سرآمد زنان نیاشگر بود.

۱. آن بانوی معنویت و اخلاص این دعا را همیشه به همراه داشت:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَمَا غَشِيْتُ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَيْدَاءً، وَاصْرِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ»^(۱) به نام خداوند مهرگستر مهربان. ای خدای زنده و زندگی بخش! ای خدای برپا دارنده هستی! من به مهر تو پناهنده ام، پس خودت پناهم ده، و هرگز به اندازه یک چشم بر هم زدن، مرا به حال خود وامگذار؛ حال و روزم را اصلاح فرما و کران تا کران زندگی ام را آن گونه که خود می پسندی سامان بخش، ای خدای مهربان!

۲. و نیز این دعا را زیر لب زمزمه می کرد که:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِيْظُ يَا رَقِيْبُ»^(۲) به نام خدای مهرگستر مهربان. ای خدای یکتا! ای نگهبان و ای نگهدارنده هستی! و ای مراقب همگان!

۳. او از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خواست تا دعایی به او بیاموزد تا به هنگام طواف خانه خدا آن را زمزمه نماید، و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این دعا را به او آموخت: بار خدایا! گناهانم را بیامرز و لغزش های خواسته و ناخواسته و زیاده روی در کارهایم را بر من ببخشای؛ «قَالَتْ خَدِيْجَةُ: يَا رَسُوْلَ اللهِ! مَا أَقُوْلُ وَ أَنَا أَطُوْفُ بِالْبَيْتِ...»^(۳)

۱۳. برتوی از عبادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

واژه عبادت که در فارسی به مفهوم پرستش آمده بر دو بخش است: عبادت به مفهوم گسترده، و عبادت به مفهوم ویژه.

۱. عبادت به مفهوم نخست، عبارت است از هر چیزی که در قلمرو اندیشه و سخن و منش و عمل، انسان را به خدا نزدیک سازد؛ همه این ها در نگرش دینی، پرستش خدا

ص: ۲۵۴

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۲۴.

۲- سید بن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات، ص ۱۷.

۳- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغزاة الطاهرة، ص ۳۳۰.

است و انسان را در جهت هدف آفرینش جهت می دهد و به خدا نزدیک می سازد.

۲. اما عبادت و پرستش به مفهوم خاص، عبارت از نماز، روزه، حج، زکات و دیگر اموری است که بر مردم آگاه روشن است.

قرآن هدف نهضت های توحیدی را پرستش خالصانه خدا و آراستگی به منش مورد نظر او و زندگی آراسته به عدالت و آزادگی و سبک مطلوب و محبوب او می نگرد؛ (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ). (۱)

و جالب است که در زندگی پرافتخار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هر دو مفهوم پرستش و عبادت جلوه گر بود.

زندگی درس آموز او، از آغاز تا آشنایی با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و از پیشگامی در اسلام و ایمان تا واپسین لحظات زندگی، عبادت و نیایش بود. عملکرد درخشان او از غذا دادن به محرومان تا آب رساندن به بینوایان؛ از ایثار در راه خدا تا فرهنگ سازی و آموزش مقررات و آداب زندگی به مردم؛ از به دوش کشیدن بار مسئولیت اداره خانه خود و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا پارسایی و ساده زیستی و تحمل محرومیت ها برای آسایش مردم و پیشرفت اسلام و هماهنگی با پیشوای آزادی؛ از همسررداری نمونه تا دفاع قهرمانانه از آیین او، از تحمل رنج ها، فشارها، محاصره ها، تبعیدها و شکنجه ها که پس از اعلام آشکار دعوت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از سوی استبداد مکه و به خاطر دفاع از آزادی و امتیّت مردم نواندیش و بی پناه بر او وارد آمد؛ همه این ها را خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خاطر پرستش خدا و تقرب به او به جان خرید، و تازه این ها غیر از نماز و نیایش های شبانه او با خدا است.

او مفهوم پرستش و ارزش واقعی عبادت و نقش رابطه گرم و عاشقانه با خدا و گام سپردن در شاهراه هدف آفرینش را در مفهوم گسترده و خاص آن، به همان اندازه که آفریدگارش را شناخته بود، درک می نمود؛ از این رو جای شگفتی ندارد که از راز و نیاز و عبادت، لذت روحی ببرد. شگفت انگیز نیست که از ایستادن در برابر خدا به آرامش دل برسد. شگفت انگیز نیست که در برابر پروردگارش آن سان فروتنی نماید و از سجده و قیام

ص: ۲۵۵

احساس خستگی نکند. آری، او چنین پرستشگر بامعنویتی است که خدا بر بندگی او مباحث می کند: «... فَإِنَّ اللَّهَ لِيَا هِيَ بِكَ كِرَامًا مَلَائِكَتِهِ كُلَّ يَوْمٍ مَرَارًا» (۱)

۱۴. یار همراه اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در راه رشد و نجات جامعه

از ویژگی های خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زندگی خانوادگی، درک شکوه و معنویت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و همراهی با او در راه رشد و شکوفایی و رسیدن به پیام رسانی خدا بود؛ برای نمونه:

۱. به گونه ای که در زندگی معنوی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آورده اند، آن حضرت پیش از انگیزشش از سوی خدا، هر ماه، چند روز و هر سال، ماه رمضان را به غار «حِرا» (۲) می رفت و در آن خلوتگاه عشق، از سویی به نشانه های قدرت خدا می نگریست و می اندیشید، و از دگر سو به پرستش خردمندانه و نیایش عارفانه با ذات بی همتای محبوب می نشست. (۳)

جالب است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، نه تنها مانع این عشق محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نمی شد، که یار همراه و عشق همپای او بود. بسیار دیده بودند که او هر بامداد و شامگاه محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را بدرقه می نمود، و در بازگشت او، به پیشوازش می رفت. گاه خود او را همراهی می کرد و گاه برایش آب و غذا می برد، اما مراقب بود تا خلوت عاشقانه و راز و نیاز عارفانه او را بر هم نزند. گاه غلامان و نزدیکانش را در اطراف غار «حِرا» به محافظت از او می گماشت و خود نقش یار پر مهر را برای او ایفا می نمود. این همراهی به گونه ای بود که به هنگام نخستین فرود وحی بر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نزدیک او بودند. (۴)

۲. در آغازین سال های اعلام دعوت از سوی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به دلیل فرود تدریجی وحی، جارچی های استبداد تلاش تخریبی گسترده ای را بر ضد او و آیین اش آغاز نمودند، و این

ص: ۲۵۶

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸؛ قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه الزهراء ۳ من المهد إلى اللحد، ص ۳۲.
۲- . این غار در قلّه کوه استوار حِرا در شش کیلومتری شمال شرقی مکه و در کنار راه عرفات است.
۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۱۰؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

۴- . علامه امینی، عبدالحسین، الغدير في الكتاب والسنة، ج ۳، ص ۲۳۸.

سخن ناروا را در میان ساده دلان شایع ساختند که اگر خدا پیامی هم به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرستاده، اینک او را رها نموده و دیگر پیام نمی دهد. این بدانندیشان از این حقیقت غافل بودند که اگر کسی به شرایط و ویژگی های رسالت آراسته نباشد، از سوی خدا برگزیده نمی شود، و اگر آراسته بود، دیگر آن پندار، بی اساس است. افزون بر آن اگر آن موقعیت پرفراز از سوی خدا به کسی داده شد، خودش به آن ایمان دارد و در مورد آنچه می بیند، دستخوش تردید نمی گردد.

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز به گواهی خدایش به پدیده وحی و فرفرستنده قرآن ایمانی ژرف و تزلزل ناپذیر داشت: (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ)، (۱) اما بافته های گزنده دشمنان و ساده اندیشی برخی از مردم که با حقیقت مقام رسالت و راز فرود تدریجی وحی آشنا نبودند، (۲) و تحت تأثیر بدانندیشان چون و چرا می کردند (۳) دل نازنین آن حضرت را آزرده؛ اما در این شرایط دشوار، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بسان آغازین روزهای فرود وحی، یار فداکار و آرامش بخش دل او در برابر زخم زبان ها بود، تا فرشته وحی فرود آمد و با پیام خدا، ساخته بدانندیشان را پاسخ داد. (۴)

۱۵. نمونه حق شناسی و رعایت حقوق زیردستان

از ویژگی های بانوی خردمند حجاز، دگردوستی و حق شناسی بود.

او مردم را بندگان خدا می دید و برای همگان خیرخواه و کارساز بود و در این راه، به ویژه به محرومان و زیردستان بها می داد و در بینش، منش و میدان های زندگی برای آنان ارزش انسانی به رسمیت می شناخت. درست از این زاویه است که مردم مکه او را پناهگاه محرومان، مادر پر مهر و فروتن بینوایان و یتیمان لقب داده بودند.

از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آورده اند که در دوران نوجوانی با یکی از دوستانش که جوانی از «قریش» بود از سوی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای تجارت و داد و ستد به بازار «تهامه» که بسان نمایشگاه های امروز بود رفتند و با شور و تلاش به کار خود پرداختند. به هنگام ظهر از سوی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) غذایی

ص: ۲۵۷

۱- بقره: ۲۸۵.

۲- فرقان: ۳۲؛ اسراء: ۱۰۶.

۳- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۱۳۴، به همین قلم.

۴- ضحی: ۱- ۱۱.

مطبوع برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و دوست او آوردند، و به گونه ای انسانی و با کرامت با آنان رفتار گردید که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره از آن قدرشناسی و انسان نوازی او سپاس گزاری می نمود و می فرمود:

من مدیر و کارفرمایی پرمهترتر، حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزارانش ندیدم. هر گاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، می دیدیم غذایی ویژه برای ما دور از دسترس نگاه داشته است، که آن را به ما هدیه می نمود و بزرگ مناشانه رفتار می کرد؛ «ما رَأَيْتُ مِنْ صَاحِبِهِ لِأَجِيرٍ خَيْرًا مِنْ خَدِيجَةَ، مَا كُنَّا نَرْجِعُ أَنَا وَصَاحِبِي إِلَّا وَجَدْنَا عِنْدَهَا تُخَفَّهُ مِنْ طَعَامٍ تَخْبَأُهُ لَنَا.» (۱)

۱۶. نمونه شجاعت و شهامت

بانوی خردمند حجاز، نمونه شجاعت بود و سبیل صلابت در راه عدالت. بانوی پایداری قهرمانانه بود، و یگانه تاز میدان دفاع از حقوق انسان ها. در استواری بسان کوه سر به آسمان ساییده و استوار بود و در شکوه، همچون صخره محکم و استوار. در تزلزل ناپذیری چون ستون نامرئی و استوار آسمان بود، و در توفندگی چون اقیانوس مواج و بی کرانه. در روشنگری بسان درخشش برق بود، و در غرّش بر ضدّ ستم و تاریک اندیشی بسان رعد.

اگر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در برابر تاریک اندیشی و استبداد و انحصار ایستاد و مسیر نکبت بار تاریخ را تغییر داد، و در برابر تهدید و ارعاب و تطمیع و شگردهای رنگارنگ آنان، استوار و پرشهامت خروشید که: نه، به خدا سوگند اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهند تا از ابلاغ پیام و تحقق عدل و داد و آزادی انسان چشم پوشم، چنین نخواهد شد؛ «يا عَمَاءُ! وَاللَّهِ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي شِمَالِي عَلَى أَنْ أَتْرَكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ مَا تَرَكْتُهُ.» (۲)

و اگر علی (عَلَيْهِ السَّلَام) جان برکف و پرشهامت، از «يوم الدار» تا هجرت، از خفتن بر جای پیامبر تا «بدر»، «احد»، «خندق» و «حنین» همه جا، سایه به سایه پیامبر عدالت، نستوه و

ص: ۲۵۸

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰.

۲- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۵.

قهرمانانه از آزادی و حقوق بشر دفاع کرد و نه‌راسید، بانوی آزادی، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز همراه و همپای پیامبر آزادی در گذر زمان پیش رفت، دردها و رنج‌ها را شهامت مندانانه به جان خرید، پایداری ورزید، شجاعانه ایستادگی نمود و از روز آشنایی با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام، و از آغاز مخالفت زورمداران با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و پیام او تا اوج فشار و ددمنشی دشمن و تا محاصره همه جانبه و تبعید به دره‌های مکه، همیشه و همه جا از مال و جان و اعتبارش مایه نهاد و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نورزید و لحظه‌ای از برق شمشیرها نه‌راسید و با همه وجود نشان داد که در راه عدالت خالصانه و شهامت مندانانه در برابر بیداد می‌ایستد و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده فریب کار و ستم پیشه‌ای نمی‌هراسد؛ (يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ). (۱)

به نمونه‌هایی از جلوه‌های شهامت و فداکاری‌هایش می‌نگریم:

۱. شهامت او در شکستن رسوم خرافی در انزواگرینی دختران و زنان و پذیرش زندگی طفیلی، با گزینش راه استقلال به همراه پاک‌منشی.
۲. شهامت اداره بزرگ‌ترین شبکه تجارت داخلی و خارجی، آن هم روزگاری که زن، نه انسان به حساب می‌آمد و نه صاحب حقوق.
۳. شهامت تاریخی انتخاب برترین شریک زندگی و پیشنهاد ازدواج به او، آن هم با نه گفتن به زرداران و زورداران و هیچ انگاشتن ملامت هم‌نوعان ناآگاه.
۴. شهامت همراهی با یک انسان تاریخ‌ساز و تحوّل‌آفرینی که روند تاریخ را از بیراهه انحطاط به شاه‌راه رشد و پیشرفت تغییر داد.
۵. حمایت همه جانبه از پیامبر آزادی در برابر تاریک‌اندیشان خشونت‌کیش، که تنها به نمونه‌ای بسنده می‌شود: (۲)

در آغازین ماه‌های دعوت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، مردی از «یمن» وارد مکه شد تا در مورد خبرهایی که پیرامون ظهور اسلام شنیده بود پژوهش نماید. در دروازه شهر به ابوسفیان رسید و از

ص: ۲۵۹

۱- . مائده: ۵۴.

۲- . کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ص ۴۶۶.

رویدادهای تازه پرسید. او گفت کار جامعه ما در مدار درست بود که به ناگاه محمد به پا خاست و خدایان ما را به باد نقد و ناسزا گرفت و آیین ما را به خرافه وصف کرد، به افکار و باورهای ما خندید و پدران ما را در بیراهه شمرد و نسل جوان و زنان ما را با افکار خویش تباه ساخت. (۱)

آن مرد برای شنیدن سخن اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، به در خانه او و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رفت، اما هنگامی که در زد، با صدای شیرآسای آن بانوی شجاع که نگهبانی از جان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را در آن شرایط پرخطر و در برابر یورش آدمکشان به عهده گرفته بود روبه رو شد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با در زدن آن مرد، پنداشت که او از دشمنان و مهاجمان است، به همین جهت بر او خروشید که: از پی کار خود برو، تاریک اندیشان و ظالمان، محمد را آرام نمی گذارند تا در خانه اش بیارند. شما که او را از خود راندید و در برابر منطق عادلانه او به خشونت روی آوردید، دیگر از جان او چه می خواهید؟ «إِذْهَبْ إِلَى عَمَلِكْ مَا تَدْرُونَ مُحَمَّدًا يَأْوِيهِ ظِلُّ بَيْتِ قَدْ طَرَدْتُمُوهُ... إِذْهَبْ إِلَى عَمَلِكْ».

آن مرد به آرامی گفت که دشمن نیست، و آن بانوی شجاع پس از مشورت با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، درب را گشود، و او شرفیاب شد و اسلام آورد. (۲)

راستی که در وصف تدبیر و شجاعت او و حمایتش از اسلام و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مردم نواندیش، چه زیبا و سنجیده گفته اند که: خدیجه وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود، و او به یاری و حمایت بی دریغ و شجاعانه وی بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شد و با صفای وصف ناپذیر او آرامش خاطر می یافت: «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقِ عَلِيٍّ الْإِسْلَامِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا» (۳)

۱۷. ویژگی بخشنده‌گی و بزرگ منشی

از ویژگی های تحسین برانگیز بانوی آزادی، بلندنظری او است.

او در بخشش و رسیدگی به محرومان بسان آسمان بلند بود که دانه های بی شمار و

ص: ۲۶۰

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲- تلخیص از بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۹۸ - ۱۰۰؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۱۸۱ - ۱۸۳.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱.

زلزال باران حیات بخش از آن بر زمین می بارد. بسان آبشار ریزان بود که شفاف و زلال، طراوت و شادابی می بخشد.

او، هم در ارزش های فکری و معنوی آبشار انفاق و بخشش بود و هم در ارزش های مادی به محرومان.

او در پرتو مهر خدا و مدیریت توانمند اقتصادی و بر اثر تلاش خستگی ناپذیرش، از ثروتمندان بزرگ روزگارش بود. ثروت هنگفت او به گونه ای بود که کاروان های متعددی، کالای تجاری او را در پایتخت های منطقه جابه جا می کرد، و با هر رفت و آمد به شام، یمن، ایران، مصر و... بر ثروت و اعتبار او می افزود.

سرای بزرگ و پرشکوه داشت که می توانست مردم شهر را در آن جا پذیرایی کند، و در کنار آن، مهمان خانه ای برای محرومان فراهم کرده بود تا هم از آنان پذیرایی شود و هم گره گشایی. بر فراز خانه اش، خیمه ای پرشکوه و سبزرنگ نصب شده بود که وقتی آن جا می نشست، همه دروازه های شهر زیر نظرش بود. او این تشکیلات گسترده را با صدها کارگزار اداره می کرد، و هر لحظه بر ثروت خود می افزود؛ اما روح بزرگ و پرشکوهی داشت که تمامی این ثروت را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بخشید تا در راه نجات محرومان، سیر کردن گرسنگان، پناه دادن به یتیمان و گسترش عدالت و آزادی هزینه کند، و این بخشش او به گونه ای خالصانه بود که خدا آن را گرامی داشت و فرشته وحی فرود آمد و کار بزرگ او را در ردیف مواهب بزرگ خدا به بنده برگزیده اش محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برشمرد. (۱)

این بخشش بزرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، به پیشوای آزادی امکان داد تا وام و امداران را بدهد. تهی دستان را نجات بخشد. بی پناهان را پناه و یتیمان را پرستاری کند. مهاجران را به امکانات هجرت مجهز سازد. کسانی را که ثروت و امکاناتشان از سوی استبداد مصادره می گردید، یاری رساند. به کمک آن بخشش بزرگ، زندگی خود و خاندانش را در هجرت اداره نماید و بتواند صلوة رحم و در راه های شایسته هزینه کند.

ص: ۲۶۱

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۲۵؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۰.

گواهی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به بلندنظری و بخشندگی او

۱. پیامبر هماره از بخشندگی بانوی حجاز یاد می کرد و می فرمود: «... وَ أَشْرَكْتَنِي فِي مَالِهَا حِينَ حَزَمِنِي النَّاسُ...»؛ (۱) خدا هرگز همسر و مشاوره بهتر از او به من ارزانی نداشت. او با شریک ساختن من در دارایی اش، مرا در راه هدف هایم یاری رساند.

۲. و نیز به گروهی از زنان فرمود: از خدیجه سخن گفتید؟ کجا همانندش پیدا می شود؟ او بود که با دارایی هنگفت خود مرا در راه هدف یاری رساند؛ «خَدِجَةُ وَ آيِنٌ مِّثْلُ خَدِجَةَ؟... وَ أَعَانَتْنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا.» (۲)

۳. و نیز فرمود: خدا هرگز همسر و مشاوره بهتر از او به من ارزانی نداشت... او با ثروت بسیارش مرا در راه عدالت یاری نمود؛ «مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا... وَ وَاسْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَزَمِنِي النَّاسُ...» (۳)

۴. و نیز در قدرشناسی از بخشندگی او در راه پیشرفت اندیشه آزادی بخش دین خدا فرمود: هیچ ثروتی در راه هدف هایم بسان ثروت خدیجه سودبخش نیفتاد؛ «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلُ مَالِ خَدِجَةَ.» (۴)

بر این اساس است که اندیشمندان با بهره وری از روایات رسیده می نویسند: برای آن بانوی فرزانه، این شرافت و شکوه بس که اسلام در برابر استبداد و تاریک اندیشی، جز در پرتو منش پرجاذبه پیامبر و جهاد خالصانه امیر مؤمنان و ثروت و همت بلند خدیجه قامت برنیفراشت؛ «كَفَّاهَا شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ أَنْ الْأِسْلَامَ لَمْ يَقُمْ إِلَّا بِمَالِهَا وَ سَيْفِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا رُوِيَ مُتَوَاتِرًا.» (۵)

نقش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشرفت اسلام و انسان

پدیده اسلام و پیشرفت شگفت آور آن

ص: ۲۶۲

- ۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۲۰۷.
- ۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.
- ۳- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۲۱۸.
- ۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.
- ۵- مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷، فضل النساء.

هنگامی که تاریخ جهان را ورق می‌زنیم و سرنوشت ملل را می‌نگریم، می‌بینیم در برهه‌ای از زمان موج عظیمی از تمدن و فرهنگ، به وسیلهٔ جامعه‌ای گمنام و عقب مانده در جهان عرب پدید آمد و پس از مدتی، بیش از نیمی از سرزمین‌های آباد آن روز را تحت نفوذ خود گرفت، و چنان اثری بر جای نهاد که هیچ جست و جوگر فلسفهٔ تاریخ نمی‌تواند عظمت و تأثیر آن را در پیدایش تمدن‌های بعد جهان نادیده گیرد.

«نهر» در کتاب خود در مورد شکوه این پیشرفت اعجاب‌انگیز می‌نویسد: شگفت‌انگیز است که این نژاد عرب که در طول قرون دراز، انگار در خواب و خفتگی به سر می‌برد و به ظاهر از آنچه در سایر نواحی اتفاق می‌افتاد بی‌خبر بود ناگهان بیدار شد و با نیرویی شگرف دنیا را تکان داد و زیر و رو ساخت. سرگذشت جامعهٔ عرب و داستان آن که چگونه این ملت به سرعت در آسیا، اروپا و آفریقا راه یافت و فرهنگ و تمدن بزرگی به وجود آورد؟ خود از شگفتی‌های تاریخ بشر می‌باشد.

نیرو و فکر تازه‌ای که عرب‌ها را از خواب بیدار ساخت و آنان را از اعتماد به نفس و قدرت و شور زندگی سرشار نمود، آیین زندگی ساز «اسلام» بود. این مذهب به وسیلهٔ پیامبر تازه‌ای به نام محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به مردم هدیه گردید.

او برای آغاز آموزش مذهب خویش، شتاب نداشت. مدت‌ها زندگی آرامی را ادامه داد، و مورد محبت و اعتماد همشهریان قرار گرفت، و به خاطر بینش و رفتار شایسته‌اش به لقب «امین» مشهور گشت؛ اما وقتی دعوت خود را برای آموزش مذهب جدید آغاز کرد و به ویژه آن‌گاه که به روشنگری بر ضد بت‌ها پرداخت، غوغای عظیمی در مخالفت با او برخاست که سرانجام از مکه بیرون رفت تا جان خود را نجات دهد.

محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پیش و بیش از همه چیز، مردم را به پرستش خدای یگانه که خود او، پیام آور و سفیر او بود دعوت می‌کرد، و در واقع خلاصهٔ دعوت او این جمله‌ها بود که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»^(۱)

او در سال ۶۳۲، یعنی ده سال پس از هجرت، درگذشت در حالی که توانسته بود از

ص: ۲۶۳

۱- نهر، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان، ج ۱، ص ۳۱۶.

قبایل فراوان عربستان که همواره با خود در ستیز بودند ملتی یک پارچه و توانمند بسازد و آنها را از شور و شوق خدمت در راه یک هدف بزرگ سرشار سازد. عرب ها ظرف بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبرشان، بر اثر حرکتی که او پدید آورده و شور و شعله ای که او در جانشان برافروخته بود، توانستند ایران، سوریه، ارمنستان و قسمتی از آسیای مرکزی و مصر و قسمت هایی از شمال آفریقا را فتح کنند.

عرب ها چه در شرق و چه در غرب، پیش رفتند. در شرق، شهرهای هرات، کابل و بلخ در برابر آنان سقوط کرد، و آنها به ایالات «سند» و سواحل رود «سند» در هندوستان رسیدند، و در غرب هم هم چنان پیش راندند.

«عقبه»، سردار معروف عرب، در سراسر شمال آفریقا پیش رفت تا به اقیانوس اطلس و سواحل غربی آفریقای شمالی و مراکش امروز رسید. در آن جا از این که به دریا رسیده است، متأسف شد و مسافت زیادی هم در اقیانوس با کشتی پیش رفت و آن وقت اظهار تأسف کرد که دیگر در آن سمت دنیا، سرزمینی وجود ندارد که بتواند آن را به نام خدا مسخر سازد!

عرب ها از مراکش و آفریقا و از تنگه باریک دریا گذشتند و به اسپانیا و اروپا وارد شدند. بدین شکل در حدود صد سال پس از درگذشت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، امپراطوری اسلام از جنوب فرانسه و اسپانیا در سراسر شمال آفریقا تا سوئز، و از آن جا در سراسر عربستان و ایران و آسیای مرکزی تا مرزهای مغولستان گسترش یافت، به طوری که دیدیم عرب ها از اسپانیا تا مغولستان را مسخر ساختند و این صحراگردان بیابان های عربستان حکمران مغرور یک امپراطوری عظیم گشتند. (۱)

راز این دگرگونی و پیشرفت

اندیشمندان، نفوذ دعوت آسمانی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و گسترش اندیشه و فرهنگ قرآن را در آن

ص: ۲۶۴

شرایط تیره و تاریک و تعصب و مرگ اندیشی و رواج دنباله روی و ظلم پذیری و حاکمیت استبداد، مرهون عواملی می نگردد که مهم ترین آنها را می توان این گونه فهرست نمود:

۱. شرایط آشفته فکری و مذاهب آکنده از خرافات و اوهام و احساس خلاء فرهنگی و اخلاقی خردمندان و آزادی بخش و تباهی های فقر، ناآگاهی، بی عدالتی، نابرابری، استبداد و فریب که شرایط را برای یک تحوّل مطلوب، مساعد نشان می داد.

۲. رهبری های زورمدارانه، انحصاری و اسارت بار و رهبران خودکامه و خشن و فاقد صلاحیت های فکری و عاطفی و منش انسانی.

۳. روش استبدادی و بسته در اداره جامعه، به جای سبک اداره آن، با شیوه مردمی و مشارکت ملی و مردم سالاری شفاف و آزادمنش و عادلانه که حکومت از خواست و رأی مردم شکل گیرد، نقدپذیر و نظارت طلب و مشارکت جو باشد و خود را در برابر تک تک مردم پاسخ گو و محاسبه پذیر بداند.

۴. در برابر آن مقتضیات زمان و شرایط مساعد محیط برای یک تحوّل مطلوب، سادگی و متانت عقاید و آموزه های اسلام. (۱)

۵. جامعیت و همه سونگری آیین جدید. (۲)

۶. قدرت استدلال و اقناع خرد و وجدان بشر. (۳)

۷. فطری و طبیعی بودن مقررات اسلام.

۸. جاذبه و صف ناپذیر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در بینش و منطق و منش. (۴)

۹. رفتار انسانی پیروان راستین اسلام. (۵)

۱۰. نقش ممتاز و سرنوشت ساز چهار چهره نامدار و چند یار فداکار آغاز بعثت، که عبارت اند از: علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).

ص: ۲۶۵

۱- . انعام: ۱۵۰ - ۱۵۳.

۲- . نحل: ۹۰.

۳- . انبیاء: ۲۲؛ بقره: ۱۱۱؛ نحل: ۱۲۵.

۴- . آل عمران: ۱۵۹؛ فتح: ۲۹.

۵- . ممتحنه: ۸؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نقش ممتاز بانوی آزادی در حمایت از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

بانوی خردمند حجاز از جنبه های گوناگونی در پیشرفت و استواری اسلام نقش سرنوشت سازی داشت:

۱. پیش از هر چیز، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) انسان نواندیش و نوگرایی بود که به شرایط تیره و تاریک روزگار خوش بین نبود و آن را نمی پسندید، و در بینش و منش و عملکرد با مردم زمانش بسیار متفاوت، و سخت مخالف جریان تاریخ و روند جامعه بود؛ به همین دلیل به آیین حق گرای ابراهیم ایمان داشت، و همواره با دانشمندان مذهب موسی و مسیح و دانایان عرب در گفت و شنود و در اندیشه رهایی مردم از بلای جهل، شرک، دنباله روی، استبداد و خشونت بود و از ظالمان و واپسگرایان بیگانه. (۱)

بر این باور است که پس از ظهور اسلام با تعمق در آن، و شناختی که از بینش و منش مترقی آورنده اش داشت، با شجاعتی تحسین برانگیز در گرایش به آیین جدید پیشگام گردید و این پیشتازی با آن اعتبار و آوازه بلند و نفوذ اخلاقی و اقتصادی، از سویی دل های بسیاری را به آیین جاهلیت متزلزل، و از دگر سو، به سوی دین جدید متمایل ساخت.

۲. موضع گیری دلیرانه و کارساز خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در حمایت از آیین جدید و در دفاع از امتیّت آورنده آن در آن توفان جهل و جنون و انگیزش خشونت از سوی استبدادگران، گام بلند دیگری بود که راه را به تدریج گشود و برای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرصت سازی نمود تا آیین آسمانی اش را در چشم انداز همگان قرار دهد. (۲)

۳. پایداری و شکیب قهرمانانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در برابر توفان مشکلات، کارشکنی ها، زخم زبان ها، تمسخرها، خشونت ها، داغ و درفش ها، تبعیدها، حصرها و رنج ها پایه پای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)،

ص: ۲۶۶

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳.

۲- . از سخنان روشنگر و دلیرانه او است که می گفت: «لَا أَفْلَحُ مَنْ عَادَاكَ يَا مُحَمَّدُ؛ ای محمد! آن که با تو و آیین زندگی سازت سر ناسازگاری داشته باشد، رستگار نخواهد شد.» (ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۸)

چیزهایی نیست که تاریخ و حافظه تاریخی پژوهشگران، آنها را از یاد ببرد، و این گام دیگر آن بانوی تاریخ ساز در پیشرفت دین و نجات جامعه بود.

۴. امید دادن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در سخت ترین شرایط، نوید دادن به او در برابر فشارها، زدودن گرد و غبار اندوه از گستره دل بیکران اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با ظرافت و درایت و ایمان به خدا، گام بلند دیگر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این راه بود.

۵. شرکت مستقیم در مبارزه بزرگ اسلام با کفر، آزادی با استبداد، عدالت با بیداد، برابری خواهی با برتری جویی، نوگرایی با کهنه گرایی، زندگی خواهی با مرگ اندیشی، استقلال طلبی با تحمیل انزوا و تحقیر و زندگی طفیلی به زن، آن گاه نثار ثروت و امکانات و جایگاه و آسایش و جان در راه خدا و آزادی بندگان او کار سترگی است که در عالم زنان تنها از آن بزرگ بانوی نوگرا و آزاده میسر بود و بس.

درست از این زاویه است که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) همواره او را یاری بی بدیل عنوان می داد. تا در دنیا بود، به او و نام و یاد و هر آن کس و هر آنچه نشان از او داشت، بسیار بها می داد. او را بانوی خرد و کمال، سرمشق ایمان و پروا، آراسته به ارزش های انسانی، نمونه آزادگی و سبیل حق طلبی و سالار زنان کمال جو و رشد یافته خواند و از جانب خدا به او سلام آورد، و نوید بهشت و پاداش پرشکوه داد، و بهشت پرتراوت خدا را در شور و شوق دیدار او وصف نمود،^(۱) و خبر داد که خدا بر فرشتگانش از ایمان و ایثار و اخلاص او مباحثات می کند.^(۲)

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، کار سترگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را در کنار جهاد پرشکوه امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که تنها پاداش یک شمشیرش برابر عبادت آدمیان و پریان وصف شده است برشمرد.^(۳) در میدان عمل او را

ص: ۲۶۷

۱- شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری هندی، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۱۰، ص ۹۹.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

۳- ضَرْبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ. (شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری هندی، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۶، ص ۵۵؛ کتانی، سلیمان، فاطمه الزهراء وَتَرَفِي غَمْد، ص ۱۱۲)

یار و شریک دغدغه‌ها و وزیر کارآمد فرهنگی و انسانی و اجتماعی خویش برگزید، (۱) و فقدان او را فاجعه بار ارزیابی نمود و سال رحلت جانسوزش را سال اندوه عنوان داد. پس از مرگ او برای مدتی خانه نشین گردید، (۲) و سرانجام هم به مدینه هجرت نمود؛ چرا که دیگر با فقدان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جایی برای ماندن نبود.

«طبرسی» در این مورد می‌نویسد: خدیجه و ابوطالب، دو یار پراعتبار و دو پشتیبان راستین پیامبر، هر دو در یک سال، جهان را بدرود گفتند و بدین سان پیامبر، هدف دو مصیبت قرار گرفت: مصیبت مرگ ابوطالب و خدیجه! و این در حالی بود که خدیجه، وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود، و آن حضرت به یاری او و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شد و با مهر و صف ناپذیر او آرامش خاطر می‌یافت؛ «... وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقِ عَلِيٍّ الْإِسْلَامِ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا.» (۳)

و «بیهقی» می‌نویسد: خدیجه و ابوطالب دو یار پرنفوذ اسلام و پیامبر، یکی پس از دیگری در یک سال جهان را بدرود گفتند. با رحلت آن دو چهره نامدار، یکی پس از دیگری به فاصله‌ای اندک، امواج گرفتاری بر پیامبر باریدن نمود، چرا که خدیجه وزیر راستین و کارآمد اسلام و مشاور خردمند و یار شجاع و فداکار پیامبر بود، و آن حضرت به یاری او و حمایت بی دریغ و شهامت‌مندانه اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شد، و با مهر و صفای وصف ناپذیر او آرامش خاطر می‌یافت؛ «ثُمَّ إِنَّ خَدِيجَةَ وَ أَبَا طَالِبٍ مَاتَا فِي عَامِ وَاحِدٍ، فَتَتَابَعَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ الْمَصَائِبُ بِهَلَاكِ خَدِيجَةَ، وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقِ عَلِيٍّ الْإِسْلَامِ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا.» (۴)

کتابنامه

ص: ۲۶۸

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۸۵.

۲- . همان، ج ۱۹، ص ۶۳.

۳- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۳۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱.

۴- . بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۳۵۲.

١. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م ٨٥٢ ق)، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، تحقيق: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، بيروت: دار الفكر، ١٣٧٩ ق.
 ٢. ابن شهر آشوب، محمد بن علي مازندراني (م ٥٨٨ ق)، مناقب آل أبي طالب، تحقيق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المكتبة الحيدريه، ١٣٧٦ ق.
 ٣. ابن هشام حميري، ابو محمد عبد الملك (م ٢١٣٨ ق)، السيره النبويه، تحقيق: مصطفى سقا، ابراهيم ابياري و عبد الحفيظ شلبي، بيروت: دار احياء التراث العربي، [بي تا].
 ٤. اخضر جنابدي، عبد العزيز بن ابي نصر مبارك (م ٦١١ ق)، معالم العتره الطاهره النبويه، تصحيح: سامي الغزيري، بيروت، ١٤٠٧ ق.
 ٥. اربلي، علي بن عيسى (م ٦٩٣ ق)، كشف الغمه في معرفه الاثمه ٧، بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٥ ق.
 ٦. استرآبادي، محمد بن علي، منهج المقال، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء.
 ٧. امين، سيد محسن، المجالس السنيه في مناقب ومصائب العتره النبويه، بيروت: دارالتعارف، ١٤٠٦ ق.
 ٨. بيهقي، احمد بن حسين، دلائل النبوه، مدينه منوره: مكتبه السلفيه، ١٣٨٩ ق.
 ٩. حلبى، علي بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.
 ١٠. دشتى، محمد، نهج البلاغه، تحقيق: سيد كاظم محمدى، قم: انتشارات امام علي (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ١٣٦٩ ش.
 ١١. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواص من الامه بذكر خصائص الاثمه، نجف: منشورات المطبعه الحيدريه، ١٣٨٣ ق.
 ١٢. سيد بن طاووس، رضى الدين علي بن موسى (م ٦٦٤ ق)، مهج الدعوات ومنهج العبادات، تحقيق: حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسهُ الأعلمى، ١٤١٤ ق.
 ١٣. سيلوى، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، [بي جا]: چاپخانه علميه، ١٤٢١ ق.
- شهيد ثالث، قاضى نور الله شوشترى هندی (م ١٠١٩ ق)، إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل،

١. با تعليقات: سيد شهاب الدين مرعشى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ١٤١١ ق.
 ٢. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن (ت ١١٠٤ ق)، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، تحقيق: أبو طالب تجليل تبريزى، هاشم رسولى محلاتى، قم: حوزة علميه، چاپ دوم، ١٣٨٣ ق.
 ٣. ، وسائل الشيعه، تحقيق: مؤسسه آل البيت ٧، قم: مؤسسه آل البيت ٧، أول، ١٤٠٩ ق.
 ٤. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى (م ٤١٣ ق)، الإرشاد فى معرفه حجج الله على العباد، تحقيق: مؤسسه آل البيت ٧، قم: مؤسسه آل البيت ٧، ١٤١٣ ق.
 ٥. صدر، سيد رضا، راه محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، قم: بوستان كتاب، ١٣٨٥.
 ٦. طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى ، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ١٤١٧.
 ٧. مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق: عده اى از محققين، بيروت: مؤسسه الاعلمى، ١٤١٥ ق.
 ٨. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، جامع البيان عن تأويل آى القرآن (تفسير طبرى)، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٨ ق.
 ٩. علامه امينى، عبدالحسين بن احمد (م ١٣٩٠ ق)، الغدير فى الكتاب والسنة والأدب، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٣٨٧ ق.
 ١٠. غروى اردبيلى، محمد بن على (م ١١٠١ ق)، جامع الرواه، بيروت: دارالأضواء، ١٤٠٣ ق.
 ١١. قزوينى، سيد محمد كاظم، فاطمه الزهراء ٣ من المهدي إلى اللحد، بيروت: مؤسسه نور المطبوعات، ١٤١١ ق.
 ١٢. كتانى، سليمان، فاطمه الزهراء وَتَرَّتْ فى غمد، بيروت: دارالكتاب العربى ، ١٣٩٩ ق.
 ١٣. كرمى فريدى، على، فروغ آسمان حجاز: خديجه، قم: نسيم انتظار، ١٣٨٥ ش.
- مامقانى، عبدالله بن محمدحسن (م ١٣٥١ ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، نجف:

١. طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، [بی تا].

٢. متقی هندی، علی بن حسام الدین (م ٩٧٥ ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٣٧٤.

٣. مجلسی، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ١٤٠٣ ق.

٤. محدث نوری، میرزا حسین نوری طبرسی (م ١٣٢٠ ق)، مستدرک وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت، ١٣٠٨ ق.

٥. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ١٤٠٤ ق.

٦. مسعودی، علی بن حسین (م ٣٤٦ ق)، إثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب، بیروت: دار الأضواء، دوم، ١٤٠٩ ق.

٧. نهرو، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان، مترجم: محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.

ص: ٢٧١

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اسوه فضیلت (۱)

سید جواد حسینی

چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسندگان: یقیناً ارادت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن بانو، به خاطر همسر بودن ایشان و یا ثروتمند بودن وی نبود؛ بلکه به جهت کمالات و اوصاف برجسته ای که در آن بانو بروز و ظهور داشت. آنچه پیش رو دارید، اشاره به چهار امر کلیدی است که در ساختار شخصیتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نقش تعیین کننده ای داشته است و می تواند به عنوان الگویی برای جامعه، خصوصاً بانوان مطرح باشد: الف. آگاهی و اطلاعات: با این که زن در جامعه جاهلیت، از علوم، دانش و آگاهی به زمان خویش کاملاً محروم بود، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برخلاف تمام زنان آن زمان و زنان همه دوره ها، از آگاهی و اطلاعات وسیع و زمان شناسی دقیقی برخوردار بود؛ ب. شجاعت: مروری مختصر در زندگی بانوی حجاز، در دورانی که زن از کمترین ارزش ها برخوردار بود، نشان می دهد که او بانوی شجاع و دلیری بوده است؛ ج. مدیریت: بانویی که آن ثروت زیاد را به چرخش درآورد، یقیناً از مدیریت بالایی برخوردار است و بعد از ازدواج با پیامبر ۹ و بعثت حضرت ۹ باید مدیریت بحران را به عهده گیرد که از عهده آن نیز به خوبی برآمد. د. ولایت مداری: بسیار بودند کسانی که در قبولی اسلام و رسالت و حمایت از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیش قدم بودند، امّا در مسئله امامت و ولایت امیر المؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جا ماندند و عقب گرد کردند.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، آگاهی، اطلاعات، شجاعت، مدیریت، ولایت مداری.

روز دهم ماه مبارک رمضان سال دهم بعثت، بزرگ بانوی اسلام و بهترین یاور و

ص: ۲۷۲

همکار پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دار فانی را وداع گفت و پیامبر خدا را به سوگ عظیمی نشاند، تا آن جا که آن سال را سال «حزن و غم» نام گذاری نمود.

یقیناً ارادت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن بانو، به خاطر همسر بودن ایشان و یا ثروتمند بودن وی نبود؛ بلکه به خاطر کمالات و اوصاف برجسته ای که در آن بانو بروز و ظهور داشت.

آنچه پیش رو دارید، اشاره به چهار امر کلیدی (۱) است که در ساختار شخصیتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نقش تعیین کننده ای داشته است و می تواند به عنوان الگویی برای جامعه، خصوصاً بانوان مطرح باشد.

الف آگاهی و اطلاعات

با این که زن در جامعه جاهلیت، از علوم، دانش و آگاهی به زمان خویش کاملاً محروم بود، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برخلاف تمام زنان آن زمان و زنان همه دوره ها، از آگاهی و اطلاعات وسیع و زمان شناسی دقیقی برخوردار بود و عوامل این آگاهی و زمان شناسی چند امر بود:

۱. برخورداری از هوش و درایت سرشار؛ چنان که مرحوم اربلی می گوید: «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً حَيَازِمَةً نَبِيلَةً» (۲) خدیجه بانویی خردمند و خردورز بود. و در جای دیگر می خوانیم: «وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا وَاكْمَلُهُنَّ عَقْلًا وَاتَّمَّهُنَّ رَأْيًا» (۳) خدیجه از زیباترین زنان بود و در عقل کامل ترین و در رأی و نظر برترین آنان بود.»

۲. رشد و نمو در خانواده ای روشن اندیش و حق طلب؛ پدر خدیجه، «خویند» از چهره های برجسته، آگاه و شجاع زمان خویش بود. تاریخ نگاران آورده اند وقتی پادشاه ستمگر یمن، تصمیم گرفت حجر الاسود را از دیوار کعبه جدا نموده، برای رونق بخشیدن به معبد «یمن»، به آن جا انتقال دهد، برای مقابله با آنها کارهایی انجام داد که نشان

ص: ۲۷۳

۱- راز انتخاب این اوصاف این است که در مقالات قبلی مربوط به خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، به اوصاف دیگر آن بانو پرداخته شد و به این اوصاف کمتر توجه شده است.

۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمة، ج ۱، ص ۵۰۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸.

۳- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۴.

دهندهٔ رشد و آگاهی او است:

یک: با پادشاه یمن ملاقات کرد و او را از این کار به شدت برحذر داشت و گفت: «وَإِنَّ رَبَّ الْبَيْتِ لَنْ يَثْرُكَهُ بَلْ يَسْتَحِلُّ عَلَيْهِ
اللَّعْنَهَ تُؤَدِّي بِهِ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ به راستی صاحب خانه آن را رها نمی کند (و از آن دفاع خواهد کرد)، بلکه [متجاوز را] به لعنت
[ابدی] گرفتار نموده، هلاک خواهد ساخت.»

دو: با دعوت سران قریش و چهره های بانفوذ، شورای امتیت ملی تشکیل داد و با این شعار آنان را به مقاومت دعوت نمود:
«الْمَوْتُ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ؛ مرگ بهتر از این [ذلت] است.»

سه: شمشیر خود را برگرفت و به میدان دفاع قدم گذاشت و قریش نیز با شمشیرهایشان او را همراهی کردند و در نتیجه شاه
یمن را از حمله باز داشتند.^(۱)

و همین طور مادر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که «فاطمه» نام داشت، اسیر ارزش های منفی و ذلت بار خرافی نشد؛ بلکه دل،
دامان، اندیشه و رفتار را پاک می داشت و وجود خود را به ارزش های راستین آراسته نموده و به آیین پدران توحیدگرا و
عدالت خواه، حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و اسماعیل ۷ ایمان داشت.^(۲)

هم چنین عموی او «ورقه بن نوفل» مرد دانشمند، خردمند و خوش فکری بود و با بت پرستی مخالف. ابن هشام می گوید: «از
جمله کسانی که علیه بت پرستی سخن گفت، ورقه بود؛ او خطاب به قوم خود، مکیان گفت: جامعه و مردم ما از راه و رسم
ابراهیم خلیل انحراف جسته و در برابر بت ها و معبودهای دروغین سجده می کنند! این سنگی که آنان در برابرش سجده می
کنند، نه قدرت شنیدن دارد و نه توان دیدن و نه می تواند به کسی سود و زیانی برساند.»^(۳)

ص: ۲۷۴

۱- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۹ - ۱۰، به نقل از: کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، ص
۹۰ - ۹۱.

۲- کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، ص ۹۱.

۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۲۲.

و همین طور برادرزاده اش «حکیم» مرد خردورز و صاحب نظری بود، تا آن جا که در سن پانزده سالگی به عضویت «دار الندوه» یا مجلس مشورتی قریش که از شرایط آن عمر و تجربه چهل ساله بود درآمد. (۱)

این شخص و عمویش و همین طور پدر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، در روش و منش و مدیریت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نقش بسزایی داشته اند.

۳. برخورداری از آموزه های آیین حق گرایی ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که خاندان محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خود را فرزند و پیرو آن و خدمت گزار کعبه می دانستند.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر اثر خویشاوندی که با حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) داشت؛ چون نسب هر دو در «قصی» به هم می رسید؛ لذا از آینده درخشان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) اطلاعات وسیعی داشت (۲) و همین امر گرایش او را به توحید و دین ابراهیم، فراهم نموده بود و بدین جهات در دوران جاهلیت یکی از لقب هایی که حضرت به آن شهرت یافت، «طاهره» بود؛ (۳) چون به ناپاکی و شرک و بت پرستی آلوده نشد. (۴)

۴. آگاهی از آموزه های دین موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از راه گفت و شنود مستقیم و غیر مستقیم با عالمان و دانایان آن ادیان؛ مانند ورقه بن نوفل، عموی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، که در باره او گفته اند: «او دانشور و صاحب نظر در معارف و مفاهیم و مقررات کتاب های آسمانی پیشین، و یک کشیش آگاه و حق طلب و آزادمنش و بی تعصب بود.» (۵)

و با «نسطور» از عالمان و پارسایان اهل کتاب و از منتظران ظهور پیامبر موعود (۶) و بحیرا (۷) و نیز با گروه هایی که به خاطر نوید و بشارت های موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و مسیح ۷ و وصف

ص: ۲۷۵

- ۱- . کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، ص ۹۲ - ۹۴.
- ۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۰ - ۲۱.
- ۳- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: المطبعة العلمیه، ج ۱، ص ۴۱.
- ۴- . ر. ک: زرقانی، محمد بن عبدالباقی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۹۹؛ مامقانی، عبدالله بن محمدحسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.
- ۵- . توفیق، ابوعلم، فاطمه زهرا، ص ۳۲.
- ۶- . ر. ک: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹ - ۲۰۱.
- ۷- . ر. ک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۰ - ۲۱ و ج ۱۷، ص ۳۳۱؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۱.

آخرین پیامبر و خاستگاه او، از شام و فلسطین به حجاز آمده بودند، و در انتظار ظهور اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بودند، آشنایی داشت.

۵. آگاهی از طریق روابط تجاری و اقتصادی و آشنایی با قطب های قدرت و مرکز خبرساز، و خبرسان آن زمان.

۶. از راه دیدار با چهره های مطرح روزگار و آشنایی با اندیشه آنان بدون واسطه یا به وسیله افراد هوشمند.

در ریاحین الشریعه می خوانیم: «از ویژگی های این بانوی خردمند این بود که در گفت و شنودش با مسیحیان و دیگر اهل کتاب، آگاهی و اطلاعات گسترده ای از کتاب های آسمانی و بشارت های آنها به ظهور آخرین پیامبر و نیز از خواب هایی که دیده بود، به وقوع این مهم اطمینان داشت و بر این باور بود که دینش جهانی می شود؛ لذا از منتظران ظهور آن حضرت به حساب می آمد.»^(۱)

۷. از طریق برخی الهامات و دریافت های شگفتی که بر اندیشه بسیار پاک او ظاهر می شد، و همین طور از طریق رؤیاهای صادقه که نمونه آن را در جریان ازدواج آن حضرت با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مشاهده می کنیم.^(۲)

۸. تلاش فردی او در راه شناخت و آگاهی اوضاع زمان، خصوصاً شخص حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و سلم).

۹. خداجویی و توحیدگرایی، که خود زمینه آگاهی درونی را ایجاد می کند.

ب شجاعت

مروری مختصر در زندگی بانوی حجاز، در دورانی که زن از کمترین ارزش ها برخوردار بود، نشان می دهد که او بانوی شجاع و دلیری بوده است؛ نمونه های ذیل نشان دهنده شجاعت او است:

ص: ۲۷۶

۱- ر. ک: محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷؛ کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، ص ۳۲۷ - ۳۲۸.

۲- امین، سید محسن، المجالس السیئه، ج ۵، ص ۶، به نقل از کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، ص ۳۲۶.

۱. شهامت او در شکستن آداب و رسوم خرافی و انزوا گزینی دختران و زنان و پذیرش زندگی طفیلی و وابسته، با گزینش استقلال و آزادگی همراه با تقوا و پاک دامنی.

۲. شهامت در اداره بزرگ ترین و موفق ترین شبکه اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی، آن هم در روزگاری که زن را نه انسان به حساب می آوردند و نه دارای حقوق انسانی. (۱)

که در یکی از سفرهای تجارتي، شخص پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز به عنوان نماینده او به کار پرداخت. (۲)

مجموع سرمایه ای که توسط حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به گردش درآمد، هشتاد هزار شتر بود و چهارصد غلام، که اموال او را حمل و نقل می کردند (۳) و این آمار، خیره کننده و حیرت آور است. ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیشترین سود را نیز به پیامبر ۹ رساند. (۴)

۳. شهامت در انتخاب برترین همسر تاریخ ساز، آن هم با زیر پا گذاشتن رسم جامعه، که باید مرد به خواستگاری زن رود، او خود توسط افرادی به آن حضرت پیشنهاد ازدواج داد؛ درحالی که آن حضرت فقیر و نदार بود و دست رد زدن به سینه خواستگاران پول دار، و ترس نداشتن از ملامت های بستگان و هم نوعان.

۴. شهامت در همراهی مردی که به عنوان آخرین پیامبر در مقابل تمام ارزش های بی اساس جاهلیت ایستاد و تمام خطرات را به جان خرید؛ از مرگ و تاراج اموال و اذیت و آزار گرفته تا تهمت های ناروا. قرار گرفتن در کنار چنین مردی و حمایت جانانه از او، شهامت و جسارت بالایی را می طلبد که حاضر باشد خطرات احتمالی را به جان بخرد و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با تمام شهامت خطرها را پذیرا گشت، از جمله محاصره سه ساله اقتصادی در شعب ابی طالب.

ص: ۲۷۷

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۹؛ پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، ص ۱۱۷.

۲- همان.

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

۴- همان، ص ۷۵ - ۷۷.

۵. حمایت همه جانبه از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مقابل پیروان جاهلیت، خصوصاً در مواردی که آن حضرت توسط مشرکان مورد حمله قرار می گرفت و یا سنگ باران می شد، تا آن جا که مجبور بود مکه را ترک کند و به کوه های اطراف پناه ببرد. تنها کسی که به جست و جوی او برمی آمد تا او را یاری رساند، و زخم های بدنش را پانسمان کند، خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود. در یکی از این صحنه ها که از پیدا شدن آن حضرت مأیوس شده بود، فریاد او در کوه های اطراف مکه این گونه طنین انداز شد:

«مَنْ أَحَسَّ لِي النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى؟ مَنْ أَحَسَّ لِي الرَّبِيعَ الْمُتَضَى؟ مَنْ أَحَسَّ لِي الْمَطْرُودَ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحَسَّ لِي أَبِي الْقَاسِمِ؟» (۱)
آیا کسی هست از حال نبی برگزیده برایم خبر آورد؟ کیست که مرا از بهار پسندیده (زندگی) خبرم دهد؟ کیست که مرا از حال شخصی که برای خاطر خدا طرد شده است خبر دهد؟ کیست که از ابا القاسم مرا خبر دهد؟»

سرانجام اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) توسط پیک وحی خبردار شد که پاسخ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را بگوید.

و گاه می شد که در مقابل سنگ باران مکیان سپر بلای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می گشت و فریاد برمی آورد «يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ! تَرْمِي الْحِزَّةَ فِي مَنْزِلِنَا؟ فَلَمَّا سَجَعُوا ذَلِكْ أَنْصَرَفُوا عَنْهُ» (۲) ای قریش! آیا سنگ به منزل او پرتاب می کنید؟ وقتی صدای او را می شنیدند، رها می کردند.»

به طوفان بلا چون کوه محکم به کشتی امان لنگر خدیجه

چو می شد سنگ باران خانه او به پیش مصطفی سنگر خدیجه

ج مدیریت

صفت دیگری که از آن بانو مورد بررسی قرار می گیرد، صفت مدیریت است. بانویی که آن ثروت زیاد را که اشاره شد به چرخش درآورد، یقیناً از مدیریت بالایی برخوردار است، و بعد از ازدواج با پیامبر ۹ و بعثت حضرت باید مدیریت بحران را به عهده گیرد

ص: ۲۷۸

۱- همان، ج ۱۸، ص ۲۴۱.

۲- همان، ص ۲۴۳.

که از عهده آن نیز به خوبی برآمد.

در باره آن بانو می خوانیم که: «وَكَأَنْتَ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا وَكَمْلُهُنَّ عَقْلًا وَاتَّمَهُنَّ رَأْيًا، وَكَثُرُهُنَّ عِفَّةً وَدِينًا وَحَيَاءً وَمُرُوءَةً وَمَالًا»^(۱) خدیجه از زیباترین زنان، و کامل ترین آنان از جهت عقل بود. و در رای و نظر کامل، و از نظر عفت و دیانت و حیا و مروّت و مال در اوج قرار داشت.

اساس هر مدیریتی، خردورزی و طرح دهی کامل است، خصوصاً اگر همراه با انصاف و مروّت گردد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همه را یک جا داشت.

«ابن جوزی» در باره مدیریت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می نویسد: «او در جهان عرب نخستین زن ثروتمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت درخشید و در این راه شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی یافت. او در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش برجسته اش گام برمی داشت و هرگز به هر قیمت و هر بهایی سود نمی جست و بسان زرپرستان روزگار، تجارت را به عنوان وسیله ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، اما حرام و ظالمانه و غیر شرافتمندانه و ضد مردمی و به هر شکل و از هر راه نمی پسندید.

از این رویه بود که برخلاف رسم رایج بازار روزگارش او از احتکار و انحصار و کم فروشی و فریب، از رباخواری و بهره کشی های ظالمانه رایج و از هر نوع حرام خواری و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری می جست، و کار پرشرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی ساخت، و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و از راه های مشروع دنبال کنند.

او به دلیل همین ویژگی های اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی را جلب کرد، بلکه بازارهای منطقه ای را نیز تصاحب نمود و

ص: ۲۷۹

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۴.

کاروان های تجاری او بود که مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه قرار می گرفت.» (۱)

از آنچه گفتیم به خوبی روشن می شود که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم زنی آگاه به زمان، مسائل ادیان، خصوصاً مسائل مربوط به آخر الزمان بود، و هم بانویی با شجاعت، و شهامت و سِتت شکن و نواندیش، و همین طور زن مدیر و مدبّر که با مدیریت قوی او تجارتش در تمام بازارهای داخلی و منطقه ای رونق گرفت.

د ولایت مداری

اشاره

صفت چهارمی که شخصیت حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را برجسته نموده است، ولایت مداری او است. بسیار بودند کسانی که در قبولی اسلام و رسالت و حمایت از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیش قدم بودند، اما در مسئله امامت و ولایت امیر المؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جا ماندند و عقب گرد کردند؛ طلحه و زبیر، حسان بن ثابت، اسامه بن زید و... کسانی بودند که از پیش گامان مسلمین به شمار می رفتند و در حدّ فراوانی از اسلام حمایت کردند، ولی بر ولایت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تا لحظه آخر نماندند و قافیه را باختند.

اما خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم در مسئله رسالت و انتخاب اسلام و بیعت با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیشتاز بود، و هم در مسئله امامت و ولایت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثابت قدم و استوار ماند. در این زمینه نکاتی یادآوری می شود.

یک. مربّی و مدافع علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در آغاز زندگی و بعد از، از دست دادن مادر بزرگوارش آمنه، (پدر را قبل از تولد از دست داده بود) تحت سرپرستی جناب ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و همسر خداجو و پاک دامنش فاطمه بنت اسد قرار گرفت؛ اما گویا روزگار در پی تکرار و جبران حوادث است. مدتی نگذشت که علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تحت سرپرستی پیامبر ۹ قرار گرفت. درست در سن پنج سالگی و بعد از پنجمین بهار زندگانی مشترک پیامبر ۹ و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تحت سرپرستی آن دو

ص: ۲۸۰

۱- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواصّ، ج ۲، ص ۳۰۰ - ۳۰۲، به نقل از کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، ص ۳۲۲ - ۳۲۳، با تلخیص.

بزرگوار قرار گرفت تا تغذیه جسمی، فکری، عاطفی و اخلاقی کاملی شده باشد و تاریخ از این وقایع این گونه گزارش می دهد:

«وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَلِيًّا وَهُوَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ كَسَنَهُ يَوْمَ أَخَذَهُ أَبُو طَالِبٍ، فَرَبَّتَهُ خَدِيجَةُ وَالْمُصْطَفَى إِلَى أَنْ جَاءَ الْإِسْلَامُ وَتَرْبِيَّتُهُمَا أَحْسَنُ مِنْ تَرْبِيَةِ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فَكَانَ مَعَ النَّبِيِّ إِلَى أَنْ أَمْضَى وَبَقِيَ عَلِيٌّ بَعْدَهُ؛^(۱)

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) علی را [تحت تربیت] گرفت در حالی که او شش سال داشت؛ همانند پیامبر که شش سال سن داشت، هنگامی که ابوطالب او را [تحت تربیت] گرفت. پس علی را خدیجه و پیامبر تربیت کردند تا زمانی که اسلام آمد (و محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به پیامبری برگزیده شد). تربیت آن دو [نسبت به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)] از تربیت ابوطالب و فاطمه بنت اسد [نسبت به پیامبر] بهتر بود. پس علی همراه با پیامبر بود تا زمانی که از دنیا رفت و علی باقی ماند.»

در حدیث دیگر می خوانیم: «ثُمَّ إِنَّهُ كَانَ أَبُو طَالِبٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ رَبِيًّا النَّبِيِّ وَرَبِّي النَّبِيُّ وَخَدِيجَةُ لِعَلِيٍّ؛^(۲) پس [از رحلت والدین محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)] به راستی ابوطالب و فاطمه بنت اسد پیامبر را تربیت نمودند، و پیغمبر و خدیجه نیز علی را تربیت نمودند.»

دو. مهر وصف ناپذیر

بعد از مدتی که امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به سرای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وارد شد، چیزی نگذشت که کار از تعهد انسانی برای نگهداری و مراقبت از یک کودک و یا مراعات حال فامیلی و خویشاوندی گذشت، و مهر و محبت آن کودک همچون فرزند دلبنده، ژرفای قلب و وجود خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را پر کرد و به صورت مادر شیفته و شیدای آن کودک درآمد.

کار دل بستگی این کودک آینده ساز به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز به آن جا رسید که پدر و مادرش او را جز در خانه مریبان دلسوز نمی یافتند.

ص: ۲۸۱

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۱۹؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۳؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲- . سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۳۳۵، به نقل از کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز، ص ۴۱۳.

روزی حضرت ابو طالب به همسرش فاطمه گفت: چرا دیگر فرزندان علی را در خانه و کنار خویش نمی نگریم؟ او دیگر کمتر با ما بازی و در منزل ما استراحت می کند؟ همسرش در پاسخ گفت: خدیجه با همه وجود تربیت او را به عهده گرفته و به گونه ای به او مهر و محبت می ورزد که دیگر از او و خانه او هوای جدایی نمی کند. (۱)

یکی از دانشمندان اهل سنت می نویسد: «وَعَلِيٌّ نَشَأَ فِي بَيْتِ خَدِيجَةٍ وَهُوَ صَغِيرٌ ثُمَّ تَزَوَّجَ بِنْتَهَا فَظَهَرَ رُجُوعُ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّبَوِيِّ إِلَى خَدِيجَةَ دُونَ غَيْرِهَا؛ (۲) علی از کودکی در خانه خدیجه رشد کرد، و سپس با دختر او [بعد از این دوران] ازدواج کرد، پس این معنی آشکار می گردد که [اساس] خاندان اهل بیت پیامبر [از طریق مادر] به خدیجه برمی گردد، نه دیگری.»

یعنی از طریق حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اهل بیت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به وجود آمده و توسعه یافته است.

سه. نخستین بیعت کننده با علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سوم بعثت دعوت خویش را علنی کرد، و نخستی کسی که به او ایمان آورد حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بود. در این موقع بود که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دست خود را بر دست علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) زد و جمله

ص: ۲۸۲

۱- ر. ک: کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، ص ۴۱۶.

۲- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۱۰.

تاریخی خود را در مجلس بزرگان بنی هاشم در باره علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بیان نمود و فرمود: «یا بنی عبدالمطلب! إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ؛ (۱) هان ای فرزندان عبدالمطلب! این برادر و وصی و خلیفه من در میان شما است.»

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ناظر این صحنه بود، و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز به صورت جداگانه او را مورد خطاب قرار داد:

«ثُمَّ قَالَ: يَا خَدِيجَةُ! هَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاكَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُهُمْ بَعْدِي. قَالَتْ: صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَدْ بَايَعْتَهُ عَلِيٌّ مَا قُلْتَ: أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكَ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً؛ (۲) سپس فرمود: ای خدیجه! این علی مولای تو و مولا و پیشوای مؤمنین بعد از من است. خدیجه گفت: راست گفתי ای رسول خدا! [طبق آنچه فرمودی] من با علی بیعت کردم و بر این بیعت خدا و تو را شاهد می گیرم و خداوند به عنوان گواه کافی است.»

این جملات، عمق و ژرفای ولایت مداری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و ثبات و استقامت او را بر این طریق نشان می دهد.

محبت بی نظیر

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) محبت شدیدی داشت، تا آن جا که خدمت کاران و نزدیکان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پاسخ پرسش افراد ناشناس از علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می گفتند: «هُوَ أَخُو

مُحَمَّدٍ وَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيْهِ وَقُرَّةُ عَيْنِ خَدِيجَةَ وَمَنْ يَنْزِلُ السَّكِينَةَ عَلَيْهِ؛ (۳) او برادر محمد

و محبوب ترین مردم نزد او و نور دیدگان خدیجه، و کسی است که آرامش را بر پیامبر

نازل می کند.»

این تعبیر نشان دهنده اوج مهر و محبت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیا الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.

۲. ابن اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۹۹ ق.

ص: ۲۸۳

۱- ر. ک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۷؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۱۱؛ علامه امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب

والسنه، ج ٢، ص ٢٧٩ - ٢٨٤.

- ٢- . مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ج ١٨، ص ٢٣١؛ شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، ج ١، ص ٢٨١؛ شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ١، ص ٦٤١؛ سيلاوى، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ٣٣٧ - ٣٤٠.
- ٣- . مسعودى، على بن حسين، اثبات الوصيه، ص ١٤٤.

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: عبد العزیز بن عبد اللہ بن باز، بیروت: دار الفکر، ۱۳۷۹ ق.
۲. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۴. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳ ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۵. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه ۷، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۶. پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶.
۷. توفیق، ابو علم، فاطمه زهرا، مترجم: علی اکبر صادقی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۷.
۸. زرقانی، محمد بن عبدالباقی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه، دارالکتاب العالمیه، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.
۹. سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی (م ۶۵۴ ق)، تذکره الخواص من الائمہ بذکر خصائص الائمہ، نجف: منشورات المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۳ ق.
۱۰. سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، [بی جا]: چاپخانه علمیه، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (ت ۱۱۰۴ ق)، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، تحقیق: أبو طالب تجلیل تبریزی، هاشم رسولی محلاتی، قم: حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.
۱۲. وسائل الشیعه، تحقیق: مؤسسه آل البیت ۷، قم: مؤسسه آل البیت ۷، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰ ق)، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)، به کوشش: گروهی از علماء، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۳ ق.

١. علامه امینی، عبدالحسین بن احمد (م ١٣٩٠ ق)، الغدیر فی الكتاب والسنة والأدب، بیروت: دار الكتاب العربی، ١٣٨٧ ق.
٢. کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز، قم: دفتر فرهنگ نسیم انتظار، ١٣٨٥.
٣. مامقانی، عبدالله بن محمدحسن (م ١٣٥١ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: طبع رحلی، چاپ سنگی، مطبعه رضویه، [بی تا].
٤. مجلسی، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ١٤٠٣ ق.
٥. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ١٤٠٤ ق.
٦. مسعودی، علی بن حسین (م ٣٤٦ ق)، إثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب ٧، بیروت: دار الأضواء، دوم، ١٤٠٩ ق.

برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (۱)

غلامرضا گلی زواره

چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به مهم ترین منابع تاریخی و روایی اهل سنت و شیعه است. از دیدگاه نویسنده: این بانو در عصر جاهلیت و در هنگامه انحطاط روابط اجتماعی قبایل حجاز و سقوط اخلاق و فضایل انسانی، از چنان خصال و اخلاقیاتی پسندیده برخوردار شد که به «طاهره» موسوم گردید. او اموال فراوان خود را در جهت اشتغال زایی، بهبود روابط تجاری مکه با دیگر نقاط و رفع نیازهای محرومان به کار گرفت. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به فرمایش رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمره چهار زن برگزیده عالم است که سه نفر دیگرشان مریم، آسیه و دخترش فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هستند و نیز در زمره افرادی است که بهشت مشتاق آنان است و خداوند و فرشتگان به آنها درود فرستاده است. او فرزندی صالح چون هند تربیت کرد که از یاران رسول اکرم ۷ و رزمنده ای شجاع در غزوات آن حضرت بود که در رکاب حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در نبرد جمل به شهادت رسید. او این توفیق بزرگ را به دست آورد که به عقد ازدواج رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآید و در دوران زندگی با آن وجود بزرگوار، مایه آرامش و باعث کاهش غم های خاتم پیامبران ۹ گردد. او تمام دارایی خود را برای دفاع از اسلام و مسلمانان، تقویت رسالت محمدی و نشر توحید به کار گرفت و برای اعتلای حق، بلاها و مصائب فراوانی را تحمل کرد، که نمونه آنها پایداری در محاصره اقتصادی شعب ابی طالب است.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، فداکاری مالی، جهاد اقتصادی، حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ).

ص: ۲۸۷

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۶۸ سال قبل از هجرت، پنجاه و پنج سال قبل از بعثت و پانزده سال قبل از میلاد رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در خانواده ای اصیل و شریف از قبیله قریش به دنیا آمد. افراد خاندانش همگی اهل فضل، فداکاری و حمایت کننده از خانه کعبه بودند.

ایشان با چند واسطه، عموزاده پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بوده است؛ چرا که دختر خویلد، فرزند اسد، فرزند عبد العزی، فرزند قصی، فرزند کلاب است، که قصی جد چهارم رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) است. اسد، فرزند عبد العزی، جد پدری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زمره شخصیت های برجسته عصر خود به شمار می رفت.

خویلد پدر حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دلیری و شجاعت بهره های وافری داشت و در میان خاندانش به عنوان فردی سلحشور معروف بود. یک بار «تبع» فرمانروای با اقتدار یمن با لشکری گران وارد مکه گردید و این دیار را تحت سیطره خود درآورد و تصمیم گرفت حجر الاسود را با خود به یمن ببرد، مردم مکه در این باره با تبع به مخالفت و اعتراض برخاستند که خویلد در رأس معترضان دیده می شد. او برای حفظ یکی از نمادهای مناسک دینی فداکارانه در برابر این زورگویی مقاومت کرد و در این باره آن چنان صلابتی از خود بروز داد که این فرمانروای طغیان گر را وادار ساخت از تصمیم خود منصرف گردد و آن سنگ مقدس را از جای خودش حرکت ندهد، این دلاوری و پایداری خویلد در آن زمان زبانزد مردم گردید. (۱)

خویلد در جنگ فجار دوم در روزی که به نام «شمطه» معروف است و در آن موقع قریش آماده نبرد با قبیله کنانه گردید، مهتر طایفه خود بود و ریاست تیره اسد را عهده دار بود. (۲)

از طرف مادری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دختر فاطمه، دختر زائده، فرزند اصم، فرزند رواحه

ص: ۲۸۸

۱- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱؛ خراسانی، محمد هاشم، منتخب التواریخ، ص ۸۲.

۲- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۹۳.

می باشد که ادامهٔ نسبی اش از طریق مادر به «لوی بن غالب» جدّ هشتم رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می رسد، با این توصیف نسب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از سوی مادر و پدر به حضرت اسماعیل و ابراهیم خلیل ۷ می رسد. (۱)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قبل از ولادت، در کتاب انجیل به عنوان بانوی مبارکه و همدم مریم در بهشت معرفی گردیده است. در این کتاب حضرت مسیح ۷، در وصف رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمده است: «نسل او از مبارکه می باشد که همدم مادرت مریم است.» (۲)

در دوران سیاه جاهلیت که یافتن زن های پاک دامن بسیار سخت بود، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به دلیل پاکی و خلق و خوی پسندیده به طاهره معروف گردید. (۳) در همان عصر شخصیت او چنان مورد تکریم خاص و عام قرار داشت که او را سیدهٔ نسوان (سرور بانوان) لقب دادند و با چنین عنوانی مورد خطاب واقع می گردید و مورد مدح و تجلیل واقع می شد. (۴)

این بانو آن چنان کمالات و مقام های والا و ارجمندی را به خود اختصاص داد که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از ازدواج با وی، او را خدیجهٔ کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خطاب کرد. (۵)

در دعای ندبه که از ناحیهٔ مقدّسه امام عصر ۷ روایت گردیده، از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان «عَزَا»؛ یعنی روشنی و درخشنده یاد شده است، بر اساس برخی روایات جناب ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در خطبهٔ ازدواج حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ایشان را کریمه و دارای مقام شامخ و برخوردار از شأنی ارجمند معرفی کرد. (۶)

با آن که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی بانوان قریش و ملکه حجاز است و آن چنان نفوذ

ص: ۲۸۹

۱- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۱۷۰.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۵۲؛ محدث قمی، شیخ عباس، کحل البصر، ص ۷۰.

۳- حایری، سید جعفر، خدیجه بنت خویلد، ص ۱۱۹.

۴- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۷.

۵- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، خیرات حسان، ج ۱، ص ۱۱۱؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۶۰۹.

۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۹.

اجتماعی دارد که اشراف و اعیان مکه سر بر آستانش می‌رسانید و در خانه مجلل و قصر سبزش افراد صاحب نفوذ در حال رفت و آمدند؛ اما نسبت به محرومان و یتیمان و سرپرستی و دست‌گیری از این اقشار توجهی ویژه و اهتمامی فوق‌العاده دارد و به همین دلیل از لقب ام‌الایتام بهره می‌برد و خود این عنوان را بر سایر القاب ترجیح می‌دهد. (۱)

وقتی حضرت به عقد ازواج رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درآمد، به ام‌المؤمنین (مادر اهل ایمان) معروف گردید، «ام‌هند» و «ام‌الزهران» نیز دیگر کنیه‌های او می‌باشند. (۲)

فرازهایی از فضیلت‌های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

شرافت‌های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تنها به محیط تربیتی او خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه به خصالی نیکو آراسته گردیده بود؛ که هر کودک محروم از پدری که در حیات غم‌بار خود نقطه اتکایی نداشت، هر پدری که قادر نبود برای اهل خانه اش معاشی تدارک ببیند، هر زنی که بعد از کشته شدن شوهرش بی‌پناه می‌ماند، هر رنج‌دیده‌ای که از حمایت‌های دیگران ناامید می‌گشت، راهی سرای ایشان می‌گردید و به سنگر سرشار از عطوفت و گنج سخاوت او پناه می‌برد و به برکت لطف و احسان حضرت بر زخم‌های زندگی خود مرهم می‌نهاد.

خانه اش با دو نشانه شناخته می‌شد: یکی قبه سبزی که بر بامش بود، و دیگری از ازدحامی که در طریق خانه اش صورت می‌گرفت، این منزل در حوالی مسجد الحرام قرار داشت. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در میان انبوه مراجعان، تمایل داشت به امور فقیران رسیدگی کند. در هر موقع از ایام شابانه روز آنان را با نوزاش‌های ویژه به حضور می‌پذیرفت، به درد دل‌های ایشان گوش می‌داد و در فضایی آغشته به مهربانی کارگزاری را فرا می‌خواند و به وی توصیه می‌کرد کیسه‌های پول را آورده، بین آن نیازمندان توزیع

ص: ۲۹۰

۱- . رحیمیان، غلامعلی، مادر نمونه اسلام، ص ۵ - ۶.

۲- . حایری، سید جعفر، خدیجه بنت خویلد، ص ۵۶ و ۱۱۹ .

کند و در برابر آنان انواع مراقبت‌ها و حمایت‌های لازم را به عمل آورد. (۱)

هنگامی که در سراسر جزیره العرب بانویی ثروتمندتر از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یافت نمی‌گردید، آوازه طهارت، سخاوت و خوش‌خویی این زن تا بدان جا رسید که او را «ملیکه العرب» نامیدند، در واقع این زن با حشمت و شوکتی که به دست آورده بود، همراه با کرامت‌های انسانی بهترین پشتوانه برای قبایل مستقر در مکه به شمار می‌رفت، گویا خداوند متعال برای سعادت، عزت و سربلندی او هر چه را که این بانو لازم داشت، به وی عنایت کرده بود. پوشیده در حجاب، دور از چشم اغیار و نامحرمان و ناپاکان، خانه نشین سرای خویش بود. وقاری داشت که مثال زدنی بود، با این همه کرامت، عفت و شهرت، زیباترین بانوی مکه به شمار می‌رفت. امکاناتی را که در اختیار داشت، بی آن که به حرام و خلافی آلوده سازد، آنها را در مسیر خیر و صلاح به کار می‌برد و این ویژگی و جاهت و منزلت اجتماعی حضرت را ارتقا می‌داد. (۲)

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) می‌فرماید: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؛ (۳) بهترین زنان تمام عالم عبارت‌اند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد.»

«قال رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم): أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ؛ (۴) پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) می‌فرماید: بهترین زنان بهشتی عبارت‌اند از: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه.»

هم‌چنین آن حضرت بشارت داده‌اند: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خانه‌ای از زبرجد در بهشت که فاقد هر گونه رنج و گزند است، نوید داده شده است» و افزوده‌اند: «خَدِيجَةُ ۳ سَابِقَةٌ نِسَاءِ

ص: ۲۹۱

۱- کمالی، محمدتقی، شکوه زندگی، ص ۱۹ - ۲۰.

۲- موسوی گرمارودی، سید محمدصادق، آخرین پیام آور، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۳- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۵۳۷.

۴- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۲۰.

الْعَالَمِينَ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ؛ (۱) سبقت گیرنده بر زنان جهان در ایمان به خدا و رسولش خدیجه است.»

حضرت ختمی مرتبت ۹، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را جزء بانوانی بر می شمارد که به کمال نائل آمده اند (۲) و نیز خطاب به ایشان فرموده اند: «يَا خَدِيجَةَ أَنْتَ خَيْرُ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَفْضَلُهُنَّ؛ (۳) همانا ای خدیجه! تو بهترین مادران مؤمنان و با فضیلت ترین آنان هستی.»

موقعی که زنان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را در آستانه ازدواج حضرت فاطمه زهرا ۳ با حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بر زبان آوردند، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) گریست و فرمود: «کجا است بانویی چون خدیجه؟ در آن هنگام که مردم رسالت مرا انکار کردند، او مصدق من بود و برای رونق دین خدا با من همکاری کرد و با دارایی خویش به پیشرفت اسلام کمک کرد، (به همین جهت) خداوند به من فرمان داده است او را به مأوایی در جنت جاوید مژده دهم که در آن ناگواری و نگرانی نباشد.» (۴)

در روایتی از رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نقل گردیده است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زمره چهار بانویی است که بهشت مشتاق آنها است و نیز این بانو همسر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در دنیا و آخرت است. (۵)

روزی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در مسجد برای مردم بیاناتی در منزلت حسنین ۷ فرمود و یادآور گردیدند: ای مردم! آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسان ها از جهت جد و جدّه؟ حاضران عرض کردند: آری، بفرمایید. آن حضرت فرمود: «الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ جَدُّهُمَا رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدَّتُهُمَا خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛ (۶) آنان حسن و حسین اند که جدشان رسول خدا است و جدّه آنان خدیجه دختر خویلد می باشد.»

ص: ۲۹۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۷؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

۲- . ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، ص ۱۲۲.

۳- . سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۷.

۴- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۵- . همان، ص ۵۲ - ۵۳.

۶- . همان، ص ۳۰۲.

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرموده اند: «در آغاز بعثت هنوز اسلام به خانه ای راه نیافته بود، مگر بیت رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و خدیجه، و من سومین نفر بودم.»^(۱)

امام حسن مجتبی ۷ که در زیبایی میان بنی هاشم ضرب المثل بود، فرمود: «در آن موقعی که خداوند صورتگری می کرد، من شبیه ترین افراد به خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بودم.»^(۲)

امام حسین ۷ در صحرای نینوا در فراز خطبه ای، هنگام معرفی خویش به دشمنان فرمود: «هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟»^(۳) آیا می دانید که جدّه من خدیجه دختر خویلد است، اول بانو در این امت که اسلام آورد؟»

امام سجاد ۷ در شام و مجلس یزید و کارگزاران ستمگرش طی خطبه ای خویش را معرفی کرد که در بخشی از آن آمده بود: «جَدَّتِي خَدِيجَةُ زَوْجَةُ نَبِيِّكُمْ؛»^(۴) جدّه من خدیجه همسر پیامبر شما است.»

هم چنین زید فرزند آن حضرت که قیامی را در کوفه علیه امویان و مروانیان ترتیب داد، با دشمن چنین احتجاج کرد: «ما سزاوارتر به مودت هستیم؛ چرا که پدر ما رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و جدّه ما خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است.»^(۵)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دید بزرگان

جناب ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان بانویی کامل، با برکت و آبرومند یاد می کند.^(۶) محمّد، از نوادگان امام حسن مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به پاک سرشتی و نیکومنشی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اشاره دارد. «ابن حجر عسقلانی» مورخ نامور نوشته است: «از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن بود که پیامبر را تکریم می کرد و کلام و تعالیم او را چه قبل و چه بعد از

ص: ۲۹۳

۱- . نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱۶.

۳- . همان، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

۴- . همان، ج ۴۵، ص ۶.

۵- . همان، ج ۲۷، ص ۲۰۷.

۶- . همان، ج ۶، ص ۷۵.

بعثت تأیید و تصدیق می نمود.» به گفته «ابن اسحاق» حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زایل کننده اندوه از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) بود، برای این بانوی دورانیش، شریف و خردمند خداوند مقام با کرامتی در نظر گرفت.

«هشام بن محمّد» خاطرنشان ساخته است: «خدیجه مورد مشورت رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) قرار می گرفت و آن حضرت به مقامش ارجح می نهاد؛ چرا که یاری صادق و درست کردار برای پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بود.»

«عزالدین ابن اثیر» مورخ مشهور، خرد و شرافت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را ستوده است و «محمّد بن احمد ذهبی» نگاشته است: «خدیجه سرور زنان جهان و مادر اهل ایمان بود که در امر رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) آن حضرت را امیدواری می داد، به همین جهت رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) وی را بر دیگر زنان مؤمن ترجیح می داد.» بنا به اظهارات سبط ابن جوزی: «چون امر نبوت و وحی بر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ) آشکار گردید، خدیجه بر گرویدن به آن حضرت از دیگران پیشی گرفت.»

حافظ عبد العزیز جنابزدی در کتاب «معالم العتره النبوه» می نگارد: «خدیجه از لحاظ نسب پاکترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آنان بود.»

«عمر ابو نصر» متذکر گردیده است: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان بانویی جلیل القدر نیاز محرومان را برآورده می ساخت، گرسنگان را اطعام می کرد، برهنه را می پوشاند، او در اخلاق و فضیلت میان همگنان خویش منحصر به فرد بود.»

«عمر رضا کحاله» می گوید: «خدیجه با خلق و خوی پسندیده پرورش یافت، و به دورانیشی و طهارت متصف گردید.»

«عبدالله علایلی» می گوید: «خدیجه از سختی های مبارزاتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) با آنها روبه رو می شد، استقبال می کرد و در امواج این مجاهدت ها دوشادوش آن حضرت در کمال قاطعیت، خداجویی و شکیبایی غوطه ور می گشت، بی آن که سست گردد یا هرسای به قلب خویش راه دهد. وی با سینه ای گشاده و قامت شعله ور، از ایمان

خویش در توفان حوادث صیانت می کرد.»

«دکتر حسن ابراهیم حسن» می گوید: «هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر بااخلاص، باوقار، خردمند و پاک دامن را معرفی کنیم، بهتر از خدیجه ام المؤمنین سراغ نداریم، او که اولین گرونده به آیین اسلام بود، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را با تشویق های خود یاری می داد و در وجودش نیرو و استواری می بخشید.»

«علامه سید عبدالحسین شرف الدین» می گوید: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صدیقه این امت است، او مدت بیست و پنج سال شریک صادقی برای رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شمار می رفت و با ایثار دارایی خویش، ایشان و یارانش را به لحاظ بنیه اقتصادی تقویت می کرد، با گفتار و کردار امیدوارکننده از ایشان دفاع می کرد و چون کافران و مشرکان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را آزار می دادند و سختی هایی را در راه رسالت به او تحمیل می کردند، حضرت را در این مسیر سخت و دشوار تسلی می داد و با بر طرف کردن ناگواری ها، راه را هموار می ساخت.»^(۱)

«علی بن عیسی اربلی» می گوید: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به راستی بانویی خردورز و اهل درایت بود، به روزگار خویش از نظر تبار از برترین بانوان قریش به شمار می آمد و از لحاظ برخی کمالات باشکوه ترین آنان معرفی می شد و در همان حالی که به خواستگاران سرشناس پاسخ منفی داد، با هوشمندی و آینده نگری شگفتی به خواستگاری اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفت و با نجابت و وقار خاصی انگیزه های خود را برای این پیشگامی بیان ساخت.»^(۲)

«علامه ملا محمدباقر مجلسی» می گوید: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یاور راستین و با اعتبار اسلام بود، رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) توسط حمایت های بی دریغ و کارساز او، در رسیدن به اهداف والای خویش احساس آرامش می کرد و به همین دلیل است که فرشته وحی از سوی خداوند متعال به خدیجه درود می فرستد.»^(۳)

ص: ۲۹۵

- ۱- علی دخیل، علی محمد، زنان بزرگ صدر اسلام، ج ۱، ص ۲۹ - ۳۱.
- ۲- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۰۹.
- ۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱.

رجال شناس بزرگ «علامه مامقانی» می نویسد: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر جاودانه رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است و به راستی او مادر شایسته کردار و با معنویت مؤمنان است. برایش این امتیاز و افتخار بس است که آیین اسلام پا نگرفت، مگر با جهاد مالی و فداکاری او در حق شوهرش.» (۱)

ترجمه سروده ای از «شیخ حرّ عاملی»، صاحب کتاب وسائل الشیعه، می نویسد: «همسر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از گفتار و کردارش فضل و برتری هویدا است، برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سرای جاوید و بهشت برین خانه ای عاری از هر گونه گزندی در نظر گرفته شده است.» (۲)

«هاشم معروف حسنی» دانشور شیعی اهل لبنان می نویسد: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مادر حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است، که خداوند به نعمت بزرگی وی را برگزید و دودمان پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را در فرزندانش منحصر ساخت، والاترین نسلی را که مسلمانان شناخته اند، در او حفظ کرد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از والدینی زاده شد که هر دو از اصیل ترین دودمان ها در عربستان بودند، به علاوه او از آوازه ای نیکو، خلق پسندیده و خصال برجسته برخوردار بود.» (۳)

«علامه سید محمد کاظم قزوینی» می گوید: «مام گرامی فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی ارجمندی به نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است، بانویی بلند قامت که از زیبایی بهره داشت و در میان قومش محترم بود، در کارهایش با تدبیر عمل می کرد، در پرتو استقلال فکر، عمل و اعتماد به نفس خویش می زیست، ازدواج او با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شباهتی به دیگر ازدواج ها نداشت؛ چرا که این پیمان پاک بر اساس هدف های والا، کمال یابی و فضیلت جویی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) استوار گردید و انگیزه های زودگذر مادی، غرض های مرسوم و عشق های فناپذیر در آن دخالت نداشت.» (۴)

دکتر «محمد عبده یمانی» وزیر اسبق فرهنگ عربستان سعودی می گوید: «حق گرای، اشتیاق به کمال و رشد دینی و فکری از مختصات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، از همان روزگار جوانی از

ص: ۲۹۶

۱- مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، فصل النساء، ص ۷۷.

۲- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳- معروف حسنی، سید هاشم، زندگی دوازده امام، ج ۱، ص ۴۳ - ۴۴.

۴- قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از ولادت تا شهادت، ص ۷۰.

دختران نامدار عرب و با فضیلت حجاز به شمار می رفت ، اولین زن توانمند مسلمان است که در تجارت خوش درخشید و در این راه شهرت منطقه ای به دست آورد. او در همگامی و همراهی با اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خطرهای خشنی کرد و مسیرهای صعب را آسان ساخت و فداکاری های شجاعانه کرد.»(۱)

دکتر «بنت الشاطی» مصری می گوید: «خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اشرف امهات مؤمنین و نزدیک ترین همسران اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن حضرت و عزیزترین آنان نزد آن بزرگوار چه در زندگی و چه پس از مرگ او می باشد . مدت بیست و پنج سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) قرار داشت و هیچ زنی را در این افتخار با او شریک نیست، روح اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیش از دیگران آرام می گرفت.»(۲)

کارآفرینی و اشتغال زایی

مهم ترین و سرشناس ترین مردم عربستان در شرق این شبه جزیره و در شهری به نام مکه زندگی می کردند ، خانه های آنان در اطراف ساختمان کعبه قرار داشت و فاصله هر کدام از این مکان مقدس و مبارک به اهمیت و مقام صاحب آن منزل بستگی داشت، در نزدیک ترین خانه ها به کعبه طایفه ای به نام قریش بود که نگه داری از کعبه و ادوات آن به عهده این قبیله بود. در میان قبایل مکه معیارها و امتیازات اجتماعی بر اساس موقعیت طایفه ای، حسب و نسب، ثروت و خدمه و امکانات تعیین می گردید و متأسفانه بر اساس رسوم جاهلی افراد برای رسیدن به چنین وضعی و کسب درجات اجتماعی به خلاف روی می آوردند، به جان و مال افراد تعرض کرده، اموال ضعیفان را به زور غارت می کردند و رباخواری امر رایجی بود. به همین دلیل گروهی از اهل انصاف و حامی عدالت با یکدیگر پیمانی منعقد کردند تا بر اساس آن از حقوق محرومان دفاع کنند و مانع چپاول زورگویان گردند.

ص: ۲۹۷

۱- . سبحانی، جعفر ، سیمای فرزندگان، ص ۳۶۲ .

۲- . بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، زینب بانوی کربلا، ص ۳۲ - ۳۳.

در چنین محیط منحنی بانویی ثروتمند به نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زندگی می کرد. این بانو با فرساتی که داشت آن چنان تدبیری به کار برد که دارایی های او اولاً از راه نادرست فزونی نیابد، ثانیاً کوشید با نوعی مدیریت و نظارت صحیح اقتصادی به گردش افتد تا در جامعه آن زمان ضمن به وجود آوردن نوعی پویایی اقتصادی، باری از دوش بی کاران، گرفتاران و نیازمندان بردارد. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با ایجاد مناسبات تجاری بین حجاز و دیگر مناطق جهان به بهبود روابط این سرزمین کمک کرد، که این امر امنیت منطقه ای را افزایش داد.

او که ثروت خود را بر اثر فعالیت های سالم بازرگانی و میراث شوهرانش به دست آورده بود، به وسیله خدمه ای که افراد سالمی بودند، در قالب کاروان های بازرگانی به کار گرفت، هشتاد هزار شتر در قالب کاروان های متعدد اموال او را به کانون های مهم اقتصادی آن جهان همچون یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان، حبشه، فلسطین و دیگر نقاط حمل می کردند و در صادرات و واردات بین نواحی مذکور وارد می شدند.

به غیر از این ها حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در شمال و شرق آفریقا نمایندگی تجاری داشت و عده ای در نقاط مورد اشاره مشغول جابه جایی کالاها بر اساس نیازهای اهالی مبدأ و مقصد بودند. بر اساس گزارش مورخان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چهار صد نفر کارگزار، خدمه و ناظر ویژه در اختیار داشت، که امور او را در این قلمرو عریض و طویل اداره و نظارت می کردند.

ایشان با وجود این همه دارایی و تجارت گسترده، هیچ گاه به اموال و شکوه اجتماعی خود دل نبست و ضمن این که نمونه بارزی از زهد و بی رغبتی را در این عرصه به نمایش گذاشت، با سخاوتی ستودنی و فروتنی فوق العاده ای، افراد درمانده و محروم را تحت حمایت خویش قرار می داد. مردانی بی کار و معمولاً از طبقات فقیر و کم درآمد که از خود سرمایه ای نداشتند؛ ولی دارای توانایی در فعالیت های تجاری و ارتباطی بودند، در دستگاه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به کار گرفته می شدند و در ازای توانایی خود حقوق کافی

دریافت می کردند و سود و زیان معاملات مربوط به خود ایشان بود.

این روند دو فایده داشت: نخست این که با به وجود آوردن فرصت های شغلی خانواده ها را امیدوار می ساخت و در ثانی این به کار گرفته ها را به قوانین و راه و رسم بازرگانی درون مرزی و منطقه ای آشنا می ساخت تا بتوانند بعدها روی پای خود بایستند و با استقلال اقتصادی به تلاش های خود در این قلمرو ادامه دهند. به علاوه، اشتغال صدها جوان و انسان های فعال در زمینه های تجاری جلوی عادت های زشت، درآمدهای حرام، غارت گری و رباخواری را می گرفت و از این رهگذر زندگی مردم از آلودگی های گوناگون و سوء استفاده های مالی مصون می ساخت.

در شیوه دیگری بانوی قریش با افرادی قراردادهایی منعقد می ساخت که از مقداری سرمایه برخوردار بودند، او با آنان در مال التجاره شریک می شد، هرچند سهم افزون تر مربوط به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، سپس کارگزاران را در سود حاصله از اموال تجاری سهام می کرد. اگر با پول او سودی به دست می آمد، هم او و هم عاملانش از آن بهره مند می گردیدند و اگر متحمل خساراتی می شد، می کوشید جور شریکان را به تنهایی تحمل کند. (۱)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این فعالیت اقتصادی قابل توجه، تمامی بدهکاران، عوامل اجرایی، خدمه، رابطین و ناظران را از میان انسان های سالم، امانت دار، درست کار و ریشه دار برمی گزید و به همان گزینش اولیه اکتفا نمی کرد و چنین کاروان عظیمی را با انگشت تدبیر و درایت مدیریت می کرد و چنان بر آنان نظارت داشت که مبادا دچار فساد، خطا، رشوه خواری، سوء استفاده و کج روی گردند و مورخان و راویان حتی نمونه ای از خلاف کاری در این مجموعه وسیع گزارش نکرده اند.

ص: ۲۹۹

۱- با استفاده از منابعی چون: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹ - ۲۰۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲؛ محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۳ - ۲۴، ذیل خدج.

او برای افزایش توانمندی کارکنان و ایجاد رقابتی سالم و ثمربخش و تقویت انگیزه های کارگزاران، برنامه هایی ویژه را به اجرا می گذاشت و هدایا و تحفه هایی را به کارکنان با بازدهی مؤثر اختصاص می داد. رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی این بانو فرموده اند: «من کارفرمایی مهربان تر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نسبت به خدمه اش ندیده ام، هر گاه من و دوستم پس از کار و تلاش و انجام مأموریت نزدش می رفتیم، غذای گوارایی که به اشاره او برایمان تدارک دیده شده بود، به ما می دادند. او با خدمه و زیردستان بزرگوارانه و بر اساس کرامت انسانی رفتار می کرد.»^(۱)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در مورد وظایف هر کدام از کارکنان کنترل های ویژه و احیاناً نامحسوسی را اعمال می کرد و چگونگی تلاش های آنان را به صورت دقیق و پی گیر با یکدیگر مقایسه می کرد و با اعمال اصلاحات و بررسی ها و ارزیابی هایی از خطاها و انحراف ها که در طرح ها و برنامه ها پیش می آمد، تا سرحد امکان جلوگیری می کرد و یا آنها را به حداقل می رساند. اگر به کسی مأموریتی را محول می ساخت، بازرسی ویژه ای را در نظر می گرفت تا بر منش، رفتار، تصمیم گیری ها و فعالیت های تجاری و مبادلاتی او نظارت کند و حاصل مشاهدات و ارزیابی های خود را به ایشان گزارش دهد و این ویژگی از درایت و بصیرت ایشان حکایت دارد.

هم چنین حضرت در برنامه های بازرگانی خویش از تجربه ها، دانش ها و فنون دیگران بهره می برد و هنگام طراحی کاروان های تجاری به مقاصد گوناگون، با افراد صاحب نظر و خبره به مشورت می پرداخت، انتخاب هنگام سفر، نوع کالای مورد نیاز در سرزمین مبدأ، خرید اقلام از کشورهای دیگر، میزان محصولات صادراتی و وارداتی، چگونگی ارتباط برقرار کردن با دیگر کانون های تجاری و نحوه بازاریابی، از مسائل مورد مذاکره در جلسات مشورتی وی بود که به کمک مشاوران کاردان و با تدبیر خود چنین اموری را

ص: ۳۰۰

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰؛ مؤسسه البلاغ، عالم المرأه، ص ۲۲ - ۲۳.

نویدهای نورانی

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پی جلوه ها و زیبایی هایی ورای این آرایش ها و زینت های دنیوی بود، لذا در ایامی که برای اولین بار نام «محمّد امین» را شنید، روزی نبود که از سوی سران قبایل، تاجران و نامداران دیگر از او خواستگاری نگردد، ولی همه را پس می زد؛ چون اوّلًا گوهر وجود خود را برای چنین وجود مبارکی مراقبت و صیانت می کرد، در ثانی در تمام این طالبان خصالی که روح او را آرام کند نمی دید، وانگهی تمام آنان خواستار ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بودند که ثروتی دارد و صاحب شخصیت اجتماعی است و بدین وسیله می توانستند تشخّصی در میان قبیله خود کسب کنند و بر امتیازات قومی خود بیفزایند. (۱)

حضرت در انتظار پیش آمدی آرام بخش لحظه شماری می کرد، گویا هر چه بر لحاظت عمرش افزوده می گردید، به سپیده دم نزدیک تر می شد، پسرعمویش «ورقه بن نوفل» که فرد دانشور و خردمندی بود، بر اثر بررسی در آثار پیشینیان و کتاب های آسمانی نوید داد در آینده ای نه چندان دور همین محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بر اساس رسالتی آسمانی به مقام پیامبری می رسد و او برترین و شریف ترین افراد در زمین و آسمان ها خواهد بود، این خبر اشتیاق این بانو را شعله ور می ساخت. (۲)

در یکی از عیدها، زنان قریش در مسجد الحرام اجتماع کردند. ناگهان پیرمردی میان بالا با محاسن سپید و سیمایی اسرارآمیز به سوی آنان آمد و گفت: ای بانوان مکه! طلوع آخرین پیامبر به زودی فرا می رسد. کدام یک حاضرید به عقد ازدواج او در آیند؟ زنان قریش به جای استقبال از این مژده، آن را یک نوع جسارت تلقی کرده، آن مرد دانشور و خوش فکر را سنگ باران کردند، او نیز از مکه گریخت؛ ولی گفته اش بر قلب حضرت

ص: ۳۰۱

۱- . کمالی، محمدتقی، شکوه زندگی، ص ۱۹ - ۲۰؛ رهنما، زین العابدین، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۰ - ۲۱.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که در جمع آنان حضور داشت، نشست. از این رو، در پی تحقق این نوید بود. (۱)

هم چنین روزی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در خانه خویش نشسته بود، اتفاقاً حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از آن حوالی عبور کرد. دانشمندی که در آن جا حضور داشت تا حضرت را دید، نشانه های نبوت را در او یافت. بانو پرسید: چگونه فهمیده ای او به این مقام والا- می رسد؟ او گفت: علائم پیامبر آخر الزمان را در تورات خوانده ام. سپس اشاره به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: خوشا به حال کسی که افتخار همسری او را به دست آورد. (۲)

«ورقه بن نوفل» بر اساس آنچه از کتب عهدین به دست آورده بود، گاه و بی گاه به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می گفت: «روزی فرا برسد که تو با شریف ترین مرد روی زمین وصلت کنی.» شبی نیز حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رؤیایی راستین، دید خورشید از افق مکه حرکت کرد و در خانه اش فرود آمد. خواب خود را برای پسرعموی خود باز گفت، ورقه چنین تعبیر کرد: «با مرد بزرگی ازدواج می کنی که شهرتش عالم گیر خواهد شد.» (۳)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پی آن بود که به طریقی با محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بیشتر آشنا گردد و چون شنید آن حضرت به فعالیت در کاروان تجاری وی تمایل دارد، بلافاصله برایش پیام فرستاد و او را برای پذیرش سرپرستی کاروانی که عازم شام بود، فرا خواند. حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به تشویق عمومی خویش جناب ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) این پیشنهاد را پذیرفت و به محل اقامت آن بانو رفت. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رفتاری توأم با ادب، احترام و مهربانی مقدم آن وجود مبارک را گرامی داشت و خاطر نشان ساخت:

«آن چه از درستی، راستی، امانت داری و خلق و خوی پسندیده شما شنیده ام، مرا وادار به چنین تصمیمی نمود. اگر قبول کنید، دو برابر حقوق و مزایایی که هر سال به طور متعارف و متداول به دیگران می پردازم، به شما خواهم پرداخت.»

بین آن دو قراردادی منعقد گردید و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سرپرستی کاروان را عهده دار شد. مأمور

ص: ۳۰۲

۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۱.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹.

۳- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۹۶.

ناظر کاروان از جانب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) غلامی به نام «میسره» بود. این سفر چهار سال و نه ماه و شش روز بعد از نبرد فجار چهارم روی داد و رسول خدا ۹۱ در شانزدهم ذیحجه سال ۲۵ واقعه اصحاب فیل در سن بیست و پنج سالگی از مکه بیرون رفت و چون به ناحیه ای به نام «بُصری» رسید «نسطور راهب» وی را دید و میسره را به پیامبری او مژده داد. این غلام در طول سفر مذکور از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کرامات و امور غیبی دیگری نیز مشاهده کرد. (۱)

از روزی که این کاروان به جانب دمشق عزیمت کرد، تا روزی که به مکه برمی گشت، چشمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به راه شام دوخته شده بود تا این که مأموریت مذکور با موفقیت و افتخار خاتمه یافت. میسره قبل از همه خود را به خاتون مکه رسانده، از خصال شایسته، فضایل و مکارم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سخن ها گفت و از ماجرای «بحیره راهب» و ملاقات او با حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و سایر رویدادهای خارق العاده گزارش هایی ارائه داد. پس از آن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مصمم تر از گذشته به آینده درخشان خود فکر می کرد و با خویش این گونه نجوا داشت: «من چهل بهار را سپری کرده ام، آیا حضرت محمد در سنین شباب و در اوج درخشش با خدیجه که قبل از آن همسرانی اختیار کرده و اکنون از نظر سنی در حد خاله یا مادر او است، ازدواج می کند؟» (۲)

چونان همیشه سر پرشور، اندیشه کنجکاوانه و دل لبریز از عاطفه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، وی را در پی فکر یافتن راه ها برای برقراری وصلت با خاتم انبیا ۹ انداخته بود که بانویی به نام نفیسه، دختر منیه، از دوستان یکرنگش بر او وارد گردید، سلام کرد و رشته تفکرات او را از هم گسیخت. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کوشید تا احساسات درونی خود را از وی مخفی سازد و رفتاری عادی به خود گیرد؛ ولی آتش اشتیاقش سوزنده تر از آن بود که از نظر نفیسه دور بماند. رفته رفته این بانو به راز حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دست یافت و گفت: «ای

ص: ۳۰۳

۱- . مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ح ۲، ص ۲۷۸؛ ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۹ - ۱۳۰ .

۲- . آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۶۹؛ سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۹۲.

بانوی قریش! از این بابت نگرانی به خود راه مده، من می‌کوشم مقدمات این راه را هموار سازم.»

آن گاه نفیسه نزد رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رفت و موضوع پیشنهاد حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را برای ازدواج با آن حضرت مطرح ساخت. آن وجود مبارک به فرستاده حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پاسخی نداد، ولی او دست بردار نبود. از این رو گفت و گوها ادامه یافت و با مهارت های خاصی که نفیسه از خود بروز داد، ایشان را به عکس العمل در این باره واداشت. لبخند توأم با شرم و حیا بر لبان مبارک آن سرور عالمیان نقش بست و فرمود: خدای خویش را گواه می‌گیرم برای این امر مهم امکاناتی در اختیار ندارم. نفیسه که گویی راه را برای بیان صریح خود هموار می‌دید، عرض کرد: اگر بانویی آراسته، جمیل، باصالت و شرافت و دارای ثروت سرشار به شما معرفی کنم، چه می‌فرمائید؟ و چون پیامبر نامش را پرسید، نفیسه عرض کرد: «خدیجه»، آن گاه گویا مقدمات رضایت مندی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) از این بابت فراهم گردید. (۱)

آن گاه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ماجرا را با عموی خود جناب ابو طالب ۷ در میان نهاد. چهره حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از این خبر شکوفا گردید و نسبت به آینده برادرزاده خود امیدوار شد، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) به اتفاق عموهای خود برای خواستگاری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد عموی وی (عمرو بن اسد) رفت، با موافقت وی، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بیست شتر جوان به عنوان مهر همسرش تعیین کرد و چون خطبه عقد توسط حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جاری گردید. عمرو بن اسد نیز بر این پیمان مهر تصدیق و تأیید زد. (۲)

اینار، مقاومت و بردباری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتخاب همسر به توفیقی بزرگ دست یافت؛ زیرا کسی را به شوهری خود برگزید که اشرف مخلوقات، اعظم ممکنات و برگزیده فرستادگان الهی بود. در همان

ص: ۳۰۴

۱- معروف حسنی، سید هاشم، زندگی دوازده امام، ج ۱، ص ۴۷.

۲- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۵، آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص ۷۰.

روزهایی که این پیمان پاک برقرار گردید، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به پسرعموی خود (ورقه بن نوفل) گفت: کلید تمامی انبارها و محل نگاهداری اموالم را به نزد حبیب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ببر و از جانب من به او بگو: تمامی این دارایی ها به پیشگاه شما تقدیم می گردد. آنچه دارم ملک او است و اختیار داد هر گونه تصرفی که می خواهد در آنها بنماید تا بدین وسیله ساحت مقدسش را تکریم کرده باشم، ضمناً خود را نیز کنیز اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) معرفی کرد. (۱)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خانه ای مجلل، با امکانات و خدمه فراوان داشت، او بعد از آن که به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد، این منزل را با تمام ملزوماتش در راه اعتلای حق و ترویج معارف قرآنی صرف کرد. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در کوچه ای سنگی، معروف به «محلّه عطارها»، برای او خانه ای بنا کرد، این خانه بدان جهت قداست دارد که محل اقامت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هنگام زندگی در مکه است. به علاوه، این مکان محل نزول وحی و زادگاه حضرت فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می باشد. (۲)

با گذشت زمان آوازه حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به دلیل ویژگی های برجسته اش در راه استواری ایمان و عقیده گسترش می یافت و دل های بسیاری به سوی آن حضرت جذب می گردید، تا آن که حضرتش به مرحله ای گام نهاد که آن زوج بزرگوار به سوی استقبال از رویدادی بس شگرف و شگفت سوق می داد که موج آن تمام جهان را فرا گرفت و آن بعث رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بود.

بعد از بعثت، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اولین ایمان آورنده به آخرین اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، و اولین نمازی را که حضرت اقامه فرمود، نماز ظهر بود که در روز جمعه انجام گرفت، در این حال حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وضو ساخت و با شوی خود نماز خواند. (۳) اولین خانواده ای که بعد از بعثت نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و طلوع اسلام در جامعه اسلامی بنیاد نهاده شد، خانه حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود، بیتی که کانون قیامی گسترده در سطح جهان قرار گرفت و وظایفی سنگین بر

ص: ۳۰۵

۱- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۳.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷؛ رفعت پاشا، ابراهیم، مرآه الحرمین، ص ۱۸۹.

۳- . آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص ۹۰.

عهده داشت؛ زیرا باید با کفر، شرک، نفاق و ستم به مبارزه برخیزد و توحید را در جهان ترویج نماید. در تمام کره زمین صرفاً اهل این خانه و حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که او نیز اولین بود، موظف بودند دل های جهانیان را فتح کنند و اعضای فداکارش پرچم یکتاپرستی را بر فراز این قله به اهتزاز در آورند.

این خانه برای چنین هدفی والات از سلاح های مجهز و نیروهای زبده آن روز بهره ای نداشت؛ ولی فضایل و مکارم محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می توانست در دل ها، روان ها و خرده های آدمیان تحول آفرین باشد. مدیر داخلی و کدبانوی این خانه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که به هدف پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از اعماق وجود اعتقاد داشت و در راه رسیدن به آرمان های مقدس او از هر گونه تلاشی دریغ نمی کرد. او در تمام تنگناها محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را دلداری می داد و وی را در رسیدن به آرمان های ارزشمند امیدواری می بخشید، وقتی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از آزارها، شکنجه ها و رفتارهای ناروای مخالفان آزرده خاطر، داخل خانه می شد، از مهر و محبت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برخوردار می گردید و از آن کانون با صفا نیرو می گرفت، و صدمات مزبور را فراموش می کرد.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۲۵ سال سرشار از شور و شیفستگی و جانبازی در راه انجام رسالت سترگ شوهرش زیست. او چندین سال در مکه با آن مصایب کمرشکن ساخت و دوشادوش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم)، مسلمانان را یاری کرد و در این راه سنگ ها به بدن مبارکش فرود آمد، بی حرمتی ها بر او وارد گردید، شماتت ها در این راه دید و هر چه بلاها افزون تر می گردید، صبر و استقامت این بانو نیز فزونی می گرفت. (۱)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از شهامت، عظمت روحی و خردی عالی برخوردار بود. همگامی، همگرایی و حمایت های او از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در آن شرایط تیره و تاریک است، او که از انحطاط، کج روی و جهالت مردم رنج می برد، خوشحال بود که توسط شویش راهی

ص: ۳۰۶

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۸۰؛ نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

تازه برای برقراری عدالت و گسترش معنویت گشوده شده است. حضرت برای هموار کردن این راه نوید بخش به استقبال خطرهایی فرساینده و توفان زامی رفت و می توان گفت که او مصداقی از این آیه قرآن کریم است که می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ). (۱)

در عظمت فداکاری و جهاد مالی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) این سخن زیبای رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بهترین سند است که فرمود: «مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَتَّىٰ مَالِ خَدِيجَةَ وَسَيْفِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ (۲) دین من برپا نگردید و مقاومت نورزید، مگر با دو چیز: ثروت خدیجه و شمشیر امیر مؤمنان.»

شهید آیت الله مطهری = گفته است: «در شرایطی که مسلمین و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در نهایت سختی و تحت فشار بودند، جناب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثروت خودش را در اختیار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذاشت. اگر مال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نبود، فقر و تنگ دستی شاید مسلمین را از پا در می آورد، اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خدمت به این معنا [کرد] که مسلمانان گرسنه را نجات داد و آنان با پول خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) توانستند سد رمقی کنند.» (۳)

در واقع رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با اموال ایشان بدهکاران را از بدهی نجات داد، اسیران را از اسارت رها کرد و بار سنگین را از دوش ناتوانان و یتیمان برداشت. هر دمی که به مصائبی دچار می شدند، با این امداد رسانی نجات می یافتند، اصحاب فقیر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که در مکه و توابع آن ساکن بودند، با این امکانات مادی، تحت حمایت قرار می گرفتند، آنانی که سفرهای تبلیغی داشتند، هزینه مسافرتشان از این پول ها پرداخت می شد. (۴)

در ماجرای شعب ابی طالب که حدود سه سال طول کشید، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یاران او توسط

ص: ۳۰۷

۱- . صف: ۱۰ - ۱۱.

۲- . شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ج ۲، ص ۸۲.

۳- . مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۲۴۸.

۴- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

مشرکان مکه تحت محاصره شدید اقتصادی قرار گرفتند، این حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود که بنی هاشم و سایر یاوران اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از گرسنگی و فشار نجات داد. جاسوسان در این ایام مراقب بودند مبادا کسی خواروبار و خوراکی به شعب مذکرو ببرد؛ ولی «حکیم بن حزام» برادرزاده حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و «ابو العاص بن ربیع» و «هشام بن عمر» از سرمایه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مقداری گندم و خرما بر شتری حمل کرده، تا نزدیکی این دره می آوردند، سپس افسار حیوان را دور گردنش می پیچیدند و رها می کردند.

اگر چه این حصر اقتصادی با برنامه ریزی گروهی از نیک اندیشان قریش درهم شکست و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و هوادارانش بعد از سه سال تبعید و رنج از شعب ابی طالب بیرون آمدند؛ اما حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آن چنان دارایی خویش را در این راه مصرف کرده بود که در خاتمه این وضع آسف بار گفت: از اموال چیزی نمانده جز دو پوست که یکی را هنگام استراحت زیرانداز و دیگری را روانداز خود قرار می دهیم. به علاوه، این حبس توأم با آزار و شکنجه چنان بر روح و روان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اثر گذاشت که سلامتی وی را در مخاطره افکند و چندی بعد بر اثر بیماری درگذشت. (۱)

«زید بن حارثه» از افرادی بود که او را در ردیف اسیران به عنوان فروش به بازار عکافا آوردند. برادرزاده حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، «حکیم بن حزام» وی را از برده فروشان شام خرید و به مکه آورد و به عمه خود حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فروخت، این واقعه در زمان جاهلیت روی داد. وقتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به افتخار همسری رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) درآمد، زید را به رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بخشید، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هم او را از قید بندگی آزاد ساخت و به فرزندی گرفت، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) به زید علاقه وافر داشت و «زینب بنت جحش» را که دختر عمه خودش بود و خواستگاران بسیار داشت، به عقد ازدواج زید درآورد. (۲)

ص: ۳۰۸

۱- . محمّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ح ۲، ص ۲۱۱؛ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲- . طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳۶؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۲، ص ۲۲۵؛ ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمّد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۸.

ماه بعد از محاصره شدید اقتصادی در شعب ابی طالب، و در سال دهم بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) حامی صادق و همسر فداکار خود، حضرت خدیجه (علیها السلام) را از دست داد و چون چند روزی قبل از آن حضرت ابوطالب (علیه السلام) نیز به سرای باقی شتافته بود، این سال را «عام الحزن» نامیدند. رحلت ایشان در دهم رمضان این سال برای اکرم (صلی الله علیه و آله) ضایعه ای اندوهناک بود و بعد از این رویداد اُسف بار خانه نشین گردید و کمتر از منزل بیرون می آمد. (۱)

پیکر پاک این بانوی عالیقدر بعد از تشریفات شرعی در قبرستان «حجون» که امروزه به «مزار معلی» معروف گردیده است، دفن گردید، در سال ۷۲۷ هـ مسلمانان بر این مرقد منور، بارگاهی بنا کردند؛ ولی متأسفانه در ۱۳۴۴ هـ توسط فرقه ضالّه وهابی تخریب گردید. بعد از حضرت خدیجه (علیها السلام)، اکرم (صلی الله علیه و آله) همسرانی برگزید؛ ولی هیچ کدام نتوانستند جای وی را بگیرند.

ماه ها بعد از فوت این زن، خواهرش «هاله» به مدینه آمد، اکرم (صلی الله علیه و آله) به محض شنیدن صدای او، به یاد خدیجه (علیها السلام) افتاد و با اشتیاق به او خوش آمد گفت، عایشه که ناظر این ماجرا بود نتوانست خود را کنترل کند و از حسادت زنانه گفت: همیشه با حسرت و درد از عجزه ای یاد می کنی، در حالی که او سال ها است مرده و خداوند بهتر از وی را نصیب شما نموده است. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) با آن خوی ملکوتی، سعه صدر و شکیبایی نتوانست در برابر این یاوه گویی و عبارات سخیف خاموش بماند و ضمن این که آثار رنجیدگی در سیمای مبارکش آشکار گردیده بود، فرمود:

«صدقتنی اذ کذبتم و آمنتم بی اذ کفرتم؛ (۲) او هنگامی که شما مرا تکذیب می کردید، مورد تأیید و تصدیق قرار داد و هنگامی که کافر بودید، به من ایمان آورد.»

ص: ۳۰۹

۱-، طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۶۳-۶۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۲۱؛ حائری، جعفر، خدیجه بنت خویلد، ص ۹۱.

۲- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ح ۲، ص ۷۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص

عایشه افزوده است: همواره با یاد خدیجه به پیشگاه رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) تقرب پیدا می کردم.

روزی بانویی به محضر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد که از سوی آن رحمت عالمین مرود لطف و احسان قرار گرفت. وقتی او رفت، عایشه علت این همه مهربانی را در حق وی جويا گردید. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: این زن در زمان حیات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خانه ما می آمد و در ایمان و وفاداری به میثاق و عهد خویش استوار بود. هر گاه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گوسفندی را ذبح می کرد، می فرمود: از گوشت آن برای دوستان خدیجه بفرستید؛ زیرا من به آشنایان او علاقه دارم. حتی در هنگام فتح مکه رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مسیر را به گونه ای تعیین فرمودند که از کنار مزار حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) عبور نمایند. (۱)

کتابنامه

۱. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیا الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: المکتبه الاسلامیه، [بی تا].
۴. الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۹۹ ق.
۵. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، نجف: مطبعه العدل، [بی تا].

ص: ۳۱۰

-
- ۱- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۰۸؛ محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ح ۲، ص ۲۰۶؛ عالمی، محمد علی، پیغمبر و یاران، ح ۲، ص ۲۵۳؛ دائره المعارف تشیع، ج ۷، ص ۹۸.

۱. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویّه، تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۵۵ ق.
۲. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمّد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۳. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (م ۶۹۲ ق)، کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، تبریز: مکتبه الهاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۴. اعتماد السلطنه، محمّد حسن خان، خیرات حسان، تهران: [بی نا]، [بی تا].
۵. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (م ۱۴۱۹ ق)، زینب بانوی کربلا، ترجمه: سید رضا صدر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۶. حایری، شیخ جعفر، خدیجه بنت خویلد، [بی تا]، قم: [بی نا].
۷. خراسانی، محمّد هاشم، منتخب التواریخ، تهران: کتابفروشی محمّد حسن علمی، [بی تا].
۸. دایره المعارف تشیع، زیر نظر: احمد صدر حاج سیّد جوادی، کامران فانی و بهاء الدین خزّمشاهی، تهران: نشر شهید سعید محیی، ۱۳۷۸.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ جدید، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. رحیمیان، غلامعلی، مادر نمونه اسلام، قم: انتشارات امیر، ۱۳۴۶ ش.
۱۱. رفعت باشا، ابراهیم، مرآه الحرمین، ترجمه: هادی انصاری، تهران: مشعر، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. رهنما، زین العابدین، پیامبر، دوره سه جلدی، تهران: کتاب های جیبی، ۱۳۴۵ ش.
۱۳. سبحانی، جعفر، سیمای فرزندگان، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، چاپ هشتم، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی (م ۶۵۴ ق)، تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمّه، نجف: منشورات المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۳ ق.

شیخ طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، الامالی، قم: انتشارات

۱. دارالثقافیه، ۱۴۱۴ق.
۲. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، [بی تا].
۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: [بی نا]، ۱۹۸۸ م / ۱۴۰۸ق.
۴. عالمی، محمدعلی، پیغمبر و یاران، قم: بصیرتی، ۱۳۴۶ش.
۵. علی دخیل، علی محمد، زنان بزرگ اسلام (خدیجه)، ترجمه: فیروز حریرچی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
۶. قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه الزهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از ولادت تا شهادت، ترجمه: علی کرمی، قم: نشر مرتضی، ۱۳۷۷ش.
۷. کمالی، محمد تقی، شکوه زندگی، قم: انتشارات امید، [بی تا].
۸. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن (م ۱۳۵۱ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، تهران: جهان، [بی تا].
۹. مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۰ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۰. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ق.
۱۱. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ق)، کحل البصر فی سیره سید البشر، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۲. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، [بی نا]، [بی جا].
۱۳. مسعودی، علی بن حسین (م ۳۴۶ق)، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ش.

۱. معروف حسنی، سید هاشم (م ۱۴۰۴ ق)، زندگانی دوازده امام، ترجمه محمد رخشنده، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶ ش.

۲. مؤسسه البلاغ، عالم المراه (ام المومنین الکبری)، تهران: مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۳ ق.

۳. موسوی گرمارودی، سید محمدصادق، آخرین پیام آور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

ص: ۳۱۳

مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (۱)

علی امامی

چکیده

شرح حال و فضائل معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به منابع مهم حدیثی و تاریخی است. از دیدگاه نویسنده: خداوند متعال بارها موقعیت و مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از طرق گوناگون آشکار نموده و از منزلت رفیع او در درگاه الهی پرده برداشته است که به

نمونه‌هایی اشاره می‌شود: ۱. سلام خاص الهی: بارها سلام سفارشی و مؤکد ربوبی توسط جبرئیل به محضر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رسیده است. ۲. فرستادگان ویژه الهی: هنگامی که وضع حمل آن بانو نزدیک گشت، به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که مرا در این امر یاری نمایید، ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی و محمد یتیم را به همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی‌کنیم. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از این جواب سخت غمگین گشت. در این هنگام چهار زن همانند زنان بنی هاشم وارد شدند در حالی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدن آنان هراسان بود، یکی از آن چهار زن به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

گفت: غمگین مباش، پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم... ۳. در قصری از بهشت: قبل از رحلت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، خداوند متعال بارها توسط پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جایگاه ویژه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت خبر داد.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، فضایل معنوی، سلام الهی، وضع حمل، جبرئیل، قصر بهشتی.

ص: ۳۱۴

امشب دل تنگ مرا اشکم

روایت می کند

امشب خدیجه با تو ای اسماء وصیت می کند

اسماء بهار عمر من امشب

به پایان می رسد

زهرا سرش بر سینه ام من بر

لبم جان می رسد

اسماء ببر از من پیام بر

خاتم پیغمبران

بر گو کنار تربتم امشب بیا

قرآن بخوان

در سال دهم بعثت دو حادثه دردناک و جانسوز بر پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد گشت، چنان که در تاریخ آمده است: «وَرَدَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَمْرَانِ شَدِيدَانِ عَظِيمَانِ وَجَزَعٌ شَدِيدٌ؛ دو امر بزرگ و سخت بر پیامبر وارد شد به گونه ای که فریاد و ناله شدید حضرت بلند شد.» آن دو امر یکی رحلت جانسوز ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بود که در ۲۶ رجب سال دهم بعثت و یا هفتم رمضان، همان سال واقع شد، و دیگری وفات یار فداکار آن حضرت، خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود، که در دهم رمضان همان سال اتفاق افتاد.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را با دستان خویش در محلی به نام «حجون» (قبرستان ابوطالب فعلی) دفن نمود. او به قدری از این دو حادثه غمناک بود که از خانه کمتر بیرون می آمد و در واقع خانه نشین شده بود و به همین جهت آن سال را، «عَامُ الْحُزْنِ» و سال غصه و غم نامگذاری نمود. (۱) علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در رثای آن دو بزرگوار چنین فرمود: «ای چشمان من! آفرین بر شما! بر آن دو رفته ای که دیگر مانندشان را نمی بینند؛ بر بزرگ بطحاء و بر بانوی بانوان؛ آن نخستین کسی [از زنان] که نماز گذارد، بر آن زن پیراسته و خجسته ای که خداوند او را پاک داشت و برتری اش داد، اشک بریزید. مرگ این دو، روز را بر من تاریک ساخته و از این پس، شب ها را در اندوه و سوگ آن دو سر می کنم. آن دو در

۱- ر. ک: محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، ج ۱، ص ۳۶.

برابر ستمکاران به دین ، آیین محمّد را یاری کردند و پاس پیمان خویش داشتند»^(۱)

آن چه در پیش رو دارید، نگاهی است گذرا، به مقامات خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، بانوی فداکار و صبور اسلام، در پیشگاه الهی و نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم)^(۲).

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته

قرآن بر خلاف تصور برخی افراد که فقط مردان را الگوی افراد و جامعه می دانند، آن جا که می خواهد الگوها و اسوه ها را معرفی کند ، در کنار اسوه بودن حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، الگوها و نمونه هایی از زنان وارسته و هم چنین زنان گمراه را نیز به جامعه و مؤمنان معرفی می نماید، از جمله می فرماید :

(وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ لَهَا مِنَ الْفَاتِحَاتِ (۳)

خداوند برای کسانی که کافر شدند ، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، که آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند ؛ ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] در برابر خداوند سودی به حالشان نداشت و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند. و خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پرورد گارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش! و هم چنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود).

آیات فوق نشان می دهد که زنان بزرگ نه تنها الگو و اسوه برای زنان می باشند،

ص: ۳۱۶

۱- . بیهقی نیشابوری، محمد بن حسن، دیوان امام علی، ص ۳۶۰.

۲- . قابل ذکر است که در شماره ۵۹ مجله مبلغان بخش اول مقاله، تحت عنوان «فضائل خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)» بیان ، و اکنون در بخش دوم، مقامات آن حضرت بیان می شود.

۳- . تحریم: ۱۱ - ۱۲.

بلکه مثال و نمونه برای کل جامعه می باشند. در همین راستا بیان فضائل و مقامات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می تواند برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و الگوی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از کامل ترین زنان و بهترین الگوهای است که فضائل و مقامات او به حد کمال رسیده است.

این معنی را رسول اعظم ۹ با بیانات مختلفی مطرح نموده است. در یک جا فرمود: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ، آسِيَةُ، خَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ»^(۱) برترین زنان عالم، مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه هستند.» در جای دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ»^(۲) به راستی خداوند از زنان عالم چهار زن بر گزید: مریم، آسیه، خدیجه، و فاطمه.

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

قطعاً فضائل و مقامات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بدون اسباب و علّت نمی تواند باشد. عقل و عنایات و الطاف الهی، ریشه فضائل و مقامات او است.

در کلمات برخی مورخان به این جملات برمی خوریم: «كَانَتْ خَدِيجَةُ إِمْرَأَةً عَاقِلَةً شَرِيفَةً مَعَ مَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَا مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْخَيْرِ وَهِيَ يَوْمَئِذٍ أَفْضَلُهُمْ نَسَبًا وَأَعْظَمُهُمْ شَرَفًا وَأَكْثَرُهُمْ مَالًا»^(۳) خدیجه با آنچه خداوند از بزرگی و خیر که نسبت به او اراده کرده بود، بانوی خردمند شریفی بود. او در آن دوران از برترین افراد در نسب و بزرگ ترین شخصیت در شرف و ثروتمندی بود.»

ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی نقش تعیین کننده ای در فضائل و مقامات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارد.

جالب این است که راهب نصرانی این مسئله را قبل از رسالت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ازدواج او با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خوبی پیش بینی کرد، که اگر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیغمبر ۹ را رها نکند، به مقامات و

ص: ۳۱۷

۱- . شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، باب الخصال اربعه، ج ۱، ص ۹۶.

۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲، ح ۴.

۳- . دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.

فضائل عظیمی دست خواهد یافت؛ آن جا که به میسره غلام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت:

«يا مَيْسِرَهُ إِقْرَأْ مَوْلَاتِكَ مَنَى السَّلَامِ وَأَعْلَمَهَا أَنهَا قَدْ ظَفَرَتْ بِسَيِّدِ الْأَنَامِ، وَأَنَّهُ سَيَكُونُ لَهَا شَأْنٌ مِنَ الشَّانِ وَتَفْضُلٌ عَلَى سَائِرِ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ وَأَخَذَرَهَا أَنْ تَفُوتَهَا الْقُرْبَ مِنْ هَذَا السَّيِّدِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلَهَا مِنْ نَسْلِهِ وَيَبْقَى ذِكْرُهَا إِلَى آخِرِ الزَّمَانِ؛ (۱)

ای میسره! به خانم و مولای خود سلام مرا برسان و به او اعلام کن که به آقای مردم [حضرت محمد] دست یافته است. و به زودی برای او (خدیجه) شأن و جایگاهی خواهد بود و بر تمامی خاص و عام برتری می یابد و بترسان او را از این که نزدیک شدن به این آقا (محمد) را از دست بدهد؛ زیرا خداوند بلند مرتبه به زودی نسل او را از نسل محمد قرار خواهد داد و نام [نیکش] تا آخر الزمان خواهد ماند.»

این پیش بینی نشان می دهد که در کتب آسمانی گذشته و یا در بیانات انبیا، کاملاً مقام و منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بیان شده بود، از این رو راهب نصرانی به خوبی و با دقت تمام آن را بیان و پیش بینی کرد. و جالب تر این که زنان قریش از جمله صفیه دختر عبدالمطلب در شب ازدواج خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و جشن عروسی او نیز به این امر اشاره کرد که:

«يا خَدِيجَةُ! لَقَدْ خَصَّيْتُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ بِشَيْءٍ مَا خَصَّ بِهِ غَيْرُكَ، وَلَا نَالَهُ سِوَاكَ مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا أُوتِيَتْهُ وَوَصَلَ إِلَيْكَ مِنَ الْعِزِّ وَالشَّرَفِ؛ (۲) ای خدیجه! در این شب به چیزی اختصاص یافتی که هیچ کس غیر از تو بدان دست نیافته است، و جز تو از قبائل عرب و عجم به آن نرسیده است، پس گوارایت باد به آنچه به تو داده شد و از عزت و بزرگی به تو رسید.»

البته خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) هم به خوبی برای استقبال از این مقام و منزلت سرمایه گذاری نمود. در آغاز، تمام اموال و هستی خویش را تقدیم محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نمود. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عمویش ورقه گفت: «این اموال را بگیر و نزد محمد ببر و به او بگو همه این اموال هدیه است برای او و ملک او می باشد، هر گونه خواست در آن تصرف نماید، و به او بگو که تمام اموال و

ص: ۳۱۸

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴۴.

۲- . همان، ص ۷۱، ذیل صفحه .

برده های من، و تمامی کنیزها و آنچه در تحت تصرف من است، به محمد (صلی الله و اله وسلم) هبه کردم، به خاطر احترام و تجلیل از او. پس ورقه بین زمزم و مقام (ابراهیم) ایستاد و با صدای بلند اعلام کرد: ای گروه عرب! خدیجه شما را شاهد گرفته است بر این که خود و مالش، و بردگان و کنیزان و خادمان، و چهار پایان و مهریه و هدایای او همه برای محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) است، و این هدیه به خاطر تجلیل و تعظیم از او و به جهت علاقه به او است، شما نیز بر این امر شاهد باشید.» و بعد از بعثت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) با ایمان خویش، مقامات و فضائل خود را بیمه نمود.

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی

اشاره

خداوند متعال بارها موقعیت و مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را از طرق گوناگون آشکار نموده، و از منزلت رفیع او در درگاه الهی پرده برداشته است که به نمونه هایی اشاره می شود

۱. سلام خاص الهی

بارها سلام سفارشی و مؤکد ربوبی توسط جبرئیل به محضر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) رسیده است. ابو هریره نقل کرده است که: «أَتَى جَبْرَائِيلُ النَّبِيَّ ۹، فَقَالَ: هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ مَغْطَى فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ ۳ مِنْ رَبِّهَا، وَمِنِّي السَّلَامُ؛ (۱) جبرئیل نزد پیامبر آمد و گفت: خدیجه همراه با ظرفی سر پوشیده که در آن خورشید یا غذا یا نوشیدنی است نزد تو می آید، پس هر گاه آمد، سلام پروردگارش و سلام من را به محضر او برسان.»

در روایت دیگری می خوانیم:

«إِنْ جَبْرَائِيلُ أَتَى النَّبِيَّ ۹ فَقَالَ إِقْرَأْ خَدِيجَةَ مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ): يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرَائِيلُ يُقْرِئُكَ مِنْ رَبِّكَ السَّلَامَ، قَالَتْ خَدِيجَةُ: اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ؛ (۲)»

به حقیقت جبرئیل نزد پیامبر آمد پس گفت: به خدیجه از طرف پروردگارش سلام برسان،

ص: ۳۱۹

۱- همان، ص ۸، به نقل از مسند احمد بن حنبل.

۲- همان، ص ۱۱، روایت ابن هشام. و. ر. ک: ص ۸.

پس حضرت فرمود: ای خدیجه این جبرئیل است که از طرف پروردگارت سلام می رساند. خدیجه گفت: خدا سلام است و سلام [و سلامتی] از او است و بر جبرئیل سلام باد.»

اما سلام سفارشی جبرئیل علاوه بر آنچه که در ضمن روایات قبلی اشاره شد در روایت دیگری با سند صحیح از طریق بزرگان روات شیعه، به این صورت نقل شده است:

«عَنْ زُرَّارَةَ وَحَمْرَانَ بْنِ أَعْيُنٍ وَمَحْمَدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ٧، قَالَ: حَدَّثْتُ أَبَا سَعِيدٍ الْخَدْرِيَّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَانِي لَيْلَةً أُسْرِي بِي فَحِينَ رَجَعْتُ قُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ قَالَ: حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ وَحَدَّثْنَا عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقِيَهَا نَبِيُّ اللَّهِ فَقَالَ الَّذِي قَالَ جِبْرَائِيلُ فَقَالَتْ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى جِبْرَائِيلَ السَّلَامُ؛ (١)

امام باقر (علیه السلام) به زراره و حمران و محمّد بن مسلم چنین روایت کرد که ابو سعید خدری نقل کرد که رسول خدا فرمود: آن شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت جبرئیل نزد من آمد. به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل! آیا حاجتی داری؟ پاسخ داد: حاجت من این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی. و نقل کرد که: چون رسول خدا پیغام جبرئیل را به خدیجه رسانید، خدیجه پاسخ داد: همانا خدا سلام است و سلام [و سلامتی] از او است و سلام به سوی او است و بر جبرئیل سلام باد.»

۲. فرستادگان ویژه الهی

هر کس در مسیر الهی حرکت کند، خداوند هرگز او را رها نکرده و تنها نخواهد گذاشت. نمونه بارز آن سرگذشت خدیجه کبری (علیها السلام) است: «هنگامی که وضع حمل آن بانو نزدیک گشت، به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که مرا در این امر یاری نمایید، ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی، و محمد یتیم را به همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی کنیم. خدیجه از این جواب سخت غمگین گشت. در این هنگام چهار زن همانند زنان بنی هاشم وارد شدند؛ در

ص: ۳۲۰

حالی که خدیجه از دیدن آنان هراسان بود. یکی از آن چهار زن به خدیجه گفت: غمگین مباش، پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم. من ساره هستم، این آسیه، دختر مزاحم رفیق بهشتی تو است و این هم مریم، دختر عمران است و این یکی کلثوم، خواهر موسی بن عمران است. خدا ما را برای کمک به تو فرستاده است تا یاور و پرستار تو باشیم.» (۱) راستی که باید گفت: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ؟» (۲) آیا خداوند برای [حمایت و دفاع از] بنده اش کافی نیست؟»

۳. کفن بهشتی

خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در لحظات احتضار «اسماء بنت عمیس» را به نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به او سفارشات کرد. آن گاه فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را نزد اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) واسطه قرار داد که از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) خواهش کند تا یکی از لباس های خود را کفن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قرار دهد. وقتی فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد پدر رفت و درخواست مادر را مطرح کرد، اشک از چشمان حضرت جاری گشت، چیزی نگذشت که جبرئیل نازل شد در حالی که کفنی از بهشت همراه خویش داشت که خداوند آن را برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرستاده بود. (۳)

آری انسانی که تمام ثروت خویش را دو دستی در راه خدا تقدیم نموده است، در پیشگاه الهی این عظمت را پیدا می کند که خداوند کفن بهشتی برای او بفرستد، و این گونه از ایثار و انفاق او تقدیر به عمل آورد.

۴. در قصری از بهشت

قبل از رحلت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، خداوند متعال بارها توسط پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جایگاه ویژه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت خبر داد، از جمله عکرمه از ابن عباس نقل می کند که رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرْيَمُ ابْنَتُ

ص: ۳۲۱

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۰ و ج ۴۳، ص ۲ - ۴؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ص ۴۷۵.

۲- زمهر، ۳۶.

۳- به نقل از واعظ محترم جناب آقای یتربی.

عمران و آسیه بنت مزاحم؛ (۱) بهترین زنان بهشت اینان اند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.»

و از عبد الله جعفر نقل شده است که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِحَبِيَّتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا يَصِيحُ فِيهِ وَلَا نَصَبٌ؛ (۲) دستور داده شده ام که خدیجه را به خانه طلابی که در آن زحمت و خصومت وجود ندارد، بشارت دهم.» همین مضمون نیز از عبد الله بن ابی اوفی از رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) نقل شده است. (۳)

آن گاه که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حال احتضار قرار گرفت، فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در باره جایگاه آن حضرت در قیامت پرسش هایی کرد، از جمله پرسید: «أَيْنَ وَالِدَتِي خَدِيجَةُ؟ [در آن روز] مادرم خدیجه کجا است؟» حضرت فرمود: «فِي قَصْرِ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ إِلَى الْجَنَّةِ؛ (۴) [خدیجه] در قصری است که چهار درب به سوی بهشت دارد.»

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

اشاره

هر گاه انسانی در پیشگاه الهی از چنان مقامی برخوردار باشد، نگفته پیدا است که در نزد پیامبر خدا (صلی الله و آله وسلم) نیز دارای منزلتی است رفیع؛ چنان که تاریخ نیز گواهی می دهد که محبوب ترین همسران پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نزد او، خدیجه کبری ۳ بود. (۵)

حضرت ۲۴ سال با حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زندگی کرد و تا زنده بود به احترام او همسر دیگری اختیار نکرد.

«جان دیون پورت انگلیسی» می گوید: «با وجود این که خدیجه در چنان سن و سال [بالایی] بود و به حسب قاعده بایستی زیبایی دوران جوانی خود را از دست داده باشد، با

ص: ۳۲۲

- ۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۷؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۱.
- ۲- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷، ح ۱۲.
- ۳- . همان، ص ۷.
- ۴- . همان، ج ۲۲، ص ۵۱۰.
- ۵- . همان.

این حال محمد تا آخرین دقیقه حیات خدیجه، نسبت به او وفادار ماند و تا زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد. (۱) بعد از رحلت آن بانوی گرامی نیز پیامبر ۹ او را فراموش نکرد و دائماً به یاد او بود، که به نمونه هایی اشاره می شود.

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

«عَنْ عَائِشَةَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيُحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا وَالْإِسْتِغْفَارَ لَهَا. فَذَكَرَهَا ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمَلْتَنِي الْغَيْرَهُ فَقُلْتُ عَوْضَكَ اللَّهُ مِنْ كَبِيرِهِ السُّنَّ قَالَتْ فَرَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا؛

عایشه گوید: رسول خدا ۹ از خانه بیرون نمی رفت، مگر این که خدیجه را به نیکی یاد می کرد و برای او استغفار می نمود. روزی از او یاد کرد، من حسد بردم و گفتم: خداوند جایگزین آن پیرزن به تو عطا کرده است! پیامبر شدیداً خشمگین شد.

و ادامه می دهد که رسول خدا فرمود: «خَدِيجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ، صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَبَنِي النَّاسُ وَوَأَزَرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَانْتَنِي بِمَالِهَا؛ (۲) خدیجه! و کجا است مثل خدیجه؟ او مرا تصدیق کرد، آن گاه که مردم مرا تکذیب نمودند و با مال خود مرا بر دین خدا کمک و یاری کرد.»

این قضیه بارها تکرار شده است؛ از جمله روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در جمع همسران خویش حضور داشت و از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یاد نمود و در فراق او گریست. عایشه گفت: بر پیرزن سرخ روی از تیره بنی اسد می گریی؟ رسول خدا فرمود:

«صَدَقْتَنِي إِذَا كَذَبْتُمْ وَ آمَنْتَ بِي إِذَا كَفَرْتُمْ وَ وُلِدْتِ لِي إِذَا عَقِمْتُمْ. قَالَتْ عَائِشَةُ: فَمَا زِلْتُ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) بِذِكْرِهَا؛ (۳) خدیجه روزی که شما مرا تکذیب کردید،

ص: ۳۲۳

۱- دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۲۵.

۲- محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، باب خاء، ص ۳۸۰؛ شوشتری، محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸؛ اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ج ۲، ص ۱۳۱.

تصدیق نمود و روزی که کفر ورزیدید، او به من ایمان آورد و فرزند برای من آورد و شما نازا بودید. عایشه اضافه می کند: همیشه این گونه بود که من با بیان خوبی های خدیجه به پیامبر خدا تقرب می جستم.»

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (علیها السلام)

از آن جا که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شدیداً به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) محبت و ارادت داشت، نسبت به دوستان و آشنایان او نیز اظهار محبت و دوستی می کرد. به همین جهت هنگام ذبح قربانی می فرمود: از گوشت آن برای دوستان خدیجه نیز ببرید؛ چرا که «إِنِّي لَأُحِبُّ حَبِيبَهَا» (۱) من دوستان خدیجه را نیز دوست می دارم.»

و نیز روایت شده روزی پیرزنی بر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وارد شد، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) او را مورد لطف و مهربانی قرار داد، پس از رفتن او عایشه علت آن همه لطف را جویا شد، حضرت فرمود: این بانو در زمان خدیجه بر من وارد می شد. (۲)

آری آن هایی که در راه خدا قدم برداشتند و تلاش خود را در مسیر او قرار دادند، هرگز از یادها و خاطره ها نمی روند.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده

شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام

ما

به همین جهت به اعتراف عایشه، هرگز پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و گفتن مدح او خسته نشد. «قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ لَمْ يَسْأَمْ مِنْ ثَنَاءِ عَلَيْهَا وَاسْتِغْفَارِ لَهَا» (۳) عایشه گفت: رسول خدا همیشه این گونه بود که هر گاه خدیجه را یاد می کرد، از گفتن ثنای او و استغفار برای او خسته نمی شد.»

بحث را با این زبان حال پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در سوگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به پایان می بریم:

یار شکسته

بال من، به حال من نظر نما

دلدار خسته

حال من، به جمع ما گذر نما

- ١- . محلّاتى، ذبيح اللّٰه، رياحين الشريعة.
- ٢- . محدث قمى، شيخ عباس، سفينه البحار، ج ١، ص ٣٧٩ - ٣٨١.
- ٣- . مجلسى، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ١٦، ص ١٢.

سوز سینه ام، که سوزد از برای تو

سوزد دُخت

حزینه ام، به یاد آن وفای تو

کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م ۴۶۳ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۴. دیار بکری، حسین بن محمد (معاصر)، تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس، بیروت: مؤسسه شعبان.
۵. شوشتری، محمدتقی تستری (م ۱۴۱۵ ق)، قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشیعه ومحدثیهم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۶. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۷. ، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۸. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۹. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. ، منتهی الآمال، تهران: کتابخانه و مطبعه علمی، ۱۳۵۵ ق.
۱۱. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.

فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گفتار بزرگان (۱)

چکیده

شرح زندگانی و فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با استناد به سخنان اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان است. به عنوان نمونه: ابن سعد مورخ عرب از قول آدم ۷ چنین می گوید: «آدم در بهشت به حوا گفت یکی از مزایایی که خدا نصیب رسول الله کرد این بود که جفتی چون خدیجه نصیب او نمود و خدیجه پیوسته برای انجام رسانیدن مشیت خداوند به محمد کمک می کرد؛ در صورتی که حوا سبب گردید که من در بهشت بر خلاف اراده خداوند رفتار نمایم.» امام حسین ۷ در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جدۀ من خدیجه دختر خویلد است؟» و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه هستم؟»

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، امام سجاد ۷.

در روایات اسلامی که از طریق شیعه و اهل تسنن نقل شده و نیز در کلام بزرگان و اندیشمندان، در شأن و مقام ارجمند ام المومنین حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن فراوان و با تعبیرات گوناگون به میان آمده است. به گفته صاحب مستدرک سفینه البحار: «فضائل حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که در ابواب مختلف روایات آمده، بیش از آن است که (قابل شمارش باشد).» (۲)

ص: ۳۲۶

۱- گلستان قرآن، شماره ۹۵ (آذر ۱۳۸۰)، ص ۳۱-۳۲.

۲- محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۱۸۶.

حاصل توجه به این روایات پی بردن به راز عظمت او و شناخت شایستگی های او است . از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل است که:

«خیر نساءها خدیجه و خیر نساءها مریم ابنه عمران؛(۱) بهترین زنان دنیا خدیجه و مریم دختر عمران هستند.»

«خیر نساء العالمین مریم بنت عمران ، و آسیه بنت مزاحم ، و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد؛(۲) بهترین زنان جهانیان عبارت اند از: مریم دختر عمران ، آسیه دختر مزاحم ، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر حضرت محمّد.»

ابن عباس می گوید: روزی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) چهار خط کشید. آن گاه پرسید: آیا می دانید این خط ها چیست ؟ گفتیم: خدا و رسولش داناتر است . فرمود:

«خیر نساء الجنة مریم بنت عمران ، و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمّد، و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون؛(۳) بهترین زنان بهشت ، مریم دختر عمران ، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمّد و آسیه دختر مزاحم ، همسر فرعون است.»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عایشه که در حال برتری جویی به فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود فرمود:

«او ما فاعلمت انّ الله اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهيم و آل عمران و عليا و الحسن و الحسين و حمزه و جعفرا و فاطمه و خدیجه علی العالمین؛(۴) آیا نمی دانی که خداوند، آدم ، نوح ، آل ابراهیم ، آل عمران ، علی ، حسن ، حسین ، حمزه ، جعفر، فاطمه و خدیجه را بر جهانیان برگزید.»

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای رسول خدا! این خدیجه است ، هر گاه نزد تو آمد ، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من سلام برسان ، «و بشرها بیت فی الجنة من قصب لاصخب و لانصب؛(۵) و او را به خانه ای از یک قطعه (زبرجد) در

ص: ۳۲۷

۱- . بخاری، محمّد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۴.

۲- . ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله ، الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۲۰.

۳- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲ و ج ۱۶، ص ۲.

۴- . محمّدی اشتهاردی، محمّد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۱۸۷، به نقل از: مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۶۳.

۵- . ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۴۳۸.

بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست مژده بده.»

«اربع نسوه سیدات سادات عالمهن مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمّد، و افضلهن عالما فاطمه؛ (۱) چهار زن سرور زنان جهان خود می باشند، که عبارت اند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمّد، و بهترین آنها در جهان فاطمه است.»

«حسبک من نساء العالمین مریم بنت عمران، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و آسیه بنت مزاحم؛ (۲) در میان بانوان دو جهان، در فضیلت و کمال کافی است: مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) در تفسیر آیه ۲۸ مطفین: (عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ؛ همان چشمه بهشتی که مقربان از آن می نوشند)، فرمود: «المقربون السابقون؛ رسول الله، و علی بن ابیطالب و الائمه، فاطمه و خدیجه.» (۳)

روزی پیامبر ۹ به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «تو همسری مانند فاطمه داری که من چنان همسری ندارم. تو مادر زنی مثل خدیجه داری که من چنین مادرزنی ندارم.» (۴)

روایت شده است روزی جبرئیل به حضور اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آمد و جوای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شد. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) او را نیافت. جبرئیل گفت: «وقتی که او آمد، به او خبر برده که پروردگارش به او سلام می رساند.» (۵)

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در چهل شبانه روز اعتزال از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) توسط عمار یاسر به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین پیام داد: «ان الله عز وجل لیباهی بک کرام ملائکته کل یوم مرارا؛ (۶) همانا خداوند

ص: ۳۲۸

- ۱- . محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، ص ۴۴.
- ۲- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۱.
- ۳- . طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۲۰.
- ۴- . محمّدی اشتهاردی، محمّد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۱۹۰، به نقل از: مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۶۸.
- ۵- . مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸.
- ۶- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۷۲.

متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان بزرگش افتخار می کند.»

روزی رسول خدا ۹۱ در مسجد در حضور مردم در شأن حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مطالبی فرمود. از جمله چنین گفت: «ایها الناس الا خبرکم بخیر الناس جدا و جدہ ؛ ای مردم ! آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسان ها از جهت جد و جدہ ؟» حاضران عرض کردند: «آری ، خبر بده !» فرمود : «الحسن و الحسين ، جدہما رسول اللہ و جدتہما خدیجہ بنت خویلد؛ (۱) آنها حسن و حسین هستند که جدشان رسول خدا محمد است و جدہ آنها خدیجہ دختر خویلد می باشد.»

در آن هنگام که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در بستر رحلت قرار گرفت ، حضرت زهرا ۳ بسیار پریشان و گریان بود. اکرم (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به وجود پربرکت مولاعلی ۷ دلداری داد و در فرازی ضمن یاد از خدیجہ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فرمود : «دل خوش دار که : ان علیا اول من آمن باللّٰه و رسوله من هذه الامه ، هو و خدیجہ امک؛ (۲) همانا علی نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد . او و خدیجہ، مادر تو، اولین افرادی هستند که به اسلام پیوستند.»

پیامبر اکرم (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بعد از وفات خدیجہ کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همواره از خاطرات شیرین و ایثار آن بانوی گرامی به نیکی یاد می کرد و هر گاه به یاد او می افتاد، اشک فراق بر دیدگانش جاری می شد؛ از جمله روزی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در نزد چند از نفر از همسران خود بود . ناگاه سخنی از حضرت خدیجہ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به میان آمد. اکرم (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) آن چنان آشفته و پراحساس شد که قطره های اشک از چشمانش سرازیر گشت .

عایشه به آن حضرت گفت : «چرا گریه می کنی ؟ آیا برای یک پیرزن گندمگون از فرزندان اسد، باید گریه کرد؟» اکرم (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در پاسخ به او فرمود: «صدقتنی اذ کذبتم ، و آمنت بی اذ کفرتم ، و ولدت لی اذ عقمتم؛ (۳) او هنگامی که شما مرا تکذیب می کردید ، تصدیق

ص: ۳۲۹

۱- . محمّدی اشتهاردی، محمّد، حضرت خدیجہ اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۱۹۸، به نقل از: مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۰۲.

۲- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۵۰۲.

۳- . محمّدی اشتهاردی، محمّد، حضرت خدیجہ اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۰۷.

کرد و هنگامی که کافر بودید، او به من ایمان آورد، و برای من فرزندی آورد در حالی که شما نازا هستید.»

نیز روایت شده: روزی پیرزنی نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) آمد. آن حضرت او را مورد لطف سرشار قرار داد. وقتی آن پیرزن رفت، عایشه علت آن همه مهربانی به پیرزن را از پیامبر ۹ پرسید. او در جواب فرمود: «انها كانت تاتينا في زمن خديجه، و ان حسن العهد من الايمان؛ (۱) این پیرزن در عصر زندگی خدیجه به خانه ما می آمد و از کمک ها و الطاف سرشار خدیجه برخوردار بود. همانا نیک نگهداری عهد و سابقه، از ایمان است.»

و مطابق روایت دیگر عایشه گفت: «هرگاه پیامبر گوسفندی ذبح می کرد، می فرمود: از گوشتش برای دوستان خدیجه بفرستید. یک روز در این باره با آن حضرت سخن گفتم، فرمود: «انی لاحب حبیها؛ من دوست خدیجه را دوست دارم.» (۲)

یاد خدیجه (علیها السلام) در خواستگاری حضرت زهرا

در جریان مراسم خواستگاری مولا علی (علیه السلام) از حضرت زهرا (علیها السلام) پس از آن که ام سلمه به همراه ام ایمن کنیز آزاد شده و برخی دیگر از همسران اکرم (صلی الله علیه و آله) نزد وی رفتند تا او را در جریان درخواست امام علی (علیه السلام) برای همسری با فاطمه الزهرا ۳ قرار بدهند، در بخشی از گفتار خود به حضرت خدیجه (علیها السلام) اشاره نمودند و آرزو کردند: ای کاش آن مادر یگانه در این مراسم حضور می یافت و می توانست در مراسم ازدواج جگر گوشه اش حاضر باشد.

تا سخن به نام خدیجه (علیها السلام) رسید ناگهان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به صدای بلند شروع به گریستن نمود. سپس فرمودند: «خدیجه و این مثل خدیجه صدقتانی حین کذبنی الناس، و وازرتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها، ان الله امر فی ان ابشر خدیجه بیت فی الجنة من قصب لا- صخب فیه و لا- نصب؛ (۳) خدیجه! کجا است همانند خدیجه؟ در آن هنگام که مردم مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق کرد، و او برای دین خدا با من همکاری و

ص: ۳۳۰

۱- . محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۳.

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

همیاری نمود، و با ثروت خود مرا برای پیشبرد دین کمک کرد. خداوند متعال به من فرمان داده است که خدیجه را به داشتن خانه ای از یک گوهر در بهشت که رنج و ناآرامی در آن نیست مژده بدهم.»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در احادیث معراج نبی

ابوسعید خدری می گوید: رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) فرمود: وقتی که در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی.»

پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ابلاغ کرد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «ان الله هو السلام، و منه السلام، و اليه السلام، و على جبرئیل السلام؛ (۱) همانا ذات پاک خدا سلام است، و از او است سلام، و سلام به سوی او باز گردد و بر جبرئیل سلام باد.»

گفتار انبیای الهی، ائمه و اصحاب صدر اسلام

ابن سعد مورخ عرب از قول آدم ۷ چنین می گوید: «آدم در بهشت به حوا گفت یکی از مزایایی که خدا نصیب رسول الله کرد، این بود که جفتی چون خدیجه نصیب او نمود و خدیجه پیوسته برای انجام رسانیدن مشیت خداوند به محمد کمک می کرد؛ در صورتی که حوا سب گردید که من در بهشت بر خلاف اراده خداوند رفتار نمایم.» (۲)

امام حسین ۷ در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جدۀ من خدیجه دختر خویلد است؟» (۳) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه هستم؟» (۴)

ص: ۳۳۱

- ۱- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۳۳.
- ۲- ویرزیل گئورگیو، کنستانتین، محمد پیامبری که از نو باید شناخت، ص ۵۰.
- ۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.
- ۴- همان، ج ۴۵، ص ۶.

امام سجاد ۷ در مجلس شاهانه یزید در دمشق در خطبه معروف خود، این چنین خود را معرفی می کند: «انا بن خدیجه الکبری؛ (۱) من پسر خدیجه، بانوی بزرگ اسلام هستم.»

حضرت زینب ۳ در کربلا در روز یازدهم محرم سال ۶۱ ق، هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمد و مطالبی جانسوز گفت؛ از جمله در آن جا پس از ذکر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یاد کرد و فرمود: «بابی خدیجه الکبری؛ (۲) پدرم به فدای خدیجه بانوی بزرگ باد.»

زیدبن علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که انقلاب و شورش عظیمی بر ضد حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک نمود و سرانجام به شهادت رسید، در سخنی در برابر دشمن، چنین احتجاج می کند: «و نحن احق بالموده، ابونا رسول الله وجدتنا خدیجه...؛ (۳) و ما سزاوارتر به مودت و دوستی هستیم؛ چرا که پدر ما رسول خدا و جدۀ ما خدیجه است.»

عبد الله ابن زبیر با آن که با خاندان رسالت دشمنی کرد، در گفت و گویی با ابن عباس، به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان عمه اش افتخار نموده و می گوید: «الست تعلم ان عمتی خدیجه سیده نساء العالمین؛ (۴) آیا نمی دانی که عمه ام خدیجه سرور بانوان جهان است؟»

در عصر امامت امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پس از آن که معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند، و از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند و در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جسارت کرد و ناسزا گفت. با این که امام حسن ۷ و امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مجلس حاضر بودند، حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود:

ص: ۳۳۲

۱- همان، ج ۴۴، ص ۱۷۴.

۲- همان، ج ۴۵، ص ۵۹.

۳- محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۰۰.

۴- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۵.

«ای آن که علی را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی است، و تویی معاویه و پدرت زحر می باشد. مادر من فاطمه و مادر تو هند جگرخوار است. جد من رسول خدا است، جد تو حرب است، و جد تی خدیجه و جدتک فتیله...؛ جدۀ من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جدۀ تو فتیله (زن زشت کار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبتش پست و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است.» (۱)

در حدیث موثقی از حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) منقول است که چون خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دنیا رفت فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر گرد پدر بزرگوار خود می گردید و می گفت: «ای پدر! مادر من کجا است؟» پس جبرئیل نازل شد و گفت: «پروردگارت تو را امر می کند که فاطمه را سلام برسانی و بگویی که مادر تو در خانه ای است از نی که کعب آنها از طلا است و به جای پی، عمودها از یاقوت سرخ می باشد و خانۀ او در میان خانۀ آسیه و مریم دختر عمران است.» چون حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) پیغام حق تعالی را به فاطمه ۳ رسانید، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گفت: «خدا است سالم از نقص ها و از او است سلامتی ها و به سوی او برمی گردد تحتیتها.» (۲)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در ادعیه، زیارت نامه ها، و واژگان مقدس

کتاب مقدس تورات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به نهر آبی تشبیه نموده است که آب آن، آب حیات است و در دو طرف کنار آن آب، درخت حیات وجود دارد، آن درخت دارای دوازده نوع میوه است و برگ های آن درخت، موجب شفای امت ها است. (۳)

در یکی از زیارت نامه های رسول خدا ۹۱ چنین آمده است: «السلام علی ازواجک الطاهرات الخیرات، امهات المومنین، خصوصاً الصدیقه الطاهره، الزکیه الراضیه المرضیه، خدیجه الکبری ام المؤمنین؛ (۴) سلام بر همسران پاک و نیک تو، مادران مومنان به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه، خشنود و پسندیده، خدیجه بانوی

ص: ۳۳۳

- ۱- محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص ۲۱.
- ۲- مجلسی، محمدباقر، حیوه القلوب، ج ۳، ص ۲۱۸.
- ۳- کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا، باب ۲۲.
- ۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

در یکی از زیارت نامه های دیگر از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین تعبیر شده : «السلام على خديجه سيده نساء العالمين؛ (۱) سلام بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سرور زنان جهانیان .»

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ارتباط عمیق و بسیار بالایی با درگاه خداوند داشت . از این رو دارای قوت قلب محکم و استوار بود. آن بانوی بزرگوار اسلام برای خود دارای حرز (کلمات پرمحتوای پناهنده گی به خدا) بود و در پرتو آن همواره رابطه خود را با خدا برقرار می ساخت .

سید بن طاووس در کتاب مهج الدعوات دو حرز را نقل کرده که این چنین است :

۱. «بسم الله الرحمن الرحيم ، يا حي يا قيوم ، برحمتك استغيث فاعثني ، ولا تهلكن الي نفسي طرفه عين ابداء ، واصلح لي شائب كله ؛ به نام خداوند بخشنده بخشایش گر! ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم . به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار. همه حال و زندگی مرا سامان بخش.»

۲. «بسم الله الرحمن الرحيم ، يا الله يا حافظ يا حفيظ يا رقيب ؛ به نام خداوند بخشنده بخشایش گر! ای خدا! ای نگهبان! ای نگهدارنده! و ای مراقب و پاسدار!»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کلام اندیشمندان و بزرگان معاصر

دانشمند عرب (سنیه قراعد): «تاریخ در مقابل عظمت ام المؤمنین خدیجه سر فرود می آورد و در برابرش متواضعانه دست بسته می ایستد. نمی داند نام این بانو را در کدام شناسنامه بزرگان ثبت نماید.» (۲)

سلیمان کتانی، نویسنده عرب : «خدیجه ثروتش را به محمّد بخشید، ولی این احساس را نداشت که می بخشد؛ بلکه این احساس را داشت که از او هدایت را که بر همه گنج های سراسر جهان برتری دارد، کسب می نماید. او احساس می کرد محبت و

ص: ۳۳۴

۱- . همان ، ج ۱۰۲ ، ص ۲۷۲ .

۲- . نساء محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ، ص ۳۸ .

دوستی را به حضرت محمد اهدا می کند؛ ولی در عوض همه ابعاد سعادت را از او کسب می کند.» (۱)

عالم بزرگ شیخ حرعاملی (متوفی ۱۱۴۰ ق) صاحب کتاب وسایل الشیعه شعری در وصف او سورده است :

زوجته خدیجه و فضله

ابان عند قولها و فعله

بنت خویلد الفتی المکرم

الماجد الموید المعظم

لها من الجنه بیت من قصب

لاصخب فیه ولالها نصب

و هذه مورہ لفظ الخبر

عن النبی المصطفی المطهر

«خدیجه همسر پیامبر که فضل و برتری او از گفتار و رفتارش آشکار است ، دختر خویلد آن جوانمرد بزرگوار و ارجمند تأیید شده و بلند مقام برای خدیجه و در بهشت خانه ای از یک قطعه گوهر بلورین آماده شده است که در ناآرامی و رنج نیست . این موضوع عین سخن پیامبر برگزیده پاک خدا است که خدیجه در بهشت دارای چنین خانه ای می باشد.»

بنت الشاملی نویسنده عرب : «آیا دیگری غیر از خدیجه را می شناسید که با عشقی آتشین و مهر و ایمانی استوار بی آن که اندک تردیدی به دل راه دهد یا ذره ای از باورش به بزرگ داشت همیشگی خدا و پیغمبر بکاهد ، دعوت دین را از غار حرا پذیرا شود.» (۲)

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.

۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران: انتشارات اسماعیلیان.

۳. ، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.

- ١- . على دخیل، على محمد، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ص ٣٢ .
- ٢- . معروف حسنی، سید هاشم، حیاہ الامہ، ص ٦٧ .

١. ابن عبد البرّ، يوسف بن عبد الله قرطبي (م ٤٦٣ ق)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق: علي محمد بجاوي، بيروت: دار الجيل، ١٤١٢ ق.
٢. اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمه في معرفة الائمة، بيروت: دارالكتاب الاسلامي، ١٤٠١ ق.
٣. محمّدي اشتهاردى، محمّد، حضرت خديجه اسطورة ايثار و مقاومت، انتشارات نبوي، ١٣٧٧.
٤. بخارى، محمّد بن اسماعيل (م ٢٥٦ ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.
٥. بنت الشاطي، عايشه عبدالرحمن (م ١٤١٩ ق)، نساء النبي، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٠٦ ق.
٦. طبرسي، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، مجمع البيان في تفسير القرآن، [بي نا]، بيروت، ١٩٨٨ م / ١٤٠٨ ق.
٧. محب الدين طبري، أحمد بن عبدالله (م ٦٩٣ ق)، ذخائر العقبي في مناقب ذوى القربى، تحقيق: اكرم بوشى، جدّه: مكتبه الصحابه، ١٤١٥ ق.
٨. كتاب مقدس، عهد جديد، مكاشفه يوحنا، باب ٢٢.
٩. كنستانتين ويرثيل گئورگيو، محمّد بيغمبرى كه از نو بايد شناخت، ترجمه ذبيح الله منصورى .
١٠. مجلسى، محمّدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ١٤٠٣ ق.
١١. ، حيوه القلوب، تحقيق: على اماميان، قم: سرور، ١٣٨٤ ش.
١٢. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٤ ق.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدگاه شیعه و سنی (۱)

حسین تهرانی

چکیده

شرح فضائل اخلاقی و معنوی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و بیان دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در باره ایشان است. از دیدگاه نویسندگان: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، بانویی خردمند و خردورز و بسیار باشرف و درایت بود. او در روزگار خویش از نظر ریشه و تبار از بهترین‌های قریش بود و از نظر شرافت و شکوه، پرشکوه‌ترین و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار می‌آمد. بسیاری از چهره‌های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می‌کوشیدند و خواستگار بی‌قرار وی بودند؛ اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال با هوشمندی و آینده‌نگری عجیب، خود پیشنهاد ازدواج با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را مطرح نمود و با درایت و نجابت، انگیزه‌های انسانی و معنوی خویش را برای این پیش‌گامی بیان نمود. علامه مجلسی در بحار الأنوار در باره حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می‌نویسد: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، یاور راستین و پراعتبار اسلام بود که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با وجود او و حمایت بی‌دریغ و کارسازش از هدف‌های بلند و آزادی بخش خود آرامش و آسایش می‌یافت و شاید در پاداش این کار سترگ او است که جبرئیل نزد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌آید و پیام می‌آورد که: «ای پیامبر! به خدیجه از سوی پروردگارش سلام برسان.»

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم)، تاریخ اسلام، درایت، نجابت، خواستگاری، ازدواج.

در این قسمت پایانی کتاب، شایسته است که نمونه‌هایی از دیدگاه شخصیت‌های

ص: ۳۳۸

۱- خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، شامل ۱۶۰ ویژگی از خصوصیات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، قم: طوبای محبت، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۶۲۶ ۶۵۲.

معاصر حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و برخی از اندیشمندان نسل های بعد، در ترسیم ارزش های علمی، هنری و اخلاقی امّ المؤمنین حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را عنوان نماییم:

۱. حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به هنگام خواستگاری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در وصف او راز گزینش وی به عنوان برترین ها در قاموس، روی سخن را به خاندان او نمود و چنین فرمود:

«إِنَّ ابْنَ أَخِيْنَا خَاطَبَ كَرِيْمَتِكُمْ الْمَوْصُوفَةَ بِالسَّيِّئَاتِ وَالْعَفَّةِ، وَهِيَ فَتَاتِكُمُ الْمَعْرُوفَةَ الْمَذْكُورَةَ فَضْلَهَا الشَّامِخَ خُطْبَهَا...؛(۱) اینک برادرزاده ما محمّد به خواستگاری دخت گرامی شما آمده است؛ آن دخت ارجمندی که به ویژگی بخشندگی و پاکی و پروا و شایستگی آراسته است؛ همو که انسانی است بلندجایگاه و به شکوه و عظمت در میان شما شهره آفاق است، و برترین زبازند همگان؛ و مقامش بسی ارجمند باشد.»

۲. امّ المؤمنین حضرت امّ سلمه

امّ المؤمنین حضرت امّ سلمه، که از بانوان برجسته تاریخ اسلام و همسر گرانقدر پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است، به هنگام وصف درایت و شایستگی آن بانوی کمال به وسیله اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گفت:

«يا رسول الله! إِنَّكَ لَمْ تَذَكُرْ مِنْ خَدِيْجَةٍ أَمْرًا إِلَّا وَقَدْ كَانَتْ كَذَلِكَ؛(۲) ای پیامبر خدا! راستی که خدیجه همان گونه بلندمرتبه و بااخلاص و درست اندیش و شایسته کردار بود که شما همواره او را وصف ما کنید.»

۳. حضرت اسماء ۳

حضرت اسماء، از بانوان تاریخ ساز عصر رسالت، در وصف حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خطاب به او گفت:

ص: ۳۳۹

۱- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۶۹.

۲- . مجلسی، محمّدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۳۷۴.

«أنتِ سيّده نساء العالمين؛ (۱) راستی که تو سالار زنان عصرها و نسل‌ها هستی.»

۴. حضرت صفیّه

حضرت صفیّ دختر «عبدالمطلب» و عمّه مکرم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از بانوان کمال جو و شجاع تاریخ اسلام، در وصف حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چنین سرود:

ثمّ السّعود لأحمد

والسّعد عنه ما برح

بخدیجه بنت الکمال

بحر نایلهما طفح

یا حسنهما فی حُلّیها

والحلم منها مُتّضح (۲)

«و به طفیل وجود پیامبر هُمای خوشبختی و سعادت همیشگی به پرواز درآمد.»

خوشبختی که به خدیجه دختر کمالات و ارزش‌ها پیوست. خدیجه همان دریای فضیلت است که دست یابی به او موجب لبریز شدن ارزش‌ها و کمالات است.

به راستی خدیجه چقدر بانوی شکوهمند و آراسته است و حلم و آرامش او چقدر تابان و چشمگیر می باشد.»

۵. حضرت محمّد بن عبد الله بن حسن

حضرت محمّد بن عبد الله بن الحسن، از نوادگان امام حسن مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می باشد که از دانشمندان ژرف نگر و پروا پیشه در تاریخ اسلام بود، وی در مورد حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می گوید:

«ومن نسائه أفضلهنّ خدیجه الطّاهره ...؛ (۳) از همسران پیامبر، برترین آنها (از نظر بینش و منش و جمال و کمال) خدیجه پاک سرشت و پاک منش بود، که درود خدا بر او باد.»

۶. علی بن عیسی اربلی

حدیث نگار نامدار اسلام، جناب علی بن عیسی اربلی، در کتاب کشف الغمّه فی معرفه

- ١- . مجلسى؁ محمّد باقر؁ بحار الأنوار؁ ج ٤٣؁ ص ١٣٨.
- ٢- . همان؁ ج ١٤؁ ص ٧٤٧٥.
- ٣- . هندي نيشابوري؁ ميرحامد حسين؁ عبقات الأنوار في إمامه الأئمة الأطهار: ج ١٠؁ ص ٤٧٧.

الائمه ۷ در وصف حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) می نویسد:

«وكانت خديجه إمرأه حازمه نبيله شريفه، وهي يومئذ أوسط قریش نسباً، وأعظمهم شرفاً، وأكثرهم مالاً، وكل قومها قد كان حريصاً على تزويجها، فأبت وعرضت نفسها على النبي وقالت: يا بن عم! إني رغبت فيك لقرابتك مني وشرفك من قومك وأمانتك عندهم وصدق حديثك وحسن خلقك؛^(۱) به راستی که خدیجه بانویی خردمند و خردورز و بسیار باشرافت و درایت بود. او در روزگار خویش از نظر ریشه و تبار از بهترین های قریش بود و از نظر شرافت و شکوه، پرشکوه ترین، و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار می آمد. بسیاری از چهره های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می کوشیدند و خواستگار بی قرار وی بودند، اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال، با هوشمندی و آینده نگری عجیب، خود پیشنهاد ازدواج با پیامبر را مطرح نمود و با درایت و نجابت، انگیزه های انسانی و معنوی خویش را برای این پیش گامی بیان نمود و گفت: من به خاطر خویشاوندی و هم فکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته ات، دل در گرو مهر تو دارم و بر آن هستم که اگر بپذیری با تو ازدواج نمایم.»

۷. علامه ملا محمدباقر مجلسی

غَوَاص دربیای معارف و اخبار اهل بیت:، علامه ملا محمدباقر مجلسی، در کتاب گران سنگ «بحار الأنوار» در باره حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) می نویسد:

«خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) یاور راستین و پراعتبار اسلام بود که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با وجود او و حمایت بی دریغ و کارسازش از هدف های بلند و آزادی بخش خود آرامش و آسایش می یافت، و شاید در پاداش این کار سترگ او است که جبرئیل نزد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می آید و پیام می آورد که: ای پیامبر! به خدیجه از سوی پروردگارش سلام برسان.

پیامبر خدا (صلی الله و آله وسلم) هم رو به آن بانوی آزادمنش می نماید و می فرماید: ای خدیجه! این فرشته وحی است که از سوی پروردگارت به تو سلام می رساند، و آن بانوی معظّمه پاسخ می دهد

ص: ۳۴۱

۱- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۰۹.

که: ذات بی همتای خدا سرچشمهٔ سلام و ارزانی دارندهٔ سلامت است؛ و سلامت و امنیت از سوی او است و سلام و درود به درگاه او بازمی گردد.» (۱)

و نیز می نویسد:

«و کانت خدیجه وزیره صدق علی الإسلام، و کان رسول الله یسکن إليها؛ (۲) راستی که خدیجه وزیر راستین اسلام، مشاور خردمند و شجاع پیامبر و حمایت گر پراعتبار او بود. آن حضرت به یاری وی و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شد و با مهر و صفای وصف ناپذیر او آرامش خاطر می یافت.»

۸. ابن شهر آشوب

ابن شهر آشوب، در کتاب مناقب آل ابی طالب پیرامون شخصیت حضرت خدیجه می نویسد:

«پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در راه بیداری و آگاهی مردم هر رویداد ناخوشایندی را که می دید، و هر سخن تند و خشونت باری را که می شنید و هر بیداد و فشاری را که بر او وارد می شد و آن پیشوای بشر دوست را اندوهگین می ساخت، هنگام بازگشت به سرای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، همه را با آن یار مهربان و آن مشاور خردمند در میان می نهاد، و خدای توانا به وسیلهٔ آن بانو رنج ها و ناراحتی ها را از دل و جان پرمعنویت پیامبرش می زدود. شگفت این جا است که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همواره همتای زندگی خود را به پایداری و مقاومت فرامی خواند و با مهر و درایت وصف ناپذیری دردها و رنج های اجتماعی او را برطرف می ساخت و به یاری خدا به او آرامش خاطر و انرژی تازه می بخشید.

نقش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در همراهی و همفکری و پشتیبانی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مردم آزادی خواه از آغازین روزهای بعثت تا واپسین لحظه های زندگی پربرکت و تاریخ سازش به گونه ای بود که با رحلت جانسوز او، نه تنها اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و آن گاه مسلمانان، بلکه دوست و دشمن نیز دریافتند که اسلام پشتیبانی پراعتبار و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، یار و مشاور و وزیری پرمهر و توانمند و

ص: ۳۴۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۱ و ۱۵۲.

۲- . همان، ج ۱۶، ص ۱۱.

۹. سید شرف الدین

سید عبدالحسین شرف الدین موسوی جبل عاملی، در این باره می نویسد:

«خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اولین کسی بود که بعثت رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را به طور مطلق تصدیق کرد.»(۲)

و نیز می نویسد:

«حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در تمام طول زندگانی زناشویی شریک درد و رنج پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود؛ زیرا که با مال خود به او نیرو می بخشید، و با گفتار و کردار نیز از او دفاع می نمود، و به او آنچه را که از عذاب و درد، کافران در راه رسالت نصیبش می کردند تسلی می داد.»(۳)

۱۰. علامه مامقانی

مرحوم علامه شیخ عبدالله مامقانی، در کتاب تنقیح المقال فی علم الرجال، در این باره می نویسد:

«بذلت أموالها فی رواج الإسلام و تحمّلت فی سبیل الله ما تحمّلت وهی فوق مرتبه التقوی والوثاقه؛(۴) حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اموالش را در راه رواج و پیشبرد اسلام بخشید و در راه خداوند همه سختی ها را تحمل کرد و از نظر تقوی و ثاقت در مرتبه بالاتر از تقوی و وثاقت بوده است.»

و نیز می نویسد:

«خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر جاودانه و همواره پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است و به راستی مادر شایسته کردار و پر معنویت مردم باایمان است.»(۵)

ص: ۳۴۳

۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲- موسوی عاملی، سید عبدالحسین شرف الدین، عقیده الوحی، ص ۲۰.

۳- همان، ص ۲۰.

۴- مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.

۵- همان.

و نیز می نویسد:

«برای حضرت خدیجه ۷، این شرافت و شکوه، که برترین افتخار و شکوه است، بس که راه و رسم عادلانه و بشردوستانه اسلام در برابر شرک و استبداد و تاریک اندیشی و تعصب کور، در پرتو جاذبه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و منش او، جهاد خالصانه امیرمؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و درایت و ثروت بی کران خدایچه ۳ و جهاد مالی او قامت برافراشت و گسترش یافت، که این واقعیت در روایات آمده است.»

«کفاها شرفاً فوق شرف أن الإسلام لم يقم إلا بمالها وسيف علي بن أبي طالب ۷ كما روی متواتراً.» (۱)

۱۱. آیت الله خویی

فقیه نامدار جهان تشیع، حضرت آیت الله مرحوم سید ابوالقاسم خویی، در این باره می نویسد:

«وضوح جلالتها وعظم شأنها وبذل أموالها فی سبیل الإسلام وخدمتها للنبي الأكرم ۹ أغناناً عن الإطالة فی المقال؛ (۲) جلالت و عظمت شأن و مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و بخشش اموالش در راه اسلام و خدمت به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنان آشکار است که نیاز به گفتار در باره آن نیست.»

۱۲. عبد الله بن زبیر

عبد الله بن زبیر، که در دوستی با خاندان رسالت ۷ دارای سابقه نیکی نمی باشد، مع ذلك به وجود ارزشمند حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مباهات می نمود؛ به گونه ای که در یک رویارویی که با معاویه داشت به او گفت:

«از افتخارات من این است که عمه گرانقدرم خدیجه، آن بانوی بزرگ؛ دارای ریشه و تباری نیک و رفتار و کرداری والا است، اما عمه تو، امم جمیل است.» (۳) که خدا در نکوهش و بداندیشی و رفتار ظالمانه اش فرمود:

ص: ۳۴۴

۱- همان.

۲- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۲۴، ص ۲۱۶ ۲۱۷، روایت ۱۵۶۶۷.

۳- ابن عبد ربّه اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفرید، ج ۴، ص ۱۶.

«وَأَمْرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ. فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ»^(۱) و زنش نیز که هیزم کش است، و در گردش ریسمانی بافته شده از لیف خرما است، به آتش می سوزد.»

۱۳. قاضی نعمان مغربی

قاضی نعمان مغربی، در کتاب شرح الأخبار فی فضائل الائمه الأطهار در این باره می نویسد:

«خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی بزرگ تاریخ که رضوان خدا بر او باد همان بزرگ بانویی است که مام ارجمند امامان نور را به دنیا آورد، و پیامبر گرامی ۹ با پیام فرشته وحی بشارت بهشت پرطراوت و زیبای خدا را به او داد. او ثروت بسیارش را در راه حق و عدالت و یاری رسانی به هدف های بلند پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هزینه کرد، و به راستی محبوب ترین، برترین و گرامی ترین همسر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در نظر آن حضرت بود. او مام ارجمند دخت سرفراز اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و دیگر فرزندان آن حضرت و به بیان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آرامش بخش دل توفان زده او از فشار تاریک اندیشان و استبدادگران بود.

او بانوی قانون مند و حق شناسی بود که در همه زندگی مشترک با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، میان او و آن حضرت جز همگرایی و صفا و عشق و وفا جریان نیافت، و کوچک ترین کدورت و آزرده گی پدید نیامد، و در حالی جهان را بدرود گفت که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از او خشنود و سپاس گزار بود، (۲) و او نیز از آن حضرت خشنود.»^(۳)

۱۴. سبکی

ص: ۳۴۵

۱- مسد، ۵۴.

۲- و این در حالی است که به گواهی آیات قرآن، برخی از همسران اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که دست بازیگر سیاست بر آن شد که پس از شهادت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آنان را برتر از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جا زند، در آن شرایط خانوادگی مترقی و پرمعنویت خانه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، نه تنها به این پایه از رشد معنوی و انسانی نرسیدند، بلکه به خاطر ناهماهنگی در اندیشه و منش، مورد عتاب پروردگار قرار گرفتند و خداوند در قرآن به آنان هشدارها داد. در این مورد می توانید به آیه های ۴۱ از سوره تحریم: و ۲۸ ۲۹ سوره احزاب بنگرید.

۳- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، ج ۳، ص ۲۲.

سُبکی، که از بزرگان اهل سنت می باشد، در این باره می نویسد:

«والذی نختاره وندين الله به أنّ فاطمه أفضل من خديجه ...؛ (۱) آنچه که در مورد بانوی بزرگ اسلام، خدیجه برمی گزینیم و بدان عقیده داریم این است که او برترین زنان گیتی می باشد؛ اما فاطمه برترین زن تاریخ بشر است؛ و پس از او خدیجه برترین زن عصرها و قرن ها است.»

۱۵. محمد بن احمد قرطبی

محمد بن احمد قرطبی، یکی از مفسران بلندآوازه اهل سنت، در ترسیم جایگاه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می نویسد:

«خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَصَدَّقَ مُحَمَّدٌ فِيمَا جَاءَ بِهِ عَنْ رَبِّهِ وَأَزْرَهُ عَلِيٌّ أَمْرَهُ...؛ (۲) خدیجه نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد، و آن برنامه اوج بخش آسمانی را که محمد از سوی پروردگارش برای مردم آورده بود، با همه وجود گواهی نمود و آن حضرت را در راه رساندن پیام خدا و ایجاد دگرگونی مطلوب و محبوب در جامعه یاری و پشتیبانی کرد و در این راه فداکاری و شکیب قهرمانانه ای به نمایش نهاد.»

۱۶. ابن حجر عسقلانی

ابن حجر عسقلانی، در کتاب الإصابه فی تمییز الصحابه، در این باره می نویسد:

«وكانت خديجه أول من آمن بالله، ورسوله وصدق بما جاء به؛ (۳) خدیجه اولین کسی بود که به خدا و رسول او و آنچه را که رسول خدا از سوی خدا آورده بود ایمان آورد و تصدیق کرد.»

و نیز می نویسد:

ص: ۳۴۶

۱- مظفر، شیخ محمدحسن، دلائل الصدق، ج ۳، ص ۶۴۵؛ سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۳۷۵.

۲- سیلاوی، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص ۲۰۴.

۳- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۰۰.

«ومن مزایا خدیجه آنها مازالت تعظم النبى و تصدق حدیثه قبل البعثه وبعدها؛(۱) از مزایای حضرت خدیجه، پیوسته بزرگ داشتن پیامبر اکرم و تصدیق ایشان، حتی قبل از بعثت بود.»

۱۷. ابن مغزلی شافعی

ابن مغزلی شافعی، در کتاب مناقب علی بن ابیطالب می نویسد:

«أنزل الله علی رسوله القرآن والهدى وعنده خدیجه؛(۲) خدا قرآن را در حالی بر پیامبرش فرفرستاد که خدیجه در کنار آن حضرت و هم سنگر و همراه و مشاور و وزیر او بود.»

۱۸. ابوبکر احمد بیهقی

ابوبکر احمد بیهقی، در کتاب دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه، در این باره می نویسد:

«ثم انّ خدیجه و أباطالب ماتا فی عام واحد، فتتبع علی رسول الله المصائب بهلاک خدیجه، و کانت خدیجه وزیره صدق علی الإسلام، و کان رسول الله یسکن إلیها؛(۳) خدیجه و ابوطالب دو یار پرنفوذ پیامبر اکرم، در یک سال، جهان را بدرود گفتند و با رحلت آن دو، امواج گرفتاری و مصیبت بر رسول خدا باریدن نمود؛ چرا که خدیجه وزیر راستین و کارآمد اسلام و مشاور خردمند و یار شجاع و فداکار پیامبر اکرم بود. او به یاری و حمایت بی دریغ و شهادت مندانه خدیجه، از سویی بر مشکلات و موانع چیره می شد؛ و از سوی دیگر با مهر وصف ناپذیر او آرامش خاطر می یافت.»

۱۹. فضل بن روزبهان

فضل بن روزبهان، دانشمند نامدار اهل سنت در این باره می نویسد:

«اما فضائل خدیجه فهی کثیره لاتحصی؛(۴) اما برتری ها و والایی های حضرت خدیجه

ص: ۳۴۷

۱- همان، ج ۸، ص ۱۰۲.

۲- ابن مغزلی شافعی، علی بن محمد، مناقب علی ابن ابی طالب، ص ۳۳۶.

۳- بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۳۵۲.

۴- همان، ج ۳، ص ۶۴۵.

۲۰. شمس الدین ذهبی

شمس الدین ذهبی، که از مورّخین و علمای نامدار اهل سنت است، در کتاب «سیر اعلام النبلاء» در این باره می نویسد:

«خدیجه ام المؤمنین و سیده نساء العالمین فی زمانها... و مناقبها جمه، و هی ممّن کمل من النساء، کانت عاقله جلیله دینه مصونه کریمه، من اهل الجنه، و کان یثنی علیها، و یفضّلها علی سائر امّهات المؤمنین و یبالغ فی تعظیمها، بحیث انّ عائشه کانت تقول: ما غرت من امرأه ما غرت من خدیجه، من کثره ذکر النبی لها. و من کرامتها انه لم یتزوج امرأه قبلها، و جاءه عدّه اولاد، و لم یتزوج علیها قطّ، و لا تسری الی ان قضت نجبها، فوجد لفقدها، فانّ کانت نعم القرین؛(۱)»

خدیجه مادر مؤمنان، و سرور زنان عالمیان زمان خود بود... و مناقبش بسیار است. او از جمله کسانی است که به کمال رسیده و عاقل، جلیل القدر، خودنگه دار و کریم و از اهل بهشت می باشد که پیامبر او را ستایش نموده و بر دیگر زنانش برتری داده و در تعظیمش مبالغه نموده است؛ به طوری که عایشه می گفت: من بر زنی همچون خدیجه رشک نبردم، به جهت آن که پیامبر بسیار او را یاد می نمود. و از جمله کراماتش این است که قبل از او با زنی دیگر ازدواج نکرده و تنها او بود که برایش تعدادی فرزند آورد، و تا او زنده بود با کس دیگری ازدواج نکرد، و کنیز هم برای خود نگرفت تا وقتی که خدیجه از دنیا رفت، و پیامبر اکرم با نبود خدیجه خودش را تنها دید، و چه خوب همنشینی برای پیامبر بود.»

۲۱. ابن کثیر دمشقی

ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، در کتاب «البدایه و النهایه» در این باره می نویسد:

«... کانت أوسط نساء قریش نسباً و أعظمهنّ شرفاً و اکثرهنّ مالاً؛(۲) خدیجه در نسب و قبیله

ص: ۳۴۸

۱- ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۸۱.

۲- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۴.

متوسط بود و در شرافت و بزرگواری بزرگ تر از همه و در مال و مُکنت از همه ثروتمندتر.»

۲۲. تقی الدین احمد مقریزی

تقی الدین احمد مقریزی، تاریخ نویس قرن نهم هجری، در این باره می نویسد:

«ومناقبها جمّه، وهي ممّن كمل من النساء، كانت عاقله، جليله، دينه مصونه، كريمه، من اهل الجنة، وكان النبي يثني عليها، ويفضلها على سائر أمهات المؤمنين، ويبالغ في تعظيمها.»^(۱)

۲۳. ابن عبدالبرّ

ابن عبدالبرّ، در کتاب الاستيعاب فی معرفه الأصحاب در این باره می نویسد:

«واتفقوا على أنّ خديجه أوّل من آمن بالله ورسوله وصدّقه فيما جاء به ثمّ علّيّ بعدها؛^(۲) علمای اسلام اتفاق نظر دارند به این که حضرت خدیجه نخستین کسی بود که به خدا و رسول او ایمان آورد و پیامبر اکرم را تصدیق کرد و پس از او علی بود.»

۲۴. قندوزی حنفی

قندوزی حنفی، در کتاب ینایع المودّه لذوی القربی در این باره می نویسد:

«خدیجه سابقه نساء العالمین الی الایمان من کلّ الامّه؛^(۳) حضرت خدیجه سبقت گرفت بر همه زنان عالم در ایمان، در بین تمامی امت پیامبر.»

۲۵. سبط بن جوزی

سبط بن جوزی، در کتاب تذکره الخواص در این باره می نویسد:

«خدیجه، این بانوی آگاه و پاک سرشت و این انسان شیفته فضیلت و معنویت که حق گرای، فضیلت طلبی، نواندیشی و عشق به کمال و رشد و پیشرفت از ویژگی هایش بود، از همان روزگار جوانی و پیش از آشنایی با پیامبر و ظهور اسلام نیز یکی از دختران

ص: ۳۴۹

۱- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۴.

۲- . ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۹۲.

۳- . قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده لذوی القربی، ج ۲، ص ۳۸۱.

نامدار و بافضیلت حجاز و عرب به شمار می رفت.

او در جهان عرب نخستین زن توانمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت درخشید و در این راه شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه ای که نام بلند او در تاریخ عرب و در آثار و نوشته های تاریخ نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملی آمده است.

او در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش و منش برجسته اش که پاک روشی و پاک منشی و راستی و درستی و عدالت خواهی و ستم ستیزی بود گام برمی داشت و هرگز به هر قیمت و هر بهایی سود نمی جست و درآمد نمی خواست. او هرگز بسان برخی زورمداران و زرپرستان روزگار ما تجارت را به عنوان وسیله ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، اما حرام و ظالمانه و غیرشرافتمندانه و ضدّ مردمی و به هر شکل و از هر راه نمی پسندید و هرگز در اندیشه سودجویی و منفعت طلبی های فردی و شخصی و بی رویه و بی ضابطه و به بهای فقر و فلاکت و اسارت و نگون ساری مردم خویش نبود، بلکه همواره در تلاش بود تا مدیریت اقتصادی و کار تجارت و بازرگانی اش به دور از هر گونه تخلف اقتصادی و پاک از هر نوع آلودگی های مالی و به دور از هر گونه درآمدهای بادآورده و ظالمانه باشد و راهی برای رشد و گامی برای پیشرفت جامعه و دنیای خویش.

از این زاویه بود که برخلاف رسم رایج بازار روزگارش، او از احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، از رباخواری و بهره کشی های ظالمانه رایج و از هر نوع حرام خواری مرئی و نامرئی و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری می جست، و کار پرشرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی ساخت و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و از راه های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت خویش و تعهد و تخصص بجویند، نه از هر راهی.

او، به دلیل همین بینش و منش مترقی و ویژگی های اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه ای را نیز به

دست آورده و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم گشود، و آن گاه موفقیّت بود که از پی موفقیّتی دیگر و سود سرشار بود که از پی سودی دیگر می رسید و کاروان تجاری او بود که مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و ... قرار می گرفت.»^(۱)

۲۶. ابن اثیر

ابن اثیر، در کتاب الکامل فی التاریخ در این باره می نویسد:

«حضرت خدیجه زنی دورانیش و خردمند و شریف بود و خداوند برای او بزرگواری و کرامت را اراده کرده بود.»^(۲)

۲۷. ابن هشام

ابن هشام، در کتاب السیره النبویه در این باره می نویسد:

«خدیجه دختر خویلد به پیامبر ایمان آورد، و آنچه که از طرف خداوند به پیامبر نازل شده بود را تصدیق کرد. پس پروردگار توسط او بار اندوه را از پیامبرش سبک کرد، و پیامبر جوابی ناخوشایند و تکذیبی از برای رسالتش که او را غمگین کند نشنید، مگر این که خداوند آن را توسط حضرت خدیجه برطرف ساخت.»^(۳)

۲۸. حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی

حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی، در کتاب المعالم العتره النبویه، در این باره می نویسد:

«حضرت خدیجه بانویی دورانیش و خردمند و شریف بود. او در آن روز از لحاظ نَسَب پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آنها بود. همه قومش سخت بر ازدواج با او حریص بودند، ولی او خودداری ورزید، و ازدواج خود را بر پیامبر پیشنهاد کرد، و گفت: ای پسرعمویم! من به تو میل و رغبت دارم، به خاطر خویشاوندی تو از من، و شرف تو در

ص: ۳۵۱

۱- سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۰۰ ۳۰۲.

۲- ابن اثیر جزری، علی بن محمّد، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۴.

۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲۹. زینب بنت علی فواز عاملی

زینب بنت علی فواز عاملی، در این باره می نویسد:

«حضرت خدیجه بانویی خردمند، دورانیش و شریف، و از لحاظ نسب شریف ترین قریش، و ثروتمندترین آنها بود.»(۲)

۳۰. دکتر موسی شاهین لاشین

دکتر موسی شاهین لاشین، نائب رئیس دانشگاه الأزهر مصر در این باره می نویسد:

«لا ینکر مسلم ولا مستشرق اثر خدیجه فی حیاة محمّد قبل البعثه وبعدها، فقد ازلت عنه کلّ نصب، وانسته من کلّ وحشه، وهو نت علیه کلّ مکروه، واراحته بمالها من کلّ کدوّ نصب، ومکنته من التحت فی غار حراء الأيام واللیالی، فاذا جاء لیتزود هیأت له زاده، وشدّت ازره، وقوّت من عزیمته ليعود الی محرابه فارغ البال من شواغل الحیاة مخلصاً نفسه لعباده ربّه، کفته مؤنه التفكير فی بناته و تربیتهنّ، وافسحت صدرها لابن عمّه علی بن ابی طالب لیتربی فی بیتها ولینال من البرّ والعطف اکثر ممّا تعطیه ابناءها، استجابت لرغبه محمّد ومیوله وفتحت بیتها مثابه للمضطّرين وأمنا، فقصدته الأیامی وشبعت منه الیتامی؛»(۳)

هیچ مسلمان و مستشرقی تأثیر خدیجه در زندگانی محمّد قبل از بعثت و بعد از بعثت را فراموش نمی کند. او کسی بود که هر مشقتی را از پیامبر دفع نمود و در هر وحشتی با او انس گرفت، و هر مشکلی را بر او آسان نمود، و با آنچه که داشت زندگی را برای حضرت از هر سختی و دشواری راحت کرد. و زمینه را برای آن حضرت به جهت عبادت و مناجات در غار حرا فراهم ساخت. و وقتی که می آمد تا زاد و توشه بردارد آن را برای او فراهم نمود و کمرش را محکم بست و قصدش را تقویت کرد تا به محرابش با خاطری آسوده از

ص: ۳۵۲

۱- ابن صباغ مالکی، علی بن محمّد، الفصول المهمّه فی معرفه احوال الائمه، ص ۱۳۳.

۲- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، موسوعه آل النبی، ص ۲۳۰.

۳- شاهین لاشین، موسی، ازدواج النبی، ص ۳۴ ۳۵.

اشتغالات دنیایی بازگردد، و سینه اش را برای فرزند عموی پیامبر علی بن ابی طالب گشاده نمود تا در خانه اش تربیت شود و از نیکی و عطوفت بیش از فرزندانش بهره ببرد. میل و رغبت محمّد را اجابت می کرد و خانه اش را بر روی مضطربترین بازمی نمود و برای آنان مأمنی قرار می داد، و لذا مستمندان آن جا را قصد کرده و یتیمان در آن خانه سیر می شدند.»

۳۱. شیخ عبد الله علایلی

شیخ عبد الله علایلی، در کتاب مثلهنّ الأعلیٰ خدیجه بنت خویلد، در این باره می نویسد:

«خدیجه از درد و رنج هایی که پیامبر اکرم در راه مبارزه متحمّل می شد، استقبال می کرد، و در امواج این مجاهده و پیکار دوشادوش با او در کمال فعالیت و شکیبایی و قاطعیت و خداجویی غوطه ور می گشت، بی آن که سست شود یا هراسی به دل راه دهد. بلکه از این پل های غم و اندوه، و حوادث سنگین، با تبسمی از بزرگواری و عظمت عبور می کرد، آنچنان که نظیر این جز از سازندگان تاریخ سابقه نداشته است. او با سینه باز و گشاده و قامت شعله ور از ایمان، خود از طوفان حوادث استقبال می کرد، بی آن که احساسی از بازتابی ویرانگر، و یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد.» (۱)

۳۲. عبدالعزیز شناوی

عبدالعزیز شناوی، از علمای اهل سنت مصر در این باره می نویسد:

«كانت الطاهره من نعم الله الجليله على رسول الله [۹] بقيت معه خمساً وعشرين سنه تحن عليه ساعه قلقه وتوازره في اخرج اوقاته وتعينه على ابلاغ رسالته، وتشاركه في مغارم الجهاد المرّ، وتواسيه بنفسها ومالها؛ (۲) خدیجه طاهره از نعمت های بارزش خداوند متعال بر رسول خدا بود که با آن حضرت بیست و پنج سال زندگی کرد و به او در ساعات گرفتاری مهربانی نمود و در سخت ترین اوقاتش او را کمک کرده و در ابلاغ رسالتش او را یاری می نمود و در جنگ های

ص: ۳۵۳

۱- . علایلی، عبد الله، مثلهنّ الأعلیٰ السیده خدیجه، ص ۹۸.

۲- . شناوی، عبدالعزیز، سیدات نساء اهل الجنه، ص ۹۵.

تلخ خسارت دارش با او شرکت کرده و با جان و مالش او را پشتیبانی می نمود.»

۳۳. عمر ابونصر

عمر ابونصر، از علمای اهل سنت در این باره می نویسد:

«به خدیجه دختر خویلد، بانوی جلیل القدر عرب شرف نسب، و کرامت گوهر، و سروری قبیله، و عزت عشیره، و فراوانی مال ختم شده است. به همین علت نیاز تهی دستان را برآورده می کرد، و گرسنگان را اطعام می نمود، و برهنه گان را می پوشانید. پس خدیجه در اخلاق و نسب و ثروتش میان قوم خود و همگانش یگانه و منحصر بود.»^(۱)

۳۴. قدریه حسین

قدریه حسین در این باره می نویسد:

«سرور زنان، خدیجه کبری نمونه ای از پاک ترین، و باشکوه ترین، و والامقام ترین نمونه های زنان اسلام است.»^(۲)

۳۵. بانو سنیّه قراعه

بانوی دانشمند عرب، سنیّه قراعه، در کتاب نساء محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تعبیر زیبایی را در خصوص حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به کار برده است و می نویسد:

«تاریخ در مقابل عظمت ام المؤمنین خدیجه سر تعظیم فرود می آورد و در برابرش متواضعانه و دست بر سینه می ایستد و نمی داند که نام این بانو را در کدام فهرست بزرگان تاریخ ثبت نماید.»^(۳)

۳۶. دکتر علی ابراهیم حسن

دکتر علی ابراهیم حسن در این باره می گوید:

ص: ۳۵۴

۱- عبدالزهره عثمان، محمد، فاطمه بنت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، ص ۶.

۲- امیره قدریه، حسین، شهيرات النساء في العالم الإسلامي، ص ۲۵.

۳- قراعه، سنیّه، نساء محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، ص ۳۸.

«هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر بااخلاص و پاک دامن و زنی باوقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه اُمّ المؤمنین نمی توانیم پیدا کنیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد، و در هر دو دوره، از منزلتی ممتاز بهره داشت، تا جایی که طاهره نامیده شد.»^(۱)

و نیز می نویسد:

«هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر بااخلاص و پاک دامن و زنی باوقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه اُمّ المؤمنین نمی توانیم پیدا کنیم.»^(۲)

و نیز می نویسد:

«حضرت خدیجه مال و جمال و کمال را در یک جا جمع کرد، و این صفات سه گانه هر گاه در یک جا جمع شوند، که معمولاً کم اجتماع می کنند، به زن، آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند و خدیجه نیز این چنین بود.»^(۳)

۳۷. عمرضا کحاله

عمرضا کحاله، در این باره می نویسد:

«خدیجه به سال ۶۸ هجری در خانه مجد و سروری متولد شد، و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت، و به دورانیشی و خرد و پاک دامنی متّصف گردید، تا این که قومش او را در جاهلیت طاهره نامیدند.»^(۴)

۳۸. سید احمد سایح

سید احمد سایح، از علمای اهل سنت در کتاب الأضواء فی مناقب الزهراء، در این باره می نویسد:

«لقد اکرم الله ام المؤمنین السیده خدیجه سیده نساء العالمین ۱۲ بأکرم خصوصيته، وهي انّ الله تعالى جعل ذریه المصطفى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهَا. ولقد كانت ۱۲ نعم الزوجه

ص: ۳۵۵

۱- ابراهیم حسن، علی، نساء لهنّ فی التاریخ الاسلامی نصیب، ص ۲۱ ۲۳.

۲- همان، ص ۲۱.

۳- همان، ص ۲۱۲۳.

۴- کحاله، عمرضا، أعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۶.

خداوند امّ المؤمنین خدیجه سرور زنان عالمیان؟ رضها؟ را به کریم ترین خصوصیت تکریم کرده است، و آن این که خداوند متعال ذریه اکرّم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را از ذریه او تعیین نموده است. و او ۱۲ بهترین همسر صالحی بود که با جان و مالش به رسول خدا کمک نمود ...»

۳۹. بانو عایشه بنت الشاطی

بانو عایشه بنت الشاطی در این باره می نویسد:

«خدیجه دختر خویلد اشرف امّهات مؤمنین است و نزدیک ترین همسران پیامبر و عزیزترین آنها نزد آن بزرگوار، هم در زندگی دنیا و هم پس از مرگ است. ۲۵ سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا قرار داشت و هیچ زنی در این افتخار با او شریک نیست. در سال های نخستین اسلام، سال های رنج و مشقت، در کنار آن حضرت جای داشت و کمک و همراهی می کرد و دشواری هایی را که آن بزرگوار در راه رسالتش از جانب قریش می دید، آسان می کرد... خدیجه ایمان آورد و پیامبری آن وجود مقدّس را گردن نهاد و به رسالتش اطمینان کرد و امیدوارانه در کنار آن حضرت می کوشید. نسبت به همسر بزرگوارش دارای چنان محبتی سرشار بود که در راهش جان می داد و آماده نابود شدن بود. انکار قریش، بر اطمینان خدیجه و ایمان او که چون کوه استوار بود، لرزشی وارد نساخت. سران ایل و تبار خدیجه به آن پیامبر بدگمان بودند و او را جادوگر و دیوانه می خواندند، ولی خدیجه به یکتا مردی که دوستش می داشت و راستگوییش می دانست، معتقد بود و تا آخرین رمق به او ایمان داشت... زمانی که خدیجه در چنان موقعیت تاریک و پیچیده (شعب ابی طالب) از دنیا رفت، آغاز مرحله ای سخت از مراحل مبارزه رسول خدا بود؛ زیرا پس از او، مکه بر رسول خدا تنگ شد و نتوانست بماند و هجرت به مدینه که تا کنون، بلکه برای همیشه، مبدأ تاریخ مسلمانان است، رخ داد. پیامبر هجرت کرد و هنوز در دلش خاطراتی از نخستین محبوبه برجای بود، و هیچ یک از زنان آن

ص: ۳۵۶

حضرت که پس از خدیجه آمدند، حتی عایشه، نتوانستند این یادگار زنده را از قلب آن حضرت بیرون کنند و یا اندکی آتش آن را فرو نشانند.»^(۱)

و نیز می نویسد:

«خدیجه، در کنار پیامبر در سال های نخستین مظلومیت او، مانند یاری غمخوار و مبارز قرار گرفت، و مقاومت کرد و رنج و عذابی را که پیامبر در راه رسالتش از قریش نصیبش شد بر او آسان نمود.»^(۲)

و نیز می نویسد:

«آیا دیگری غیر از خدیجه را می شناسید که با عشق آتشین و مهر و ایمانی استوار، بی آن که اندک تردیدی به دل راه دهد یا ذره ای از باورش نسبت به بزرگ داشت همیشگی خدا و پیغمبر بکاهد، دعوت دین خدا را از غار حرا پذیرا شود. آری تنها خدیجه بود که دست سرنوشت او را برای پُر کردن جاهای خالی زندگانی پیغمبر اکرم پدید آورد و او را مایه امید و آرامش و سلامت رسول خدا قرار داد.»^(۳)

۴۰. محمد علی قطب

محمد علی قطب، در کتاب خدیجه بنت خویلد، در این باره می نویسد:

«وكانت ام المؤمنین تهوّن عليه كلّ عسير، و تخفّف عن قلبه و بیدنه و طأه الأذى الكثير. كانت كلماتها كالبلسم لجراحات نفسه، و بسّمتها الهادئة الحنون اشعاعاً ينعكس على صفحته قلبه، فاذا بالعنا يزول، و اذا بالعزيمة تشتت و تقوى؛^(۴) ام المؤمنین خدیجه همیشه سعی می کرد تا هر دشواری را بر پیامبر آسان کرده و از قلب و بدن او فشارهای اذیت دهنده بسیار را تخفیف دهد. کلمات او همانند مرهمی برای جراحات نفس آن حضرت بود، و تبسم آرام همراه با مهربانی اش، شعاع هایی بود که بر صفحه قلب پیامبر منعکس می شد، و ناگهان

ص: ۳۵۷

۱- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، بانوی کربلا زینب ۳، فصل پدران و نیاکان حضرت زینب ۳.

۲- همان، ص ۱۳.

۳- قراعه، سبیه، نساء محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ)، ص ۳۸.

۴- قطب، محمد علی، خدیجه بنت خویلد، ص ۸۱.

غصه زایل و عزم او شدت و قوت می گرفت.»

و نیز می نویسد:

«فای کلمه یا سیده نساء العالمین ترتفع من دنیانا الی علیائک فتقیک حقک؟ وایه عباره مهمما رقت ولطفت تبلغ مقامک الأسمى؟ وای قلم لا ترتعش، وایه ید لا تهتت و ترتجف، وهی تخط سیرتک الطاهره؟ بکل الاعزاز والاکبار، بکل القدسیه، بکل الخشوع، والحجیه، نستأذنک کی نأتیک فی محرابک الأسنی، وننقل ایل ابنائنا واحبائنا بعض الملامح عنک، لتکون لهم ولنا نبراساً، به نهتدی، ومن دؤابه شعاعه نستضیء... عزیزى القارىء!»

لیس الحدیث عن السیده (خدیجه بنت خویلد) ام المؤمنین (سلام علیه) بالهین السهل؛ فان فی جوانب حیاتها وموقفها وعظمه شخصیتها، معالم یعجز الذهن عن بلوغ اعماقها وسبر غورها، اللهم الا لمساً رقیقاً رقیقاً.

ولکننا نستعین الله تعالی و نسأله العون والمدد، ان یوقننا لجلاء ما خفی ودق، و ابراز ما لطف ورق، ومن مکنون هذا الكنز العظیم؛ (۱)

پس کدامین کلمه ای سرور زنان عالمیان از دنیای ما برخواسته و به مقام بلند تو خواهد رسید تا بتواند حق تو را ادا کند؟ و کدامین عبارت هر چند رقیق و لطیف باشد می تواند حق مقام تو را ادا کند؟ و کدامین قلم رعشه نگیرد، و کدامین دست تکان نخورد و نلرزد، در حالی که می خواهد سیره تو را به رشته تحریر درآورد؟ با تمام عزت بخشیدن و تعظیم کردن، با تمام تقدیس و خوف، با تمام خشوع و حجیت، از شما درخواست اجازه و اذن می کنیم تا به محراب بلند و با عظمت تو وارد شویم و به فرزندان و دوستانمان برخی از مقامات تو را منتقل سازیم، تا برای آنان و ما الگویی سازنده باشد، و به او هدایت پیدا کرده و از نور و شعاعش بهره روشنایی ببریم... خواننده عزیز من!

سخن در باره بانو خدیجه دختر خویلد ام المؤمنین ۱۲ آسان و سهل نیست؛ زیرا

ص: ۳۵۸

اطراف زندگی و موقف ها و عظمت شخصیت او حقایقی را در نهان دارد که ذهن از رسیدن به اعماق آن و بررسی ابعاد شخصیت او عاجز است.

ولی ما از خداوند متعال استعانت می جوئیم و از او کمک و یاری می طلبیم که ما را در جلا دادن آنچه که مخفی و دقیق است، و ابراز آنچه که لطیف و رقیق می باشد، از درون این گنج بزرگ، موفق دارد.»

۴۱. احمد خلیل جمعه

احمد خلیل جمعه، که از علمای اهل سنت است، در کتاب نساء اهل البیت ۷ در این باره می نویسد:

«البدایه العطره: من این نبداً ایّتها السیده الکریمه؟ من این ایتها الأم التي لا یدانی فضلت فضل؟ انّ سیرتک کلّها فضیله فی فضیله فی فضیله. انّ حیاتک من اول یوم عرفتّ فیہ سیّدنا رسول اللّٰه کلّها برکات تتری. فالحديث عنک سیّدتی بل امّی واسع الآفاق، عمیق المدی، ندی العطاء، فیہ سُبحاتی مبارک فی بحار انوار صفائک و کرمک الذی کان قبله النساء فی هذا المجال.

انّ تاریخ النساء فی دنیا التاریخ لم یحفظ فی اوراقه انّ امرأه من فضیلیات النساء فی دنیا النساء قد فاحت سیرتها بالعطاء کما کنت انت.

لقد تناول التاریخ سیّر نساء کثیرات، اشتهرت بجانب او اکثر، ولكنّه لم یحدثنا کما حدّثنا عنک انّهنّ بلغن قمم المکارم فی کلّ الفضائل کما بلغت انت. وقد حفظ التاریخ کثیراً من فضائلک ولكنّه علی رغم ذاکرته الواسعه، لم یستطع ان یحصر تلك الفضائل بین دفتیه.

لقد کنت واسعه العقد فی نساء اهل البیت الذی اذهب اللّٰه عنه الرجس وطهره تطهیراً.

لقد کنت عنوان کلّ فضیله فی نساء ذلك البیت الحمید الذی بارک اللّٰه فیہ وعلیه. فهل تسمحن ایّتها الأم الرؤوم ان نتفیاً بظلام سیرتک بعض الوقت کیما تكون سیرتک زاداً لنا فی هذه الحیاة التي نحیاه، ولتكون سیرتک جواز مرور الی مرتبه الفضل وسده

فَمَا أُحْيَلِي تَلَكُمُ الْاَوْقَاتِ الَّتِي نَحْيَاهَا اٰمَنًا، اُمُّ الْمُؤْمِنِيْنَ، خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، زَوْجُ رَسُوْلِ اللّٰهِ، وَاُمُّ الذَّرِيَةِ الطَّاهِرَةِ، وَسَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، وَقَدُوهُ نِسَاءُ الْمُسْلِمِيْنَ.

اذن، فلتكن الرحله سعيده ان شاء الله مع سيرتك المعطار، ومع وقفات نسيله كريمه من حياتك، من عطائك المُستمد من شخصيه النبي الرؤف الرحيم وحبينا محمد؛(1)

شروعی عطر آگین: از کجا شروع کنیم ای سرور کریم؟ از کجا شروع کنیم ای مادری که هیچ فضیلتی با فضیلت تو هم پا نمی گردد؟ همانا سیره تو تماماً فضیلتی است در فضیلت، در فضیلت. همانا زندگی تو از روزی که سرور ما رسول خدا را شناختی تماماً برکاتی بوده که پیاپی می رسیده.

پس سخن در باره تو ای سرور من، بلکه ای مادر من، افقی گسترده و وادی عمیق و عطایی تازه دارد، که در آن تسیحات مبارکی است در دریاهاى انوار صفا و کرم تو که قبله زنان در این جهت می باشی.

همان تاریخ زنان در دنیای تاریخ در اوراقش حفظ نکرده زنی را در فضیلت های زنانه در دنیای زنان که در خوب زندگی کردن به پای تو برسد. تاریخ سیره های زندگی زنان بسیاری را مشاهده کرده، از یک جهت یا جهاتی مشهورند، ولی آن گونه که از تو سخن گفته از دیگر زنان سخن نگفته است، نگفته که آنان به بالاترین قله های کرامت ها در تمام فضیلت ها رسیده اند، آن گونه که تو رسیده ای. تاریخ، بسیاری از فضایل تو را حفظ کرده ولی به رغم حافظه گسترده ای که دارد نتوانسته فضایل تو را در یک کتاب جمع آوری کند.

تو عنوان هر فضل و فضیلتی و در بین زنان آن بیت پسندیده و مورد ستایش بودی که خداوند در آنها و بر آنان برکت قرار داده است.

آیا اجازه می دهی ای مادر نوازش گر تا از سایه سیره شما در برخی از اوقات استفاده

ص: ۳۶۰

کنیم تا سیره شما زاد و توشه ای برای ما در این حیاتی باشد که ما در آن زندگی می کنیم، و سیره شما موجب گذر به مرتبه فضل و عطا باشد؟

چقدر زیبا است آن اوقاتی که با مادرمان زندگی می کنیم، مادری که مادر مؤمنان، خدیجه دختر خویلد، همسر رسول خدا و مادر ذریه پاک، و سرور زنان عالمیان و الگوی زنان مسلمین است.

در این حالت، پس باید کوچی باسعادت باشد اگر خدا بخواهد همراه با سیره معطر تو و همراه با توقف هایی باارزش و کریم از زندگانی تو، از عطای تو که برگرفته از شخصیت پیامبر رأفت و مهربانی و محبوب ما محمد است.»

۴۲. سلیمان کتانی

سلیمان کتانی، نویسنده نامدار مسیحی در این باره می نویسد:

«خدیجه ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف ناپذیر به محمد بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می بخشد، بلکه این احساس را داشت که از وجود گرانیمای او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را که بر همه گنجینه های گیتی برتری دارد به دست می آورد. او احساس می کرد که مهر و عشق پاک را به پیامبر هدیه می کند، و در برابر آن سعادت و رستگاری و ماندگاری همه جانبه را به دست می آورد.»^(۱)

کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م ۶۳۰ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.

ص: ۳۶۱

۱- . علی دخیل، علی محمد، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، ص ۳۲.

١. ابن صباغ مالكي، علي بن محمد، الفصول المهمه في معرفه احوال الائمه، نجف: مطبعه العدل، [بى تا].
 ٢. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد اندلسى (م ٣٢٨ ق)، العقد الفريد، تحقيق: أحمد الزين و إبراهيم ابيارى، بيروت: دار الأندلس، ١٤٠٨ ق.
 ٣. ابن عبد البرّ، يوسف بن عبدالله قرطبي (م ٤٦٣ ق)، الاستيعاب في معرفه الاصحاب، تحقيق: علي محمد بجاوى، بيروت: دار الجيل، ١٤١٢ ق.
 ٤. ابن كثير، اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقى (م ٧٧٤ ق)، البدايه و النهايه، تحقيق: علي شيرى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٨ ق.
 ٥. ابن مغازلى، علي بن محمد واسطى شافعى (م ٤٨٣ ق)، مناقب علي بن ابى طالب (المناقب لابن المغازلى)، به كوشش: محمد باقر بهبودى، تهران: المكتبه الإسلاميه، ١٤٠٢ ق.
 ٦. ابن هشام حميرى، ابو محمد عبدالملك (م ٢١٣٨ ق)، السيره النبويه، به كوشش: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م.
 ٧. اربلى، علي بن عيسى (م ٦٩٣ ق)، كشف الغمه في معرفه الائمه٧، بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٥ ق.
 ٨. اميره قدرية، حسين، شهيرات النساء فى العالم الاسلامى، تهران: كتابخانه بنياد دايره المعارف اسلامى، [بى جا]، [بى تا].
 ٩. بنت الشاطى، عايشه عبدالرحمن (م ١٤١٩ ق)، بطله كربلاء، بيروت: دارالندلس.
 ١٠. ، موسوعه آل النبى ٩، اصفهان: كتابخانه عمومى زهراييه نجف آباد، ١٣٨٧ / ١٩٦٧ م.
 ١١. بيهقى، احمد بن حسين، دلائل النبوه، مدينه منوره: مكتبه السلفيه، ١٣٨٩ ق.
 ١٢. حسنى، سيد نبيل، خديجه بنت خويلد، كربلاء: العتبه الحسينيه المقدسه، ١٤٣٢ ق.
 ١٣. خوئى، سيد ابو القاسم موسوى (م ١٤١٣ ق)، معجم رجال الحديث، قم: مدينه العلم، ١٤٠٣ ق.
- ذهبي، محمد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، تحقيق: شعيب ارنؤوط و

١. حسين اسد، بيروت: مؤسسه الرساله ، ١٤١٣ ق.

٢. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق) ، تذكره الخواصّ الأئمّه فى خصائص الأئمّه، قم: شريف رضى، ١٤١٨ ق.

٣. سيلوى، غالب، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره، [بى جا]: چاپخانه علميه، ١٤٢١ ق.

٤. شناوى، عبدالعزيز، سيدات نساء اهل الجنه، قاهره: مكتبه التراث الاسلامى.

٥. على دخيل، على محمد، زنان بزرگ اسلام (خديجه)، ترجمه: فيروز حريرجى، تهران: امير كبير، ١٣٦٤ ش.

٦. قاضى نعمان مغربى، نعمان بن محمد تميمى (م ٣٦٣ ق)، شرح الاخبار فى فضائل الائمه الاطهار، تحقيق: سيد محمد حسينى جلالى، قم: نشر اسلامى، ١٤١٤ ق.

٧. قطب، محمدعلى، خديجه بنت خويلد ٣، بيروت: دارالقلم.

٨. قندوزى حنفى، سليمان بن ابراهيم (م ١٢٩٤ ق)، ينابيع الموده لذوى القربى، تحقيق: على جمال أشرف حسينى، تهران: دار الأسوه، ١٤١٦ ق.

٩. كحاله، عمر رضا (م ١٤٠٧ ق)، أعلام النساء فى عالمى العرب و الاسلام، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ چهارم.

١٠. مامقانى، عبدالله بن محمدحسن (م ١٣٥١ ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، تهران: جهان، ١٣٥٢ ١٣٥١ ق.

١١. مجلسى، محمدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، تحقيق: محمدباقر بهبودى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.

١٢. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٤ ق.

١٣. مظفر، محمدحسن، دلائل الصدق، قاهره: دار المعلم للطباعه، ١٣٩٦ ق.

١٤. مغنيه، محمدجواد، بطله كربلاء، بيروت: دار التعارف للمطبوعات ، ١٩٧٣ م.

١٥. موسى عاملى، سيد عبدالحسين شرف الدين، عقيله الوحى، تحقيق: محمدرضا المامقانى، قم: دليل ما، ١٤٢٦ ق.

١. هندی نیشابوری، میرحامد حسین (م ١٣٠٦ ق)، عبقات الأنوار فی إمامه الأئمه الأطهار، قم: مدرسه امام مهدی، ١٤٠٥ ق.

ص: ٣٦٤

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی کارآفرین (۱)

غلامرضا گلی زواره

چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خصوص شرح مناسبات اقتصادی و تدابیر کارآفرینی وی با استناد به منابع مهم تاریخی است. از دیدگاه نویسنده: در محیط آشفته عربستان، بانویی ثروتمند به نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زندگی می کرد. این زن به دلیل هوشمندی و فراست، دارایی های خود را به شکلی مدیریت و نظارت کرد که اولاً از راه نادرست افزایش نیابد و ثانیاً چنان به کار گرفته شوند که در چرخه اقتصادی به گردش افتند و ضمن به وجود آوردن نوعی پویایی اقتصادی در جامعه، باری از دوش گرفتاران، بی کاران و نیازمندان بردارند. با این کار نوعی مناسبات تجاری و بازرگانی بین حجاز و دیگر مناطق جهان برقرار گردید و این روند، به بهبودی روابط سرزمین ها کمک کرد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثروت خود را که بر اثر فعالیت های اقتصادی سالم به دست آورده بود را کد نگذاشت، بلکه با تدبیری ویژه و به وسیله خدمه ای که در اختیار داشت در کاروان ها و فعالیت های بازرگانی به کار انداخت؛ به گونه ای که هشتاد هزار شتر در قالب کاروان های متعدد، اموال تجاری او را به کانون های مهم اقتصادی جهان آن روز، همچون یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان، حبشه، فلسطین و نقاط دیگر حمل و نقل می نمودند.

کلیدواژه: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، اقتصاد، کاروان تجارت، روابط شغلی، کارآفرینی.

شیوه های شایسته در تجارت و اشتغال زایی

ص: ۳۶۵

در جامعه جاهلی سرزمین مکه، معیارها و امتیازات اجتماعی براساس موقعیت طایفه ای نسب و حسب، ثروت و خدمه و امکانات تعیین می گردید. افراد برای رسیدن به درجات مزبور به خلاف روی می آوردند، به جان و مال افراد تعرض می نمودند، اموال ضعیفان را به زور غارت می کردند و رباخواری امر رایجی بود؛ به همین دلیل گروهی از اهل انصاف و حامی عدالت، با یکدیگر هم پیمان گردیدند تا از حقوق محرومان دفاع کنند و مانع چپاول های زورگویان شوند.

در چنین محیط آشفته ای بانویی ثروتمند به نام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زندگی می کرد. این زن به دلیل هوشمندی و فراست، دارایی های خود را به شکلی مدیریت و نظارت کرد که اولاً از راه نادرست افزایش نیابد و ثانیاً چنان به کار گرفته شوند که در چرخه اقتصادی به گردش افتند و ضمن به وجود آوردن نوعی پویایی اقتصادی در جامعه، باری از دوش گرفتاران، بی کاران و نیازمندان بردارند.

با این کار نوعی مناسبات تجاری و بازرگانی بین حجاز و دیگر مناطق جهان برقرار گردید و این روند، به بهبودی روابط سرزمین ها کمک کرد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثروت خود را که بر اثر فعالیت های اقتصادی سالم به دست آورده بود را کد نگذاشت، بلکه با تدبیری ویژه و به وسیله خدمه ای که در اختیار داشت در کاروان ها و فعالیت های بازرگانی به کار انداخت؛ به گونه ای که هشتاد هزار شتر در قالب کاروان های متعدد، اموال تجاری او را به کانون های مهم اقتصادی جهان آن روز همچون یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان، حبشه، فلسطین و نقاط دیگر حمل و نقل می نمودند.

علاوه بر این، او در نقاطی چون مصر و حبشه نمایندگی های تجاری داشت و عده ای در مناطق مورد اشاره مشغول جابه جایی کالاها در قالب صادرات و واردات بودند. مدیریت و نظارت بر این امور و حلقه ارتباط با کارگزاران، حساب رسی مرتب درباره داد و ستدها و سودهای حاصله از آن، نوعی فراست، هوشیاری، توان مندی فکری و احاطه فوق العاده می طلبد، که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) این اقتدار را به عالی ترین شکل دارا بود.

مورخان گزارش داده اند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چهارصد غلام و کنیز در اختیار داشت که امور او را در قلمروی فعالیت های اقتصادی و دستگاه عریض و طویل محل سکونتش اداره می کردند.

در واقع خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پشتوانه اقتصادی قریش بود و این ویژگی برایش حشمت و شوکتی بزرگ به ارمغان آورده بود. او با این همه دارایی و اموال فراوان، نمونه بارزی از زهد به شمار می آمد؛ زیرا به ثروت فراوان خویش دل بستگی نداشت. در گره گشایی از دشواری های اقشار جامعه، سرمایه خود را به کار می انداخت و با سخاوتی ستودنی نیازمندان و محرومان را می نواخت. با وجود دم سازی با محرومان و بی نوایان، شهرتی آن چنان رفیع داشت که بسیاری از نام داران مکه و حوالی، جرئت ابراز خواستگاری از او را در خود نمی دیدند. بارها و بارها بسیاری از سران قبایل و بزرگان سرزمین بطحاء به خواستگاریش آمدند و در این راه چه بسیار عمرها و مال ها تلف کردند، اما درخواست هیچ کدام را نپذیرفت. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از همان آغاز با امکانات مالی خویش بسیاری از خانواده ها را اداره می کرد و افراد درمانده را تحت حمایت خدمات امدادی خویش می گرفت.

افرادی که مأمور رسیدگی به امور تجاری خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بودند، به عنوان کارگزار حقوق دریافت می کردند و سود و زیان معاملات مربوط به او بود. این شیوه قرارداد که بیشتر با مردانی فاقد کار و معمولاً از طبقات فقیر منعقد می گردید، دو ویژگی عاقلانه در برداشت: نخست این که برای دیگران فرصت های شغلی به وجود می آورد و افرادی را که به دلیل فقدان سرمایه توان فعالیت های تجاری نداشتند با پشتوانه مالی خویش به قوانین و راه و رسم بازرگانی درون مرزی و برون مرزی آشنا می ساخت، تا آن ها بتوانند بعدها روی پای خود بایستند و با استقلال اقتصادی به تلاش های خود در این قلمرو ادامه دهند.

از سوی دیگر با توجه به این که تجارت در عصر جاهلیت کاری شرافت مندان به شمار می آمد، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با به کارگیری صدها نفر از افرادی که در سنین میان سالی بودند و فعال اقتصادی به شمار می آمدند، سعی داشت عادت های زشت، درآمدهای حرام و غارت گری را از آنان دور سازد و از این ره گذر، زندگی آنان را از آلودگی های گوناگون مصون نگه دارد.

هم چنین با فرستادن آنان به سرزمین های یمن و شام و نواحی شرقی آفریقا مقدمات

آمادگی آنان را در شناخت فرهنگ، آداب و رسوم و سنت های جوامع دیگر بهتر فراهم سازد. این ویژگی در رشد فکری و اخلاقی آنان بی تأثیر نبود و کارگزاران از نظر میزان امانت داری، نوع تلاش و توانایی های مدیریتی در سفرهای مذکور به خوبی آزموده شده، در مأموریت های بعدی برحسب رتبه بندی و امتیازات کسب گردیده، از ارتقای شغلی برخوردار می شدند.

این بانو هم چنین راه را برای کسانی که واقعاً قصد تحصیل معاش حلال را داشتند، هموار می ساخت. این قرارداد با کسانی منعقد می گردید که از مقداری سرمایه برخوردار بودند. او با آنان در مال التجاره شریک می شد در حالی که هر چند سهم افزون تر مربوط به خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بود سپس کارگزاران خود را در سود حاصله از اموال تجاری سهام می کرد. اگر با پول او سودی به دست می آمد، هم او و هم عاملانش از آن بهره مند می گردیدند و اگر زیانی می رسید، می کوشید جور شریکان خویش را به تنهایی به دوش بکشد.

این شیوه های پسندیده که در واقع در آن قصد یاری و مساعدت به دیگران آشکار است، او را در میان همه تاجران قریش متمایز ساخته بود و دل ها را به سوی او معطوف می داشت. از این روی بسیاری آرزومند بودند جزو کارگزارنش باشند و در فعالیت های تجاری افتخار مشارکت با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به خود اختصاص دهند.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به خاندان عبدالمطلب بسیار علاقه مند بود، شرافت و تقوای آنان را می ستود و بسیاری از مردان و زنان «آل عبدمناف» را در کاروان های تجاری اش به کار واداشته بود. این کوشش و مساعدت دائم از سوی او، مدام با نهایت عزت و احترام نسبت به «بنی هاشم» همراه بود. (۱)

بدیهی است اداره کردن این کاروان گسترده در سطح منطقه ای وسیع، آن هم در جزیره العرب که آغشته به جاهلیت، جور و جفا است آن هم با مدیریت یک زن در زمانی که زنان از حقوق اجتماعی محروم بودند و بسیاری از مردان بی رحم، دختران بی گناه را

ص: ۳۶۸

۱- . با استفاده از منابعی چون: ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹، ۲۰۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲؛ محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ذیل خدج، ص ۲۳، ۲۴.

زنده به گور می کردند بیان گر آن است که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارای خلاقیت ویژه و نبوغ ذاتی فوق العاده بوده، شخصیتی برجسته و آگاه داشت.

نکته دیگر که از تدبیر خردمندانه و درستی آن بانو حکایت دارد این واقعیت است که در مدیریت اقتصادی خویش تمامی همکاران، عوامل اجرایی، خدمه و رابطین را از میان انسان های سالم، امانت دار، درست کار، ریشه دار و آزمون شده برمی گزید و خود از دفتر کارش این کاروان عظیم را با سر انگشت تدبیر و درایت خویش به حرکت درمی آورد. ایشان ضمن این که به امور اقتصادی سامان می بخشید، بر این مجموعه چنان نظارتی داشت که هیچ گاه دچار فساد، تبهکاری، رشوه خواری، سوءاستفاده و کج روی نشدند و تاریخ حتی نمونه ای از خلاف کاری در این مجموعه گزارش نکرده است.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این مجموعه برای افزایش توان مندی کارکنان و ایجاد رقابتی سالم و ثمربخش، از ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می گرفت. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی او در این راه فرموده است: «من کارفرمایی مهربان تر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کار گزارانش ندیدم. هر گاه من و دوستم پس از کار نزد او می رفتیم می دیدیم غذای گوارایی را که به اشاره او برای ما آماده شده بود، به ما هدیه می کرد و با خدمه و زیردستان، بزرگوارانه و انسانی رفتار می کرد.»^(۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر اساس اسناد تاریخی و منابع روایی در مورد وظایف هر یک از کارکنان کنترل های ویژه ای را اعمال می کرد. برنامه ها، کارهای انجام شده و نیز محصول تلاش آنان را به صورت دقیق و پیگیر مقایسه و بررسی می کرد و در صورت صلاح دید، با اعمال اصلاحاتی، از خطا و انحراف هایی که در طرح ها و هدف ها پیش می آمد جلوگیری می نمود. ماجرای گماشتن بازرس ویژه ای به نام «میسره» در کاروان تجارتنی شام بر منش و رفتار حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلم و ملزم گردیدن وی در تهیه گزارش جامع از تلاش های آن حضرت در این سفر بازرگانی، از درایت او حکایت دارد که منابع تاریخی آن را با دقت جالبی ضبط کرده اند.

ص: ۳۶۹

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می کوشید در برنامه اقتصادی اش از تجربه ها و دانش های دیگران بهره ببرد و برای برنامه ریزی در امور تجاری با افراد خبره و صاحب نظر به شور و مشورت می پرداخت. انتخاب وقت سفر، نوع کالای مورد نیاز در سرزمین مبدأ و نیز خرید اقلام از کشورهای دیگر، میزان محصولات صادراتی و یا وارداتی، ارتباط برقرار کردن کاروان با دیگر کانون های تجاری و چگونگی بازاریابی آنان، به کمک مشاوران کاردان تنظیم و تدبیر می گردید؛ به گونه ای که شگفتی همگان را برمی انگیخت. کاروان بزرگ بازرگانی او همواره در راه بود؛ از یمن به جانب حجاز و از آن سرزمین به سوی شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی آن عصر. این تشکیلات بعد از سفری موفق و سودی سرشار و عادلانه به سوی مقصد بازمی گشت.

خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

عمارتی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آن زندگی می کرد از بهترین خانه های مکه به شمار می آمد؛ بنایی دو طبقه با ایوان های کوچک مشرف بر کعبه و بر راه شام. سمت چپ درب خانه اش سنگی بود به بزرگی یک ذراع و یک و جب که بعدها حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در مقابل تیرهایی که از منزل ابولهب می آمد، بدان جا پناه می برد. یک سوی خانه جای سکنای خودش بود و طرف دیگر محل پذیرایی از تازه واردان، خدمه و نیازمندان. هر وقت کاروان های مکه از یمن و شام بازمی گشتند در اطراف اتاق خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چیزهایی تازه جلب توجه می کرد؛ به همین دلیل دختران مکه به خانه اش می آمدند تا آنها را تماشا کنند.^(۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این خانه به آرام و درددل های بی نوایان رسیدگی می کرد و به درماندگان پناه می داد. کودکی که پدر و مادر را از دست داده بود و دیگر نقطه اتکایی برای خود نمی یافت، والدینی که برای تدارک معاش اهل خانواده دچار مشکل می شدند، هر زنی که بعد از به قتل رسیدن شوهرش پناه گاهی نداشت و هر فرد رنج دیده و محرومی، خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را محل امنی برای خود می دید و با امید به امدادگری صاحب خانه، از غم ها و

ص: ۳۷۰

۱- . راهنما، زین العابدین، پیامبر، ص ۱۹۹ ۲۰۰؛ کمالی، محمدتقی، شکوه زندگی، ص ۱۹ ۲۰.

هراس های خود کم می کرد. مردم از قبه سبزی که بر بام این منزل احداث گردیده بود و نیز ازدحام اقشار گوناگون در مسیر آن، این منزل را می شناختند.

یک بار زنی میان سال که از شدت گریه چشمانی برافروخته و گونه های سرخ شده داشت و از شدت هراس بر اندامش لرزه افکنده شده بود، نفس زنان و مضطرب وارد خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شد. سلام کرد و این بانو را غرق در بوسه ساخت. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وی را در آغوش کشید و چون مادری دل سوز گفت دخترم چرا این قدر نگرانی، مطمئن باش اگر بتوانم کاری بکنم، دریغ نخواهم کرد. زن که قدری آرام شده بود، کودک خویش را که در پارچه ای پیچیده بود در مقابل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) گذاشت و گفت: «بر فرض که من مقصر باشم، این دخترک چه گناهی دارد که باید زنده به گور شود.»

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جگر گوشه اش را در بغل گرفت و با همدردی و دل سوزی گفت: «نه خواهرم، تو نه جرمی مرتکب شده ای و نه خلافتی کرده ای و این طفل هم تقصیری ندارد. ناراحتی را از دل و ذهن خود دور کن. من او را چون نازدانه دلبند خودم حمایت و نگه داری می کنم و اگر هم شوهرت بیاید، آن را پنهان می نمایم که گزندى به وی نرساند. حالا برخیز و چون خسته ای و از راه دور آمده ای، استراحت کن. بکوش که راحت بخوابی. اما خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) که به آن بانو سفارش آرامش می داد. آن شب خواب و آرام نداشت و امواجی از افکار گوناگون اجازه نمی داد او راحت بخوابد. پیوسته از این پهلو به آن پهلو می شد و با خود می گفت چرا این وضع باید ادامه یابد؟ این همه قساوت و بی رحمی آن هم در حق فرزند خود چگونه قابل توجیه است؟ چرا در این شبستان ظلمانی و تاریکی ستم، ستاره ای طلوع نمی کند و افق دید این افراد را روشنی نمی بخشد؟ تا پاسی از شب در جوش و خروش بود و بی تابى می کرد. (۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) این خانه و تمامی امکانات و ملزومات آن را بعد از آن که به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ایمان آورد، در راه اعتلای حق و ترویج معارف قرآنی صرف کرد. چون به خانه حضرت

ص: ۳۷۱

محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رفت، آن وجود مبارک در کوچه ای سنگی برایش خانه ای بنا کرد که به آن، کوچه عطارها می گویند. این خانه بدان جهت قداست دارد و مبارک است که حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هنگام اقامت در مکه، آن را به عنوان محل سکونت خود برگزیده بود. به علاوه، این خانه زادگاه حضرت فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَام) است. خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) که محل عبادت اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مکان نزول وحی بود بعدها در اختیار «عقیل بن ابی طالب» قرار گرفت و به روزگار خلافت معاویه تبدیل به مسجد شد.

این خانه تا چند دهه قبل برقرار بود و در جایی بلند واقع شده بود که توسط پله هایی به آن راه می یافتند. مکتب خانه ای در آن به وجود آورده بودند و قرآن می آموختند. در سوی راست راه روی این خانه، حفره ای در زمین قرار داشت که محل وضو گرفتن حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بوده است. مقابل در راه رو، دری بود که به سوی فضایی با مساحت ۲۴ متر مربع گشوده می شد و در آن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زندگی می کرده اند. مقصوره کوچکی در طرف راست خانه دیده می شد که مکان ولادت دخت نبی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَام) بود.

این خانه در تحولات جدید، در بازار ابوسفیان قرار گرفته، درب آن بسته و به صورت متروکه و ویرانه درآمده است... این درحالی است که در قرون گذشته فرمان روایان مسلمان و والیان حجاز برای تعمیر و پا برجا نگاه داشتن این میراث ارزشمند صدر اسلام می کوشیده اند. (۱)

در رحله بتانویی آمده است: «در صورتی که در خانه یاد شده خوب دقت نمایی جز سادگی چیزی نخواهی یافت. خانه ای که شامل چهار اتاق است. سه اتاق آن اندرونی است که یکی از آنها برای دختران ایشان و دومی برای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و همسرش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَام) و سومی برای عبادت آن حضرت بوده است. اتاق چهارم که در بیرون قرار دارد برای ملاقات با اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مراجعات مسلمانان در نظر گرفته شده است که این ترتیب بسیار پرجاذبه و ابتکاری است.» (۲)

مؤلف «مرآة الحرمین» می نویسد: «در طول این مسکن و راه روی خارجی آن از سوی

ص: ۳۷۲

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۶۷؛ قره چانلو، حسین، حرمین شریفین، ص ۱۰۶، حسینی نسب، رضا، گنجینه های ویران، ص ۵۲.

۲- . حسینی نسب، رضا، گنجینه های ویران، ص ۵۳ ۵۴.

شمال، فضای باز و بلندی به ارتفاع یک و نیم متر و طول شانزده متر و عرض هفت متر قرار دارد. گمان می رود آن مکان جای گاهی بوده است که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اموال تجاری خود را در آن جا قرار می داده است.»^(۱)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، چنان که در بعد اقتصادی موفق بود و ثروت سرشاری در نهایت خوش نامی و پاکی به دست آورد، در انتخاب همسر به توفیقی بزرگ دست یافت. او کسی را به شوهری خود برگزید که اشرف مخلوقات، اعظم ممکنات و مصطفای پیامبران و فرستادگان الهی بود. در همان روزهای اولی که این پیمان پاک برقرار گردید به پسر عموی خود «ورقه بن نوفل» گفت: «کلید انبارهایی که اموالم را در آنها نگه داری می کنم به نزد حبیب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ) ببر و از جانب من به او بگو تمامی این دارایی ها به پیشگاه شما تقدیم می گردد.»^(۲) آن چه دارم ملک او است، هر گونه تصرفی می خواهد در آنها بنماید تا بدین وسیله ساحت مقدسش را تکریم و تعظیم کرده باشم. خود را نیز کنیز اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) معرفی کرد.^(۳)

به راستی کدام بانو از صدر اسلام تا کنون به چنین رتبه ای از ایشار مال و موقعیت اجتماعی رسیده است؟ کسی که تمام شرایط رفاهی و امکانات مادی برایش فراهم بود. خواستگاران زیادی داشت که حاضر بودند مهریه های سنگینی بدهند و با وی ازدواج کنند، ولی او از قبول آنان امتناع ورزید. کسی که نخواست با اشراف و سران عرب و رؤسای قبایل که در اوج شهرت و نفوذ اجتماعی بودند ازدواج کند و با کمال علاقه و شوق حاضر گردید با جوانی یتیم که از دارایی دنیا بهره ای نداشت پیمان زناشویی منعقد سازد. خودش با کمال اصرار و علاقه به آن حضرت پیشنهاد ازدواج نمود و مهریه اش را در مال خودش قرار داد به طوری که این شیوه موجب ملامت او از جانب زنان قریش گردید.^(۴)

با توجه به این که در آن محیط جاهلی و غرق در ضلالت و آشفتگی های اخلاقی،

ص: ۳۷۳

- ۱- . رفعت باشا، ابراهیم، مرآه الحرمین، ص ۱۸۹.
- ۲- . مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۱.
- ۳- . محدث قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۳.
- ۴- . امینی، ابراهیم، فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی نمونه اسلام، ص ۲۳.

زن ها به تجملات و تشریفات زندگی راغب تر بودند و آرزوی شان در این هدف خلاصه می گردید که شوهری آبرومند و دارای ثروت به دست آورند و در خانه او به آرامش و خوش گذرانی سرگرم باشند، به خوبی روشن می گردد که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در باره این ازدواج اندیشه و افکار عالی تری داشته، در انتظار همسری فوق العاده با برجستگی های معنوی و کرامت های انسانی بوده است و چون به این برنامه تن می دهد بدون هیچ گونه چشم داشتی، ثروت و اراده اش را به پای مردی می ریزد که به ظاهر تمکنی ندارد.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای رشد راه فضیلت و نشر و گسترش اسلام، به جهاد مالی و مقاومت در شرایط بسیار سخت روی آورد و می توان گفت او مصداقی از این آیه قرآن کریم است که می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (۱)

در عظمت جهاد مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سخن زیبای رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بهترین سند است که فرمودند: «ما قام ولا استقام دینی الا بشیئین: مال خدیجه و سیف علی بن ابی طالب؛ (۲) دین من برپا نگردید و استقامت نورزید، مگر به دو چیز: ثروت خدیجه و شمشیر امیر مؤمنان.»

شهید «مطهری» گفته است: «در شرایطی که مسلمین و پیغمبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در نهایت درجه سختی و تحت فشار بودند جناب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثروت خویش را در اختیار اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گذاشت. اگر مال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نبود فقر و تنگ دستی شاید مسلمین را از پا در می آورد. اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خدمت کرد، به این معنا که مسلمانان گرسنه را نجات داد و آنان با پول خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) توانستند سد رمقی بکنند.» (۳)

در سخن دیگری حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تأکید نموده اند: «هیچ دارایی همچون ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

ص: ۳۷۴

۱- صف: ۱۰-۱۱.

۲- حائری مازندرانی، محمد مهدی، شجره طوبی، ص ۲۲۳؛ شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ج ۲، ص ۸۲.

۳- مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۲۴۸.

برای من سودمند نبود؛ چرا که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با اموال ایشان بدهکار را از بدهی نجات می دادند، اسیر را از اسارت می رهانیدند، بار سنگین را از دوش ناتوان و یتیم برمی داشتند، مردمی که به بلا- و مصائبی دچار می شدند با این امدادسانی نجات می یافتند، اصحاب فقیر ساکن در مکه از طریق این امکانات مادی تحت حمایت مالی قرار می گرفتند و آنان قادر بودند زندگی خود را تأمین کنند. آنانی که سفرهای تبلیغی داشتند و می خواستند برای ترویج دین هجرت کنند، هزینه سفرشان از این پول ها پرداخت می شد. (۱)

اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمان حیات این بانوی فداکار آن چه صلاح می دانست از دارایی او هزینه می کرد و بعد از رحلتش باقی مانده دارایی اش را فرزندانش به ارث بردند. (۲)

روزی حلیمه سعديه (مادر رضاعی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)) در مکه نزد اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد و از قحطی و خشک سالی شکوه کرد. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این ضایعه را با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در میان نهاد. او چهل گوسفند و چهل شتر به مادر رضاعی شوهرش بخشید و حلیمه با شادمانی به سوی قبیله خود بازگشت. (۳)

در ماجرای «شعب ابی طالب» وقتی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و یارانش توسط مشرکان تحت محاصره شدید اقتصادی قرار گرفتند، ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) محاصره شوندگان را از قحطی و گرسنگی نجات داد. در این مدت که چهار سال طول کشید «ابوالعاص بن ربیع» به وسیله شتران، گندم و خرما حمل می کرد و در وضعی سخت و بسیار خطرناک و با وجود تهدیدهای شدید دشمنان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و بنی هاشم، خوراکی ها را به مسلمانان می رساند. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دارایی خود را چنان در این ماجرا مصرف کرد که دیگر از آنها چیزی نماند و در پایان محاصره گفت: «چیزی جز دو پوست باقی نمانده است که هنگام استراحت یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز خود قرار می دهیم.» (۴)

بنی هاشم در این محاصره فرساینده، از نظر جان، مکان، سرما و گرما و خوراکی در

ص: ۳۷۵

۱- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲- . قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از ولادت تا شهادت، ص ۶۸.

۳- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱.

۴- . محلّاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۱.

تنگنایی شدید به سر می بردند. در واقع آنان در حبسی توأم با آزار و شکنجه قرار داشتند و در برابر تمام ناملايمات مقاومت می کردند. همین وضع باعث گردید که ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چند روز بعد از خاتمه محاصره، رحلت کردند.

«علی محمّد علی دخیل» می نویسد: «محاصره اقتصادی، عظیم ترین خطر دوران رسالت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود، که اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کلید شکست این حصر اقتصادی است. او مواد خوراکی و مصرفی را به چندین برابر قیمت واقعی اش می خرید و به بنی هاشم و یاران اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که با تهدید مشرکان مواجه بودند می رسانید تا این سال ها با سلامت و رهایی آن عزیزان سپری شد و حيله دشمنان با ناکامی توأم گردید.»^(۱)

کتابنامه

۱. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
 ۲. امینی، ابراهیم، فاطمه زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی نمونه اسلام، تهران: کتابخانه پردیس ابوریحان دانشگاه تهران، فارسی، ۱۳۴۹.
 ۳. حائری مازندرانی، محمّد مهدی (م ۱۳۶۹ ش)، شجره طوبی، النجف الاشرف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
 ۴. حسینی نسب، رضا، گنجینه های ویران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۵. رفعت باشا، ابراهیم، مرآه الحرمین، ترجمه: هادی انصاری، تهران: مشعر، ۱۳۷۷ ش.
 ۶. رهنما، زین العابدین، پیامبر، دوره سه جلدی، تهران: کتاب های جیبی، ۱۳۴۵ ش.
 ۷. شیخ طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، الامالی، قم: انتشارات دارالثقافیه، ۱۴۱۴ ق.
 ۸. علی دخیل، علی محمّد، زنان بزرگ اسلام (خدیجه)، ترجمه: فیروز حریرچی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- ص: ۳۷۶

۱- علی دخیل، علی محمّد، زنان بزرگ اسلام: خدیجه، ص ۱۶.

۱. قره چانلو، حسین، حرمین شریفین: تاریخ مکه و مدینه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
۲. قزوینی، سید محمدکاظم، فاطمه الزهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از ولادت تا شهادت، ترجمه: علی کرمی، قم: نشر مرتضی، ۱۳۷۷ش.
۳. کمالی، محمدتقی، شکوه زندگی، قم: انتشارات امید، [بی تا].
۴. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۵. محدث قمی، شیخ عباس (م ۱۳۵۹ ق)، سفینه البحار، تحت اشراف علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ق.
۶. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۷. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ش.

مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (۱)

منصوره اعتمادی

چکیده

شرح حال حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، به خصوص شرح مناسبات اقتصادی و روابط شغلی وی با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم)، با استناد به منابع مهم تاریخی است. از دیدگاه نویسنده: حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، نجیب زاده ای ثروتمند بود که در عصر جاهلیت به تجارت و امور بازرگانی مبادرت می کرد. وی با سرمایه ای که در اختیار داشت، مردانی را استخدام نموده بود تا با سفر به مناطق دیگر به خرید و فروش کالاهای مورد نظر او پردازند. او با کسانی که در امر تجارت به وی یاری می رساندند قراردادی به شکل مضاربه یا اجاره امضا می کرد. یکی از نام آشناترین مردان آن روزگار رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بود که به سبب ویژگی های برجسته اخلاقی مانند راست گویی و امانت داری، زبازد همگان بود و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نیز به شایستگی او ایمان داشت. بنا بر این برای اشتغال به امور بازرگانی به آن حضرت پیشنهاد داد و اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز درخواست او را پذیرفت و این سرآغازی برای مناسبات اقتصادی میان آنان گردید.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، بازرگانی، اجاره، مضاربه، دستمزد، بحیرا.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که همواره ذهن بشر را به خود مشغول می دارد این است که شخصیت های نام آور و فرهیخته هر دورانی چگونه پا به عرصه نهاده و در چه شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی بالیده اند. در بررسی زندگانی حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) که از او با عنوان «خاتم پیامبران» یاد

ص: ۳۷۹

می شود و بی تردید، برترین و کامل ترین انسان شناخته شده است، همواره به نام زانی بر خورد می کنیم که به هیچ روی نقش آنان در زندگی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، قابل انکار نیست. در این میان، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) یکی از مؤثرترین و موجه ترین شخصیت های آن زمان، پس از برقراری روابط و مناسبات کاری با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، با وی پیمان زناشویی بست و بیش از دو دهه از زندگی خود را در تعامل نزدیک و همکاری تنگاتنگ آن حضرت گذراند.

این نوشتار بر آن است تا به تبیین این مسئله پردازد که چگونه در برهه ای از زمان که حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حتی حق حیات مادی زن هم از او سلب شده بود، شخصیتی مانند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با بهره مندی از امکانات مادی و اقتدار و درایت مدیریتی خود، به امور بازرگانی مشغول می شد و مردانی را پس از اطمینان از کارآمدی آنان برای این منظور به کار گرفت؟ و مهم تر از همه، آن که او چرا و چگونه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را برای این امر برگزید، و چه وقایعی در این ارتباط رخ داد؟ البته این موضوع را نباید از نظر دور داشت که هر آنچه در این باره در کتب مربوطه گزارش شده است، مورد پذیرش نیست؛ زیرا برخی از گزارش گران با غرض ورزی، بسیاری از حوادث و وقایع تاریخی را خلاف واقع حکایت کرده اند. از این رو، در این مقاله به نقد و بررسی موضوعات ذکر شده نیز خواهیم پرداخت.

مناسبات اقتصادی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر ۹

اشاره

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بوده که در حدود پانزده سال پیش از عام الفیل به دنیا آمده است. (۱) از دوران کودکی و جوانی او اطلاع چندانی در دست نیست، جز آن که بنا بر نقلی، او نخست با مردی به نام عتیق بن عائذ و پس از او با فرد دیگری به نام ابوهاله تمیمی ازدواج نموده، و از آنان صاحب فرزندی می شود. (۲) همسران او یکی پس از دیگری بدرود حیات گفته و او که بانویی نجیب زاده و ثروتمند بوده است با سرمایه خود به امور بازرگانی می پردازد. وی برای پیشبرد اهداف خود مردانی را به استخدام درآورده، و پس از در

ص: ۳۸۰

۱- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶، شماره ۷ و ص ۱۷، شماره ۸.

۲- ابن اسحاق، ابوعبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۲۴۵.

اختیار گزاردن سرمایه اش، آنان را به منظور خرید و فروش کالا به مناطق دیگر گسیل می دارد. از جمله کسانی که خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با او مناسبات شغلی برقرار می کند رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) بوده است که در آن زمان، روزگار جوانی خود را سپری می نموده است. در منابع مختلفی از این روابط یاد شده و از نوع پیمان کاری و قراردادهای معاملی میان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و کارمندانش نام برده شده است. در ذیل، به انواع این قراردادها اشاره می شود.

الف اجاره

اجاره عقدی است که به موجب آن، مستأجر، مالک منافع عین مستأجره می شود. اجاره دهنده را «موجر»، اجاره کننده را «مستأجر»، و مورد اجاره را «عین مستأجره» می نامند. مورد اجاره می تواند اشیا، حیوان و یا انسان باشد؛ و در صورتی که انسان مورد اجاره باشد، مورد اجاره را «اجیر» و مال پرداختی را «اجرت» می نامند.

اخباری که در آنها از قرار میان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و کارگزاران او به اجاره یاد شده، و یا در آنها واژه اجیر آمده، عبارت اند از:

۱. ابوبشیر دولابی به سند خود از یونس بن عبدالاعلی، و او از عبد الله بن وهب، و وی از یونس بن یزید، و او از ابن شهاب زهري چنین روایت کرده است: «وقتی رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) به سن بلوغ رسید در حالی که از ثروت برخوردار نبود، خدیجه دختر خویلد او را استخدام (اجیر) نمود تا به بازار حُبَاشَه (۱) که در منطقه تَهامه (۲) قرار داشت برود، و برای همراهی با او مرد دیگری از قریش را نیز به استخدام خود درآورد.

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در باره خدیجه این گونه سخن می گفت: بهتر از خدیجه کارفرمایی را [در ارتباط] با کارمند خود نیافتیم؛ چرا که هر گاه من و همراهم باز می گشتیم پیش کشی از غذا که آن را برای ما پنهان داشته بود، در نزد او می یافتیم. (۳)

ص: ۳۸۱

-
- ۱- حُبَاشَه بازاری از بازارهای عرب در زمان جاهلیت بوده است. (یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبداللّه، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۱)
 - ۲- تَهامه نام صحرائی در منطقه یمامه است. (یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبداللّه، معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۳)
 - ۳- دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۹، ش ۸.

۲. ابن سعد واقدی از عبد الله بن جعفر رقی، و او از ابوالملیح و او از عبد الله بن محمد بن عقیل روایت می کند که: «ابوطالب به پیامبر گفت: ای برادرزاده! باخبر شدم که خدیجه، فلانی را در ازای دو بچه شتر به استخدام خود درآورده است، ولی ما زیر بار مقداری مانند آنچه به او داده نمی رویم، آیا تو مایلی تا در این باره با خدیجه گفت و گو کنم؟»

پیامبر در پاسخ فرمود: هر آنچه خود دوست داری انجام بده. ابوطالب نزد خدیجه رفت و به او گفت: ای خدیجه! آیا محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را به استخدام خود در می آوری؟ چون ما باخبر شدیم که تو فلانی را با دستمزدی معادل دو بچه شتر به استخدام خود درآورده ای، ولی ما کمتر از چهار بچه شتر را نمی پذیریم.

خدیجه پاسخ داد: اگر این درخواست را برای دشمن ناشناسی می نمودی آن را می پذیرفتم، چه رسد به آن که برای دوست نزدیکی درخواست کنی. (۱)

۳. در روایت دیگری، حاکم نیشابوری از ابو عبد الله محمد بن یعقوب، و وی از علی بن حسن هلالی، و او از معلی بن اسد عمی، و وی از حماد و ربیع بن بدر، و آن دو از ابی زبیر و او از ابوجابر نقل نموده است که: «خدیجه دو بار رسول خدا را به استخدام خود درآورد تا به جَرَش (۲) سفر کند و در ازای هر سفری به او یک شتر جوان داد.» (۳)

۴. شیخ صدوق در خبری از احمد بن حسن قطان و علی بن احمد بن محمد بن محمد بن احمد شیبانی، و آنان از احمد بن یحیی بن زکریا القطان، و وی از محمد بن اسماعیل، و او از عبد الله بن محمد، و او از پدرش و قیس بن سعد دیلمی، و آن دو از عبد الله بن بحیر فقعی، و او از بکر بن عبد الله اشجعی، و وی از پدرانش نقل کرده است که: «سالی پیامبر با عبد مناه بن کنانه و نوفل بن معاویه بن عروه بن صخر،

ص: ۳۸۲

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبد الله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- جرش نام شهری در یمن بوده که از سمت مکه جزء آبادی های یمن به شمار می آمده است. (یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبد الله، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۳۶)

۳- حاکم نیشابوری، ابو عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

برای بازرگانی به شام سفر کردند. در آن جا، ابوالموهیب راهب به آنان برخورد کرد و پرسید: شما کیستید؟

گفتند: ما بازرگانانی از اهل مکه و از قریش هستیم.

ابوالموهیب پرسید: از کدام قریش؟! او را در این باره آگاهی دادند؛ سپس ابوالموهیب پرسید: آیا فرد دیگری از قریش نیز شما را همراهی می کند؟

گفتند: آری، جوانی از بنی هاشم به نام محمد است.

ابوالموهیب گفت: به خدا سوگند مقصودم هموست.

عبد مناه و نوفل گفتند: سوگند به خدا که کسی گمنام تر از او در قریش نیست (۱) و او را یتیم قریش می نامند که در استخدام زنی از قریش به نام خدیجه است. (۲)

ب مضاربه

مضاربه عقدی است که به موجب آن، یکی از دو طرف معامله، سرمایه می دهد با این شرط که طرف دیگر با آن کار کند و هر دو در آن شریک باشند. صاحب سرمایه را «مالک»، و عامل را «مضارب» می نامند.

در تفسیر منسوب به امام عسکری ۷ روایتی آمده که فرموده است: «از پدرم علی بن محمد پرسیدم: خبرهای مربوط به معجزاتی که در مکه و مدینه بر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) آشکار گردید چگونه بوده است؟

پدرم پاسخ داد: پسر! فردا دوباره آن را بپرس! وقتی صبح فرا رسید فرمود: پسر! [معجزه ای که پرسیدی تکه ابری بوده است] آن تکه ابر زمانی بود که پیامبر به سبب [عقد] مضاربه با خدیجه دختر خویلد به سوی شام سفر می کرد و فاصله مکه تا بیت المقدس یک ماه به طول می انجامید. (۳)

ص: ۳۸۳

۱- باید اذعان نمود که چنین ادعایی در آن زمان پذیرفتنی نیست؛ چرا که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اولاً به دلیل امانت داری و راست گویی شهرت داشته، و ثانیاً قرابت و نزدیکی با بزرگانی همچون عبدالمطلب، ابوطالب و حمزه ۷ سبب دیگری برای شهرت آن حضرت بوده است.

۲- شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۹۰، ش ۳۷.

۳- امام عسکری ۷، التفسیر، ص ۱۵۵، ش ۷۷.

در برخی اخبار از هر دو نوع قرارداد اجاره و مضاربه نام برده شده است که در ذیل به آنها اشاره می شود:

۱. ابوبشر دولابی از احمد بن عبدالجبار، او از یونس بن بکیر، و وی از محمد بن اسحاق، روایت نموده که گفته است: «خدیجه دختر خویلد زنی بازرگان، پاک نژاد و ثروتمند بود. او مردانی را به استخدام خود درآورده و با آنان قرارداد مضاربه می بست تا از سود حاصله مقداری به آنان بپردازد. قریش مردمی تاجرپیشه بودند؛ وقتی خبر راست گویی، امانت داری و بزرگواری پیامبر به خدیجه رسید، در پی او فرستاد و از او تقاضا کرد تا با سرمایه ای که خدیجه در اختیار او می گذارد به همراه خدمت کارش به نام میسره، برای بازرگانی به شام سفر کند؛ و خدیجه در ازای آن بیش از آنچه به دیگر بازرگانان می دهد به پیامبر بپردازد. پیامبر نیز پیشنهاد او را پذیرفت.»^(۱)

۲. ابن سعد واقدی از محمد بن عمر، و او از موسی بن شیبه، و وی از عمیره بنت عبیدالله بن کعب بن مالک، و او از ام سعد بنت سعد بن ربیع، روایت کرده که او از نفیسه بنت امیه خواهر یعلی بن امیه شنیده است که: «خدیجه دارای اصالت خانوادگی بوده و ثروت بسیار و کالاهای فراوانی در اختیار داشته، که آنها را به شام می فرستاده است. کاروان او به مانند همه کاروان های قریش بوده است؛ او مردانی را استخدام کرده و با آنان عقد مضاربه می بست. وقتی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) به سن بیست و پنج سالگی رسید و در مکه با نام امین شهرت یافت، خدیجه پیکری را نزد او روانه کرد و از او درخواست نمود تا همراه خدمت کارش میسره به شام سفر کند و گفت: در ازای آن من دو برابر آنچه به افراد قوم تو می دهم به تو خواهم پرداخت؛ رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) [پیشنهاد او را پذیرفت و] آنچه او گفته بود انجام داد.»^(۲)

ص: ۳۸۴

۱- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۷، ش ۷.

۲- . ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵-۱۶.

چنان که ملاحظه می شود، در روایات مربوط به این بخش، سخن از اجاره و مضاربه هر دو به میان آمده است و تعبیری مانند «تستأجر الرجال فی مالها و تضاربهم اِیاه بشیء تجعله لهم منه» و «کانت تستأجر الرجال و تدفع المال مضاربه» به چشم می خورد. با توجه به این که معاملات در اسلام امضایی است و اسلام در این زمینه تأسیسی ننموده است، و با عنایت به این که اجاره و مضاربه دو نوع عقد و قرارداد جداگانه به شمار می آیند و هر یک تعریف خاص خود را دارا بوده، و آثار معاملی آنها نیز با هم تفاوت دارند، از این رو، می توان گفت: عبارات یاد شده ابهام دارند، و معنا ندارد که استیجار به صورت مضاربه باشد، مگر آن که در این جا مفهوم خاصی از اجاره یا مضاربه مورد نظر باشد؛ که این نیز با در نظر گرفتن امضایی بودن معاملات، امری بعید است.

نکته دیگر آن که یعقوبی در تاریخ خود مدعی شده است که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هیچ گاه اجیر کسی نبوده است (۱) و طبری نیز از واقعی نقل می کند که او چنین ادعاهایی را باطل پنداشته است. (۲) ولی باید اذعان نمود که آنان دلیل محکمی بر مدعای خود ارائه ننموده اند. شاید تنها دلیل ایشان این باشد که شأن پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را فراتر از آن می دانسته اند که به خدمت کسی درآید، حال آن که این امر هیچ منافاتی با جایگاه و شأن پیامبر ندارد؛ چرا که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز همانند دیگر افراد جامعه زندگی می کرده است. شاهد به این مدعا، خدمت موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) به شعیب نبی بنا بر پیشنهاد یکی از دختران او بوده است. قرآن در این باره می فرماید:

«قَالَتْ إِخِدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُكَيِّبَكَ إِخِدِي ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَلْشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي

ص: ۳۸۵

۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

۲- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۶.

وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ فَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ؛ (۱)

یکی از آن دو دختر گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که به استخدام درآوری فرد نیرومند و مورد اعتماد است. شعیب گفت: من می خواهم یکی از این دو دختر را به ازدواج تو درآورم، به شرط آن که تو هشت سال برای من کار کنی و اگر ده سال را تمام کنی به اختیار تو است، و نمی خواهم بر تو سخت گیرم، ان شاءالله تو مرا از نیکوکاران خواهی یافت. موسی [۷] گفت: این [قراردادی] میان من و تو است، و هر یک از دو مدت را که به انجام رسانیدم بر من ستمی نباشد و خدا بر آنچه می گوئیم وکیل است.»

میزان دستمزد

در باره میزان اجرت و کارمزدی که رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دریافت می کرد به مقادیر مختلفی اشاره شده است، که روایات مربوطه در ذیل خواهد آمد:

الف بیش از دیگران: ابوبشر دولابی روایت می کند: پس از آن که خدیجه پیکی را نزد پیامبر فرستاد و به او پیشنهاد داد تا به همراه خدمت کارش میسره برای تجارت به شام سفر کند، در باره دستمزد او چنین می گوید: «و تعطيه أفضل ما كانت تعطى غيره من التجار؛ (۲) بیش از آنچه به دیگر بازرگانان می داده به پیامبر خواهد پرداخت.»

ب دو برابر دیگران: ابن سعد واقدی نظر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را در باره دستمزد آن حضرت چنین حکایت کرده است: «قالت: أنا اعطيك ضعف ما اعطى قومك؛ (۳) خدیجه گفت: من دو برابر آنچه به افراد قوم تو می دهم به تو خواهم پرداخت.»

ج دو بچه شتر در ازای هر سفر: ابن شهر آشوب در این باره می گوید: «و كان النبي ۹ قد استأجرته خديجة على أن تعطيه بكرين؛ (۴) خدیجه، پیامبر را در ازای دو بچه

ص: ۳۸۶

۱- . قصص : ۲۶ - ۲۸.

۲- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۷، ش ۷.

۳- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶.

۴- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸.

د چهار بچه شتر: در خبر دیگری به نقل از ابن سعد بیان شده که ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می خواهد که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را استخدام نماید و به او می گوید: «لسنا نرضى لمحمد دون أربع بكار؛ (۱) ما [دستمزدی] کمتر از چهار بچه شتر را نمی پذیریم.»

ه یک شتر جوان برای هر بار سفر به منطقه جُرش: نیشابوری به سند خود از جابر روایت می کند: «استأجرت خدیجه رسول الله (صلی علیه و اله وسلم) سفرتین الی جرش، کلّ سفره بقلوص؛ (۲) خدیجه دو بار رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) را استخدام نمود تا به منطقه جرش سفر کند و در ازای هر سفر، یک شتر جوان به او داد.»

جمع اخبار: چنان که گذشت، در متن روایات مزبور، سخن از مقادیر مختلفی به میان آمده است؛ در برخی، به طور صریح از مقدار مشخصی نام برده شده و در بعضی دیگر، در مقایسه با دیگران تنها به عبارت «بیش از دیگران» یا «دو برابر آنان» اشاره شده است. در توجیه این مقادیر مختلف، باید به این نکته توجه داده شود که چون سفرهای متعددی صورت گرفته و همان گونه که در بحث از محل تجارت توضیح آن خواهد آمد این سفرها به مناطق مختلف بوده است و بدین ترتیب، برای هر سفری، قرارداد جداگانه ای بسته می شده است؛ از این رو، با توجه به طول مسیر و مشکلات سفر، کارمزد معینی متناسب با آن در نظر گرفته می شده است.

محل تجارت

اشاره

در منابع تاریخی روایی که به شرح اخبار مربوط به سفرهای بازرگانی پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرداخته اند، از مناطقی نام برده شده که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بدان جا سفر نموده و در تمامی آنها، سفر او با اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و به منظور تجارت و دادوستد کالا بوده است. آن مکان ها عبارت اند از:

۱. شام:

ص: ۳۸۷

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

«بعثت اليه فعوضت عليه أن يخرج في مالها تاجراً إلى الشام؛(۱) خديجه در پی رسول خدا فرستاد و از او خواست تا برای تجارت با مال او به شام سفر کند.»

«و كان النبي ٩ قد استأجرته خديجه على أن تعطيه بكرين و يسير مع غلامها ميسره الى الشام؛(۲) خديجه، رسول خدا را استخدام کرد تا به همراه خدمت کار او ميسره برای تجارت به شام سفر کند و در ازای آن، به او دو بچه شتر [دستمزد] بدهد.»

«و خرج الى الشام في تجارته لخديجه و له خمس و عشرون سنه؛(۳) رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در سن بیست و پنج سالگی برای بازرگانی، با مال خديجه به شام سفر کرد.»

۲. بصری:

«فخرج مع غلامها ميسره، و جعل عمومته يوصون به أهل العير حتى قد ما بصرى من الشام؛(۴) پیامبر در حالی که عموهای آن حضرت سفارش او را به کاروانیان نمودند، همراه با ميسره خدمت کار خديجه به منطقه بصری از سرزمین شام وارد شدند.»

«و خرج الى سوق بصرى فباع سلعته التي أخرج و اشترى غيرها؛(۵) اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) به بازار بصری رفت و کالاهایی را که همراه برده بود، فروخت و کالای دیگری خریداری کرد.»

۳. حباشه:

«استأجرته خديجه بنت خويلد الى سوق حباشه و هو سوق بتهامه؛(۶) خديجه دختر خويلد، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) را استخدام کرد تا به بازار حباشه که در منطقه تهامه بود برود.»

«قال رسول الله (صلی الله عليه و اله وسلم): لَمَّا رَجَعْنَا مِنْ سَوْقِ حَبَاشَةَ قَلْتُ لِصَاحِبِي انْطِقْ بِنَا نَتَحَدَّثُ عِنْدَ

ص: ۳۸۸

۱- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۷، ش ۷.

۲- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸.

۳- . همان، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴- . ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۰.

۵- . همان، ج ۸، ص ۱۵.

۶- . دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۹، ش ۸.

خدیجه؛(۱) رسول خدا فرمود: وقتی از بازار حباشه بازگشتیم به همراهم گفتم: بیای نزد خدیجه برویم و با او به گفت و گو بنشینیم.»

۴. جرش:

«استأجرت خدیجه رسول الله (صلی علیه و اله وسلم) سفرتین الی جرش، کل سفره بقلوص؛(۲) خدیجه دو بار رسول خدا را به استخدام در آورد تا به منطقه جرش سفر کند، و در ازای هر سفری به او یک شتر جوان [دستمزد] داد.»

رخدادهای و وقایع پیش آمده در سفرهای بازرگانی

در طی سفرهایی که اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) برای تجارت با سرمایه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) انجام داد، وقایعی رخ داده است که در برخی کتب تاریخ و سیره به طور مشروح بیان شده است و شرح تفصیلی آنها در پی خواهد آمد:

۱. محمّد بن اسحاق می گوید: «پس از آن که رسول خدا درخواست خدیجه را پذیرفت، همراه خدمت کار او میسره برای تجارت با اموال او رفت تا به شام رسید؛ در زیر درختی در نزدیکی صومعه راهبی از راهبان نشست. راهب به میسره رو کرد و گفت: مردی که زیر این درخت نشسته کیست؟»

میسره پاسخ داد: او مردی قرشی از اهل مکه است.

راهب گفت: هرگز در زیر این درخت جز پیامبری نشسته است.

پس از آن که رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) کالایی را که همراه آورده بود، فروخت و آنچه می خواست خریداری نمود، همراه با میسره رو به سوی مکه نهادند. میسره در این باره می گوید: وقتی روز به نیمه رسید و گرما رو به شدت نهاد، در حالی که پیامبر سوار بر شتر و در حال حرکت بود، دو فرشته فرود آمدند و بروی سایه گسترانیدند. پس از آن که پیامبر به مکه رسید و با کالاهای خریداری شده نزد خدیجه رفت، خدیجه آنها را به دو برابر

ص: ۳۸۹

۱- همان، ش ۹.

۲- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

قیمت یا نزدیک به دو برابر فروخت؛ و میسره در باره گفتار راهب و آنچه از سایه گسترانیدن دو فرشته به رسول خدا مشاهده کرده بود، با خدیجه گفت و گو کرد.» (۱)

۲. واقعی در خبری به نقل از نفیسه بنت منیه می گوید: «وقتی رسول خدا به بیست و پنج سالگی رسید و در مکه شهرتی جز امین نداشت زیرا از عادات نیکو در حد کمال برخوردار بود ابوطالب به او گفت: ای پسر برادر! من مردی هستم که ثروتی ندارم، زمانه بر ما سخت گرفته و سال های متمادی می گذرد که ما را به ستوه آورده است، و ما نه کالایی داریم و نه تجارتی. این کاروان قوم تو است که آماده رفتن به شام شده است و خدیجه دختر خویلد مردانی از قوم تو را به همراه کاروان خود روانه می کند، پس [اگر مایلی] تو نیز خود را به او بنمایان .

وقتی این خبر به خدیجه رسید، در پی رسول خدا فرستاد و دو برابر دستمزدی که به دیگران می پرداخت به رسول خدا داد؛ آن گاه پیامبر به همراه میسره، خدمت کار خدیجه رفت تا به بصری در شام رسیدند و در بازار بصری در زیر درختی نزدیک صومعه راهبی نسطور نام از راهبان نشستند. راهب که از پیش میسره را می شناخت رو به او کرد و گفت: این کیست که در زیر این درخت نشسته است؟

میسره پاسخ داد: مردی قرشی از اهل مکه است.

راهب به او گفت: هیچ گاه جز پیامبری در زیر این درخت نشسته است . سپس پرسید: آیا در چشمان او سرخی است؟

میسره گفت: آری! آن سرخی از بین نمی رود.

راهب گفت: او همان پیامبر آخرین است؛ ای کاش زمانی که به خروج او فرمان داده می شود من او را درک کنم. پس از آن، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در بازار بصری حاضر شد و کالایی را که آورده بود فروخت و کالای دیگری خریداری کرد . در این هنگام، در باره چیزی میان او و دیگری اختلافی به وجود آمد و آن مرد به پیامبر گفت: به لات و عزی

ص: ۳۹۰

۱- ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد، کتاب السیر و المغازی، ص ۸۱؛ دولابی، محمد بن احمد، الذریه الطاهره، ص ۴۷، ش ۷.

پیامبر فرمود: من هرگز به ایشان سوگند یاد نکرده ام و هر گاه بر آنان گذر کنم از ایشان روی بر می تابم.

آن مرد پاسخ داد: حق با تو است؛ و وقتی با میسره خلوت کرد به او گفت: ای میسره! به خدا سوگند می خورم که این پیامبر است؛ قسم به آن که جانم در دست او است، او همان کسی است که دانشمندان اوصاف او را در کتاب های خود یافته اند.

میسره سخن او را به خاطر سپرد.

کاروانیان همگی بازگشتند. زمانی که روز به نیمه رسید و گرما شدت یافت، میسره دید وقتی پیامبر بر شترش سوار بود دو فرشته به خاطر [دور ماندن او از] نور خورشید بر وی سایه گسترانیده اند.

کاروانیان می گفتند: خداوند چنان محبت رسول خدا را در دل میسره قرار داده، که گویا او خدمت کار پیامبر است. وقتی آنان بازمی گشتند و به روستای مَرّ در کنار درّه های ظهران(۱) رسیدند، میسره گفت: ای محمد! تو زودتر نزد خدیجه برو و در مورد آنچه خداوند به خاطر مقام و منزلت تو نصیب او گردانیده است به او خبر بده و او می فهمد که آن [سودی که برده است] به خاطر وجود تو بوده است. رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) جلوتر رفت و در وقت ظهر به مکه وارد شد.

خدیجه با گروهی از زنان که نفیسه بنت منیه نیز در میان آنان حضور داشت، در طبقه بالای خانه بودند که رسول خدا به مکه وارد شد. خدیجه او را دید در حالی که بر شتر خود نشسته بود و دو فرشته بر او سایه گسترانیده بودند. خدیجه، پیامبر را به آنان نشان داد. ایشان از دیدن آن صحنه شگفت زده شدند. رسول خدا بر خدیجه وارد شد و وی را از سودی که به سبب نفوذ آنان به دست آمده بود آگاه کرد. خدیجه از این خبر خوشحال

ص: ۳۹۱

۱- . ظهران دره ای در نزدیکی مکه است و در کنار آن روستایی به نام مَرّ قرار دارد. (یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، ج ۴، ص ۶۳)

شد، و وقتی میسره آمد، خدیجه را از آنچه دیده بود آگاه کرد و گفت: وقتی از شام بیرون رفتیم این طور دیدم و سپس گفتار نسطور راهب و آن فرد دیگری را که در معامله با رسول خدا اختلاف پیدا کرده بود، برای خدیجه بازگو کرد.

این بار خدیجه دو برابر موارد پیشین سود برد و چهار برابر دستمزدی که از آن نام برده بود به رسول خدا پرداخت کرد.^(۱)

۳. ابن شهر آشوب خبر مرسلی را بدین مضمون آورده است: «خدیجه، پیامبر را با این شرط که همراه خدمت کار وی میسره به شام سفر کند و در ازای آن به او دو شتر جوان بدهد، به استخدام خود درآورد. وقتی آنان به سفر رفتند، رسول خدا در زیر درختی نشست، و راهبی نسطور نام وی را دید و به استقبال او رفت و بر دست ها و پاهای آن حضرت بوسه زد و گفت: أشهد أن لا اله الا الله و أشهد أن محمداً رسول الله؛ چون نشانه ها [پیامبری] را در او دیده بود و مشاهده کرده بود که وی در زیر آن درخت نشسته است. آن گاه رو به میسره کرد و گفت: در فرامین و نواهی وی از او پیروی کن؛ زیرا او پیامبر است و سوگند به خدا که پس از عیسی [۷] جز او کسی در این جا ننشسته است، و عیسی علیه السلام به او بشارت داده است: و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او احمد است، مژده می دهم.^(۲) [و سپس افزود:] او بر همه اهل زمین فرمان خواهد راند.

میسره به پیامبر گفت: راه های کوهستانی را که باید طی روزهای متمادی می پیمودیم، یک شبه طی کردیم و به برکت وجود تو در این سفر، سودی به دست آوردیم که حتی در مدت چهل سال نیز حاصل نمی شد؛ پس نزد خدیجه برو و در مورد سودی که به دست آورده ایم به او مژده بده.

خدیجه در اتاق پذیرایی خود نشسته بود که ناگهان سواری را دید که در سمت راست او فرشته ای با شمشیر براق و از نیام برکشیده، و در بالای سر او ابری قرار دارد

ص: ۳۹۲

۱- ابن سعد واقدی، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۷.

۲- صف: ۶.

که آویزی از زبرجد از آن آویخته است و در اطراف آن گنبدی از یاقوت سرخ قرار داشت. خدیجه گمان کرد که آن سوار، پادشاهی است که به خواستگاری او می آید. [با خود] گفت: خدا کند که نزد من و به خانه من درآید؛ ولی وقتی نزدیک شد دید او محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است، و آن گاه خدیجه را به سود فراوانی مژده داد.

خدیجه پرسید: میسره کجا است؟

پیامبر فرمود: او در پی من می آید.

خدیجه گفت: نزد او بازگرد و همراه با او بیا و مقصود او این بود که نسبت به چگونگی آن ابر اطمینان حاصل کند [خدیجه دید] ابر هم چنان با او در حرکت است.

میسره نزد خدیجه آمد و در باره پیامبر به او خبر داد و گفت: من و او غذا می خوردیم تا این که سیر می شدیم، ولی غذا همان طور باقی بود! هم چنین دیدم که در نیمروز دو فرشته بر او سایه گسترانیده اند. خدیجه، طبقی از خرماي تازه درخواست نمود و رسول خدا و مردان دیگری را فراخواند. ایشان از آن طبق خرما خوردند تا سیر شدند، ولی چیزی از آن کاسته نشد. ^(۱)

۴. قطب راوندی وقایع پیش آمده را چنین حکایت کرده است: «وقتی میسره از سفر بازگشت، خبر داد که پیامبر بر درخت و کلوخی گذر نمی کرد، مگر آن که [آن درخت و کلوخ] می گفت: السلام علیک یا رسول الله. و گفت: وقتی بحیرای راهب دید که در روز ابر بر بالای سر آن حضرت حرکت می کند و هر کجا می رود بر او سایه می اندازد، آمد و از ما پذیرایی کرد».

آنان در این سفر سود بسیار بردند و وقتی بازمی گشتند میسره گفت: ای محمد! اگر تو جلوتر به مکه بروی و به خدیجه در مورد سودی که برده ایم مژده دهی، برای تو سودمندتر است.

رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) سوار بر مرکب جلوتر حرکت کرد. خدیجه در آن روز در اتاق طبقه

ص: ۳۹۳

۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸.

بالای خانه نشسته بود که محمّد سوار بر مرکب پدیدار شد. خدیجه به ابری که بر بالای سر وی همراه با او حرکت می کرد نگاه کرد و دو فرشته را در سمت راست و چپ او دید که در دست هر یک شمشیری برهنه قرار دارد و در هوا همراه او می آیند. پس [با خود] گفت: این سوار مقام والایی دارد؛ ای کاش به خانه من بیاید. ناگهان دید او محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است که قصد خانه او را دارد. خدیجه با پای برهنه به سمت در خانه پایین آمد؛ هر گاه خدیجه می خواست از جایی به جایی برود، کنیزان تختی را که بر آن تکیه زده بود، حرکت می دادند.» (۱)

۵. روایت دیگری به نقل از شیخ صدوق بیان شده است که بخشی از آن مربوط به دیدار عبدمناه و نوفل بن معاویه با ابوالموهّب راهب می باشد، که در حین روایات قبلی ذکر شد و این که او سراغ اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از آنان می گرفت. در ادامه آمده است:

«آنان گفتند: تو از او چه می خواهی؟! ابوالموهّب شروع به سر تکان دادن کرد و گفت: او خودش است؛ مرا به سوی او راهنمایی کنید.

عبد مناه و نوفل گفتند: ما پیامبر را در بازار بصری رها کرده بودیم، و در همان حال که با راهب گفت و گو می کردیم یک باره رسول خدا سر رسید و ابوالموهّب گفت: این همان است، و ساعتی با او خلوت نموده و به نجوا و گفت و گو پرداخت. سپس شروع به بوسیدن میان دو چشم وی کرد، و چیزی را از آستین خود درآورد که ما ندانستیم چه بود، ولی پیامبر از پذیرش آن سر باز می زد؛ و وقتی از وی جدا شد به ما گفت: این را از من بشنوید! سوگند به خدا که او پیامبر آخرالزمان است، و بدو سوگند یاد می کنم که به زودی خروج نموده و مردم را به شهادت لا اله الا الله؛ فرا می خواند، پس وقتی او را چنین دیدید از او پیروی نمایید. آن گاه پرسید: آیا فرزند عموی او ابوطالب که علی نام دارد متولد شده است؟

آن دو پاسخ دادند: نه. ابوالموهّب گفت: یا او [تاکنون] متولد شده است یا در همین

ص: ۳۹۴

سال به دنیا می آید؛ وی نخستین کسی است که به پیامبر ایمان می آورد، ما او را شناخته، و دریافته ایم که همان طور که محمد، پیامبر است، علی، وصی است؛ او سید، ناخدا و ذوالقرنین عرب است و به حق شمشیر می زند. او در ملاً اعلی، علی نام دارد و پس از انبیا، برترین کسی است که از او یاد می شود؛ فرشتگان او را دلاور زیبای رستگار می نامند، به هیچ سوی رو نکنند، مگر آن که رستگار و پیروز گردد. به خدا سوگند که او در میان یاران خود در آسمان، شناخته شده تر از خورشید تابان است.»(۱)

۶. در خبری به نقل از امام عسکری ۷ آمده است که آن حضرت از پدر بزرگوار خود در باره معجزات و وقایعی که در سفرهای تجارتی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) پیش آمده، پرسش می نماید و امام هادی ۷ در پاسخ می فرماید:

«پسرم! در مورد آن ابر، وقتی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) با خدیجه دختر خویند قرارداد مضاربه بست و به سوی شام سفر کرد، در حالی که فاصله میان مکه تا بیت المقدس یک ماه به طول می انجامید و آنان آن مسیر را در گرمای سوزان می پیمودند و گرمای آن دشت ها آنان را می آزرده، و گاه بادهای شدیدی وزیدن می گرفت و شن و خاک بر ایشان فرو می ریخت، در آن احوال بود که خدای متعال ابری فرستاد تا بر بالای سر رسول خدا سایه افکند؛ به طوری که با ایستادن آن حضرت، ابر نیز از حرکت می ایستاد و با حرکت او، حرکت می کرد. اگر پیامبر به جلو می رفت ابر نیز به سمت جلو حرکت می کرد، و اگر پیامبر به عقب باز می گشت آن ابر نیز به سمت عقب حرکت می کرد. اگر پیامبر به سمت راست یا چپ می رفت، ابر نیز به سمت راست یا چپ حرکت می کرد و از بالای سر، وی را از گرمای خورشید در امان می داشت. طوفان هایی که به پا می خاست شن و خاک را پراکنده می ساخت و آن را به سر و صورت قریش و مرکب های آنان می ریخت، ولی زمانی که آن طوفان ها به پیامبر نزدیک می شدند، فرو نشسته و آرام می گرفتند و شن و خاک را به سمت پیامبر نمی بردند، بلکه باد خنک و ملایمی وزیدن می گرفت، به طوری که

ص: ۳۹۵

۱- . شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۹۰، ش ۳۷.

بعضی کاروانیان قریش می گفتند: بودن در جوار محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بهتر از زیر چادر است؛ زیرا با وجود آن که ابر تنها بر سر پیامبر سایه گسترانیده بود، ولی آنان به پیامبر پناه برده و خود را به او نزدیک می ساختند، و راحتی و آسایش آنان را دربر می گرفت.

وقتی بیگانگان به آن کاروان ها می پیوستند و ابر در جای دیگری دور از آنان در حرکت بود، می گفتند: این ابر به هر که نزدیک گردد [معلوم می شود که] او فرد بزرگ و ارجمندی است و به کاروانیان می گفتند: به آن ابر بنگرید که نام مصاحب آن و رفیق، همراه، همدم و برادر او را در آن می یابید؛ [و وقتی] کاروانیان به آن ابر نگاه می کردند، این نوشته را بر آن می یافتند: لا اله الا الله، محمد رسول الله، ائیدته بعلی سید الوصیین، و شرفته بآله الموالین له و لعلی و اولیائهما و المعادین لأعدائهما؛ فردی آن را می خواند و به دیگری که آن را به نیکویی می نوشت تفهیم می کرد و کسی که به خوبی نمی نوشت تنها آن را می خواند. (۱)

نقد و بررسی

نخست باید به این نکته اشاره گردد که سند هیچ یک از اخبار مطرح شده، معتبر و مورد وثوق نیست، به ویژه در مورد تفسیر عسکری ۷ باید توجه نمود که انتساب آن کتاب به امام عَلَیْهِ السَّلَام قابل تأمل است؛ زیرا:

اولاً، برخی از واسطه هایی که این تفسیر را از امام عَلَیْهِ السَّلَام نقل کرده اند، ضعیف، ناشناخته و یا شناخته هایی ساختگی هستند. (۲)

ص: ۳۹۶

- ۱- امام عسکری، التفسیر، ص ۱۵۵، ش ۷۷.
- ۲- در مقدمه این تفسیر دو طریق ذکر شده است که بیانگر آن است که نقل روایات مذکور به یکی از آن دو طریق بوده است. در طریق اول، راویانی همچون ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل قمی و محمد بن احمد دوریستی قرار دارند، که مورد توثیق یا تضعیف رجال شناسان قرار نگرفته اند و از راویان مهمل به شمار می آیند؛ و محمد بن شراکتک حسنی جرجانی و ابوجعفر مهدی بن حارث حسینی از جمله راویان ناشناخته اند. دیگر از افراد این طریق، ابوالحسن محمد بن قاسم استرآبادی خطیب است، که ابن غضائری او را ضعیف و کذاب دانسته و این نکته را یادآور می شود که او در این تفسیر، احادیث جعلی و منکری را از سهل بن دیباجی و او به نقل از پدرش روایت کرده است. (خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۱۶۱، ش ۱۱۶۱۳) افزون بر آنچه گذشت، انقطاع سند نیز دلیل دیگری بر ضعف آن است؛ یعنی واسطه هایی که میان محمد بن قاسم استرآبادی و امام حسن عسکری ۷ قرار دارند، مشخص نشده اند. در طریق دوم، علاوه بر برخی اشکالات طریق اول، راویان ناشناخته دیگری همچون محمد بن علی بن محمد بن جعفر دقاق، ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد سیار وجود دارد. بنا بر این، از آنچه گذشت نتیجه می شود که اساساً انتساب تفسیر یاد شده به امام عسکری ۷ صحیح نیست.

ثانیاً، پس از بررسی شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر آن دوره، معلوم می‌گردد که در آن زمان امام عَلَیْهِ السَّلَامُ در حصر به سر می‌برده و امکان دسترسی و ارتباط با آن حضرت وجود نداشته است (۱) از این رو، ادعای کسانی که می‌گویند خود، روایات را از امام عَلَیْهِ السَّلَامُ شنیده‌اند و این تفسیر گردآمده از همان روایات است، ادعایی خلاف واقع است.

ثالثاً، غیر از دلایلی که ذکر شد، با توجه و تأمل در عبارات و مضمون این خبر، روشن می‌شود که ظاهراً چنین خبری کلام امام ۷ نیست؛ زیرا در بردارنده مطالبی است که احتمال ساختگی بودن آن را تقویت نموده است. علاوه بر آن، در آیاتی از قرآن مجید تصریح شده است که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مانند سایر انبیا بشر است و از خصایص بشری مانند دیگر انسان‌ها برخوردار است، مگر در نزول وحی (۲).

به هر حال، بخشی از آنچه در زمینه وقایع سفر آمده، به داستان‌های تخیلی شبیه‌تر است تا به واقعیاتی تاریخی؛ مانند سایه گسترانیدن فرشتگان بر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مشاهده آنها که جای تأمل دارد و معلوم نیست چرا در تمامی طول مسیر باید اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به واسطه آنان از گرمای خورشید در امان می‌بود و بدین ترتیب، رنج‌ها و سختی‌های سفر در آن بیابان‌های گرم و سوزان بر او بی‌اثر می‌گشت؟! آن هم برای کسی که در زمانی نه چندان دور باید بار گران بعثت، رسالت و هجرت را با تمام دشواری‌ها و مصایب آن بردوش کشد، و مدیریت و فرماندهی جنگ‌هایی سخت و توان‌فرسا را بر عهده گیرد؛ مگر آن که بگوییم ذکر چنین مطالبی جز از سر داستان‌سرایی و خیال‌پردازی برخی راویان نیست. هم‌چنین اوصاف یادشده در باره فرشتگان با واقعیت وجود آنها مطابقت ندارد؛ و آیا

ص: ۳۹۷

۱- ر.ک: طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۴۰ تا ۱۵۱.

۲- کشف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶؛ ص: ۷۱.

می توان پذیرفت که هر کس قادر به دیدن فرشته باشد، آن هم با اوصافی که بیان آنها گذشت؟!!

در این جا برای تنویر اذهان به کلامی از علامه طباطبایی = در باره حقیقت وجود فرشتگان و رؤیت و تمثل آنان تمسک می جوییم:

«در قرآن کریم بارها از فرشتگان سخن به میان آمده است، ولی به جز جبرئیل و میکائیل نامی از آنان برده نشده است و از دیگر فرشتگان به اوصاف آنان یاد شده است، مانند ملک الموت، کرام الکاتبین، کرام البرره، رقیب، عتید و غیر آن.

آن چه خداوند در کلام خود، از صفات و اعمال آنان یاد کرده، عبارت است از این که آنان موجوداتی گرامی بوده، که میان خداوند و جهان محسوسات، واسطه قرار گرفته اند، و هیچ حادثه بزرگ و کوچکی نیست، مگر آن که فرشتگان در آن شأنی دارند و فرشته یا فرشتگان موکلی، متناسب با جهت یا جهات آن حادثه و واقعه مأمور شده اند، و جز اجرای امر الهی در مسیر خود و یا استحکام آن امر در جای خود، دخالتی ندارند. خداوند می فرماید: در سخن از آن پیشی نمی گیرند و فرمان الهی را به انجام می رسانند.^(۱)

فرشتگان موجوداتی هستند که وجودشان از ماده جسمانی منزّه است؛ زیرا ماده همواره در معرض زوال و فساد قرار دارد و از ویژگی های آن کمال تدریجی تا نیل به غایت مورد نظر است، و چه بسا که ماده در اثر برخورد با موانع و آفاتی از رسیدن به کمال مطلوب خود بازمانده، و از بین می رود.

با توجه به این مطلب، روشن می گردد که مواردی که در روایات در باره صورت و شکل و هیئت های جسمانی فرشتگان بیان شده است، در واقع تمثالات و ظهورات ملائکه برای انبیا و ائمه مورد نظر بوده است و مقصود از آنها شکل و تصویر نیست؛ زیرا تمثل با تشکل، تفاوت دارد. تمثل فرشته به صورت انسان، یعنی او برای کسی که فرشته را می بیند به صورتی انسانی، ظاهر می شود و فرشته تنها در ظرف ادراک کسی که او را

ص: ۳۹۸

می بیند دارای شکل و صورت انسانی است، و گرنه در ذات خود و خارج از ادراک آن شخص دارای صورتی ملکی است، بر خلاف تشکل و تصور؛ یعنی اگر به صورت انسان، متشکل و متصور شود، چه در ظرف ادراک او و چه در خارج از آن، انسانی واقعی خواهد بود. (۱)

از دیگر مواردی که در اخبار یاد شده آمده بود و انسان را به اندیشه واهی دارد، این است که چگونه آن راهبان دانسته اند که در طول هزاران سال هیچ کس در زیر آن درخت ننشسته است، مگر پیامبران الهی؟! و یا آن که در خبری، راهب شهادتین می گوید و آیه ای از قرآن را تلاوت می کند و آن دیگری به وصایت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گواهی می دهد و...؟!!

البته اشعار به این نکته ضروری است که دانشمندان یهود و نصارا ویژگی های اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را می دانستند؛ چرا که در کتب پیشین نام و اوصاف آن حضرت بیان شده است و پیامبران پیشین به نبوت او بشارت داده بودند، ولی هیچ چیزی توسط آنان در باره وصایت و امامت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) انتشار نیافته بود. بنا بر این، نقل مطالبی این چنین را باید از افزوده های راویان دانست، به ویژه آن که ضعف برخی و ناشناخته بودن بعضی دیگر از آنان، از این موضوع حکایت دارد.

موضوع دیگری که لازم است بدان پرداخته شود این است که در بعضی از روایاتی که گذشت، از راهب مذکور نامی به میان نیامده است و در بعضی دیگر با نام نسطور و در برخی با نام ابوالموهیب از او یاد شده است، و شرح حال چندانی در باره آنان به دست نیامد؛ ولی در باره این که پیش از بعثت پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دانشمندی از یهود و نصارا به ظهور آن حضرت مژده داده اند، امری اجماعی و اتفاقی است و بعضی از آن پیش گویی ها در سفرهای پیامبر ۹ به وقوع پیوسته است.

در روایات، از راهب دیگری به نام بحیرا سخن به میان آمده است که از دو شخصیت پیشین شناخته شده تر است. روایت معتبری در قرب الاسناد حمیری ذکر گردیده که به شرح ماقع سفر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پرداخته است و راهب مورد نظر را بحیرا معرفی

ص: ۳۹۹

۱- علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۲.

می کند :

«حسن بن ظریف بن ناصح، از معمر، و وی از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، و او از پدر خود موسی بن جعفر ۷ روایت کرده که فرمود: در حالی که کودکی پنج ساله بودم در نزد پدرم ابی عبد الله ۷ بودم که گروهی از یهودیان وارد شدند و گفتند: آیا تو پسر محمد (صلی الله و اله وسلم) پیامبر این امت و حجت او بر اهل زمینی؟!»

پدرم فرمود: آری.

آنان گفتند: ما در تورات یافته ایم که خداوند تبارک و تعالی به ابراهیم و فرزندش کتاب، حکمت و نبوت عطا فرمود، و فرمان روایی و امامت را برای آنان قرار داد؛ هم چنین یافته ایم که نبوت، خلافت و وصایت به فرزندان آنان نمی رسد. پس شما را چه می شود که به آن قانون بی احترامی می کنید، حال آن که این قانون در مورد غیر شما به ثبوت رسیده است؟! و ما شما را ناتوانان و از پای فتادگانی یافته ایم که امیدی نیست در این که عهد و پیمان پیامبران در باره شما تحقق یابد!

اشک از چشمان امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روان گشت و فرمود: امانت داران الهی همواره مورد ستم قرار گرفته و از پای فتاده اند....

یهودیان گفتند: علم پیامبران و فرزندان آنان غیراکتسابی است و به طور تلقینی به آنان داده شده است و سزاوار است امامان، جانشینان و اوصیای آنان نیز چنین باشند. آیا آن علم به شما نیز داده شده است؟

[پدرم] امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: موسی نزدیک من بیا. من نزدیک رفتم، پس دست خود را بر سینه من کشید و فرمود: خدایا به حق محمد و آل محمد او را با یاری خود تأیید فرما! آن گاه [به آنان] فرمود: در باره آنچه برای شما روشن گردد از او پرسید....

یهودیان پرسیدند: چه معجزاتی به پیامبر شما داده شد تا شک را از دل های آنان، که به سویشان فرستاده شده بود، بزداید؟

پاسخ دادم: معجزات بسیاری بوده است که ان شاء الله آنها را بر می شمارم؛ پس

ص: ۴۰۰

گوش فرا دارید و به خاطر سپارید و آگاه باشید... از آن نشانه ها این است که پیامبر پیش از مبعث خود با گروهی از قریش به سوی شام رفتند و وقتی با بحیرای راهب روبه رو شدند در حیاط دیر او نشستند بحیرا از کتب مقدس آگاهی داشت و در تورات خوانده بود که پیامبر از آن جا گذر می کند و زمان آن را می دانست بحیرا آنان را به صرف غذا فراخواند، سپس خود آمد و به جست و جوی نشانه مورد نظر پرداخت ولی آن را نیافت؛ گفت: آیا فرد دیگری از کاروان شما باقی مانده است؟

گفتند: پسر یتیمی!

بحیرا برخاست تا از حال او با خبر شود، ناگهان چشمش به رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) افتاد که خوابیده بود و ابری بر وی سایه افکنده بود. بحیرا به آن گروه گفت: این یتیم را صدا کنید. او را صدا زدند.

بحیرا بر آن حضرت نظارت داشت [و می دید وقتی] پیامبر حرکت می کند ابر هم چنان بر وی سایه گسترانیده است. بحیرا آن قوم را از مقام وی با خبر ساخت و از این که به زودی در میان آنان به پیامبری مبعوث می گردد؛ و [گفت] این از حالت و نفوذ و شأن او هویدا است.

از آن پس، آن قوم، پیامبر را گرمی و بزرگ می داشتند و به او احترام می گزاردند و زمانی که از سفر بازگشتند قریش را از آن آگاه نمودند و این خبر در حضور خدیجه دختر خویلد داده شد و خدیجه ترجیح داد تا با پیامبر ازدواج کند؛ با آن که او سیده زنان قریش بود و هر فرد بزرگ و دلاوری که از او خواستگاری نمود او را نپذیرفت، ولی خود را به همسری کسی درآورد که از طریق بحیرا خبرش به او رسیده بود.^(۱)

نتیجه

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در دوران میان سالی با ثروتی که در اختیار داشت، به امر بازرگانی می پرداخت. او خود برای انجام امور بازرگانی سفر نمی کرد، بلکه مردانی را به استخدام درمی آورد تا ایشان به این امر اهتمام ورزند و برای خرید و فروش کالا به بازارهای پررونق آن

ص: ۴۰۱

۱- . حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۱۷، ش ۱۲۲۸.

روزگار سفر کنند. یکی از کسانی که با درخواست خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ، به انجام این مهم مبادرت کرد، رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) بود که دوران جوانی خود را سپری می کرد. بدین ترتیب، وی روابط شغلی و مناسبات اقتصادی خود را با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بنیان نهاد. وی یا به صورت اجیر و دریافت کارمزد معین و یا بر اساس عقد مضاربه به مشارکت در سود حاصله با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قرارداد می بست و برای داد و ستد کالا به مناطقی همچون شام، حبشه و جرش سفر می کرد .

احادیثی در زمینه مناسبات تجاری میان پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله) قبل از رسیدن به مقام بعثت و حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وارد شده است . برخی از این روایات متضمن نقل وقایعی هستند که ظاهراً بیشتر جنبه داستان سرایی، اغراق و خیال پردازی داشته و با مضامین قرآنی و مبانی دینی سازگاری ندارند. در مجموع، آنچه مسلم است این که حضرت محمد (صلی الله و اله وسلم) با سرمایه های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به تجارت مشغول بوده و در طی سفرهای تجارتی آن حضرت، وقایعی رخ می داد که نشان از شأن و منزلت والای او داشت و بدین وسیله ، راهبی نشانه های نبوت را در او یافت و به بعثت و ظهور او مژده داد.

کتابنامه

۱. ابن اسحاق، ابو عبدالله محمد (م ۱۵۱ ق)، کتاب السیر و المغازی، تحقیق: دکتر سهیل زکار، لبنان: دارالفکر ، ۱۳۹۸ ق.
۲. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر، [بی تا].
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۴. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل البیت ۷، [بی تا].
۵. حاکم نیشابوری ، ابو عبدالله (م ۴۰۵ ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفه ، ۱۴۰۶ ق.
۶. حمیری قمی، عبد الله بن جعفر (م ۳۰۰ ق)، قرب الاسناد، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البیت للاحیاء التراث، قم : چاپ مهر ، ۱۴۱۳ ق.

١. خويى، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه، چاپ پنجم، مركز نشر الثقافه الاسلاميه، ١٤١٣ ق.
٢. دولابى، محمّد بن احمد بن حماد انصارى رازى، الذريه الطاهره، قم : مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٧ ق.
٣. راوندى، قطب الدين سعيد بن عبدالله (م ٥٧٣ ق)، الخرائج و الجرائح، تحقيق و نشر: مؤسسه الامام المهدي ٧، [بى تا].
٤. صدوق، ابى جعفر محمّد بن على بن حسين، كمال الدين و تمام النعمه، تصحيح و تعليق : على اكبر غفارى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٥ ق.
٥. طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى ، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ١٤١٧.
٦. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، تاريخ طبرى (تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ١٤٠٣ ق.
٧. عسكرى ٧، ابى محمّد حسن بن على، التفسير، تحقيق و نشر: مدرسه الامام المهدي ٧، قم: چاپ مهر، ١٤٠٩ ق.
٨. علامه طباطبايى، سيد محمّد حسين (م ١٤٠٢ ق)، الميزان فى تفسير القرآن، قم: منشورات جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه، [بى تا].
٩. ياقوت حموى، شهاب الدين ابى عبدالله (م ٦٢٦ ق)، معجم البلدان، بيروت: داراحياء التراث العربى ، ١٣٩٩ ق.

نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گسترش اسلام (۱)

سید صاحب برزین

حسین هژیریان

چکیده

شرح زندگانی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، به خصوص نقش اجتماعی و اقتصادی ایشان با استناد به منابع مهم تاریخ و روایی است. از دیدگاه نویسنده: جایگاه و نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در سخت ترین دوران تاریخ اسلام بر کسی پوشیده نیست. او در دوران بعثت با حمایت های مادی و معنوی خویش از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقش مهمی را در تثبیت و گسترش اسلام ایفا نمود. او یک الگوی نمونه برای زنان و مردان جامعه می باشد؛ چرا که در وجود ایشان ارزش ها و کمالات انسانی فراوان بوده است. او تمام ثروت، امکانات اقتصادی و هستی خویش را در راه رضای حق بخشید و نیز با حمایت های روحی، روانی و اجتماعی از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ترویج اسلام و پیشبرد اهداف آن نقش به سزایی داشت و با این کار نام خویش را به عنوان الگوی واقعی و راستین تاریخ آفرینش ثبت نمود. این پژوهش ضمن تبیین وضعیت زنان در پیش از اسلام به نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گسترش اسلام و حمایت مادی و روحی از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می پردازد.

کلیدواژه: خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، تاریخ اسلام، اقتصاد، نقش اجتماعی اسلام، گسترش اسلام.

مقدمه

گسترش اسلام مدیون زحمات و تلاش های رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و زنان و مردان بزرگی است که با همت بلند و تلاش خود اسلام را در دنیا گسترش دادند. از جمله عناصر فعالی

ص: ۴۰۴

که در تحقق اهداف اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کوشید، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر گرامی ایشان بود. جایگاه اجتماعی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در تاریخ اسلام و نقش مؤثر ایشان در حمایت های مادی و معنوی خویش از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به عنوان عامل مهمی در تثبیت و گسترش اسلام بوده است. سؤال این پژوهش این می باشد که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چه نقش اجتماعی در دوران زندگی مشترک با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) داشت و چه حمایت های معنوی و مادی از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نمود و نقش ایشان در پیشبرد دعوت پیامبر گرامی اسلام ۹ چه بود؟

در پاسخ به این سوال باید ذکر کرد که حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدگاه پیامبر ۹ برترین زن مسلمان است و از هیچ گونه فداکاری در راه عقیده خویش دریغ نورزید و در آرامش بخشی به حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نقش بسزایی داشته است و حمایت های همه جانبه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مسلمانان نقش مؤثری در گسترش اسلام داشته است.

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نماد اصالت بخشی اسلام به زن

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان اولین بانوی مسلمان در ترویج فرهنگ اسلامی و الگویی یک زن مسلمان نقش والای خود را ایفا کرده است و بانوان بسیاری از تربیت عملی وی درس ها آموخته اند. اهمیت فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در وجود این بانوی بافضیلت، آن گاه به اوج خود می رسد که نگاهی به وضع زن در ایام جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیندازیم.

در عصر جاهلیت، مرد صاحب اختیار زن و فرزندان بود، او پس از مرگ شوهر، مثل دیگر اموال و ثروت شوهر، به پسر شوهر از زن های دیگر منتقل می شد. (۱) در این فرهنگ پسران بر دختران ترجیح داشتند. (۲) نفرت داشتن از دختر آن گاهی به زنده گور کردن آنها منجر می شد. البته در میزان رواج این زشتی اختلاف است؛ برخی آن را نادر (۳) و برخی در بیشتر قبایل رواج می دانند. (۴) خداوند در قرآن کریم به این امر اشاره

ص: ۴۰۵

۱- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶ ص ۴۰۶.

۲- سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ۳۹۵ - ۳۹۷.

۳- فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، ص ۱۵۷.

۴- سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ص ۳۹۹.

نموده است. (۱) گروهی بودند که با خریدن دختر از پدرش مانع چنین کاری می شدند. «صعصعه بن ناجیه جد فرزدق» ۲۸۰ دختر را از مرگ نجات داد. (۲)

تعدد زوجات در جاهلیت هیچ محدوده ای نمی شناخت؛ زیرا جنگ های پی در پی از عمر پسران می کاست و تعدادشان را کم می کرد و بالطبع انواع ازدواج رواج یافته بود. (۳) در میان عرب جاهلی، مرد حق طلاق داشت و زن از این حق محروم بود، مگر این که زن در ضمن عقد ازدواج آن را شرط کند. وقتی که شوهر از دنیا می رفت، زنش یک سال عده نگه می داشت و از خانه اش بیرون نمی رفت، حمام نمی کرد، ناخن نمی گرفت، صبر می کرد تا یک سال تمام بگذرد، آن وقت بسیار کثیف و زشت بیرون می آمد. عده نگه داشتن برای زن انتظاری بود تا یقین حاصل کند که فرزند دارد یا نه. (۴)

مشارکت اجتماعی زن در جاهلیت، شکل عام و فراگیر نبود و همه ی زنان از چنین حقی برخوردار نبودند. (۵) تعاملات اجتماعی و آداب و رسوم، شهر به شهر، بلکه قبیله به قبیله و حتی در یک قبیله واحد مختلف و متنوع بود. بین زنان و مردان جاهلیت، حجابی نبود و آنان به راحتی با هم معاشرت و گفت و گو می کردند و نگاه کردن به یکدیگر عار و ننگ نبود. (۶)

از محرومیت های اقتصادی زن در عصر جاهلی، محرومیت از ارث و مهریه بود. محروم شدن زن از ارث در بیشتر مناطق جزیره العرب شایع بوده و در بعضی مناطق، برخی از زنان از چنین حقی بهره مند بودند. (۷) گزارش هایی از تجارت زنان در جاهلیت

ص: ۴۰۶

۱- تکویر: ۸-۹.

۲- نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهایه الارب فی فنون الارب، ج ۳، ص ۱۲۷.

۳- فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۱۰؛ البستانی، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۲۲.

۴- البستانی، پطرس، أدباء العرب، ج ۱، ص ۲۳.

۵- فتن مسکه بر، آمنه، واقع المرأه الحضاری فی ظل الاسلام، ص ۱۴۰.

۶- جاحظ، عمرو بن بحر کتانی، البیان و التبین، ج ۲، ص ۱۴۸.

۷- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۵۶۳.

است که از مشهورترین آنان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) است. (۱) گزارش هایی از انواع مشاغل زنان در عصر جاهلیت وجود دارد، که مهم ترین آن تجارت، قابلگی و پرستاری، اسلحه سازی، مدیحه سرایی، (۲) دایگی و شیردهی است. (۳)

زنان در این عصر در امور سیاسی مشارکت قابل توجه ای نداشتند و گاهی در جنگ ها جهت بالابردن روحیه جنگ آوران مورد استفاده قرار می گرفتند، حضور زنان کفار در نبرد احد نمونه ای از این امر است. (۴)

نقش حمایتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان همسری بی بدیل

بررسی زندگانی عاشقانه و عارفانه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کمتر مورد توجه واقع شده است. متأسفانه برخی محققان به زندگی برخی بزرگان دین جنبه تقدسی بخشیدند و به ابعاد اجتماعی و روانی آنان نپرداختند. پیامبر ۹ و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) جدای از بعد معنوی و الهی که الهام از وحی بود، به عنوان یک زوج مشترک زندگانی عارفانه با هم داشتند و شدیداً مونس و انیس یک دیگر بودند. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به خوبی درک کرده بود و حتی زمینه تحنث، عبادت، راز و نیاز همسرش را فراهم می آورد و او را با کوله باری آماده برای عبادت به غار حرا می فرستاد و پس از مدتی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) باز نزد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) می آمد و برای چند روز دیگر توشه فراهم می کرد. (۵)

حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بعد از ازدواج با حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و پس از بعثت، در دورانی که در مکه بود، از اموال همسرش استفاده می کرد و بیشتر در حال عبادت و تفکر و در اندیشه اصلاح امت بود. (۶) آن حضرت در سال های نزدیک به بعثت از مردم کناره می گرفت و

ص: ۴۰۷

۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲- کحاله، عمر رضا، أعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۵.

۴- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۱۰.

۵- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، ج ۲، ص ۷۴۴.

۶- میر شریفی، سید علی، پیام آور رحمت، ص ۲۰.

سالی یک ماه را در این غار گوشه عزلت می‌گزید و عبادت خدا می‌کرد. تنها کسی که در این خلوتگاه با ایشان بود، علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بود که می‌فرماید: «اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چند ماه از سال را در غار حرا می‌گذارند، تنها من او را مشاهده می‌کردم، و کسی جز من او را نمی‌دید.» (۱)

بعثت حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پس از رسیدن به شصت سالگی آن حضرت رخ داد، اما پیش از آن، گاه گاه علائمی از عالم غیب دریافت می‌کرد. وقتی آن اخبار را با همسر خویش بازگو می‌کرد، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به ایشان می‌گفت: «تو که مردی امین و راست گو و بردبار و دادرس مظلومان و طرفدار حق و عدالت هستی و قلبت رئوف و خوبی پسندیده داری و در مهمان نوازی و تحکیم پیوند خویشاوندی سعی بلیغ مبذول می‌داری، اگر چنان مقامی عالی در انتظارت باشد، جای شگفتی نیست.» (۲)

سپس پیامبر اسلام ۹ زمانی که به مقام شامخ نبوت رسیدند و آنچه را که اتفاق افتاده بود برای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شرح داد، افزود که جبرئیل به من گفت: «از این لحظه تو پیغمبر خدایی.» و خدیجه که از سال‌ها پیش هاله‌ای از نور نبوت را در سیمای همسر محبوب خود می‌دید، گفت: «به خدا من دیر زمانی است که در انتظار چنین روزی به سر برده‌ام و امیدوار بودم که روزی رهبر خلق و پیغمبر این مردم شوی.» (۳)

سیره نویسان اولین مسلمانان را حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، همسر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، پسرعموی حضرت محمد (صلی الله و اله وسلم) و زید بن حارثه، پسرخوانده حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، یاد می‌کنند. (۴) تا مدتی اسلام را فقط این سه نفر پذیرفتند. (۵)

افرادی که اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را تکذیب می‌کردند؛ مانند سران و طوایف قریش، که به دلیل رقابت با بنی هاشم و احساس حقارت و حسادت نسبت به یتیم بنی هاشم، مانع از قبول اسلام

ص: ۴۰۸

۱- . دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۹۹.

۲- . حلبی، علی بن برهان، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۸۰ - ۳۹۱.

۳- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۳۱.

۴- . ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۰ - ۲۴۶.

۵- . اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۸۳.

آنها می شد (۱) و عده ای که مقاومت و ایستادگی می کردند و به هیچ وجه حاضر نبودند دست از آیین بت پرستی خود بردارند. (۲) که به نقل از ابن هشام حتی یکی از عوامل پیشرفت اسلام، استقامت رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) و یاران [خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)] و هواداران آن حضرت بود. (۳)

زمانی که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با باری از غم و اندوه مشکلات پا به منزل می گذاشت، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نه تنها به عنوان یک همسر، بلکه به عنوان تنها کسی که می توانست رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را درک کند، همراه و همدل اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و استقامت می نمود. به راستی فقط او می توانست پیامبر ۹ را، با آن روح بزرگ دریابد و رسول الله در هیچ کجا آرام نمی گرفت، مگر در کنار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). (۴) و این آرامش نه جسمانی بود و نه زمینی، که روحانی بود و آسمانی و روزی الهی. (۵)

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بهترین پشتیبان معنوی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بود و بهترین تعبیری که می توان کرد این است که او دل آرام پیامبر ۹ بود و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با او آرام می گرفت. (۶) حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، اولین کسی بود که پیامبری ایشان را در میان زنان و مردان پذیرفت و ایشان را تصدیق کرد. (۷)

«من مزایا خدیجه آنها ما زالت تعظم للنبي ۹، و تصدق حديثه قبل البعثه و بعدها؛ (۸) از امتیازات حضرت خدیجه آن بود که او همیشه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را گرمی می داشت و سخن او را، چه قبل و چه بعد از بعثت تصدیق می کرد.»

ص: ۴۰۹

- ۱- . جعفریان، رسول، سیره رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) ۱۳۸۲، ص ۳۲۹ - ۳۳۰.
- ۲- . سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۶۴.
- ۳- . همان، ص ۲۶۹.
- ۴- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱.
- ۵- . سبط ابن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، تذکره الخواص، ص ۲۷۳.
- ۶- . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۱.
- ۷- . ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۹۹، ح ۱۱۰۹۲.
- ۸- . همان، ص ۱۰۲.

یکی از امتیازات و ویژگی های برجسته حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) انتخاب شایسته او و پیشتازی اش در گزینش اسلام به پیام آسمانی است، که تحسین برانگیز است. اسلام آوردن خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بر آغاز دعوت عمومی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) مقدم بوده است. (۱)

امیر مؤمنان حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز بر پیشتازی اسلام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) این گونه صحه گذاشته و فرمودند:

«و لقد كان يجاور كل سنة بحراء فاراه و لا يراه غيري و لم يجمع بيت واحد يومئذ في اسلام غير رسول الله (صلى الله عليه و اله وسلم) و خديجة و انا ثالثهما؛ (۲) هر سال که حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ) در حرا خلوت می گزید، من ایشان را می دیدم و جز من کسی ایشان را نمی دید و در آن روزها در اسلام، هیچ خانه ای افرادی غیر از رسول الله (صلى الله عليه و اله وسلم) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مرا که سومین آنها بودم در خود جای نداده بود.»

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشرفت هدف حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ) همه گونه همکاری کرد، و اسلام و ایمان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) موجب تقویت روحی، قلبی و رفع غم و اندوه آن حضرت بود؛ زیرا هر گاه مشرکین حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ) را در خارج از خانه بسیار می آزرده و سخنان زشت و ناروا بر زبان می آوردند و پیامبریش را تکذیب می کردند، ولی وقتی حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ) به خانه می آمد، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ایشان را تسلی می داد و ناراحتی های درونی ایشان را برطرف می کرد، و اندوه او را به شادی تبدیل می کرد.

ایمان قلبی و عمیق حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آثار عمیقی در بینش و گرایش و منطق ایشان بر جای گذاشت و قدرت تحمل ایشان را بالا برد و روح امید و فداکاری به آن حضرت بخشید و تشویش و نگرانی را از دل و جاننش از بین برد. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) فرمودند: «خدیجه و این مثل خدیجه صدقتنی حین کذبنی الناس و ارزتنی علی دین الله و اعانتی علیه بمالها؛ (۳) خدیجه! و کجا است مثل خدیجه؟ او مرا تصدیق کرد، آن گاه که مردم مرا تکذیب نمودند، او با مال خود مرا بر دین خدا کمک و یاری کرد.»

ص: ۴۱۰

۱- ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

حمایت و نقش روحی و اجتماعی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در این زمینه در ابعاد مختلفی نقش داشتند که مهم ترین آنها عبارت اند از: تصدیق و تأیید پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حمایت های روحی و عاطفی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و نیز ارشاد و هدایت مردم به سوی خدا و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گوشه هایی از این خدمات ارزشمند است.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چون از میزان علاقه پیامبر ۹ به عبادت آگاه بود، کاری می کرد که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به راحتی به عبادت خدا مشغول باشد و پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قبل از بعثت، و هر ماه چند بار و نیز هر ساله در ماه رمضان را در غار حرا به عبادت خدا می پرداخت. (۱) او اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را از زحمت اداره اموال خویش معاف داشت تا او فرصت کافی برای تفکر و تأمل داشته باشد. (۲)

«عزیز قریش شب ها و روزها، پیش از آن که به مقام رسالت برسد، در غار حرا به سر می برد و تمام ماه رمضان را در این نقطه می گذراند و در غیر این ماه هم برای دور بودن از غوغا و برای تفکر و عبادت به آن جا پناه می برد، حتی همسر عزیز او می دانست که هر موقع عزیز قریش به خانه نیاید، به طور قطع در کوه حرا مشغول عبادت و تفکر است.» (۳)

از دیگر اقدام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، کاستن نگرانی های پیامبر اسلام ۹ بود. وقتی که وحی بر حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نازل شد، نگران برخورد مردم و عدم پذیرش از جانب آنها بود. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای این روح بزرگ و نگران، چون فرشته رحمت بود. نگاهی از روی احترام به او می کرد و می گفت: «فقلت: أبشر يابن عم و اثبت، فوالذي نفس خدیجه بیده انی لأرجو ان تکون نبی هذه الامه؛ (۴) شاد باش و پایدار، به خدایی که جان خدیجه در

ص: ۴۱۱

۱- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹ و ج ۱۸، ص ۲۰۵.

۳- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۱۳.

۴- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۳۸.

دست او است من امید دارم که تو پیغمبر این امت باشی.» خدای متعال تو را خوار نخواهد کرد، تو با خویشان نیکی می کنی، راست می گویی، رنج می بری، از مهمان پذیرایی می کنی و از تحمل زحمت در راه حق باک نداری. محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) با شنیدن سخنان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از روی حق شناسی به وی نگاه می کرد و آرامش می یافت. (۱) حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تا آخرین لحظات حیاتشان دل آرام رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) و تسلی دهنده به ایشان بودند، با برطرف کردن غم و اندوه ایشان و تبدیل آن به نشاط و شادی مقوم قلب مبارک رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) بودند و خداوند به وسیله ایشان غم و اندوه آن حضرت را از بین می برد. (۲)

اقدام دیگر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تسکین دادن ناراحتی های ناشی از آزار دشمنان اسلام به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود. حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بعد از آشکار ساختن اسلام، از طرف مشرکان، که دشمنان سرسخت اسلام بودند، بسیار آزار می دیدند. تا جایی که فرمودند: «ما أوذی نبی مثل ما أوذیت؛» (۳) هیچ پیامبری به اندازه من آزرده نشد.» حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم) هر وقت از اذیت های قریش محزون و آزرده می شد، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی کرد، مگر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ): «هر گاه خدیجه را می دید مسرور می شد و خدیجه آن بزرگوار را در بر می گرفت و می بوسید و امر قریش را آسان می نمود و برای سلامتی آن حضرت صدقه می داد.» (۴)

زدودن غم و ناراحتی ناشی از وفات فرزندان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). قاسم و عبد الله پسران اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در دوره کودکی وفات یافتند و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را در غم مرگ خویش غمگین ساختند. هنگامی که قاسم از دنیا رفت، نگاه حضرت محمد (صلی الله و اله وسلم) در کنار جنازه او به یکی از کوه های مکه افتاد و رو به آن کرد و فرمود: «ای کوه! آنچه به من در مورد مرگ قاسم وارد

ص: ۴۱۲

۱- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۴۲.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰.

۳- همان، ج ۳۹، ص ۵۶، ح ۱۵.

۴- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۵.

شده، اگر بر تو می آمد متلاشی می شدی.»^(۱)

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای کم کردن این غم و ناراحتی پیشنهاد و اقدام به خرید «زید بن حارثه» می نمایند^(۲) و سپس او را آزاد می نماید و با تمایل خود او و پدرش، رسول الله ۹ او را به فرزندی می پذیرد تا جای خالی فرزندش را پر نماید و او را «زید بن محمّد» می نامند. پس از بعثت هم، بعد از علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، مردی که به آن حضرت ایمان آورد و یکی از بهترین یاران و پیروان ایشان گشت، «زید» بوده است.^(۳)

این جا نقش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) آشکار می شود که با وجود غم و اندوهی که بر قلب خودش مستولی بود، برای کاستن غم و اندوه همسرش بر اساس شواهدی در تاریخ پیشنهاد خرید «زید بن حارثه» را می دهد و با امید دادن به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در سخت ترین شرایط و دلداری دادن به او در برابر فشارها و احساس دلتنگی ها و زدودن گرد و غبار و اندوه از دل او، با ایمان به خدا، گامی دیگر در راه حمایت از اسلام برداشتند.

حمایت اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مورد نقش اقتصادی اموال همسرش فرموده: «ما نفعنی مال قط ما نفعنی مال خدیجه؛^(۴) هیچ مالی هرگز به من سود نرسانید، آن گونه که ثروت خدیجه برای من سود رسانید.»

حمایت اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در یاری اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که مشکلات فراوانی را از پیش پای ایشان برداشت و منجر به آرامش روحی ایشان گردید، بسیار مشهود است. او در ابتدای شروع زندگی، برای جلوگیری از بهانه تراشی های مخالفان با ازدواج با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مهر و صداق را خود بر عهده گرفت.^(۵)

ص: ۴۱۳

- ۱- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.
- ۲- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۱۳.
- ۳- ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۴.
- ۴- مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.
- ۵- همان، ج ۱۶، ص ۷۱.

پس از ازدواج برای جلوگیری از سیل اتهامات و سخنان ناروا که در مورد حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می زدند و از سر کینه و حسد او را تحقیر می کردند و یتیم و تهی دست می خواندند، پسر عمویش ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی های خود را به او سپرد و دستور داد که تمام دارایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هدیه نماید و یادآور شد: این همه دارایی و اموال از این پس ملک محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است و به او تعلق دارد و هر طور که بخواهد می تواند در آن تصرف نماید، و در ضمن فرمود: «از قول من به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بگو همه ثروت و سرمایه ام و تمام عمال و کارگزارانی که امر تجارت را سامان می دادند و تمام آن چیزهایی که به نام من ثبت شده است و در دست من قرار دارد و یا زیر نظر من اداره می شود، همه و همه را به او بخشیدم. از این پس، من و هر آنچه که از آن من بود، به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تعلق دارد.»^(۱)

اهمیت این گذشت مالی و حمایت اجتماعی و کرامت از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به حدی قابل توجه است که بعضی از شرق شناسان در تحلیل علل پیروزی و موفقیت حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، ثروت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) را دخیل و تأثیرگذار دانسته اند. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از اموال خدیجه ۹، بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کرد، بردگان را می خرید و به تهی دستان کمک می کرد و به یتیمان رسیدگی می کرد.

هنگامی که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پانزده سال قبل از بعثت با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ازدواج کرد، حلیمه سعیدیه، مادر رضاعی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، روزی به مکه آمد و از قحطی و خشک سالی آن سال شکایت کرد، اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) این موضوع را با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در میان گذاشت و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشید، او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت. پس از طلوع اسلام حلیمه به همراه شوهرش به مکه آمد و مسلمان شد.^(۲)

از همه مهم تر در ماجرای محاصره اقتصادی قریش که مدت سه یا چهار سال

ص: ۴۱۴

۱- همان.

۲- همان، ج ۱۵، ص ۴۰۱.

به طول انجامید، همهٔ اموال ابوطالب ۷ و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) صرف حمایت از محاصره شدگان و رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) شد. (۱) در شرایطی که مسلمین و رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در نهایت سختی و تحت فشار بودند، حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثروت خویش را در اختیار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) گذاشت. اگر مال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نبود، فقر و تنگ دستی شاید مسلمین را از پا درمی آورد، اموال خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) خدمت به این معنا [کرد] که مسلمانان گرسنه را نجات داد و آنان با پول خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) توانستند سد رمقی کنند. (۲) حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) توانست با بذل مال خویش یاران اسلام را که در آغاز راه خود قرار داشتند، در مقابل دشمنان حفظ کند و زمینه شکوفایی اسلام و مسلمین را فراهم نماید. (۳)

نتیجه گیری

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نخستین ایمان آورنده به اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بوده و از هیچ گونه فداکاری و مجاهدت در راه عقیده خویش دریغ نورزیده است. او برترین و با فضیلت ترین همسر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بوده، مؤثرترین نقش را در پیشبرد دعوت اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ایفا نمود.

نقش و تأثیر در زندگی پیامبر ۹ به عنوان شریک زندگی به گونه ای است که پیامبر ۹ برای ایشان بسیار احترام قائل بوده اند، گاهی این امر موجبات رشک و حسد بعضی از همسران آن حضرت را، با این که ایشان را ندیده بودند، فراهم می نمود. علت این امر حمایت تمام عیار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از همسرش بود. زمانی که اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با باری از غم و اندوه مشکلات پا به منزل می گذاشت، خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نه تنها به عنوان یک همسر، بلکه به عنوان تنها کسی که می توانست رسول خدا (صلی الله و اله وسلم) را درک کند، همراه و همدل اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بود و او توانست اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) را با آن روح بزرگ دریابد و به او آرامش بخشد. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دل آرام پیامبر ۹ بود و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با او آرام می گرفت.

ص: ۴۱۵

- ۱- . طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۰.
- ۲- . مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۲۴۸.
- ۳- . ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۴۵.

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) برای تقویت ایمان و اطمینان قلبی اش، تلاش های فراوانی در جهت معرفت و شناخت کمالات و روحیات و صفات اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) انجام دادند؛ از جمله آن تصدیق و تأیید پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، کمک های روحی و روانی به پیامبر ۹، معاف کردن پیامبر ۹ از فعالیت های اقتصادی و کسب درآمد، کاهش نگرانی های پیامبر اسلام ۹، زدودن غم و ناراحتی ناشی از وفات فرزندان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حمایت اقتصادی از پیامبر ۹ با بخشیدن تمامی اموال خود به او بود که این اموال در راه ترویج اسلام هزینه شد و اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آن را سودآورترین اموال برشمرد.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (م ۶۵۶ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیا الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن سعد واقدی، ابو عبدالله محمد (م ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی (م ۵۸۸ ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۵. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (م ۲۱۳ ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۶. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق (م ۲۸۴ ق)، تاریخ یعقوبی، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه ۷، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۸. البستانی، پطرس، ادباء العرب، بیروت: دارالجلیل.

١. جاحظ، عمرو بن بحر كنانى (م ٢٥٥ ق)، البيان والتبيين، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، قاهره: مكتبه الخانجى، ١٤٠٥ ق.
٢. جعفرىان، رسول، سيره رسول خدا (صلى الله و آله وسلم)، قم: دليل ما.
٣. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (م ٤٠٥ ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت لبنان: دارالمعرفه، ١٤٠٦ ق.
٤. حلبى، على بن برهان (م ١٠٤٤ ق)، السيره الحلبيه، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٠ ق.
٥. دشتى، محمد، نهج البلاغه، تحقيق: سيد كاظم محمدى، قم: انتشارات امام على (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ١٣٦٩ ش.
٦. سالم، عبدالعزيز، تاريخ عرب قبل از اسلام، مترجم: باقر صدرى نيا، تهران: انتشارات علمى فرهنگى، ١٣٨٦ ش.
٧. سبحانى، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان كتاب، چاپ هشتم، ١٣٧٢ ش.
٨. سبط ابن جوزى، شمس الدين يوسف بن قزاوغلى (م ٦٥٤ ق)، تذكره الخواص من الاممه بذكر خصائص الائمة، نجف: منشورات المطبعه الحيدريه، ١٣٨٣ ق.
٩. طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨ ق)، اعلام الورى باعلام الهدى، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم: مطبعه ستاره، ١٤١٧.
١٠. طبرى، محمد بن جرير (م ٣١٠ ق)، تاريخ طبرى (تاريخ الامم والملوك)، به كوشش: گروهى از علماء، بيروت: اعلمى، ١٤٠٣ ق.
١١. على، جواد، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت: دار العلم للملايين و بغداد مكتبه النهضه.
١٢. فتن مسكه بر، آمنه، واقع المرأه الحضارى فى ظل الاسلام، بيروت: الشركت العالميه للكتاب، ١٩٩٦ م.
١٣. فروخ، عمر، تاريخ الادب العربى، دارالنشر: دار العلم للملايين.

١. كحاله، عمر رضا (م ١٤٠٧ ق)، أعلام النساء فى عالمى العرب و الاسلام، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ چهارم.
٢. كلينى، ابو جعفر محمّد بن يعقوب (م ٣٢٩ ق)، الكافى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ١٣٦٥.
٣. مجلسى، محمّدباقر (م ١١١٠ ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ١٤٠٣ ق.
٤. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعه، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ هفتم، ١٤٠٤ ق.
٥. مطهرى، مرتضى، سبرى در سیره نبوى، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم، ١٣٦٤ ش.
٦. مقدسى، مطهر بن طاهر (م ٣٥٥ ق)، البدء و التاريخ، قاهره: مكتبه الثقافه الدينيه.
٧. مير شريفى، سيد على، پیام آور رحمت، تهران: انتشارات سمت، ١٣٨٥.
٨. نوبرى، احمد بن عبدالوهاب، نهايه الارب فى فنون الارب، قاهره [١٩٢٣] ١٩٩٠ م.

۴۱. فروغ آسمان حجاز: نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتشار اسلام / اعظم ابوالحسنی

چکیده. ۷

اولین زن مسلمان ۸

تبلیغات دینی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰

جریان انذار عشره. ۱۳

نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در شعب ابی طالب... ۱۴

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بستر بیماری... ۱۵

وصیت نامه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۶

رحلت جانسوز امّ المؤمنین... ۱۷

تکریم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۸

افتخار و اکرام ائمه: نسبت به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۸

کتابنامه.. ۲۰

۴۲. نقش طاهره قریش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زندگی و پیروزی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) / اکبر

حمیدزاده

چکیده. ۲۳

ولادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۳

خاندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیش از ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۲۵

محبوبه بی نظیر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۷

والایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۹

معیارهای ارزشی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتخاب محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۳۰

گذشت مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حمایت اجتماعی وی از حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۳۱

فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۳

مرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۵

کتابنامه.. ۳۶

۴۳. نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / عبدالکریم پاک نیا

چکیده. ۳۷

۱. فضائل اخلاقی و علمی... ۳۹

۲. پرورش فرزندان صالح ۴۱

۳. توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان... ۴۳

۴. رعایت آیین شوهرداری... ۴۴

الف ابراز محبت ۴۵

ب طرح غیرمستقیم خواسته ها ۴۵

ج دلجویی و دلداری همسر ۴۶

۵. برترین معیارهای انتخاب همسر. ۴۸

کتابنامه.. ۴۸

۴۴. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفت و پاک دامنی / عبدالکریم پاک نیا تبریزی

چکیده. ۵۱

عفاف در قرآن... ۵۲

رابطه عفاف و حجاب... ۵۳

ارتباط عفاف و غیرت... ۵۴

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفاف... ۵۵

الف مظهر عفاف در خانواده. ۵۶

ب عفاف معیار انتخاب... ۵۷

ج تربیت فرزندان عقیف... ۵۷

د پاسدار حریم حیا ۵۸

ه در اوج حیا و عفاف... ۵۹

ز عفت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از منظر اهل نظر ۶۰

در فراق بانوی پاک... ۶۰

کتابنامه.. ۶۱

۴۵. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)؛ ادب و عاطفه / علی اکبر صمدی

چکیده. ۶۳

شخصیت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۶۴

زمینه ازدواج با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۶۵

علایم نبوت در سفر تجارت... ۶۵

عشق سرشار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وسلم). ۶۶

محبت و علاقه دو جانبه.. ۶۷

ادب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در برابر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۶۸

قدردانی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۰

کتابنامه.. ۷۱

۴۶. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / سید غضنفر موسوی

چکیده. ۷۳

۱. نسب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۴

۲. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در قرآن... ۷۴

۳. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). ۷۵

۴. سخنان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در عظمت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۶

۵. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از زبان حضرت آدم. ۷۷

۶. ایمان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۷

۷. ویژگی های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۸

الف ایمان... ۷۸

ب تدبیر عالمانه.. ۷۹

ج یگانه یاور اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). ۷۹

د قابله شدن چهار زن بهشتی برای او. ۷۹

ه از بانوان برتر بهشتی... ۸۰

و دعاها و باور راسخ به خدا ۸۰

ز کفن مخصوص..... ۸۰

ح مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت.... ۸۱

ط رجعت پس از ظهور حضرت مهدی [۸۱

۸. علت نمونه بودن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۸۲

کتابنامه.. ۸۲

۴۷. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره ۳ / سید حسین حُرّ

چکیده. ۸۵

مقدمه ۸۶

هفت نکته قرآنی در سیره حضرت خدیجه طاهره ۳. ۸۷

عفاف و پاک دامنی... ۸۷

ازدواج معنوی... ۸۸

اسلام و ایمان... ۸۸

اقامه نماز. ۸۹

هجرت..... ۸۹

شکیبایی و ثبات قدم.. ۹۰

انفاق و بخشش..... ۹۱

کتابنامه.. ۹۲

۴۸. فضایل، فرزندان، وصیت، رحلت جانسوز و مقامات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / محمّد محمّدی اشتهاردی

چکیده. ۹۵

مقام بسیار ارجمند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۹۶

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در دنیا و آخرت.... ۱۰۰

نگاهی به مقام آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۱

حضرت آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟. ۱۰۱

حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟ ۱۰۲

حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟ ۱۰۳

مباهات امام عَلِيهِ السَّلَامُ و بزرگان به وجود شریف خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۴

ارتباط عمیق خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با خداوند و اعتقاد نیرومند او. ۱۰۷

خانه مبارک خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۸

یاد همیشگی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۹

گریه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جلسه عروسی حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۰

تمجید پیاپی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در طول یک ماه. ۱۱۲

چشم اشکبار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با دیدن گردنبد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۳

فدک به جای مهریه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۵

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آیینہ معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۱۱۶

۱. سلام خدا بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۷

۲. پیوند مقدس اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از معراج.. ۱۱۸

۳. سرچشمه شگفت انگیز ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۸

پاسخ به یک سؤال ... ۱۲۱

کناره گیری چهل روز اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۲

خاطره شب ملاقات با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، از زبان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۴

ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و احترام بانوان بزرگ از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۵

تسلّی خاطر فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رحم مادر، به مادرش در ماجرای شق القمر. ۱۲۷

نذر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و اعلام دستور خدا ۱۲۸

کتابنامه.. ۱۳۰

۴۹. فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / سمیه صبوری

چکیده. ۱۳۳

ام کلثوم و رقیه.. ۱۳۷

فاطمه زهرا. ۳. ۱۳۸

کتابنامه.. ۱۳۹

۵۰. ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / مهدی وزنه

چکیده. ۱۴۱

مقدمه.. ۱۴۱

۱. به یاد خدا بودن... ۱۴۲

۲. شجاعت و کفایت.... ۱۴۴

۳. حیا و عفت.... ۱۴۸

۴. بخشندگی و سخاوت.... ۱۵۰

۵. شریک و مشاور همه.. ۱۵۲

۶. صبر بر مشکلات.... ۱۵۳

۷. مهر و حق شناسی... ۱۵۴

۸. ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه.. ۱۵۶

۹. قدرت مدیریت.... ۱۵۹

۱۰. ابتکار و استقلال جویی... ۱۶۰

۱۱. هدف داری و فداکاری... ۱۶۱

۱۲. حق جویی و حق پذیری... ۱۶۲

۱۳. درایت و خردمندی... ۱۶۳

نتیجه.. ۱۶۳

کتابنامه.. ۱۶۴

۵۱. و کجاست مثل خدیجه؟ / محمد عابدی

چکیده. ۱۶۷

مقدمه.. ۱۶۷

اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلی... ۱۶۸

رویش ستاره. ۱۷۰

فصل وصل... ۱۷۴

قبل از طلوع وحی... ۱۷۵

فرزندان خورشید.. ۱۷۶

رسالت غیرعلنی... ۱۷۷

ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۷۸

اظهار اسلام.. ۱۸۰

دعوت آشکار. ۱۸۱

۱. حمایت اجتماعی... ۱۸۱

۲. حمایت های عملی و مالی... ۱۸۲

به سوی معبود. ۱۸۲

به یاد تو. ۱۸۳

۵۲. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) / علی امامی

چکیده. ۱۸۹

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته.. ۱۹۱

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۲

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی... ۱۹۴

۱. سلام خاص الهی... ۱۹۴

۲. فرستادگان ویژه الهی... ۱۹۵

۳. کفن بهشتی... ۱۹۶

۴. در قصری از بهشت ۱۹۶

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). ۱۹۷

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۸

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۹

کتابنامه.. ۱۹۹

۵۳. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) / محمد میانجی

چکیده. ۲۰۱

۱. نگرش ارزشی ۲۰۳

۲. احترام به شخصیت پیامبر ۹. ۲۰۵

۳. تلاش برای جلب رضایت.... ۲۰۵

۴. تصدیق و تأیید اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). ۲۰۷

۵. انفاق اموال... ۲۰۸

۶. تحمل پذیری و صبر. ۲۰۹

۷. انیس و غم زدای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۱۰

۸. مجاهدت و دفاع از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۲۱۱

کتابنامه.. ۲۱۳

۵۴. سیما و منش زیبای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / علی کرمی فریدنی

چکیده. ۲۱۵

انسان ها از نظر منش و روش..... ۲۱۵

از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۷

۱. موهبت نواندیشی و نوگرایی... ۲۱۸

ویژگی نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۹

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در اندیشه جامعه و جهانی نو. ۲۲۰

خاستگاه نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۲۱

مایه های روشنفکری و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۲۲

۲. قدرت مدیریت و ساماندهی... ۲۲۳

۳. ابتکار و استقلال جویی... ۲۲۴

۴. ویژگی هدف داری و فداکاری... ۲۲۵

۵. ویژگی حق جویی و حق پذیری... ۲۲۶

۶. درایت و خردمندی... ۲۲۷

۷. پاک منشی و نجابت.... ۲۲۸

۸. بانوی دانش و بینش..... ۲۲۹

الف در دانش تعبیر خواب... ۲۲۹

ب در شناخت ادیان و مذاهب... ۲۲۹

ج بانوی روایت و درایت... ۲۳۰

د بانوی ادب و هنر. ۲۳۲

۹. گزینش تحسین برانگیز و تاریخ ساز. ۲۳۳

۱۰. پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت... ۲۳۵

الف پیشتازی در اسلام.. ۲۳۵

ب پیشگامی در ایمان... ۲۳۷

ج پیشگامی در نماز. ۲۳۷

د در بیعت برای حمایت از پیامبر آزادی... ۲۳۹

امتیازات اسلام و ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۰

راز نواندیشی و پیشتازی او. ۲۴۱

۱۱. همگامی با امیر ۷ در راه آزادی... ۲۴۲

الف مربی و مدافع لایق روزگار کودک امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۴۲

ب مهر و صف ناپذیر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۴۳

انگیزه های این مهر خالصانه.. ۲۴۴

ج همفکر امیر آزادی در دفاع از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و آیین او. ۲۴۵

د نخستین بیعت کننده با امیر مؤمنان ۷. ۲۴۶

۱۲. پرتوی از نیایش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۶

۱۳. پرتوی از عبادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۷
۱۴. یار همراه اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در راه رشد و نجات جامعه.. ۲۴۹
۱۵. نمونه حق شناسی و رعایت حقوق زبردستان... ۲۵۰
۱۶. نمونه شجاعت و شهامت.... ۲۵۱
۱۷. ویژگی بخشنده‌گی و بزرگ منشی... ۲۵۳
- گواهی اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به بلندنظری و بخشنده‌گی او. ۲۵۵
- نقش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشرفت اسلام و انسان... ۲۵۵
- پدیده اسلام و پیشرفت شگفت آور آن... ۲۵۵
- راز این دگرگونی و پیشرفت.... ۲۵۷
- نقش ممتاز بانوی آزادی در حمایت از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۵۸
- کتابنامه.. ۲۶۱
۵۵. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اسوه فضیلت / سید جواد حسینی
- چکیده. ۲۶۵
- الف آگاهی و اطلاعات.... ۲۶۶
- ب شجاعت.... ۲۶۹
- ج مدیریت.... ۲۷۱
- د ولایت مداری... ۲۷۳
- یک. مربی و مدافع علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۷۳
- دو. مهر وصف ناپذیر. ۲۷۴
- محبت بی نظیر. ۲۷۵

سه. نخستین بیعت کننده با علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۷۵

کتابنامه.. ۲۷۶

۵۶. برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / غلامرضا گلی زواره

چکیده. ۲۷۹

فصل رویش ۲۸۰

فرازهایی از فضیلت های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۸۲

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دید بزرگان... ۲۸۵

کارآفرینی و اشتغال زایی... ۲۸۹

نویدهای نورانی... ۲۹۲

ایثار، مقاومت و بردباری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۲۹۶

رحلت و بعد از آن... ۳۰۰

کتابنامه.. ۳۰۱

۵۷. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) / علی امامی

چکیده. ۳۰۵

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته.. ۳۰۷

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۰۸

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی... ۳۱۰

۱. سلام خاص الهی... ۳۱۰

۲. فرستادگان ویژه الهی... ۳۱۱

۳. کفن بهشتی... ۳۱۲

۴. در قصری از بهشت ۳۱۲

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۳۱۳

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۱۴

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۱۵

کتابنامه.. ۳۱۵

۵۸. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گفتار بزرگان

چکیده. ۳۱۷

یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در خواستگاری حضرت زهرا. ۳۲۱

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در احادیث معراج نبی ۳۲۲

گفتار انبیای الهی، ائمه و اصحاب صدر اسلام ۳۲۲

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در ادعیه، زیارت نامه ها، و واژگان مقدس ۳۲۴

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کلام اندیشمندان و بزرگان معاصر. ۳۲۵

کتابنامه.. ۳۲۶

۵۹. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدگاه شیعه و سنی / حسین تهرانی

چکیده. ۳۲۹

۱. حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۳۳۰

۲. ام المؤمنین حضرت ام سلمه.. ۳۳۰

۳. حضرت اسماء. ۳۳۰

۴. حضرت صفیه.. ۳۳۱

۵. حضرت محمد بن عبد الله بن حسن... ۳۳۱

- ۶ . علی بن عیسیٰ اربلی ... ۳۳۱
- ۷ . علامه ملا محمّد باقر مجلسی ... ۳۳۲
- ۸ . ابن شهر آشوب ... ۳۳۳
- ۹ . سیّد شرف الدّین ... ۳۳۴
- ۱۰ . علامه مامقانی ... ۳۳۴
- ۱۱ . آیت الله خویی ... ۳۳۵
- ۱۲ . عبد الله بن زبیر . ۳۳۵
- ۱۳ . قاضی نعمان مغربی ... ۳۳۶
- ۱۴ . سُبکی ... ۳۳۶
- ۱۵ . محمّد بن احمد قرطبی ... ۳۳۷
- ۱۶ . ابن حجر عسقلانی ... ۳۳۷
- ۱۷ . ابن مغازلی شافعی ... ۳۳۷
- ۱۸ . ابوبکر احمد بیهقی ... ۳۳۸
- ۱۹ . فضل بن روزبهان ... ۳۳۸
- ۲۰ . شمس الدّین ذهبی ... ۳۳۸
- ۲۱ . ابن کثیر دمشقی ... ۳۳۹
- ۲۲ . تقی الدین احمد مقریزی ... ۳۳۹
- ۲۳ . ابن عبدالبرّ . ۳۳۹
- ۲۴ . قندوزی حنفی ... ۳۴۰
- ۲۵ . سبط بن جوزی ... ۳۴۰

۲۶. ابن اثیر. ۳۴۱

۲۷. ابن هشام.. ۳۴۲

۲۸. حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی... ۳۴۲

۲۹. زینب بنت علی فواز عاملی... ۳۴۲

۳۰. دکتر موسی شاهین لاشین... ۳۴۲

۳۱. شیخ عبد الله علایلی... ۳۴۳

۳۲. عبدالعزیز شناوی... ۳۴۴

۳۳. عمر ابونصر. ۳۴۴

۳۴. قدریّه حسین... ۳۴۴

۳۵. بانو سئیّه قراعه.. ۳۴۵

۳۶. دکتر علی ابراهیم حسن... ۳۴۵

۳۷. عمررضا کّحاله.. ۳۴۶

۳۸. سید احمد سایح... ۳۴۶

۳۹. بانو عایشه بنت الشّاطی... ۳۴۶

۴۰. محمّد علی قطب.... ۳۴۸

۴۱. احمد خلیل جمعه.. ۳۴۹

۴۲. سلیمان کّتانی... ۳۵۱

کتابنامه.. ۳۵۱

۶۰. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی کارآفرین / غلامرضا گلی زواره

چکیده. ۳۵۵

شیوه های شایسته در تجارت و اشتغال زایی... ۳۵۶

خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۶۰

کتابنامه.. ۳۶۶

۶۱. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) / منصوره اعتمادی

چکیده. ۳۶۹

مقدمه ۳۶۹

مناسبات اقتصادی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر ۹. ۳۷۰

الف اجاره. ۳۷۱

ب مضاربه.. ۳۷۳

ج اجاره و مضاربه.. ۳۷۳

نقد و بررسی... ۳۷۴

میزان دستمزد. ۳۷۶

محل تجارت ۳۷۷

۱. شام: ۳۷۷

۲. بُصْرَى: ۳۷۸

۳. حُبَاشَه: ۳۷۸

۴. جُرَش: ۳۷۸

رخدادها و وقایع پیش آمده در سفرهای بازرگانی... ۳۷۹

نقد و بررسی ۳۸۵

نتیجه.. ۳۹۱

۶۲. نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گسترش اسلام / سید صاحب برزین، حسین هژیریان

چکیده.. ۳۹۳

مقدمه.. ۳۹۳

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نماد اصالت بخشی اسلام به زن... ۳۹۴

نقش حمایتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان همسری بی بدیل... ۳۹۶

حمایت و نقش روحی و اجتماعی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).. ۴۰۰

حمایت اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).. ۴۰۲

نتیجه گیری... ۴۰۴

کتابنامه.. ۴۰۵

ص: ۴۲۰

معیارهای ارزشی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتخاب محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۳۰

گذشت مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حمایت اجتماعی وی از حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۳۱

فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۳

مرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۵

کتابنامه.. ۳۶

۴۳. نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / عبدالکریم پاک نیا

چکیده. ۳۷

۱. فضائل اخلاقی و علمی... ۳۹

۲. پرورش فرزندان صالح ۴۱

۳. توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان... ۴۳

۴. رعایت آیین شوهرداری... ۴۴

الف ابراز محبت ۴۵

ب طرح غیرمستقیم خواسته ها ۴۵

ج دلجویی و دلداری همسر ۴۶

۵. برترین معیارهای انتخاب همسر. ۴۸

کتابنامه.. ۴۸

۴۴. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفت و پاک دامنی / عبدالکریم پاک نیا تبریزی

چکیده. ۵۱

عفاف در قرآن... ۵۲

رابطه عفاف و حجاب.... ۵۳

ارتباط عفاف و غیرت... ۵۴

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفاف... ۵۵

الف مظهر عفاف در خانواده. ۵۶

ب عفاف معیار انتخاب... ۵۷

ص: ۴۲۱

ج تربیت فرزندان عقیف.... ۵۷

د پاسدار حریم حیا ۵۸

ه در اوج حیا و عفاف.... ۵۹

ز عفت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از منظر اهل نظر ۶۰

در فراق بانوی پاک.... ۶۰

کتابنامه.. ۶۱

۴۵. اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)؛ ادب و عاطفه / علی اکبر صمدی

چکیده. ۶۳

شخصیت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۶۴

زمینه ازدواج با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۶۵

علایم نبوت در سفر تجارت.... ۶۵

عشق سرشار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۶۶

محبت و علاقه دو جانبه.. ۶۷

ادب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در برابر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۶۸

قدردانی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۰

کتابنامه.. ۷۱

۴۶. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / سید غضنفر موسوی

چکیده. ۷۳

۱. نسب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۴

۲. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در قرآن... ۷۴

۳. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۷۵

۴. سخنان اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در عظمت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۶

۵. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از زبان حضرت آدم ۷۷.۷

۶. ایمان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۷

ص: ۴۲۲

۷. ویژگی های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۸

الف ایمان... ۷۸

ب تدبیر عالمانه.. ۷۹

ج یگانه یاور اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). ۷۹

د قابله شدن چهار زن بهشتی برای او. ۷۹

ه از بانوان برتر بهشتی... ۸۰

و دعاها و باور راسخ به خدا ۸۰

ز کفن مخصوص..... ۸۰

ح مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت.... ۸۱

ط رجعت پس از ظهور حضرت مهدی [۸۱

۸. علت نمونه بودن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۸۲

کتابنامه.. ۸۲

۴۷. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره ۳ / سید حسین خُرّ

چکیده. ۸۵

مقدمه ۸۶

هفت نکته قرآنی در سیره حضرت خدیجه طاهره ۳. ۸۷

عفاف و پاک دامنی... ۸۷

ازدواج معنوی... ۸۸

اسلام و ایمان... ۸۸

اقامه نماز. ۸۹

هجرت ۸۹

شکيایی و ثبات قدم.. ۹۰

انفاق و بخشش..... ۹۱

کتابنامه.. ۹۲

ص: ۴۲۳

مقام بسیار ارجمند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۹۶

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در دنیا و آخرت.... ۱۰۰

نگاهی به مقام آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۱

حضرت آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟. ۱۰۱

حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟. ۱۰۲

حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟. ۱۰۳

مباهات امام عَلَیْهِ السَّلَامُ و بزرگان به وجود شریف خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۴

ارتباط عمیق خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با خداوند و اعتقاد نیرومند او. ۱۰۷

خانه مبارک خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۸

یاد همیشگی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۹

گریه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در جلسه عروسی حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۰

تمجید پیاپی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در طول یک ماه. ۱۱۲

چشم اشکبار اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) با دیدن گردنبد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۳

فدک به جای مهریه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۵

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آئینه معراج اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ). ۱۱۶

۱. سلام خدا بر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۷

۲. پیوند مقدس اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) با خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از معراج.. ۱۱۸

۳. سرچشمه شگفت انگیز ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۸

کناره گیری چهل روز اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۲

خاطره شب ملاقات با اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، از زبان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۴

ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و احترام بانوان بزرگ از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۵

تسلی خاطر فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رحم مادر، به مادرش در ماجرای شق القمر. ۱۲۷

نذر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و اعلام دستور خدا ۱۲۸

کتابنامه.. ۱۳۰

۴۹. فرزندان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / سمیه صبوری

چکیده. ۱۳۳

ام کلثوم و رقیه.. ۱۳۷

فاطمه زهرا. ۳. ۱۳۸

کتابنامه.. ۱۳۹

۵۰. ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / مهدی وزنه

چکیده. ۱۴۱

مقدمه.. ۱۴۱

۱. به یاد خدا بودن... ۱۴۲

۲. شجاعت و کفایت.... ۱۴۴

۳. حیا و عفت.... ۱۴۸

۴. بخشندگی و سخاوت.... ۱۵۰

۵. شریک و مشاور همه.. ۱۵۲

۶. صبر بر مشکلات.... ۱۵۳

۷. مهر و حق شناسی... ۱۵۴

۸. ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه.. ۱۵۶

۹. قدرت مدیریت.... ۱۵۹

۱۰. ابتکار و استقلال جویی... ۱۶۰

۱۱. هدف داری و فداکاری... ۱۶۱

۱۲. حق جویی و حق پذیری... ۱۶۲

۱۳. درایت و خردمندی... ۱۶۳

نتیجه.. ۱۶۳

ص: ۴۲۵

کتابنامه.. ۱۶۴

۵۱. و کجاست مثل خدیجه؟ / محمد عابدی

چکیده. ۱۶۷

مقدمه.. ۱۶۷

اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلی... ۱۶۸

رویش ستاره. ۱۷۰

فصل وصل... ۱۷۴

قبل از طلوع وحی... ۱۷۵

فرزندان خورشید... ۱۷۶

رسالت غیرعلنی... ۱۷۷

ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۷۸

اظهار اسلام.. ۱۸۰

دعوت آشکار. ۱۸۱

۱. حمایت اجتماعی... ۱۸۱

۲. حمایت های عملی و مالی... ۱۸۲

به سوی معبود. ۱۸۲

به یاد تو. ۱۸۳

کتابنامه.. ۱۸۵

۵۲. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) / علی امامی

چکیده. ۱۸۹

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته.. ۱۹۱

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۲

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی... ۱۹۴

۱. سلام خاص الهی... ۱۹۴

ص: ۴۲۶

۲. فرستادگان ویژه الهی... ۱۹۵

۳. کفن بهشتی... ۱۹۶

۴. در قصری از بهشت ۱۹۶

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۱۹۷

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۸

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۹

کتابنامه.. ۱۹۹

۵۳. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) / محمد میانجی

چکیده. ۲۰۱

۱. نگرش ارزشی ۲۰۳

۲. احترام به شخصیت پیامبر ۹. ۲۰۵

۳. تلاش برای جلب رضایت.... ۲۰۵

۴. تصدیق و تأیید اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۰۷

۵. انفاق اموال... ۲۰۸

۶. تحمل پذیری و صبر. ۲۰۹

۷. انیس و غم زدای اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۱۰

۸. مجاهدت و دفاع از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۲۱۱

کتابنامه.. ۲۱۳

۵۴. سیما و منش زیبای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / علی کرمی فریدنی

چکیده. ۲۱۵

انسان ها از نظر منش و روش..... ۲۱۵

از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۷

۱. موهبت نواندیشی و نوگرایی... ۲۱۸

ویژگی نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۹

ص: ۴۲۷

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در اندیشه جامعه و جهانی نو. ۲۲۰

خاستگاه نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۲۱

مایه های روشنفکری و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۲۲

۲. قدرت مدیریت و ساماندهی... ۲۲۳

۳. ابتکار و استقلال جویی... ۲۲۴

۴. ویژگی هدف داری و فداکاری... ۲۲۵

۵. ویژگی حق جویی و حق پذیری... ۲۲۶

۶. درایت و خردمندی... ۲۲۷

۷. پاک منشی و نجابت... ۲۲۸

۸. بانوی دانش و بینش... ۲۲۹

الف در دانش تعبیر خواب... ۲۲۹

ب در شناخت ادیان و مذاهب... ۲۲۹

ج بانوی روایت و درایت... ۲۳۰

د بانوی ادب و هنر. ۲۳۲

۹. گزینش تحسین برانگیز و تاریخ ساز. ۲۳۳

۱۰. پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت... ۲۳۵

الف پیشتازی در اسلام.. ۲۳۵

ب پیشگامی در ایمان... ۲۳۷

ج پیشگامی در نماز. ۲۳۷

د در بیعت برای حمایت از پیامبر آزادی... ۲۳۹

امتیازات اسلام و ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۰

راز نواندیشی و پیشتازی او. ۲۴۱

۱۱. همگامی با امیر ۷ در راه آزادی... ۲۴۲

الف مربی و مدافع لایق روزگار کودکی امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۴۲

ب مهر وصف ناپذیر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۴۳

انگیزه های این مهر خالصانه.. ۲۴۴

ص: ۴۲۸

ج همفکر امیر آزادی در دفاع از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و آیین او. ۲۴۵

د نخستین بیعت کننده با امیر مؤمنان. ۲۴۶

۱۲. پرتوی از نیایش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۶

۱۳. پرتوی از عبادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۷

۱۴. یار همراه اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در راه رشد و نجات جامعه. ۲۴۹

۱۵. نمونه حق شناسی و رعایت حقوق زیردستان... ۲۵۰

۱۶. نمونه شجاعت و شهامت... ۲۵۱

۱۷. ویژگی بخشنده‌گی و بزرگ منشی... ۲۵۳

گواهی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به بلندنظری و بخشنده‌گی او. ۲۵۵

نقش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشرفت اسلام و انسان... ۲۵۵

پدیده اسلام و پیشرفت شگفت آور آن... ۲۵۵

راز این دگرگونی و پیشرفت... ۲۵۷

نقش ممتاز بانوی آزادی در حمایت از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۵۸

کتابنامه.. ۲۶۱

۵۵. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اسوه فضیلت / سید جواد حسینی

چکیده. ۲۶۵

الف آگاهی و اطلاعات... ۲۶۶

ب شجاعت... ۲۶۹

ج مدیریت... ۲۷۱

د ولایت مداری... ۲۷۳

یک. مرَبّی و مدافع علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۷۳

دو. مهر و صف ناپذیر. ۲۷۴

محبت بی نظیر. ۲۷۵

سه. نخستین بیعت کننده با علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۷۵

کتابنامه.. ۲۷۶

ص: ۴۲۹

۵۶. برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / غلامرضا گلی زواره

چکیده. ۲۷۹

فصل رویش ۲۸۰

فرازهایی از فضیلت های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۸۲

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دید بزرگان... ۲۸۵

کارآفرینی و اشتغال زایی... ۲۸۹

نویدهای نورانی... ۲۹۲

ایثار، مقاومت و بردباری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۲۹۶

رحلت و بعد از آن... ۳۰۰

کتابنامه.. ۳۰۱

۵۷. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) / علی امامی

چکیده. ۳۰۵

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته.. ۳۰۷

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۰۸

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی... ۳۱۰

۱. سلام خاص الهی... ۳۱۰

۲. فرستادگان ویژه الهی... ۳۱۱

۳. کفن بهشتی... ۳۱۲

۴. در قصری از بهشت ۳۱۲

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). ۳۱۳

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۱۴

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۱۵

کتابنامه.. ۳۱۵

۵۸. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گفتار بزرگان

ص: ۴۳۰

یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در خواستگاری حضرت زهرا. ۳۲۱

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در احادیث معراج نبی ۳۲۲

گفتار انبیای الهی ، ائمه و اصحاب صدر اسلام ۳۲۲

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در ادعیه ، زیارت نامه ها ، و واژگان مقدس ۳۲۴

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کلام اندیشمندان و بزرگان معاصر. ۳۲۵

کتابنامه.. ۳۲۶

۵۹. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدگاه شیعه و سنی / حسین تهرانی

۱. حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۳۳۰

۲. ام المؤمنین حضرت ام سلمه.. ۳۳۰

۳. حضرت اسماء. ۳. ۳۳۰

۴. حضرت صفیه.. ۳۳۱

۵. حضرت محمد بن عبد الله بن حسن ... ۳۳۱

۶. علی بن عیسی اربلی ... ۳۳۱

۷. علامه ملا محمدباقر مجلسی... ۳۳۲

۸. ابن شهر آشوب.... ۳۳۳

۹. سید شرف الدین... ۳۳۴

۱۰. علامه مامقانی... ۳۳۴

۱۱. آیت الله خویی ۳۳۵

١٢ . عبد الله بن زيير. ٣٣٥

١٣ . قاضي نعمان مغربي... ٣٣٦

١٤ . سبكي... ٣٣٦

١٥ . محمد بن احمد قرطبي... ٣٣٧

١٦ . ابن حجر عسقلاني... ٣٣٧

ص: ٤٣١

- ۱۷ . ابن مغزلی شافعی ... ۳۳۷
- ۱۸ . ابوبکر احمد بیهقی ... ۳۳۸
- ۱۹ . فضل بن روزبهان ... ۳۳۸
- ۲۰ . شمس الدین ذهبی ... ۳۳۸
- ۲۱ . ابن کثیر دمشقی ... ۳۳۹
- ۲۲ . تقی الدین احمد مقریزی ... ۳۳۹
- ۲۳ . ابن عبدالبرّ . ۳۳۹
- ۲۴ . قندوزی حنفی ... ۳۴۰
- ۲۵ . سبط بن جوزی ... ۳۴۰
- ۲۶ . ابن اثیر . ۳۴۱
- ۲۷ . ابن هشام .. ۳۴۲
- ۲۸ . حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی ... ۳۴۲
- ۲۹ . زینب بنت علی فواز عاملی ... ۳۴۲
- ۳۰ . دکتر موسی شاهین لاشین ... ۳۴۲
- ۳۱ . شیخ عبد الله علایلی ... ۳۴۳
- ۳۲ . عبدالعزیز شناوی ... ۳۴۴
- ۳۳ . عمر ابونصر . ۳۴۴
- ۳۴ . قدریّه حسین ... ۳۴۴
- ۳۵ . بانو ستیّه قراعه .. ۳۴۵
- ۳۶ . دکتر علی ابراهیم حسن ... ۳۴۵

٣٧ . عمر رضا كحاله.. ٣٤٦

٣٨ . سيد احمد سايج... ٣٤٦

٣٩ . بانو عايشه بنت الشاطي... ٣٤٦

٤٠ . محمد علي قطب.... ٣٤٨

٤١ . احمد خليل جمعه.. ٣٤٩

٤٢ . سليمان كتاني... ٣٥١

ص: ٤٣٢

کتابنامه.. ۳۵۱

۶۰. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی کارآفرین / غلامرضا گلی زواره

چکیده. ۳۵۵

شیوه های شایسته در تجارت و اشتغال زایی... ۳۵۶

خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۶۰

کتابنامه.. ۳۶۶

۶۱. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) / منصوره اعتمادی

چکیده. ۳۶۹

مقدمه ۳۶۹

مناسبات اقتصادی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر ۹. ۳۷۰

الف اجاره. ۳۷۱

ب مضاربه.. ۳۷۳

ج اجاره و مضاربه.. ۳۷۳

نقد و بررسی... ۳۷۴

میزان دستمزد. ۳۷۶

محل تجارت ۳۷۷

۱. شام: ۳۷۷

۲. بُصری: ۳۷۸

۳. حُبَاشَه: ۳۷۸

۴. جُرَش: ۳۷۸

رخدادها و وقایع پیش آمده در سفرهای بازرگانی... ۳۷۹

نقد و بررسی ۳۸۵

نتیجه.. ۳۹۱

کتابنامه.. ۳۹۱

ص: ۴۳۳

۴۱. فروغ آسمان حجاز: نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتشار اسلام / اعظم ابوالحسنی

چکیده. ۷

اولین زن مسلمان ۸

تبلیغات دینی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰

جریان انذار عشیره. ۱۳

نقش حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در شعب ابی طالب... ۱۴

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بستر بیماری... ۱۵

وصیت نامه حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۶

رحلت جانسوز امّ المؤمنین... ۱۷

تکریم اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۸

افتخار و اکرام ائمه: نسبت به حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۸

کتابنامه.. ۲۰

۴۲. نقش طاهره قریش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در زندگی و پیروزی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) / اکبر

حمیدزاده

چکیده. ۲۳

ولادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۳

خاندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پیش از ازدواج با محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۲۵

محبوبه بی نظیر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۷

والایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۹

معیارهای ارزشی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در انتخاب محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۳۰

گذشت مالی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و حمایت اجتماعی وی از حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). ۳۱

فرزندان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۳

مرگ خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۵

کتابنامه.. ۳۶

۴۳. نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / عبدالکریم پاک نیا

چکیده. ۳۷

۱. فضائل اخلاقی و علمی... ۳۹

۲. پرورش فرزندان صالح ۴۱

۳. توجه به نیازهای عاطفی و خواسته های فرزندان... ۴۳

۴. رعایت آیین شوهرداری... ۴۴

الف ابراز محبت ۴۵

ب طرح غیرمستقیم خواسته ها ۴۵

ج دلجویی و دلداری همسر ۴۶

۵. برترین معیارهای انتخاب همسر. ۴۸

کتابنامه.. ۴۸

۴۴. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفت و پاک دامنی / عبدالکریم پاک نیا تبریزی

چکیده. ۵۱

عفاف در قرآن... ۵۲

رابطه عفاف و حجاب.... ۵۳

ارتباط عفاف و غیرت.... ۵۴

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، الگوی عفاف.... ۵۵

الف مظهر عفاف در خانواده. ۵۶

ب عفاف معیار انتخاب.... ۵۷

ج تربیت فرزندان عقیف.... ۵۷

د پاسدار حریم حیا ۵۸

ه در اوج حیا و عفاف.... ۵۹

ز عفت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از منظر اهل نظر ۶۰

در فراق بانوی پاک.... ۶۰

کتابنامه.. ۶۱

۴۵. اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)؛ ادب و عاطفه / علی اکبر صمدی

چکیده. ۶۳

شخصیت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۶۴

زمینه ازدواج با رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۶۵

علایم نبوت در سفر تجارت.... ۶۵

عشق سرشار خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وسلم). ۶۶

محبت و علاقه دو جانبه.. ۶۷

ادب خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در برابر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۶۸

قدردانی رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) از خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۰

کتابنامه.. ۷۱

۴۶. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / سید غضنفر موسوی

چکیده. ۷۳

۱. نسب حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۴

۲. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در قرآن... ۷۴

۳. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نزد اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۷۵

۴. سخنان اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در عظمت حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۶

۵. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از زبان حضرت آدم. ۷۷

۶. ایمان حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۷

۷. ویژگی های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۷۸

الف ایمان... ۷۸

ب تدبیر عالمانه.. ۷۹

ج یگانه یاور اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۷۹

د قابله شدن چهار زن بهشتی برای او. ۷۹

ه از بانوان برتر بهشتی... ۸۰

و دعاها و باور راسخ به خدا ۸۰

ز کفن مخصوص..... ۸۰

ح مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در بهشت.... ۸۱

ط رجعت پس از ظهور حضرت مهدی [۸۱

۸. علت نمونه بودن حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۸۲

کتابنامه.. ۸۲

۴۷. هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره ۳ / سید حسین حُرّ

چکیده. ۸۵

مقدمه ۸۶

هفت نکته قرآنی در سیره حضرت خدیجه طاهره ۳. ۸۷

عفاف و پاک دامنی... ۸۷

ازدواج معنوی... ۸۸

اسلام و ایمان... ۸۸

اقامه نماز. ۸۹

هجرت.... ۸۹

شکیبایی و ثبات قدم.. ۹۰

انفاق و بخشش..... ۹۱

کتابنامه.. ۹۲

۴۸. فضایل، فرزندان، وصیت، رحلت جانسوز و مقامات حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / محمد محمدی اشتهاردی

چکیده. ۹۵

مقام بسیار ارجمند خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۹۶

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) همسر رسول خدا (صلی الله و آله وسلم) در دنیا و آخرت.... ۱۰۰

نگاهی به مقام آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۱

حضرت آسیه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟. ۱۰۱

حضرت مریم (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟. ۱۰۲

حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) کیست؟. ۱۰۳

مباهات امام عَلِيهِ السَّلَامُ و بزرگان به وجود شريف خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۴

ارتباط عميق خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با خداوند و اعتقاد نيرومند او. ۱۰۷

خانه مبارك خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۸

ياد هميشگي اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۰۹

گريه اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در جلسه عروسي حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۰

تمجيد پياي اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در طول يك ماه. ۱۱۲

چشم اشكبار اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با ديدن گردنبند خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۳

فدك به جاي مهرية خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۵

خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در آيينه معراج اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). ۱۱۶

۱. سلام خدا بر خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۷

۲. پيوند مقدس اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) با خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) پس از معراج.. ۱۱۸

۳. سرچشمه شگفت انگيز ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۱۸

پاسخ به يك سؤال... ۱۲۱

كناره گيري چهل روز اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) از خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۲

خاطره شب ملاقات با اكرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، از زبان خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۴

ولادت حضرت زهرا (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و احترام بانوان بزرگ از خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۲۵

تسلي خاطر فاطمه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در رحم مادر، به مادرش در ماجرای شق القمر. ۱۲۷

نذر خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) و اعلام دستور خدا ۱۲۸

کتابنامه.. ۱۳۰

۴۹. فرزندان حضرت خديجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / سميه صبوري

چکیده. ۱۳۳

ام کلثوم و رقیه.. ۱۳۷

فاطمه زهرا. ۳۱. ۱۳۸

کتابنامه.. ۱۳۹

۵۰. ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / مهدی وزنه

چکیده. ۱۴۱

مقدمه.. ۱۴۱

۱. به یاد خدا بودن... ۱۴۲

۲. شجاعت و کفایت.... ۱۴۴

۳. حیا و عفت.... ۱۴۸

۴. بخشندگی و سخاوت.... ۱۵۰

۵. شریک و مشاور همه.. ۱۵۲

۶. صبر بر مشکلات.... ۱۵۳

۷. مهر و حق شناسی... ۱۵۴

۸. ایجاد فضای پربرکت و معنوی در خانه.. ۱۵۶

۹. قدرت مدیریت.... ۱۵۹

۱۰. ابتکار و استقلال جویی... ۱۶۰

۱۱. هدف داری و فداکاری... ۱۶۱

۱۲. حق جویی و حق پذیری... ۱۶۲

۱۳. درایت و خردمندی... ۱۶۳

نتیجه.. ۱۶۳

کتابنامه.. ۱۶۴

۵۱. و کجاست مثل خدیجه؟ / محمد عابدی

چکیده. ۱۶۷

مقدمه.. ۱۶۷

اوضاع اجتماعی زنان در عصر جاهلی... ۱۶۸

رویش ستاره. ۱۷۰

فصل وصل... ۱۷۴

قبل از طلوع وحی... ۱۷۵

فرزندان خورشید.. ۱۷۶

رسالت غیرعلنی... ۱۷۷

ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۷۸

اظهار اسلام.. ۱۸۰

دعوت آشکار. ۱۸۱

۱. حمایت اجتماعی... ۱۸۱

۲. حمایت های عملی و مالی... ۱۸۲

به سوی معبود. ۱۸۲

به یاد تو. ۱۸۳

کتابنامه.. ۱۸۵

۵۲. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) / علی امامی

چکیده. ۱۸۹

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته.. ۱۹۱

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۲

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی... ۱۹۴

۱. سلام خاص الهی... ۱۹۴

۲. فرستادگان ویژه الهی... ۱۹۵

۳. کفن بهشتی... ۱۹۶

۴. در قصری از بهشت ۱۹۶

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۱۹۷

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۸

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۱۹۹

کتابنامه.. ۱۹۹

۵۳. نگاهی به ویژگی های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) / محمد میانجی

چکیده. ۲۰۱

۱. نگرش ارزشی ۲۰۳

۲. احترام به شخصیت پیامبر ۲۰۵

۳. تلاش برای جلب رضایت... ۲۰۵

۴. تصدیق و تأیید اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۰۷

۵. انفاق اموال... ۲۰۸

۶. تحمل پذیری و صبر. ۲۰۹

۷. انیس و غم زدای اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۱۰

۸. مجاهدت و دفاع از رسول خدا (صلی الله و آله وسلم). ۲۱۱

کتابنامه.. ۲۱۳

۵۴. سیما و منش زیبای خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / علی کرمی فریدنی

چکیده. ۲۱۵

انسان ها از نظر منش و روش..... ۲۱۵

از امتیازات خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۷

۱. موهبت نواندیشی و نوگرایی... ۲۱۸

ویژگی نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۱۹

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در اندیشه جامعه و جهانی نو. ۲۲۰

خاستگاه نواندیشی و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۲۱

مایه های روشنفکری و نوگرایی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۲۲

۲. قدرت مدیریت و ساماندهی... ۲۲۳

۳. ابتکار و استقلال جویی... ۲۲۴

۴. ویژگی هدف داری و فداکاری... ۲۲۵

۵. ویژگی حق جویی و حق پذیری... ۲۲۶

۶. درایت و خردمندی... ۲۲۷

۷. پاک منشی و نجابت..... ۲۲۸

۸. بانوی دانش و بینش..... ۲۲۹

الف در دانش تعبیر خواب... ۲۲۹

ب در شناخت ادیان و مذاهب ۲۲۹

ج بانوی روایت و درایت ۲۳۰

د بانوی ادب و هنر. ۲۳۲

۹. گزینش تحسین برانگیز و تاریخ ساز. ۲۳۳

۱۰. پیشتازترین بانو در گرایش به حق و عدالت ۲۳۵

الف پیشتازی در اسلام.. ۲۳۵

ب پیشگامی در ایمان... ۲۳۷

ج پیشگامی در نماز. ۲۳۷

د در بیعت برای حمایت از پیامبر آزادی... ۲۳۹

امتیازات اسلام و ایمان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۰

راز نواندیشی و پیشتازی او. ۲۴۱

۱۱. همگامی با امیر ۷ در راه آزادی... ۲۴۲

الف مربی و مدافع لایق روزگار کودک کی امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۴۲

ب مهر و وصف ناپذیر خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۴۳

انگیزه های این مهر خالصانه.. ۲۴۴

ج همفکر امیر آزادی در دفاع از اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) و آیین او. ۲۴۵

د نخستین بیعت کننده با امیر مؤمنان ۷. ۲۴۶

۱۲. پرتوی از نیایش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۶

۱۳. پرتوی از عبادت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۴۷

۱۴. یار همراه اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در راه رشد و نجات جامعه.. ۲۴۹

۱۵. نمونه حق شناسی و رعایت حقوق زبردستان... ۲۵۰

۱۶. نمونه شجاعت و شهامت... ۲۵۱

۱۷. ویژگی بخشندگی و بزرگ منشی... ۲۵۳

گواهی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به بلندنظری و بخشندگی او. ۲۵۵

نقش خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشرفت اسلام و انسان... ۲۵۵

پدیده اسلام و پیشرفت شکفت آور آن... ۲۵۵

راز این دگرگونی و پیشرفت... ۲۵۷

نقش ممتاز بانوی آزادی در حمایت از اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ). ۲۵۸

کتابنامه.. ۲۶۱

۵۵. خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) اسوه فضیلت / سید جواد حسینی

چکیده. ۲۶۵

الف آگاهی و اطلاعات... ۲۶۶

ب شجاعت... ۲۶۹

ج مدیریت... ۲۷۱

د ولایت مداری... ۲۷۳

یک. مربی و مدافع علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۷۳

دو. مهر وصف ناپذیر. ۲۷۴

محبت بی نظیر. ۲۷۵

سه. نخستین بیعت کننده با علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۲۷۵

کتابنامه.. ۲۷۶

۵۶. برگی از فضایل حضرت خدیجه کبری (عَلَيْهَا السَّلَامُ) / غلامرضا گلی زواره

چکیده. ۲۷۹

فصل رویش ۲۸۰

فرازهایی از فضیلت های حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۲۸۲

حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دید بزرگان... ۲۸۵

کارآفرینی و اشتغال زایی... ۲۸۹

نویدهای نورانی... ۲۹۲

ایثار، مقاومت و بردباری حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ۲۹۶

رحلت و بعد از آن... ۳۰۰

کتابنامه.. ۳۰۱

۵۷. مقام حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه خدا و رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ) / علی امامی

چکیده. ۳۰۵

ضرورت بیان فضائل زنان شایسته.. ۳۰۷

ریشه مقامات و فضائل خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۰۸

الف مقام خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در پیشگاه الهی... ۳۱۰

۱. سلام خاص الهی... ۳۱۰

۲. فرستادگان ویژه الهی... ۳۱۱

۳. کفن بهشتی... ۳۱۲

۴. در قصری از بهشت ۳۱۲

ب منزلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در نزد پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ). ۳۱۳

۱. یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۱۴

۲. اظهار محبت به دوستان خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ). ۳۱۵

کتابنامه.. ۳۱۵

۵۸. فضیلت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گفتار بزرگان

چکیده. ۳۱۷

یاد خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در خواستگاری حضرت زهرا. ۳۲۱

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در احادیث معراج نبی ۳۲۲

گفتار انبیای الهی، ائمه و اصحاب صدر اسلام ۳۲۲

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در ادعیه، زیارت نامه ها، و واژگان مقدس ۳۲۴

خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در کلام اندیشمندان و بزرگان معاصر. ۳۲۵

کتابنامه.. ۳۲۶

۵۹. حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) از دیدگاه شیعه و سنی / حسین تهرانی

چکیده. ۳۲۹

۱. حضرت ابوطالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ). ۳۳۰

۲. ام المؤمنین حضرت ام سلمه.. ۳۳۰

۳. حضرت اسماء. ۳۳۰

۴. حضرت صفیه.. ۳۳۱

۵. حضرت محمد بن عبد الله بن حسن ... ۳۳۱

۶. علی بن عیسی اربلی ... ۳۳۱

۷. علامه ملا محمدباقر مجلسی ... ۳۳۲

۸. ابن شهر آشوب... ۳۳۳
۹. سید شرف الدین... ۳۳۴
۱۰. علامه مامقانی... ۳۳۴
۱۱. آیت الله خویی ۳۳۵
۱۲. عبد الله بن زبیر. ۳۳۵
۱۳. قاضی نعمان مغربی... ۳۳۶
۱۴. سبکی... ۳۳۶
۱۵. محمد بن احمد قرطبی... ۳۳۷
۱۶. ابن حجر عسقلانی... ۳۳۷
۱۷. ابن مغزلی شافعی... ۳۳۷
۱۸. ابوبکر احمد بیهقی... ۳۳۸
۱۹. فضل بن روزبهان... ۳۳۸
۲۰. شمس الدین ذهبی... ۳۳۸
۲۱. ابن کثیر دمشقی... ۳۳۹
۲۲. تقی الدین احمد مقریزی... ۳۳۹
۲۳. ابن عبدالبرّ. ۳۳۹
۲۴. قندوزی حنفی... ۳۴۰
۲۵. سبط بن جوزی... ۳۴۰
۲۶. ابن اثیر. ۳۴۱
۲۷. ابن هشام.. ۳۴۲

۲۸ . حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی ... ۳۴۲

۲۹ . زینب بنت علی فواز عاملی ... ۳۴۲

۳۰ . دکتر موسی شاهین لاشین ... ۳۴۲

۳۱ . شیخ عبد الله علایلی ... ۳۴۳

۳۲ . عبدالعزیز شناوی ... ۳۴۴

۳۳ . عمر ابونصر . ۳۴۴

۳۴ . قدریّه حسین ... ۳۴۴

۳۵ . بانو ستیّه قراعه .. ۳۴۵

۳۶ . دکتر علی ابراهیم حسن ... ۳۴۵

۳۷ . عمررضا کخّاله .. ۳۴۶

۳۸ . سید احمد سایح ... ۳۴۶

۳۹ . بانو عایشه بنت الشاطی ... ۳۴۶

۴۰ . محمّد علی قطب ۳۴۸

۴۱ . احمد خلیل جمعه .. ۳۴۹

۴۲ . سلیمان کتّانی ... ۳۵۱

کتانامه .. ۳۵۱

۶۰ . خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بانوی کارآفرین / غلامرضا گلی زواره

چکیده . ۳۵۵

شیوه های شایسته در تجارت و اشتغال زایی ... ۳۵۶

خانه خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) . ۳۶۰

کتابنامه.. ۳۶۶

۶۱. مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) / منصوره اعتمادی

چکیده.. ۳۶۹

مقدمه ۳۶۹

مناسبات اقتصادی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) با پیامبر ۹. ۳۷۰

الف اجاره.. ۳۷۱

ب مضاربه.. ۳۷۳

ج اجاره و مضاربه.. ۳۷۳

نقد و بررسی... ۳۷۴

میزان دستمزد.. ۳۷۶

محل تجارت ۳۷۷

۱. شام: ۳۷۷

۲. بصری: ۳۷۸

۳. حُباشَه: ۳۷۸

۴. جَرَش: ۳۷۸

رخدادها و وقایع پیش آمده در سفرهای بازرگانی... ۳۷۹

نقد و بررسی ۳۸۵

نتیجه.. ۳۹۱

کتابنامه.. ۳۹۱

۶۲. نقش اجتماعی و اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) در گسترش اسلام / سید صاحب برزین، حسین هژیریان

چکیده. ۳۹۳

مقدمه.. ۳۹۳

خدیده (عَلَيْهَا السَّلَامُ) نماد اصالت بخشی اسلام به زن... ۳۹۴

نقش حمایتی خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ) به عنوان همسری بی بدیل... ۳۹۶

حمایت و نقش روحی و اجتماعی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).. ۴۰۰

حمایت اقتصادی حضرت خدیجه (عَلَيْهَا السَّلَامُ).. ۴۰۲

نتیجه گیری... ۴۰۴

کتابنامه.. ۴۰۵

ص: ۴۳۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

